

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مطالعات قرائت قرآن

دوفصل نامه علمی

سال یازدهم، شماره ۲۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: جامعة المصطفی العالمية

محل انتشار: مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث

مدیر مسئول: محمدعلی رضایی اصفهانی

سر دبیر: محمد فاکر میبدی

شاپا چاپی: ۶۹۰۶ - ۲۶۷۶

شاپا الکترونیکی: ۶۹۱۴ - ۲۶۷۶

گروه دبیران

قاسم بستانی
دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز
محمد جنتی فر
دانشیار زبان و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی قم
محمدرضا ستوده نیا
دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

محمدرضا حاج اسماعیلی
استاد علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان
محمدعلی رضایی اصفهانی
استاد علوم قرآن و حدیث جامعة المصطفی العالمية
محمد فاکر میبدی
استاد علوم قرآن و حدیث جامعة المصطفی العالمية
محمد مهدی گرجیان
استاد عرفان اسلامی جامعة المصطفی العالمية

گروه دبیران بین المللی:

فرج الله الشاذلی (استاد جامعه الازهر- مصر)
محمد امین ماشانی (دانشیار دانشگاه مرمره- استانبول)
عبدالرحمان انواری (استاد دانشگاه کوشیتا- بتگلادش)

دبیر اجرایی: عباس کریمی

مدیر داخلی: عباس کریمی

ویراستار: علی فرهنگدیان

صفحه آرا: اکبر جعفری

مترجم چکیده های انگلیسی: برکت الله سینوی

شمارگان: ۵۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰/۰۰۰ ریال

نشانی: قم، میدان جهاد، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث

www.quran.imam.miu.ac.ir، معاونت پژوهش،

تلفن: ۰۳۵-۳۷۱۱۰۳۵۰ نمایر: ۰۲۵-۳۷۷۳۴۰۹۴ صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۳۷۹۷

دریافت مقالات از طریق www.qer.journals.miu.ac.ir

Email: Qeratpajohi@imam.miu.ac.ir دریافت نامه از طریق

مسئولیت مقالات بر عهده نویسنده یا نویسندگان است

این مجله با همکاری علمی مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی و مؤسسه پژوهش های قرآنی المهدی سامان یافت.

امتیازات نشریه «مطالعات قرائت قرآن»

۱- رتبه علمی

نشریه «مطالعات قرائت قرآن» بر اساس آیین نامه جدید نشریات علمی وزارت علوم مصوب ۱۳۹۸/۰۲/۰۹ در ارزیابی سال ۱۴۰۱ موفق به کسب رتبه «الف» شده است.

۲- ISC

این مجله در پایگاه اطلاع رسانی استنادی جهان اسلام (ISC) پذیرفته شده و به نشانی **IsC.gov.ir** قابل مشاهده است.

۳- شاپا چاپی: ۶۹۰۶-۲۶۷۶

بر اساس مورخه ۱۳۹۸/۰۸/۱۸ از کتابخانه ملی ایران امتیاز شاپا چاپی دریافت نموده است.

۴- شاپا الکترونیکی: ۶۹۱۴-۲۶۷۶

بر اساس مورخه ۱۳۹۸/۰۸/۱۸ از کتابخانه ملی ایران امتیاز شاپا الکترونیک دریافت نموده است.

مشاوران و داوران این شماره (غیر از اعضای هیئت تحریریه):

۱. استاد محمدرضا شهیدی پور (استادیار و هیئت علمی جامعه المصطفی العالمية)؛
۲. دکتر کریم پارچه باف دولتی (استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم)؛
۳. دکتر محمد امینی تهرانی (استادیار و هیئت علمی جامعه المصطفی العالمية)؛
۴. جناب آقای سعید رحیمی (دانش آموخته دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی العالمية)؛
۵. جناب آقای علی عزیززاده سیاهگوری (استاد همکار گروه علوم و فنون قرائات جامعه المصطفی العالمية)؛
۶. جناب آقای سیدمجتبی اختر رضوی (استاد همکار گروه علوم و فنون قرائات جامعه المصطفی العالمية)؛
۷. جناب آقای محمد بابائی (دانش آموخته دکتری قرآن و علوم جامعه المصطفی العالمية)؛
۸. محمد جواد اسکندرلو (دانشیار و هیئت علمی جامعه المصطفی العالمية)؛
۹. عبدالله جبرئیلی جلودار (استادیار جامعه المصطفی العالمية)؛
۱۰. عباس کریمی (دانش پژوه دکتری قرآن و مستشرقان جامعه المصطفی العالمية)؛
۱۱. علی فرهمندیان (دانش آموخته دکتری علوم حدیث جامعه المصطفی العالمية)؛
۱۲. سمیه صیادی (دانش پژوه سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی مجتمع عالی کوثر تهران)؛
۱۳. الهام زرینکلاه (استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، مرکز آموزش عالی اقلید)؛
۱۴. احمد خالدی (هیئت علمی وابسته دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران)؛

ارزیابان خارجی مقالات

۱. زاهد علی زاهدی (استاد علوم اسلامی، گروه علوم و معارف اسلامی، دانشگاه کراچی - از کشور پاکستان)؛
۲. سیدجنت حسین شاه (دانش آموخته سطح چهار علوم و فنون قرائات جامعه المصطفی العالمية - از کشور پاکستان)؛
۳. ماهر علی قاضی (دانش آموخته سطح چهار علوم و فنون قرائات جامعه المصطفی العالمية - از کشور هند)؛
۴. محمد یونس (دانش آموخته سطح چهار علوم و فنون قرائات جامعه المصطفی العالمية - از کشور بنگلادش)؛
۵. محمد صادق رحیمی (دانش آموخته سطح ۴ علوم و فنون قرائات جامعه المصطفی العالمية - از کشور افغانستان)؛
۶. سید محمود عالمی (دانش آموخته سطح چهار علوم و فنون قرائات جامعه المصطفی العالمية - از کشور افغانستان)؛



فصلنامه تخصصی «قرائت‌پژوهی» با هدف گسترش مطالعات در زمینه علوم و فنون قرائت قرآن و نشر نتایج پژوهش‌های نظام‌مند و مسأله‌محور در حوزه دانش قرائت، تازه‌های پژوهشی صاحب‌نظران را منتشر می‌کند، لذا بدیهی است که مقاله‌بلید دارای اصالت و نوآوری تحلیلی و نتیجه‌کاوش‌های نویسنده یا نویسندگان باشد و در نگارش آن، روش‌های تحقیق علمی رعایت شده و از منابع معتبر و اصیل نیز استفاده گردد. همچنین مقالات ارسالی از لحاظ نگارش و اعتبار علمی و تخصصی باید دارای شرایط زیر باشند:

۱. ارجاع منابع و مآخذ، در متن مقاله در پایان نقل قول یا موضوع استفاده شده، داخل پرانتز و به شکل زیر آورده شود:

❖ منابع فارسی: (نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، سال نشر: جلد/ صفحه)

❖ منابع لاتین: (صفحه، جلد: سال نشر، نام خانوادگی مؤلف)؛

- چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.

- آدرس آیات قرآن بلافاصله پس از آیه و پیش از ترجمه آن، درون متن ذکر شود؛ مثال: ﴿تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ (اعراف/ ۵۴)؛ مبارک است خداوندی که پروردگار همه جهانیان است.

۲. تمام توضیحات اضافی و همچنین، معادل انگلیسی اسامی خاص یا اصطلاحات (در صورت لزوم) با عنوان «یادداشت‌ها»، در انتهای متن مقاله آورده شود (ارجاع و اسناد در یادداشت‌ها مثل متن مقاله، روش درون‌متنی (بند ۱) خواهد بود).

۳. در پایان مقاله، فهرست الفبایی منابع فارسی و لاتین (کتابنامه) به صورت زیر ارائه شود:

❖ کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده، نام کتاب، نام مترجم، محل انتشار: نام ناشر، شماره چاپ (به غیر از چاپ اول)، تاریخ چاپ.

❖ مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی، نام نویسنده، «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه، سال انتشار.

مقاله مندرج در مجموعه مقالات یا دایره‌المعارف‌ها: نام خانوادگی، نام نویسنده (تاریخ چاپ):

«عنوان مقاله»، نام کتاب، نام ویراستار، محل انتشار: نام ناشر، شماره چاپ، شماره جلد.

۴. چکیده حداکثر دارای ۲۰۰ الی ۲۵۰ واژه و دربر دارنده عنوان و موضوع مقاله، بیان مسأله، هدف، روش تحقیق، مهم‌ترین نتایج و فهرستی از واژگان کلیدی (حداکثر ۱۰ واژه) باشد و در ذیل آن نام و نام خانوادگی، رتبه دانشگاهی، شماره تلفن و پست الکترونیکی نویسنده قید گردد.

۵. ترجمه انگلیسی و عربی عنوان مقاله، چکیده و کلیدواژه‌ها همراه مقاله ارسال گردد.

۶. مقاله در کاغذ A4 با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها، در محیط ورد ۲۰۰۷، متن مقاله با قلم B Mitra 13 لاتین Times New Roman 11 و یادداشت‌ها و کتابنامه B Lotus 12 حروفچینی شود.

۷. فایل الکترونیکی مقاله تنها به ایمیل دوفصلنامه «قرائت‌پژوهی» ارسال گردد.

۸. حجم تمام بخش‌های مقاله حداکثر ۲۵ صفحه باشد.

۹. مقاله ارسالی نباید در هیچ مجله داخلی یا خارجی چاپ و یا همزمان به سایر مجلات فرستاده شده باشد.

۱۰. برای مقاله برگرفته از طرح پژوهشی یا رساله، عنوان طرح پژوهشی یا رساله و نام استاد راهنما و مشاوران در صفحه اول درج شود (این گونه مقالات با نام استاد راهنما و دانشجو و با مسئولیت استاد راهنما منتشر می شود).

۱۱. حق رد یا قبول و ویراستاری مقالات برای مجله محفوظ است و مقالات دریافتی برگردانده نمی شود.

۱۲. تأیید نهایی مقاله ها برای چاپ، پس از نظر داوران، با هیئت تحریریه مجله است.

۱۳. مجله در اصلاح و ویرایش مقاله آزاد است.

جهت ارسال مقاله، فایل الکترونیکی مقاله را همراه با مشخصات کامل نویسنده (رتبه علمی، شماره تلفن ثابت و همراه، آدرس محل کار و سکونت و پست الکترونیکی).

اهداف

- تقویت و بسط فضای علمی و پژوهشی در جامعه المصطفی علیه السلام العالمية؛

- ایجاد بستر مناسب برای نظریه پردازی و ابداعات پژوهشی؛

- زمینه سازی جهت تربیت و رشد پژوهشگران و عالمان آشنا به قرائات قرآن؛

- زمینه سازی جهت طرح آراء و انظار استادان و دانش پژوهان رشته علوم و فنون قرائات؛

- گسترش و تعمیق مباحث و مطالعات پژوهشی قرائات قرآن؛

رویکردها

- تحلیل، بررسی و نقد اندیشه های مطرح در حوزه علوم و فنون قرائات قرآن؛

- بررسی چالش های فکری فراروی دانش قرائات و پاسخ گویی به شبهات خاورشناسان؛

- تبیین مبانی فقهی، کلامی و تفسیری امامیه در قرائات؛

- توجه به نیازها و اولویت های پژوهشی علوم و فنون قرائات قرآن؛

- تلاش در جهت ساماندهی و جهت دهی به پژوهش ها و پژوهشگران در حوزه علوم و فنون قرائت قرآن؛

- تعامل و همکاری با مراکز علمی - پژوهشی و نشریات هم سوی داخل و خارج از کشور.

محورهای کلی پذیرش مقالات

۱. بررسی و تحلیل مبانی و اصول قرائات؛

۲. بررسی تطبیقی دانش قرائت با دانش های تفسیر، ادبیات، بلاغت، فقه، وقف و ابتدا و...؛

۳. تحلیل ساختاری قرائت های مشهور؛

۴. تاریخ قرائات؛

۵. توجیه قرائات؛

۶. بررسی تطبیقی و تحلیلی شیوه های آموزش حفظ و قرائت قرآن؛

۷. بررسی و نقد آراء خاورشناسان قرائت پژوه؛

۸. تحلیل، بررسی و نقد قرائت های مشهور و شواذ؛

۹. بررسی اعجاز ادبی، بلاغی و موسیقایی قرآن؛

۱۰. احیای تحلیلی و تطبیقی تراث علوم و فنون قرائات؛

۱۱. تفسیر تطبیقی آیات مربوط به قرائات.

فهرست مطالب

سخن سردبیر	۷
جایگاه و کارکرد اختلاف قراءات در تفسیر خسروی	
الهام زرینکلاه و آمنه امیدی	۱۰
تأثیر اختلاف قرائات بر فقه از منظر فریقین	
جهانگیر رخسندگان و محمد فائزی	۳۶
پژوهشی در اختلاف قرائت آیه نخست سوره انفال	
حجت علی نژاد و سید محسن موسوی	۶۸
رویکرد تفسیری فخر رازی به قرائت‌های شاذ روایت شده از قراء سبعه	
فریده اعرابی و مهدی افچنگی و ابراهیم باغشنی و محمد علی میر	۸۸
وضعیت سواد قرآنی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان)	
محسن رفیعی و معصومه شریفی	۱۱۶
گونه‌شناسی قرائات منقول از عاصم توسط ابان بن تغلب و تفاوت آن با قرائت حفص	
میثم کهن ترابی	۱۴۰
شاخصه‌های «مهندسی تلاوت» از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای	
حسن زرنوشه فراهانی	۱۶۴
شیوه‌های جدید ترویج قرآن در میان نوجوانان و جوانان با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری	
عبدالله جبرئیلی جلودار و احمد حسین	۱۹۲

مؤلفه‌های تلاوت معنا محور از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

- محمدجواد جعفرملک و علی اصغر شعاعی و محمدجواد شیرمردی ۲۱۸
- تحلیل آثار فردی و اجتماعی کتاب مقدس با تأکید بر آثار انس با قرآن در اندیشه امام خامنه‌ای
- عباس کریمی و مینا وحدانی بنام و رعنا وحدانی بنام ۲۴۲
- راهکارهای انس جوانان با قرآن کریم از دیدگاه امام خامنه‌ای (حفظه‌الله)
- محمد امینی تهرانی و زینب خسروی نیا و زهرا رحمانیان و مرضیه اصغری ۲۶۲
- نقش ترجمه در فهم قرآن از منظر اندیشمندان با تأکید بر دیدگاه امام خامنه‌ای
- حمیدرضا طوسی و نوشین علی‌پور و احمد خالدی ۲۹۰
- اثرگذاری تلاوت از منظر آیت قرآن با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری
- محسن قائمی و کامران اویمی ۳۱۰
- تحلیل ابعاد فردی و اجتماعی اثرگذاری قرائت قرآن از دیدگاه مقام معظم رهبری
- محمدحسین رفیعی و خدیجه حسین زاده باردنی و حمیرا ابوالفضلی ۳۴۴
- تبیین الگوی راهبردی حفظ قرآن کریم در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای
- مریم نساج ۳۶۸

سخن سردبیر

علم قرائت به عنون بنیادی‌ترین دانش در برداشت‌های تفسیری و فهم مراد خداوند، توانسته سطح وسیعی از مطالعات پژوهشی کنونی جهان اسلام و خاورشناسان را به خود معطوف نماید؛ با کشف صدها کتیبه و منابع سده نخستین، مباحث اختلاف قرائت هنوز در اوج خود قرار دارد که می‌تواند نه تنها، به اختلاف تفاسیر که به گوناگونی اندیشه‌های فقهی بینجامد، بویژه زمانی که قرائت‌های شاذ طرح و اعتبار خویش را از دل روایت‌ها رهگیری و مستدل می‌نمایند، از این رو نقد آنها ضرورت می‌یابد.

از طرفی؛ کنگره بین‌المللی اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای را شاید بتوان مهم‌ترین رویداد پژوهشی سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ در کشور را لقب داد که توانسته نه تنها در داخل، که در خارج از کشور بازخوردهای بسیار خوبی را به دنبال داشته باشد، مجله مطالعات قرائت قرآن به عنوان تنها مجله تخصصی در حوزه دانش قرائت قرآن در جهان اسلام، این اتفاق میمون را ارج نهاده و تلاش کرده است سهم هر چند لندک خویش را با چاپ برخی از این مقالات در حوزه علوم و فنون قرلئات ادا نماید؛ با پیگیری اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای در حوزه علوم و فنون قرانات؛ نه تنها نوعی از مهندسی تلاوت «یا تلاوت معنامحور» در دیدگاه ایشان شکل گرفته است؛ بلکه در حوزه عملی، نوعی از سبک زندگی قرآنی در انس انسان معاصر با قرآن، چه در حوزه فردی و چه اجتماعی در پی خواهد داشت.

سردبیر مجله مطالعات قرائت قرآن

محمد فاکر میبیدی



The Position and Function of Recitation Variants in Khosrowi's Interpretation *

Elham Zareinkolah¹ and Ameneh Omid²

Abstract



The science of recitation stands as one of the crucial foundations in interpreting the Noble Quran, playing a vital role in elucidating and comprehending the intentions of the Divine. Contemporary Shiite exegetes, considering Ayatollah Ma'refat's theory, regard the recitation of Hafs from Asim as congruent with the recitation of the masses that has been orally transmitted through generations. Consequently, most contemporary exegetes have confined themselves solely to the prevalent recitation. However, a few interpretations have not adhered strictly to the widely known recitation and seem to reject the theory of conformity between Hafs from Asim's recitation and the generally transmitted recitation since the advent of Islam. Hence, these interpretations prefer non-prevalent recitations in certain instances. Among these interpretations, Khosrowi's interpretation stands out. This present study employs a descriptive-analytical method to investigate this matter within Khosrowi's interpretation. The research findings indicate that the place of recitations in Khosrowi's interpretation, regarding frequency, origins, sources, and the functional aspects of recitations concerning expansion, clarification, and resolution of ambiguity in the meaning of verses, is subject to evaluation.

Keywords: Recitations, Hafs, Khosrowi, Khosrowi's Interpretation, Function of Recitations, Position of Recitation.

*. **Date of receiving:** 23/03/2022, **Date of approval:** 08/06/2023.

1. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Eghlid Higher Education Center, Eghlid, Iran; ezarinkolah@eghlid.ac.ir.

2. Ph.D. in Quran and Hadith Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (Corresponding Author): Omid7092@yahoo.com.



جایگاه و کارکرد اختلاف قراءات در تفسیر خسروی*

الهام زرینکلاه^۱ و آمنه امیدي^۲



چکیده

علم قرائت یکی از مهمترین مبانی تفسیر قرآن کریم در تبیین و فهم مراد خداوند است و نقش بسیار مهمی در برداشت‌های تفسیری دارد. مفسران معاصر شیعه، با توجه به نظریه آیت‌الله معرفت، قرائت حفص از عاصم را مطابق قرائت الناس می‌دانند که شفاهی و نسل به نسل انتقال یافته تا به ما رسیده است؛ در نتیجه بیشتر مفسران معاصر تنها به ترجیح قرائت مشهور اکتفا کرده‌اند؛ اما در این میان، تعداد اندکی از تفاسیر پایبند به قرائت مشهور نبوده و گویا نظریه انطباق قرائت حفص از عاصم بر قرائت عامه‌ای که از صدر اسلام تاکنون نقل شده است، نپذیرفته‌اند؛ بنابراین قرائت غیر مشهور را در برخی موارد ترجیح داده‌اند. از جمله این تفاسیر، تفسیر خسروی می‌باشد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی این مهم در این تفسیر پرداخته است. نتایج پژوهش بیانگر این است که جایگاه قراءات نزد خسروانی در سه محور فراوانی، خاستگاه و مصادر و در بخش کارکرد قراءات در سه بخش گسترش، تبیین و رفع ابهام از معنای آیه قابل ارزیابی است.

واژگان کلیدی: قراءات، حفص، خسروانی، تفسیر خسروی، کارکرد قراءات: ایگاه قرائت.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۴ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۱۸.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، مرکز آموزش عالی اقلید، اقلید، ایران: ezarinkolah@eghlid.ac.ir.

۲. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول): Omid7092@yhoo.com.



مقدمه

قراءات از جمله مسائلی است که از همان آغاز صدر اسلام مورد توجه بوده است، به گونه ای که در بدو نزول قرآن تنها یک قرائت واحد آموزش داده می شد، اما با گذشت زمان هر یک از قاریان دست به تدوین و ارائه مصحف زدند و قرائت خود را متناسب با آن برگزیدند که این امر منجر به بروز اختلاف قراءات شد. اهمیت و ارزش قراءات به گونه ای است که دانشمندان، علمای علوم قرآنی و مفسران همواره به این مهم توجه خاصی داشته اند. زیرا دستیابی به تفسیر صحیح و ترجیح یک برداشت تفسیری بر دیگری، در گرو رعایت این قواعد است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۴۷۲؛ رجبی، ۱۳۸۳: ۴). از این رو، کمتر تفسیری وجود دارد که به مسئله قراءات توجه نکرده باشد.

تفسیر خسروی نیز از جمله تفاسیری است که به مسئله قراءات توجه ویژه ای داشته است. با توجه به اهمیت علم قراءات در تفسیر، این سؤال باقی است که در قرائت تفاسیری مانند خسروی که غالباً قرائت غیر مشهور را بر قرائت مشهور ترجیح داده است، چه جایگاهی دارد؟ و نوع نگاه مفسر به این دسته از قراءات در مقایسه با قراءات مشهور چگونه است؟

برای پاسخ به سؤالات فوق و رسیدن به جواب مسأله، تمامی مواردی که مفسر از قرائت و اختلاف خوانش قاریان سخن گفته است، بررسی شد تا بتوان رویکرد: ایگاه و کارکرد دانش قراءات در این تفسیر را بیان کرد.

شایان ذکر است علت انتخاب این تفسیر در بین تفاسیر معاصر، از آن جهت است که خسروانی، در مقایسه با مفسران هم عصر خویش توجه ویژه ای به قراءات داشته، اما در عین حال، پژوهش قابل توجهی پیرامون تفسیر وی انجام نگرفته است. از این رو، پژوهش حاضر با بکارگیری روش توصیفی-تحلیلی ضمن معرفی تفسیر خسروی و ارزیابی علم قرائت نزد وی، به بررسی و معرفی جایگاه و کارکرد این موضوع نزد وی پرداخته است. لازم به ذکر است. منظور از جایگاه قرائت، میزان اهمیت علم قرائت در نزد مفسر، فراوانی قرائت، خاستگاه قرائت و مصادر قرائت و مراد از کارکرد، تأثیری است که قرائت بر تفسیر آیه می گذارد که شامل توسعه یا گسترش در معنای آیه، تبیین و تحلیل معنا و ابهام زدایی می شود که در نهایت مفسر به آن اشاره کرده است.

بررسی ها نشان داد پژوهش های انجام شده پیرامون این تفسیر، در دو قالب مقاله و پایان نامه قابل مشاهده است. تنها مقاله نگارش یافته پیرامون تفسیر خسروی، با عنوان «بررسی گرایش های تفسیری در تفسیر خسروی» نوشته زین العابدین غفاری و فردین احمدی می باشد که در آن به معرفی تفسیر و گرایش های تفسیری وی پرداخته است. پایان نامه «روش شناسی تفسیر خسروی» تألیف زین العابدین

غفاری، نمونه دیگر در این خصوص است که در آن نیز علاوه بر معرفی تفسیر و مفسر، روش‌های مورد استفاده وی در تفسیر آیات قرآن، بیان شده است. همان‌طور که بیان شد، در هیچ یک از آثار فوق، بحث جایگاه قراءات و کارکرد آن نزد مفسر، مورد توجه پژوهشگران نبوده است.

الف. مفهوم‌شناسی

قبل از پرداختن به بحث اصلی لازم است به مفاهیم و اصطلاحات مهم این پژوهش پرداخته شود.

۱. تفسیر خسروی

تفسیر خسروی تألیف علیرضا میرزا خسروانی (۱۳۸۶-۱۳۱۰) از شاهزادگان قاجار و نویسنده مذهبی قرن چهاردهم هجری است. با توجه به اهمیت تفسیر مجمع البیان نزد خسروی، وی این اثر را مبنای کار خود در نگارش تفسیر قرار داده است. خود مفسر نیز در ابتدای مقدمه، اذعان می‌دارد که تفسیر مجمع البیان در بین تفاسیر موقعیت ویژه‌ای دارد. این تفسیر دارای بیانی ساده، روان، خالی از مباحث کسل‌کننده و زائد و به بان فارسی می‌باشد. روش تفسیری مفسر به گونه‌ای است که در ابتدا اطلاعات کلی در مورد هر سوره ارائه داده و در نهایت به بحث‌های لغوی/رفی، نحوی و... می‌پردازد (خسروانی، ۱۳۹۰: ۲۸۸/۱).

وی از شعر به عنوان تقویت مباحث اخلاقی استفاده می‌کند. ایشان در بیان تفسیر و ارجاعات، منابع تفسیری و ارجاعی را ذکر نمی‌کند. به عنوان مثال در بیان مباحث فقهی، تنها به توضیح آیات تکیه کرده و هیچ گونه استدلالی را در راستای آیات ذکر نمی‌کند، لذا، توضیحات ایشان، بیش‌تر جنبه تفسیری دارد و استدلالی نیست (ایازی، ۱۳۹۳: ۳۴۳).

۲. قرائت

واژه «قرائت» از ریشه «قرأ»، دارای معانی زیر است:

۱. جمع و اجتماع (ابن منظور، ۲۰۰۵: ۱۴۲/۱؛ صبحی صالح، ۱۳۷۲: ۱۹؛ زبیدی، ۱۳۸۵: ۳۷۱/۱).
راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۵۹/۱). این معنا در قرآن مشاهده می‌شود: ﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ﴾ (القیامه: ۱۷).
۲. خواندن و تلاوت کردن (زبیدی، ۱۳۸۵: ۸۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۱۹؛ سبزواری، ۱۳۸۳: ۴۱۹/۴؛ عسکری، ۱۴۱۶: ۲۸۹/۱). این معنا رایج‌ترین معنای واژه قرائت است.



۳. ظاهر شدن و خروج به وجه معین: زیرا قاری قرآن الفاظ را به اندازه مشخص شده آشکار می‌کند و هیچ زیادی و کاستی در آن دیده نمی‌شود (ابن قیم الجوزیه، ۱۴۰۵: ۶۳۵).

در تعریف اصطلاحی این واژه نیز نظرات متفاوتی وارد شده است. اهم این نظرات به شرح زیر است:
۱. اختلاف مربوط به عبارات و الفاظ وحی که از سوی قراء در ارتباط با کلمات، حروف و کیفیت الفاظ قرآن مانند تشدید، تحفیف و... می‌باشد (زرکشی، ۱۴۱۰: ۳۸؛ جبرئیلی، ۱۴۰۱، ۳۱۲) ابن جزری نیز به این معنا تصریح کرده و چنین می‌گوید: «قرائت، علم به کیفیت ادای کلمات می‌باشد و اختلافی که در این کیفیت مشاهده می‌شود به ناقل و راوی آن منسوب می‌شود» (ابن جزری، ۱۳۰۵: ۳).

۲. اختلاف و یا اتفاق نظر ناقلان کتاب خدا درباره حرکت و سکون، حذف و اثبات، فصل و وصل حروف و کلمات و نظیر آن از قبیل: کیفیت تلفظ و ابدال و غیره از طریق سماع و شنیدن قابل شناسایی (دمیاطی، ۱۴۰۵: ۵؛ بقاعی، ۱۹/۱۴۲۳). بر اساس این تعریف، قراءات منحصر در واژه‌ها و الفاظ اختلافی نیست.

۳. طرق و روایات قرآنی که با اسناد به ثبوت رسیده تا عمل به آن لازم الاتباع باشد و الا هر طریقی که در تلاوت و رسم الخط قرآن به کار رود، با توجه به این که نتوانیم اسناد و نقل و روایتی برای آنها بیابیم، نمی‌تواند معنای اصطلاحی قرائت باشد و قاطبه علمای اسلامی اعم از شیعه و سنی در این امر متفق‌اند» (حجتی، ۱۳۸۶/۲۵۰).

براساس تعاریف مذکور می‌توان گفت: قرائت دارای دو شاخصه می‌باشد: ۱. آگاهی از چگونگی ادای کلمات همراه با استناد به ناقلان و راویان آن؛ ۲. اخذ ثقه از ثقه به همان کیفیتی که از زبان پیامبر ﷺ جریان می‌یافت و حضرت آن را تأیید می‌نمود.

ب. میزان فراوانی قراءات در تفسیر خسروی

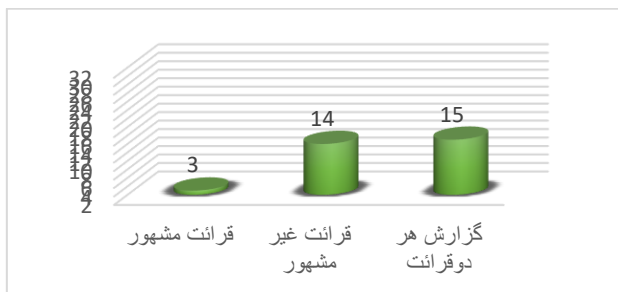
یکی از موارد مورد بحث در ارتباط با قراءات در تفسیر خسروی، فراوانی تعداد روایات قرائی در این تفسیر است. در این تفسیر حدود ۳۲ مورد قرائت بیان شده است که از این مقدار در سه مورد ترجیح قرائت مشهور، ۱۳ مورد ترجیح قرائت غیر مشهور و در ۱۴ مورد به گزارش هر دو قرائت می‌پردازد.^۱ اگرچه مفسر نسبت به هم‌عصران خود توجه ویژه‌ای به قراءات داشته (نک. نمودار ۲)، اما بیش‌ترین نگاه وی، به

۱. (بقره: ۱۰۶، انعام: ۹۸، مومنون: ۱۱۰) قرائت مشهور. (اعراف: ۱۵۶، انفال: ۵۹، بقره: ۱۰۲، شعراء: ۳۶ و ۳۷، مائده: ۱۱۵، توبه: ۱۷، فرقان: ۱۹، توبه: ۱۱۷، حدید: ۱۸، حشر: ۲، توبه: ۱۷۷، طلاق: ۱، فتح: ۹) قرائت غیر مشهور. (اعراف: ۱۱۳، اعراف: ۱۷۲، بقره: ۲۲۲، بقره: ۹۰، بقره: ۲۱۴، نساء: ۹۴، محمد: ۴، اسراء: ۱۶، بقره: ۸۳، بقره: ۱۲۵، بقره: ۲۳۶، آل عمران: ۸۱، نور: ۱) گزارش هر دو قرائت.

قراءات غیر مشهور معطوف بوده است (نک. نمودار ۱). در عین حال هر دو قراءات مشهور و غیر مشهور را مورد توجه قرار داده است. این امر نشانگر آن است که مفسر تعصب و یا به عبارتی تأکید بر پذیرفتن قرائت مشهور و متداول نداشته است و سعی بر آن دارد که مفاهیم و مدالیل یک آیه را تبیین نماید.

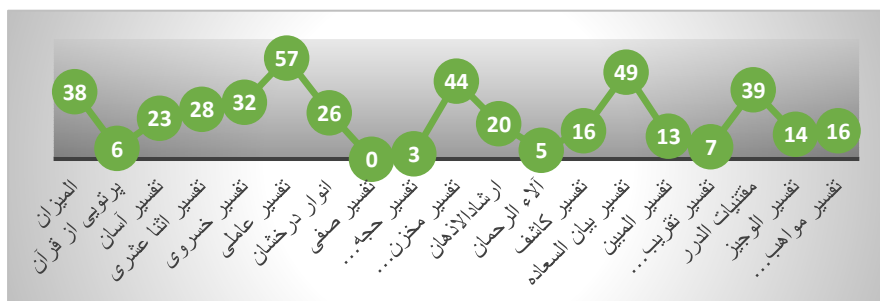
به عنوان مثال در ارتباط با آیه «وَلَا يَخْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ» (انفال: ۵۹)؛ «و زنهار کسانی که کافر شده‌اند گمان نکنند که پیشی جسته‌اند، زیرا آنان نمی‌توانند [ما را] درمانده کنند»، ابن عامر، حمزه و حفص عبارت «وَلَا يَخْسِبَنَّ» را با یاء قرائت کرده‌اند، اما سایر قراء از جمله ابن کثیر، ابو عمرو و بصری، نافع و کسایی آن را فعل مخاطب «وَلَا تَخْسِبَنَّ» قرائت کرده‌اند؛ در این میان قرائت مشهور، قرائت عاصم به روایت حفص، حمزه و ابن عامر است «وَلَا يَخْسِبَنَّ» با یاء می‌باشد (ابن جزری، بی‌تا، ۲/۲۷۲؛ ابن مهران، ۱۴۰۸: ۱۹۰). مفسر در حل اختلاف قرائت موجود در آیه، قرائت غیر مشهور را ترجیح داده و آن را قرائتی برگزیده جهت تبیین معنا و مفهوم آیه عنوان می‌کند. وی در توضیح این مطلب می‌گوید: «کلمة (يخسب) قرائت غیر مشهور است و آنچه به عنوان قرائت مشهور مورد توجه می‌باشد، قرائت کلمه با «تاء» است و خطاب در آیه به پیامبر ﷺ باز می‌گردد؛ معنای آیه بنا بر قرائت «وَلَا تَخْسِبَنَّ» این است که خداوند برای تقویت قلب پیامبر ﷺ و خوشدل ساختن ایشان، مانند خطابی که بعد از چند خطاب دیگر است، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (الانفال: ۶۲)؛ «ای پیامبر، خدا و کسانی از مؤمنان که پیرو تو را بس است» و نیز مانند خطابی که بعد از چند آیه مورد بحث قرار دارد و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ» (الانفال: ۶۵) «ای پیامبر، مؤمنان را به جهاد برانگیز» و معنای جمله بنابر قرئت «وَلَا يَخْسِبَنَّ» این است که ای پیغمبر تو مپندار که آنان که کافر شده‌اند از ما پیشی گرفته‌اند، و ما نمی‌توانیم به آنها برسیم، چون اینان نمی‌توانند خدا را عاجز کنند، چگونه می‌توانند؟» (خسروانی، ۱۳۹۰: ۴۵۲/۳).

نمودار ۱: فراوانی قراءات در تفسیر خسروی





نمودار ۲: مقایسه میزان توجه خسرانی به بحث قراءات در مقایسه با سایرین



ج. خاستگاه بحث قرائت در تفسیر خسروی

خاستگاه بحث قرائت در نزد مفسران را می‌توان در سه حوزه روشی، فکری و ترکیبی بیان نمود. زمانی می‌توان خاستگاه قرائی یک مفسر را خاستگاهی فکری دانست که مفسر اختلاف قراءات را در جهت آراء کلامی، فلسفی، عرفانی و... خودش به کار گیرد. خاستگاه روشی نیز مربوط به زمانی است که مفسر در بیان مسئله قراءات بدون جهت دهی به قراءات، به ارائه، تحلیل و گزارش اختلاف قراءات موجود در آیه بپردازد. به عبارتی دیگر اهتمام به طراحی و بررسی قراءات مختلف را می‌توان خاستگاه روشی دانست (اسعدی، ۱۳۹۲: ۲/۲۶۴). دسته سومی که می‌توان به دو دسته ذکر شده افزود و از آن تحت عنوان خاستگاهی دیگر نام برد، خاستگاه ترکیبی است به گونه‌ای که عده‌ای از مفسران ضمن توجه به قرائت مشهور و غیر مشهور، توجه ویژه‌ای به قرائت مشهور داشته و هردو قراءات را در آراء تفسیری خود ذکر کرده‌اند. این دسته از تفاسیر شامل تفسیر «مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر»، «احسن الحدیث»، «اطیب البیان» می‌باشد.

بررسی‌های انجام گرفته در ارتباط با تفسیر مورد پژوهش نشان داد که خاستگاه خسرانی، خاستگاهی روشی می‌باشد (خسرانی، ۱۳۹۰: ۲۹۰/۱). توضیح آنکه: مفسر ضمن اشاره به آیات و بیان معنای آن به اختلاف قرائت موجود در آیات اشاره کرده و در ترجیح قراءات به گونه‌ای عمل نمی‌کند که تمامی توجه خویش را بر قراءات مشهور متمرکز کند. این مهم بیانگر این است که مفسر قرائت مقبول را منحصر در قراءات سبع ندانسته است.

د. مصادر قرائت در تفسیر خسروی

از دیگر موارد مورد بحث در ارتباط با تفسیر خسروی، مصادر قرائی این تفسیر است. منابعی که خسروانی بر اساس آن اختلاف قراءات را ارائه می‌دهد، مصادر قرائی وی هستند. به طور کلی مصادر قرائی در چند دسته قابل تقسیم است. ۱. اشاره به منابع عربی. ۲. اشاره به قرائت قاریان. ۳. تفاسیری که به مصدر قرائی خاصی اشاره نکرده‌اند. همان طور که ذکر شد اگرچه مفسر به بحث قراءات و اختلاف قراءات توجه ویژه‌ای داشته، اما به هیچ منبع تفسیری و قرائی اشاره نکرده است. در عین حال بررسی‌ها نشان می‌دهد منبع مورد استفاده وی، تفسیر مجمع البیان بوده است.

ه. کارکرد قراءات در تفسیر خسروی

از دیگر موارد مورد بررسی در خصوص قراءات مذکور در تفسیر خسروی، کارکرد آن است. توجه به قرائت قرآن کریم و کیفیت ادای آن برای دستیابی به تفسیری صحیح از آن جهت لازم و ضروری است که گاهی به واسطه قرائت‌های متعدد از یک آیه، برخی وجوه بر برخی دیگر ترجیح می‌یابند و بالتبع گاهی به واسطه این اختلاف قراءات، معنای یک آیه آشکار می‌شود. کارکرد اختلاف قراءات در تفسیر خسروی را حول محورهای ذیل می‌توان بررسی نمود:

۱. توسعه در معنای آیه

اختلاف قرائت، معنای آیه را توسعه می‌دهند تا آیه بیش از یک معنا پیدا کند. نمونه‌های زیر این مهم را تبیین می‌کند.

یک. «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ» (بقره: ۲۱۰)؛ «مگر انتظار آنان غیر از این است که خدا و فرشتگان، در [زیر] سایبان‌هایی از ابر سپید به سوی آنان بیایند و کار [داوری] یکسره شود؟ و کارها به سوی خدا بازگردانده می‌شود».

اختلاف قرائت در آیه فوق مربوط به واژه «الْمَلَائِكَةُ» است که برخی مانند ابی بن کعب، ابن مسعود و... آن را با رفع «الْمَلَائِكَةُ» و برخی دیگر همچون ابوجعفر به جر «الْمَلَائِكَةُ» خوانده‌اند (دجوی، بی تا، ۲۵). خسروی بعد از اشاره به اختلاف قرائت موجود در آیه، ضمن تحلیل و بررسی آن متذکر می‌شود که قراءات در «الْمَلَائِكَةُ» متفاوت می‌باشد، ملائکه یا عطف به «الله» است و مرفوع و یا عطف به «الغمام» و مجرور می‌باشد؛ آنچه در معنای آیه باید گفت این است که خداوند در سایه‌ای از ابرها و فرشتگان به آنها روی می‌آوردند و فعل «یا تیهیم الله» متضمن مجاز در نسبت دادن عذاب یا به تقدیر امر «امرالله» است (خسروانی، ۱۳۹۰: ۲۷/۱).



همان گونه که ذکر شد واژه «الْمَلَكَةُ» به دو وجه قرائت شده است، چنانچه به رفع خوانده شود، عطف به الله و به معنای این است که گویا کافران توقع دارند که خداوند در پرده‌ای از ابرها به‌سوی آنها بیاید و ملائکه نیز به سمت آنها بیایند و اگر به جر خوانده شود، در این صورت به دو کلمه «الغمام و یا الظلل» عطف شده است؛ عطف به «الغمام» را این گونه می‌توان معنا کرد که خداوند در پرده‌ای از ابرها یا ملائکه به سمت آنها می‌آید و اگر عطف به «الظلّل» باشد به این معنا است که خداوند در پرده‌ای از بارها به سمت آنها می‌آید و یا در میان ملائکه.

همان طور که مشاهده می‌شود، بین دو قرائت ذکر شده تضاد و اختلافی وجود ندارد و در واقع هردو فعل آمدن را به خداوند نسبت می‌دهند. با این حال که گروهی می‌گویند در ضمن هر چیزی که بخواهد می‌آید و برخی می‌گویند در پرده‌ای از ابرها نازل می‌شود. این نوع از اختلاف قرائت موجب توسعه در معنای آیه شده است.

دو. «وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ» (اعراف: ۱۱۳) «و سحران نزد فرعون آمدند [و] گفتند: «آیا] اگر ما پیروز شویم برای ما پاداشی خواهد بود؟».

واژه مورد بررسی در آیه فوق از جهت قرائت، حرف «إِنَّ» می‌باشد. این حرف به سه وجه «إِنَّ، أَئِنَّ، أُئِنَّ» قرائت شده و قرأنت «إِنَّ» قرائت مشهور آن است (ابن جزری، بی‌تا، ۲/۲۷۰). در عین حال ابوعمر و «أُئِنَّ» با مد «ی» (ابن ابی مریم، ۱۴۱۴: ۵۴۷/۱) و ابن عامر، حمزه، کسائی و شعبه آن را به صورت «أُئِنَّ» قرائت کرده‌اند (ابن جزری، بی‌تا، ۲/۲۷۰).

مفسر اگرچه هردو قرائت را مورد توجه قرار داده، اما به توسعه‌ای بودن نقش قرائت همواره توجه ویژه‌ای داشته است، به گونه‌ای که با اشاره به معنای هر یک از وجوه قرآنی، به این امر اشاره کرده و می‌گوید: ابن عامر «أُئِنَّ» قرائت کرده و این کلامی سؤالی از طرف سحران می‌باشد؛ قرائت به وجه مشهور یعنی افاده طلب و تقاضا که به صورت خبر آمده است و گفتند: برای ما اجرتی خواهد بود، این نوع از جملات در کلام عرب خیلی شایع است؛ همچنین می‌توان گفت با توجه به قرائت ابن عامر: مله دارای استفهام و مورد توجه است (خسروانی، ۱۳۹۰: ۲۹۲/۳). در تأیید گفتار مفسر باید گفت که در قرائت «أُئِنَّ»، همزه استفهام بر «إِنَّ» وارد شده و این جمله یک جمله استفهامی است که سؤال سحران از فرعون است که آیا در صورت غلبه برای آنها اجری تعیین شده و پاداشی به آنها تعلق می‌گیرد؟ و قرائت «أُئِنَّ» نیز دلالت بر معنای سؤالی دارد. اگرچه توجه به واژه «نعم» در آیه بعدی (اعراف: ۱۱۴) و سیاق آیات، تأیید کننده قرائت غیر مشهور و استفهامی است، اما این نوع از معنا، تضادی را در خبری بودن قرائت مشهور ایجاد نمی‌کند، بلکه باعث گسترش و توسعه در فهم و معنای آیه مذکور شده است. چه این جمله به صورت خبری باشد و چه سؤالی. و این نوع از تحلیل بعید و خلاف قواعد نیست.

سه. ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَضْتُمْ وَآخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَضْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ﴾ (آل عمران: ۸۱). «و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس شما را فرستاده‌ای آمد که آنچه را با شماست تصدیق کرد، البته به او ایمان بیاورید و حتماً یاریش کنید. [آن گاه] فرمود: «آیا اقرار کردید و در این باره پیمانم را پذیرفتید؟» گفتند: «آری، اقرار کردیم.» فرمود: «پس گواه باشید و من با شما از گواهانم».

اختلاف قرائت در آیه فوق در ارتباط با کلمه «لَمَا» است. به گونه‌ای که برخی آن را به فتح «لام» و برخی به کسر «لام» قرئت کرده‌اند. عموم قراء سبعة «لَمَا» به فتح «لام» و تخفیف «میم» و گروهی مانند حسن بصری، اعشی، اعمش و خزاز، به کسر «لام» و تخفیف «میم» «لِما» قرئت کرده‌اند (خطیب، ۱۴۲۲: ۵۳۴/۱؛ دمیاطی، ۱۴۱۷: ۲۲۶). بررسی‌ها نشان می‌دهد که قرائت مشهور این واژه، به فتح «لام» و تخفیف «میم» است (ابن مهران، ۱۴۰۸: ۲۰۰).

خسروانی نیز ضمن بیان این دو قرائت، قرائت به فتح «لام» را قرائت مشهور و قرائت به کسر «لام» که عده‌ای دیگر از قراء مانند حمزه آن را قرائت کرده‌اند؛ قرائت غیر مشهور می‌داند. وی «لام» مکسور را «لام» تعلیل و «لام» مفتوح را «لام» ابتدائیه و در هر دو حالت «ما» را موصوله در نظر گرفته و جمله «آءَاتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ...»، را صله آن می‌داند (خسروانی، ۱۳۹۰: ۲۹/۲).

توضیح آنکه؛ مطابق قرئت مشهور (لام ابتدائیه)، معنای آیه، آغازگر جمله‌ای جدید، ابتدایی و مشروط است؛ به پیامبران کتاب و حکمت دادیم و از آنان پیمان گرفتیم که اگر پیامبری آمد به او ایمان بیاورید. و مطابق قرئت غیر مشهور معنای آیه جمله‌ای تعلیلیه است که علت پیمان گرفتن را بیان می‌کند: علت اینکه ما از شما پیمان گرفتیم این است که، پیغمبری برای شما خواهد آمد که این کتاب و حکمت را تصدیق کند. وظیفه‌ی شما آن است که به او ایمان آرید و یاریش کنید. در نتیجه قرئت غیر مشهور به کسر لام، باعث توسعه در معنای آیه شده است. به عبارتی دیگر، علاوه بر معنای مشروط، معنایی تعلیلی را برای آیه ایجاد کرده است.

به پیامبران کتاب و حکمت دادیم و از آنان پیمان گرفتیم (ابتدائیه) + اگر پیامبری آمد به او ایمان بیاورید (شرطیه) = قرائت مشهور

(علت اخذ پیمان): (زیرا) پیغمبری برای شما خواهد آمد که این کتاب و حکمت را تصدیق کند وظیفه‌ی شما آن است که به او ایمان آرید و یاریش کنید. = قرائت غیر مشهور.



چهار. «إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفْ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (حدید: ۱۸)؛ «در حقیقت، مردان و زنان صدقه‌دهنده و [آنان که] به خدا وامی نیکو داده‌اند، ایشان را [پاداش] دوچندان گردد، و اجری نیکو خواهند داشت).

واژه‌های مورد بحث در این آیه «الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ» هستند که به دو وجه قرائی تخفیف (صاد و دال) و تشدید (صاد و دال) قرائت شده است (ابن جزری، بی تا، ۳۸۹/۲). قرائت مشهور با تشدید «الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ» می‌باشد (ابن مجاهد، ۶۳۰/۱۴۴۰).

گفتنی است اگر این واژه مشدد و به صورت «إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ» قرائت شود، در این صورت صدقات اعم از صدقات واجبه مثل زکات، کفارات، نذور، فطره و... برای اعتلای اسلام و مستحبه مثل دستگیری از فقراء، سائلین خواهد بود. در صورتی که بدون تشدید و به شکل «مصدقین و المصدقات» قرائت شود، به معنای تصدیق کنندگان، با ایمان بودن و معتقدان است (خسروانی، ۱۳۹۰: ۲۰/۱۸).

توضیح آنکه قرائت واژه «الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ» به تخفیف صاد و دال به معنای این است که آیه مذکور شامل تمام اعمال نیک و صالح یک فرد می‌باشد؛ اگرچه ظاهر عبارت و آیه بیانگر صدقه، بذل و بخشش به صورت خاص است، اما در حقیقت شامل تمامی اعمال یک انسان با ایمان می‌باشد. گاهی یک سلام و کاری کوچک نیز به عنوان بهترین عمل نامگذاری می‌شود. به عبارتی دیگر هر کار نیکی صدقه است، چه این کار نیک از طرف ثروتمندی با ایمان و تصدیق کننده خدا و رسول خدا ﷺ باشد و چه از طرف فقیری که این شرایط را دارا است. قرائت به وجه مشهور، با تشدید صاد و دال بیانگر صدقه‌دهندگان و قرض دهندگان در راه خدا است و قرائت به وجه دوم، معنای تفسیری آیه را توسعه و گسترش داده است.

گفتنی است مجموعه آیات تأثیرگذار در حوزه گسترش در معنای آیات در تفسیر خسروی، به چهارده مورد می‌رسد، که تبیین هر یک، از حوصله بحث خارج است. در عین حال در جدول ذیل، موارد مشمول این کارکرد معنایی در این تفسیر بیان شده است.

روم: ۲۲	حدید: ۱۸	نور: ۱	بقره: ۲۱۹	آل عمران: ۸۱	بقره: ۱۲۵	نساء: ۹۴	اسراء: ۱۶
بقره: ۹۰	بقره: ۲۲۲	اعراف: ۱۷۲	اعراف: ۱۱۳	بقره: ۲۱۰	مائده: ۶		

۲. تبیین معنا

از دیگر کارکردهای معنایی قراءات در تفسیر خسروی، تبیین معنا است، به گونه‌ای که قرائت موجب می‌شود آیه از حالت اغماض خارج شده و معنای آن روشن شود. مهمترین نمونه‌ها در این باره به شرح زیر است:

یک. «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ» (انفال: ۵۹)؛ «و زنه‌ار کسان‌ی که کافر شده‌اند گمان نکنند که پیش‌ی جسته‌اند، زیرا آنان نمی‌توانند [ما را] درمانده کنند».

ابن عامر، حمزه و حفص عبارت «وَلَا يَحْسَبَنَّ» را با «یاء» قرائت کرده‌اند، اما سایر قراء از جمله ابن کثیر، ابو عمرو بصری، نافع و کسایی آن را فعل مخاطب دانسته و به صورت «وَلَا تَحْسَبَنَّ» قرائت کرده‌اند. در این میان، قرائت مشهور که قرائت عاصم به روایت حفص، حمزه و ابن عامر است، «وَلَا يَحْسَبَنَّ» با «یاء» می‌باشد (ابن جزری، بی تا، ۲/۲۷۲؛ ابن مهران، ۹۰/۱۴۰۸).

خسروانی در رویارویی با این دو قرئت، قرئت غیر مشهور را ترجیح داده و آن را قرائتی برگزیده جهت تبیین معنا و مفهوم آیه، عنوان و بیان می‌کند: کلمه «یاحسبن» قرائت غیر مشهور است و آنچه به عنوان قرائت مشهور مورد توجه می‌باشد، قرائت کلمه با «تاء» است و خطاب در آیه به رسول اکرم ﷺ باز می‌گردد؛ معنای آیه بنا بر قرائت «وَلَا تَحْسَبَنَّ» این است که خداوند برای تقویت قلب پیامبر ﷺ و خوشدل ساختن ایشان مانند خطابی که بعد از چند خطاب دیگر است، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (انفال: ۶۴) و نیز مانند خطابی که بعد از چند آیه مورد بحث قرار دارد و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ» (انفال: ۶۵) و معنای جمله بنابر قرائت «وَلَا يَحْسَبَنَّ» این است که ای پیغمبر تو مپندار که آنان که کافر شده‌اند از ما پیشی گرفته‌اند، و ما نمی‌توانیم به آنها برسیم، چون اینان نمی‌توانند خدا را عاجز کنند، چگونه می‌توانند؟ (خسروانی، ۱۳۹۰: ۴۵۲/۳).

در توضیح گفتار مفسر باید گفت قرائت (و لایحسبن) بیانگر تهدید برای کفار و قرائت (و لاتحسبن)، دلالت بر دلگرمی و قوت قلب پیامبر ﷺ در مواجهه با کفار است. در قرئت به وجه غیر مشهور، فاعل جمله، أنت مستتر و خطاب، رسول اکرم ﷺ می‌باشد و «الَّذِينَ كَفَرُوا» مفعول به اول و «سَبَقُوا» مفعول به دوم است. در قرائت به وجه مشهور با یاء، فاعل، ضمیر مستتر هو است که به رسول اکرم ﷺ باز می‌گردد و «الَّذِينَ كَفَرُوا» مفعول به اول و «سَبَقُوا» مفعول به دوم می‌باشد. اختلاف قرئت موجود در آیه باعث توضیح و تبیین معنای آیه شده است و در جایی که خداوند در مقابل کفار به



پیامبر ﷺ قوت قلب می دهد، این تفسیر و توضیح را برای آیه به کار می گیرد که علاوه بر دلخوش کردن پیامبر ﷺ، برای کافران نیز مجازات قائل شده و باعث تشویش و نگران ساختن آنان در مقابل کارهایشان شده است.

دو. «لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا» (فتح: ۹)؛ «تا به خدا و فرستاده اش ایمان آورید و او را یاری کنید و ارجش نهید، و [خدا] را بامدادان و شامگاهان به پاکی بستانید».

قرئت مورد اختلاف در ارتباط با افعال «لَتُؤْمِنُوا، تُعَزِّرُوهُ، تُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ» است که به دو وجه غائب و مخاطب خوانده شده اند. قرائت مشهور «لَتُؤْمِنُوا، تُعَزِّرُوهُ، تُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ» به وجه خطاب است (ابن مجاهد، ۱۴۴۰: ۶۰۳). طرفداران این وجه قرائت، دلیل خود را در پذیرفتن این وجه این گونه بیان می کنند که خداوند متعال بعد از خطاب قراردادن پیامبر ﷺ، در آیه «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (فتح: ۸)، مؤمنان را مورد خطاب خود قرار می دهد (مکی بن ابی طالب، ۱۴۰۴: ۲۸۳/۲). گفتنی است ابن کثیر و ابو عمرو «لَتُؤْمِنُوا، يُعَزِّرُوهُ، يُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ» با «یاء» قرائت کرده اند (اهوازی، ۲۰۰۲: ۳۳۴).

خسروانی نیز ضمن اشاره به اختلاف قرائت و تحلیل آن، قرائت غیر مشهور را ترجیح داده است و استدلال خود را در پذیرش قرائت غیر مشهور و نقش آن در تبیین معنای آیه و کارکرد قرائی آن، هماهنگی با سیاق می داند. در قرائت مشهور همه فعل های چهارگانه با «تاء» که علامت خطاب است، قرائت شده و در قرائت ابن کثیر و ابو عمرو با «یاء» که علامت غیبت است، قرائت شده، و قرائت این دو با سیاق مناسب تر است؛ معنای آیه بنا بر قرائت با «تاء» این است که خداوند پیامبر ﷺ را خطاب قرار می دهد که ما تو را به عنوان مبشر و منذر فرستادیم برای اینکه به خدا و رسولش ایمان بیاورید و بنا بر قرائت با وجه دوم (یاء)، مخاطب مردم هستند و هدف ایمان مردم است (خسروانی، ۱۳۹۰: ۲۹/۸).

با توجه به اختلاف قرئت موجود در آیه، قرئت با «یاء» خبر از مؤمنان را بیان می کند؛ یعنی ما تو را فرستادیم تا به تو و خدا ایمان بیاورند. اگرچه برخی از مفسران هر دو قرائت، برخی قرائت مشهور و عده ای هر دو قرئت را اختیار کرده اند، اما قرئت غیر مشهور با (یاء) آیات را در یک نظم و چارچوب منسجمی قرار می دهد. مؤید این صحبت این است که در آیه سخن از علت ارسال رسول و آیه بعد آن نیز تأییدی بر قرئت با «یاء» است: «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (فتح: ۱۰). در نهایت اختلاف قرائت موجب تبیین و تحلیل معنای آیه و فهم درست از آیه شده است.

سه. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تَخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» (طلاق: ۱). (ای پیامبر، چون زنان را طلاق گوید، در [زمان بندی] عده آنان طلاقشان گوید و حساب آن عده را نگه دارید، و از خدا، پروردگارتان بترسید. آنان را از خانه هایشان بیرون مکنید، و بیرون نروند مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شده باشند. این است احکام الهی و هر کس از مقررات خدا [پای] فراتر نهد، قطعاً به خودش ستم کرده است. نمی دانی، شاید خدا پس از این، پشامدی پدید آورد).

اختلاف قرائت در آیه مذکور در مورد عبارت «فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ» می باشد. ابی بن کعب این عبارت را به صورت «فَطَلِّقُوهُنَّ (فی قبل) لِعَدَّتِهِنَّ» قرائت کرده است (ابن بابویه؛ ۱۳۶۷: ۱۱۲/۸؛ دانی، ۱۳۶۲: ۵۶۸). در حالی که قرئت مشهور بدون ذکر عبارت (فی قبل)، «فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ» است (اهوازی، ۲۰۰۲: ۳۵۷).

در این میان، خسروانی ضمن پذیرش قرائت غیر مشهور، اختلاف قرائت را با توجه به قرائت صحابه بیان کرده است. وی در این باره با استناد به گفتار ابن عباس که در پاسخ به مردی که از طلاق همسر خود پرسید، آیه را چنین خواند: «فَطَلِّقُوهُنَّ فِي قَبْلِ عَدَّتِهِنَّ»، بیان می کند: «معنای آیه با توجه قرئت (فی قبل) یعنی آنها را طلاق دهید پیش از عده شان و (عده) یعنی روزهای قاعدگی زنان؛ و «لام» به معنی سبب بوده و جمله این چنین معنا می شود: «طلاق شان دهید تا عده نگاه دارند و یا به عبارتی دیگر، طلاق شان دهید در دوران پاکی از قاعده که بتوانند عده نگه دارند» (خسروانی، ۱۳۹۰: ۴۱۶/۱۶).

گفتنی است دسته ای از اختلاف قراءات ذکر شده توسط ائمه (ع)، اگرچه از جهت لفظ با آنچه که به عنوان قرائت مشهور پذیرفته شده، متفاوت بوده و لازمه پذیرش آنها، قبول تحریف به زیاده و نقصان در قرآن است، اما از این مهم نباید غافل بود که هرچند از این قبیل از روایات با عنوان قرائت تعبیر شده، اما منظور و هدف از آن، قطعاً بیان کیفیت نزول قرآن نبوده، بلکه تبیین و توضیح معنای آیه است. چنانچه مفسر به این امر تصریح کرده و شبهه تحریف را از لفظ قرآن زدوده است.

چهار. «قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ» (مائده: ۱۱۵). (خدا فرمود: «من آن را بر شما فرو خواهم فرستاد، و [لی] هر کس از شما پس از آن انکار ورزد، وی را [چنان] عذابی کنم که هیچ يك از جهانیان را [آن چنان] عذاب نکرده باشم).



قرئت مورد اختلاف در این آیه درخصوص واژه (مُنْزِلَهَا) است. عده‌ای آن را به تشدید «زاء» (مُنْزِلَهَا) و عده‌ای دیگر به صورت «مُنْزِلَهَا» یعنی به تخفیف «زاء» خوانده‌اند. نافع، ابن عامر، عاصم، ابوجعفر تابع قرئت اول و ابن کثیر، ابوعمرو، کسایی، حمزه خلف و یعقوب قرئت دوم را برگزیده‌اند (دمیاطی، ۱۴۰۷: ۲۵۸؛ خطیب، ۱۴۲۲: ۳۷۸/۲).

در این میان، خسروانی ضمن اشاره به اختلاف قرئت مذکور، قرئت غیر مشهور را بر قرئت مشهور ترجیح داده و می‌گوید: «قرئت به وجه (انزال) بر نزول دفعی و قرئت به وجه (تنزیل) بر نزول تدریجی دلالت دارد و معنای آیه بنا بر قرئت اول این است که، مانده دفعی نازل شد و قرئت دوم بر تدریجی نازل شدن مانده دلالت دارد؛ اما قرئت به وجه تخفیف سازگارتر و موافق‌تر با قواعد نیز است (خسروانی، ۱۳۹۰: ۳۰۲/۲).

در تأیید گفتار ایشان باید گفت قرئت غیر مشهور (مُنْزِلَهَا) به تخفیف «زاء»، از باب افعال، دلالت بر دفعی بودن مانده و قرئت (مُنْزِلَهَا) به تشدید «زاء»، دلالت بر تدریجی بودن می‌کند. این نوع اختلاف قرئت موجود در آیه، باعث تبیین معنای آن شده است و دلالت بر نزول دفعی مانده دارد. شایان ذکر است مجموع آیات تأثیرگذار در حوزه تبیین معنای آیات در این تفسیر شامل سیزده می‌باشد که در جدول ذیل ذکر شده است.

فاتحه/۴	طلاق/۱	اتعام/۹۸	بقره/۲۳۶	حشر/۲	مانده/۱۱۵
انفال/۵۹	بقره/۲۱۴	بقره/۸۳	شعراء/۳۶ و ۳۷	توبه/۱۷	نساء/۳۳
					فتح/۹

۳. ابهام زدایی

گاه اختلاف قراءات به گونه‌ای است که توهم، اشکالات و ابهامات موجود در معنای آیه را از بین می‌برد. از بزرگترین براهین و آشکارترین دلایل، این است که با وجود اختلاف و تنوع بسیار در قرائت‌ها، هیچ گونه تضاد، تناقض و مخالفتی در آنها وجود ندارد؛ بلکه به طور کلی، برخی از آنها تصدیق کننده و بیان کننده برخی دیگر و برخی بر برخی دیگر شهادت می‌دهند (زفروق، ۱۴۲۳/۳۳۳). در این خصوص نیز نمونه‌هایی در تفسیر خسروی مشاهده می‌شود.

یک. «مَا تَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا، أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره: ۱۰۶)؛ «هر حکمی را نسخ کنیم، یا آن را به [دست] فراموشی بسپاریم، بهتر از آن، یا مانندش را می‌آوریم؛ مگر ندانستی که خدا بر هر کاری تواناست».

واژه مورد بررسی در خصوص قرائت در این آیه، «نُسَّهَا» است. به گونه‌ای که عده‌ای آن را «نُسَّهَا» و برخی دیگر «نَسَّأَهَا» خوانده‌اند. عاصم، نافع، ابن عامر، حمزه و کسایی به وجه اول «نُسَّهَا» و ابو عمرو و ابن کثیر «نَسَّأَهَا» قرائت کرده‌اند (دانی، ۱۳۶۳: ۵۴). ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که قرائت رایج «نُسَّهَا» و قرائت دیگر غیر رایج است (ابن مهران، ۴۵).

گزارش و تحلیل خسروانی ذیل این آیه چنین است: «در قرائت واژه «نُسَّهَا» اختلاف است، برخی آن را «نَسَّأَهَا» نیز خوانده‌اند با توجه به قرائت اول (نون مضمومه و سین به صدای کسره)، این واژه مشتق از «إنساء» به معنای بردن چیزی از خزینة علم و خاطر کسی است. آنچه بسیار مهم و قابل توجه است این است که عده‌ای تصور می‌کنند که مقصود این آیه فراموش کردن برخی آیات توسط پیامبر ﷺ می‌باشد، در حالی که این کلامی مطلق و بدون قید بوده و به رسول خدا ﷺ اختصاص ندارد و حتی می‌توان گفت: اصلاً شامل آن ایشان نمی‌شود، چرا که در آیات دیگر این گونه مشاهده می‌شود که خداوند می‌فرماید: «سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى * إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ» (اعلی: ۶ و ۷) (ما به زودی [آیات خود را به وسیله سروش غیبی] بر تو خواهیم خواند، تا فراموش نکنی جز آنچه خدا خواهد)؛ با توجه به این که آیه مذکور مکی است و قبل از آیه نسخ که مدنی است، نازل شده، فراموشی را از پیامبر ﷺ دور می‌کند و می‌فرماید: «تو دیگر هیچ آیه‌ای را فراموش نمی‌کنی». همچنین باید افزود کسانی که به وجه دوم قرائی «نَسَّأَهَا» خوانده‌اند از واژه «ن-سین-ء»، به معنای به تأخیر انداختن است و معنای آیه این است که ما هیچ آیتی را با از بین بردن نسخ نمی‌کنیم و با تأخیر اظهار آن، عقبش نمی‌اندازیم، مگر آنکه آیتی بهتر از آن یا مانند آن بیاوریم و تصرف الهی با تقدیم و تأخیر در آیات خود باعث فوت کمال و یا فوت مصلحتی نمی‌شود (خسروانی، ۱۳۹۰: ۱۵۱/۱).

واژه «نَسَى» از نسیان به معنای ضعف حافظه، غفلت و از یاد بردن چیزی و یا فراموشی از روی قصد به کار رفته است و هرگاه نسیان در ارتباط با خداوند به کار رود، منظور ترک کردن و بی‌اعتنایی است. آیه «إِنَّا نَسِينَاكُمْ» (سجده: ۱۴) مؤید این گفتار است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۰۳/۱). واژه «نَسَا» به معنای به تأخیر افتادن می‌باشد: «نَسَا اللَّهُ فِي أَجَلِهِ، أَيِ آخِرِهِ؛ وَ أَنْسَا» (ابن درید، ۱۹۸۸: ۱۰۷۴/۲). با توجه به آنچه صاحبان معاجم لغوی و مفسران بدان اشاره کرده‌اند، قرائت به وجه اول دربردارنده معنای فراموشی و قرائت به وجه دوم دربردارنده معنای به تأخیر افتادن می‌باشد به عبارتی دیگر، بار معنایی قرائت دوم به گونه‌ای است که شبهه فراموشی توسط پیامبر ﷺ را از بین می‌برد. مانند جایی که خداوند می‌فرماید: «سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى * إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ» (اعلی: ۷) و از آیه رفع ابهام می‌کند و این نکته‌ای است که از دید مفسران غافل نمانده است.



دو. «وَ اكْتُبْ لَنَا فِي هَٰذِهِ اللَّذْنِیَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا إِلَیْكَ قَالِ عَذَابِی أُصِیْبُ بِهِ مِنْ أَشْأَاءِ وَ رَحْمَتِی وَسِعَتْ كُلَّ شَیْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِیْنَ یَتَّقُونَ وَ یُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الَّذِينَ هُمْ بِآیَاتِنَا یُؤْمِنُونَ» (اعراف: ۱۵۶)؛ «و برای ما در این دنیا نیکی مقرر فرما و در آخرت [نیز]، زیرا که ما به سوی تو بازگشته‌ایم.» فرمود: «عذاب خود را به هر کس بخواهم می‌رسانم، و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است؛ و به زودی آن را برای کسانی که پرهیزگاری می‌کنند و زکات می‌دهند و آنان که به آیات ما ایمان می‌آورند، مقرر می‌دارم».

اختلاف قرائت در آیه فوق در ارتباط با واژه «أَشْأَاءُ» می‌باشد. بیشتر قراء آن را (أَشْأَاءُ) و برخی مانند زید بن علی، حسن، عمرو و الاسوری ... آن را (أَسَاءُ) با سین قرائت کرده‌اند (دانی، ۱۳۶۳: ۸۵). صاحب تفسیر خسروی؛ نیز ضمن اشاره به قراءات موجود در آیه به رفع ابهام از معنای آیه پرداخته و می‌نویسد: جمله «أُصِیْبُ بِهِ مِنْ أَشْأَاءِ» به دو وجه قرائی خوانده شده، قراء عشره واژه «أَشْأَاءُ» با شین و برخی آن را با سین یعنی «أَسَاءُ» قرائت کرده‌اند؛ «أَسَاءُ» از ماده «سوء و إساءه» به معنای رساندن عذاب به کسی که بد کند است و متناسب با قرائت مشهور «أَشْأَاءُ» به معنای رساندن عذاب به هر کس که بخواهد می‌باشد (خسروانی، ۱۳۹۰: ۳۳۳/۳).

همان‌گونه که بیان شد قاریان در قرائت واژه «أَشْأَاءُ» اختلاف کرده‌اند. واژه «أَشْأَاءُ» در بردارنده مفهومی است که ناخودآگاه ذهن مخاطب را دچار ابهام می‌کند و این توهّم را ایجاد می‌کند که خداوند به هر کس که بخواهد ستم می‌کند، این که بگوییم خداوند هر کس را که بخواهد عذاب می‌کند معنایی است کلی و بدون قید و شرط که در بردارنده حکمی عمومی است، هرچند در تحلیل آن گفته شود منظور عدم ظلم و بی‌عدالتی از جانب خداوند را نیز به همراه دارد، اما باید اذعان کرد در قرائت واژه «أَسَاءُ» این معنایه و ضوح قابل تبیین و تشریح است، زیرا «أَسَاءُ» به معنای عذاب کردن بر اساس گناه و بدی است که در حق دیگران روا داشته‌ایم. قرائت به وجه دوم و یا قرائت غیر مشهور ابهام موجود در آیه را رفع می‌کند.

سه. «فَإِذَا لَقِیْتُمُ الَّذِیْنَ كَفَرُوا فَصْرَبِ الرَّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوُثَاقَ فَمَا مَتَّأ بَعْدُ وَ إِمَّا فِدَاءٌ حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَٰلِكَ وَ لَوْ یَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرْنَا مِنْهُمْ وَ لَٰكِنْ لَّیُبْلُوا بِعُصْکُم بَعْضُ الَّذِیْنَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَلَنْ یُضِلَّ أَعْمَالُهُمْ» (محمد: ۴)؛ «پس چون با کسانی که کفر ورزیده‌اند برخورد کنید، گردن‌ها [یشان] را بزنید. تا چون آنان را [در کشتار] از پای درآوردید، پس [اسیران را] استوار در بند کشید؛ سپس یا [بر آنان] مَتَّ نهید [و آزادشان کنید] و یا فدیّه [و عوض از ایشان بگیرید]، تا در جنگ، اسلحه بر زمین گذاشته شود. این است [دستور خدا]؛ و اگر خدا می‌خواست، از ایشان انتقام می‌کشید، ولی [فرمان پیکار داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی [دیگر] بیازماید، و کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، هرگز کارهایشان را ضایع نمی‌کند».

در آیه مذکور، اختلاف قرائت در واژه «قُتِلُوا» است که برخی از قراء اهل بصره و حفص آن را «قُتِلُوا» و «قَاتِلُوا» قرائت کرده‌اند. در عین حال قرائت مشهور، «قُتِلُوا» است (دانی، ۱۳۶۳: ۱۰۲؛ الباز، ۱۴۲۵: ۴۰).

برخورد مفسر در به کارگیری اختلاف قرائی در این آیه، به گونه‌ای است که ضمن اشاره به هر یک از دو وجه قرائی، به تبیین معنای آیه و کارکرد قرائی آن اشاره کرده و می‌گوید: «عده‌ای مانند یعقوب، حفص و اهل بصره «وَالَّذِينَ قُتِلُوا» به صورت مجهول خوانده‌اند و برخی «وَالَّذِينَ قَاتِلُوا» با الف از باب مفاعله خوانده‌اند؛ قرائت به وجه مجهول به این معنا است: کسانی که در راه خداوند کشته می‌شوند خداوند هرگز کارهایشان و اجرشان را ضایع نمی‌کند و قرائت با الف از باب مفاعله به معنای تمام کسانی است که در جنگ شرکت می‌کنند و به عبارتی دیگر، آنها که جنگ کنند خواه کشته شوند یا نشوند مزدشان را می‌برند» (خسروانی، ۱۳۹۰: ۷/۸).

در توضیح گفتار مفسر، ذکر این مطلب ضروری است که در قرائت به وجه اول این ابهام به وجود می‌آید که تنها کسانی از اجر و فیوضات الهی بهره‌مند می‌شوند که در این راه کشته شده باشند و به وجهی دلالت بر تخصیص دارد و تکلیف کسانی که در این راه جانباز و یا آزاده می‌شوند مشخص نشده است. قرائت به وجه دوم را می‌توان از باب اشتقاق به حساب آورد که معنایی عام و فراگیر دارد و علاوه بر کسانی که در این راه کشته می‌شوند، تمامی افرادی که در این راه نبرد کرده‌اند، را نیز می‌شود.

چهار. «وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سَلِيمٍ وَمَا كَفَرُ سَلِيمٌ وَلَا كَيْنَ الشَّيَاطِينُ كَفَرُوا يَعْلَمُونَ النَّاسُ السَّخَرُ وَمَا أُنْزِلَ عَلَىٰ الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هُوتَ وَ مَرْوَتَ وَمَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَآئِرٍ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَ لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَ لَبِئْسَ مَا شَرُّوا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۰۲) «و آنچه را که شیطان [صفت]ها در سلطنت سلیمان خوانده [درس گرفته] بودند، پیروی کردند و سلیمان کفر نورزید، لیکن آن شیطان [صفت]ها به کفر گراییدند که به مردم سحر می‌آموختند. و [نیز از] آنچه بر آن دو فرشته، هاروت و ماروت، در بابل فرو فرستاده شده بود [پیروی کردند]، با اینکه آن دو [فرشته] هیچ کس را تعلیم [سحر] نمی‌کردند مگر آن که [قبلاً به او] می‌گفتند: «ما [وسیله] آزمایشی [برای شما] هستیم، پس زنهار کافر نشوی.» و [لی] آنها از آن دو [فرشته] چیزهایی می‌آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند. هر چند بدون فرمان خدا نمی‌توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند. و [خلاصه] چیزی می‌آموختند که برایشان زیان داشت، و سودی بدیشان نمی‌رسانید. و قطعاً [یهودیان] دریافته بودند که هر کس خریدار این [متاع] باشد، در آخرت بهره‌ای ندارد. وه که چه بد بود آنچه به جان خریدند- اگر می‌دانستند».



اختلاف قرئت در باب کلمه «الْمَلَكَيْنِ» می‌باشد. این کلمه به دو وجه «الْمَلَكَيْنِ» به فتح (لام) و «الْمَلِكَيْنِ» به کسر (لام) قرائت شده است. ابن عباس، ابوالاسود دونلی، سعید بن جبیر، زهری، قتاده و... به لام مکسوره «الْمَلِكَيْنِ» و سایر قراء، با فتح لام «الْمَلَكَيْنِ» خوانده‌اند (خطیب، ۱۴۲۲: ۱۶۴/۱). مقصود از ملکین، دو مرد خیرخواه و خیرلندیش و هادی خلق بودند و از این جهت که مردان پاک سرشت و فرشته‌خو بودند، آنان را (ملک) می‌گفتند. به همین جهت، قرآن مجازات آنها را ملک خوانده و نزول بر ملک، «ما أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ» به معنای فرشته: ز با توجیه و تأویل صحیح نیست (خسروانی، ۱۳۹۰: ۱۴۸/۱).

توضیح آنکه برخی اختلافات تفسیری، ریشه در اختلاف قراءات دارد. در برخورد با چنین مواردی می‌توان گفت: مفسر به قراءات شاذ و غیر مشهور توجه داشته است. بر اساس نقش و تأثیری که قرائت غیر مشهور در رفع ابهام از معنای آیه دارد، مفسران، قرائت غیر مشهور را مورد توجه خود قرار داده‌اند. با توجه به این که قرائت (ملکین) به کسر میم به معنای دو انسان می‌باشد، در حقیقت این نوع از قرائت به رفع ابهام از آیه پرداخته و مفسران را متوجه این مهم می‌کند که منظور از (ملکین) در قرائت آیه، دو انسان و به تعبیر برخی دو پادشاه بوده‌اند. برخی از مفسران با تأکید بر پذیرش قرائت مطابق با قرائت مشهور حاضر به پذیرش قرائت دیگر نشده‌اند (عاملی، ۱۳۶۰: ۱۳۹/۱؛ اصفهانی، ۱۳۶۳: ۱۳/۲؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۳۴۹/۱). این در حالی است که اگر اختلاف قرائت باعث فهم بهتر آیه شود، باید آن را پذیرفت و نگاه تعصب‌آمیز را از قرائت مشهور برداشت. لازم به ذکر است این نوع از اختلاف قرائت تضادی را در معنا و مفهوم آیه ایجاد نمی‌کند. گفتنی است مجموع آیات تأثیرگذار در حوزه رفع ابهام در معنای آیات، شامل پنج شاهد مثال می‌باشد که در ذیل دیده می‌شود.

بقره: ۱۰۶	اعراف/۱۵۶	
محمد/۴	توبه/۱۷۷	بقره/۱۰۲

نتیجه گیری

- تبیین جایگاه و کارکرد اختلاف قرائات در تفسیر خسروی منجر به نتایج ذیل گشت:
۱. خسروانی از جمله مفسرانی است که پایبند به قرائت مشهور نبوده و گویا نظریه انطباق قرائت حفص از عاصم بر قرائت عامه‌ای که از صدر اسلام تاکنون نقل شده، را نپذیرفته و در نتیجه در اغلب موارد، قرائت غیر مشهور را ترجیح داده است.
 ۲. مفسر در پذیرش قراءات، تعصب و یا به عبارتی تأکید بر پذیرفتن قرائت مشهور و متداول نداشته و سعی بر آن دارد تا بتواند مفاهیم و مدالیل یک آیه را تبیین نماید.
 ۳. در بحث قرائت خاستگاه وی روشی بوده و بیش‌ترین تأکید ایشان، تبیین معانی هر یک از وجوه قرائی است.
 ۴. مفسر دانش قراءات را در تفسیر و فهم آیات مهم دانسته و از منابع مهم تفسیری همچون مجمع‌البیان بهره گرفته، اگرچه نامی از این تفسیر نبرده است.
 ۵. کارکرد قرائات در تفسیر خسروی در سه قسم توسعه، تبیین و رفع ابهام از معنای آیه قابل مشهود است. فراوانی قرائت، خاستگاه قرائت و مصادر قرائی مذکور در این تفسیر، نشان‌دهنده جایگاه قرائت نزد مفسر آن است.



فهرست منابع

۱. ابن ابی مریم، نصر بن علی، الموضح فی وجوه القراءات و عللها، تحقیق: دکتر عمر حمدان الکیسی، مکه: منشورات ام القرى، ۱۴۱۴ق.
۲. ابن اثیر، مجدالدین، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، چاپ اول، دمشق، دار الفکر، ۱۳۸۳ق.
۳. ابن جزری، محمد بن محمد، منجد المقرئین و مرشد الطالبین، قاهره: مكتبة القدسی، ۱۳۰۵ق.
۴. ابن جزری، محمد بن محمد، النشر فی القراءات العشر، تحقیق: علی محمد الضباع، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۵. ابن درید، محمد بن حسن، جمهره اللغة، بیروت: دارالعلم للملایین، (۱۹۸۸)،
۶. ابن قیم الجوزیه، محمد بن ابی بکر، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، چاپ هفتم، بیروت: مؤسسة الرساله، ۱۴۰۵ق.
۷. ابن مجاهد، احمد بن موسی بن عباس، السبعة فی القراءات، قاهره: المعارف، ۱۴۱۰ق.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ چهارم، بیروت: دار الصادر، ۲۰۰۵م.
۹. ابن مهران، ابوبکر احمد بن الحسین، المبسوط فی القراءات العشر، تحقیق سبیع حمزه حاکمی، چاپ دوم، بیروت: دارالقبلة للثقافة الاسلامیة، ۱۴۰۸ق.
۱۰. ابوسعود عمادی، ارشاد العقل السلیم الی مزايا الكتاب الکریم، تحقیق عبدالقادر احمد عطاء ریاض: مكتبة الرياض الحديثه، ۱۹۷۱م.
۱۱. اسعدی، محمد و همکاران، آسیب شناسی جریان های تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ش.
۱۲. اصفهانی، سیده نصرت امین، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ش.
۱۳. اهوازی، ابوالحسن بن علی، الوجیز، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۲۰۰۲م.
۱۴. ایازی، سید محمدعلی، شناخت نامه تفاسیر، تهران: نشر علم، ۱۳۹۳ش.
۱۵. الباز، محمد بن عباس، مباحث فی علم القراءات، القاهرة: دارالکلمه، ۱۴۲۵ق.
۱۶. بقاعی، ابراهیم بن عمر بن حسن، الضوابط و الاشارات، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۳ق.
۱۷. جبرئیلی جلودار، عبدالله. حیدری، فرحت عباس. کریمی، عباس. (۱۴۰۱). بررسی قواعد رسم المصحف و موارد اختلافی آن. مطالعات قرائت قرآن، ۱۰(۱۹)، ۳۴۵-۳۱۲. doi: 10.22034/qer.2023.7599

۱۸. حجتی، سیدمحمدباقر، مقدمه‌ای بر تاریخ قراءات قرآن کریم، تهران: انتشارات اسوه، ۱۳۸۶ش.
۱۹. خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۹۰ش.
۲۰. خطیب، عبداللطیف، معجم القراءات، دمشق: دار سعدالدین، ۱۴۲۲ق.
۲۱. دانی، ابوعمر و عثمان بن سعید، التیسیر فی قراءات السبع، تصحیح اوتوپرتسل، تهران: کتابفروشی جعفری تبریزی، ۱۳۶۲ش.
۲۲. دجوی، قاسم احمد، قلاند الفکر فی توجیه القراءات العشر، چاپ سوم، مکه: مکتبه محمد علی صبیح و فرزندانش، بی‌تا.
۲۳. دمیاطی، شهاب الدین، اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الاربعه عشر، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۷ق.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۲۵. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ش.
۲۶. زبیدی، مرتضی، تاج العروس، بیروت: دار الهدایه، ۱۳۸۵ق.
۲۷. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، مترجم: محسن آرمین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵ش.
۲۸. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ق.
۲۹. زقروق، محمود حمدی، الموسوعه القرآنیه المتخصصه، القاهره: وزاره الاوقاف، ۱۴۲۳ق.
۳۰. سبزواری، محمود عادل، لغتنامه قرآن کریم، تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۳ش.
۳۱. سیوطی: لال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، مترجم: سید مهدی حائری قزوینی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰ش.
۳۲. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، قم: منشورات الرضی، ۱۳۷۲ش.
۳۳. عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تهران: انتشارات صدوق، ۱۳۶۰ش.
۳۴. عسکری، سیدمرتضی، القرآن الکریم وروایات المدرستین، تهران: مجمع علمی الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۳۵. مرتضوی، سید ابراهیم. طیب حسینی، سید محمود. (۱۳۹۸). دیدگاه زمخشری در مورد قرائات. مطالعات قرائت قرآن، ۷(۱۲)، ۲۷-۵۴. doi: 10.22034/quer.2019.2711



۳۶. مکی بن ابی طالب، محمد، الكشف عن وجوه القراءات السبع وعللها وحججها، تحقیق دکتر محی الدین رمضان، چاپ سوم، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۰۴ق.
۳۷. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، مواهب الرحمان، بیروت: موسسه اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۴۰۹ق.

References

1. Abu Saud Imadi, *Irshad al-'Aql al-Salim ila Maza'ya al-Kitab al-Karim (Guidance of the Sound Mind to the Virtues of the Noble Book)*, Researched by Abdul Qadir Ahmad Ata, Riyadh: Maktabat al-Riyadh al-Hadithah, 1971 CE.
2. Ahwazi, Abu al-Hassan Bin Ali, *Al-Wajiz (The Concise)*, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami, 2002 CE.
3. Al-Baz, Mohammad Bin Abbas, *Mabahith fi Ilm al-Qira'at (Topics in the Science of Recitations)*, Cairo: Dar al-Kalam, 1425 AH (2004 CE).
4. Ameli, Ibrahim, *Tafsir Ameli (Ameli's Interpretation)*, Tehran: Saduq Publications, 1360 SH (1981 CE).
5. Asadi, Mohammad and Colleagues, *Asib-Shinasi-ye Jarayan-haye Tafsiri (A Study of Interpretative Trends)*, Qom: Pazhuheshgah-e Howzeh va Daneshgah, 1392 SH (2013 CE).
6. Askari, Sayyid Murtadha, *Al-Quran al-Karim wa Riwayat al-Madrasatain (The Noble Quran and the Narrations of the Two Schools)*, Tehran: Majma al-Ilmi al-Islami, 1416 AH (1995 CE).
7. Ayazi, Sayyid Mohammad Ali, *Shinakht-Nameye Tafsir-ha (Introduction to Exegeses)*, Tehran: Nashr-e Ilm, 1393 SH (2014 CE).
8. Baqa'i, Ibrahim Bin Umar Bin Hassan, *Al-Dawabit wa al-Isharat (The Rules and Pointers)*, Beirut: Dar al-Fikr, 1423 AH (2002 CE).
9. Dajwi, Qasim Ahmad, *Qala'id al-Fikr fi Tawjihi al-Qira'at al-Ashr (The Thoughtful Pearls in Explaining the Ten Recitations)*, 3rd Edition, Mecca: Maktabah Mohammad Ali Sabih wa Farzandani, n.d.
10. Dani, Abu Amr Usman Bin Saeed, *Al-Taysir fi Qira'at al-Sab'a (The Seven Recitations Made Easy)*, Edited by Otto Pretzel, Tehran: Jafari Tabrizi Bookstore, 1362 SH (1983 CE).
11. Dimyat, Shihab al-Din, *It'haf Fudhala' al-Bashar fi al-Qira'at al-Arba'a Ashar (The Gift of the Virtuous in the Fourteen Recitations)*, Beirut: Alam al-Kitab, 1407 AH (1987 CE).
12. Esfahani, Sayyid Nosrat Amin, *Makhsan al-Irfan dar Tafsir-e Quran (The Treasury of Knowledge in Quranic Interpretation)*, Tehran: Nahidat-e Zanan-e Musliman, 1361 SH (1982 CE).
13. Hojati, Sayyid Mohammad Baqir, *Moqaddameyi bar Tarikh Qira'at-e Quran-e Karim (Introduction to the History of Quranic Recitations)*, Tehran: Entesharat-e Asv, 1386 SH (2007 CE).



14. Ibn Abi Maryam, Nasr Bin Ali, *Al-Mawdih fi Wajh al-Qira'at wa 'Illaha (The Explanation of the Aspects of Recitations and Their Reasons)*, Researched by Dr. Omar Hamdan Al-Kubaisi, Mecca: Manshurat Umm Al-Qura, 1414 AH (1993 CE).
15. Ibn Athir, Majd al-Din, *Al-Nihayah fi Ghareeb al-Hadith wa al-Athar (The Conclusion in the Strange Hadith and Narrations)*, 1st Edition, Damascus: Dar al-Fikr, 1383 AH (1964 CE).
16. Ibn Duraid, Mohammad Bin Hassan, *Jumharah al-Lughah (The Collection of Language)*, Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin, 1988 CE.
17. Ibn Jazari, Mohammad Bin Mohammad, *Al-Nashr fi al-Qira'at al-'Ashr (The Spread in the Ten Readings)*, Researched by Ali Mohammad al-Dib, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, n.d.
18. Ibn Jazari, Mohammad Bin Mohammad, *Munjid al-Muqri'in wa Murshid al-Talibin (The Supporter of Reciters and Guide of Seekers)*, Cairo: Maktabat al-Qudsi, 1305 AH (1887 CE).
19. Ibn Manzur, Mohammad Bin Mukarram, *Lisan al-Arab (The Tongue of the Arabs)*, 4th Edition, Beirut: Dar al-Sadir, 2005 CE.
20. Ibn Mihran, Abu Bakr Ahmad Bin al-Husayn, *Al-Mubsut fi al-Qira'at al-'Ashr (The Expanded Explanation in the Ten Readings)*, Researched by Sabih Hamzah Hakimi, 2nd Edition, Beirut: Dar al-Qiblah lil-Thaqafah al-Islamiyyah, 1408 AH (1987 CE).
21. Ibn Mujahid, Ahmad Bin Musa Bin Abbas, *Al-Sab'ah fi al-Qira'at (The Seven in Recitations)*, Cairo: Al-Ma'arif, 1410 AH (1990 CE).
22. Ibn Qayyim al-Jawziyya, Mohammad Bin Abi Bakr, *Zad al-Ma'ad fi Hadi Khair al-'Ibad (Provision for the Seeker of the Best Deeds)*, 7th Edition, Beirut: Muassasat al-Risalah, 1405 AH (1985 CE).
23. Jabraili jolodar, A., Haidari, F. A., & Karimi, A. (2023). Examining the Rules of Rasm of Al-Masahif and Its Controversial Cases. 5- QERA'T, 10(19), 312-345. doi: 10.22034/qer.2023.7599
24. Khatib, Abdul Latif, *Mujam al-Qira'at (Dictionary of Recitations)*, Damascus: Dar Sa'ad al-Din, 1422 AH (2001 CE).
25. Khosravani, Alireza, *Tafsir Khosravi (Khosravi's Interpretation)*, Tehran: Islamiyyah Publications, 1390 SH (2011 CE).
26. Maki Bin Abi Talib, Mohammad, *Al-Kashf 'an Wajh al-Qira'at al-Sab'a wa 'Illa'ha wa Hujajuha (A Discovery of the Patterns of Seven Qira'at, Their Reasons and Arguments)*, Researched by Dr. Mahdi Ramadan, 3rd Edition, Beirut: Muassasat al-Risalah, 1404 AH (1983 CE).
27. Mortazavi, S. E., & Tayeb Husayni, S. M. (2019). Zamakhshari's Views on Modes of Readings. 5- QERA'T, 7(12), 27-54. doi: 10.22034/qer.2019.2711

28. Mousavi Sabzevari, Sayyid Abdul Ali, *Mawahib al-Rahman (Gifts of the Merciful)*, Beirut: Moasseseh Ahlul Bayt, 1409 AH (1988 CE).
29. Raghieb Esfahani, Hussein Bin Mohammad, *Mafatih Alfaz al-Quran (The Keys to Quranic Vocabulary)*, Beirut: Dar al-Qalam, 1412 AH (1992 CE).
30. Rajabi, Mahmoud, *Ravesh-e Tafsir-e Quran (The Method of Quranic Interpretation)*, Qom: Howzeh va Daneshgah Research Institute, 1383 SH (2004 CE).
31. Sabahi Saleh, *Mabahith fi 'Ulum al-Quran (Discussions in Quranic Sciences)*, Qom: Nashr-e Razi, 1372 SH (1993 CE).
32. Sabzawari, Mahmoud Adil, *Lughatname-ye Quran-e Karim (Quranic Dictionary)*, Tehran: Nashr-e Salis, 1383 SH (2004 CE).
33. Suyuti, Jalal al-Din, *Al-Itqan fi 'Ulum al-Quran (A Perfection Explanation in the Quranic Sciences)*, Translated by Sayyid Mahdi Ha'iri Qazvini, Tehran: Amir Kabir, 1380 SH (2001 CE).
34. Zaghoul, Mahmoud Hamdi, *Al-Mawsu'ah al-Qur'aniyyah al-Mutakhassisah (The Specialized Quranic Encyclopedia)*, Cairo: Ministry of Awqaf, 1423 AH (2002 CE).
35. Zarkashi, Badr al-Din Mohammad Bin Abdullah, *Al-Burhan fi 'Ulum al-Quran (The Evidence in Quranic Sciences)*, Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin, 1410 AH (1990 CE).
36. Zarqani, Mohammad Abdul Azim, *Manahil al-Irfan fi 'Ulum al-Quran (The Sources of Knowledge in Quranic Sciences)*, Translated by Mohsen Armin, Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies, 1385 SH (2006 CE).
37. Zubaydi, Murtada, *Taj al-Arus (The Bride's Crown)*, Beirut: Dar al-Hidayah, 1385 AH (1965 CE).



The Impact of Recitation Difference on Jurisprudence: Perspectives of the Two Schools of Thought (Shia and Sunni)*

Jahangir Rakhshandegan¹ and Mohammad Faezi²

Abstract



The issue of various recitations of the Holy Quran represents a significant matter encompassing numerous aspects of theological, jurisprudential, and literary dimensions. One of the facets of this issue is the influence of recitation discrepancies on jurisprudential matters, extensively discussed in the jurisprudential and foundational books of the two major schools of thought (Shia and Sunni). According to the Sunni belief among the general public, all well-known recitations are authoritative, and juridical references can be derived from them. However, scholars from the Shiite perspective deny the legitimacy of conflicting recitations, rejecting reliance on divergent recitations. Given these two distinct approaches, the impact of recitation variations on Shiite jurisprudence significantly differs from its effect on the jurisprudence of the general populace. This article employs a descriptive-analytical method, drawing upon library resources and utilizing assistive software, to compare the impact of recitation discrepancies on Shiite jurisprudence versus that of the general populace. The analysis demonstrates that while multiple recitation variations have led to differences in legal rulings within Sunni jurisprudence and Shiite jurisprudence, despite the potential influence of recitation discrepancies on juridical matters, no instance has been found where recitation variations led to divergent legal verdicts, due to the presence of narrations from the Ahl al-Bayt (Prophet Mohammad's Progeny) in all circumstances.

Keywords: Comparative Jurisprudence, Recitation Discrepancies, Narrations, Shiite Jurisprudence, Sunni Jurisprudence, Legal Verdicts.

*. **Date of receiving:** 10/08/2022, **Date of approval:** 28/05/2023.

1. Level 4 Graduate of the Islamic Seminary and Alumnus of the Holy Imams' Jurisprudence Center; Professor at the Islamic Seminary, Qom, Iran. (Corresponding Author): j_rakhshandegan@miu.ac.ir.

2. Level 4 Graduate of the Islamic Seminary and Alumnus of the Holy Imams' Jurisprudence Center; Researcher the Principles of Jurisprudence Department at the Holy Imams' Jurisprudence Center, Qom, Iran. (m.faezi110@gmail.com).



تأثیر اختلاف قرائات بر فقه از منظر فریقین *

جهانگیر رخسندگان^۱ و محمد فائزی^۲



چکیده

مسأله قرائت‌های مختلف قرآن کریم از مسائل مهم و دارای جنبه‌های متعدد کلامی، فقهی، ادبی است. یکی از جنبه‌های این مسأله تأثیر اختلاف قرائت در مسائل فقهی بوده که در کتب فقهی و اصولی فریقین به آن پرداخته شده است. از نظر مشهور عامه، تمام قرائات مشهوره حجت هستند و می‌توان در فقه به آن استناد نمود. مشهور فقیهان شیعه در فرض اختلاف و تعارض قرائات منکر حجیت قرائات متعدد بوده و احتجاج به قرلنات متنافی را نمی‌پذیرند. با توجه به این دو رویکرد تأثیر اختلاف قرلنت در فقه شیعی کاملاً متفاوت با تأثیر آن در فقه عامه است و در این مقاله با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و استفاده از نرم‌افزارهای پارانهای به بررسی موارد اختلاف قرائت به مقارنه تأثیر اختلاف قرائت در فقه شیعه و عامه پرداخته شده است. در این نوشته ثابت شده، موارد متعدد اختلاف قرائت در فقه عامه موجب اختلاف فتوی گشته است؛ اما در فقه شیعی گرچه اختلاف قرائت می‌توانست مؤثر در مسأله فقهی شود ولی با توجه به وجود روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) در تمامی موارد، هیچ موردی یافت نشد که اختلاف قرائت موجب اختلاف فتوی شود. واژگان کلیدی: فقه مقارن، اختلاف قرائت، روایات، فقه امامیه، فقه اهل سنت، فتوا.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۰۹.

۱. سطح چهار حوزه علمیه و دانش آموخته مرکز فقهی انجمن اطهار ع؛ استاد حوزه علمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول): j_rakhshandegan@miu.ac.ir

۲. سطح چهار حوزه علمیه و دانش آموخته مرکز فقهی انجمن اطهار ع؛ پژوهشگر گروه اصول فقه مرکز فقهی انجمن اطهار ع، قم، ایران: m.faezi110@gmail.com



مقدمه

یکی از مباحث مطرح شده در قرآن کریم، احکام و فروع دین است. از همین روی کلام الله مجید به عنوان یکی از منابع فقه در نزد مسلمین به حساب می آید و از صدر اسلام فقهای فریقین در فرآیند استنباط اعتنا و توجه اساسی به آیات شریف آن داشته اند. استنباط از قرآن کریم همانند استنباط از سایر منابع شریعت دارای قواعد و ضوابط خاص خود بوده و مورد توجه فقیهان واقع شده است. یکی از مباحث مطرح شده در زمینه نحوه برداشت احکام شرعی از قرآن کریم بحث اختلاف قرائات است. (زرنگار، ۱۴۰۱، ۱۳۱) می دانیم که قرآن کریم دارای قرائات مختلف ست که در بعضی از موارد باعث برداشت متفاوت از متن کتاب الله می شود. حال سوال اساسی در این زمینه این است که در موارد تعدد قرائات کدام یک از این قرائات می تواند برای اثبات حکم شرعی حجت باشد. در علم اصول فقه به این مسأله پرداخته شده و پاسخ های متعددی به این سوال داده شده است که از باب مقدمه بحث در ادامه این مقاله ذکر خواهد شد. همچنین در علم فقه در مواردی که اختلاف قرائت موجب اختلاف در مسأله فقهی است، فقیهان به این مسأله پرداخته اند. در این مقاله با ذکر قرائات مختلف در مواردی که موجب برداشت در آیات الاحکام می شود و مقایسه بین فقه شیعه و عامه در مسأله درصدد تبیین میزان تأثیر بحث اختلاف قرائات در فقه شیعه و عامه هستیم.

از دیرباز در میان دانشمندان مسلمان، مسأله اختلاف قرائات مورد بحث قرار گرفته و کتاب هایی در مورد آن نگاشته شده است، همچنین در خصوص تأثیر اختلاف قرائت در فتوا و فقه باید گفت در دوره های اخیر در میان اهل سنت، کتب و مقالات و پایان نامه هایی در این خصوص نگاشته شده است که می توان به این موارد اشاره نمود: «القراءات المتواترة و أثرها فی الرسم القرآنی و الاحکام الشرعیة» نوشته محمد الحبش؛ «أثر اختلاف القراءات الأربعة عشر فی مباحث العقيدة و الفقه»، نوشته ولید بن إدريس بن عبد العزيز المنيسی؛ «أثر اختلاف القراءات فی الفقه المقارن کتاب المجموع للنووي أنموذجاً»، از عاشور خضراوی؛ «القراءات القرآنية و أثرها فی اختلاف الأحکام الفقهية»، نوشته الدكتور خير الدين سيب و... اما آنچه در میان فقیهان شیعه مطرح بوده، پرداختن به این مسأله در ضمن مباحث فقهی است به این نحو که در ذیل مسائل فقهی اگر اختلاف قرائت در برداشت از آیات قرآن کریم تأثیر داشته باشد به بررسی این تأثیر خواهند پرداخت ولی اثری مستقل در این زمینه یافت نشد. شاید علت اصلی عدم تألیف اثر مستقل در این زمینه این باشد که در فقه شیعه با وجود روایات واصله از اهل بیت علیهم السلام در عمده موارد حکم فقهی مسأله روشن است و اختلاف قرائت تأثیری در آن ندارد. برای پیشگیری از سوء برداشت لازم به تذکر است که رجوع به قرآن کریم از مبانی اصلی فقه شیعه می باشد و

مراد از آنچه بیان شده هیچگاه این نیست که روایات اهل بیت علیهم السلام جایگزین رجوع به قرآن کریم شده‌اند بلکه مدعا این است که مشکل اختلاف قرائات در مراجعه به قرآن کریم و استنباط احکام فقهی از آن در فقه شیعه جدی به حساب نمی‌آید؛ زیرا گرچه قرائات مختلف در نظر مشهور فقیهان می‌تواند موجب اجمال در برداشت احکام دینی شود ولی وجود روایات متعدد فقهی این مشکل را مرتفع ساخته است. به هر حال نسبت به بررسی مقارنه‌ای و تطبیقی بین فقه شیعی و فقه عامه باید گفت پژوهشی به‌صورت تطبیقی به بررسی تأثیر اختلاف قرائت در فقه امامیه و اهل سنت صورت نگرفته است.

الف. اختلاف قرائت

قرئت در لغت به معنای خولدن و همچنین جمع کردن است (ابن منظور، ۳۶۶/۲) ولی برای بیان معنای اصطلاحی آن باید دانست که دو دیدگاه و دو تعریف کاملاً متفاوت در مورد ماهیت قرائت قرآن و به تبع آن قرائات مختلف بیان شده است (نجفی، ۱۴۰۱، ۹). دیدگاه و تعریف اول که مشهور فقیهان شیعه آن را برگزیده‌اند این‌گونه اختلاف قرائت را تعریف مینمایند: «قرئت به معنای تلاوت قرآن به‌گونه‌ای است که از نصّ الهی حکایت می‌نماید و بر حسب اجتهاد یکی از قراء معروف استوار است» (معرفت، ۱۳۸۱: ۱۸۲). بر این اساس اختلاف قرائت، اختلاف قراء در روایت و نقل نص قرآن است (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۳۰/۲). در مقابل دیدگاه دوم که مشهور اهل سنت برگزیده‌اند می‌گوید: «اختلاف قرائت عبارت است از اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی که این اختلاف، در مورد حروف و کلمات قرآن و کیفیت آنها از سوی قراء نقل شده است» (زرکشی، ۱۳۷۶: ۳۱۸/۱) وجه تمایز اساسی در این است که در تعریف اهل سنت اختلاف قرائت همان اختلاف وحی تلقی شده و در تعریف شیعه اختلافات ناشی از اجتهادات قراء دانسته شده است.

به هر حال از میان قرئتهای مطرح شده هفت قرئت معروف است: ۱. قرئت عبدالله بن عامر یحصبی؛ ۲. قرئت عبدالله بن کثیر دارمی؛ ۳. قرئت عاصم بن ابی النجود اسدی؛ ۴. قرئت ابو عمرو بن علاء مازنی؛ ۵. قرئت حمزة بن حبيب زیات؛ ۶. قرئت نافع بن عبد الرحمن الليثی؛ ۷. قرئت علی بن حمزه کسائی (معرفت، ۱۳۸۱: ۱۹۰).

ب. حجیت قرائات مختلفه

در دانش اصول فقه از حجیت قرائات مختلف در شیعه و عامه، به دو صورت متفاوت پیگیری شده است. بسیاری از اصولیون شیعه این‌گونه بحث را مطرح نموده‌اند که قرائات مختلفه یا همگی متواتر



هستند و یا خیر. اگر قائل به تواتر قرائات باشیم، دو قرئت مختلف به منزله دو آیه هستند که با هم تعارض می‌نمایند و قواعد باب تعارض جاری است. اما اگر قرائات را متواتر ندانیم و جواز استدلال به هر قرآتی، مثلاً با اجماع ثابت شود، در این صورت حکم مثل قول سابق خواهد بود، اما اگر جواز استدلال ثابت نشد، باید حکم به توقف شود و در صورت عدم وجود مرجح، به قواعد رجوع خواهد شد (انصاری، ۱۴۱۶: ۶۶/۱؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۲۸۵؛ روحانی، ۱۴۱۳: ۲۲۰/۴) اما بیان تحقیق در اینکه آیا قرائات مختلف همگی متواتر هستند یا خیر؟ نیاز به بحث مفصلی دارد که از مقصود این نوشته خارج است ولی آنچه به نظر صحیح می‌رسد عدم تواتر قرائات است و ادله مختلفی می‌توان بر این امر اقامه نمود (خویی، بی‌تا، ۱۵۱/۱؛ ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۶۳۳/۲).

در مقابل قول مشهور در میان عامه قائل به تواتر قرائات قرآن شده‌اند حتی تا جایی که بعضی قائل به کفر منکرین تواتر قرائات سبع شده‌اند (الزرقانی، بی‌تا، ۴۳۵/۱) بلی در حدود و ثغور این تواتر اختلاف فراوانی وجود دارد (ر.ک: همان: ۴۳۵/۱ - ۴۳۸) به هر حال مشهور میان ایشان تواتر و حجیت قرائات مشهور است به این معنی که می‌توان استدلال به هر یک از این قرائات صحیح است.

ج. بررسی تطبیقی موارد اختلاف قرائت در فقه

گرچه در بیشتر آیات الاحکام اختلاف قرائت وجود دارد ولی در بعضی از این موارد اختلاف موجود در قرائت موجب اختلاف در معنی نشده و یا حداقل موجب اختلاف در مسأله فقهی نمی‌شود از همین روی در بررسی تطبیقی موارد اختلاف قرئت تنها به مواردی پرداخته خواهد شد که اختلاف قرئت موجب اختلاف در معنی شده و در استنباط مسأله فقهی نیز موثر است.

۱. مسأله اختلاف در قرائت آیه وضوء

یکی از موارد که قرائات متفاوت دارد مسأله وضوء است که این آیه مبارکه در مقام بیان آن است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» (مانده: ۶)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به [عزم] نماز برخیزید/اورت و دستهایتان را تا آرنج بشوید؛ و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین [هر دو پا] مسح کنید».

اختلاف در این آیه مبارکه در قرائت «أَرْجُلَكُمْ» است، سه قول در قرائت این واژه نقل شده است: قول اول: به جر «أَرْجُلِكُمْ» قرائت شده است. این قرائت از عکرمة و قتادة و انس و ابن عباس نقل شده است و برخی از علماء اهل سنت مثل ابن کثیر و طبری همین قرائت را ترجیح داده‌اند (السایس، ۲۰۰۲: ۳۵۷؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۲۲۰/۲؛ الواسطی، ۱۴۲۵: ۸۰/۱؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۹۱/۶؛ طبری، ۱۴۲۰: ۵۷/۱۰؛ رازی، بی‌تا، ۱۲۷/۱۱؛ آلوسی، بی‌تا، ۳۴۶/۶؛ جصاص، بی‌تا، ۴۳۳/۲؛ فراء، بی‌تا، ۲۰۳/۱؛ سیوطی، بی‌تا، ۲۸/۳؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰: ۵۲/۳).

قول دوم: به نصب «أَرْجُلُكُمْ» قرائت شده است. این قرائت از ابن مسعود، ضحاک، نافع، مقاتل بن حیان، ابن عباس، ابن عامر، عاصم، کسائی نقل شده است (قرطبی، ۱۳۸۴: ۹۱/۶؛ الکيا الهراسی، ۱۴۰۵: ۴۶۹/۲؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۲۲۰/۲؛ الواسطی، ۱۴۲۵: ۸۰/۱؛ قاضی عبدالوهاب، بی‌تا، ۱۲۵: طبری، ۱۴۲۰: ۵۷/۱۰؛ رازی، بی‌تا، ۱۲۷/۱۱؛ آلوسی، بی‌تا، ۳۴۶/۶؛ جصاص، بی‌تا، ۴۳۳/۲؛ فراء، بی‌تا، ۲۰۳/۱؛ سیوطی، بی‌تا، ۲۸/۳؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰: ۵۲/۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۱۱/۱)

قول سوم: به ضم «أَرْجُلُكُمْ» قرائت شده است. این قرائت شاذ از ولید بن مسلم الاعمش و حسن نقل شده است. (ابن جنی، ۱۴۲۰: ۲۰۸/۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۱۱/۱؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۲۲۰/۲)

تأثیر اختلاف قرائت در فقه عامه

در میان فقیهان عامه سه قول در طهارت رجلين بیان شده است: برخی معتقدند طهارت رجلين به شستن است. برخی معتقدند طهارت رجلين به مسح است. و گروه دیگر به جواز طهارت رجلين به مسح و غسل قائل شدند. کسانی که یکی از دو نوع طهارت را تعیین کرده‌اند، یکی از قرائت را ترجیح دادند (ابن رشد، ۱۴۲۵: ۲۱/۱).

قول اول: وجوب غسل رجلين. این قول مختار بیشتر فقهاء و علمای اهل سنت است. (ابن رشد، ۱۴۲۵: ۲۲/۱؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۹۰/۱؛ خطیب شربینی، ۱۴۱۵: ۱۱۰/۱؛ نووی، بی‌تا، ۲۳۱/۱؛ سرخسی، ۱۴۱۴: ۸/۱؛ رازی، بی‌تا، ۱۲۷/۱۱؛ الوسی، بی‌تا، ۳۴۶/۶؛ کاسانی، ۱۴۰۶: ۱۱۰/۱). این قول بنابر قرائت به فتح و ضم است (ابن جنی، ۱۴۲۰: ۲۰۸/۱؛ کاسانی، ۱۴۰۶: ۱۱۳/۱).

نووی می‌نویسد: «مسلمین بر وجوب شستن دو پا اجماع دارند و شخص قابل قبولی مخالف نیست». (نووی، بی‌تا، ۲۳۱). جصاص نیز می‌نویسد: «در مراد از «غسل» در آیه مبارکه اختلاف وجود ندارد» (جصاص، بی‌تا، ۳۴۵/۲).

استدلال: در آیه مبارکه «أَرْجُلَ» بر «وُجُوه» عطف شده است، در حکم با وجوه مشترک است و حکم «وجوه» در آیه مبارکه غسل و شستن بود، پس شستن و غسل پا واجب است.

قول دوم: بین مسح و شستن تخیر است. این قول از حسن بصری و ابن جریر طبری و جبائی و ابن جریج نقل شده است (ابن جنی، ۱۴۲۰: ۲۰۸/۱؛ کاسانی، ۱۴۰۶: ۱۱۲/۱؛ نووی، بی‌تا، ۲۳۱/۱؛ طبری، بی‌تا، ۱۳۸/۶؛ آلوسی، بی‌تا، ۳۴۶/۶).



استدلال: دلیل وجوب مسح و وجوب غسل با هم تعارض دارد و هر قرئت بر ظاهرش حمل می‌شود و حمل یکی از آن دو بر ظاهرش اولی از دیگری نیست. همانطور که هر دو قرئت، از قرآن هستند ثابت است، و جمع بین دو وجوب غسل و مسح صحیح نیست و معذور است. زیرا علمای سلف به آن قائل نشدند. پس مکلف مخیر است (ابن رشد، ۱۴۲۵: ۱۰۶/۲؛ بزار، ۲۰۰۹: ۲۰۶/۲).

تأثیر اختلاف قرائت در فقه امامیه

مسأله مسح رجلین از مسائل مهم و از دیرباز در فقه شیعه معنون بوده است. نسبت به حکم فقهی مسأله در بین فقههای امامیه اختلافی وجود ندارد و وجوب مسح بر رجلین امری مسلم و مورد اجماع ایشان است (طوسی، ۱۴۰۷: ۹۱/۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۷: ۱۴۸/۱؛ شهید اول، ۱۴۱۹: ۱۴۳/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۰۶/۲؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱: ۲۱۵/۱؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۵: ۱۰۵؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۲۵۵/۲؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۸۸/۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۸: ۱۳۶/۱؛ قمی، ۱۴۱۵: ۱۱۸؛ حکیم، ۱۴۱۶: ۳۷۲/۲؛ خونی، ۱۴۱۸: ۱۴۳/۵؛ نراقی، ۱۴۲۲: ۱۹۵) بلکه از ضروریات شمرده شده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۰۶/۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۸: ۱۳۶/۱) و روایات این باب متواتر بیان شده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۰۶/۲؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۲۵۵/۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۸: ۱۳۶/۱؛ حکیم، ۱۴۱۶: ۳۷۲/۲؛ خونی، ۱۴۱۸: ۱۴۳/۵). شیخ طوسی فراوانی روایات مسح رجلین را غیر قابل احصاء دانسته است (طوسی، ۱۴۰۷: ۶۳/۱) به هر حال اصل مسأله واضح و روشن است و تعدد قرائت در آیه شریفه تأثیری در آن ندارد. بلی فقیهان از دیرباز در کتب خود به اختلاف قرائت در این آیه شریفه پرداخته‌اند و بیان داشته‌اند که قرائت «جر» ظهور روشن در وجوب مسح دارد و قرائت «نصب» نیز منافاتی با وجوب مسح ندارد (ابن زهره، ۱۴۱۷: ۵۶؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۰۷/۲؛ خمینی، ۱۴۲۱: ۴۹۴؛ خونی، ۱۴۱۸: ۱۴۳/۵؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۰۳: ۸۶)

۲. مسأله اختلاف در قرائت آیه وجوب وضوء در اثر مس نمودن زن

از آیاتی که اختلاف قرائت در آن موجب اختلاف فتوا شده، آیه ۴۳ سورة نساء است: «أَوْ لَا مَسِّمُ التَّسَاء فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا»؛ «یا با زنان آمیزش کرده‌اید و آب نیافته‌اید، پس بر خاکی پاک تیمم کنید» است. واژه «لَا مَسِّمُ» به دو نحو قرائت شده است:

قول اول: «لَمَسِّمُ» قرائت شده است. این قرائت از ابن مسعود بوده و حمزه، کسائی، خلف، أعمش، مفضل از عاصم، ولید بن عقبه به این صورت قرائت کرده‌اند (طبری، ۱۴۲۰: ۴۰۶/۸؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۲۲۳/۵؛ قاضی عبدالفتاح، بی تا، ۸۹؛ فارسی، ۱۴۱۳: ۱۶۳/۳؛ دانی، ۱۴۰۴: ۹۶؛ ابن مهران، ۱۹۸۱: ۱۸۰؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۵۳۴/۱؛ محمد الحبش، ۱۴۱۹: ۲۵۷؛ ابن القصار، ۱۴۲۶: ۵۲۰/۱).

قول دوم: «لامستّم» قرائت شده است. این قرائت اهل حجاز، نافع، ابن عامر عاصم، ابو عمرو بن علاء و ابن کثیر است. (طبری، ۱۴۲۰: ۴۰۶/۸؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۲۲۳/۵؛ قاضی عبدالفتاح، بی تا، ۸۹؛ فارسی، ۱۴۱۳: ۱۶۳/۳؛ دانی، ۱۴۰۴: ۹۶؛ ابن مهران، ۱۹۸۱م، ۱۸۰؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۵۳۴/۱؛ محمد الحبش، ۱۴۱۹: ۲۵۷؛ ابن القصار، ۱۴۲۶: ۵۲۰/۱)

اهل سنت

این اختلاف قرائت، سبب پیدایش سه قول در نقض وضوء به سبب مس مرأه شده است:
قول اول: مس زن وضوء را نقض نمی کند. این قول از ابن عباس، مسروق، طاوس، ثوری و احمد بن حنبل نقل شده است و ابوحنیفه، ابویوسف، زفر قائل به این قول شده اند (ابن قدامة، ۱۳۸۸: ۱۲۴/۱؛ کاسانی، ۱۴۰۶: ۲۴۴/۱؛ سرخسی، ۱۴۱۴: ۶۸/۱؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۲۲۳/۵-۲۲۶: ۲۲۶؛ طبری، ۱۴۲۰: ۴۰۶/۸؛ همان، ۸۳/۱۰؛ نووی، بی تا، ۲۶/۲).

در نظر ابوحنیفه مراد از لمس در آیه مبارکه جماع است و برای این مدعا به روایت ابن عباس استدلال کرده: قال: «ان المراد بالمس الجماع الا ان الله حیّ یکنی بالحسن عن القبیح کما کنی بالمس عن الجماع»؛ «خداوند از باب کنایه به دلیل رعایت جانب حیا از کلمه قابل توجیهی به جای واژه ای غیر حسن استفاده می کند مثلاً به جای جماع، واژه مس را بکار می برد» (عسقلانی، ۱۳۷۹: ۱۵۸/۹؛ سرخسی، ۱۴۱۴: ۶۸/۱؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۲۲۴/۵).

قول دوم: مس مرأه، وضوء را نقض می کند. این قول از عمر، ابن مسعود، ابن عمر، نخعی، زهری، شعبی، عطاء، اوزاعی، ربیع و شافعی نقل شده است (ابن قدامة، ۱۳۸۸: ۱۲۴/۱؛ نووی، بی تا، ۲۶/۲؛ طبری، بی تا، ۱۲۵/۵؛ خطیب شربینی، ۱۴۱۵، ۷۶/۱؛ ابن رشد، ۱۴۲۵ق؛ ۳۵؛ کاسانی، ۱۴۰۶: ۲۴۴/۱).

شافعی به قرائت دوم احتجاج کرد و استدلال کرده به اینکه معنای حقیقی لمس، لمس با دست است و معنای مجازی آن جماع است، زمانی که لفظ مردد بین معنای حقیقی و مجازی باشد، اولی این است که بر معنای حقیقی حمل شود (ابن رشد، ۱۴۲۵: ۳۶).

قول سوم: مس مرأه اگر با شهوت باشد، وضوء نقض می شود و الا نقض نمی شود. این قول از علقمة، ابی عبیده، مالک نقل شده است (ابن قدامة، ۱۳۸۸: ۱۲۴/۱؛ طبری، بی تا، ۱۲۵/۵؛ ابن رشد، ۱۴۲۵: ۳۵؛ سرخسی، ۱۴۱۴: ۶۸/۱؛ قرطبی، بی تا، ۱۹۶/۵).



مالک به معارضه احادیث نبوی با عموم آیه احتجاج کرده است. مثل روایت عائشه از پیامبر ﷺ که این گونه نقل شده: «عن عائشة عن النبي ﷺ قبل بعض نسائه ثم خرج الى الصلاة ولم يتوضأ، قال قلت من هي الا انت، قال فضحكت». ترجمه: «عائشه نقل میکند که پیامبر ﷺ بعضی از همسرانش را بوسید و بدون اینکه وضو بگیرد برای نماز خارج شد، راوی میگوید به عائشه گفتم آن زن چه کسی جز تو بود؟ پس عائشه خندید» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۴۹۷/۴۲).

امامیه

این برداشت از آیه شریفه که مس کردن زن موجب بطلان وضو می شود در زمان ائمه علیهم السلام مطرح بوده و ایشان در این رابطه مورد سوال واقع شده اند که در جواب وجوب وضو را نفی نموده اند (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷۱/۱). از همین روی که در روایات ما حکم این مسأله روشن شده است اختلافی بین فقیهان شیعه در عدم وجوب اعاده وضو به وسیله مس زن، وجود ندارد. از همین روی در حواشی نگاشته شده بر عروه الوثقی هیچ یک از فقیهان ذیل مطلب مرحوم سید یزدی حاشیه ای مبنی بر ناقضیت لمس زن نسبت به وضو نرده اند (ر. ک: یزدی، ۱۴۰۹: ۱۸۳/۱).

۳. مسأله اختلاف در قرائت آیه وطی زوجة

از آیاتی که اختلاف قرائت در آن، موجب اختلاف در فتوا شده، این آیه مبارکه است: «فَاعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ»؛ «پس هنگام عادت ماهانه، از [آمیزش با] زنان کناره گیری کنید و به آنان نزدیک نشوید تا پاک شوند. پس چون پاک شدند، از همان جا که خدا به شما فرمان داده است».

سه قرائت از واژه «يَطْهُرْنَ» نقل شده:

قول اول: «يَطْهُرْنَ» بالتخفيف قرائت شده است. این قرائت از نافع، ابی عمرو، ابن کثیر، ابن عامر، عاصم نقل شده است. (رازی، ۱۴۲۰: ۴۱۹/۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۹۰/۱؛ قاضی عبدالفتاح، بی تا، ۴۹: فارسی، ۱۴۱۳: ۳۲۱/۲؛ دانی، ۱۴۰۴: ۸۰؛ ابن مهران، ۱۹۸۱م، ۱۴۶: قادوسی، ۱۴۳۱: ۱۸۰؛ الکيا الهراسی، ۱۴۰۵: ۱۳۹/۱؛ بیهقی، ۱۴۱۴: ۵۳/۱؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۳۸/۱؛ قاضی عبدالوهاب، ۱۴۲۰: ۱۹۷/۱)

قول دوم: «يَطْهُرْنَ» به تشدید طاء، هاء و فتح قرائت شده است. این قرائت از حمزة، کسائی، عاصم در روایت ابی بکر، حجدری، ابن محیصن و اعمش نقل شده است (رازی، ۱۴۲۰: ۴۱۹/۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۹۰/۱؛ قاضی عبدالفتاح، بی تا، ۴۹: فارسی، ۱۴۱۳: ۳۲۱/۲؛ دانی، ۱۴۰۴: ۸۰؛ ابن مهران،

۱۹۸۱م، ۱۴۶؛ قادوسی، ۱۴۳۱: ۱۸۰؛ الکیا الهراسی، ۱۴۰۵: ۱۳۷/۱؛ بیهقی، ۱۴۱۴: ۵۳/۱؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۳۸/۱؛ قاضی عبدالوهاب، ۱۴۲۰: ۱۹۷/۱).
قول سوم: «يَتَطَهَّرْنَ» قرائت شده است. این قرائت از ابن مسعود و ابی بن کعب نقل شده است (قاضی عبدالفتاح، بی تا، ۴۹؛ فارسی، ۱۴۱۳: ۳۲۱/۲؛ دانی، ۱۴۰۴: ۸۰؛ ابن مهران، ۱۹۸۱م، ۱۴۶؛ بیهقی، ۱۴۱۴: ۵۳/۱).

اهل سنت

این اختلاف قرائت در سبب اختلاف فتوا در جواز وطی بعد از انقطاع دم در دروان حیض و قبل از غسل شده است. دو قول در مسأله است:
قول اول: عدم جواز وطی حائض تا اینکه غسل انجام دهد. این قول از مالک، شافعی و احمد نقل شده است. (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۲۰۵/۱؛ ابن کثیر، بی تا، ۲۲۶/۲؛ خطیب شربینی، ۱۴۱۵: ۲۲۸/۱؛ ابن رشد، ۱۴۲۵: ۵۲؛ آلوسی، بی تا، ۷۱۱/۲؛ ابن تیمیه، ۱۴۱۶: ۶۲۵/۲).
استدلال کرده اند به قرائت تخفیف و قرائت تشدید طاء، به این نحو که قرائت تشدید طاء، در قول به عدم جواز تصریح دارد، اما قرائت تخفیف، اگر مراد از واژه، اغتسال باشد، در عدم جواز واضح است، و اگر مراد انقطاع حیض است، بعد از آن شرط دیگری «فَإِذَا تَطَهَّرْنَ» ذکر شده، در این صورت هر دو باید همراه هم باشند. (قرطبی، ۱۳۸۴: ۸۸/۳؛ رازی، ۱۴۲۰: ۴۱۹/۶؛ خطیب شربینی، ۱۴۱۵: ۲۳۰/۱)
قول دوم: جواز وطی قبل از اینکه غسل انجام دهد. این قول از حنفیه است. (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۲۰۵/۱).
استدلال کرده اند به این آیه مبارکه که اگر این آیه مبارکه به تشدید قرائت شود، تصریح به اشتراط غسل دارد. (نوی، بی تا، ۳۷۰/۲)

امامیه

مشهور فقیهان شیعه در مسأله جماع بعد از حیض و قبل از غسل فتوا به جواز نزدیکی میدهند. (طوسی، ۱۳۸۷: ۴۴/۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۲/۱؛ محقق حلی، ۱۴۱۸: ۱۰/۱؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱: ۳۳۶/۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۸: ۶۲/۱؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴: ۳۳۳/۱؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ۱۰۸/۱؛ خمینی، بی تا، ۵۳/۱) بلکه از مسائلی است که ادعای اجماع بر جواز آن شده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۰۵/۳) نکته این امر که با وجود اختلاف قرائت، فقیهان شیعه فتوی به جواز جماع داده اند این



است که در این مسأله روایات متعددی وجود دارد که دلالت بر جواز نزدیکی میکنند (ر.ک: حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۲۵/۲) از همین روی حکم مسأله نزد ایشان روشن است.

۴. مسأله اختلاف در قرائت آیه نماز طواف

از جمله آیاتی که اختلاف قرائت در آن، مؤثر در فتوا است این آیه مبارکه است: ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾. (بقره: ۱۲۵)؛ «و چون خانه [کعبه] را برای مردم محل اجتماع و [جای] امنی قرار دادیم، [و فرمودیم: «در مقام ابراهیم، نمازگاهی برای خود اختیار کنید، و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که: خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجودکنندگان پاکیزه کنید»]. اختلاف در واژه «اتَّخِذُوا» بوده که دو قرائت نقل شده است:

اول: «اتَّخِذُوا» به صیغه امر قرائت شده است. این قرائت از ابن مسعود، ابن محیصن، طلحة، اعمش: حدری، ابن وثاب، ابن کثیر، ابوعمر، عاصم، حمزة، کسائی نقل شده است (فارسی، ۱۴۱۳: ۲۲۰/۲؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۶۰۹/۱؛ ابن قاصح، ۱۳۷۳: ۱۵۷/۱؛ رازی، ۱۴۲۰: ۴۳/۴؛ طبری، ۱۴۲۲: ۵۲۴/۲؛ جصاص، ۱۴۱۵: ۹۰/۱؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۳۱۴/۱).

دوم: «اتَّخِذُوا» به فتح خاء قرائت شده است. این قرائت از نافع، ابن عامر، شریح نقل شده است. (فارسی، ۱۴۱۳: ۲۲۰/۲؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۶۰۹/۱؛ ابن قاصح، ۱۳۷۳: ۱۵۷/۱؛ رازی، ۱۴۲۰: ۴۳/۴؛ طبری، ۱۴۲۲: ۵۲۴/۲؛ جصاص، ۱۴۱۵: ۹۰/۱؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۳۱۴/۱)

اهل سنت

اختلاف قرائت در این آیه مبارکه، سبب اختلاف در مسأله وجوب دو رکعت نماز طواف شده است. توضیح آنکه به طور مسلم یکی از اعمال حج و عمره، انجام طواف است اما اینکه آیا بعد از نماز انجام دو رکعت نماز لازم باشد محل اختلاف است و در این بحث دو قول وجود دارد:

قول اول: دو رکعت نماز طواف واجب است. این قول حنفیه است (کاسانی، ۱۴۰۵: ۱۴۸/۲؛ نووی، بی تا، ۵۰/۸؛ ابن خالویه، ۱۴۰۱: ۸۷؛ جصاص، ۱۴۱۵: ۹۰/۱).

استدلال کرده اند به اینکه طبق قرائت اول، واژه «اتخذوا» فعل امر است و امر بر وجوب دلالت می کند.

قول دوم: دو رکعت نماز طواف مستحب است. این قول حنابله و مالکیه و شافعی است (کاسانی، ۱۴۰۵: ۱۴۸/۲؛ ابن قدامة، ۱۳۸۸: ۳۴۷/۳؛ ابن خالویه، ۱۴۰۱: ۸۷؛ جصاص، ۱۴۱۵: ۹۰/۱).

قائلین به این قول به قرائت دوم استدلال کرده‌اند و معتقدند در مقام خبر است و خداوند از آنها خبر می‌دهد و دلالت بر وجوب ندارد.

امامیه

اصل وجوب نماز طواف امری مسلم و واضح است (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۴۳/۱؛ خوئی، ۱۴۱۰: ۳۵/۵)؛ اگرچه بعضی از جزئیات آن محل بحث است. اما آنچه نسبت به آیه شریفه و اختلاف قرائات در آن شایسته بیان است این است که این آیه طبق یک قرائت می‌تواند دلیل بر وجوب انجام نماز طواف در مقام ابراهیم علیه السلام باشد ولی از آنجا که در مورد وجوب ادای نماز طواف در مقام ابراهیم روایات متعدد وجود دارد به نحوی که ادعای تواتر در آن شده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۱۵/۱۹)؛ شکی در وجوب ادای این نماز در مقام ابراهیم وجود ندارد و این اختلاف قرائت تأثیری در بحث فقهی نمی‌گذارد.

۵. مسأله اختلاف در قرائت آیه عمره

آیه مبارکه «وَاتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» (بقره: ۱۹۶)؛ «برای خدا حج و عمره را به پایان رسانید» نیز با قرائات مختلفی وارد شده است. آیه مذکور یکی دیگر از آیاتی است که اختلاف قرائت موجب، اختلاف فتوا در فقه شده است. و در «العمره» دو قرائت نقل شده است:

قول اول: برخی از قراء «العُمْرَةُ» را به نصب قرائت نموده‌اند (اشمونی، ۱۴۲۲: ۱۲۶؛ ابن‌عاشور، ۱۹۸۴: ۲۲۰/۲؛ ابن‌قدامة، ۱۳۸۸: ۲۱۸/۳؛ ابن‌عربی، ۱۴۲۴: ۱۷۰/۱؛ ابن‌رشد، ۱۴۰۸: ۴۰۰/۱).

قول دوم: برخی از قراء به ضم «العُمْرَةُ» را قرائت نموده‌اند. (اشمونی، ۱۴۲۲: ۱۲۶؛ ابن‌عاشور، ۱۹۸۴: ۲۲۰/۲؛ ابن‌قدامة، ۱۳۸۸: ۲۱۸/۳؛ ابن‌عربی، ۱۴۲۴: ۱۷۰/۱؛ ابن‌رشد، ۱۴۰۸: ۴۰۰/۱).

اهل سنت

برخی از علماء اهل سنت قائل شده‌اند که عمره مستحب است و در جواب از استدلال بر وجوب عمره به این آیه مبارکه، گفته‌اند که طبق قرائت این آیه شریفه به ضم، بناء بر مبتدا و خبر قرائت شده است. و بر این اساس جمله مستقل بوده و دلالت بر وجوب عمره ندارد (ابن‌رشد، ۱۴۰۸: ۴۰۰/۱؛ سرخسی، ۱۴۱۴: ۵۸/۴؛ رعینی، ۱۴۱۲: ۶۷/۲؛ رازی، بی‌تا، ۲۹۷/۵؛ ابن‌کثیر، بی‌تا، ۳۹۴/۱؛ طرهونی، ۱۴۲۶: ۵۲۶/۲؛ ابن‌عاشور، ۱۹۸۴: ۲۲۰/۲) علاء الدین کاسانی می‌نویسد: «این آیه مبارکه دلالت بر فریضه بودن عمره نمی‌کند، زیرا واژه «العُمْرَةُ» در این آیه مبارکه به رفع قرائت شده است. بر این اساس کلام تام و غیر معطوف بر امر به حج است و خداوند برای رد زعم کفار، تعلق به خداوند را خبر داده است.» (کاسانی، ۱۴۰۶: ۲۲۶/۲)



برخی دیگر قائل شلند به اینکه عمره واجب است. با این بیان که خداوند امر به حج نموده، و مقتضای امر، وجوب است، و «العُمَرَة» عطف بر «الحَجَّ» شده، و اصل تساوی معطوف و معطوف علیه را اقتضا می نماید. (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۲۱۸/۳؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۲۲۰/۲)

امامیه

اصل وجوب عمره بر مکلفین مانند وجوب حج، امری واضح است (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۷۴/۱؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱: ۴۵۷/۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۹۴/۲؛ خوئی، ۱۴۱۰: ۱۹۸/۳) بلکه ادعای وجود اجماع در مورد آن شده است (علامه حلی، ۱۴۱۲: ۱۹۴/۱۳؛ همان، ۱۴۱۴: ۱۱/۷؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۴۱/۲۰) و روایات متعددی بر وجوب آن دلالت میکند (ر.ک: وسائل الشیعة: ۱/۴: ۲۹۵) از همین روی اختلاف قرائت در این آیه شریفه اثری در مسأله فقهی ندارد.

۶. مسأله اختلاف در قرائت آیه نکاح با عمه و خاله

از جمله آیات دارای اختلاف قرائت این آیه مبارکه ۲۴ نساء است: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاصَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (و زنان شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده‌اید؛ [این] فریضه الهی است که بر شما مقرر گردیده است. و غیر از این [زنان نامبرده]، برای شما حلال است که [زنان دیگر را] به وسیله اموال خود طلب کنید - در صورتی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید - و زنانی را که متعه کرده‌اید، مهرشان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید، و بر شما گناهی نیست که پس از [تعیین مبلغ] مقرر، با یکدیگر توافق کنید [که مدت عقد یا مهر را کم یا زیاد کنید]؛ مسلماً خداوند دانای حکیم است».

واژه «أُحِلَّ» در این آیه مبارکه به دو نحو قرائت شده است:

اول: «أُحِلَّ» صیغه مجهول (ضم همزه و کسر حاء) قرائت شده است. این قرائت از حمزة، کسائی، خلف، عاصم در روایت حفص نقل شده است (قاضی عبدالفتاح، بی تا، ۷۸؛ فارسی، ۱۴۱۳: ۱۴۱۳؛ غضنفری، ۱۴۰۲: ۱۶: ۱۵۰/۳؛ دانی، ۱۴۰۴: ۹۶؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۵۱۸/۱).

دوم: «أَحْلَ» به فتح همزه قرائت شده است. این قرائت از ابن کثیر، نافع، ابو عمرو، عاصم و ابن عامر نقل شده است. (قاضی عبدالفتاح، بی تا، ۷۸؛ فارسی، ۱۴۱۳: ۱۵۰/۳؛ دانی، ۱۴۰۴: ۹۶؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۵۱۸/۱).

اهل سنت

این اختلاف قرائت سبب اختلاف در مسأله جمع بین مرأه و عمه یا خاله آن شده است. بر این اساس دو قول وجود دارد:

قول اول: نکاح با عمه و خاله مرأه جایز است. این قول خوارج و عثمان بتی است. قائلین به این قول استدلال کرده‌اند به قرائت دوم (فتح همزه) و اینکه خداوند محرمات را ذکر کرد و خداوند در میان محرمات: مع بین اختین را حرام ذکر کرد، غیر آن حرام نیست. بر این اساس جمع بین عمه یا خاله با مرأه حرام نیست. قول دوم: نکاح با عمه و خاله مرأه حرام است. این قول جمهور اهل سنت از حنفیه، مالکیه، حنابله و شافعیه است.

ترمذی ادعای عدم خلاف و ابن‌عبدالبر، ابن‌حزم و ابن‌منذر ادعای اجماع کرده‌اند. (ابن‌قدامة، ۱۳۸۸: ۱۱۵/۷؛ نووی، ۱۳۹۲: ۱۳۹/۹؛ ابن‌حزم، بی‌تا، ۵۲۱/۹؛ عسقلانی، ۱۳۷۹: ۹۹/۹؛ شوکانی، ۱۴۱۳: ۲۴۸/۶).

قائلین به این استدلال کرده‌اند به قرائت اول (ضم همزه) و بیان کرده‌اند این واژه بر جمله «حرمت علیکم» در آیه سابق عطف شده است.

امامیه

در فقه شیعه بر خلاف معظم فقهای عامه، ازدواج همزمان با یک زن و عمه یا خاله او در فقه شیعه در فرض رضایت عمه و خاله جایز شمرده شده است (البته معمولاً این شرط را در فرضی قرار می‌دهند که ابتدا با زنی ازدواج نموده است و سپس می‌خواهد با دختر خواهر یا برادر او ازدواج نماید) (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰: ۵۲۱/۲؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴: ۲۵۵/۱۲؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۴۶۷/۲۳؛ خوئی، ۱۴۱۸: ۲۹۰/۳۲) بلکه در این مسأله ادعای اجماع شده است (شریف مرتضی، ۱۴۱۵: ۲۷۸؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۹۶/۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۶۳۸) تنها قول مخالفی که در این مسأله بیان شده، عبارت مرحوم صدوق در مقنع است (صدوق، ۱۴۱۵: ۳۲۸) که بعضی از آن حرمت مطلق (حتی در فرض رضایت عمه و خاله) را استفاده نموده‌اند. البته اولاً چنین برداشتی محل اشکال واقع شده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۲۹۱/۷) و ثانیاً منشا این قول روایات موجود در مسأله است. بر این اساس اختلاف قرائت تأثیری در این بحث ندارد (نکته: به مرحوم ابن‌جنید و ابن‌ابی‌عقیل نسبت داده شده که حتی در فرض عدم رضایت عمه و خاله ازدواج را صحیح می‌دانند) نتیجه آنکه به علت وجود روایات متعدد در این بحث (ر.ک: حرعاملی، ۱۴۰۹: ۴۸۷/۲۰) اختلاف قرائت تأثیری در مسأله ندارد.



۷. مسأله اختلاف در قرائت جزاء صید در احرام

یکی دیگر از آیاتی که اختلاف قرائت موجب اختلاف فتوا خواهد شد این آیه مبارکه است که خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ» (مائده: ۹۵) «و هر کس آن را عمداً کشت مثل آن صید را از جنس چهارپایان، که به مثلیت آن دو مؤمن عادل حکم کنند، به عنوان هدی به کعبه رساند».

اختلاف در کلمه «مِثْلُ» است و اقوال درباره آن عبارت‌اند از:

قول اول: قراء کوفی «مِثْلُ» را به رفع قرائت نموده‌اند، که طبق این قرائت معنای آیه این است که بر عهده مکلف مثل چیزی است که کشته خواهد آمد، بنابر این کلمه «مِثْلُ» صفت برای «جَزَاءٌ» خواهد بود (رازی، ۱۴۲۰: ۴۳۰/۱۲؛ طبری، ۱۴۲۲: ۶۸۰/۸؛ سمرقندی، بی‌تا، ۱/۴۱۸؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۱۷۳/۳؛ صدیق حسن خان، ۲۰۰۳: ۲۷۷؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۲۲۴/۲).

قول دوم: باقی قراء به جر قرائت کرده‌اند بنابر اینکه «جَزَاءٌ» به «مِثْلُ» اضافه شده است. طبق این قرائت معنای آیه این خواهد شد که جزاء مثل مقتول، بر عهده او واجب است. (رازی، ۱۴۲۰: ۴۳۰/۱۲؛ طبری، ۱۴۲۲: ۶۸۰/۸؛ سمرقندی، بی‌تا، ۱/۴۱۸؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۱۷۳/۳؛ صدیق حسن خان، ۲۰۰۳: ۲۷۷؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۲۲۴/۲)

اهل سنت

اختلاف قرائت در این آیه مبارکه، موجب اختلاف فتوا در مسأله کفاره صید در حرم شده است. بنابر این فقیهان حنفی قائل به این هستند که هر مکلفی که صید را بکشد، باید قیمت آن را بدهد. زیرا کلمه «جَزَاءٌ» به «مِثْلُ» اضافه شده است. (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۱۷۳/۳؛ طبری، ۱۴۲۲: ۶۸۰/۸؛ حبش، ۱۴۱۹: ۲۷۳؛ ابن‌هشام، ۱۴۰۳: ۱۵)

شافعیه قائل هستند به اینکه اگر برای مقتول مثل باشد، مثل مقتول واجب است. و اگر برای آن مثل نیست، رجوع به قیمت می‌شود. زیرا کلمه «مِثْلُ» به رفع قرائت شده است. مالکیه مسأله مذکور قائل به تأخیر بین مثل و قیمت شده‌اند. (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۱۷۳/۳؛ طبری، ۱۴۲۲: ۶۸۰/۸؛ حبش، ۱۴۱۹: ۲۷۳؛ ابن‌هشام، ۱۴۰۳: ۱۵)

امامیه

مشهور فقیهان شیعه قائل هستند که مراد از مماثلتی که در این آیه شریفه آمده است، مماثلت در قیمت نیست و قول ابو حنیفه باطل است بلکه مماثلت در خلقت اراده شده است (اردبیلی، بی‌تا، ۲۹۱)

بلکه بر این مطلب ادعای اجماع شده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۱۹/۲۶) البته در حدود این مماثلت اختلاف است (ر.ک: موسوی عاملی، ۱۴۱۱: ۳۵۲/۸؛ سبزواری، ۱۲۴۷: ۶۰۹/۲؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۳۷۱/۶؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۵۱/۲۰) در نهایت باید گفت اختلاف قرائت در این آیه شریفه اثری در فقه شیعه ندارد، بلی نسبت به ادامه آیه شریفه و عبارت «ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ» روایتی وارد شده که قرائت صحیح را «ذُو عَدْلٍ» می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۰۵/۸؛ عیاشی، بی‌تا، ۳۴۴/۱) که طبق این قرائت معنای آیه شریفه تغییر میابد (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۱۹/۲۶) و پذیرش این قرائت و معنی در بین فقیهان محل نزاع واقع شده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۹۹/۲۰؛ خوئی، ۱۴۱۸: ۳۲۳/۲۸).

۸. مسأله اختلاف در قرائت آیه جهاد ابتدایی یا دفاعی

یکی از آیات که اختلاف قرائت موجب اختلاف فتوا شده است، این آیه مبارکه است که خداوند متعال می‌فرماید: «أَذِّنْ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظُلُمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ تَصَرُّهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج: ۳۹) «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت [جهاد] داده شده است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند، و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست».

واژه «يُقَاتِلُونَ» به دو وجه قرائت شده است:

قول اول: نافع، ابن‌عامر و حفص به صیغه مجهول «يُقَاتِلُونَ» قرائت نموده‌اند. (طبری، ۱۴۲۰: ۴۶۲/۱۸؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۶۸/۱۲؛ فارسی، ۱۴۱۳: ۲۸۱/۵؛ آذهری، ۱۴۱۲: ۲۶۴/۱؛ ابن‌مجاهد، ۱۴۰۰: ۴۳۷؛ ابن‌جوزی، ۱۴۲۲: ۲۴۰/۳؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۳۵۸/۱)

قول دوم: باقی قراء به صیغه معلوم «يُقَاتِلُونَ» قرئت نموده‌اند. (طبری، ۱۴۲۰: ۴۶۲/۱۸؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۶۸/۱۲؛ فارسی، ۱۴۱۳: ۲۸۱/۵؛ آذهری، ۱۴۱۲: ۲۶۴/۱؛ ابن‌مجاهد، ۱۴۰۰: ۴۳۷؛ ابن‌جوزی، ۱۴۲۲: ۲۴۰/۳؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۳۵۸/۱)

اهل سنت

این اختلاف قرائت موجب نزاع بین فقهاء و موجب دو قول در مسأله جنگ با کفار شد. فقیهان حنفی و مالکی قائل شدند به اینکه علت جنگ با کفار، رد و دفع دشمن است، بر اساس این قول جهاد ابتدایی و جنگ با کفاری که دشمنی نمی‌ورزدند صحیح نیست (سیب، ۱۴۲۸: ۱۰۳؛ ابن‌عابدین، ۱۴۱۲: ۱۲۳/۴).



فقیهان شافعی و غالب حنابلہ قائل شدند به اینکه علت جنگ با کفار، کفر آنان است اگر چه اظهار دشمنی ننمایند. براساس این قول جنگ با کفر صحیح است اگر چه دشمنی نسبت به اسلام و مسلمین ندارند (سیب، ۱۴۲۸: ۱۰۳؛ کویتیه، ۱۴۰۴: ۱۲۶/۱۶).

امامیه

علامه طباطبائی می نویسند: «سیاق این آیات سیاق آیه: ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ*الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ﴾ است که اذن در آن اذنی است ابتدائی، در قتال با مشرکینی که مقاتله می کنند نه اینکه معنایش شرط باشد» (طباطبائی، بی تا، ۸۸/۲). اصل وجوب جهاد ابتدایی در میان فقیهان شیعه در فرض وجود تمام شرایط آن بحث و اشکالی نیست بلکه تنها نسبت به وجوب جهاد ابتدایی در زمان غیبت در میان فقیهان شیعه اختلاف است. منشا نزاع و اختلاف این است که یکی از شرایط وجوب بلکه جواز این نوع از جهاد اذن امام علیه السلام دانسته شده است و از همین روی در زمان غیبت و عدم امکان اخذ اذن از امام علیه السلام فقط در صورتی می توان به جهاد اقدام نمود که اذن امام علیه السلام از شرطیت ساقط شده باشد و یا اینکه فقیه در این زمینه اختیار داشته باشد (خوئی، ۱۴۱۰: ۳۶۵/۱؛ تبریزی، ۱۴۲۶: ۳۷۵/۱؛ مومن قمی، ۱۴۱۵: ۳۱۷/۱) نتیجه آنکه اختلاف قرائت در این آیه شریفه دلیلی بر عدم جواز جهاد ابتدایی نزد شیعه نیست.

۹. مسأله اختلاف در قرائت آیه صید بواسطه حیوانات معلومه

یکی از دیگر آیات دارای اختلاف قرائت، آیه مبارکه ۴ سوره مائده است؛ ﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكَنَّ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾؛ «از تو می پرسند: چه چیزی برای آنان حلال شده است؟ بگو: «چیزهای پاکیزه برای شما حلال گردیده و [نیز صید] حیوانات شکارگر که شما بعنوان مربیان سگهای شکاری، از آنچه خدایتان آموخته، به آنها تعلیم داده اید [برای شما حلال شده است]. پس از آنچه آنها برای شما گرفته و نگاه داشته اند بخورید، و نام خدا را بر آن ببرید، و پروای خدا بدارید که خدا زودشمار است».

در واژه «مُكَلِّبِينَ» دو قرائت نقل شده است:

قول اول: به تشدید لام «مُكَلِّبِينَ» قرائت شده و این قرائت مشهور است (قرطبی، ۱۳۸۴: ۶۸/۶).

قول دوم: تخفیف لام «مُكَلِّبِينَ» قرائت شده است. این قرائت از ابن مسعود، ابن عباس، ابی زربین عون نقل شده است (قرطبی، ۱۳۸۴: ۶۸/۶).

اهل سنت

اختلاف قرائت سبب اختلاف در حکم صید با حیوان معلمه شده است. سه قول وجود دارد:
قول اول: صید فقط با حیوانات معلمه جایز است. بر این اساس اگر با غیر سگ صید شود و قبل از ذبح بمیرد، خوردن صید حرام است. واحدی می نویسد: «این قول جمیع مفسیرین است، اما ابن عمر و ضحاک استثناء زده اند» (نوی، بی تا، ۹۶/۹).

قول دوم: صید با هر حیوان درنده نیش دار و پرند چنگار دار که تعلیم داده شده: ایز است. این قول از مالک، ابوحنیفه، شافعی، احمد، ظاهریه نقل شده است. (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۳۷۱/۹؛ نوی، بی تا، ۹۶/۹؛ ابن حزم، بی تا، ۱۶۹/۶؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۶۷/۶)

امامیه

در فقه شیعه نیز مسأله صید با حیوانات از دیرباز معنون بوده است و کتب فقهی به بیان شرایط و ضوابط آن پرداخته اند. یکی از شرایط بیان شده در این بحث این است که حیوانی که با آن شکار صورت میگیرد باید سگ باشد و شکار با سایر حیوانات موجب تذکیه نمیگردد. در این حکم ادعای اجماع شده است (الانتصار فی انفرادات الإمامیه، ۳۹۴؛ غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، ۳۹۴؛ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۸۲/۳؛ الخلاف، ۵/۶) به هر حال مدرک در این مسأله روایات متعدد هستند (وسائل الشیعة، ۳۳۱/۲۳، بَابُ إِبَاحَةِ مَا يَصِيدُ الْكَلْبُ الْمُعَلَّمُ إِذَا قَتَلَهُ؛ وسائل الشیعة، ۳۳۹/۲۳، بَابُ لَنَّهُ لَا يَجُوزُ أَكْلُ مَا يَصِيدُهُ حَيَّوَانٌ آخَرُ غَيْرِ الْكَلْبِ الْمُعَلَّمِ إِذَا قَتَلَهُ إِلَّا أَنْ يُدْرِكَ ذَكَاتُهُ وَ يُذَكِّيَهُ) و اختلاف قرائت تأثیری در این مسأله ندارد.



نتیجه گیری

نگرش مشهور فقیهان شیعه به اختلاف قرائت امری کاملاً متفاوت با نگرش علمای عامه است. مشهور فقیهان شیعه قائل هستند که قرآن به یک نحو نازل شده است و وحی نازل توسط جبرئیل قرائتی واحد داشته است به خلاف مشهور فقیهان عامه که قائل هستند که قرائات مشهوره همگی متواتر بوده و هر یک می تواند حجت باشد. این اختلاف اصولی در مسائل فقهی نیز اثر خود را نشان داده است. فقیهان شیعه در مواجهه با اختلاف قرائتی که موجب اختلاف معنی می شود قائل به تعارض هستند به خلاف فقیهان عامه که هر یک از معانی مستفاد از قرائت های مختلف را حجت می دانند. در فقه عامه این اختلاف قرائت در مسائلی مانند مسح رجلین در وضو، نقض وضو به واسطه لمس زن، وطی زوجه در زمان انقطاع دم و قبل از غسل حیض، مکان نماز طواف، وجوب عمره: مع بین زن و عمه یا خاله او در نکاح: زاء صید در حال احرام، وجوب جهاد ابتدایی/ید به وسیله حیوان معلّم، موجب اختلاف نظر شده است، ولی در فقه امامیه به برکت وجود روایات متعدد از اهل بیت (علیهم السلام) در تمام مسائل بیان شده، هیچ تأثیری برای اختلاف قرائات در مسائل فقهی وجود ندارد.



فهرست منابع

۱. ابن ادریس، محمد بن منصور، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲. ابن تیمیة، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، تحقیق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، عربستان: مجمع الملك، ۱۴۱۶ق.
۳. ابن جنی، عثمان، المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القراءات والإیضاح عنها، بی جا، نشر وزارة الاوقاف، ۱۴۲۰ق.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
۵. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
۶. ابن حزم، محمد علی بن احمد، المحلی، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۷. ابن حیان، محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۸. ابن حیان، محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۹. ابن رشد قرطبی، محمد بن احمد، المقدمات الممهدات، تحقیق: محمد حجی، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۴۰۸ق.
۱۰. ابن رشد، محمد بن احمد، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، مصر: نشر دارالحديث، ۱۴۲۵ق.
۱۱. ابن زهره، حمزة بن علی، غنية النزوع إلى علمي الأصول والفروع، قم: موسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۷ق.
۱۲. ابن طرهوني، محمد بن رزق، التفسر والمفسرون فی غرب افريقا، عربستان: دار ابن الجوزی، ۱۴۲۶ق.
۱۳. ابن علبدين، محمد امين بن عمر، رد المختار على الدر المختار و حاشية ابن علبدين، بیروت: دار الفكر، ۱۴۱۲ق.
۱۴. ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد، التحرير والتنوير، تونس: دارالتونسية للنشر، ۱۹۸۴م.
۱۵. ابن قاصح، علی بن عثمان، سراج القاری المبتدی و تذکار، مصر: مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۷۳ق



۱۶. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، مصر: نشر مكتبة القاهرة، ۱۳۸۸ق.
۱۷. ابن القصار، علی بن عمر، عیون الادلة فی مسائل الخلاف بین الفقهاء، ریاض: مكتبة الملك فهد، ۱۴۲۶ق
۱۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسر القرآن العظیم، تحقیق: سامی بن محمد، بی جا، دار طيبة للنشر، ۱۴۲۰ق.
۱۹. ابن مجاهد، احمد بن موسی، السبعة فی القراءات، مصر: نشر دارالمعارف، ۱۴۰۰ق.
۲۰. ابن هشام، عبدالله بن یوسف، اسئلة و اجوبة فی اعراب القرآن، تحقیق: محمد نخس، مدینه - عربستان: نشر عمادة البحث العلمی بالجامعة الاسلامیة، ۱۴۰۳ق.
۲۱. اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان فی أحكام القرآن، تهران: المكتبة الجعفریة، بی تا.
۲۲. أزهري، محمد بن احمد، معانی القراءات، عربستان: نشر مركز البحوث - جامعه الملك سعود، ۱۴۱۲ق.
۲۳. اشمونى، احمد بن عبدالکريم، منار الهدى فی بیان الوقف و الابتداء، تحقیق: شریف ابوالعلا العدوی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
۲۴. انصارى، مرتضى، فرائد الاصول، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۱۶ق.
۲۵. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۰۵ق.
۲۶. بزار، احمد بن عمرو، مسند البزار المنشور، تحقیق: محفوظ الرحمن زین الله، مدینه - عربستان: مكتبة العلوم والحکم، ۲۰۰۹م.
۲۷. بیهقی، ابوبکر، احکام القرآن للشافعی، تحقیق: عبدالغنی عبدالخالق، قاهره: مكتبة الخانجی، ۱۴۱۴ق.
۲۸. تبریزی، میرزا جواد، منهاج الصالحین، قم: مجمع الامام المهدي (عج)، ۱۴۲۶ق.
۲۹. جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، تحقیق: عبدالسلام محمد، بیروت: نشر دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۳۰. حبش، محمد، القراءات المتواترة واثرها، دمشق: دارالفکر، ۱۴۱۹ق.
۳۱. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۳۲. خطیب شریینی، محمد بن احمد، مغنی المحتاج الى معرفة معانی الفاظ، بیروت: نشر دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.

٣٣. خميني، سيد روح الله، تحرير الوسيلة، قم: موسسه مطبوعات دارالعلم، بى تا.
٣٤. خوئي، ابوالقاسم، موسوعة الامام الخوئي، قم: مؤسسة احياء آثار الامام الخوئي، ١٤١٨ق.
٣٥. خوئي، ابو القاسم، البيان في تفسير القرآن، بيروت: دار الزهراء، بى تا.
٣٦. خوئي، ابوالقاسم، المعتمد في شرح المناسك، قم: مدرسه دارالعلم، ١٤١٠ق.
٣٧. خوئي، ابوالقاسم، منهاج الصالحين، قم: مدينة العلم، ١٤١٠ق.
٣٨. داني، عثمان بن سعيد، التيسير في القراءات السبع، بيروت: دارالكتاب العربي، ١٤٠٤ق.
٣٩. ريعني، محمد بن محمد بن عبد الرحمن، مواهب الجليل في شرح مختصر خليل، بيروت: دارالفكر، ١٤١٢ق.
٤٠. زحيلي، وهبة بن مصطفى، الفقه الاسلامي وادلته، دمشق: دارالفكر، بى تا.
٤١. زرقاني، محمد عبد العظيم الزرقاني (المتوفى: ١٣٦٧هـ)، مناهل العرفان في علوم القرآن، مطبعة عيسى البابي الحلبي وشركاه، الطبعة الثالثة، بى تا.
٤٢. زركشي، محمد بن عبد الله، البرهان في علوم القرآن، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، البابي، داراحياء العربية عيسى ١٣٧٦ق.
٤٣. زرنegar، مصطفى. (١٤٠٢). بررسی غنا در تلاوت از منظر قرآن و فقه. مطالعات قرائت قرآن، ١١(٢٠)، ١٣١-١٥٦. doi: 10.22034/qer.2023.8455
٤٤. زمخشری، محمود بن عمرو، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت: دارالكتاب العربي، ١٤٠٧ق.
٤٥. سايس، محمد علي، تفسير آيات الاحكام، تحقيق: ناجي سويدان، مصر: المكتبة العصرية، ٢٠٠٢م.
٤٦. السايس، محمد علي، تفسير آيات الاحكام، تحقيق: ناجي سويدان، ٢٠٠٢م.
٤٧. سبزواري، محمد باقر، ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد، قم: مؤسسة آل البيت، ١٢٤٧ق.
٤٨. سرخسي، محمد بن احمد، المبسوط، بيروت: دارالمعرفة، ١٤١٤ق.
٤٩. سمرقندي، نصر بن محمد، بحرالعلوم، بى نا، بى جا، بى تا.
٥٠. سيب، خير الدين، اثر القراءات القرآنية في اختلاف الاحكام الفقهية، الجزائر: دارالخلدونية، ١٤٢٨ق.
٥١. شريف مرتضى، على بن حسن، الانتصار في انفرادات الإمامية، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٥ق.



۵۲. شوکانی، محمد بن علی، نیل الاوطار، تحقیق: عصام الدین الصبابطی، مصر: دارالحديث، ۱۴۱۳ق.
۵۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ق.
۵۴. شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، تحقیق: عادل مرشد، بی جا، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق.
۵۵. صدوق، محمد بن علی، المقنع، قم: موسسه امام هادی (علیه السلام)، ۱۴۱۵ق.
۵۶. صدیق حسن خان، محمد، نیل المرام من تفسیر آیات الاحکام، تحقیق: محمد حسن اسماعیل، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۳م.
۵۷. طباطبائی یزدی، محمد کاظم، العروة الوثقی (للسید)، بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۹ق.
۵۸. طبری، محمد بن جریر: امع البیان فی تاویل القرآن، تحقیق: احمد محمد شاکر، بی جا، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰ق.
۵۹. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۶۰. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: المكتبة المرتضویة، ۱۳۸۷ق.
۶۱. عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۷۹ق.
۶۲. علامه حلی، حسن بن یوسف، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، قم: موسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۲۰ق.
۶۳. علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۳۸۸ق.
۶۴. علامه حلی، حسن بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
۶۵. غضنفری، علی، اردستانی، فاطمه، & قربان خانی، زهرا. (۱۴۰۲). بررسی اختلافات تفسیری فریقین درباره آیات تشریعی حوزه نکاح. مطالعات تفسیری تطبیقی، ۸(۲)، -. doi: 10.22034/csq.2023.190666
۶۶. فارسی، حسن بن احمد، الحجة للقراء السبعة، تحقیق: بدرالدین قهوجی، دمشق/بیروت: دارالمأمون، ۱۴۱۳ق.
۶۷. فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة - أحكام التخلي، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.



٦٨. فاضل لنكراني، محمد، كتاب الطهارة (تقريرات، للإمام الخميني)، تهران: موسسه تنظيم و نشر آثار امام، ١٤٢٢ق.
٦٩. فاضل هندی، محمد بن حسن، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٦ق.
٧٠. فخررازي، محمد بن عمر، مفاتيح الغيب، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤٢٠ق.
٧١. فراء، يحيى بن زياد، معاني القرآن، تحقيق: احمد يوسف، مصر: دارالمصرية للتأليف، بی تا.
٧٢. قادوسی، عبدالرازق بن حمودة، اثر القراءات القرآنية فى الصناعة المعجمية تاج العروس: امعة حلوان، ١٤٣١ق.
٧٣. قاضى، عبدالفتاح بن عبدالغنى، البدور الزاهرة فى القراءات العشر المتواترة، بيروت: دارالكتاب، بی تا.
٧٤. قاضى عبدالوهاب، الاشراف على نكت مسائل الخلاف، حبيب بن طاهر، بی جا، دار ابن جزم، ١٤٢٠ق.
٧٥. كاسانى، ابوبكر بن مسعود، بدائع الصنائع، دار الكتب العلمية، بی جا، ١٤٠٦ق.
٧٦. الكيا الهراسي، على بن محمد، احكام القران، تحقيق: موسى محمد، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٠٥ق.
٧٧. مجلسي، محمد بن باقر، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، تهران: دار الكتب الاسلامية، ١٤٠٤ق.
٧٨. مجموعة من المؤلفين، الموسوعة الفقهية الكويتية، كويت: درالسلاسل، ١٤٠٤ق-١٤٢٧ق.
٧٩. محقق ثانى عاملى، على بن حسين: امع المقاصد في شرح القواعد قم: موسسه آل البيت (ع)، ١٤١٤ق.
٨٠. محقق حلى: عفر بن حسن، المختصر النافع في فقه الإمامية، قم: موسسه المطبوعات الدينية، ١٤١٨ق.
٨١. محقق حلى: عفر بن حسن، شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام، قم: موسسه اسماعيليون، ١٤٠٨ق.
٨٢. محمد الحبش، القراءات المتواترة و اثرها فى الرسم القرآنى و الاحكام الشرعية، دمشق، دارالفكر، ١٤١٩ق.



۸۳. محمد سالم محیسن، محمد، القرائات و اثرها فی علوم العربیة، قاهرة، مكتبة الكليات الازهریة، ۱۴۰۴ق.
۸۴. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۸۱ش.
۸۵. مكارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهه، قم: مدرسة الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۴۲۵ق.
۸۶. موسوی عاملی، محمد بن علی، مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، بیروت: موسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۱۱ق.
۸۷. مومن قمی، محمد، كلمات سديدة في مسائل جديدة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ق.
۸۸. نجفی، محمدحسن: واهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، بیروت: داراحیاء التراث، ۱۴۰۴ق.
۸۹. نجفی، روح الله. (۱۴۰۱). نقل به معنا؛ کلید فهم اختلاف مصاحف صحابه. مطالعات قرائت قرآن، ۱۰(۱۹)، ۳۳-۹. doi: 10.22034/qr.2023.7582
۹۰. نووی، یحیی بن شرف، المنهاج شرح صحیح مسلم، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۳۹۲ق.
۹۱. نووی، یحیی بن شرف، المجموع شرح المذهب، بی جا، نشر دارالفکر، بی تا.
۹۲. نیسابوری، احمد بن الحسین، المبسوط فی القراءات العشر، تحقیق: سبيع حمزة، دمشق، مجمع اللغة العربیة، ۱۹۸۱م.
۹۳. الواسطی، ابو محمد، الكنز فی القرائات العشر، تحقیق: خالد المشهدانی، قاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، ۱۴۲۵ق

References

1. Al-Kiya al-Harasi, Ali Bin Mohammad, *Ahkam al-Quran (The Rules of the Quran)*, Researched by Musa Mohammad, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1405 AH (1985 CE).
2. Allameh Hilli, Hassan Bin Yusuf, *Muntaha al-Matlab fi Tahqiq al-Madhab (The Ultimate Goal in Understanding the Madhab)*, Mashhad: Islamic Research Assembly, 1412 AH (1991 CE).
3. Allameh Hilli, Hassan Bin Yusuf, *Tadhkirat al-Fuqaha (Reminder of the Jurists)*, Qom: Al al-Bayt Institute, 1388 AH (1968 CE).
4. Allameh Hilli, Hassan Bin Yusuf, *Tahrir al-Ahkam al-Shar'iyyah 'ala Madhab al-Imamiyah (Editing the Legal Rulings on the Madhab of Imamiyah)*, Qom: Imam Sadiq Institute, 1420 AH (1999 CE).
5. Al-Wasiti, Abu Mohammad, *Al-Kanz fi al-Qira'at al-Ashr (The Treasure in the Ten Readings)*, Researched by Khalid al-Mashhadani, Cairo: Maktabat al-Thaqafah al-Diniyah, 1425 AH (2004 CE).
6. Ansari, Morteza, *Fara'id al-Usul (The Superior Principles)*, Qom: Daftar Intisharat-e Islami, 1416 AH (1995 CE).
7. Ardabili, Ahmad Bin Mohammad, *Zobdat al-Bayan fi Ahkam al-Quran (Essence of Statements on the Rulings of the Quran)*, Tehran: Al-Maktabah al-Ja'fariyyah, n.d.
8. Askalani, Ahmad Bin Ali, *Fath al-Bari Sharh Sahih al-Bukhari (The Opening of the Creator in the Explanation of Sahih al-Bukhari)*, Beirut: Dar al-Ma'rifah, 1379 AH (1959 CE).
9. Azhari, Mohammad Bin Ahmad, *Ma'ani al-Qira'at (Meanings of the Quranic Readings)*, Saudi Arabia: Nashr Markaz al-Buhuth - Jamiah al-Malik Saud, 1412 AH (1992 CE).
10. Baharani, Yousef Bin Ahmad, *Al-Hada'iq al-Nazirah fi Ahkam al-Atarah al-Tahira (The Beautiful Gardens in the Rulings of the Pure Household)*, Qom: Daftar Intisharat-e Islami, 1405 AH (1984 CE).
11. Bayhaqi, Abu Bakr, *Ahkam al-Quran li al-Shafi'i (Rulings of the Quran for al-Shafi'i)*, Edited by Abdul Ghani Abdul Khaliq, Cairo: Maktabah al-Khanji, 1414 AH (1993 CE).
12. Bazzar, Ahmad Bin Amru, *Musnad al-Bazzar al-Manshur (The Published Musnad of al-Bazzar)*, Edited by Mahfouz al-Rahman Zain Allah, Medina, Saudi Arabia: Maktabah al-Ilmiyyah wa al-Hikam, 2009 CE.
13. Dani, Osman Bin Saeed, *Al-Taysir fi al-Qira'at al-Sab'ah (Facilitation in the Seven Readings)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi, 1404 AH (1983 CE).

14. Fadil Hindi, Mohammad Bin Hassan, *Kashf al-Litham wa al-Ibtihām 'an Qawaid al-Ahkam (The Unveiling and The Evidence of the Rules of Jurisprudence)*, Qom: Islamic Publications Office, 1416 AH (1995 CE).
15. Fadl Lankarani, Mohammad, *Kitab al-Taharah (Expositions, by Imam Khomeini)*, Tehran: Organization for the Publication and Dissemination of Imam's Works, 1422 AH (2001 CE).
16. Fadl Lankarani, Mohammad, *Tafsir al-Shariah fi Sharh Tahdhib al-Wasilah - Ahkam al-Takhalli (Explanation of the Sharia in the Explanation of Refinement of the Means - Rules of Renunciation)*, Qom: Islamic Publications Office, 1403 AH (1983 CE).
17. Fakhr Razi, Mohammad Bin Umar, *Mafatih al-Ghayb (The Keys to the Unseen)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1420 AH (1999 CE).
18. Farraa, Yahya Bin Ziyad, *Ma'ani al-Quran (The Meanings of the Quran)*, Researched by Ahmad Yusuf, Egypt: Dar al-Masriah li'l-Taleef, n.d.
19. Farsi, Hassan Bin Ahmad, *Al-Hujjah lil-Qura al-Sab'ah (The Argument for the Seven Readers)*, Researched by Badr al-Din Qahaji, Damascus/Beirut: Dar al-Mamon, 1413 AH (1992 CE).
20. Group of Authors, *Al-Mawsu'ah al-Fiqhiyah al-Kuwaitiyah (The Kuwaiti Jurisprudential Encyclopedia)*, Kuwait: Dar al-Salasil, 1404 AH - 1427 AH (1983 CE - 2007 CE).
21. gazanfari, A., Ardestani, F., & ghorbankhani, Z. (2023). Examining the interpretive differences of the two parties regarding the legislative verses of the field of marriage. Comparative Studies of Quran, 8(2), -. doi: 10.22034/cs.q.2023.190666
22. Har'ami, Mohammad, *Al-Qira'at al-Mutawatirah wa Atharah (The Consecutive Readings and Their Impact)*, Damascus: Dar al-Fikr, 1419 AH (1998 CE).
23. Hur Ameli, Mohammad Bin Hassan, *Wasa'il al-Shia (The Means of the Shia)*, Qom: Mo'asseseh Al al-Bayt, 1409 AH (1989 CE).
24. Ibn Abidin, Mohammad Amin Bin Umar, *Radd al-Muhtar ala al-Dur al-Mukhtar wa Hashiya Ibn Abidin (Response to the Chosen One and the Gloss on the Son of Abidin)*, Beirut: Dar al-Fikr, 1412 AH (1991 CE).
25. Ibn Adris, Mohammad Bin Mansur, *Al-Sarair al-Hawi li Tahrir al-Fatawa (Hidden Treasures in the Compiling of Verdicts)*, Qom: Daftar-e Entesharat-e Eslami, 1410 AH (1990 CE).
26. Ibn al-Qasir, Ali Bin Umar, *Uyun al-Adillah fi Masa'il al-Khilaf bayna al-Fuqaha (Sources of Evidence in the Issues of Disagreement Among Jurists)*, Riyadh: Maktabat al-Malik Fahd, 1426 AH (2005 CE).
27. Ibn Ashmuni, Ahmad Bin Abd al-Karim, *Manar al-Huda fi Bayan al-Waqf wa al-Ibtida (The Lighthouse of Guidance in Explaining the Stop and Start in Quranic Verses)*, Edited by Sharif Abu al-Ala al-Adawi, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1422 AH (2001 CE).



28. Ibn Ashur, Mohammad al-Tahir Bin Mohammad, *Al-Tahrir wa al-Tanwir (The Elaboratoin and Clafication)*, Tunisia: Dar al-Tunisiyyah lil-Nashr, 1984 CE.
29. Ibn Hayyan, Mohammad Bin Yusuf, *Al-Bahr al-Muhit fi Tafsir (The Vast Sea in Interpretation)*, Researched by Sadiqi Mohammad Jameel, Beirut: Dar al-Fikr, 1420 AH (1999 CE).
30. Ibn Hayyan, Mohammad Bin Yusuf, *Al-Bahr al-Muhit fi Tafsir (The Vast Sea in Interpretation)*, Researched by Sadiqi Mohammad Jameel, Beirut: Dar al-Fikr, 1420 AH (1999 CE).
31. Ibn Hazm, Mohammad Ali Bin Ahmad, *Al-Muhalla*, Beirut: Dar al-Fikr, n.d.
32. Ibn Hisham, Abdullah Bin Yusuf, *As'ila wa Ajwiba fi I'rab al-Quran (Questions and Answers about the Arabic Grammar of the Quran)*, Edited by Mohammad Naghash, Medina, Saudi Arabia: Nashr 'Imadat al-Buhuth al-'Ilmiyyah bi al-Jami'ah al-Islamiyyah, 1403 AH (1983 CE).
33. Ibn Jawzi, Abdul Rahman Bin Ali, *Zad al-Masir (Provision of the Journey)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi, 1422 AH (2001 CE).
34. Ibn Jawzi, Abdul Rahman Bin Ali, *Zad al-Masir fi Ilm al-Tafsir (Provision of the Journey in the Science of Interpretation)*, Researched by Abdul Razzaq al-Mahdi, Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi, 1422 AH (2001 CE).
35. Ibn Jinni, Osman, *Al-Muhtasib fi Tabyin Wajh Shawa'iz al-Qira'at wa al-Izah Anha (The Examiner in Explaining the Peculiar Aspects of Recitations and Clarification Thereof)*, No place, Published by the Ministry of Awqaf, 1420 AH (1999 CE).
36. Ibn Kathir, Ismail Bin Umar, *Tafsir al-Quran al-Azim (Exegesis of the Great Quran)*, Researched by Sami Bin Mohammad, No place, Dar Tayyibah lil-Nashr, 1420 AH (1999 CE).
37. Ibn Mujahid, Ahmad Bin Musa, *Al-Sab'ah fi al-Qira'at (The Seven in the Recitations)*, Egypt: Nashr Dar al-Ma'arif, 1400 AH (1980 CE).
38. Ibn Qasih, Ali Bin Osman, *Siraj al-Qari al-Mubtadi wa Tadhkar (The Lamp of the Beginner Reader and the Reminder)*, Egypt: Matba'at Mustafa al-Babi al-Halabi, 1373 AH (1953 CE).
39. Ibn Qudamah, Abdullah Bin Ahmad, *Al-Mughni (The Enricher)*, Egypt: Nashr Maktabat al-Qahira, 1388 AH (1968 CE).
40. Ibn Rushd al-Qurtubi, Mohammad Bin Ahmad, *Al-Muqaddimat al-Mumahhidat (Introductory Foundations)*, Researched by Mohammad Haji, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami, 1408 AH (1988 CE).
41. Ibn Rushd, Mohammad Bin Ahmad, *Bidayat al-Mujtahid wa Nihayat al-Muqtasid (The Beginning of the Interpreter and the End of the Moderate)*, Egypt: Nashr Dar al-Hadith, 1425 AH (2004 CE).



42. Ibn Tarhuni, Mohammad Bin Razq, *Tafsir wa al-Mufasssirun fi Gharb Afrika (Exegesis and Commentators in West Africa)*, Saudi Arabia: Dar Ibn al-Jawzi, 1426 AH (2005 CE).
43. Ibn Taymiyyah, Ahmad Bin Abdul Haleem, *Majmu' al-Fatawa (Collection of Verdicts)*, Researched by Abdul Rahman Bin Mohammad Bin Qasim, Saudi Arabia: Majma' al-Malik, 1416 AH (1996 CE).
44. Ibn Zahrah, Hamzah Bin Ali, *Ghunyat al-Nuzul ila Ilmi al-Usul wa al-Furu' (Desire for Knowledge in the Principles and Branches of Jurisprudence)*, Qom: Imam Sadiq (AS) Institute, 1417 AH (1996 CE).
45. Jassas, Ahmad Bin Ali, *Ahkam al-Quran (Rulings of the Quran)*, Edited by Abdul Salam Mohammad, Beirut: Nashr Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1415 AH (1994 CE).
46. Kasani, Abu Bakr Bin Mas'ud, *Bada'i al-Sana'i (The Beginning of Crafts)*, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, n.d.
47. Khatib Shirbini, Mohammad Bin Ahmad, *Mughni al-Muhtaj ila Ma' refat Ma'ani al-Fadh (The Resourceful Guide to Understanding the Meanings of Words)*, Beirut: Nashr Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1415 AH (1994 CE).
48. Khoei, Abu al-Qasim, *Al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Exposition in the Interpretation of the Quran)*, Beirut: Dar al-Zahra 'Alaiha al-Salam, n.d.
49. Khoei, Abu al-Qasim, *Al-Mu'tamad fi Sharh al-Manasik (Reliable Explanation of Rituals)*, Qom: Madreseh Dar al-Ilm, 1410 AH (1989 CE).
50. Khoei, Abu al-Qasim, *Manhaj al-Salihin (The Methodology of the Righteous)*, Qom: Madinat al-Ilm, 1410 AH (1989 CE).
51. Khoei, Abu al-Qasim, *Mawsu'ah al-Imam al-Khoei (Encyclopedia of Imam al-Khoei)*, Qom: Mo'asseseh Ihya Athar al-Imam al-Khoei, 1418 AH (1997 CE).
52. Khomeini, Sayyid Ruhollah, *Tahrir al-Wasilah (Editing of Al-Wasilah)*, Qom: Mo'asseseh Matbuat Dar al-Ilm, n.d.
53. Ma' refat, Mohammad Hadi, *'Ulum Qur'ani (Quranic Sciences)*, Qom: Institute of Cultural Publications, 1381 SH (2002 CE).
54. Majlisi, Mohammad Bin Baqir, *Mir'at al-'Uqul fi Sharh Akhbar Aal al-Rasul (The Mirror of Minds in Explaining the Traditions of the Progeny of the Messenger)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, 1404 AH (1983 CE).
55. Makarem Shirazi, Naser, *Anwar al-Faqahah (The Lights of Jurisprudence)*, Qom: Imam Ali Bin Abi Talib School, 1425 AH (2004 CE).
56. Mohammad al-Habash, *Al-Qira'at al-Mutawatirah wa Atharuha fi al-Rasm al-Qur'ani wa al-Ahkam al-Shar'iyah (The Mutawatir Readings and their Impact on Quranic Script and Legal Rulings)*, Damascus: Dar al-Fikr, 1419 AH (1999 CE).
57. Mohammad Salim Muhsin, *Al-Qira'at wa Atharuha fi Ulum al-Arabiyyah (The Readings and their Impact on Arabic Sciences)*, Cairo: Maktabat al-Kuliyyat al-Azhariyah, 1404 AH (1984 CE).

58. Momen Qomi, Mohammad, *Kalimat Sadi'dah fi Masa'il Jadidah (Solid Words on New Issues)*, Qom: Islamic Publications Office, 1415 AH (1994 CE).
59. Mousavi Ameli, Mohammad Bin Ali, *Madaarik al-Ahkam fi Sharh 'Ibadat Shara'i' al-Islam (The Levels of Rulings in Explaining the Rituals of Islamic Laws)*, Beirut: Al al-Bayt Institute, 1411 AH (1991 CE).
60. Muhaqqiq Hilli, Ja'far Bin Hassan, *Al-Mukhtasar al-Nafi fi Fiqh al-Imamiyah (The Beneficial Summary in the Jurisprudence of the Imamiyah)*, Qom: Institute of Religious Publications, 1418 AH (1997 CE).
61. Muhaqqiq Hilli, Ja'far Bin Hassan, *Shara'i al-Islam fi Masa'il al-Halal wa al-Haram (The Islamic Laws in the Matters of Permissible and Prohibited)*, Qom: Isma'iliyyun Institute, 1408 AH (1987 CE).
62. Muhaqqiq Thani Amili, Ali Bin Hussain, *Jami' al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id (The Compilation of Purposes in Explaining Principles)*, Qom: Institute of Al al-Bayt, 1414 AH (1993 CE).
63. Najafi, Mohammad Hassan, *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i' al-Islam (The Jewels of Speech in Explaining Islamic Laws)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath, 1404 AH (1984 CE).
64. Najafi, R. (2023). Meaning-based Quotation; The Key to Understanding the Differences in Companions' Masahif. 5- QERA'T, 10(19), 9-33. doi: 10.22034/qer.2023.7582
65. Nawawi, Yahya Bin Sharaf, *Al-Majmu' Sharh al-Muhadhab (The Comprehensive in Explaining the Muhadhab)*, No Place: Dar al-Fikr, n.d.
66. Nawawi, Yahya Bin Sharaf, *Al-Minhaj Sharh Sahih Muslim (The Path in Explaining Sahih Muslim)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath, 1392 AH (1972 CE).
67. Nisaburi, Ahmad Bin al-Hussein, *Al-Mabsut fi al-Qira'at al-Ashr (The Expanded in the Ten Readings)*, Researched by Sabeeh Hamzah, Damascus: Majma' al-Lughah al-Arabiyyah, 1981 CE.
68. Qadi Abdul Wahhab, *Al-Ashraf 'Ala Nukat Masa'il al-Khilaf (The Nobility Concerning Points of Disagreement in Issues)*, Habib Bin Tahir, No Place: Dar Ibn Juzam, 1420 AH (1999 CE).
69. Qadi, Abdul Fattah Bin Abdul Ghani, *Al-Budur al-Zahirah fi al-Qira'at al-Ashr al-Mutawatirah (The Manifest Moons in the Ten Recitations)*, Beirut: Dar al-Kitab, n.d.
70. Qadusi, Abdul Razzaq Bin Hamoodah, *Athar al-Qira'at al-Qur'aniyah fi al-Sinaiyah al-Mujamiah Taj al-Urus (The Impact of Quranic Readings in Lexicography: The Crown of the Bride)*, Helwan University, 1431 AH (2010 CE).



71. Raeeni, Mohammad Bin Mohammad Bin Abdulrahman, *Mawāhib al-Jalīl fī Sharh Mukhtaṣar Khalīl (The Generous Gifts in the Explanation of Khalīl's Summary)*, Beirut: Dar al-Fikr, 1412 AH (1991 CE).
72. Sabzawari, Mohammad Baqir, *Dhakhirat al-Ma'ad fī Sharh al-Irsahad (Treasure of Return in Explanation of Guidance)*, Qom: Institute of Al al-Bayt, 1247 AH (1831 CE).
73. Sadiq Hassan Khan, Mohammad, *Nayl al-Maram min Tafsir Ayat al-Ahkam*, Researched by Mohammad Hassan Ismail, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 2003 CE.
74. Saduq, Mohammad Bin Ali, *Al-Mughni (The Sufficing)*, Qom: Imam Hadi Institute, 1415 AH (1995 CE).
75. Samarkandi, Nasr Bin Mohammad, *Bahral Ulum*, N.p., n.p, n.d.
76. Sarakhsi, Mohammad Bin Ahmad, *Al-Mabsut*, Beirut: Dar al-Ma'arif, 1414 AH (1994 CE).
77. Sayis, Mohammad Ali, *Tafsir Ayat al-Ahkam (Interpretation of Verses of Judgments)*, Edited by Naji Sowidan, Egypt: Al-Maktaba Al-Asriyah, 2002 CE.
78. Sayis, Mohammad Ali, *Tafsir Ayat al-Ahkam (Interpretation of Verses of Judgments)*, Edited by Naji Sowidan, 2002 CE.
79. Shahid Thani, Zain al-Din Bin Ali, *Masalik al-Afham ila Tanqih Sharia al-Islam (Pathways of Understanding in Clarifying Islamic Laws)*, Qom: Institute of Islamic Knowledge, 1413 AH (1992 CE).
80. Sharif Mortaza, Ali Bin Hassan, *Al-Intisar fī Unfuradat al-Imamiyyah (Victory in the Singularities of Imamiyyah)*, Qom: Islamic Publications Office, 1415 AH (1994 CE).
81. Shawkani, Mohammad Bin Ali, *Nayl al-Awtar*, Researched by Isam al-Din al-Sababti, Egypt: Dar al-Hadith, 1413 AH (1993 CE).
82. Shaybani, Ahmad Bin Hanbal, *Musnad Ahmad Bin Hanbal*, Researched by Adil Murshid, No Place, Institute of the Message, 1421 AH (2000 CE).
83. Sib, Khairuddin, *Athar al-Qira'at al-Qur'aniyah fī Ikhtilaf al-Ahkam al-Fiqhiyah (The Effect of Quranic Recitations on the Differences in Jurisprudential Rulings)*, Algeria: Dar al-Khaldooniyah, 1428 AH (2007 CE).
84. Tabari, Mohammad Bin Jarir, *Jami' al-Bayan fī Tawil al-Quran (The Comprehensive Presentation on the Interpretation of the Quran)*, Researched by Ahmad Mohammad Shakir, No Place, Institute of the Message, 1420 AH (1999 CE).
85. Tabatabai Yazdi, Mohammad Kazem, *Al-'Urwah al-Wuthqa (by al-Sayyid)*, Beirut: Foundation for Knowledge, 1409 AH (1988 CE).
86. Tabrizi, Mirza Javad, *Manhaj al-Salihin (The Path of the Righteous)*, Qom: Majma al-Imam al-Mahdi, 1426 AH (2005 CE).

87. Tusi, Mohammad Bin Hassan, *Al-Khilaf*, Qom: Islamic Publications Office, 1407 AH (1987 CE).
88. Tusi, Mohammad Bin Hassan, *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyah (The Expanded Explanation of Imami Law)*, Tehran: Al-Murtadawi Library, 1387 AH (1967 CE).
89. Zohaili, Wahbah Bin Mustafa, *Al-Fiqh al-Islami wa Adillatuh (Islamic Jurisprudence and its Evidence)*, Damascus: Dar al-Fikr, n.d.
90. Zamakhshari, Mahmoud Bin Amr, *Al-Kashaf 'an Haqaiq Ghawamid al-Tanzil (The Discovery of the Truths of the Mysteries of Revelation)*, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 1407 AH (1986 CE).
91. Zarkashi, Mohammad Bin Abdullah, *Al-Burhan fi Ulum al-Quran (The Proof in the Sciences of the Quran)*, Edited by Mohammad Abul Fadl Ibrahim al-Babi, Dar Ihya al-Arabiyyah, 1376 AH (1956 CE).
92. Zarqani, Mohammad Abdul Azim al-Zurqani (Died: 1367 AH), *Manahil al-Irfan fi Ulum al-Quran (Fountains of Knowledge in the Sciences of the Quran)*, Issa al-Babi al-Halabi Press, 3rd Edition, n.d.
93. Zarnegar, M. (2023). Analysis of Ghina in the Recitation (Qira'at) of the Quran from the Perspective of the Quran and Islamic Jurisprudence. 5- QERA'T, 11(20), 131-156. doi: 10.22034/qer.2023.8455.



A Study on the Difference in Recitation of the First Verse of Surah Anfal *

Hojjat Ali Nezhad¹ and Seyyed Mohsen Mousavi²

Abstract



One of the disputed verses in the science of Quranic recitation is the first verse of Surah Anfal. Alongside the well-known recitation, (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ) "Yas'aloona 'ani al-Anfal," another recitation variation, "Yas'aloona al-Anfala," exists, leading to differences in the interpretation of the verse. The data for this research has been collected through library resources and processed in a descriptive-analytical manner. Upon examination, it became evident that the intended meaning of "Yas'aloona" is inquiring about the spoils of war (Anfal) itself, not a ruling regarding Anfal. Furthermore, the recitation (يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالِ) "Yas'aloona al-Anfala" aligns with Shiite narrations and is consistent with the context of the verse. This recitation fulfills all the necessary conditions for validity except the condition of being continuously transmitted. Consequently, since this recitation is reported through a singular transmission and does not adhere to the principle of the Quran's continuous transmission, it is deemed unacceptable. Despite fulfilling other conditions of accurate recitation and being confirmed, its lack of continuous transmission diminishes its validity. Therefore, this recitation cannot be considered as part of the Quran, as it lacks continuity, despite meeting other requirements.

Key words: Difference Discrepancy, Mass-reporting of the Quran, First Verse of Surah Anfal, Battle of Badr, Ruling on Anfal.

*. **Date of receiving:** 11 July 2021, **Date of approval:** 06 June 2022.

1. Ph.D. in Quran and Hadith Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran (Corresponding Author): alinegad.hojjat@gmail.com.

2. Assistant Professor in the Department of Quran and Hadith Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran: M.musavi@umz.ac.ir.



پژوهشی در اختلاف قرائت آیه نخست سورة انفال *

حجت علی نژاد^۱ و سیدمحسن موسوی^۲



چکیده

یکی از آیات مورد اختلاف در علم قرائت، آیه اول سورة انفال است. علاوه بر قرائت مشهور «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ»، به صورت «يسئلونك الانفال» نیز قرائت شده و این اختلاف، سبب اختلاف در تفسیر آیه شده است. جمع آوری مطالب در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای بوده و به شیوه توصیفی-تحلیلی پردازش شده است. پس از بررسی‌ها مشخص شد که مراد از «يَسْأَلُونَكَ»، پرسش از خود انفال است؛ نه حکم انفال. همچنین قرائت «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالِ» با احادیث شیعه و نیز با سیاق آیه موافق بوده و این قرائت به جز شرط تواتر، تمامی شرایط صحت قرائت را دارا است. بنابراین قرائت «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالِ»، چون با نقل واحد روایت شده قابل قبول نیست و طبق اصل لزوم متواتر بودن قرآن، مردود شمرده می‌شود و نمی‌توان این قرائت را از ناحیه خداوند دانست؛ هرچند سایر شروط قرائت صحیح را داشته باشد و مسند نیز باشد، باز در صورت عدم تواتر حجیت ندارد و نمی‌توان به عنوان قرآن بودن، به این قرائت به آن نگاه کرد.

واژگان کلیدی: اختلاف قرائت، تواتر قرآن، آیه نخست سورة انفال: جنگ بدر، حکم انفال.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۰۵.

۱. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول): alinegad.hojjat@gmail.com.

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران: M.musavi@umz.ac.ir.



مقدمه

اختلاف در خوانش و تفسیر برخی از آیات قرآن در میان اندیشمندان قرآن پژوه و مفسرین همواره وجود داشته است (جلالوند، ۱۴۰۱، ۲۲۹) در این بین، مفسرین در تفسیر آیه نخست سوره انفال نیز با هم اختلاف کرده‌اند (صادقی، ۱۴۰۱، ۱۷۰) و این اختلاف در تفسیر آیه بخاطر قرائت‌های مختلفی است که در جمله «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ» رسیده؛ در جمله «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ» در تفسیر آن حداقل دو احتمال وجود دارد: ۱. از تو سؤال می‌کنند که حکم انفال چیست؛ ۲. از تو درخواست می‌کنند که انفال را به آنان بدهی. بر اساس قرائت مشهور یعنی قرائت: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ»، معنای آیه شریفه، احتمال اول می‌باشد. و بر طبق قرائت: «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالِ»، معنای آیه شریفه، احتمال دوم را می‌رساند. برخی این قرائت دوم را به اهل بیت علیهم‌السلام نسبت داده‌اند و بعضی دیگر مانند: عبدالله بن مسعود، سعد بن ابی وقاص و طلحة بن مصرف آن را چنین قرائت کرده‌اند: «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالِ».

این پژوهش با این پیش‌فرض نگاشته شده است که معتقد به ردّ تواتر قرائات سبعة می‌باشد و همچنین منحصر نداشتن قرائت صحیح در قرائت عاصم می‌باشد؛ چراکه یک قرائت صحیح افزون بر صحت سند، موافقت با قواعد عربی و مطابقت با رسم مصحف (سیوطی، ۱۴۲۱: ۲۱۵/۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۲: ۱۴۴)، قرائنی از قبیل: أفصحیت قرائت، توجه به سیاق آیات، قواعد صرفی، سازگاری با مفاد آیات، دلیل عقلی و نیز توجه به روایات، را نیز شامل شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۷۶/۵) البته بنا به گفته آیت‌الله معرفت، قرآن دارای نصّ واحدی است و اختلاف میان قرّا بر سر به دست آوردن و رسیدن به آن نصّ واحد است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به قرائات متعدد قرآن را تلاوت نفرموده و قرائات موجود، ناشی از اجتهاد قاریان در قرائت قرآن بوده است (معرفت، تاریخ قرآن، ۱۳۶۸: ۱۴۱؛ همو، علوم قرآنی، ۱۳۸۱: ۱۸۲).

بنابراین، این پژوهش بر پایه و اعتماد به روایات معصومین علیهم‌السلام بر این باور است که آن بزرگواران به پیروی از قرائت مشهور فرمان داده‌اند و لذا از قرائت منسوب به ائمه علیهم‌السلام تنها به عنوان مؤید یا به عنوان تفسیر آیات استفاده می‌شود. آیت‌الله خویی قرائت به قرائات متداول عصر ائمه علیهم‌السلام را جایز دانسته (خویی، ۱۴۱۰: ۱۶۷/۱) و حدیث «أَقْرَأُوا كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ» منقول از ائمه علیهم‌السلام را، قرائات متداول زمان ائمه علیهم‌السلام تفسیر نموده‌اند (همان). نکته دیگر این که حدیث مزبور نمی‌تواند ناظر به قرائات سبع باشد؛ زیرا پدیده حصر قرائات در سبع در اوایل سده چهارم به وقوع پیوست، یعنی دو قرن پس از صدور حدیث مذکور می‌باشد. پس هر قرائتی که ثابت شود در عصر ائمه شهرت مردمی داشته است: این القرائت می‌باشد.

الف. واژه‌شناسی «انفال»

برای واژه «انفال» دو معنا ذکر شده است؛ بعضی‌ها آن را به معنای غنیمت و هبه (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۰۹/۱۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶۷۰/۱۱؛ فراهیدی، العین، ۱۴۱۰: ۳۲۶/۸) می‌دانند. فراهیدی در کتاب «العین» در توضیح آن می‌گوید: «النفل: الغنم، والجميع: الأنفال. ونفلت فلانا: أعطيته نفلا و غنما... والنافلة: العطية يعطيها تطوعا بعد الفريضة من صدقة أو صلاح أو عمل خير. والنافلة: ولد الولد» (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۲۶/۸). «نفل» به معنای غنیمت است و جمع آن «الأنفال» است. «نفلت فلانا» یعنی زیادی و غنیمتی به او دادم. «نافلة» یعنی بخششی که با میل و رغبت بعد از مقدار واجب داده می‌شود از صدقه یا مصلحت یا کار نیک. «نافلة» به معنای فرزند است و بعضی‌ها به معنای زیادت و افزونی گرفته‌اند (ازهری، ۱۴۲۱: ۳۵۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۸۰/۱؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۹۹/۷) «اعطاه نافلة» یعنی زیاده بر آنچه حق او بود به او عطا کرد. بنابراین اصل واژه «نفل» یعنی زیادی، و علت این که به غنیمت و هبه معنا شده؛ زیرا آن زیادی است در آنچه خداوند برای مسلمین حلال کرده است. مفسرین نیز همین معنا را در تفاسیرشان ذکر نموده‌اند (شوکانی، ۱۴۱۴: ۳۲۳/۲؛ ابن عربی، بی‌تا، ۸۳۵/۲).

ب. قرائت «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالَ»

به نظر بعضی از مفسرین، بعضی از صحابه و تابعین مانند: سعد بن ابی وقاص (ابن خالویه، بی‌تا، ۴۸؛ ابن جنی، بی‌تا، ۲۷۲/۱) و عبد الله بن مسعود و علی بن الحسین (ع) و ابی جعفر محمد بن علی (ع) و زید بن علی و جعفر بن محمد (ع) و طلحة بن مصرف و عكرمة والضحاك و عطاء، آیه شریفه را به صورت: «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالَ» قرائت نموده‌اند. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴۹۷/۲؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۱۸/۹) به نظر شیخ طوسی و طبرسی، ابن مسعود و امام سجاده، امام باقر و امام صادق (ع) آیه شریفه را به صورت «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالَ» قرائت نموده‌اند. (طوسی، بی‌تا، ۷۲/۵؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۱/۲) طبق این روایت، قرئت برخی از اصحاب و سه تن از ائمه معصومان (ع) یعنی امام سجاده، امام باقر و امام صادق (ع) به این صورت بوده است. دلیل این قرائت را سوال آیه شریفه از خود انفال بوده که پیامبر (ص) آن غنائم را به عنوان عطیه به آنها ببخشد، می‌دانند: «قال الضحاك وعكرمة: هو سؤال طلب وقوله عن الأنفال أي من الأنفال وعن بمعنى من. وقيل: عن صلة أي يسألكم الأنفال» (بغدادی، ۱۴۱۵: ۲۹۰/۲) نه سوال از حکم آن. بنابراین قرائت، حرف «عَن» زائده می‌باشد. عده‌ای این قرائت را سبب قرائت مشهور



یعنی، «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ» می‌دانند؛ بدین‌گونه که مسلمانان از آن جهت از پیامبر ﷺ درباره حکم «انفال» پرسش کردند که از وضعیت آن آگاه شوند تا بدانند که آیا تقاضای «انفال» از ایشان جایز است یا نه؟ (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱/۲)

ج. قرائت «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ»

به نظر اکثر دانشمندان و مفسرین، بیشتر علمای علم قرائت آیه شریفه را به‌صورت: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ» قرائت نموده‌اند (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۹۷/۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۲۵/۴). قرائت مشهور در قرآن‌های موجود نیز همین قرائت است. مفسرانی که قرائت «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ» را پذیرفته‌اند، معتقدند که منظور از سوال از انفال در این آیه شریفه، سوال از حکم انفال بوده است. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۹۷/۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶/۹؛ قشیری، بی‌تا، ۶۰۱/۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۹۴/۲) به نظر آنها زیرا وقتی سؤال با لفظ: «عن» متعدی شود معنای استعمال حکم و استخبار خبر را می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶/۹؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۲۶۷/۲).

سایر قرائات

زمخشری در تفسیر خود «الکشاف» می‌نویسد که ابن محیصن آیه شریفه را به‌صورت: «يَسْأَلُونَكَ عِنْفَال» با حذف همزه و القاء حرکت آن بر لام و ادغام نون «عَن» در لام، قرائت کرده است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۹۵/۲). بعضی آیه شریفه را به‌صورت: «يَسْأَلُونَكَ عِلْفَال» با حذف همزه و القاء حرکت آن بر لام و ادغام نون «عَن» در لام، قرائت کرده‌اند. در نقد این‌گونه قرائت‌ها باید گفت که این قرائت‌ها محصول اجتهاد خود قاری بوده و از قرائات شاذ به شمار می‌رود و با قواعد عربی و دلیل نقلی و عقلی مخالف می‌باشد. بنابراین از بحث در این پژوهش خارج می‌شود.

سبب نزول آیه

سیوطی در کتاب «لباب النقول» یک روایت از ابن عباس و دو روایت از سعد بن ابی وقاص نقل می‌کند که سبب نزول آیه شریفه فوق در اختلاف اصحاب در چگونگی تقسیم غنائم جنگ بدر می‌باشد (سیوطی، ۱۴۲۲: ۱۲۱/۱). واحدی نیز روایت سعد بن ابی وقاص و ابن عباس را نقل می‌کند، به جز این که وی، از عباد بن صامت نیز همین روایت را نقل کرده است. (واحدی، اسباب النزول، ۱۴۱۱: ۲۳۴) در سایر تفاسیر نیز سبب نزول این آیه شریفه را همین ماجرای اختلاف اصحاب در چگونگی تقسیم غنائم جنگ بدر، می‌دانند. (قمی، ۱۳۶۷: ۲۵۴/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۹۷/۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸۰/۷؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۳۲۳/۲؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۲۲۵/۷)

نقد و بررسی

آنچه در ابتدای امر به نظر می‌رسد و باید در مورد آن دقت شود، تکرار لفظ «الأنفال» نزدیک به یکدیگر در این آیه شریفه است؛ «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ. قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ» (انفال: ۱) با اینکه خداوند می‌توانست ضمیری را به جای لفظ دوم قرار دهد. از این تکرار چنین استنباط می‌شود که برای هر يك از این دو لفظ «انفال»، معنای خاصی اراده شده است که معنای هر کدام از این دو واژه در اختلاف قرائت آیه نیز تأثیر گذار است. به نظر می‌رسد، الف و لامی که بر سر «الأنفال» اول داخل شده، برای عهد است؛ بنابراین، منظور از آن، با توجه به شأن نزول آیه شریفه، همان غنائم موجود در جنگ بدر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸۰/۷). الف و لام در کلمه «الأنفال» دوم، الف و لام عهد نیست؛ بلکه الف و لام جنس، یا الف و لام استغراق می‌باشد که مفید عموم است؛ یعنی حال که شما از غنائم بدر سؤال کردید، بدانید غنائم جنگ بدر خصوصیتی ندارد، بلکه هر غنیمت و هر چیز زیاده‌ای که مالک معینی ندارد، از آن خدا و رسول خدا ﷺ است. خداوند در پاسخی که می‌دهد، این حکم را به عنوان يك ضابطه کلی بیان می‌فرماید. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰/۹؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۸۷/۴) بر هر يك از قرائت‌های ذکر شده، نقدهایی وارد است که در ادامه این پژوهش، تلاش شده است تا به صورت جدا گانه بیان و تحلیل و بررسی شود:

۱. عدم آشنایی مسلمانان با حکم انفال در زمان نزول

همان طور که ذکر گردید، مفسرانی که قرائت «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ» را پذیرفته‌اند، معتقدند که منظور از سوال درباره انفال در این آیه شریفه، سوال از حکم انفال بوده است، لذا از نظر آنها باید واژه «حکم» در آیه شریفه در تقدیر باشد. به عبارتی دیگر، اگر آیه شریفه همراه با حرف جاره «عَنِ»، به صورت: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ» قرائت شود، بدین معناست که مسلمانان معنا و مفهوم و مصادیق انفال را می‌دانستند ولی حکم آن را نمی‌دانستند، لذا از پیامبر ﷺ درخواست نمودند تا حکم انفال را برای شان مشخص نمایند. اما اگر آیه شریفه بدون حرف جاره «عَنِ»، به صورت: «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالِ» قرائت شود بدین معناست که، مسلمانان معنا و مفهوم و مصادیق انفال را نمی‌دانستند و از ایشان درخواست غنائم (انفال) را داشتند، به عبارتی دیگر، گویا با نزول این آیه شریفه مسلمانان برای اولین بار بوده است که با انفال و معنا و مفهوم و مصادیق آن آشنا می‌شده‌اند، لذا بعد از پایان یافتن جنگ بدر، مسلمانان از پیامبر ﷺ تقاضای آن غنائم را نموده بودند که با نزول این آیه شریفه مسلمانان با انفال و مصادیق آن آشنا شدند. پس غنائم جنگ بدر نیز جزئی از انفال بوده ولی پیامبر ﷺ آن را بین اصحاب از روی تفصل و انعام، تقسیم نمود.



در تأیید این دیدگاه باید گفت که، در تحلیل و بررسی آیاتی که در آنها سخن از اموالی است که در اختیار امام مسلمین است، چنین نشان می‌دهد که: چهار آیه در قرآن داریم که حکم اموالی را بیان می‌کند که در اختیار رهبر و امام نظام اسلامی است: آیات اول و ۴۱ سوره مبارکه انفال و آیات شش و هفت سوره مبارکه حشر که اولی راجع به انفال و دومی راجع به خمس و دو آیه بعد سوره حشر هم درباره فیه است؛ و می‌دانیم که سوره مبارکه حشر بعد از سوره انفال نازل شده است؛ سوره انفال در سال دوم هجری و پس از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر نازل شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲/۲۶۶) و در ترتیب نزول سوره قرآنی، سوره انفال هشتاد و هشتمین سوره نازله (معرفت، ۱۳۷۱: ۲/۱۶۶؛ رامیار، ۱۳۸۴: ۵۸۴) و سوره مبارکه حشر، صدویکمین سوره نازله می‌باشد. (معرفت، ۱۳۷۱: ۱/۱۶۸؛ رامیار، ۱۳۸۴: ۵۸۷) این سخن نشان‌دهنده این موضوع است که، مسلمانان تا زمان جنگ بدر و نزول سوره مبارکه انفال، هیچ اطلاعی از اموالی که در اختیار امام و رهبر جامعه اسلامی است، نداشتند که با نزول سوره انفال، مردم با انفال و اموالی که در اختیار امام جامعه قرار می‌گیرد آشنا شدند. پس سخن کسانی که می‌گویند مسلمانان با معنا و مفهوم و مصادیق انفال آشنا بوده‌اند و در این آیه شریفه حکم انفال را از پیامبر ﷺ سوال نمودند لذا قرآنت: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ» صحیح می‌باشد، نادرست است.

۲. موافقت قرآنت «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالِ» با احادیث شیعه

به نظر بعضی از مفسرین، کسانی که قرآنت «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالِ» را پذیرفته‌اند، واژه «عَنِ» به معنای «مِنْ» می‌باشد، چون سوال درباره طلب عطیه و بخشش غنائم بوده است، نه سوال درباره حکم انفال (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۲/۴۹۷؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ۲/۲۹۰) لذا به نظر می‌رسد کسانی که این قرآنت را پذیرفته‌اند، باید منظورشان از انفال، غنائم باشد، آن هم هر غنائمی نه، بلکه غنائم جنگ بدر که مخصوص پیامبر ﷺ بوده است؛ چون در روایات رسیده از ائمه علیهم‌السلام آمده است که غنائم بدر مخصوص پیامبر ﷺ بود و ایشان به عنوان بخشش و عطیه آنها را در میان جنگجویان تقسیم کرد؛ به عنوان مثال در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده: «ان غنائم بدر کانت للنبی خاصة فقسّمها بینهم تفضلاً منه» (غنائم بدر مخصوص پیامبر ص بود و او به عنوان بخشش آنها را در میان جنگجویان تقسیم کرد) (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/۷۹۶) از آنجایی که منظور از انفال زیادی هر چیزی به شمار می‌رود، لذا غنیمت جنگی هم نوعی زیادی از مقصود به شمار می‌رود، بنابراین عطیه و بخششی از جانب خداوند برای اهل بدر بوده و آنها از این عطیه سوال کردند که آیا ما هم سهمی داریم یا خیر؟ لازم به یادآوری می‌باشد که این دیدگاه را بسیاری از مفسران تأیید نموده‌اند: در مجمع البیان آمده است که: «أن غنائم بدر کانت للنبی

ص خاصة فسألوه أن يعطيهم وقد صح أن قراءة أهل البيت عليهم السلام يسألونك الأنفال» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۹۶/۴) و هم چنین در تفسیر دیگری آمده: «و قيل هو (الأنفال) العطية تطوعاً و من غير واجب. فأصحابك يسألونك عن الغنائم التي غنمتها يوم بدر و يطلبون تقسيمها» (سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ۲۵۳/۳) خلاصه این که، طبق روایات صحیح، قرائت برخی از اصحاب و سه تن از ائمه یعنی امام سجاد، امام باقر و امام صادق عليهم السلام «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ» بوده است. اگر نگوییم این روایات متواتر هستند، بلکه صدور آنها قطعی می شود و برخی از مفسرین صحت این قرائت از ائمه معصومان را پذیرفته اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۹۷/۴).

۳. موافقت قرائت «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالَ» با سیاق آیه

همان طور که بیان شد بر اساس قرائت: «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالَ» سوال مسلمانان از خود انفال بوده که پیامبر صلی الله علیه و آله انفال را به آنها ببخشد، نه از حکم انفال. چیزی که این دیدگاه را قوت می بخشد ادامه آیه و به اصطلاح سیاق آیه می باشد: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» که مسلمانان را انداز و هشدار می دهد؛ به نظر می رسد دانستن صرف حکم آیه (انفال)، نیازی به انداز و هشدار را در پی نداشت، بلکه طلب و درخواست و دست درازی به غنائم (انفال) است که هشدار را در پی دارد. لذا از سیاق آیه «فَاتَّقُوا اللَّهَ» چنین برداشت می شود که سوال مسلمانان درباره طلب و بخشش غنائم (انفال) بوده است نه سوال از حکم انفال. لازم به یادآوری است که این دیدگاه را عده ای از مفسرین نیز تأیید نموده اند. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۷۹۷/۴) به نظر شیخ طوسی نیز اگر مسلمانان از حکم انفال سوال می کردند که چه کسانی مستحق دریافت انفال هستند و چه کسانی مستحق نیستند، دیگر لازم نبود که خداوند در ادامه آیه بفرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ» (طوسی، بی تا، ۷۲/۵). به نظر طبرسی غنائم بدر مخصوص پیامبر بود، لذا اصحاب درخواست کردند که به آنها بدهد؛ پس باید قرائت «يسألونك الأنفال» صحیح باشد. پس «عن» زائده است. مؤید آن ادامه آیه شریفه است - فَاتَّقُوا اللَّهَ - که آنها را امر بتقوی و پرهیزکاری می کند (طبرسی، ۱۳۷۷: ۷۹۷/۴) لذا سیاق آیه شریفه این را می رساند که مراد از «يَسْأَلُونَكَ» باید سوال از خود انفال می باشد، و به تبع آن باید قرائت «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالَ» صحیح باشد.

دلیل دیگر بر موافق سیاق با قرائت فوق، تکرار واژه «الأنفال» در آیه شریفه می باشد؛ علت تکرار این واژه نشان می دهد که معنای این دو واژه با هم متفاوت است. معنای واژه اولی معلوم و معهود می باشد که الف و لام در «الأنفال» اول برای عهد و در دوم به معنای جنس است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶/۹؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۸۷/۴) بنابراین باید گفت که معنای واژه اولی یعنی از تو از غنائم بدر می پرسند



وسؤال از خصوص غنائم جنگی است که لشکر مسلمانان در صحنه جنگ از کفار بدست می‌آورند، بگو همه انفال اعم از غنائم جنگی و سایر ثروتهای عمومی از قبیل جنگلها و معادن و... مال خدا و رسول است. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۳۲۵/۱۰) به عبارتی دیگر، یعنی از تو درباره غنائم جنگ بدر می‌پرسند که غنائم را به آنها بدهید ولی شما به آنها بگویید که این غنائم از انفال بوده و برای خداوند و رسولش می‌باشد. پس منظور از انفال در واژه اول، غنائم جنگ بدر می‌باشد و سوال مسلمانان درباره خود آن غنائم بوده نه سوال از حکم انفال.

بنابراین، از این سیاق فهمیده می‌شود که مسلمانان غنائم جنگی را ملك افراد لشکری که در صحنه جنگ حضور داشته می‌دانستند و از نظر چگونگی تقسیم آنها مورد اختلاف و نزاع آنان بوده لذا به پیامبر ﷺ درباره نحوه تقسیم آن بین لشکریان مراجعه نمودند که آیه شریفه نازل شد و معلوم گردید که غنائم جنگی از انفال می‌باشد. لذا از این سیاق فهمیده می‌شود که باید قرائت «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالَ» صحیح باشد.

۴. نداشتن شرط تواتر قرائت «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالَ»

قرآنت «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالَ»، قرائتی است که با توجه به روایات موجود، در عصر ائمه علیهم‌السلام شهرت داشته و محصول اجتهاد قراء سبعة و کسان دیگر نمی‌باشد، و از طرفی، قرائتی است که با قواعد عربی مخالف نیست و فصیح و غیر شاذ می‌باشد. همچنین موافق با سیاق آیات و سازگار با معنای آیات می‌باشد و مخالف با دلیل عقلی و سایر آیات و قرائت مشهور نیست و از همه مهمتر مخالف با روایات وارده شیعه نیز نمی‌باشد. بنابراین قرائت «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالَ»، معارض با هیچ دلیل قطعی نیست. تنها دلیلی که آن را غیر مشهور می‌خوانند و مفسران و دانشمندان علم قرآنت، آن را بکار نمی‌برند، اعتقاد دارند که با نصّ متواتر به ما نرسیده است؛ چون مسلمانان در این مسئله که قرآن بودن هیچ سخنی ثابت نمی‌شود مگر از راه تواتر و نقل های پیاپی و یقین آور، اتفاق نظر دارند. تمام مسلمانان برای اثبات قرآن بودن کلامی، راهی به جز تواتر و نقل های فراوان و یقین آور نمی‌دانند. به عبارتی دیگر، اجماع و عقیده تمام مسلمانان به این است که قرآن به جز تواتر از راه دیگر ثابت نمی‌شود (معرفت، ۱۳۸۱: ۴۴۹؛ خویی، بی تا، ۳۲۰). بنابراین، تمامی فرق و مذاهب اسلامی اجماع دارند که قرآن باید به صورت قطعی و به تواتر نقل شود تا حجیت داشته باشد و هر آنچه با خبر واحد نقل شود قطعاً جزو قرآن نیست (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۶۶/۲؛ علامه حلی، ۱۴۲۵: ۳۳۵/۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۲۶۳/۱؛ خویی، بی تا، ۱۲۴). به عبارتی دیگر، شرط پذیرش قرائت، متواتر بودن آن می‌باشد. این اصل «لزوم تواتر قرآن» یکی از مسائل ضروری اسلام و مورد اتفاق علماست و اساساً خبر واحد در مسائل اصولی و کلامی فاقد

اعتبار است و صرفاً در مسائل فرعی و عملی اعتبار دارد. (معرفت، ۱۳۸۱: ۴۴۹) بنابراین شرط پذیرفتن قرآن کریم، و هر قرائتی دیگر غیر از قرائت مشهور، متواتر بودن آن است، قرآن در هر حرف و هر کلمه باید متواتر باشد؛ لذا قرائت «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالِ»، چون با نقل واحد روایت شده قابل قبول نیست و طبق اصل لزوم متواتر بودن قرآن، مردود شمرده می‌شود، و قرآن بودن این قرائت با تواتر ثابت نمی‌شود. گرچه سایر شروط قرائت صحیح را داشته باشد و حتی اگر سند این روایات نیز مشکلی نداشته باشند باز، در صورت عدم تواتر حجیت ندارد و خبر واحد به شمار می‌روند و نمی‌توان به‌عنوان قرآن بودن، به این قرائت به آن نگاه کرد و قرآن کریم با خبر واحد نسخ نمی‌شود.

۵. نقدی بر دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی با بهره‌گیری از قرینه سیاق و سبب نزول آیه شریفه، این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که، میان اشخاص مشار الیه به «یسئلونک» نزاع و تخصیصی در امر انفال بوده، و سؤال در صدر آیه به‌خاطر اصلاح و رفع نزاع از ایشان واقع شده، گویا این اشخاص در میان خود راجع به انفال اختلاف کرده‌اند، و سپس به رسول خدا ﷺ مراجعه نموده‌اند تا حکم آن را از آن جناب بپرسند، و جوابی که می‌شنوند نزاعشان را خاتمه دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶/۹). ایشان از این سیاق دیدگاه خود را درباره قرائت آیه چنین برمی‌گزینند: «اولاً اینکه قرائت مشهور یعنی «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ» راجح‌تر است، زیرا وقتی سؤال با لفظ «عن» متعدی شود معنای استعلام حکم و استخبار خبر را می‌دهد، بخلاف آنجایی که بدون «عن» متعدی شود که به معنای درخواست عطیه است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۷/۹).

نقدی بر این سخن علامه طباطبایی وارد می‌باشد و آن اینکه، ایشان با استفاده از سیاق آیه این‌گونه نتیجه می‌گیرد که، میان اشخاص مشار الیه به «یسئلونک» نزاع و تخصیصی در امر انفال بوده، و سؤال در صدر آیه بخاطر اصلاح و رفع نزاع از ایشان واقع شده، گویا این اشخاص در میان خود راجع به انفال اختلاف کرده‌اند، و سپس به رسول خدا ﷺ مراجعه نموده‌اند تا حکم آن را از آن جناب بپرسند. اکنون این سوال را باید از جناب علامه پرسید که ایشان چگونه بر اساس قرینه سیاق متوجه شده‌اند که نزاع و تخصیصی در کار بوده است؟ این احتمال وجود دارد که منظور از «يَسْأَلُونَكَ» این باشد که آنها تقاضا داشتند که انفال بخودشان داده شود، نه اینکه حکم انفال را می‌خواستند. مؤید آن نیز ادامه آیه شریفه است «فَاتَّقُوا اللَّهَ» که آنها را امر بتقوی و پرهیزکاری می‌کند.

اگر جناب علامه با بهره‌گیری از سیاق آیات بدین نتیجه رسیده است که نزاع مسلمانان درباره حکم انفال بوده، آیه بعد نقض گفتار علامه را می‌رساند؛ زیرا دانستن صرف حکم آیه، نیازی به انذار و هشدار



را در پی نداشت، بلکه طلب و درخواست و دست درازی به غنائم (انفال) است که هشدار را در پی دارد. لذا از سیاق آیه «فَاتَّقُوا اللَّهَ» چنین برداشت می‌شود که سوال مسلمانان درباره طلب و بخشش غنائم (انفال) بوده است. لازم به یادآوری است که این دیدگاه را عده‌ای از مفسرین را تأیید نموده‌اند (طبرسی: وامع الجامع، ۱۳۷۷: ۷۹۷/۴). همان طور که بیان شد، به نظر شیخ طوسی نیز اگر مسلمانان از حکم انفال سوال می‌کردند که چه کسانی مستحق دریافت انفال هستند و چه کسانی مستحق نیستند، دیگر لازم نبود که خداوند در ادامه آیه بفرمایند: «فَاتَّقُوا اللَّهَ» (طوسی، بی تا، ۷۲/۵).

علامه طباطبایی در ادامه تفسیر آیه شریفه می‌فرماید که: «و ثانیاً اینکه انفال هر چند به حسب مفهوم عام است، هم غنیمت و هم فیه را شامل می‌شود، لیکن مورد آیه تنها غنائم جنگی است، آن هم نه فقط غنائم جنگ بدر، چون وجهی برای این تخصیص نیست» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۷/۹) نقدی بر این سخن علامه نیز وارد است و آن این که، ایشان بر اساس چه قرینه‌ای، مورد آیه را به غنائم جنگ بدر تخصیص نداده است؛ درحالی که بیشتر دانشمندان، سبب نزول این سوره مبارکه را درباره جنگ بدر و غنائم آن می‌دانند (واحدی، ۱۴۱۱: ۲۳۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۵۸/۳؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۸۰/۷؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۳۲۳/۲؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۲۲۵/۷). لذا، این قرائت با شأن نزول سوره مبارکه انفال نیز سازگارتر است. از آنچه گذشت این نتیجه حاصل می‌شود که سوال مسلمانان در این آیه شریفه، سوال از غنائم جنگ بدر است. به خوبی ملاحظه می‌شود که علامه طباطبایی با اهتمام تمام، قرائات منسوب به ائمه علیهم‌السلام را در کانون توجه خود قرار داده، اما به لحاظ اینکه در مقابل قرائات مشهور است، با سکوت توأم با تأیید قرائت مشهور عبور کرده است.

اما این گفته علامه طباطبایی و سایر مفسران را هم می‌پذیریم که فرموده‌اند: به اعتبار این قاعده معروف «إن السؤال لا یخصّص الجواب، وإن المورد لا یخصّص الوارد»، اگر مورد آیه اختصاص به غنیمت جنگی دارد موجب نمی‌شود که حکم وارد در آن را هم مختص به موردش کنیم، پس اطلاق آیه نسبت به هر درآمدی که آن را انفال بگویند محفوظ است، نه تنها اختصاص به جنگ بدر ندارد بلکه اختصاص به غنائم جنگی نیز نداشته و همه درآمدهای موسوم به نفل را شامل می‌شود، برای اینکه می‌فرماید انفال همه‌اش مال خدا و رسول او است و احدی از مؤمنین در آن سهم ندارد چه غنیمت جنگی باشد و چه فیه. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۷/۹؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۲۲۷/۷؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۳۲۵/۱۰)

نتیجه گیری

قرائت‌های مختلفی در آیه اول سوره مبارکه انفال نقل شده است؛ و این اختلاف قرائت، منجر به تفاسیر متفاوتی از آیه شریفه شده است. علاوه بر قرائت مشهور، آیه شریفه به صورت: «یَسْأَلُونَكَ الْإِنْفَالِ» نیز قرائت شده است. نتایجی که از این پژوهش حاصل گردید بدین شرح است:

۱. یک قرائت صحیح افزون بر صحت سند، موافقت با قواعد عربی و مطابقت با رسم مصحف، قرآنی از قبیل: أفصحیت، سیاق آیات، قواعد صرفی، سازگاری با مفاد آیات، دلیل عقلی و نیز روایات، را نیز شامل شود.

۲. به نظر اکثر مفسران فریقین، در جمله «یَسْأَلُونَكَ عَنِ الْإِنْفَالِ» در معنای آن دو احتمال وجود دارد: ۱. از تو سؤال می‌کنند که حکم انفال چیست؛ ۲. از تو درخواست می‌کنند که انفال را به آنان بدهی. بر اساس قرائت مشهور یعنی قرائت: «یَسْأَلُونَكَ عَنِ الْإِنْفَالِ»، سوال مسلمانان از حکم انفال می‌باشد، و بر طبق قرائت: «یَسْأَلُونَكَ الْإِنْفَالِ»، سوال مسلمانان از خود انفال می‌باشد که پیامبر ﷺ انفال را به آنها ببخشد.

۳. مسلمانان تا زمان جنگ بدر و نزول سوره مبارکه انفال، هیچ اطلاعی از اموالی که در اختیار امام و رهبر جامعه اسلامی است، نداشتند که با نزول سوره انفال، مردم با انفال و اموالی که در اختیار امام جامعه قرار می‌گیرد آشنا شدند. لذا سوال آنها از پیامبر ﷺ سوال از خود انفال بوده نه سوال از حکم انفال.

۴. خلاصه این که، طبق روایات صحیح، قرائت برخی از اصحاب و سه تن از انمه یعنی امام سجاد، امام باقر و امام صادق (علیهم‌السلام) «یَسْأَلُونَكَ عَنِ الْإِنْفَالِ» بوده است. اگر نگوییم این روایات متواتر هستند، بلکه در حد مستفیض روایت شده‌اند.

۵. موافقت قرائت «یَسْأَلُونَكَ الْإِنْفَالِ» با سیاق آیه؛ همان طور که بیان شد بر اساس قرائت: «یَسْأَلُونَكَ الْإِنْفَالِ» سوال مسلمانان از خود انفال بوده که پیامبر ﷺ انفال را به آنها ببخشد، نه از حکم انفال. چیزی که این دیدگاه را قوت می‌بخشد ادامه آیه و به اصطلاح سیاق آیه می‌باشد: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» که مسلمانان را انداز و هشدار می‌دهد؛ به نظر می‌رسد دانستن صرف حکم آیه (انفال)، نیازی به انداز و هشدار را در پی نداشت، بلکه طلب و درخواست و دست درازی به غنائم (انفال) است که هشدار را در پی دارد. لذا از سیاق آیه «فَاتَّقُوا اللَّهَ» چنین برداشت می‌شود که سوال مسلمانان درباره طلب و بخشش غنائم (انفال) بوده است نه سوال از حکم انفال.



۶. شرط پذیرش هر قرائتی، متواتر بودن آن می باشد. این اصل «لزوم تواتر قرآن» یکی از مسائل ضروری اسلام و مورد اتفاق علماست. بنابراین شرط پذیرفتن قرآن کریم، و هر قرائتی دیگر غیر از قرائت مشهور، متواتر بودن آن است، قرآن در هر حرف و هر کلمه باید متواتر باشد؛ لذا قرائت «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالِ»، چون با نقل واحد روایت شده قابل قبول نیست و طبق اصل لزوم متواتر بودن قرآن، مردود شمرده می شود، و قرآن بودن این قرائت با تواتر ثابت نمی شود. گرچه سایر شروط قرائت صحیح را داشته باشد حتی اگر سند این روایات نیز مشکلی نداشته باشند باز، در صورت عدم تواتر حجیت ندارد و خبر واحد به شمار می روند و نمی توان به عنوان قرآن بودن، به این قرائت به آن نگاه کرد و قرآن کریم با خبر واحد نسخ نمی شود.

در جواب این که روایاتی از ائمه در دست داریم که آنان برخی از آیات را بر خلاف قرائت موجود، قرائت می کردند، باید گفت که، این اخبار، اخبار آحادند و نمی توان به صحت آنها یقین پیدا کرد و این نوع قرائت را از ناحیه ی خداوند دانست؛ بنابراین، ما در این اخبار توقف می کنیم و طبق مصحف موجود قرائت کرده، از آن عدول نخواهیم کرد؛ چه این که می توان گفت: هر دو قرائت از ناحیه ی خدا نازل شده است. پس قرائت «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالِ»، قرائتی است که سند آن صحیح می باشد با رسم الخط مصحف مشهور مخالف است. و تفاسیری که از اختلاف قرائات این آیه شریفه وارد شده است، اگرچه از باب تفسیر قرآن به قرآن نیست، زیرا قطع به قرآن بودن یا نبودن آن نداریم، ولی از باب تفسیر به سخن پیامبر ﷺ یا ائمه علیهم السلام می باشد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۲. ابن العربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر، احکام القرآن، بی نا، بی جا، بی تا.
۳. ابن جنی، عثمان، المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القراءات و الإیضاح عنها، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی تا.
۴. ابن خالویه، حسین بن احمد، مختصر فی شواذ القرآن من کتاب البدیع، قاهره: مكتبة المتنبی، بی تا.
۵. ابن عطیة، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ق.
۷. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۸. بغدادی، علاءالدین علی بن محمد، لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۹. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۰. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیا التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۱. جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۱۲. جلالوند، بهزاد. حسینی زاده، عبدالرسول. و علوی مهر، حسین. (۱۴۰۱). واکاوی رابطه اختلاف قرائت در تفاوت دیدگاه فریقین ذیل آیه شش سورة مائده. مطالعات قرائت قرآن، ۱۰(۱۸)، ۲۲۹-۲۵۴. doi: 10.22034/qer.2022.7199
۱۳. حسینی شیرازی، سید محمد، تقریب القرآن الی الاذهان، بیروت: دارالعلوم، ۱۴۲۴ق.
۱۴. حسینی همدانی، سید محمدحسین، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ق.
۱۵. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، نهایة الوصول الی علم الاصول، قم: موسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۵ق.



۱۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۱۷. خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه احیاء آثار الامام خویی، بی تا.
۱۸. خویی، ابوالقاسم، منهاج الصادقین، قم: مدینه العلم، ۱۴۱۰ق.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۲۰. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۴ق.
۲۱. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۲. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
۲۳. سیوطی: لال الدین، الانتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العربیه، ۱۴۲۱ق.
۲۴. سیوطی: لال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه لیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۵. سیوطی: لال الدین، لباب النقول فی اسباب النزول، بیروت: موسسه الکتب الثقافیه، ۱۴۲۲ق.
۲۶. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدیر، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۱۴ق.
۲۷. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش.
۲۸. صادقی، حسن. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی آیه انفال از دیدگاه مفسران فریقین. مطالعات تفسیر تطبیقی، ۷ (شماره اول)، ۱۷۰-۱۸۹.
۲۹. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۰. طباطبایی، سید محمدحسین، قرآن در اسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۳۳. طبری، محمد بن جریر: امع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۳۴. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۳۵. طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ش.
۳۶. طبیب حسینی، سیدعبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش.

۳۷. فاضل مقداد: مال‌الدین مقدادبن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، بی‌جا: مجمع جهانی تقریب مذاهب، ۱۴۱۹ق.
۳۸. فخرالدین رازی، محمدبن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق.
۴۰. فضل الله، سید محمدحسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ق.
۴۱. فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق.
۴۲. قرشی، سید علی‌اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیادبعثت، ۱۳۷۷ش.
۴۳. قرشی، سید علی‌اکبر، قاموس القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۴۴. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، لطایف الاشارات، مصر: هیئة المصریة العامه للكتاب، بی‌تا.
۴۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دارالکتب، ۱۳۶۷ش.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۲۱ق.
۴۷. الماوردی، علی بن محمد، الاحکام السلطانیة، بیروت: دارالفکر، ۱۹۶۶م.
۴۸. مسلم بن حجاج نیشابوری، ابو حسین صحیح مسلم، ارومیه: انتشارات حسینی اصل، ۱۳۹۰.
۴۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۵۰. معرفت، محمدهادی، آموزش علوم قرآن، بی‌جا: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱ش.
۵۱. معرفت، محمدهادی، تاریخ قرآن، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۶۸ش.
۵۲. معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، قم: التمهید، ۱۳۸۱ش.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۵۴. موسوی همدانی، سید محمداقبر، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
۵۵. واحدی، علی بن احمد، اسباب النزول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.



References

1. Quran – e - Karim, Naser Makarem Shirazi (*The Holy Quran, Translated by Naser Makarem Shirazi*), Tehran: Dafter-e Motale'at-e Tarikh va Ma'arif-e Eslami, 1380 AH (2001 CE).
2. Azhari, Mohammad Bin Ahmad, *Tahdhib al-Lughah (Refinement of Language)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1421 AH (2000 CE).
3. Baghdadi, Alaa al-Din Ali Bin Mohammad, *Lubaab al-Ta'wil fi Ma'ani al-Tanzil (The Essence of Interpretation in the Meanings of Revelation)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah, 1415 AH (1994 CE).
4. Baghdadi, Hussein Bin Masoud, *Ma'alim al-Tanzil fi Tafsir al-Quran (Landmarks of Revelation in Quranic Exegesis)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1420 AH (1999 CE).
5. Fadel Miqdad, Jamal al-Din Maqdad Bin Abdullah, *Kunuz al-'Irfan fi Fiqh al-Quran (Treasures of Knowledge in Quranic Jurisprudence)*, Bija: World Assembly for Proximity of Islamic Schools of Thought, 1419 CE (1998 CE).
6. Fadlullah, Sayyid Mohammad Husayn, *Tafsir Min Wahy al-Quran (Exegesis Inspired by the Quran)*, Beirut: Dar al-Malak lil-Taba'ah wal-Nashr, 1419 CE (1998 CE).
7. Fakhr al-Din Razi, Mohammad Bin Umar, *Mafatih al-Ghayb (Keys to the Unseen)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1420 CE (1999 CE).
8. Farahidi, Khalil Bin Ahmad, *Kitab al-Ain*, Qom: Intisharat Hijrat, 1410 CE (1989 CE).
9. Fayd Kashani, Mulla Mohsen, *Tafsir al-Safi (The Pure Exegesis)*, Tehran: Al-Sadr Publications, 1415 CE (1994 CE).
10. Hawezi, Abdul Ali Bin Jama'ah, *Tafsir Nur al-Thaqalayn (Exegesis of the Light of the Two Weights)*, Qom: Entesharat Ismailian, 1415 AH (1994 CE).
11. Helli, Hassan Bin Yusuf Bin Mutahar, *Nihayat al-Wusul ila Ilm al-Usul (The Ultimate Attainment in the Science of Principles)*, Qom: Mo'assasat Imam Sadiq, 1425 AH (2004 CE).
12. Hussein Hamedani, Sayyid Mohammad Hussein, *Anwar Darakhshan (Radiant Lights)*, Tehran: Ketabfurushi Lotfi, 1404 AH (1984 CE).
13. Hussein Shirazi, Sayyid Mohammad, *Taqrib al-Quran ila al-Adhhan (Bringing the Quran Closer to Minds)*, Beirut: Dar al-Ilm, 1424 AH (2003 CE).
14. Ibn al-Arabi, Mohammad Bin Abdullah Bin Abubakr, *Ahkam al-Quran (The Verdicts of the Quran)*, n.p., N.p., n.d.
15. Ibn Atiyyah, Abdul Haqq Bin Ghalib, *Al-Muhrrar al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz (The Concise Elixir in the Interpretation of the Glorious Book)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah, 1422 AH (2001 CE).

16. Ibn Jinni, Othman, *Al-Muhtasib fi Tabyin Wajh Shawa'iz al-Qira'at wa al-Izah 'Anha (The Examiner in Explaining the Aspects of the Eccentric Readings and Elucidating them)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah, n.d.
17. Ibn Khalawayh, Husayn Bin Ahmad, *Mukhtasar fi Shawa'iz al-Quran min Kitab al-Badi'*, Cairo: Maktabat al-Mutanabbi, n.d.
18. Ibn Manzur, Mohammad Bin Makram, *Lisan al-Arab (The Tongue of the Arabs)*, Beirut: Dar Sader, 1414 AH (1993 CE).
19. Jassas, Ahmad Bin Ali, *Ahkam al-Quran (The Judgments of the Quran)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1405 AH (1985 CE).
20. Jalalvand, B., Hosseiny Zadeh, A., & Alavi Mehr, H. (2022). Analyzing the Relationship between the Difference in Recitation (Qiraat) and the Difference in the Views of the Two Major Sects of Islam Concerning the Sixth Verse of Surah Ma'idah. 5- QERA'T, 10(18), 229-254. doi: 10.22034/qer.2022.7199
21. Khoei, Abul Qasim, *Al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Elucidation in Quranic Exegesis)*, Qom: Mo'assasat Ahya Athar al-Imam Khoei, n.d.
22. Khoei, Abul Qasim, *Manhaj al-Sadiqin (The Way of the Truthful)*, Qom: Madinat al-Ilm, 1410 AH (1990 CE).
23. Kulayni, Mohammad Bin Ya'qub, *Al-Kafi*, Tehran: Daftar-e Ma'arif Tarikh va Ma'arif-e Eslami, 1421 CE (2000 CE).
24. Makarem Shirazi, Nasser, *Tafsir-e Nemouneh (The Exemplary Exegesis)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, 1374 SH (1995 CE).
25. Ma'refat, Mohammad Hadi, *Amoozesh-e Ulum-e Quran (Teaching Quranic Sciences)*, N.p.: Center for Printing and Publishing of the Islamic Propagation Organization, 1371 SH (1992 CE).
26. Ma'refat, Mohammad Hadi, *Tarikh-e Quran (History of the Quran)*, Tehran: Samaat Publications, 1368 SH (1989 CE).
27. Ma'refat, Mohammad Hadi, *Ulum-e Quran (Sciences of the Quran)*, Qom: Al-Tamhid, 1381 SH (2002 CE).
28. Mawardi, Ali Bin Mohammad, *Al-Ahkam al-Sultaniyah (The Ordinances of Government)*, Beirut: Dar al-Fikr, 1966 CE.
29. Mousavi Hamedani, Sayyid Mohammad Baqir, *Tarjomeh-ye Tafsir al-Mizan (Translation of Tafsir al-Mizan)*, Qom: Daftar-e Entesharat-e Eslami, 1374 SH (1995 CE).
30. Muslim Bin Hajjaj Nishapuri, Abu Husayn, *Sahih Muslim*, Uroumia: Hussein Asl Publications, 1390 SH (2011 CE).
31. Mustafawi, Hasan, *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim (Research on the Words of the Noble Quran)*, Tehran: Bonyad-e Tarjome va Nashr-e Ketab, 1360 SH (1981 CE).



32. Qarashi, Sayyid Ali Akbar, *Qamus al-Quran (Quranic Lexicon)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, 1371 SH (1992 CE).
33. Qarashi, Sayyid Ali Akbar, *Tafsir Ahsan al-Hadith (Exegesis of the Best Expression)*, Tehran: Bonyad-e Be'that, 1377 SH (1998 CE).
34. Qomi, Ali Bin Ibrahim, *Tafsir Qomi*, Qom: Dar al-Kutub, 1367 SH (1988 CE).
35. Qushairi, Abdul-Karim Bin Hawazen, *Lata'if al-Isharat*, Egypt: Al-Hay'ah al-Misriyyah al-Amah lil-Kitab, n.d.
36. Raghib Esfahani, Hussein Bin Mohammad, *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran (Vocabulary of the Quranic Uncommon Words)*, Beirut: Dar al-Ilm Dar al-Shamiyah, 1412 AH (1992 CE).
37. Ramyar, Mahmoud, *Tarikh Quran (History of the Quran)*, Tehran: Entesharat Amir Kabir, 1384 AH (2005 CE).
38. Sabzavari Najafi, Mohammad Bin Habib Allah, *Al-Jadid fi Tafsir al-Quran al-Majid (The New in the Exegesis of the Glorious Quran)*, Beirut: Dar al-Ta'aruf lil-Matbu'at, 1406 AH (1986 CE).
39. Sadeqi Tehrani, Mohammad, *Al-Furqan fi Tafsir al-Quran bi al-Quran (The Criterion in Quranic Exegesis from the Quran)*, Qom: Entesharat Farhang-e Eslami, 1365 AH (1986 CE).
40. sadeghi, H. (2022). A comparative study of Anfal verse from the point of view of commentators of the fariqin. *Comparative Studies of Quran*, 7(1), 170-189.
41. Shawkani, Mohammad Bin Ali, *Fath al-Qadeer (The Opening of the Divine Book)*, Beirut: Dar Ibn Kathir, 1414 AH (1994 CE).
42. Suyuti, Jalal al-Din, *Al-Durr al-Manthoor fi Tafsir al-Mathoor (The Scattered Pearls in the Exegesis of the Conveyed)*, Qom: Ketabkhane Ayatollah Marashi Najafi, 1404 AH (1983 CE).
43. Suyuti, Jalal al-Din, *Al-Itqan fi Ulum al-Quran (Perfection in Quranic Sciences)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Arabiyyah, 1421 AH (2000 CE).
44. Suyuti, Jalal al-Din, *Lubaab al-Nuqool fi Asbab al-Nuzool (The Essence of Reasons for Revelation)*, Beirut: Mo'assasat al-Kutub al-Thaqafiyyah, 1422 AH (2001 CE).
45. Tabari, Mohammad Bin Jarir, *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Comprehensive Explanation of the Quran)*, Beirut: Dar al-Ma'rifah, 1412 CE (1991 CE).
46. Tabarsi, Fazl Bin Hassan, *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Collection of Elucidations in Quranic Exegesis)*, Tehran: Entesharat-e Naser Khosrow, 1372 SH (1993 CE).
47. Tabarsi, Fazl Bin Hassan, *Tafsir Jawami al-Jami (The Commentary that Collects Everything)*, Tehran: Entesharat-e Daneshgah-e Tehran, 1377 SH (1998 CE).
48. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Balance in Quranic Exegesis)*, Qom: Dafter Entesharat-e Eslami, 1417 AH (1996 CE).

49. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein, *Quran dar Islam (The Quran in Islam)*, Qom: Dafter Entesharat-e Eslami, 1372 AH (1993 CE).
50. Taib Hussein, Sayyid Abdul-Hussein, *Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Excellence in the Interpretation of the Quran)*, Tehran: Islamic Publications, 1378 SH (1999 CE).
51. Tha'labi Nishapuri, Abu Ishaq Ahmad Bin Ibrahim, *Al-Kashf wa al-Bayan 'An Tafsir al-Quran (Revelation and Elucidation in Quranic Exegesis)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1422 AH (2001 CE).
52. Tusi, Mohammad Bin Hasan, *Al-Tafsir al-Tafsir al-Quran (Exposition in Quranic Exegesis)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, n.d.
53. Tusi, Mohammad Bin Hasan, *Tahdhib al-Ahkam (Refinement of Legal Judgments)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, 1364 SH (1985 CE).
54. Vahidi, Ali Bin Ahmad, *Asbab al-Nuzul (The Reasons for Revelation)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1411 CE (1991 CE).
55. Zamakhshari, Mahmoud, *Al-Kashaf 'an Haqa'iq Ghawamid al-Tanzil (The Unveiling of the Truths of the Clarity of Revelation)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi, 1407 AH (1987 CE).



Fakhr Razi's Interpretative Approach to Anomalous Readings (Qira'at Shadh) by the Seven Reciters of the (Quran)*

Ferideh A'rabi¹ and Mehdi Afchangi² and Ebrahim Baghshani³ and Mohammad Ali Mir⁴

Abstract



An anomalous reading (Qira'at Shadh) refers to a reading (Qira'at) that does not meet the three conditions of conformity with the Arabic language, agreement with one of the Uthmani Codices, and the authenticity of the chain of transmission. However, this does not necessarily mean that it is exclusively narrated by lesser-known and secondary narrators. Indeed, even some of the most famous reciters, known as the Seven Reciters (Qurra' Sab'ah), have transmitted anomalous readings (Qira'at). Although these readings (Qira'at) often distinguish themselves by having valid documentation and linguistic coherence, they are distinct from other anomalous readings (Qira'at Shadh). While most interpreters mainly encounter anomalous readings (Qira'at Shadh) narrated by lesser-known reciters and pay less attention to them in the interpretation of verses, the approach varies when dealing with anomalous readings (Qira'at Shadh) from the Seven Reciter. Some consider anomalous readings (Qira'at Shadh) as a criterion and do not pay attention to them, while others take into account the rank of the Seven Reciters in recitation and also consider their anomalous readings (Qira'at Shadh). Some adopt a middle approach. Fakhr Razi is one of the interpreters who has shown special interest in interpreting verses based on anomalous readings (Qira'at Shadh) transmitted by the Seven Reciters, to the extent that he does not describe them as anomalous and only refers to them as non-famous. This paper aims to compare Fakhr Razi's approach to anomalous readings (Qira'at Shadh) narrated by the Seven Reciters with the interpretation of the major reciters, describing and analyzing his use of these readings in interpreting verses.

Keywords: Anomalous Readings (Qira'at Shadh), Seven Reciters, Interpretation, Fakhr Razi, Famous Reading.

*. **Date of receiving:** 10/08/2022, **Date of approval:** 05/06/2023.

1. Ph.D. Candidate in Quran and Hadith Sciences, Gorgan Campus, Islamic Azad University, Gorgan, Iran: f_fadiya@yahoo.com.

2. Assistant Professor in the Department of Theology and Islamic Studies, Gorgan Campus, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.
(Corresponding Author): mehdi.afchangi5@yahoo.com.

3. Assistant Professor in the Department of Islamic Studies, Shahrood University of Medical Sciences, Shahrood, Iran: ebrahim.baghshani@shmu.ac.ir

4. Assistant Professor in the Department of Theology and Islamic Studies, Gorgan Campus, Islamic Azad University, Gorgan, Iran: mohammadalimir60@gmail.com.



رویکرد تفسیری فخر رازی به قرائت‌های شاذ روایت شده از قراء سبعة*

فریده اعرابی^۱ و مهدی افچنگی^۲ و ابراهیم باغشانی^۳ و محمد علی میر^۴



چکیده

قرائت شاذ، قرائتی است که سه شرط موافقت با زبان عربی، موافقت با یکی از مصاحف عثمانی و صحیح بودن سند را نداشته باشد؛ اما به این معنی نیست که لزوماً از راویان فرعی و غیر مشهور روایت شده است. بلکه، از مشهورترین قاریان یعنی قراء سبعة هم قرائت‌های شاذ روایت شده است. هرچند این قرائت‌ها اغلب از آن جهت که سند معتبری داشته و با رسم و زبان عربی هم خوانی دارند از سایر قرائت‌های شاذ متمایز می‌شوند. مواجهه غالب مفسران با قرائت‌های شاذ قاریان غیر مشهور مانند هم است و کمتر در تفسیر آیات به آنها توجه می‌کنند. اما در برخورد با قرائت‌های شاذی که از قراء سبعة روایت شده رویکردها یکسان نیست. برخی شاذ بودن را معیار دانسته و به آنها توجه نمی‌کنند. برخی مرتبه قراء سبعة در قرائت را در نظر می‌گیرند و به قرائت‌های شاذشان نیز نظر دارند. عده‌ای هم رویکردی میانه اتخاذ کرده‌اند. فخر رازی از جمله مفسرانی است که در تفسیر آیات نسبت به قرائت‌های شاذ وارده از قراء سبعة اهتمام ویژه‌ای داشته تا جایی که آنها را به شاذ بودن توصیف نکرده و به توصیف آن به غیر مشهور بسنده نموده است. مقاله حاضر بر آن است با مذاقه در تفسیر کبیر، رویکرد فخر رازی به قرائت‌های شاذ روایت شده از قراء سبعة و نحوه استفاده او از این قرائت را در تفسیر آیات، توصیف و تحلیل نماید.

واژگان کلیدی: قرائات شاذ، قراء سبعة، تفسیر، فخر رازی، قرائت مشهور.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران: f_fadiya@yahoo.com.

۲. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران (نویسنده مسؤول): mehdi.afchengi5@yahoo.com.

۳. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران: ebrahim.baghshani@shmu.ac.ir.

۴. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران: mohammadalimir.60@gmail.com.



مقدمه

محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التميمي البكري، مشهور به امام فخر رازی، ابن الخطیب، فخر ابن الخطیب یا فخرالدین در سال ۵۴۴ در ری به دنیا آمد و به آن منسوب است (حموی، ۱۹۵۵: ۲۵۸۵/۶ - ۲۵۸۷؛ ابن خلکان، ۱۳۹۸: ۲۴۸/۴). علوم مقدماتی را نزد پدرش ضیاءالدین عمر بن حسین رازی آموخت و سپس برای کسب دانش، به بسیاری از شهرهای بزرگ آن روز سفر کرد تا این که در علوم زمانه خود چون علوم عقلی، نقلی و لغوی سرآمد اقران شد (قطان، بی تا، ۳۵۷؛ کبیری، ۱۹۹۸: ۵۲). او متکلمی توانمند و سخنوری چیره‌دست بود چنان‌که در میان علماء و فقهاء کسی راپارای مجادله و مناظره با وی نبود. در اصول و کلام، مذهب اشعری و در فروع و فقه، مذهب شافعی داشت (ابن خلکان، ۱۳۹۸: ۲۵۰/۴؛ سبکی، بی تا، ۸۶/۸؛ زرکان، بی تا، ۴۲-۶۱۷).

تفسیر کبیر یا مفاتیح الغیب که از مهم‌ترین تألیفات اوست؛ به علت حجم بالای مطالبش نسبت به کتب دیگر تفسیری، به تفسیر کبیر مشهور شده است. (نوروزی، ۱۴۰۲، ۱۶) فخر رازی به صراحت به انگیزه و هدف خود در نگارش این تفسیر اشاره‌ای نکرده ولی عملاً در جای جای آن، به دفاع از مذهب کلامی ابوالحسن اشعری و رد آرای مخالفان وی، به‌ویژه، معتزله پرداخته است (ذهبی، ۱۴۰۷: ۱/۲۹۴؛ عبدالحمید، ۱۹۷۴: ۶۶/۶۴؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰: ۴/۴۲۸). او تفسیر هر سوره را با ذکر نام آن، محل نزول، تعداد آیات و اقوال مربوط به آن آغاز کرده، سپس با ذکر یک یا دو یا چند آیه از آن سوره، توضیح کوتاهی درباره مناسبت آنها با آیات قبلی داده که این ویژگی از امتیازات بارز این تفسیر است (ایازی، ۱۴۱۴: ۶۵۵)؛ سپس، چنانچه روایت یا حدیثی از پیامبر اکرم، صحابه یا تابعین درباره آیه یا آیات وجود داشته، آنها را بررسی کرده، یا به ذکر مسائلی چون ناسخ و منسوخ یا شرح مصطلحات حدیثی (مانند متواتر و آحاد و جرح و تعدیل) پرداخته، آنگاه آیه یا آیات مورد نظر را به کوچکترین اجزای مفهومی، تجزیه کرده و تحت عناوینی چون مسئله، سؤال، وجه، اقوال، امور و غیره، از ابعاد مختلف کلامی، فلسفی، لغوی، ادبی و فقهی و مانند اینها به بررسی و تفسیر آنها پرداخته و در پایان، نظر خود را بیان نموده است (بی تا، ۱۳۶۷: ۷۹-۸۰).

اما یکی از موارد قابل توجه در تفسیر کبیر فخر رازی توجه ویژه او به قرانات و تأثیر آنها در تفسیر آیات نزد اوست. مسأله وقتی بیشتر جلب توجه می‌کند که رازی فقط به قرانات متواتر و مشهور بسنده نمی‌کند، بلکه قرآنت‌های شاذ هم به همان اندازه در کلام او پررنگ و مورد توجه‌اند. مبحث قرانات به‌ویژه با مطالعات محققان پیشین تفسیر غنی شده است؛ به‌طوری که به سختی می‌توان مفسری را یافت که اهمیتی به ذکر تعداد قابل توجهی از قرآنت‌های مختلف؛ متواتر یا شاذ نداشته باشد و این

همه به دلیل تأثیر بارز آن در آشکارسازی و غنای معانی است؛ لکن -چنانکه بسیاری از علماء ذکر نموده‌اند- آن گونه که متواترها مورد تحقیق و بررسی بوده‌اند قرائت‌های شاذ مورد توجه قرار نگرفته‌اند. حال اگر مفسری به شواذ قرائات در تفسیر آیات چه عقاید، چه احکام و چه سایر آیات اهتمام خاصی داشته باشد و البته برخوردش نسبت به آنها یکسان هم نباشد؛ رویکرد و توجیهات او محمل خوبی برای پژوهش و جستجوی پژوهندگان و مخاطبان خواهد بود. از جمله قرائت‌های شاذ گزارش شده توسط قراء سبعة - نافع، ابن کثیر، ابو عمرو، ابن عامر، عاصم، کسائی و حمزه- است که در موارد متعدد در تفسیر کبیر به آنها توجه شده و مواردی از آن در سطور آتی خواهد آمد. (قاسم نژاد: ۱۴۰۲، ۱۷۷) از آنجا که همیشه از آنها به عنوان راویان متواتر نام برده شده، بدین جهت اذهان از این نوع قرائت‌های گزارش شده بازمانده و از قرائت‌های شاذی که از طرقي غیر طرق روايت مشهور روايت شده، غفلت نموده‌اند. هر قاری دو راوی مشهور دارد که به سبب شهرت برگزیده شده‌اند و البته راویانی هستند که از آنها روايت شده اما مشهور نیستند و روایات آنها به خاطر عدم اختیار و عدم شهرت نزد علمای این فن شاذ شده و از آنچه علماء بر آن توافق نموده‌اند خارج شده‌اند (ابن جزری، ۱۴۲۰: ۲۳-۲۷).

نگارندگان در این مقاله در صدد پاسخگویی به این پرسش‌ها هستند که تعامل فخر رازی با قرائت‌های شاذ وارد شده از قراء سبعة چگونه است و آیا فخر رازی در توجیه معنای تفسیری از این نوع قرائت‌ها استفاده نموده است. اهداف در این پژوهش تبیین روش فخر رازی در تعامل با این نوع از قرائت‌ها و تبیین منزلت قرائت‌های شاذ روايت شده از قراء سبعة از دیگر قرائت‌های متواتر یا شاذ است؛ همچنین حدود اهتمام فخر رازی به این نوع از قرائت‌ها و موضع او در استدلال به این نوع از قرائت‌ها مورد بررسی است. برجسته‌سازی ارزش علمی این نوع قرائت‌ها، به‌ویژه نزد رازی با توجه به شهرت او در امتناع از استناد به شاذ از جمله انگیزه‌ها نزد نگارندگان است؛ زیرا این قرائت‌ها با نزدیک شدن به متواتر بعد از ضعیف و باطل قرار می‌گیرند.

دربارهٔ پیشینهٔ این موضوع باید گفت: علاوه بر مقالاتی چون «الاختلاف فی القراءات القرآنية، عند الرازی فی التفسیر الکبیر و أثره فی توسیع المعنی» اثر سوزان عبدالواحد عبدالجبار و «تحلیل رویکرد فخر رازی در مواجهه با قرلنات در تفسیر مفاتیح الغیب» اثر داود اسماعیلی و نسبی، افراد دیگری نیز در گذشته و حال همچون، سفیان موسی ابراهیم خلیل، عبدالله نمکنانی و ... در تحقیقات خود در قالب رساله، قرائات را به‌طور کلی نزد رازی مورد بررسی قرار داده‌اند و دیگر «القرائن الشاذة الواردة عن القراء العشرة: منزلتها و أثرها فی توجیه المعنی التفسیری و ترجیحه» از بنی‌کنانه است.



مطالعات فوق‌الذکر در مجموع، میان قرائت شاذ روایت شده از قراء سبعة و دیگر قراء تمایز قائل نشده‌اند. تحقیق ما دقیقاً بر نوع مهمی از قرائت‌های شاذ است که از قراء سبعة با این دلیل که در عین حال راوی قرئت‌های متواتر هستند، نقل شده است؛ به همین ترتیب این نوع، اگر نگوئیم همه، با صحت سند متمایز است. با بررسی نمونه‌هایی از این نوع شواذ در تفسیر رازی برای ما معلوم شد که رازی به این قسم اهتمام و برخورد خاصی داشته است. از این جهت پژوهش حاضر به این مهم می‌پردازد. نگارندگان، مقاله‌ای اثری که به‌طور مستقل و هدف‌دار به بررسی تأثیر قرائت‌های شاذ وارده از قراء سبعة در توجیه معنای تفسیری نزد فخررازی پرداخته شده، نیافتند.

الف. قرائت شاذ و انواع آن

اصطلاح شاذ از جمله واژگانی است که به چند معنای لغوی به کار رفته است. در کتاب‌های لغت، معانی متعددی برای این واژه گزارش شده است از جمله: تفرد و جدایی (ابن فارس، ۱۹۷۹: ۱۸۰/۳؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۱۸۶/۱۱؛ زمخشری، ۱۹۷۹: ۳۲۴) غرابت، کمیاب و پراکنده کردن (سیوطی، ۱۹۸۶: ۲۳۳/۱) مخالفت (جرجانی، ۱۹۹۱: ۱۶۴) کم و اندک (آبی‌البقاء، ۱۴۱۲: ۵۲۸). شایان ذکر است که معنای کلمه شاذ با نادر متفاوت است؛ زیرا شاذ در کلام عرب بیشتر به معنای مخالف قیاس و کلمه نادر به معنای اندک استعمال می‌شود (جرجانی، ۱۹۹۱: ۱۶۴). علماء اتفاق‌نظر دارند که شاذ در مقابل قرائت متواتر قرار می‌گیرد. سخاوی می‌گوید: «زمانی که قرآن متواتر است، پس شاذ قرآن نیست از آن جهت که متواتر نیست» (سخاوی، ۱۹۹۹: ۵۷۰/۲). ابن جزری می‌گوید: «هر قرائتی که با عربیت - ولو به وجهی - موافق باشد، و با یکی از مصاحف عثمانی - ولو به احتمال - موافق باشد و اسنادش صحیح باشد، قرائت صحیحی است که رد آن غیر جایز و انکار آن حلال نیست؛ بلکه آن قرائت از حروف هفتگانه‌ای است که قرآن به آنها نازل شده و قبول آنها بر مردم واجب گردیده - خواه از پیشوایان هفتگانه یا دهگانه رسیده باشد یا از غیر ایشان از پیشوایانی که مورد قبول هستند - ولی اگر یکی از شروط سه‌گانه خللی یافت، بر آن قرائت عنوان ضعیف یا شاذ یا باطل اطلاق می‌گردد، هرچند که از پیشوایان هفتگانه و حتی بزرگتر از آنها هم رسیده باشد». (ابن جزری، بی‌تا، ۹/۱) این بدان معناست که گاهی از قراء سبعة قرائت شاذ نیز وارد شده و این چیزی است که ابوشامه به آن اشاره نموده، می‌گوید: «نباید به هر قرائتی که به یکی از پیشوایان هفتگانه نسبت داده می‌شود و عنوان صحت بر آن اطلاق می‌گردد و اینکه چنین نازل شده، فریب خورد، مگر آن که در این ضابطه وارد شود» (ابوشامه، ۱۳۹۵: ۱). به نظر می‌آید ضابطه‌ای که این نوع را مختل نموده؛ عدم رسیدن به درجه تواتر و عدم مقبولیت آن نزد مردم است. از این نظر قرائت‌های شاذ بر حسب نوع شرطی که اختلال ایجاد نموده انوعی دارد که در ادامه ارائه می‌گردد.

انواع قرائت‌های شاذ

بعضی از علمای علم قرائت بر اساس ضوابط سه گانه قرائت معتقدند: قرائت شاذ، قرائتی است که سند آن صحیح و در زبان عربی قابل توجیه، ولی مخالف رسم مصحف باشد. این تعریفی است که ابن جزری (ابن جزری، ۱۴۲۰: ۱۶) و قبل از آن مکی بن ابی طالب القیسی و ابی شامه المقدسی (مکی، ۱۹۷۹: ۳۹؛ ابوشامه، ۱۳۹۵: ۱۷۲) به آن اعتماد کردند. برخی، قرائت شاذی را که با رسم مصحف اختلاف داشته باشد، در زمره قرائت تفسیری دانسته‌اند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷: ۶۴۶/۸؛ مهدوی، ۱۴۱۵: ۸/۱). برخی، بر اساس مصادیق قرائت‌های شاذ، معتقدند قرائت شاذ عبارت است از: قرائتی که فراتر از قرائت‌های دهگانه باشد (قابه، ۱۹۹۹: ۲۰۲). گروهی از علمای فقه و اصول اهل سنت که تواتر را در قرائت‌های سبع خلاصه کردند، غیر از قرائت‌های سبع را، شاذ می‌دانند (نوی، ۱۴۰۳: ۵۰). برخی دیگر هم به حصر تواتر در قرائت‌های عشر و شاذ در قرائت‌های غیر عشر معتقدند (سبکی، بی‌تا، ۲۳۱/۱).

به‌طور کلی قرائت‌های شاذ در میان اندیشمندان، به معنای تخطی از قرائت جمهور (متواتر) است (سخاوی، ۱۹۹۹: ۳۲۲). ابن صلاح معتقد است: قرائت شاذ، قرآن منقولی است که به طریق متواتر و مستفیض که مردم مقبولیت آن را پذیرفتند، نقل نشده باشد (ابوشامه، ۱۳۹۵: ۱۸۴؛ زرکشی، ۱۴۱۰: ۳۳۲/۱). از تعاریف اندیشمندان درباره قرائت شاذ، سه ویژگی فقدان تواتر، عدم استفاضه و مقبولیت بین مردم استخراج می‌شود. این سه ویژگی در تعریف قرائت شاذ را به جمهور علما نسبت می‌دهند (نوی، ۱۴۲۴: ۱۳/۱؛ ابی سهل، ۱۳۷۲: ۲۷۹/۱). بدین ترتیب، در میان تعاریف مختلف علما، آنچه ابن صلاح درباره قرائت شاذ بیان می‌کند، با اندکی اغماض تعریفی است جامع و مانع که به نوعی نقص و ضعف سایر تعاریف‌های قرائت شاذ را رفع می‌کند. تعریف ابن صلاح، بدون اشاره به ضعف سند و یا مخالفت با رسم المصحف، تنها با نفی طریق تواتر در نقل قرائت‌های شاذ، مجموع قرائت‌های شاذ منقول از قراء عشر و غیر عشر را در بر می‌گیرد و وجود قرائت‌های شاذ با سند صحیح و موافق با رسم المصحف را تأیید می‌کند.

با بررسی قرائت‌های مختلف شاذ می‌توان این قرائت‌ها را به سه نوع تقسیم کرد:

قرائات شاذ مشهور: قرائت‌های شاذی که با زبان عربی و رسم مصحف موافقت دارد و سند آن صحیح است، ولی به حد تواتر نرسیده باشد، مانند قرائت پیامبر ﷺ در باره «انفسکم» با فتح فاء در آیه ۱۲۸ سوره توبه (اندلسی، ۱۴۲۰: ۱۱۸/۵؛ دمیاطی، ۱۴۰۷: ۲۴۶).



قرائت شاذ مدرج: قرائت شاذی که به جهت توجیه تفسیری به آیه اضافه شده است؛ مانند قرائت سعد بن ابی وقاص در آیه «لَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ مِنْ أُمِّ» (نساء: ۱۲) (سیوطی، ۱۴۲۱: ۳۶۴/۱) حقیقت این است که برای این نوع قرائت شاذ، وصف قرائت صحیح نیست؛ زیرا جز نوعی تفسیر چیز دیگری نیست (بیلی، بی تا، ۱۱۱).

قرائت شاذ آحاد: این نوع قرئت دو قسم دارد: قسم اول، قرائتی که موافق زبان عربی و رسم مصحف است، ولی سند صحیح ندارد، و قسم دوم، قرائتی است که با زبان عربی موافقت دارد؛ ولی مخالف رسم مصحف است و ممکن است دارای سند صحیح و یا فاقد سند صحیح باشد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷: ۲۹/۹؛ قسطلانی، ۱۹۷۲: ۷۴/۱).

رازی می‌گوید: «برخی از قرائت متواتر است و امت در آن اختلافی ندارند و قرئت به هر یک از آنها جایز است اما گزارش برخی قرائت خبر واحد است؛ در نتیجه پذیرش این که برخی قرائت به خبر واحد رسیده‌اند، مستلزم خروج همه قرآن از قطعیت نیست» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۷۰/۱-۷۱).

از جمله تقسیمات که در بحث ما حائز اهمیت است، مواردی است که دکتر علانی آن را ذکر نموده: او می‌گوید: «در نقد هر قرائت، در می‌یابیم که سه شرط فوق الذکر، قرائت‌های آحاد را از انواع مختلف خاص می‌سازد» از آن جمله:

- آنچه موافق با رسم مصحف و سندش صحیح و موافق با زبان عربی است.
 - آنچه موافق با رسم مصحف و سندش صحیح؛ اما مخالف با زبان عربی است.
 - آنچه مخالف با رسم مصحف و سندش صحیح و موافق با زبان عربی است.
 - آنچه مخالف با رسم مصحف و سندش صحیح و موافق با زبان عربی نیست (علانی، ۲۰۱۴: ۳۷).
- با نگاهی به این اقسام، به نظر می‌رسد، نوع اول؛ همان که موافق با رسم مصحف و سندش صحیح و موافق با زبان عربی است، بر اکثر قرائت‌های شاذی که از قراء سبعه نقل شده است، به جز تعداد اندکی از آنها مصداق دارد. آنچه این قرائت‌ها را در قلمرو شاذ قرار داده، انتخاب و اختیار علمای قرائت است و گرنه اکثر موافق با رسم مصحف هستند و در عربی وجهی دارند (ابن کنانه، ۱۴۳۳: ۲۲-۲۴).

ب. اعتبار قرائت‌های شاذ روایت شده از قراء سبعه

تفاوت اساسی و ظاهری میان قرائت شاذ و قرائت متواتر آن است که متواتر قرآن است؛ اما شاذ به اتفاق به دلیل عدم وجود شرط تواتر در آن، قرآن نیست و این چیزی است که فخر رازی در رد قرائت شاذ به آن استدلال نموده است. وی در مقدمه تفسیر خود قرائت شاذ را مطرح نموده و در رابطه با کاربرد

قرائات شاذ در نماز و غیر نماز رویکردی متفاوت از خود نشان می‌دهد و با وجود این که قرائت قرآن بر اساس قرائت‌های شاذ و نادر را جایز می‌داند اما با این استدلال که این قرائات در شهرت به حد تواتر نرسیده‌اند، آن را جزء قرآن ندانسته و از قرائت آنها در نماز منع می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۷۰/۱، ۳۵۵/۱۱) و بدین جهت عبادت با آن صحیح نیست و هیچ‌گونه اعتبار قرآنی ندارد (ابن جزری، ۱۴۲۰: ۱۹؛ ابن کنانه، ۱۴۳۳: ۹۳). برای اطلاع، قرائتی که در یکی از طبقات متواتر است، سپس در طبقه‌ای که به دنبال آن می‌آید، به خاطر عدم برخورداری بودن از تعداد نقل، آحاد می‌گردد، حکم به شذوذ آن می‌شود. همین‌طور آن قرائت به خاطر عدم شهرتش نزد قراء و عدم اختیار نمودن آن از اجماع خارج می‌گردد. شاید روایات شاذ از قاریان هفتگانه بر این دلالت دارد (ابن جزری، ۱۴۲۰: ۲۳-۲۷؛ مسؤول، ۲۰۰۸: ۵۵؛ ابن کنانه، ۱۴۳۳: ۱۰۶).

ابن کنانه در بحث خود از منزلت قرائت‌های شاذ می‌گوید: «در کشف دلالت‌های آیه، مرتبه قرائت‌های شاذ وارد شده از قراء عشر بعد از قرائت‌های متواتر و قبل از قرائت‌های شاذ دیگر می‌آید» (ابن کنانه، ۱۴۳۳: ۹۸-۱۱۰) یکی از توجیهات او برای این ترتیب آن است که این دسته از قرائت‌های شاذ، صحت زنجیره انتقال را فراهم می‌کند و در این زمینه تأکید کرده است که از آنها پیروی و استناد کرده است، پس معلوم می‌شود که بیشتر با رسم مصحف مطابقت دارد و می‌توان نتیجه گرفت که شامل آنچه قرآن از حیث اعجاز، به‌ویژه اعجاز بیانی در چهارچوب قرآنی انجام می‌دهد می‌شود. (یوسفی، ۱۴۰۰، ۷۵) بنابراین اغلب بدون تغییر کلمه قرآنی به همان معنا می‌آید که در جای خود معجزه است، به‌جز یک تفاوت جزئی در اجرا، که این کلمه ساختار و اهمیت خود را حفظ می‌کند (همان). ابن جنی در محتسب تأکید می‌کند که این نوع قرائت‌ها که از قرائت قراء سبعة به دست آمده، در مورد اعتماد به قاریان آن احاطه شده به روایاتی از پیش و پس است و چه‌بسا آن - یا بسیاری از آن - در فصاحت مورد اتفاق همه است (ابن جنی، ۱۴۲۰: ۳۲-۳۳).

می‌توان نتیجه گرفت که عدم تواتر قرائت شاذ، لزوماً به خودی خود به معنای اشتباه بودن آن نیست. هم‌چنین به این معنا نیست که حق آن را سلب کنیم و نه به این معناست که آن را دست‌کم بگیریم و از آن روی برگردانیم. بلکه باید آن را در جایگاهی که شایسته آن است قرار دهیم و آن را بر دیگر قرائت‌ها برتری دهیم، مخصوصاً اگر بدانیم که از قاریان هفتگانه، توسط راویان معتبر نقل شده است و علاوه بر تأیید رسم مصحف و صحت وجه آن در زبان عربی در کتب شواذ هم بوده و این همان چیزی است که به آن ارزش علمی بالاتر در استعانت گرفتن از آن در تفسیر و تبیین قرآن می‌بخشد.



ج. موضع فخر رازی در حجیت قرائات شاذ و روش ارائه آن

شیوه و رویکرد فخر رازی در ارائه قرائت‌های شاذ بدین شرح است:

۱. روش فخر رازی در ارائه قرائت‌های شاذ

شیوه‌های ارائه فخر رازی در قرائت‌های شاذ وارد شده از قراء سبعه متنوع است. او گاه قرائت را به قاری آن نسبت می‌دهد، بدون آن که به شاذ بودن توجه داشته باشد به طوری که خواننده گمان می‌کند که آن متواتر است و بار دیگر بر دقت می‌افزاید و راوی را ذکر می‌نماید و این راویان مشهور نیستند و بار دیگر قاری را ذکر نمی‌کند و آن را مهمل می‌گذارد و یا آن را به قاریان دیگری نسبت می‌دهد و قاری آن از قراء سبعه را ذکر نمی‌نماید. همچنین او با توصیف قرائت به عدم اشتها اشاره به شاذ بودن آن می‌نماید. شاید در تفسیر طریقه او بتوان گفت که او مقید به یک شیوه نبوده، زیرا کتاب او کتاب تفسیر است. در ادامه به شیوه‌های فخر رازی در ارائه این قرائت‌ها:

نسبت مستقیم قرائت به قاری: مثال: «تَغْفِرُ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ» (بقره: ۵۸) رازی می‌گوید: «در اینجا چند قرئت وجود دارد، اول: ابو عمرو و ابن منادی با نون و کسر فاء قرئت نموده‌اند و دوم: نافع با یاء و فتح آن خوانده است» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵۲۴/۳).

در اینجا نوع قرائت منسوب به نافع مشخص نیست. به طوری که گمان می‌رود این قرائت متواتر است، در حالی که این قرائت شاذ است. این قرائت را ابوخلید و ابن منادی از او روایت کرده‌اند. این قرائت از عاصم نیز به صورت شاذ روایت شده. این قرائت را از او جعفری از ابی بکر روایت کرده است (ابن خالویه، ۱۹۳۴: ۶؛ هذلی، ۱۴۲۸: ۴۸۵؛ کرمانی، بی‌تا، ۶۲).

نسبت قرائت به قاری با ذکر راوی: مثال: «قُلْ أُوْحِي» (جن: ۱) رازی می‌گوید: «مسأله چهارم؛ ایحاء القاء کردن معنا به نفس در خفاء است مانند الهام و فرود آمدن فرشته و آن با سرعت انجام می‌شود. از جمله قول آنهاست و قرائت مشهور اُوْحی با الف است. در روایت یونس و هارون، از ابی عمرو، و حی با ضم و او بدون الف آمده است و آن دو کلمه است گفته می‌شود: «وَحی الیه و اُوْحی الیه» و این کلمه «اُحی» با همز بدون او خوانده شده و اصل آن وحی است پس او به همزه تبدیل شده همان طور که گفته می‌شود: اُعد و اُزن «وَ إِذَا الرُّسُلُ أَقْبَتَتْ» (مرسلات: ۱۱) (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۶۶۶/۳۰) رازی در اینجا، دو راوی را ذکر نموده: یونس و هارون عتکی، آن دو از ابی عمرو روایت کرده‌اند و مشهور نیستند و این قرائت شاذ است (کرمانی، بی‌تا، ۴۸۷؛ ابن خالویه، ۱۹۳۴: ۱۶۲) همان طور که می‌بینیم رازی به توجیه این قرائت پرداخته و به قرائت متواتر در سوره مرسلات استشهاد نموده و این دلالت بر مطابق بودن آن با زبان عربی دارد و همین طور نشان‌دهنده اهتمام رازی به این نوع از قرائت‌های شاذ دارد.

عدم نسبت دادن قرائت به قاری آن از قراء سبعة: مثال: ﴿كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبْدًا﴾ (جن: ۱۹). رازی می‌گوید: قرائت شده «لُبْدًا» به ضم لام و اللَّبْدَةُ در معنای موی یا پشم بر هم نشسته و به هم چسبیده چون نمد است و قرائت شده «لُبْدًا» جمع لَبَد مانند سُجَّد در ساجد. و نیز خوانده شده: «لُبْدًا» به ضم لام و باء جمع لُبُود مانند «صبر جمع صبور» (فخررازی، ۱۴۲۰: ۳۰/۶۷۴).

در اینجا رازی این قرائت‌ها را به کسی منسوب نکرده، به‌طوری که مخاطب سردرگم می‌شود. اما قرائت اول از هشام و متواتر است. رازی قرائت جمهور را که به کسر لام است ذکر نکرده و به شهرت آن اکتفا نموده. اما مورد دوم قرائت شاذ از حسن و جحدری است و مورد سوم شاذ از آن دو از ابی عمرو و ابی حیوة است (اندلسی، ۱۴۲۰: ۱۰/۳۰۱؛ کرمانی، بی‌تا، ۴۸۹).

نسبت قرائت به قاری با توصیف آن به عدم اشتها: رازی در مواردی اندک قرائت را به یکی از قراء سبعة نسبت می‌دهد با ذکر چیزی که دلالت بر شاذ بودن آن دارد. از آن جمله به کارگیری عبارتی مثل «غیر مشهور» است و آن اشاره دارد که این قرائت نزد عامه به درجه مقبولیت و استفاضه نرسیده؛ چیزی که آن را از درجه تواتر خارج می‌سازد اگر چه سند آن صحیح باشد. مثال: ﴿وَرِيشًا وَلِبَاسٌ التَّقْوَى﴾ (اعراف: ۲۶) رازی می‌گوید: بحث دوم: از عاصم روایتی غیر مشهور روایت شده است «و ریشاً» و آن از عثمان نیز روایت شده است و بقیه «و ریشاً» قرائت نموده‌اند. و میان «ریش و ریش» اختلاف نظر دارند. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۴/۲۲۲)

۲. رویکرد فخر رازی در حجیت قرائت‌های شاذ

بحث حجیت قرائت‌های شاذ در میان علماء و مفسران، بحثی پر دامنه و مورد اختلاف است. عموم که در رأس آنها طبری و ابن‌عبدالبر قرار دارند، (محمدی، ۱۴۰۱، ۲۸۹) قرائت شاذ را معتبر و استناد به آن را جایز می‌دانند (ابن‌عبدالبر، ۱۴۲۱: ۲/۳۵؛ ابن‌عبدالبر، ۱۳۸۷: ۴/۲۷۹) آنها قرائت شاذ را جزئی از قرآن و زبان قرآن می‌دانند؛ «اگرچه قرآن بودن آن ثابت نشده اما سنت بودن آن ثابت می‌شود و عمل به آن مانند سایر اخبار آحاد لازم است» (قرطبی، ۱۳۸۴: ۱/۴۷؛ سیوطی، ۱۹۸۶: ۱/۲۱۳؛ ابن‌عمر، ۱۴۰۶: ۱/۹) و این که: روایت منقول به طریق آحاد یا قرآن است و یا خبر، که هر دو موجب عمل می‌گردد؛ زیرا در هر صورت از پیامبر اکرم ﷺ شنیده شده است و از ناحیه او روایت گردیده و حجت است (ابن‌قدامة، ۱۴۰۴: ۶۳) برخی از مفسران به عدم حجیت قرائت‌های شاذ عقیده دارند (نوی، ۱۴۰۷: ۵/۱۳۰؛ آمدی، بی‌تا، ۴/۱۷۰). بعضی از مخالفان حجیت قرائت‌های شاذ می‌گویند: قرائت شاذ روایت تفسیری است که اشتباهاً آن را قرآن تصور کردند و وقتی روشن شد قرآن نیست و روایت



است، اعتباری ندارد (آلوسی، ۱۴۰۲: ۷۶). چنان‌که ابوعبید پیرامون این موضوع معتقد است: مقصود از قرائت شاذ، تفسیر قرائت مشهور و تبیین معانی آن است؛ مانند قرائت عائشه و حفصه از آیه ۲۳۸ سوره بقره: ﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾. «نمازها و نماز میانین را پاس دارید»؛ به صورت «الوسطی صلاة العصر» (ابن‌سلام، بی‌تا، ۱۹۵) و دلیل گروهی دیگر آن است که قرائت‌های شاذ به طریق آحاد نقل شده‌اند. این نظر مورد تأیید امام فخر رازی نیز بوده است. این امر در پاسخ ایشان به کسانی که به قرائت شاذ استناد نموده‌اند در چندین جای از تفسیر وی به وضوح نمایان است: «این قرائت‌ها البته به‌خاطر قرآن نبودن حجت نیستند. زیرا قرآن متواتر است و این قرائت‌ها متواتر نیستند». (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۵۵/۱۱، ۴۲۲/۱۲) ابن عربی المالکی در این مورد با او موافق است. او در تفسیر خود می‌گوید: «بر قرائت شاذ حکم نمی‌شود، زیرا ثابت نشده که اصل است» (ابن عربی، ۱۴۲۴: ۱۱۳/۱).

ابن کنانه، موضع فخر رازی در مورد استناد به قرائت‌های شاذ در تفسیر را به تفصیل بیان می‌کند ایشان آنچه را که از قراء عشر وارد شده بر می‌شمارد با این وجود می‌گوید قرائت‌های شاذ حجیت ندارد. اما در جنبه کاربردی تفسیر خود از آن برای توجیه معنای تفسیری و غنای معنایی استفاده می‌کند. این را با دو تعبیر تفسیر نموده است: «اول این که وی قصد نداشته است قرائت‌های شاذی را که سلسله نقل آنها بدون تواتر با مطابقت با رسم و زبان صحیح است را به‌دلیل عدم حجیت درج کند که از جمله شواذ قراء عشر است؛ ثانیاً او به این نکته توجه نکرده است که ممکن است از قراء عشر مطلبی نقل شود که متواتر نیست» (ابن کنانه، ۱۴۳۳: ۱۱۹) در مورد احتمال اول، او استناد نمودن به قرائت شاذ بدون تمایز بین آنها از نظر سلسله نقل یا انتساب به یکی از قراء عشر را رد نموده است. وی امتناع از استناد به آن را این‌گونه توجیه کرده که به‌دلیل عدم تواتر آن، اصلاً از جنس قرآن منسوب نمی‌شود و اما احتمال دوم، مربوط به عدم اطلاع وی از وجود قرائات قراء عشر، بعید به نظر می‌رسد زیرا رازی در واقع قرائت‌های شاذ منسوب به آنها و راویان را از آنها ذکر کرده و در عین حال هشدار داده است که این قرائت‌ها از آنها شناخته شده نیست (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۲۲/۱۴). هم‌چنین آگاهی گسترده رازی از قرائت‌ها، خلاف این احتمال را ثابت می‌کند.

مطالبی که ابن کنانه، در مورد رویکرد رازی ذکر کرده، بیانگر آن است که بدون شک رازی با قرائت‌های شاذ به یک صورت برخورد نکرده است؛ بلکه موضع ایشان نیاز به تفصیل دارد و از یک طرف اعلام می‌کند که این قرائت‌ها اصلاً حجیت ندارند (همان: ۴۲۲/۱۲ و ۳۵۵/۱۱) و از سوی دیگر، در می‌یابیم که او به هیچ وجه از آن برای توجیه معنای تفسیری در قرائت متواتر و تأیید آن خودداری نمی‌کند (همان: ۲۹۷/۵ و ۴۸/۷ و ۲۲۶/۱۷ و ۳۴۹/۲۳ و ۱۳/۱۶ و ۲۱۹/۱۷) یا آن را در ضمن ادله برای ترجیح میان اقوال قرار می‌دهد (همان، ۲۹۷/۵).

لازم است در اینجا به توضیح ماهیت این استناد بپردازیم که آیا استناد به قرائت شاذ - از جمله قرائت‌های شاذ وارد شده از قراء سبعة - به عنوان دلیل مستقل است یا صرفاً استفاده از آنها به عنوان دلیل برای استنباط است؟

و برای هم‌سویی این دو جنبه، به نظر می‌رسد رازی از استناد به قرائت‌های شاذ در تفسیر خودداری کرده است و از جمله ادله او در این مورد آن است که آن قرآن نیست؛ زیرا اگر قرآن می‌بود تواتر آن ثابت می‌شد. هم‌چنین او استناد به آن را ایراد به قطعیت قرآن می‌داند با این دلیل که در زمان او فرقه‌های متعددی که قرآن و تواتر آن را به چالش می‌کشیدند، شناخته شده بود» (همان: ۳۵۵/۱۱). از سوی دیگر به قرائت شاذ عنایت داشته و از بهره‌مندی کامل از آن غافل نبوده است؛ بدین جهت می‌بینیم که آن را در تفسیر خود به کار برده است و این نشان از ارزش علمی آن نزد او دارد.

از این رو شاید بتوان گفت از آن به عنوان دلیل مستقلی که دارای آثار ادله معلوم باشد به آن استناد نکرده است بلکه در بیان، توضیح و تأکید از آن استفاده کرده و آن را در توجیه معنای تفسیری به کار برده و یا ترجیح میان اقوال مختلف برای تقویت استدلال است (نعمانی، ۱۹۹۸: ۳۶۰/۳-۳۶۱). لذا غالباً پس از اقامه شواهد محکم برای صحیح‌ترین مکتب فکری به زعم خود به آن اشاره می‌کند. و اگر در آن منافاتی با مکتب خود یا مخالفت با قرائن قرئت متواتر ببیند به گونه‌ای که جمع آنها به هیچ وجه ممکن نباشد یا در آن قاعده و حکم جدیدی ایجاد شود، آن را رد و تضعیف می‌کند. زیرا قرائت شاذ به گفته او نه آن قدر قوی است که با قرئت متواتر مخالفت کند و نه می‌تواند حکم جدیدی را ایجاد کند و این همان چیزی است که زرکشی مکتب شافعی را در استدلال به بعضی از قرائت‌های شاذ جدا کرده است (زرکشی، ۱۴۱۴: ۲۲۵/۲-۲۲۶).

د. فخر رازی و قرائت‌های شاذ در توجیه معنای تفسیری

۱. «تَغْفِرُ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ» (بقره: ۵۸)

رازی می‌گوید: اختلاف قرائات «در نغفر» است. چه ابوعمر و ابن منادی به نون و کسر فاء خوانده‌اند و نافع به یاء و فتح آن خواند «يَغْفِرُ»؛ بقیه قاریان مدنی و جبّله از مفضّل به تاء و ضمّ و فتح فاء خواندند «تَغْفِرُ»؛ و حسن و قتاده و ابو حنیفه و جحدری به یاء و ضمّ اول و فتح فاء خواندند «يُغْفِرُ». قفال می‌گوید: در همه این قرائت‌ها معنا یکی است. زیرا وقتی خدای تعالی از گناه درگذرد بخشوده می‌شود و چون بخشوده شود خدایش می‌بخشد و نیز هر گاه اسم مؤنث مقدم باشد و میان آن و فاعل



حایلی بوده باشد تذکیر و تأنیث در آن جایز است چنان‌که می‌گوید: «وَ أَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ» (هود/۶۷) و مراد از خطیئه جنس است نه یک خطیئه. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۵۲۴/۳)

رازی در تفسیر آیه از قول قتال استعانت نموده که؛ در همه این قرائت‌ها معنا یکی است. ضمیر در اینجا به الله عزوجل بر می‌گردد و فرق نمی‌کند که فعل معلوم باشد یا مجهول. زیرا آموزش مختص خداوند عزوجل است. رازی در اینجا در تعامل با آن بر اساس قاعده: «الاصل توافق القراءات فی المعنی» به پیش می‌رود. (رومی، ۱۴۳۱: ۴۷۶/۲)

۲. «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» (بقره: ۱۹۶)

در این آیه رازی برای دفع تعارض میان قرلنت‌ها طبق قاعده «الاصل توافق القرلنات فی المعنی» عمل نموده. رازی در جایی از تفسیرش به تأویل معنای قرلنت شاذ «والعمره لله» به رفع می‌پردازد، می‌گوید: اگر گویند: «والعمره لله» به رفع خولندند، دلالت بر این می‌کند که آنها قصد خارج کردن عمره از حکم حج در وجوب داشته‌اند، گوئیم: این از چند جهت پذیرفتنی نیست: یکی این است که این قرائت شاذ است پس نمی‌تواند با قرائت متواتر «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» (بقره/۱۹۶) معارضه کند و دومی این است که در آن از لحاظ عربیت ضعفی هست، زیرا در این صورت اقتضای عطف جمله اسمیه بر جمله فعلیه می‌کند، سومی این است که چون می‌گوید «والعمره لله» معنای آن این است که عمره عبادت خدای تعالی است و تنها عبادت خدا بودن آن منافی در وجوب آن نیست و اگر نه میان مدلول دو قرائت تعارض واقع می‌شود و آن جایز نیست. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۹۷/۵)

اینجا قرائت شاذ را در معنایی به کار گرفته که فکر می‌کند قرائت متواتر به آن می‌انجامد و آن وجوب عمره است و این دفاع از مذهب در قول وجوب عمره است. زمخشری می‌گوید قرائت شاذ ذکر شده دلالت بر وجوب عمره نمی‌کند. فقط دلالت بر خروج عمره از حکم حج می‌نماید که وجوب است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۳۹/۱) آلوسی نیز استناد به قرائت متواتر را برای اثبات وجوب عمره نافذ نمی‌داند و می‌گوید آیه برای شافعیان و موافقان با آنها حجت نیست. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۴۷۶/۱)

به نظر می‌رسد رازی در تفسیر معنای قرائت شاذ به تکلف عمل نموده است. پس تغایر در حرکت اعراب میان رفع و نصب دلالت بر اختلاف عامل و به دنبال آن اختلاف در معنا می‌کند. و تقدیر معنا این است که عمره عبادت خداست و واجب می‌کند عمره مامور بها باشد، تکلف در آن واضح است شرع امر به عبادت‌های متنوع واجب و غیر آن را نموده است. بنابر این روشن است که انگیزه این تعبیر تعصب و جانبداری از مذهب است.

۳. «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ» (نور: ۵۴)

فخررازی در تفسیر این آیه می‌گوید: بدان که خدای تعالی کلام را به طریقه التفات از غیب به خطاب برگردانده و آن در نکوهش نمودن آنها اگر از اطاعت خدا و رسولش روی برگردانند، بلیغ‌تر است. زیرا رسول فقط مسئول آن چیزی است که از ابلاغ رسالت به عهده‌اش گذاشته شده و بر شما نیز آن تکلیفی است که به عهده شما گذاشته شده است. از نافع روایت شده که او قرائت نموده: «فَأِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ» با فتح حاء و تخفیف «حُمِّلَ» یعنی به خاطر معصیت و نافرمانی مرتکب گناه شده است. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۴۱۲/۲۴)

رازی در اینجا یک قرائت را ذکر کرده و آن قرائت شاذ از نافع است. در منابع، به جز کرمانی کسی آن را ذکر ننموده. (کرمانی، بی‌تا، ۳۴۵) رازی از ذکر قرائت جمهور به ضم حاء و تشدید میم صرف نظر کرده و به شهرت آن بسنده نموده و معنای آیه را طبق قرائت متواتر، بعد از آن طبق قرائت شاذ بیان کرده است. شاید این تفرد در ذکر این قرائت و توجیه معنای آن، حاکی از اهتمام به قرائت‌های شاذ وارده از قراء سبعة باشد. معنای قرائت متواتر «حُمِّلَ» با تشدید میم از تحمیل و در اینجا به معنای تکلیف است. پس پیامبر ﷺ مکلف به حمل رسالت و ابلاغ آن به مردم شده و بدین جهت خدای تعالی در آخر آیه فرموده است: «وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» و بر پیروان تکلیف سمع و اطاعت است. در این مورد بسیاری از مفسرین مثل ابن عطیه، قرطبی و ابن عاشور با او اتفاق نظر دارند. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۱۹۲/۴؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۲۹۶/۱۲؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۲۸۰/۱۸) اما معنی قرائت شاذ رازی در این مورد منحصر به اوست. در ذکر این قرائت از مفسرین و شرح آن چیزی یافت نشد. به نظر می‌رسد که معنای این دو قرائت با هم موافق نیستند، اما منافاتی ندارند. لذا رازی معنای قرائت شاذ را رد نکرده و به توجیه آن اهتمام داشته است.

۴. «أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ، إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (قلم: ۱۴ و ۱۵)

در بیان مقصود رازی می‌گوید در اینجا دو مسأله است: اول؛ بدان که قول: (أَنْ كَانَ) جایز است که متعلق به ماقبل و همین‌طور متعلق به مابعد باشد. اما اول؛ تقدیر آن، این است: (و لا تطع كل حلاف مهين أن كان ذامال و بنين)، یعنی با این عیوب به خاطر توانگری و اولادش از او فرمانبرداری نکن. اما دوم: تقدیر آن، این است: «لِأَجْلِ أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ، إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ: أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» مقصود آن است که در قبال نعمت‌ها - مال و فرزندان - که به او داده شد به آیاتش کفر ورزید تا آنجا که می‌گوید: «أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ» در تقدیر است: «لَنْه جحد آياتنا، أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ أَوْ كُفْر بآياتنا، لِأَنَّ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ» (فخررازی، ۱۴۲۰: ۶۰۵/۳۰).



بعد از آن، تبیین آیه را طبق قرائات وارده دنبال می‌کند و می‌گوید: مسأله دوم: قرائت شده؛ (أَنَّ كَان) بنابر این که استفهام باشد و تقدیر این است: أَلَا كَانَ ذَا مَالٍ كَذِب، یا در تقدیر است: أَتَطِيعُهُ لِأَنَّ كَانَ ذَا مَالٍ. زهری از نافع روایت کرده است: (إِنْ كَان) با کسر و شرط برای مخاطب است. یعنی از هر فرومایه که بسیار سوگند یاد می‌کند به خاطر توانگری اش اطاعت نکن. زیرا اگر کافر را به خاطر توانگری فرمانبرداری کند پس گویا توانگری را شرط فرمانبرداری دانسته و نظیر بازگرداندن شرط به مخاطب، بازگرداندن ترجی و اشفاق به آن است در قول: ﴿لَعَلَّه يَتَذَكَّرُ﴾. (طه/۴۴) (فخررازی، ۱۴۲۰: ۶۰۵/۳۰-۶۰۶) قرائات وارده در اینجا عبارتند از:

اول: با یک همزه بنابر این که خبر باشد. قرائت متواتر است و آن قرائت نافع، ابوعمر، کسائی، خلف و حفص است و آن قرائتی است که رازی آیه را به آن تفسیر کرده و به متواتر بودن آن تصریح نموده و اکتفا به شهرت قرائت کرده است.

دوم: با دو همزه، بنابر این که استفهام باشد. قرائت متواتر است و رازی آن را به کسی منسوب نموده و آن قرائت ابن عامر، حمزه، ابوبکر از عاصم است (خیاط، ۱۴۳۳: ۲۶۹/۱؛ قاضی، ۱۴۳۴: ۸۰). سوم: با یک همزه مکسور، بنابر این که شرط باشد و آن قرائت شاذ از نافع است (ابن خالویه، ۱۹۳۴: ۱۵۹).

در اینجا رازی به شذوذ آن اشاره نکرده، بلکه در مقابل عنایت خود به توجیه دو قرئت متواتر، به کارگردانی قرائت شاذ اهمیت داده است و شاید این امر اهمیت قرائت شاذ را در جهت دهی معنای تفسیری به خوبی تأیید می‌کند؛ زیرا در تبیین و بسط، معنا را افزایش داده است. هم‌چنین معانی این قرائت‌ها که رازی تفسیر نموده، از جمله قرائت شاذی که از نافع نقل شده، در یک جهت می‌باشد و برای این است که شخصیت و اوصاف حالات این فرد را آشکار سازد به طوری که پیامبر ﷺ نسبت به آن هشدار می‌دهد.

قابل توجه در تمام این قرائت‌ها، متفاوت بودن شکل و صیغه‌های آنها در ادای معانی است و این تفاوت در تنوع است نه در تضاد. رازی در اینجا، در تعامل با قرائت شاذ نیز بر اساس قاعده: «الاصل توافق القرائات فی المعنی» پیش می‌رود (رومی، ۱۴۳۱: ۴۷۶/۲) بنابراین نزد او قرائت شاذ تا زمانی که منافاتی با قرائت متواتر نداشته باشد، بهره بردن از آن در تبیین معنا اشکالی ندارد. در عین حال در این مثال می‌بینیم که او برای توجیه معنای قرائت شاذ به قرائت متواتر استناد کرده است تا بر صحت معنای آن دلالت نماید و این ارزش علمی این نوع قرائت‌ها در جهت دادن به معنای تفسیری نزد وی را تبیین می‌نماید.

۵. «وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا» (انسان: ۲۰)

رازی از قرائت‌های شاذ در مسائل اعتقادی نیز استعانت نموده است. از آن جمله اثبات رؤیت خداوند عزوجل در روز قیامت است. رازی برای اثبات آن به دلایلی از جمله آیه مذکور استناد نموده است: حجت ششم: تمسک به قول خدای تعالی «وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا» (انسان: ۲۰) است. یکی از قرائت‌ها در این آیه «ملکا» به فتح میم و کسر لام است و مسلمین اجماع دارند که آن ملک جز خدای تعالی نیست. نزد من تمسک به این آیه از تمسک به غیر آن قوی‌تر است (فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۰۳/۱۳؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۳۶۶/۱۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۷۸/۱۵).

قرائت متواتر در این آیه «مُلْکًا» به ضم میم و سکون لام است. اما رازی نه نوع و نه نسبت قرائت به فتح میم و کسر لام را مشخص ننموده. چیزی که مخاطب را دچار سردرگمی می‌کند. این قرائت شاذ است و از یعلی بن حکیم از ابن‌کثیر و ابی جعفر روایت شده است. (هذلی، ۱۴۲۸: ۵۵۱؛ کرمانی، بی‌تا، ۴۹۵)

رازی معنای تبیینی آیه شریفه را با توجه به آنچه موافق مکتب خود در اثبات رویت خداوند باری تعالی در روز قیامت است، جهت می‌دهد. (عبدالجبار، ۱۹۹۸: ۷۳) او در اثبات رؤیت - باور مذهبی خود- استناد به قرائت شاذ وارده از ابن‌کثیر نموده است. وی در تبیین، بر خلاف موضع‌گیری خود در امتناع از استناد به قرائت شاذ عمل نموده و این امر به منزله اعتراف به قرآن بودن آن و طعن در تواتر قرآن است. در تفسیر این عمل می‌توان گفت که وی طبق قواعد تفسیری پیش می‌رود؛ قاعده: «القراءات یبین بعضها بعضاً» (سبت، ۱۴۳۱: ۹۰/۱) و قاعده: «یعمل بالقراءة اذا صح سندھا تنزیلاً لها منزلة خبر الواحد» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۰۴/۱۰).

روشن است که این قرائت شاذ با رسم مصحف و زبان عربی موافق است با توجه به آن که سندش نیز صحیح است، اما شذوذ آن ناشی از عدم تواتر و شهرت آن است و این چیزی است که آن را بر دیگر شواهد برتری داده. شاید همین امر موجب شده، رازی استدلال خود را تقویت نموده و آن را به صورت صریح در میان ادله قرار دهد. به همین ترتیب اگر به محل این استدلال نگاه کنیم، با استدلال‌های دیگری احاطه شده است.

وی طبق عادت در حین استنباط یک مسأله با استدلال به قرائت‌های شاذ، همان‌طور که در حجیت قرائت‌های شاذ بیان شد، آن را به‌عنوان دلیل مستقل در ارائه حکم ذکر نمی‌کند بلکه آن را خصوصاً جهت تقویت استدلال، زمانی که موافق با قرائت متواتر و یا موافق با مذهب خود باشد بیان می‌کند.



همچنین در اقامه این استدلال، برهان بودن آیه را شرط کرده و به قرائت موجود در این مورد تصریح نکرده است و نحوه ذکر آن برای قرائت، توجیهی برای تفسیر معنای آیه است. در مقایسه قول رازی با آنچه اکثر مفسران ذکر کرده‌اند روشن می‌شود که وی آیه را بر اساس قرائت شاذ تفسیر نموده است. بنابر این امر رؤیت باری تعالی موافق با باور مذهبی فخررازی است و بدون شک این امر در جهت دادن به معنای آیه دلبخواه است.

قابل توجه در پایان آنچه در این مصادیق از قرائت‌های شاذ نقل وارده از قراء سبعة ذکر کردیم، این است که آنها با رسم مصحف موافقند و از نظر سند، صحیح و اکثر موافق با زبان عربی هستند و رازی آنها را تنها به شاذ توصیف نموده، بلکه، برخی از آنها را به غیر مشهور توصیف کرده است و گاهی آن را با نسبت دادن به راوی غیر مشهور از قراء سبعة بسنده می‌کند و گاهی آن را به چیزی توصیف نمی‌کند و آن را مطلق رها می‌کند به طوری که مخاطب گمان می‌برد که قرئت متواتر است. همین‌طور در اینجا متذکر می‌شویم که بیشتر معانی آنها با معانی قرائت‌های متواتر در تضاد نبوده است از این جهت در توجیه آنها و بیان تأثیر آنها به ویژه اگر با معنای قرائات متواتر یا مذهب وی موافق بوده‌اند عنایت داشته. این از دیدگاه نگارندگان دلیلی محکم بر ارزش علمی قرائت‌های شاذ نقل شده از قراء سبعة است، بنابراین در توجیه معنای تفسیری رازی تأثیر بسزایی داشته است.

نتیجه‌گیری

۱. رازی از استناد به قرائت‌های شاذ به این دلیل که این قرائت‌ها خود دلیلی مستقل هستند خودداری می‌کند؛ اما از طرفی آن را به عنوان تأیید برای استدلال به کار می‌برد. همین‌طور در توجیه معنای تفسیری از آن بهره می‌برد، به ویژه اگر با معنای قرائت متواتر موافق باشد یا آن عقیده را تأیید کند.
 ۲. در بعضی مواقع رازی، این نوع از قرائت‌های شاذ را به غیر مشهور توصیف کرده و بسیاری مواقع در بیان نوع آن سکوت اختیار نموده است. با این حال به ویژه هنگامی که قرائت را به قاری آن نسبت می‌دهد آن را توصیف به شاذ نمی‌کند، به طوری که ممکن است به تواتر آن گمان رود و این همان چیزی است که به نظر ما نشان می‌دهد این قرائت از باقی قرائت‌های شاذ متمایز بوده است.
 ۳. رازی از این نوع قرئت‌ها در توجیه معنای تفسیری کمک گرفته و طبق قواعد تفسیر مقرر در زمینه قرائات برخورد نموده است مانند قاعده: «القرائات یبین بعضها بعضا» و قاعده: «یعمل بالقراءة الشاذة اذا صح سندھا تنزیلا لها منزلة خبر الواحد». و قاعده: «الاصل توافق القراءات فی المعنی».
- قرائت‌های شاذ وارد شده از قراء سبعة اغلب از دیگر قرائت‌های شاذ با صحت سند، موافق بودن با رسم مصحف و وجه عربی متمایز می‌شوند، از این رو توجه رازی را به خود جلب نموده و در توجیه معنای تفسیری او تأثیر برجسته‌ای داشته است.



فهرست منابع

١. قرآن کریم، ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای، ایران، تهران: آثار برتر، ۱۳۸۸ش.
٢. آلوسی، شهاب الدین، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
٣. آلوسی، محمود شکر، اتحاف الأمجاد فی ما یصح به الإستشهاد، عراق: احیاء التراث الإسلامی، ۱۴۰۲ق.
٤. آمدی، سیف الدین علی بن أبی علی بن محمد، الإحكام فی أصول الأحكام، بی‌جا، دارالحديث، بی‌تا.
٥. ابن جزری، ابوالخیر محمد بن محمد، النشر فی القراءات العشر، تحقیق: علی محمد الضباع، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
٦. ابن جزری، منجد المقرئین و مرشد الطالبین، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
٧. ابن جنّی، ابوالفتح عثمان، المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القراءات و الايضاح عنها، تحقیق: علی النجدی ناصف و آخرون، قاهره، ۱۴۲۰ق.
٨. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، دارالكتاب العربی، بیروت: ۱۴۲۲ق.
٩. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، بیروت، بی‌نا، ۱۳۹۰ش.
١٠. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، تصحیح: محب الدین خطیب، دارالریان للتراث، ۱۴۰۷ق.
١١. ابن خالویه، مختصر فی شواذ القرآن من کتاب البدیع، مصر: المطبعة الرحمانية، ۱۹۳۴م.
١٢. ابن خلکان، وفيات الأعیان و أنباء أنباء الزمان، تحقیق: احسان بن عباس، بیروت: دارصادر، ۱۳۹۸ش.
١٣. ابن سلام، أبی عبید القاسم، فضائل القرآن و معالمه و آدابه، تحقیق: احمد خیاطی، دراسات الإسلامی، بی‌تا.
١٤. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستذکار، تحقیق: سالم محمد عطا، محمد علی معوض، لبنان، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
١٥. ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله، التمهید لما فی الموطأ من المعانی و الأسانید، تحقیق: مصطفى بن أحمد و غیره، المغرب، وزارة عموم الأوقاف و الشؤون الاسلامیه، ۱۳۸۷ش.



۱۶. ابن عمر، عبدالقادر، خزانة الأدب و لب لسان العرب، تحقيق: عبدالسلام هارون، مكتبة الخانجي، ۱۴۰۶ق.
۱۷. ابن عاشور، محمد الطاهر، التحرير و التنوير، تونس، الدار التونسية، ۱۹۸۴م.
۱۸. ابن عربي، ابوبكر، أحكام القرآن، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا، لبنان، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۲۴ق.
۱۹. ابن عطية، أبو محمد، المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، تحقيق: عبدالسلام عبدالشافى محمد، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۲۲ق.
۲۰. ابن فارس، أحمد، معجم مقاييس اللغة، تحقيق: عبد السلام محمد هارون، دارالفكر، ۱۹۷۹م.
۲۱. ابن قدامة مقدسى، محمد بن احمد، روضة الناظر و جنة المناظر، الرياض: مكتبة المعارف، ۱۴۰۴ق.
۲۲. ابن كنانة، مجتبى محمود عقله، القراءات الشاذة الواردة عن القراء العشرة منزلتها و أثرها في توجيه المعنى التفسيري و ترجيحه، رسالة دكتوراه، إشراف: عبدالله أبو السعود بدر ياسين، اردن: جامعة اليرموك، ۱۴۳۳ق.
۲۳. ازهرى، محمد بن أحمد، تهذيب اللغة، دار إحياء التراث العربى، بيروت: لبنان، ۱۴۲۱ق.
۲۴. اندلسى ابوحيان، محمد بن يوسف، البحر المحيط فى التفسير، تحقيق: محمد جميل صدقى، بيروت: دارالفكر، ۱۴۲۰ق.
۲۵. ايازى، محمدعلى، المفسرون حياتهم و منهجهم، تهران، بى نا، ۱۴۱۴ق.
۲۶. ابوشامه، شهاب الدين، المرشد الوجيز، تحقيق: طيار آلتي قولاج، بيروت: دار صادر، ۱۳۹۵ش.
۲۷. أبى البقاء، أيوب بن موسى الحسينى، الكليات معجم فى المصطلحات و الفروق اللغوية، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۲ق.
۲۸. ابى سهل، محمد بن احمد، اصول السرخسى، لجنة إحياء المعارف النعمانية حيدرآباد، ۱۳۷۲ق.
۲۹. بيللى، احمد، الاختلاف بين القرائت، بيروت: دارالجيل، بى تا.
۳۰. ثعلبى، أبواسحاق، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، تحقيق: الإمام ابى محمد بن عاشور، لبنان، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۴۲۲ق.
۳۱. جرجانى، على بن محمد، التعريفات، قاهره: دارالكتاب المصرى، بيروت: دارالكتاب اللبنانى، ۱۹۹۱م.



٣٢. حموى، ياقوت، معجم البلدان، بيروت: دار صادر، ١٩٥٥م.
٣٣. خطيب، عبداللطيف، معجم القراءات، القاهرة، دار سعدالدين، بى.تا.
٣٤. خياط، سبط، المبهج فى القراءات الثمان، تحقيق: خالدحسن أبو الجواد، مصر، قاهره: دار عباد الرحمن، ١٤٣٣ق.
٣٥. دمياطى، احمد بن محمد، اتحاف فضلاء البشر فى القراءات الأربعة عشر، تحقيق: محمد اسماعيل شعبان، بيروت: مكتبة الكليات الأزهرية، ١٤٠٧ق.
٣٦. ذهبى محمد حسين، التفسير و المفسرون، بيروت: ١٤٠٧ق.
٣٧. رومى، عبدالله، دراسات فى قواعد الترجيح المتعلقة بالنص القرآنى فى ضوء ترجيحات الرازى، السعودية، الرياض، دارالتدريسة، ١٤٣١ق.
٣٨. زركان، محمد صالح، فخرالدين الرازى و آراؤه الكلامية و الفلسفية، دارالفكر، بى.تا.
٣٩. زركشى، بدرالدين، البحر المحيط فى اصول الفقه، دارالكتبى، ١٤١٤ق.
٤٠. زركشى، بدرالدين، البرهان فى علوم القرآن، بيروت: دارالمعرفة، ١٤١٠ق.
٤١. زمخشري، جارالله، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت: دارالكتاب العربى، ١٤٠٧ق.
٤٢. زمخشري، جارالله، اساس البلاغة، بيروت: دار صادر، ١٩٧٩م.
٤٣. سبكى، تاج الدين، طبقات الشافعية الكبرى، تحقيق: عبدالفتاح محمد الحلو وغيره، دار إحياء الكتب العربية، بى.تا.
٤٤. سبت، خالد بن عثمان، قواعد التفسير جمعا و دراسة، دار ابن عفان، ١٤٣١ق.
٤٥. سخاوى، علم الدين، جمال القراء و كمال الإقراء، تحقيق: عبدالحق عبدالدايم سيف القاضي، بيروت: مؤسسة الكتب الثقافية، ١٩٩٩م.
٤٦. سيوطى، جلال الدين، الدر المنثور فى تفسير المأثور، قم: كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، ١٤٠٤ق.
٤٧. سيوطى، الاتقان فى علوم القرآن، بيروت: دار الكتاب العربى، ١٤٢١ق.
٤٨. سيوطى، المزهرة فى علوم اللغة و أنواعها، بيروت: مكتبة العصريه صيدا، ١٩٨٦م.
٤٩. بى.نا، شناسايى برخى از تفاسير عامه، حوزه علميه، سال پنجم، شماره ٤، ١٣٦٧ش.
٥٠. طبرى، أبو جعفر محمد بن جرير، جامع البيان فى تفسير القرآن، تحقيق: أحمد محمد شاكر، مؤسسة الرسالة، ١٤٢٠ق.



۵۱. عبد الجبار، القاضي، الأصول الخمسة، تحقيق: فيصل بدير عون، جامعة الكويت، ۱۹۹۸م.
۵۲. عبد الحميد، محسن، الرازي مفسراً، بغداد، ۱۹۷۴م.
۵۳. عكبري، أبوالبقاء، إعراب القراءات الشواذ، لبنان، بيروت: عالم الكتب، ۱۴۱۷ق.
۵۴. علاني، محمد الحبيب، أثر قراءات الصحابة في تفسير القرآن الكريم تفسير القرطبي نموذجاً، تونس: دار سحنون، ۲۰۱۴م.
۵۵. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسير الكبير، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۲۰ق.
۵۶. قابه، عبد الحليم بن محمد الهادي، القرائات القرآنية، بيروت: دار الغرب الاسلامي، ۱۹۹۹م.
۵۷. قاضي، عبد الفتاح، الوافي في شرح الشاطبية، مصر، القاهرة: دارالسلام، ۱۴۳۴ق.
۵۸. قاسم نژاد، زهرا. و تنافرد، ساره. (۱۴۰۲). تحليل تحول دیدگاه دانشمندان شیعه در تواتر قرائات. مطالعات قرائت قرآن، ۱۱(۲۰)، ۱۷۷-۲۰۲. doi: 10.22034/qer.2023.8457
۵۹. قرطبي، شمس الدين، الجامع الأحكام القرآن، تحقيق: أحمد البردوني وغيره، القاهرة: دارالكتب المصرية، ۱۳۸۴ش.
۶۰. قسطلاني، شهاب الدين أبي العباس أحمد بن محمد، لطائف الإشارات لفنون القرائات، تحقيق: عامر سعيد وعبد الصبور شاهين، القاهرة: المجلس الأعلى للشؤون الإسلامية لجنة إحياء التراث الاسلامي، ۱۹۷۲م.
۶۱. قطان، مناع، مباحث في علوم القرآن، القاهرة: مكتبة وهبة، بی تا.
۶۲. کبیسى، عیادة بن آیوب، شبهات حول تفسير الرازی عرض و مناقشة، الإمارات العربية المتحدة، مجلة كلية الدراسات الإسلامية والعربية، ۱۹۹۸م.
۶۳. کرمانی، رضی الدین، شواذ القراءة و اختلاف المصاحف، تحقيق: شمران العجلی، لبنان، بيروت: مؤسسة البلاغ، بی تا.
۶۴. محمدی، محمد حسین، اخلاقی، محمد یحیی، & امینی تهرانی، محمد. (۱۴۰۱). قرائات و حجیت آن از منظر ابوجعفر طبری و امین الاسلام طبرسی. مطالعات قرلئت قرآن، ۱۰(۱۹)، ۲۸۹-۳۱۱. doi: 10.22034/qer.2023.7598
۶۵. مسؤول، عبد العلی، القراءات الشاذة ضوابطها و الاحتجاج بها فی الفقه و العربية، القاهرة، مصر: دار ابن عفان، ۲۰۰۸م.
۶۶. مکى بن ابی طالب القیسى، الإبلنه عن معانى القرائات، تحقيق: محمد محى الدين رمضان، دار الأمان للتراث، ۱۹۷۹م.



٦٧. مهدوی، أبو العباس احمد بن عمار، شرح الهدایة، ریاض: مکتبة الرشد، ١٤١٥ق.
٦٨. نعمانی، سراج الدین، اللباب فی علوم الکتاب، تحقیق: الشیخ عادل احمد عبدالموجود و غیره، لبنان، بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٩٩٨م.
٦٩. نووی، یحیی بن شرف، التبیان فی آداب حملة القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤٠٣ق.
٧٠. نوروزی، مجتبی، کیهانی، محمدعلی. (١٤٠٢). بررسی تطبیقی عصمت حضرت آدم (ع) از دیدگاه آیت الله جوادی آملی و فخر رازی. مطالعات تفسیر تطبیقی، ٨(٢)، - . doi: 10.22034/csq.2023.190665
٧١. نووی، یحیی بن شرف، صحیح مسلم بشرح النووی، لبنان: دارالکتب العربی، ١٤٠٧ق.
٧٢. نویری، محمد بن محمد، شرح طیه النشر فی القرائات العشر، دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون، ١٤٢٤ق.
٧٣. هذلی، یوسف بن جبارة، الکامل فی قراءات و الأربعین الزائدة علیها، تحقیق: جمال بن السید بن رفاعي الشایب، مؤسسه سما، ١٤٢٨ق.
٧٤. یوسفی، لیلا. (١٤٠٠). بررسی تطبیقی وجوه اعجاز سوره کوثر با تأکید بر اعجاز بیانی از دیدگاه علامه جوادی آملی و فخر رازی. مطالعات تفسیر تطبیقی، ٦(١)، ٧٥-٩٨.



References

1. *Quran-e Karim (The Holy Quran)*, Translation: Mahdi Elahi Qomshaei -, Tehran: Athar-e Bartar, 1388 SH (2009 CE).
2. Abd al-Jabbar, Al-Qadi, *Al-Usul al-Khamsah (The Five Principles)*, Edited by Faysal Badir 'Awn, University of Kuwait, 1998 CE.
3. Abdulhamid, Mohsen, *Al-Razi Mufasssiran (Al-Razi as an Exegete)*, Baghdad, 1974 CE.
4. Abi Sahl, Mohammad ibn Ahmad, *Usul al-Sarkhasi (The Principles of Sarkhasi)*, Committee for the Revival of the Nu'maniyah Sciences, Hyderabad, 1372 AH (1952 CE).
5. Abu al-Baqaa, Ayyub ibn Musa al-Husayni, *Al-Kilayat Mujam fi al-Mustalahat wa al-Furuq al-Lughawiyyah (Comprehensive Dictionary of Terms and Linguistic Differences)*, Beirut: Muassasah al-Risalah, 1412 AH (1991 CE).
6. Abu Shammah, Shihab al-Din, *Al-Murshid al-Wajiz (The Concise Guide)*, Edited by Tayyar Alty Qulaj, Beirut: Dar Sader, 1395 SH (2016 CE).
7. Akbari, Abu al-Baqaa, *I'rab al-Qira'at al-Shawaz (The I'rab of Anomalous Recitations)*, Lebanon: Dar al-Kitab, 1417 AH (1996 CE).
8. Allani, Mohammad al-Habib, *Athar Qira'at al-Sahabah fi Tafsir al-Quran al-Karim Tafsir al-Qurtubi Namudhajan (The Impact of the Recitations of the Companions in the Interpretation of the Quran, Tafsir al-Qurtubi as a Model)*, Tunis: Dar Sakhon, 2014 CE.
9. Alusi, Mahmoud Shakiri, *It'haf al-Amjad fi Ma Yuseh bi al-Istishhad (Honoring Excellence in What Is Considered Evidence)*, Iraq: Ihya al-Turath al-Islami, 1402 AH (1982 CE).
10. Alusi, Shahab al-Din, *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azim wa al-Sab' al-Mathani (The Essence of Meanings in the Interpretation of the Great Quran and the Seven Repeated Verses)*, Edited by Ali Abdulbari Atiyah, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1415 AH (1994 CE).
11. Amidi, Saif al-Din Ali ibn Abi Ali ibn Mohammad, *Al-Ihkam fi Usul al-Ahkam (The Strengthen of the Principles of Judgments)*, N.p., Dar al-Hadith, n.d.
12. Andalusi Abu Hayyan, Mohammad ibn Yusuf, *Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir (The Vast Ocean in Exegesis)*, Edited by Mohammad Jameel Sadeghi, Beirut: Dar al-Fikr, 1420 AH (1999 CE).
13. Ayazi, Mohammad Ali, *Al-Mufasssirun Hayatuhum wa Manhajuhum (The Biographies and Methodologies of the Commentators)*, Tehran: n.p., 1414 AH (1993 CE).
14. Azhari, Mohammad ibn Ahmad, *Tahdhib al-Lughah (Language Refinement)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1421 AH (2000 CE).

15. Bili, Ahmad, *Al-Ikhtilaf Bayn al-Qira'at (The Discrepancy Among the Readings)*, Beirut: Dar al-Jayl, n.d.
16. Dhahabi, Mohammad Hussein, *Al-Tafsir wa al-Mufasssirun (The Interpretation and Its Interpreters)*, Beirut: 1407 AH (1987 CE).
17. Dimiyati, Ahmad ibn Mohammad, *Ithaf Fudala al-Bashar fi al-Qira'at al-Arba'ah Ashar (The Presentation of the Virtuous People in the Fourteen Readings)*, Edited by Mohammad Ismail Sha'ban, Beirut: Maktabah al-Kilayat al-Azhariyah, 1407 AH (1986 CE).
18. Fakhr al-Razi, Mohammad bin 'Umar, *Al-Tafsir al-Kabir (The Great Commentary)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1420 AH (1999 CE).
19. ghasemnejad, Z., & Tanafard, S. (2023). An Analysis of the Evolution of Shiite Scholars' Views on the Continuity of Quranic Recitations (Qira'at). 5- QERA'T, 11(20), 177-202. doi: 10.22034/qer.2023.8457
20. Hadli, Yusuf ibn Jabarah, *Al-Kamil fi Qira'at wa al-Arba'in al-Zaidah 'Alaiha (The Complete in Recitations and the Additional Forty)*, Edited by Jamal ibn al-Sayyid ibn Rafai al-Shayib, Samah Institute, 1428 AH (2007 CE).
21. Hamawi, Yaqut, *Mu'jam al-Buldan (The Dictionary of Countries)*, Beirut: Dar Sader, 1955 CE.
22. Ibn Abd al-Birr, *At-Tamhid li Ma Fi al-Muwatta Min al-Ma'ani wa al-Asanid (An Introduction to the Meanings and Chains in the Book Muwatta)*, Edited by Mustafa ibn Ahmad et al., Morocco: Ministry of Endowments and Islamic Affairs, 1387 SH (2008 CE).
23. Ibn Abd al-Birr, Yusuf ibn Abdullah, *Al-Istidhkar (Recollection)*, Edited by Salem Mohammad Ata, Mohammad Ali Muwad, Lebanon, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1421 AH (2000 CE).
24. Ibn Arabi, Abu Bakr, *Ahkam al-Quran (The Laws of the Quran)*, Edited by Mohammad Abdul Qadir Ata, Lebanon, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1424 AH (2003 CE).
25. Ibn Ashur, Mohammad al-Tahir, *Al-Tahrir wa al-Tanwir (Interpretation of Verification and Enlightenment)*, Tunisia, Dar al-Tunisia, 1984 CE.
26. Ibn Atiyyah, Abu Mohammad, *Al-Muharrar al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz (The Concise Selection in the Interpretation of the Noble Book)*, Edited by Abd al-Salam Abd al-Shafi Mohammad, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1422 AH (2001 CE).
27. Ibn Faris, Ahmad, *Mu'jam Maqayis al-Lughah (Dictionary of Language Scales)*, Edited by Abdul Salam Mohammad Harun, Dar al-Fikr, 1979 CE.
28. Ibn Hajar Asqalani, Ahmad ibn Ali, *Lisan al-Mizan (The Tongue of the Balance)*, Beirut, Dar al-Na, 1390 SH (2011 CE).



29. Ibn Hajar Asqalani, *Fath al-Bari Sharh Sahih al-Bukhari (The Opening of the Creator in Explaining the Authentic Source of Hadith al-Bukhari)*, Edited by Mahbub al-Din Khatib, Dar al-Rayan li al-Turath, 1407 AH (1986 CE).
30. Ibn Jawzi, Abu al-Faraj Abd al-Rahman ibn Ali, *Zad al-Masir fi Ilm al-Tafsir (The Provisions for the Journey in the Science of Interpretation)*, Dar al-Kutub al-Arabi, Beirut: 1422 AH (2001 CE).
31. Ibn Jazari, Abu al-Khair Mohammad ibn Mohammad, *Al-Nashr fi al-Qira'at al-Ashr (The Publication of the Ten Readings)*, Edited by Ali Mohammad al-Dibaa, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, n.d.
32. Ibn Jazari, *Munjid al-Muqri'in wa Murshid al-Talibin (The Guide for Reciters and Students)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1420 AH (1999 CE).
33. Ibn Jinni, Abu al-Fath Osman, *Al-Muhtasib fi Tabyin Wajh Shu'az al-Qira'at wa al-Ishah 'Anha (The Scrutinizer in Clarifying the Peculiarities of Recitations and Explaining Them)*, Edited by Ali al-Najdi Nasif et al., Cairo, 1420 AH (1999 CE).
34. Ibn Kananah, Muftaba Mahmoud Aqlah, *Al-Qira'at al-Shadhah al-Waridah 'an al-Qurra' al-'Ashrah Manzilatuhu wa Atharuhu fi Tawjih al-Ma'ani al-Tafsiriyyah wa Tarjihuh (The Rare Recitations Attributed to the Ten Reciters: Their Status and Impact on Directing the Interpretative Meaning and Preferring It)*, Doctoral Thesis, Supervised by Abdullah Abu al-Sa'ud Badr Yasin, Jordan: Yarmouk University, 1433 AH (2012 CE).
35. Ibn Khalawayh, *Mukhtasar fi Shu'az al-Quran min Kitab al-Badi' (A Concise Note on the Quran Less-known Readings of the Book Badi')*, Egypt: Al-Matba'ah al-Rahmaniyah, 1934 CE.
36. Ibn Khallikan, *Wafayat al-A'yan wa Anba' Abna' al-Zaman (The Obituaries of Eminent Men)*, Edited by Ehsan ibn Abbas, Beirut: Dar Sader, 1398 SH (2019 CE).
37. Ibn Qudamah al-Maqdisi, Mohammad ibn Ahmad, *Rawdat al-Nazir wa Jannat al-Manazir (The Garden of the Observer and the Paradise of Views)*, Riyadh: Maktabah al-Ma'arif, 1404 AH (1984 CE).
38. Ibn Salam, Abu Ubaid al-Qasim, *Fada'il al-Quran wa Ma'alimuhu wa Adabuhu (The Virtues of the Quran, Its Landmarks, and Its Manners)*, Edited by Ahmad Khayati, Dirasat al-Islamiyyah, n.d.
39. Ibn Umar, Abd al-Qadir, *Khazanat al-Adab wa Lub Lisani al-Arab (Treasury of Literature and Master of the Arabic Language)*, Edited by Abd al-Salam Haroun, Maktabah al-Khajji, 1406 AH (1985 CE).
40. Jurjani, Ali ibn Mohammad, *Al-Ta'rifat (The Definitions)*, Cairo: Dar al-Kutub al-Misri, Beirut: Dar al-Kutub al-Lebnani, 1991 CE.

41. Kabisi, Ayyadah ibn Ayyub, *Shubuhāt Hawl Tafsir al-Razi Arad wa Munaqashah (Doubts about the Interpretation of al-Razi Presented and Discussed)*, United Arab Emirates: Journal of the College of Islamic and Arabic Studies, 1998 CE.
42. Kermani, Razi al-Din, *Shuwaz al-Qira'ah wa Ikhtilaf al-Masahif (Anomalies in Recitation and Variations in Codices)*, Edited by Shumran al-Ajli, Beirut: Mu'assasat al-Balagh, n.d.
43. Khatib, Abdul Latif, *Mu'jam al-Qira'at (The Dictionary of Recitations)*, Cairo, Dar Saad al-Din, n.d.
44. Khayyat, Sibṭ, *Al-Mubḥaj fi al-Qira'at al-Thaman (The Brightness in the Eight Readings)*, Edited by Khalid Hassan Abu al-Jawad, Egypt, Cairo: Dar Abad al-Rahman, 1433 AH (2012 CE).
45. Mahdavi, Abu al-Abbas Ahmad ibn Ammar, *Sharḥ al-Hidayah (Explanation of Hidayah)*, Riyadh: Maktabah al-Rushd, 1415 AH (1994 CE).
46. Maki ibn Abi Talib al-Qaisi, *Al-Ibanah 'an Ma'ani al-Qira'at (The Clarification of the Meanings of Recitations)*, Edited by Mohammad Muḥyi al-Din Ramadan, Dar al-Amun lil-Turath, 1979 CE.
47. Maso'ī, Abdul Ali, *Al-Qira'at al-Shazah Dawaabituha wa al-Ihtijaj biha fi al-Fiqh wa al-Arabiyyah (The Anomalous Readings: Their Criteria and Their Usage in Jurisprudence and Arabic)*, Cairo, Egypt: Dar Ibn 'Affan, 2008 CE.
48. Mohamadi, M., Akhlaqi, M. Y., & Amini Tehrani, M. (2023). Recitations (Qira'at) and Its Authenticity from the Perspective of Abu Jafar Tabari and Amin al-Islam Tabarsi. 5- QERA'T, 10(19), 289-311. doi: 10.22034/qer.2023.7598
49. n.p., *Shenasa'i-ye Barkhy-e Ta'fsir-e 'Ammeh (Identification of Some Sunni Interpretations)*, Howzeh Elmiyeh Journal, Year 5, No. 4, 1367 SH (1988 CE).
50. Nawawi, Yahya ibn Sharaf, *Al-Tibyan fi Adab Hamalah al-Quran (The Elucidation on the Etiquette of Carriers the Quran)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1403 AH (1984 CE).
51. Nawawi, Yahya ibn Sharaf, *Sahih Muslim bi Sharḥ al-Nawawi (Sahih Muslim with the Explanation of al-Nawawi)*, Lebanon: Dar al-Kutub al-Arabi, 1407 AH (1986 CE).
52. Nawayri, Mohammad ibn Mohammad, *Sharḥ Tayyibah al-Nashr fi al-Qira'at al-'Ashr (A Good Explanation of the Distribution in the Ten Recitations)*, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Publications of Mohammad Ali Beizoun, 1424 AH (2003 CE).



53. Noumani, Siraj al-Din, *Al-Lubab fi Ulum al-Kitab (The Essence in the Sciences of the Quran)*, Edited by Sheikh Adel Ahmed Abdul Mujood et al., Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1998 CE.
54. noruzi, M., & Keihani, M. A. (2023). A comparative study of Adam's infallibility From the point of view of Ayatollah Javadi Amoli and Fakhrrazi. *Comparative Studies of Quran*, 8(2), -. doi: 10.22034/cs.2023.190665.
55. Qabeh, Abdulhalim bin Mohammad al-Hadi, *Al-Qira'at al-Quraniyyah (The Quranic Recitations)*, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami, 1999 CE.
56. Qadi, Abdul Fattah, *Al-Wafi fi Sharh al-Shatibiyya (The Complete in Explaining al-Shatibiyya)*, Cairo: Dar al-Salam, 1434 AH (2013 CE).
57. Qastallani, Shihab al-Din Abu al-Abbas Ahmad ibn Mohammad, *Lata'if al-Isharat fi Funun al-Qira'at (Subtleties of Indications in the Sciences of Recitations)*, Edited by Amer Saeed and Abdul Sabur Shahin, Cairo: The Supreme Council for Islamic Affairs Committee for the Revival of Islamic Heritage, 1972 CE.
58. Qatan, Munna', *Mabahith fi Ulum al-Quran (Discussions on the Sciences of the Quran)*, Cairo: Maktabah Wahba, n.d.
59. Qurtubi, Shams al-Din, *Al-Jami' al-Ahkam al-Quran (The Comprehensive Judgments of the Quran)*, Edited by Ahmed al-Bardouni et al., Cairo: Dar al-Kutub al-Misriyyah, 1384 SH (2005 CE).
60. Rumi, Abdullah, *Dirasat fi Qawa'id al-Tarjih al-Muta'alliqah bi al-Nass al-Qurani fi Dhu'i Tarjih al-Razi (Studies on the Principles of Preference Related to the Quranic Texts in the Light of Razi's Preferences)*, Saudi Arabia, Riyadh, Dar al-Tadmuriyyah, 1431 AH (2010 CE).
61. Sabki, Taj al-Din, *Tabaqat al-Shafi'iyya al-Kubra (The Categories of the Great Shafi'i Scholars)*, Edited by Abd al-Fattah Mohammad al-Halw and others, Dar Ihya al-Kutub al-Arabiyya, n.d.
62. Sabt, Khalid bin Othman, *Qawa'id al-Tafsir Jama'an wa Dirasa (Principles of Interpretation: Collection and Study)*, Dar Ibn Affan, 1431 AH (2010 CE).
63. Sakhawi, Alim al-Din, *Jamal al-Qara'a wa Kamal al-Iqra'a (The Beauty of Recitation and the Perfection of the Reciter)*, Edited by Abdul Haq Abdul Dayim Saif al-Qadi, Beirut: Mu'assasat al-Kutub al-Thaqafiyya, 1999 CE.
64. Suyuti, Jalal al-Din, *Al-Durr al-Manshur fi Tafsir al-Mathur (The Scattered Pearl in the Interpretation of the Quran by Narration)*, Qom: Kitabkhaneh Ayatollah Mara'shi Najafi, 1404 AH (1983 CE).
65. Suyuti, Jalal al-Din, *Al-Itqan fi 'Ulum al-Quran (The Perfection in the Sciences of the Quran)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi, 1421 AH (2000 CE).
66. Suyuti, Jalal al-Din, *Al-Muzhar fi 'Ulum al-Lughah wa Anwaih (The Brightness in the Sciences of Language and Its Types)*, Beirut: Maktabah al-Asriyya Said, 1986 CE.

67. Tabari, Abu Jafar Mohammad bin Jareer, *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Comprehensive Explanation of the Quran)*, Edited by Ahmad Mohammad Shakir, Dar al-Risalah, 1420 AH (1999 CE).
68. Tha'labi, Abu Ishaq, *Al-Kashf wa al-Bayan 'an Tafsir al-Quran (The Revelation and Elucidation of Quranic Interpretation)*, Edited by Imam Abu Mohammad ibn Ashur, Lebanon, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1422 AH (2001 CE).
69. yosefi, L. (2021). A Comparative Study of the Miracles of Surah Kawthar with Emphasis on the Expressive Miracle from the Viewpoint of Allameh Javadi Amoli and Fakhr Razi. *Comparative Studies of Quran*, 6(1), 75-98.
70. Zamakhshari, Jarallah, *Al-Kashaf 'an Haqiq Ghawamidh al-Tanzil (The Revealer of the Truths of the Mysteries of Revelation)*, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 1407 AH (1987 CE).
71. Zamakhshari, Jarallah, *Asas al-Balagha (The Foundation of Eloquence)*, Beirut: Dar Sadir, 1979 CE.
72. Zarkan, Mohammad Saleh, *Fakhr al-Din al-Razi wa Ara'uhu al-Kalamiyyah wa al-Falsafiyyah (Fakhr al-Din al-Razi and His Theological and Philosophical Views)*, Dar al-Fikr, n.d.
73. Zarkashi, Badr al-Din, *Al-Bahr al-Muhit fi Usul al-Fiqh (The Vast Ocean in the Principles of Jurisprudence)*, Dar al-Kutubi, 1414 AH (1993 CE).
74. Zarkashi, Badr al-Din, *Al-Burhan fi 'Ulum al-Quran (The Proof in the Sciences of the Quran)*, Beirut: Dar al-Ma'arif, 1410 AH (1990 CE).



The Quranic Literacy Status of Students (Case Study: Student Teachers at Farhangian University)*

Mohsen Rafiei ¹ and Masoumeh Sharifi ²

Abstract



The Holy Quran stands as a guide for human nurturing and salvation. Connecting with the Quran necessitates Quranic literacy. Recognizing the significance of Quranic literacy and the role of teachers in its enhancement, this research aims to assess the Quranic literacy (recitation, fluency, and Quranic concepts) among student teachers. The research method used a descriptive and population-based approach, encompassing all student teachers at Farhangian University in the year 1400 SH. A sample of 761 individuals was randomly selected, data gathered via questionnaires, and Quranic reading tests conducted. The collected data were analyzed using T-tests and correlation coefficients. Findings revealed that 2.2% of students never read the Quran throughout the year (excluding Ramadan), 48% occasionally, and 8.16% read it daily. The average percentage of students proficient in recitation was 74%, fluency at 62.5%, mastery of Quranic concepts at 66.5%, and the overall Quranic literacy average (recitation, fluency, and Quranic concepts) was 67.5%, falling below expected standards. The average percentage of students studying Quranic interpretation was 49.25%, and 63.5% for the study of Persian meanings of Quranic verses, both lower than anticipated. A significant positive correlation was found between the level of Quranic literacy and diploma and university GPA. However, no significant differences were observed based on gender, marital status, rural or urban residence, diploma major, acceptance quota in the university, academic terms, and educational backgrounds. The results indicate a high percentage of student teachers at Farhangian University lacking the necessary Quranic literacy, emphasizing the urgent need for deliberate efforts to address this issue.

Keywords: Quranic Literacy, Quranic Recitation, Quranic Fluency, Understanding Quranic Concepts, Farhangian University.

*. **Date of receiving:** 23/11/2021 , **Date of approval:** 04/10/2022.

1. Assistant Professor in the Department of Theology and Islamic Studies, Farhangian University, Tehran, Iran: Dr_mohsen_rafiee@yahoo.com.

2. Assistant Professor in the Department of Theology and Islamic Studies, Farhangian University, Tehran, Iran: Dr_sharifi_masoomesh@yahoo.com.



وضعیت سواد قرآنی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان معلمان دانشگاه فرهنگیان)*

محسن رفیعی^۱ و معصومه شریفی^۲



چکیده

قرآن کریم، کتاب تربیت و رستگاری انسان است. انس با قرآن، نیاز به سواد قرآنی دارد. با توجه به اهمیت سواد قرآنی و نقش معلمان در ارتقای آن، هدف این پژوهش، پایش سواد قرآنی (روخوانی، روان خوانی و مفاهیم قرآنی) دانشجومعلمان است. روش پژوهش به صورت توصیفی و جامعه آماری، کلیه دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان سال ۱۴۰۰ بوده و نمونه آماری ۷۶۱ نفر به روش تصادفی انتخاب شده است و داده‌ها به روش پرسشنامه بوده و آزمون قرائت قرآن جمع‌آوری و برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های T و ضریب همبستگی استفاده گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد در طول سال (به جز از ماه مبارک رمضان) ۲/۲ درصد دانشجویان هیچ وقت قرآن نمی‌خوانند و ۸۰/۴ درصد آنها بعضی وقت‌ها و ۱۶/۸ درصد آنها هر روز قرآن تلاوت می‌کنند. درصد میانگین روخوانی دانشجویان ۷۴ درصد، روان خوانی ۶۲/۵ درصد، تسلط بر مفاهیم قرآن ۶۶/۵ درصد و کل میانگین سواد قرآنی (روخوانی، روان خوانی و مفاهیم قرآنی) آنها ۶۷/۵ بوده و پایین‌تر از حد انتظار است. درصد میانگین مطالعه تفسیر قرآن در بین دانشجویان ۴۹/۲۵ و درصد میانگین مطالعه معانی فارسی آیات قرآن ۶۳/۵ درصد بوده که کمتر از حد انتظار است. رابطه معنادار مثبت بین میزان سواد قرآنی با معدل دیپلم و معدل دانشگاه داشته و بین سواد قرآنی دانشجویان پسر و دختر، مجرد و متأهل، ساکن روستا و شهر، رشته تحصیلی در دیپلم، سهمیه‌های قبولی در دانشگاه، ترم‌های تحصیلی، تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج نشان می‌دهد درصد بالایی از دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان، از سواد قرآنی لازم برخوردار نیستند و ضرورت دارد در این موارد، تلاش مدبرانه شکل گیرد.

واژگان کلیدی: سواد قرآنی، روخوانی قرآن، روان خوانی قرآن، شناخت مفاهیم قرآن، دانشگاه فرهنگیان.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۷/۱۴.

۱. استادیار گروه آموزشی الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران: Dr_mohsen_rafieei@yahoo.com

۲. استادیار گروه آموزشی الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران: Dr_sharifi_masoomah@yahoo.com



مقدمه

قرآن مجید، برترین و آخرین پیام خدا و بزرگ‌ترین گوهر گران‌بهای به‌جای مانده از پیامبر گرامی، سرچشمه جوشان معارف اسلامی و مدار و محور اتحاد تمامی مسلمانان است. قرآن انسان‌ها را به حقیقت و راستی و نیک بختی رهنمون می‌کند. نخستین گام برای ورود به دریای بیکران قرآن، شناخت دقیق این کتاب و راه صحیح فهم آن است (کریمی، ۱۳۹۰). در جوامع اسلامی باید آموزش قرآن از ابعاد مختلف انجام گیرد تا از رهنمودهای آن در تمام ابعاد زندگی بشری استفاده کرد. از صدر اسلام تاکنون، آموزش این پیام جاودانه الهی، از مهم‌ترین ارکان تعلیم و تربیت در میان مسلمانان بوده است. در کشور ما نیز به اقتضای جایگاه خاص دین اسلام در فرهنگ مردم ایران و جایگاه ویژه قرآن در اعتقادات دینی، آموزش قرآن همواره مورد توجه همگان است (حسین بر و همکاران، ۱۳۹۴). داشتن سواد قرآنی، برای بهره‌گیری از این کتاب الهی بسیار ضروری است و آثار بسیار زیادی هم در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی دارد؛ برای مثال، نتایج تحقیق صدق‌پور و همکاران (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که آموزش آموزه‌های قرآنی، در بهبود پذیرش اجتماعی تأثیر دارد یا تحقیق آقاجانی و میرباقری (۱۳۹۳) نشان می‌دهد بین میزان انس با قرآن کریم با وضعیت سلامت روان دانشجویان رابطه مثبت داشته و افرادی که با قرآن انس دارند اضطراب و افسردگی کمتری دارند. همچنین در پژوهشی که تأثیر آوای قرآن کریم بر میزان استرس بررسی شده، نتایج نشانگر اثرات شفاف‌بخش گوش‌دادن به آوای قرآن بر سلامت جسم و روان بوده است (شمسی، ۲۰۱۱).

آنچه مسلم است در تربیت دینی، انس با قرآن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ سعادت دنیا و آخرت ما، خوشبختی فرد و جامعه ما، اصلاح عمل و اعتقاد ما... همه و همه در پرتو الگوگیری از منبع عظیم وحی و در یک‌کلام، در سایه انس با قرآن شکل می‌گیرد. انس با قرآن یعنی آموختن قرآن، قرائت قرآن، فهم قرآن و در آخر عمل به قرآن می‌باشد (کوهی، ۱۳۹۶).

به‌منظور پدیداری انس با قرآن، سواد قرآنی یک ضرورت است و بر این اساس در آموزش و پرورش: امعیت آموزش قرآن به معنای دستیابی به توانایی خواندن، درک معنا، تدبیر در آیات و آشنایی با معارف قرآن به‌عنوان یک اصل اساسی مورد توجه است. در صورتی که آموزش قرآن به‌صورت جامع انجام شود، آحاد جامعه به «سواد قرآنی» دست می‌یابند. منظور از سواد قرآنی، اعتقاد و علاقه به یادگیری قرآن کریم و برخورداری از دانش و مهارت پایه به‌منظور بهره‌گیری مستمر و مادام‌العمر از قرآن کریم و انس داشتن با آن است (وکیل، ۱۳۸۹).

توانایی خواندن (روخوانی و روان خوانی) و درک مفاهیم قرآنی و تدبر در آنها، از محورهای اصلی سواد قرآنی محسوب می‌شود و تحقق سواد قرآنی، یکی از اولویت‌ها در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور است. به منظور سنجش میزان تحقق اهداف آموزش و پرورش در سواد قرآنی، پژوهش‌های پراکنده و اندکی انجام شده است. در این راستا نتایج پژوهش حسین بر و همکاران (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که سواد قرآنی در بین دانش‌آموزان، در حد متوسط تحقق یافته است. این در حالی است که پژوهش‌های سعیدی رضوانی (۱۳۸۸)، رهبری‌نژاد (۱۳۸۰)، شعبانی (۱۳۸۱) و دانش‌پور (۱۳۸۰) نشان می‌دهد که سواد قرآنی در حد زیر متوسط تحقق پیدا کرده است.

با توجه به نتایج تحقیقات یادشده، باید در جهت ارتقای سواد قرآنی در سطوح مختلف جامعه تلاش کرد؛ بی‌شک در بین عوامل مؤثر در ارتقای سواد قرآنی در جامعه، معلمان نقش اساسی و کلیدی دارند و جا دارد که متولیان و خود معلمان، بیش از دیگران به سواد قرآنی واقف باشند.

در نظام آموزش و پرورش ایران، دانشگاه فرهنگیان مأموریت تربیت معلمان را به عهده دارد که بر اساس اساسنامه (۱۳۹۱) این دانشگاه، قطب تعلیم و تربیت در کشور بوده و مهم‌ترین رسالت آن تربیت معلمان در تراز جمهوری اسلامی و با هدف دستیابی به اهداف سند تحول راهبردی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (۱۳۸۹) هست. از این‌رو ضرورت دارد دانشجوی معلمان، در حوزه سواد قرآنی سرآمد باشند تا بتوانند نقش شایسته خود را در نظام تعلیم و تربیت کشور ایفا کنند. شناخت وضع موجود وضعیت سواد قرآنی دانشجوی معلمان کمک شایانی در جهت برنامه‌ریزی درست در مسیر ارتقای سواد قرآنی خواهد کرد. لذا در این پژوهش به این سوال اساسی پاسخ داده شده است: وضعیت سواد قرآنی دانشجوی معلمان دانشگاه فرهنگیان چگونه است و عوامل مؤثر در آن کدامند؟

در خصوص سواد قرآنی تحقیقات جامع در خصوص شناخت وضعیت سواد قرآنی در بین اقشار مختلف نسبتاً کم است در ذیل نتایج بعضی از تحقیقات در خصوص ابعاد این موضوع مهم اشاره شده است.

فراهی بخشایش و رضایی اصفهانی (۱۴۰۰) در پژوهشی، راهکارهای انس با قرآن کریم در اندیشه مقام معظم رهبری (دامت برکاته) مورد بررسی قرار دادند بر اساس نتایج این تحقیق راهکارهای معظم له برای انس با قرآن عبارت‌اند از: تلاوت قرآن، نگاه کردن به قرآن، استماع تلاوت قرآن، حفظ قرآن، ترجمه قرآن، تدبر در قرآن، مخاطب قرآن قرار گرفتن، عمل به قرآن و بهره‌مندی از هدایت قرآن.



شجاعی و قاسم پور (۱۳۹۹) در پژوهشی عوامل ارتقای سطح آموزشی معلمان قرآن را مورد بررسی قرار دادند. از نتایج این تحقیق، با توجه به آموزه‌های اسلامی می‌توان در بخش ساختاری و مدیریتی معلمان قرآن به مواردی از قبیل گزینش و ارزیابی و عوامل انگیزشی، در بخش ویژگی‌های فردی به مواردی از جمله عمل به قرآن و الگو بودن برای متعلمین و اخلاص و نیز در بخش ویژگی‌های آموزشی معلمان، به مواردی همچون آشنایی با اصول و پیش‌نیازهای تدریس قرآن اشاره نمود.

خسروی و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان تعیین راهبردهای ارتقای بهره‌وری آموزش عمومی قرآن (روخوانی، حفظ، درک معنا و انس) انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که محور قراردادن سند راهبردی آموزش عمومی قرآن توسط آموزش و پرورش و تلاش در راستای ایجاد تمهیدات لازم جهت عملیاتی نمودن هر چه سریع‌تر اقدام‌های مرتبط با سند، می‌تواند بزرگترین گام در راستای ارتقای بهره‌وری آموزش قرآن باشد.

فیضی و رئوفی (۱۳۹۵) پژوهشی با هدف بررسی سواد قرآنی جامعه دانشگاهی و طراحی و اجرای فعالیت‌های مناسب قرآنی انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین رشته تحصیلی، نسبت بومی و غیربومی بودن و آشنایی با قرآن رابطه معناداری وجود ندارد. دانشجویان به ترتیب دارای سواد قرآنی با ۳۵/۵ درصد، مفاهیم و تفسیر قرآن ۲۳/۱ درصد، ترجمه ۱۲/۹ درصد و همچنین صوت و لحن ۱۳/۴ درصد و تجوید ۵/۱ درصد محاسبه شده است. همچنین که عوامل مؤثر بر سواد قرآنی دانشجویان تحصیلات پدر، تحصیل در مدرسه، میزان علاقه‌مندی زیاد به آموزش قرآن و آشنایی اعضای خانواده با آن و مهم‌ترین موانع نیز به ترتیب عبارت‌اند: اولویت تحصیلی، وقت کم، عدم احساس نیاز و بی‌علاقگی به قرآن بوده است.

اسمعیلی صدر آبادی و همکاران (۱۳۹۵) پژوهش با عنوان بررسی اثر بخشی تدبیر در آیات قرآن کریم بر افزایش سلامت روان انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد با تدبیر در آیات قرآن که حاوی مضامین اخلاقی و روانشناسانه است می‌توان دریافت که گویا خداوند همواره به سلامت روانی و نیز آرامش انسان ارزش و اهمیت ویژه داده و با تعالیم خود، خواسته تا روح آدمی را در مسیر سکون و راحتی قرار دهد.

حسین بر و همکاران (۱۳۹۴) با هدف بررسی وضعیت سواد قرآنی بین دانش‌آموزان مدارس متوسطه دوره اول شهر سراوان، پژوهشی انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد روخوانی و روان‌خوانی دانش‌آموزان بالاتر از حد متوسط و درک و فهم پایین‌تر از حد متوسط و در کل سواد قرآنی بالاتر از حد متوسط هست. همچنین در روخوانی، روان‌خوانی و درک و فهم و سواد قرآنی بین دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود دارد و دختران وضعیت بهتری دارند.

رمضان زاده و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی رابطه انس با قرآن و بهداشت روانی دانشجویان را بررسی کردند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد میانگین تلاوت قرآن در بین دانشجویان زن ۲۱/۴۳ درصد و در بین دانشجویان مرد ۱۸/۹۶ می‌باشد. همچنین میزان انس با قرآن در بین دانشجویان زن ۵۴/۷۲ درصد و در بین دانشجویان مرد ۴۹/۴۸ درصد بوده است. از دیگر یافته‌های این پژوهش این است که بین معدل و مولفه اثرات قرآن رابطه معناداری وجود دارد یعنی هرچه میزان درک اثرات قرآن بیشتر می‌شود پیشرفت تحصیلی نیز افزایش می‌یابد.

محمدیان، نعیمی و چوپانی (۱۳۹۴) در تحقیق خود با عنوان «اثر بخشی استماع آوای قرآن کریم در بهبود افسردگی زنان نابارور»، به این نتیجه رسیدند که استماع قرآن کریم، باعث کاهش افسردگی زنان نابارور شده است.

منصوری (۱۳۹۳) در پژوهش تحت عنوان «عوامل مؤثر در بهبود آموزش قرآن از منظر معلمان مدارس ابتدایی شهر تهران»، به این یافته‌ها رسیده است که ۹۸ درصد معلمان اعتقاد دارند محتوای انتخاب‌شده برای آموزش قرآن در مدارس ابتدایی تأثیر زیادی در بهبود آموزش آن دارد و همچنین ۹۶ درصد معتقدند روش تدریس، ۹۳ درصد، مواد و تجهیزات آموزشی و ۹۳ درصد آنها معتقدند معلم، مدیر و والدین در بهبود آموزش قرآن مؤثرند.

آقاجانی و میر باقر (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه بین انس با قرآن و سلامت روان در دانشجویان پرستاری»، به این نتیجه رسیده‌اند که بین میزان انس با قرآن دانشجویان و سلامت روان آنها ارتباط وجود دارد و به نظر می‌رسد تقویت و بهبود انس با قرآن راهی اساسی جهت پیشگیری و بهبود مشکلات و اختلالات روان هست.

یدالله پور (۱۳۹۰)، پژوهشی با عنوان بررسی مستندات راه‌های انس با قرآن انجام داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد انس با قرآن، موجب ایجاد انگیزه، شناخت و عمل دیندارانه شده، فرد دیندار در مقابل شبهات کمتر آسیب پذیر است، تقویت زمینه‌های انس با قرآن در انگیزه، اندیشه و رفتار دانشجویان ضروری است.

غیاث وند (۱۳۸۶) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی وضعیت رفتارهای دینی در بین دانشجویان» به این نتیجه رسیده است که ۳۹/۸ درصد دانشجویان در حد کم و ۱۳ درصد در حد زیاد، قرآن تلاوت می‌کنند. همچنین نسبت کسانی که در حد کم قرآن می‌خوانند به طور متوسط ۴۰ درصد هست؛ در مقابل کسانی که همیشه قرآن می‌خوانند بین ۱۰ تا ۳۰ درصد در نوسان‌اند. مقایسه این اعداد با



یافته‌های وزارت ارشاد در مورد میزان تلاوت قرآن در بین عموم مردم که در حد کم با ۴۱ درصد و در حد زیاد ۲۰ درصد هست تقریباً همخوانی دارد؛ یعنی بین میزان قرآن خواندن دانشجویان با عموم مردم هماهنگی وجود دارد؛ در نهایت در این تحقیق به نتیجه هم باید اشاره کرد که بین میزان قرآنت قرآن دختران و پسران تفاوت معنادار به نفع دختران وجود دارد.

سراج زاده و جواهری (۱۳۸۰) در تحقیقی تحت عنوان «نگرش‌ها و رفتار دانشجویان» به این نتیجه رسیدند که ۳/۶ درصد دانشجویان اصلاً، ۱۸/۳ به ندرت، ۴۴/۷ درصد بعضی از روزها، ۱۵/۱ درصد هفته‌ای یک‌بار و ۱۸/۳ درصد هرروز قرآن می‌خوانند.

زارع (۱۳۸۰) در پژوهش خود تحت عنوان «نگرش‌ها و رفتارهای دینی جوانان»، به این نتیجه رسیده که ۱۳ درصد دانشجویان اصلاً، ۳۵/۵ درصد کم، ۳۰/۹ درصد متوسط و ۲۷ درصد زیاد قرآن قرآنت می‌کنند.

حاجی وند (۱۳۷۹) در تحقیق خود از دو برابر بودن میزان افسردگی در دانشجویان دانشگاه‌های علمی کشور نسبت به طلبه‌های حوزه‌های علمیه خبر می‌دهد که یکی از دلایل اصلی این تفاوت را میزان استماع قرآن کریم و تلاوت آن ذکر می‌کند.

الف. مفاهیم، متغیرها و روش‌شناسی پژوهش

سواد قرآنی: اعتقاد و علاقه به یادگیری قرآن کریم و برخورداری از دانش و مهارت پایه، به منظور بهره‌گیری مستمر و مادام‌العمر از قرآن کریم و انس داشتن با آن است (وکیل، ۱۳۸۹).

در این پژوهش (بر اساس تعریف و تحدیدی که از سوی مرجع ارائه‌کننده اولویت‌های پژوهشی) سواد قرآنی عبارت است از: شناخت و تسلط نسبی دانشجو معلمان به روخوانی، روان‌خوانی و مفاهیم قرآنی و انس با قرآن.

روخوانی: روخوانی، به معنای صحیح خوانی قرآن است. مراد از "صحیح خوانی" در این پژوهش، عبارت است از: تلاوت قرآن بدون غلط از نظر حرکات و علامات و همچنین بدون جابجایی یا حذف یا اضافه نمودن حروف، کلمات و آیات.

روان‌خوانی: روان‌خوانی به معنای فصیح خوانی قرآن است. مراد از روان‌خوانی در این پژوهش این است که: یک قاری در فصیح خوانی، از مرتبه صحیح خوانی گذر کرده و آیات را نه تنها بدون غلط؛ بلکه روان و اصطلاحاً بدون تپق می‌خواند.

آشنایی با مفاهیم قرآنی: مرتبه مفاهیم قرآنی، همسایه دیواره دیوار ترجمه و تفسیر قرآن کریم است. مراد از مفاهیم قرآنی در این پژوهش، عبارت است از: آشنایی بامعنی، مفهوم و کارکرد و مقاصد آیات قرآن کریم هست. (دهقانی، ۱۴۰۲، ۱۶)

انس با قرآن: مراد از انس با قرآن در این تحقیق مراجعه به قرآن کریم حداقل هر هفته یک بار این پژوهش، به لحاظ هدف توصیفی و کاربردی؛ و به لحاظ روش از نوع آمیخته است. جامعه آماری کلیه دانشجو معلمان پسر و دختر شاغل به تحصیل در نیم سال دوم مقطع کارشناسی دانشگاه فرهنگیان در سطح کشور در سال تحصیلی ۱۴۰۱/۱۴۰۰ که جمعیت آماری آن تقریباً ۶۰۰۰۰ نفر بوده و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، طبقه‌ای خوشه‌ای چندمرحله‌ای ابتدا پردیس‌های شش استان تهران، قم، اراک، اصفهان، کرمانشاه، بوشهر انتخاب و سپس متناسب با متغیرهای جمعیت‌شناختی، شامل رشته تحصیلی: نسیت، ۷۶۱ نفر (۳۹۰ نفر پسر و ۳۷۱ نفر دختر) به عنوان نمونه در فرایند جمع‌آوری داده‌های پژوهش مشارکت داشتند. برای سنجش سواد روخوانی و روان‌خوانی قرآن از طریق آزمون شفاهی و برای سنجش سواد درک مفاهیم قرآنی از آزمون کتبی و برای دریافت سایر داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. برای تحلیل داده‌های کمی، با استفاده از نرم‌افزار spss از آزمون‌های مقایسه‌ای میانگین «t»، تحلیل واریانس و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

ب. یافته‌های پژوهش

گزارش جمعیت‌شناختی پژوهش: از مجموع ۷۶۱ نفر پاسخگویان، ۵۱/۲ درصد پسر و ۴۸/۸ درصد دختر و میانگین سن آنها ۲۱ سال و ۸۴ درصد آنها مجرد و ۱۱ آنها متأهل بوده و بقیه مشخص نکردند. در ذیل یافته‌های پژوهش با طرح سوالات پژوهشی ارائه می‌شود:

سوال ۱: میزان قرائت قرآن در بین دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در طول سال (بغیر از ماه مبارک رمضان) تا چه میزان است؟

جدول ۱: فراوانی و درصد میزان قرائت قرآن در طول سال توسط پاسخ‌گویان (به جز ماه مبارک رمضان)

درصد فراوانی	فراوانی	گزینه‌ها	
2.2	17	هیچ وقت	میزان تلاوت
80.4	612	بعضی وقت‌ها	قرآن توسط
16.8	128	هر روز	دانشجویان در
			طول سال بغیر
			ماه مبارک
100.0	761	جمع کل	



بر اساس داده‌های جدول بالا دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در طول سال تحصیلی بغیر ماه مبارک، ۲/۲ درصد هیچ وقت، ۴/۸۰ درصد آنها بعضی وقت‌ها و ۹/۱۶ درصد آنها هر روز قرآن قرائت می‌کنند.

سوال ۲: میزان قرائت قرآن در بین دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در ماه مبارک رمضان تا چه میزان است؟
جدول ۲: فراوانی و درصد میزان قرائت قرآن در ماه مبارک رمضان توسط دانشجویان

درصد	فراوانی	گزینه‌ها	
1.2	9	قرائت نمی‌کنم هیچ وقت	میزان قرائت قرآن توسط دانشجویان در طول ماه مبارک رمضان
29.2	222	بعضی وقت‌ها	
41.5	316	هر روز چند آیه	
25.9	197	هر روز یک جزء	
2.1	16	بیش از یک جزء	
100.0	761	جمع کل	

بر اساس مشاهدات جدول بالا دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در ماه مبارک رمضان، ۲/۱ درصد هیچ وقت، ۲/۲۹ درصد آنها بعضی وقت‌ها، ۶/۴۱ درصد هر روز چند آیه، ۹/۲۵ درصد آنها هر روز یک جزء و ۱/۲ درصد بیش از یک جزء قرآن قرائت می‌کنند.

سوال ۳: دانشجویان دانشگاه فرهنگیان تا چه میزان در جلسات قرآنی شرکت می‌کنند؟

بر اساس یافته‌های پژوهش ۳/۹ درصد دانشجویان بطور هفتگی، ۲/۱۰ درصد ماهانه، ۴/۵۴ درصد بعضی وقت‌ها و ۵/۲۳ درصد اصلا در جلسات قرآنی شرکت نمی‌کنند.

سوال ۴: میانگین عملکرد دانشجویان در روخوانی، روانی خوانی و شناخت مفاهیم قرآن کریم و در

کل سواد قرآنی تا چه میزان هست؟

جدول ۳: فراوانی و میانگین سطح روخوانی، روان خوانی، مفاهیم و سواد قرآنی و نتایج t تک نمونه‌ای

(Sig. (2-tailed	Df	t	درصد میانگین	میانگین از شاخص ۴	N	شاخص
.210	701	-1.255	۷۴	2.9615	702	روخوانی
.000	701	-14.990	62.5	2.5000	702	روان خوانی
.000	759	-16.536	66/5	2.6697	760	مفاهیم
.000	700	-13.093	67.5	2.7090	701	سواد قرآنی

بر اساس داده‌های جدول بالا درصد میانگین روخوانی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان 74 درصد، روان‌خوانی 62.5 درصد، اشنایی با مفاهیم 66.5 درصد و در کل سواد قرآنی 67/5 درصد می‌باشد. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای با توجه به Sig. نشان می‌دهد که روخوانی قرآن دانشجویان در حد انتظار است ولی روان‌خوانی، شناخت مفاهیم و در کل سواد قرآنی آنها کمتر از حد انتظار است.

سوال ۴: آیا بین میزان سواد قرآنی دانشجویان در استان‌های مختلف تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۴: نتایج آزمون ANOVA در مورد تفاوت میانگین سواد قرآنی در بین استان‌های مختلف					
	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
Between Groups	7.462	5	1.492	4.415	.001

بر اساس نتایج آزمون ANOVA در جدول بالا با توجه به $\text{sig.} = .001$ ، بین میانگین عملکرد سواد قرآنی دانشجویان در استان‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.

سوال ۵: آیا بین میزان سواد قرآنی دانشجویان پسر و دختر، مجرد و متاهل، ساکنان شهر و روستا تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۵: میانگین سواد قرآنی دانشجویان و نتایج آزمون تی تست بر حسب جنسیت، مجرد و متاهل

بودن، ساکن روستا و شهر بودن

	مذهب	فراوانی	میانگین	درصد میانگین	F	T	Df	Sig. (2-tailed)
سواد قرآنی	پسر	389	2.7189	67/75	.718	.500	699	.618
	دختر	312	2.6966	67/25				
	مجرد	629	2.7684	69	1.713	-1.683	712	.093
	متاهل	85	2.8863	72				
	شهر	504	2.7222	68	2.879	-.982	614	.327
	روستا	112	2.7827	69/5				

بر اساس داده‌های جدول بالا:

۱. درصد میانگین عملکرد سواد قرآنی دانشجویان پسر ۶۷/۷۵ درصد و دختر ۶۷/۲۵ درصد بوده و با توجه $\text{sig.}=.618$ بین میزان سواد قرآنی آنها تفاوت معناداری وجود ندارد.
۲. درصد میانگین عملکرد سواد قرآنی دانشجویان مجرد ۶۹ درصد و دانشجویان متأهل ۷۲ درصد بوده و با توجه $\text{Sig. (2-tailed)}=.093$ تفاوت معناداری بین میزان سواد قرآنی آنها وجود ندارد.
۳. درصد میانگین دانشجویان ساکن شهر ۶۸ درصد و ساکن روستا ۶۹/۵ در می‌باشد بر اساس نتایج آزمون تی تست با توجه به $\text{Sig. (2-tailed)}=.327$ ، بین سواد قرآنی آنها تفاوت معناداری وجود ندارد.

سوال ۶: آیا بین میزان سواد قرآنی دانشجویان با معدل دیپلم، معدل دانشگاه و رتبه کنکور آنها رابطه

معناداری وجود دارد؟

جدول ۶: نتایج آزمون همبستگی پیرسون رابطه سواد قرآنی با معدل دیپلم و معدل دروس دانشگاه دانشجویان					
رتبه کنکور	معدل دانشگاه	معدل دیپلم	سواد قرآنی		
-.042	.091*	.112**	1	Pearson Correlation	سواد قرآنی
.308	.029	.005		(Sig. (2-tailed	

بر اساس مشاهدات جدول بالا بین میزان سواد قرآنی دانشجویان با معدل دیپلم با توجه $\text{Sig.}=.005$ و معدل دانشگاه با توجه به $\text{Sig.}=.029$ رابطه معنادار مثبت وجود دارد و با اطمینان می‌توان گفت با افزایش معدل دیپلم و معدل دروس دانشجویان در دانشگاه، سواد قرآنی آنها هم افزایش می‌یابد ولی بین میزان سواد قرآنی با رتبه کنکور با توجه به $\text{Sig.}=.308$ رابطه معناداری وجود ندارد.

سوال ۷: آیا بین میزان سواد قرآنی دانشجویان با توجه به رشته دیپلم آنها تفاوت معناداری وجود

دارد؟

جدول ۷: نتایج آزمون ANOVA در مورد تفاوت میانگین سواد قرآنی دانشجویان با توجه به رشته دیپلم آنها					
Sig.	F	Mean Square	Df	Sum of Squares	Between Groups
.147	1.797	.621	3	1.863	

بر اساس مشاهدات جدول بالا با توجه به $\text{Sig.}=.147$ بین میانگین سواد قرآنی دانشجویان در بین



رشته‌های تحصیلی آنها در دیپلم تفاوت معناداری ندارد.
سوال ۸: آیا بین میزان سواد قرآنی دانشجویان بر اساس سهمیه قبولی در کنکور تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۸: نتایج آزمون ANOVA در مورد تفاوت میانگین سواد قرآنی دانشجویان با توجه به سهمیه قبولی آنها در دانشگاه					
	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
Between Groups	2.097	3	.699	2.004	.113

بر اساس مشاهدات جدول بالا با توجه به $Sig. = .113$ بین میانگین عملکرد سواد قرآنی دانشجویان با در نظر گرفتن سهمیه‌های قبولی در کنکور تفاوت معناداری وجود ندارد.

سوال ۹: آیا بین میزان سواد قرآنی دانشجویان بر اساس رشته تحصیلی آنها در دانشگاه فرهنگیان تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۹: نتایج آزمون ANOVA در مورد مقایسه میانگین سواد قرآنی دانشجویان بر اساس رشته تحصیلی در دانشگاه					
	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
Between Groups	8.129	6	1.355	3.978	.001

بر اساس داده‌های جدول بالا با توجه به $Sig. = .001$ بین میانگین سواد قرآنی دانشجویان بر اساس رشته تحصیلی در دانشگاه فرهنگیان تفاوت معناداری وجود دارد البته با توجه به نتایج آزمون تعقیبی توکی بین میانگین سواد قرآنی رشته الهیات با رشته مشاوره و تربیت بدنی تفاوت معناداری وجود دارد و در سایر رشته‌ها میانگین‌های سواد قرآنی تفاوت معناداری ندارد.

سوال ۱۰: آیا بین میزان سواد قرآنی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در ترم‌های تحصیلی مختلف تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۱۰: نتایج آزمون ANOVA در مورد تفاوت میانگین سواد قرآنی در ترم‌های تحصیلی مختلف در دانشگاه فرهنگیان					
	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
Between Groups	1.373	4	.343	.984	.416

بر اساس داده‌های آزمون ANOVA با توجه به $\text{Sig.} = .416$ با اطمینان می‌توان گفت بین میانگین‌های سواد قرآنی دانشجویان در ترم‌های تحصیلی مختلف در دانشگاه فرهنگیان تفاوت معناداری وجود ندارد.

سوال ۱۱: میزان مطالعه تفسیر قرآن و مطالعه معانی فارسی آیات قرآن در بین دانشجویان دانشگاه فرهنگیان تا چه میزان است؟

جدول ۱۱: میانگین و نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در مورد میزان مطالعه تفسیر قرآن و معنی فارسی آیات قرآن

				Test Value = 3		
	N	میانگین	درصد میانگین	T	Df	Sig. (2-tailed)
میزان مطالعه تفسیر قرآن	754	1.9788	49.25	-35.062	753	.000
مطالعه معانی فارسی آیات	761	2.5453	63.5	-14.424	760	.000

بر اساس داده‌های جدول بالا درصد میانگین مطالعه تفسیر قرآن در بین دانشجویان $49.25/100$ درصد و میانگین مطالعه معانی فارسی آیات قرآن $63.5/100$ درصد می‌باشد. با توجه به $\text{Sig. (2-tailed)} = .000$ و منفی بودن مقداره t سطح عملکرد این مولفه‌ها کمتر از حد انتظار است.

سوال ۱۲: برنامه‌های درسی و سایر فعالیتهای فرهنگی پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان تا چه میزان در افزایش میزان سواد قرآنی دانشجویان موثر می‌باشد؟

جدول ۱۲: میزان تأثیر برنامه درسی و فعالیت‌های دانشگاه بر میزان سواد قرآنی دانشجویان

		فراوانی	درصد
میزان تأثیر برنامه‌های درسی و سایر فعالیتهای دانشگاه بر سواد قرآنی	کم	125	36.1
	متوسط	157	45.4
	زیاد	48	13.9
	خیلی زیاد	16	4.6
	جمع	346	100.0



از نظر دانشجویان میزان موثر بودن برنامه‌های درسی و سایر فعالیتهای فرهنگی دانشگاه فرهنگیان در سواد قرآنی آنها به قرار زیر است: ۳۶/۱ درصد کم، ۴۵/۴ درصد بطور متوسط، ۱۳/۹ درصد به مقدار زیاد و ۴/۶ درصد به مقدار خیلی زیاد بر سواد قرآنی آنها موثر است.

سوال ۱۳: عوامل موثر در میزان سواد قرآنی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان کدامند؟

بر اساس نظر دانشجویان عوامل زیر را بیشترین اثر را در سواد قرآنی آنها داشته است: خانواده ۲۵/۴ درصد، برنامه‌های دانشگاه فرهنگیان ۶/۹ درصد، رسانه ۶/۴ درصد، مساجد ۱۷/۳ درصد: لسات قرآنی ۱۵/۹ درصد، مدارس ابتدایی ۷/۲ درصد، مدارس متوسطه ۱۱/۶ درصد و سایر موارد ۹/۲ درصد.

سوال ۱۴: وضعیت حفظ قرآن کریم در بین دانشجویان دانشگاه فرهنگیان چگونه است؟

جدول ۱۴: میزان حفظ قرآن توسط دانشجویان

درصد	فراوانی	
81.8	283	چند سوره کوچک قرآن
7.2	25	یک جزء
9.0	31	چند جزء
2.0	7	حفظ کل قرآن
100.0	346	جمع

بر اساس نتایج این تحقیق ۸۱/۸ درصد دانشجویان دانشگاه فرهنگیان چند سوره کوچک قرآن را حفظ کردند، ۷/۲ درصد حفظ یک جزء، ۹ درصد حفظ چند جزء قرآن و ۲ درصد کل قرآن را حفظ کردند.

نتیجه گیری

قرآن کریم، به عنوان کتاب هدایت، تربیت و رستگاری انسان در همه جوامع بشری و به ویژه جایگاهی ویژه در بین مسلمانان دارد. در اسلام توصیه شده است که با قرآن انس بگیریم. برای انس گرفتن با قرآن باید حداقل سواد قرآنی را دارا بود. با توجه به اینکه معلمان آموزش و پرورش متصدیان تعلیم و تربیت رسمی جامعه می باشند نقش اساسی در تقویت سواد قرآنی دارند. دانشگاه فرهنگیان مسئولیت تربیت معلمان جامعه را بر عهده دارد. این پژوهش به منظور غربالگری و پایش وضعیت سواد قرآنی (روخوانی، روان خوانی و مفاهیم قرآنی) دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان کشور ایران انجام شده است.

بر اساس نتایج، اکثر دانشجویان بغیر ماه مبارک رمضان، بعضی وقت ها قرآن قرائت می کنند و در ماه مبارک رمضان اکثر آنها هر روز قرآن قرائت می کنند در این خصوص غیاثوند (۱۳۸۶) و سراج زاده و جواهری (۱۳۸۰) به نتایج مشابه دست یافتند. میزان ارتباط دانشجویان با قرآن رضایت بخش نیست و ضرورت دارد در این خصوص تدابیری اندیشیده شود. شرکت در جلسات قرآن برای ارتقای سواد قرآنی بسیار موثر است این در حالی است اکثر دانشجویان بعضی وقت ها در جلسات قرآن شرکت می کنند و ۲۳/۵ درصد آنها اصلا در جلسات قرآن شرکت نمی کنند و ضرورت دارد در خصوص شرکت دانشجویان در جلسات قرآنی برنامه ریزی شود.

بر اساس نتایج درصد میانگین روخوانی قرآن دانشجویان ۷۴ درصد می باشد که در حد انتظار است که همسو با نتایج تحقیق حسین بر و همکاران (۱۳۹۴) می باشد. میزان عملکرد دانشجویان در روان خوانی ۶۲/۵ درصد و میزان شناخت مفاهیم در حدود ۶۶/۵ درصد می باشد که هر دو مورد پایین تر از حد انتظار است. این نتایج با نتایج پژوهش رمضان زاده و همکاران (۱۳۹۴) تفاوت محسوسی دارد آنها در ارزیابی خود به این نتیجه رسیدند که، میانگین تلاوت (روخوانی، روان خوانی و تجوید) در بین دانشجویان زن ۲۱/۴۳ درصد و در بین دانشجویان مرد ۱۸/۹۶ درصد می باشد به نظر می رسد سواد قرآنی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان نسبت به سایر دانشجویان بیشتر است. در کل سواد سواد قرآنی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان ۶۷/۵ درصد بوده که تفاوت قابل توجهی با نتایج تحقیق فیضی و رثوفی (۱۳۹۵) در دانشگاه تبریز دارد آنها میزان سواد قرآنی دانشجویان را ۳۵/۵ درصد اعلام کردند. بنابر این سواد قرآنی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان بیش از سایر دانشجویان می باشد البته با توجه مراحل گزینش دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و آموزش مستمر برنامه های قرآنی به آنها، این



تفاوت قابل انتظار است. بر اساس نتایج این تحقیق میزان سواد قرآنی دختران و پسران دانشجو با همدیگر تفاوت معناداری ندارد و این نتیجه با نتایج تحقیق فیضی و رئوفی (۱۳۹۵) و حسین بر و همکاران (۱۳۹۴) همسو نیست. از نتایج دیگر این تحقیق این است که بین سواد قرآنی دانشجویان مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود ندارد.

بر اساس یافته‌های این تحقیق معدل دانشجویان در دیپلم و معدل آنها در دانشگاه ارتباط معنادار مثبت با میزان سواد قرآنی دانشجویان دارد. این در حالی است که بین سواد قرآنی دانشجویان در رشته‌های تحصیلی آنها در دیپلم و سهمیه قبولی در کنکور، ساکن شهر و روستا، ترم تحصیلی دانشجویان تفاوت معناداری وجود ندارد و در رشته‌های دانشگاه فقط بین رشته الهیات با رشته‌های مشاوره و تربیت بدنی تفاوت معنادار به نفع رشته الهیات وجود دارد و در سایر رشته‌ها تفاوت معنادار نیست این یافته در خصوص تفاوت نداشتن سواد قرآنی دانشجویان در رشته‌های مختلف دانشگاه با یافته‌های فیضی و رئوفی (۱۳۹۵) همسو است. در بین رشته‌های تحصیلی، دانشجویان رشته آموزش ابتدایی همانند دانشجویان معارف معلم قرآن خواهند بود و لذا باید در خصوص ارتقای سواد قرآنی آنها تلاش بیشتری صورت گیرد.

از نتایج دیگر این پژوهش این است که بین میزان سواد قرآنی دانشجویان با میزان قرائت قرآن با صوت زیبا تفاوت معناداری وجود دارد و دانشجویانی که قرآن را با صوت زیبا قرائت می‌کنند سواد قرآنی بیشتری دارند. لذا ضرورت دارد با برنامه‌های مختلف قرائت قرآن با صوت زیبا را در بین دانشجویان تقویت کرد.

دانشگاه فرهنگیان مأمورت دارد با افزایش سواد قرآنی دانشجویان در تربیت معلم تراز سند تحول بنیادین تلاش کند ولی متأسفانه بر اساس نتایج این تحقیق از نظر دانشجویان برنامه‌های آموزشی و سایر فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه تأثیر زیادی در تقویت سواد قرآنی دانشجویان ندارد لذا باید دانشگاه فرهنگیان در این خصوص بازاندیشی کند و در مسیر تقویت سواد قرآنی دانشجویان تلاش برنامه‌ریزی شده انجام دهد. از طرف دیگر دانشجویان از بین عوامل موثر بر سواد قرآنی آنها، برنامه‌های دانشگاه فرهنگیان با درصد بسیار کم (۶/۹ درصد) انتخاب کردند و بیشترین عوامل موثر را خانواده: لسات قرآنی و برنامه‌های مساجد می‌دانند. لذا ضرورت دارد به عوامل برون سازمانی در افزایش سواد قرآنی تأکید بیشتر کرد و از ظرفیت‌های آنها استفاده کرد.

با توجه به همه یافته‌های این پژوهش، سواد قرآنی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در حد انتظار نیست و از طرف دیگر با توجه به اینکه بین سواد قرآنی دانشجویان ترم اولی و ترم‌های بالا تفاوت

معناداری وجود ندارد و با توجه به نظر دانشجویان مبنی بر تأثیر بسیار کم برنامه‌های دانشگاه در افزایش سواد قرآنی آنها، ضرورت دارد دانشگاه فرهنگیان در خصوص برنامه‌های آموزشی و سایر برنامه‌های قرآنی خود تجدید نظر نماید تا بتواند در مسیر ارتقای سواد قرآنی معلمان آینده موثر باشد.

پیشنهادهای: به طور کلی برای جامعه دینی سواد قرآنی یک ضرورت است و در این میان با توجه به نقش معلمان در ارتقای سواد قرآنی در جامعه باید برای ارتقای سواد قرآنی دانشجویان همه دانشگاه‌ها - و به ویژه نو معلمان دانشگاه فرهنگیان - برنامه جدی در نظر گرفته شود لذا پیشنهاد می‌شود: ۱. در گزینش نو معلمان دانشگاه فرهنگیان به عامل سواد قرآنی ارزش بیشتری داده شود و دانش آموزانی که سواد قرآنی بالا تری دارند جذب شوند؛ ۲. در طول فرایند تحصیلی، با تشکیل پرونده سواد قرآنی برای دانشجویان برای ارتقای سواد قرآنی آنها با مشارکت همه ارکان دانشگاه برنامه ویژه‌ای تدارک دیده شود؛ ۳. محتوای دروس قرآنی دانشگاه فرهنگیان باید متناسب با نیازهای دانشجویان باز بینی شود؛ ۴. در برنامه درسی این دانشگاه باید دروس مرتبط با سواد قرآنی برای همه رشته‌ها در نظر گرفته شود؛ ۵. برای اساتید مرتبط با دروس قرآنی برنامه‌های آموزشی ویژه در نظر گرفته شود؛ ۶. در راستای ارتقای سواد قرآنی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان، ضرورت دارد جلسات قرآنی با سازماندهی همه دانشجویان دانشگاه فرهنگیان تشکیل شود؛ ۷. تقویت فعالیت دارالقرآن کریم در دانشگاه فرهنگیان، به ویژه در خوابگاه‌های دانشجویی بسیار موثر است؛ ۸. برگزاری مراسم‌های برنامه‌ریزی شده با حضور قاریان معروف در پردیس‌های دانشگاه برای همه دانشجویان بسیار مهم به نظر می‌رسد.

در هر حال برای ارتقای سواد قرآنی نو معلمان دانشگاه فرهنگیان ضرورت دارد از ابعاد مختلف به این موضوع توجه کرد تا با ارتقای سواد قرآنی آنها زمینه ارتقای سواد قرآنی در جامعه فراهم شود.



فهرست منابع

۱. اسمعیلی صدرآبادی و همکاران، «بررسی اثربخشی تدبیر در آیات قرآن کریم بر افزایش سلامت روان»، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول، ۱۳۹۵ ش.
۲. آقاجانی، محمد و نداء، میرباقری، «بررسی رابطه بین انس با قرآن و سلامت روان در دانشجویان پرستاری»، نشریه اسلام و سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، دوره اول، شماره چهارم، ۱۳۹۳ ش.
۳. حاجی‌وند، عبدالله، «بررسی میزان و شیوع اختلال افسردگی در میان دانشجویان حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های علمی و ارتباط آن با نگرش مذهبی»، مجموعه خلاصه مقالات همایش تحقیقات علوم پزشکی در اسلام، کرمان، دوره سوم، ۱۳۷۹ ش.
۴. حسین‌بر، محمد اشرف و سپاهیان، عبدالملک و مسلم‌پور، مهری، «بررسی وضعیت سواد قرآنی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول مدارس شهر سراوان با توجه به سند تحول بنیادین و برنامه درس ملی»، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت، ۱۳۹۴.
۵. خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، تهران: دوستان - ناهید، ۱۳۷۷ ش.
۶. خسروی، حسین و همکاران، «تعیین راهبردهای ارتقای بهره‌وری آموزش عمومی قرآن»، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، ۱۳۹۸ ش.
۷. دانشگاه فرهنگیان، اساسنامه دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۱ ش.
۸. دانشگاه فرهنگیان، سند راهبردی دانشگاه فرهنگیان در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴، ۱۳۹۴ ش.
۹. دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، سند تحول راهبردی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
۱۰. دهقانی، محمد، و دست رنج، فاطمه، و حسن بیگی، علی، و احسانی، کیوان. (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی ارتباط الفاظ با معانی در قرآن کریم با تأکید بر تفاسیر؛ مجمع‌البیان، المیزان و تسنیم. مطالعات تفسیر تطبیقی، ۸(۲)، - 190553. doi: 10.22034/cs.q.2024.190553
۱۱. رستمی‌زاده بهرامی، خدیجه، اهمیت قرآن، بی‌جا، بشارت، ۱۳۸۶ ش.
۱۲. رمضان زاده، خیرالنساء و میری، محمدرضا و هاشمی، سید محمد، «انس با قرآن و رابطه آن با بهداشت روان در دانشجویان»، مجله دین و سلامت، شماره دو، ۱۳۹۴ ش.
۱۳. رهبری نژاد، یدالله، ارزشیابی از برنامه درسی آزمایشی آموزش قرآن پایه دوم ابتدایی، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، ۱۳۸۰ ش.

۱۴. زارع، مریم، «بررسی تغییر نگرش‌ها و رفتارهای دینی جوانان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ش.
۱۵. سالاری. سواد قرآنی چیست؟، گرفته شده از <http://yavaraneqoran.blogfa.com/post/242>، ۱۳۹۲ش.
۱۶. سراج‌زاده، حسین و فاطمه جواهری، نگرش‌ها و رفتار دانشجویان، طرح پژوهشی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲ش.
۱۷. سعیدی رضوانی، محمود و همکاران، ارزشیابی برون‌داد برنامه آموزش قرآن پایه پنجم ابتدایی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، ۱۳۸۸ش.
۱۸. شعاعی، علی اصغر، و قاسم پور، مهدی. (۱۳۹۹). بررسی عوامل ارتقای سطح آموزشی معلمان قرآن. مطالعات قرائت قرآن، ۸(۱۵)، ۲۶۵-۲۸۶. doi: 10.22034/qer.2021.5448
۱۹. شعبانی، زهرا، ارزشیابی از اجرای آزمایشی آموزش قرآن پایه چهارم ابتدایی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، ۱۳۸۱ش.
۲۰. صادقی، عزیز، اهمیت و جایگاه قرآن از دیدگاه بزرگان، سایت اصلاح، <http://eslahe.com/80>، ۱۳۹۱ش.
۲۱. صدق‌پور، بهرام و محمودیان، مجید و سلمانیان، حمیدرضا، بررسی تأثیر آموزش آموزه‌های قرآنی بر بهبود پذیرش اجتماعی، فصلنامه پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآنی، سال اول، شماره دوم، ۱۳۸۸ش.
۲۲. غیاثوند، احمد، بررسی وضعیت رفتارهای دینی در بین دانشجویان، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، شماره سی، ۱۳۸۶ش.
۲۳. فراهی بخشایش، علی اکبر، و رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۴۰۰). راهکارهای انس با قرآن کریم در اندیشه مقام معظم رهبری (دامت برکاته). مطالعات قرائت قرآن، ۹(۱۷)، ۶۴-۸۶. doi: 10.22034/qer.2022.6521
۲۴. فیضی، محمود و رئوفی، محمدباقر، «بررسی مولع و عوامل موثر بر سواد قرآنی دانشجویان»، تصویر سلامت، شماره ۷، ۱۳۹۵ش.
۲۵. کوهی، علیرضا، انس با قرآن، پرتال امام خمینی، <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n126397/%D8%A7>، ۱۳۹۶ش.
۲۶. محمدیان، نعیمی و چوپانی، «اثربخشی استماع آوای قرآن کریم در بهبود افسردگی زنان ناباور»، فصلنامه پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، سال ششم، شماره اول، ۱۳۹۴ش.



۲۷. منصوری، «عوامل موثر در بهبود آموزش قرآن از منظر معلمان مدارس ابتدایی شهر تهران»، تهران: اداره کل آموزش و پرورش تهران، ۱۳۹۳ ش.
۲۸. وکیل، مسعود، سواد قرآنی، ویژه‌نامه آموزش درس قرآن، آموزش راهنمایی تحصیلی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۹ ش.
۲۹. یدالله‌پور، بهروز، «بررسی مستندات راه‌های انس با قرآن»، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۹۰ ش.

Resources

1. Aqajani, Mohammad; Nada, Mir Baqeri, "Barresi-e Rabete-ben Ons ba Quran va Salamat-e Ravani dar Daneshjuyan-e Parastari" (Investigating the Relationship between Intimacy with the Quran and Mental Health in Nursing Students), Islam and Health Journal, Babol University of Medical Sciences, Vol. 1, No. 4, 1393 SH (2014 CE).
2. dehghani, M., Dastranj, F., hasanbeygi, A., & ehsani, K. (2024). A comparative study of the relationship between words and meanings in the Holy Qur'an with an emphasis on the interpretations of Majma Al-Bayan and Al-Mizan and Tasnim. *Comparative Studies of Quran*, 8(2), -. doi: 10.22034/csq.2024.190553.
3. Faizi, Mahmoud, Raeufi, Mohammad Baqer, "Barresi-ye Mavane'e va Avamel-e Mowazzar bar Savad-e Qorani-e Daneshjuyan" (Investigating Obstacles and Effective Factors in Students' Quranic Literacy), Salamat Image Magazine, No. 7, 1395 SH (2016 CE).
4. Farahibakhshaish, Ali Akbar, Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, "Rahkarha-ye Ons ba Quran Karim dar Andishe-ye Maqam-e Moazzam-e Rahbari Damat Barakatuh" (Strategies for Intimacy with the Holy Quran in the Thought of the Supreme Leader), Studies in Quran Recitation, 1400 SH (2021 CE).
5. Ghiyasvand, Ahmad, "Barresi-ye Vaz'iyat-e Rafaat-haye Dini dar Bayn-e Daneshjuyan" (Investigating the Status of Religious Behaviors Among Students), National Studies Quarterly, Year 8, No. 30, 1386 SH (2007 CE).
6. Hajivand, Abdullah, "Barresi-e Mizar va Shiveh-ye Eghtelal-e Afsordegi dar Miyan-e Daneshjuyan-e Howzeh-haye Elmieh va Daneshgah-haye Elmi va Ertebat-e An ba Negareshe Mazhabi" (Investigating the Rate and Prevalence of Depression Among Students of Religious Seminaries and Scientific Universities and Its Relationship with Religious Attitudes), Abstract Collection of the Medical Sciences Research Conference in Islam, Kerman, Vol. 3, 1379 SH (2000 CE).
7. Hosseinbar, Mohammad Ashraf; Sepahian, Abdolmalek; Muslimpur, Mahri, "Barresi-e Vazayat-e Savad-e Quran-i danesh-amuzan-e Doreh-e Motvaseteh Aval Madaris-e Shahr-e Saravan ba Tavajoh be Sand-e Tahavol-e Bonyadine va Barnameh-e Dars-e Melli" (Investigating the Status of Quranic Literacy of Middle School Students in Saravan City Schools Regarding the Fundamental Transformation Document and the National Curriculum), Second National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences and Psychology, Social and Cultural Studies, Tehran, Soroush Hekmat Islamic Studies and Research Center, 1394 SH (2015 CE).
8. Ismaili Sadraabadi et al., "Barresi-e Asarebakhshy-e Tadabbor dar Ayat-e Quran Karim bar Afzayesh-e Salamat-e Ravani" (The Effectiveness of Reflection on the



- Verses of the Holy Quran on Increasing Mental Health*), Interdisciplinary Quran Studies, Vol. 7, No. 1, 1395 SH (2016 CE).
9. Khormashahi, Bahauddin, *Daneshnameh-e Quran va Quran Pazhuhi (Encyclopedia of the Quran and Quranic Studies)*, Tehran: Doostan - Nahid, 1377 SH (1998 CE).
 10. Khosravi, Hossein et al., *"Ta'een-e Rahbordhay-e Erteqay-e Bahravi-ye Amuzesh-e Omumi-e Quran"* (Determining Strategies for Improving General Quranic Education), Institute for Educational Studies and Planning, 1398 SH (2019 CE).
 11. Koohi, Alireza, *"Ons ba Quran"* (Intimacy with the Quran), Imam Khomeini Portal, <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n126397/%D8%A7>, 1396 SH (2017 CE).
 12. Mansouri, *"Avamel-e Mowasir dar Behbood-e Amoozesh-e Quran az Nazar-e Moaliman-e Madres-e Ebtadai Shahr-e Tehran"* (Effective Factors in Improving Quran Teaching from the Perspective of Elementary School Teachers in Tehran), Tehran: Education Department of Tehran, 1393 SH (2014 CE).
 13. Mohammadyan, Naeimi, Choupani, *"Asarbakhshi-e Estemae-e Avaye Quran-e Karim dar Behbood-e Afsordegi-ye Zanan Nabavar"* (Effectiveness of Listening to the Sound of the Holy Quran in Improving Depression in Infertile Women), Interdisciplinary Quranic Studies Quarterly, Year 6, No. 1, 1394 SH (2015 CE).
 14. Rahbarinezhad, Yadallah, *Evaluation of the Experimental Curriculum of Basic Elementary Quran Education*, Tehran: Educational Research and Planning Organization, Office of Curriculum Planning and Textbook Authoring, 1380 SH (2001 CE).
 15. Ramazanzadeh, Khair al-Nisa; Miri, Mohammad Reza; Hashemi, Seyyed Mohammad, *"Ons ba Quran va Rabete-an ba Behdasht-e Ravani dar Daneshjuyan"* (Intimacy with the Quran and its Relationship with Mental Health in Students), Religion and Health Magazine, No. 2, 1394 SH (2015 CE).
 16. Rostamizadeh Bahrami, Khadijeh, *Ahammiyat e Quran (Importance of the Quran)*, Tehran: Basharat, 1386 SH (2007 CE).
 17. Sadaqpour, Bahram, Mahmoudian, Majid, Salmanian, Hamid Reza, *"Barresi-ye Ta'sir-e Amoozesh-e Amoozeha-ye Qorani bar Behbood-e Pazeeresh-e Ejtemai"* (Investigating the Effect of Quranic Teachings on Improving Social Acceptance), Interdisciplinary Quranic Studies Journal, Year 1, No. 2, 1388 SH (2009 CE).
 18. Sadeqi, Aziz, *"Ahammiyat va Jayegah-e Quran az Didegah-e Bozorgan"* (The Importance and Position of the Quran from the Perspective of the Greats), Eslahe.com, <http://eslahe.com/80>, 1391 SH (2012 CE).
 19. Saeedi Rezvani, Mahmoud et al., *"Arzeshiabi-e Barune-dad Barname-ye Amuzesh-e Quran Payeh Panjom-e Ebtedayi"* (Evaluation of the Outcome of the Fifth Grade Quran Education Program), Tehran: Educational Research and Planning Organization, Office of Curriculum Planning and Textbook Authoring, 1388 SH (2009 CE).
 20. Salarai, *"Savad-e Quran-i Chist?"* (What is Qurnaic Literacy?), Retrieved from <http://yavaraneqoran.blogfa.com/post/242>, 1392 SH (2013 CE).

21. Sarajzadeh, Hossein; Javaheri, Fatemeh, "*Negareshha va Raftar-e Daneshjuyan (Perspective and Behaviors of University Students)*", Tarh-e Pazhuheshi, Ministry of Science, Research and Technology, Office of Social Planning and Cultural Studies, 1382 SH (2003 CE).
22. Secretariat of the Supreme Council of Education, *Strategic Transformation Document of the Formal General Education System of the Islamic Republic*, 1389 SH (2010 CE).
23. Sha'bani, Zahra, "*Arzeshyabi az Ejrai-e Azmashi-e Quran-e Paye Chaharom-e Ebtadai*" (*Evaluation of the Experimental Implementation of Fourth-Grade Elementary Quran Teaching*), Organization for Educational Research and Planning, Office of Curriculum Planning and Textbook, 1381 SH (2002 CE).
24. Shoaie, Ali Asghar, Ghasempour, Mehdi, "*Barresi-e Avamel-e Erteghaye Sete-e Amoozeshe Moaliman-e Quran*" (*Investigating Factors Enhancing the Educational Level of Quran Teachers*), Studies in Quran Recitation, 1399 SH (2020 CE).
25. farahi bakhshayesh, A., & Rezaei, Isfahanian. Mohammad Ali. (2022). Strategies for Getting Acquaintance with the Quran in the Viewpoint of the Supreme Leader□. 5- QERAT, 9(17), 64-86. doi: 10.22034/qer.2022.6521
26. University of Farhangian, *Statute of the University of Farhangian*, 1391 SH (2012 CE).
27. University of Farhangian, *Strategic Document of the University of Farhangian in the Horizon of 1404 (2025 CE)*, 1394 SH (2015 CE).
28. Vakil, Masoud, "*Savad-e Qorani*" (*Quranic Literacy*), Special Issue on Quran Teaching, Ministry of Education, 1389 SH (2010 CE).
29. Yadalipour, Behrouz, "*Barresi-ye Mostanadat-e Rahay-e Ons ba Quran*" (*Investigation of the Documents of Ways to Intimacy with the Quran*), Quranic Studies Quarterly, Year 2, No. 6, 1390 SH (2011 CE).
30. Zare, Maryam, "*Barresi-ye Taghyir-e Negahha va Raftarha-ye Dini-ye Javanan*" (*Investigating Changes in Religious Attitudes and Behaviors of Youth*), Master's Thesis, Tehran: Faculty of Social Sciences, University of Tehran, 1380 SH (2001 CE).



Typology of Recitations Transmitted from Asim by Aban bin Taghlib and Its Contrast with Hafs's Reading *

Meysam Kohan Torabi¹

Abstract



Aban bin Taghlib, a prominent scholar, lexicographer, and renowned reciter of Shia Islam in the 2nd century Hijri, possessed a distinctive recitation style and even authored a book titled "Al-Qira'at." His role and the recitations transmitted from him are not obscure in comprehending and interpreting the Quran. He presented his recitation in the lineage of distinguished reciters like Asim and was a transmitter of their recitations. The prevalent recitation known as Hafs's recitation originates from Asim, and Aban also transmitted his recitation from Asim. The extent to which Aban's transmitted readings were what he heard from Asim is uncertain. However, in interpretative texts and when transmitting various recitations, it has been explicitly stated in some instances that Aban transmitted this particular recitation from Asim. The current research, through scrutiny of Shia and Sunni sources, has meticulously gathered these instances. It firstly addresses cases where Aban explicitly narrated this recitation from Asim and secondly explores the differences between the transmitted recitation and Hafs's recitation. Considering Aban's direct transmission from Asim, from whom the famous recitation reaches him through Hafs today, examining the discrepancies in Aban's and Asim's transmissions could significantly assist in understanding and interpreting the Quranic verses. Aside from one case, this study primarily delves into the differences in the structure of words in two categories: verbs and nouns, each briefly listed with their semantic disparities.

Keywords: Aban bin Taghlib, Asim, Hafs, Disparities in Recitations.

*. **Date of receiving:** 24/07/2022, **Date of approval:** 29/10/2023.

1. Assistant Professor at University of Bozorgmehr, Qaenat, Iran: kohantorabi@buqaen.ac.ir .



گونه‌شناسی قرائات منقول از عاصم توسط ابان بن تغلب و تفاوت آن با قرائت حفص *

میثم کهن ترابی^۱



چکیده

ابان بن تغلب که یکی از محدثان، لغت‌شناسان و قاریان مشهور شیعه در قرن دوم هجری به شمار می‌آید، قرائتی مخصوص به خود داشته و حتی کتابی با عنوان القرائات تألیف کرده بود. نقش او و قرائات منقول از او در فهم و تفسیر قرآن برکسی پوشیده نیست. او قرائت خویش را بر قراء بزرگی چون عاصم عرضه کرده و ناقل قرائت آنها نیز بوده است. قرائت رایج قرائت حفص از عاصم است و ابان نیز قرائت خود را از عاصم داشته است. اینکه چه مقدار از قرائاتی که ابان نقل کرده، قرائتی است که از عاصم شنیده است، مشخص نیست، لکن در کتب تفسیری و به هنگام نقل قرائات مختلف، در برخی موارد تصریح شده که ابان قرائت این واژه را از عاصم نقل کرده است. پژوهش حاضر، با تتبع در منابع شیعه و سنی این موارد را احصا کرده است. مواردی که اولاً تصریح شده که ابان این قرائت را از عاصم نقل کرده و ثانیاً قرائت نقل شده با قرائت حفص، تفاوت دارد. با عنایت به نقل بی‌واسطه ابان از عاصم که قرائت مشهور امروز، از طریق حفص به او می‌رسد، بررسی تفاوت‌های نقل ابان و عاصم می‌تواند در فهم و تفسیر آیات راهگشا باشد. آنچه در این پژوهش احصا شده به جز یک مورد، مربوط به تفاوت در ساختمان واژه در دو بخش افعال و اسامی است که به صورت مجزا فهرست و تفاوت معنایی آن مختصراً بیان شده است.

واژگان کلیدی: ابان بن تغلب، عاصم، حفص، اختلاف قرائات.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۹/۰۹.

۱. استادیار دانشگاه بزرگمهر، قانات، ایران: kohantorabi@buqaen.ac.ir.



مقدمه

یکی از ارکان مهمی که در دانش قرائت قرآن همواره مدنظر قرائت‌پژوهان بوده، قاریان و ناقلان قرائات قرآنی هستند. دو نفر از برجسته‌ترین این قاریان، عاصم بن ابی النجود و حفص بن سلیمان هستند که ناقل مشهورترین قرائت قرآن در جهان اسلام تاکنون به شمار می‌آیند. قرائتی که امروزه اکثر مسلمانان بدان ملتزم هستند، قرائت حفص از عاصم است. دیگر شخصیت مبرز در دانش قرائت، ابان بن تغلب است. او قرائت خویش را بر قاریانی از جمله عاصم عرضه داشته‌است. در کتب متعددی که در موضوع قرائت قرآن نوشته شده و همچنین در تفاسیر فریقین، گزارش‌هایی از این قرائت به دست ما رسیده است. این گزارش‌ها طریق دیگری است که ما را به قرائت عاصم می‌رساند. توضیح بیشتر اینکه اعتبار قرائت حفص، علاوه بر شخصیت خود حفص به عاصم و همچنین استادش ابوعبدالرحمان سلمی برمی‌گردد که قرائت خویش را از علی (علیه السلام) اخذ کرده است. این مطلب را ابن جزری از خود حفص نقل کرده که عاصم به من گفت: قرائتی را که به تو آموختم همان قرائتی است که از ابوعبدالرحمان سلمی اخذ کردم و او عیناً از علی (علیه السلام) فراگرفته‌است (ابن جزری، ۲۰۰۹: ۳۴۸/۱). با این وصف، بررسی قرائت ابان از عاصم از دو جهت حائز اهمیت و اعتناست؛ اول شخصیت خود ابان است که هم در میان شیعه و هم اهل سنت مورد وثوق است (در قسمت شخصیت‌شناسی ابان بن تغلب به این مطلب پرداخته شده‌است) و نقل او از اهمیت روایی برخوردار است و هم اینکه طریقه‌ای دیگر است به قرائت عاصم که از بهترین قرائات است. به همین سبب، مسئله پژوهش حاضر متمرکز بر این پرسش است که قرائت ابان بن تغلب از عاصم با قرائت حفص بن سلیمان از عاصم چه تفاوت‌هایی دارد؟ و این تفاوت‌ها از چه نوعی است؟

پیرامون قرائات ابان بن تغلب، در کتاب ارزشمند میراث قرآنی ابان بن تغلب نوشته محمدحسین مدنی که در سال ۱۳۹۴ توسط انتشارات دارالحدیث منتشر شده مطالب مفصلی نقل شده و حتی در انتهای کتاب، کل قرائات منقول از او فهرست شده‌است، لکن پژوهشی مستقل که صرفاً قرائات ابان که منقول از عاصم و متفاوت از قرائت حفص باشد را به صورت مستوفی مورد بررسی قرار داده باشد، انجام نشده‌است. لازم به ذکر است ابان بن تغلب از دیگرانی چون ابوعمر و شیبانی و طلحه نقل قرائت کرده است، اما در این پژوهش صرفاً قرائاتی مدنظر قرار گرفته که در متن منابع مورد استفاده تصریح شده‌است که ابان این قرائت را از عاصم نقل کرده‌است؛ چه اینکه قرائات خود ابان بن تغلب از تعداد احصاء شده در این پژوهش بسیار بیشتر است. حتی مواردی که قرائت عاصم و ابان یکی بوده نیز در این

پژوهش مورد استفاده قرار نگرفته است چون امکان نقل لبان از دیگران وجود داشته است. در این پژوهش/ارفاً قرائاتی از ابان به نقل از عاصم ذکر شده که با قرائت حفص از عاصم متفاوت بوده است. نکته آخر اینکه با توجه به نقل برخی از این قرائات در منابع متعدد، تلاش بر آن بوده که به منبع متقدم ارجاع و از ذکر منابع پس از آن پرهیز شود.

الف. مفاهیم و شخصیت‌ها

در این قسمت به مفهوم‌شناسی مفاهیم کلیدی و معرفی مختصر شخصیت‌هایی که شناخت آنها در ایصال به هدف مقاله کمک می‌کند، پرداخته می‌شود.

علم قرائت و مقوله اختلاف قرائات

قرائت در لغت از ریشه «ق ر أ» و به معنای جمع کردن، خواندن و ضمیمه کردن است (قرشی، ۱۳۸۶: ۲۶۰/۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/۱۲۸). تعاریف مختلفی از این علم ارائه شده است. چنانکه زرکشی این علم را این گونه تعریف نموده است: «قرائات عبارت از اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی است که درباره حروف و کلمات قرآن و کیفیت آنها از قبیل تخفیف و تشدید و امثال آنها از سوی قراء نقل شده است» (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱/۳۱۸) و یا تعریفی که علامه طباطبائی ارائه داده است: «فنی است که به ضبط و توجیه قرائت‌های هفت گانه معروف و قرائت‌های سه گانه دیگر و قرائت‌های صحابه و شواذ قرائت‌ها می‌پردازد» (طباطبائی، ۱۳۸۸: ۱۰۹) که از جمله کامل‌ترین آنها این تعریف است: «قرائت علمی است که توسط آن اتفاق نقل کنندگان کتاب خدا و همچنین اختلافشان در حذف و یا ثبوت، حرکت یا سکون، فعل یا وصل و غیر آن دانسته می‌شود» (بنا، ۱۴۰۷: ۵).

البته بر این تعریف نقدهایی وارد است و گاه تکمله‌ای بر آن افزوده شده که ذکر آن در این مجال ضرورت ندارد و برخی دانشمندان به صورت مفصل به آن پرداخته‌اند (مصلح القضاء، ۱۴۲۲: ۴۸-۴۷). برای این علم مراحل و تطوراتی نیز ذکر شده است چنانکه عبدالهادی فضلی شانزده مرحله را در شکل‌گیری این علم مؤثر دانسته و به تفصیل در مورد آن سخن گفته است که مراحل ابتدایی آن در عصر حضور پیامبر اسلام ﷺ شکل گرفته و نهایتاً به تسبیح قرائات توسط ابن مجاهد، احتجاج پیرامون جوانب لغوی صوتی صرفی و نحوی قرائت‌های گوناگون، تثمین و تفسیر قرائات و به کارگیری ضوابطی خاص در تفاوت قرائات صحیح و غیر صحیح ختم می‌شود (ر.ک: فضلی، ۱۴۰۵: ۱۳ - ۵۴).



۱. ابان بن تغلب

لبان بن تغلب؛ ابوسعید بن رباح بکری جُریری کُندی رَبعی کوفی (م ۱۴۱ق) از مشهورترین فقها، محدثین، مفسرین و قاریان شیعه به‌شمار می‌آید که محضر اصحاب امام سجاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام را درک، از این سه امام نقل حدیث کرده و در نزد آنها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است (طوسی، ۱۴۱۷: ۶۵). او به کثرت حدیث از امام صادق علیه السلام مشهور بود به‌گونه‌ای که نقل شده سی هزار حدیث از ایشان روایت کرده است (حلی، ۱۴۱۱: ۹-۱۰). به همین سبب برخی ابان را سرزنش می‌کردند. خود او نقل می‌کند در پاسخ به کسانی که مرا به خاطر کثرت روایت از جعفر بن محمد سرنش می‌کردند گفتم: چگونه مرا در روایت کردن از شخصیتی ملامت می‌کنید که درباره هرچه از او پرسیدم گفتم: پیامبر فرمود (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۲-۱۳). امام صادق علیه السلام نیز به این گزارش صحه گذارده و به سلیم بن ابی حیه فرمود: به سراغ ابان برو چون او از من حدیث بسیاری شنیده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۳). امام باقر علیه السلام از ابان بن تغلب خواسته بود در مسجد بنشیند و برای مردم فتوا بدهد. نقل شده که وقتی وارد مدینه می‌شد، دیگر حلقه‌های درس تعطیل شده و جایگاه پیامبر به هنگام خطابه به او داده می‌شد. وی فقیه و لغت‌شناسی بزرگ بود که تسلط خوبی بر لغت عرب داشت و کتابی هم در مورد واژه‌های دشوار قرآن تألیف کرده و در آن به شواهدی از اشعار عرب استناد کرده بود. شیخ طوسی می‌گوید: ابان قرائتی مخصوص به خود داشت و از قول محمد بن موسی بن مریم نقل می‌کند که قرائت را از ابان بن تغلب شنیده‌ام و توانا تر از او قاری نیافتم (طوسی، ۱۴۱۷: ۷). ابان دارای قرائتی مستقل و مشهور نزد قاریان بوده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۱) وی قرائت خود را بر عاصم و ابوعمر شیبانی و طلحة بن مصرف و اعمش قرائت کرده و یکی از سه نفری است که کل قرآن را بر اعمش قرائت کرده بود (ابن جزری، ۲۰۰۹: ۱۱/۱). اکثریت قریب به اتفاق دانشمندان اهل سنت نیز وثاقت او را تأیید کرده‌اند (ابن ابی حاتم، ۱۹۵۲: ۲۹۷/۱). البته برخی به جهت مذهبش ابان بن تغلب را مذمت کرده‌اند (ابن جوزی، ۱۴۰۶: ۱۵/۱). لکن ذهبی آن را سوء تفاهم دانسته و رد کرده است (ذهبی، ۱۹۶۳: ۶۵/۱). او کتابی به نام «القرائات» نیز داشته (ابن ندیم، ۱۴۱۷: ۲۶۷) که مفقود شده و اکنون در دسترس نیست. با عنایت به قرائات نقل شده از وی در کتب قرائات و تفسیر، این کتاب بازیابی شده است. برای قرائت او ویژگی‌هایی بر شمرده‌اند و تحلیل‌هایی نیز ارائه شده است که ذکر تمامی آنها در این مجال نمی‌گنجد.^۱

۱. برای آگاهی بیشتر: ر.ک: مدنی، ۱۳۹۴: ۲۴۶-۲۵۷؛ معرفت، ۱۳۸۸: ۳۴۳/۱-۳۴۶.

۲. عاصم بن ابی النجود

عاصم بن ابی النجود بهدله کوفی (م ۱۲۷ق) از جمله تابعین و یکی از قراء سبعة است. او علاوه بر زر بن حبیش، ابوعمرو شیبانی، قرائت خود را از ابوعبدالرحمان سلمی آموخته است که ناقل قرائت علی علیه السلام بوده است. از عاصم نقل شده که هیچ کس جز ابوعبدالرحمان قرآن را به من نیاموخت و من هرگز از قرائت او تخطی نکردم (ابن جزری، ۱۳۵۱: ۳۴۸/۱). او پس از درگذشت استادش، قاری کوفه شد (ذهبی، ۱۴۲۷: ۲۵۶/۵). دانشمندان شیعه و سنی فراوانی از جمله قرائت او را بهترین و فصیح ترین قرائات برشمرده اند. ابن جزری قرائت او را افصح القرائات توصیف می کند (ابن جزری، ۲۰۰۹: ۷۵/۱). احمد بن حنبل در پاسخ به پرسش پسرش تصریح می کند که عاصم مورد وثوق است و من قرائت او را برگزیده ام (ذهبی، ۱۹۶۳: ۳۵۸/۲). قرلنت او قرائتی مشهور و شناخته شده بود؛ چنانکه ابن خلکان می گوید قرائت عاصم مورد توجه همگان و زبانزد بود (ابن خلکان، بی تا، ۹/۳). از همین رو نقل است که قرائت او را به عنوان قرائت مرسوم با رنگ سیاه و دیگر قرائت ها را با رنگ دیگری می نوشتند که با قرائت عاصم اشتباه نشود (خوانساری، ۱۳۹۰: ۴/۵).

۳. حفص بن سلیمان

حفص، ابوعمرو حفص بن سلیمان اسدی غاضری (م ۱۹۰ق) فرزند همسر عاصم بود و در خانه او رشد کرد و از او قرائت قرآن را آموخت. او به جهت درک طولانی و مستمر عاصم، دقیق ترین قرائت را از او نقل کرده است. گفته اند میان قرائت او و قرائت عاصم صرفاً یک اختلاف و مربوط به قرائت واژه «ضعف» در آیه ۵۴ سوره روم است که عاصم «ض» را به فتح و حفص به ضم خوانده است (ابن جزری، ۲۰۰۹: ۲۵۴/۱). از طرف دیگر از آنجا که قرائت حفص، بر اصول و قواعد زبان عربی استوار است، قرلنت او را بر دیگر قاری قرلنت عاصم یعنی ابوبکر بن عیاش ترجیح داده اند (یاقوت حموی، ۱۹۹۳: ۱۱۸۰/۳). او از اصحاب امام باقر علیه السلام و صادق علیه السلام بوده و سند قرائت او از طریق عاصم و ابوعبدالرحمان به علی علیه السلام می رسد. امروزه در بیشتر کشورهای اسلامی، قرآن را به قرائت حفص از عاصم تلاوت می کنند و غالب قرآن ها نیز بر اساس همین قرائت نوشته شده است.



ب. گونه‌های قرائت متفاوت ابان بن تغلب از عاصم

پس از بررسی قرائات منقول از عاصم به نقل از ابان بن تغلب، در قالب یک داوری کلی می‌توان گفت که قرائت او از عاصم با قرائت حفص از عاصم انطباق کلی دارد، لکن موارد اختلافی را که تعداد پرشماری هم نیستند، می‌توان به دو بخش کلی افعال و اسامی تقسیم کرد که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱. قرائات متفاوت با حفص در قالب افعال

اکثر قریب به اتفاق قرائات منقول از عاصم به نقل از ابان که با قرائت حفص متفاوت است، در قالب فعل هستند. گاه تفاوت قرائات موجود در افعال مربوط به معلوم و مجهول بودن فعل، گاه صیغه فعل و گاه ابواب افعال است و گاهی نیز دو مورد از موارد فوق الذکر در یک مصداق جمع می‌شود که در ادامه به بررسی این مصادیق با رعایت ترتیب سور قرآنی پرداخته می‌شود.

یک. تفاوت در صیغه و ذکر فاعل فعل

گاهی قرائتی که ابان از عاصم نقل می‌کند فعلی است که دو تفاوت با نقل حفص از عاصم دارد: یکی اینکه صیغه آن متفاوت است و دیگری اینکه در معلوم و مجهول بودن انطباق ندارد. این حالت در دو مورد اتفاق افتاده است.

۱. آیه ۵۸ سوره بقره: «وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ». ابان قرأ «يُغْفَرُ» را به جای «نَغْفِرُ» از عاصم روایت کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۶۹/۱) که هم فعل معلوم تبدیل به مجهول شده و هم صیغه متکلم مع‌الغیر به صیغه غایب تغییر یافته است. بر این اساس ترجمه آیه این گونه خواهد بود: «و به یادآورید هنگامی که گفتیم وارد این قریه شوید و از نعمت‌های فراوان آن بخورید و از آن درسجده‌کنان وارد شوید و بگوئید خدایا گناهان ما را فرو ریز تا خطای شما آمرزیده شود و ما بر ثواب نیکوکاران خواهیم افزود».

۲. آیه ۱۹ سوره فصلت: «وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ». «یاد کن روزی را که دشمنان خدا به سوی آتش گردآوری شده و آنها را از حرکت باز می‌دارند». از ابان بن تغلب روایتی متفاوت با حفص از عاصم نقل شده است: فعل «نَحْشَرُ» به جای «يُحْشَرُ» (رسعنی، ۱۴۲۹: ۱۷/۷). در قرائت حفص، فعل، مفرد مذكر غایب به صورت مجهول است در حالی که در قرائت ابان، فعل متکلم مع‌الغیر به صورت معلوم آمده است. معنای عبارت این گونه خواهد بود: «یاد کن روزی را که دشمنان خدا را به سوی آتش می‌بریم و آنها را از حرکت باز می‌دارند».

دو. تفاوت در باب و معلوم و مجهول بودن

در دو مورد، قرئت ابان از عاصم از لحاظ باب فعل و معلوم و مجهول بودن با قرئت حفص از عاصم متفاوت است:

۱. آیه ۱۴۶ سوره آل عمران: «وَكَايْنٍ مِنْ نَبِيٍّ قَاتِلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ:» «و چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنها جنگ کردند...». نقل شده که ابان به جای فعل «قاتل» از فعل «قُتِلَ» استفاده می‌کرد (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳۳۲/۱). در این مصداق، باب مفاعله از ابواب ثلاثی مزید تبدیل به ثلاثی مجرد شده و فعل معلوم نیز مجهول شده است. بر این اساس می‌توان این ترجمه را برای عبارت فوق پیشنهاد داد: «و چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی در کنار آنها کشته شدند...».

۲. آیه ۱۶ سوره حدید: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ:» «آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل کرده است خاشع گردد؟» تفاوت قرئت ابان با حفص به نقل از عاصم در فعل «نَزَلَ» است که قرئت ابان به صورت «نُزِلَ» روایت شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲۳۵/۴). در این قرائت علاوه بر اینکه فعل از ثلاثی مجرد به باب تفعیل ثلاثی مزید آمده مجهول هم شده و می‌توان عبارت فوق را این گونه ترجمه کرد: «آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل شده خاشع گردد؟»

سه. تفاوت در معلوم و مجهول بودن

تعدادی از قرائات متفاوت ابان از عاصم نسبت به حفص مربوط به افعالی است که صرفاً تفاوت آنها مربوط به معلوم و مجهول بودن است که در ادامه به ترتیب سور قرآنی فهرست و بررسی می‌شود.

۱. آیه ۲۷۹ سوره بقره: «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ:» «اگر چنین نمی‌کنید بدانید خدا و رسولش با شما پیکار خواهند کرد و اگر توبه کنید سرمایه‌های شما از آن شماست نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم وارد می‌شود». در قرائتی که از ابان نقل شده عبارت «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» به صورت «لَا تُظْلَمُونَ و لَا تَظْلِمُونَ» قرائت شده است (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۷۱۶/۲). همانگونه که پیداست در این روایت ترتیب دو فعل معلوم و مجهول در قرئت حفص به مجهول و معلوم در قرئت ابان تغییر پیدا کرده است و تفاوتی در ترجمه به وجود نمی‌آید.



۲. آیه ۱۰ سوره نساء: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا»: «کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می‌خورند تنها آتش می‌خورند و به زودی در شعله‌های آتش می‌افتند». در قرائتی که از ابان نقل شده فعل «سَيَصْلَوْنَ» به صورت «سَيُصْلَوْنَ» ذکر شده است (فارسی، ۱۴۱۳: ۱۳۶/۳) و معنای آیه بر این اساس این گونه خواهد شد: «وبه زودی در شعله‌های آتش افکنده خواهند شد».

۳. آیه ۱۶۳ سوره اعراف: «وَأَسْأَلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَيَوْمَ لَا تَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ»: «و از آنها درباره شهری که در ساحل دریا بود بپرس زمانی که آنها در روزهای شنبه تجاوز و نافرمانی خدا می‌کردند همان هنگام که ماهیان‌شان در روز شنبه آشکار می‌شدند اما در غیر روز شنبه به سراغ آنها نمی‌آمدند». فعل «يَسْبِتُونَ» در قرائت حفص به صورت «يُسْبِتُونَ» در قرائت ابان تغییر پیدا کرده و به صورت مجهول ذکر شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۶۳/۲). تفاوتی که در ترجمه ایجاد می‌شود این گونه است که به جای ترجمه «در غیر روز شنبه نمی‌آمدند» به «در غیر روز شنبه به سوی آنها فرستاده نمی‌شدند» و این کارکرد مجهول بیشتر به این نکته اشاره دارد که این نیامدن در غیر روز شنبه به فرمان الهی بوده است.

۴. آیه ۱۲ سوره انشقاق: «وَيُصَلَّى سَعِيرًا»: «در آتش سوزان می‌افتند». منقول است که ابان بن تغلب از عاصم قرائت مجهول این فعل یعنی «يُصَلَّى» را روایت کرده است (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۵/۴۵۸) به این معنا: «در آتش سوزان افکنده خواهند شد».

۵. آیات ۷ و ۸ سوره زلزال: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»: «هرکس هموزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند و هرکس هموزن ذره‌ای کار شر انجام دهد آن را می‌بیند». در قرائت ابان از عاصم، دو فعل «یره» که در انتهای این دو آیه آمده به صورت مجهول «یُرّه» قرائت شده است (طوسی، بی‌تا، ۳۹۲/۱۰). بر این اساس ترجمه این آیات این گونه خواهد بود: هرکس هموزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد، به او نشان داده می‌شود و هرکس هموزن ذره‌ای کار شر انجام دهد به او نشان داده می‌شود.

چهار. تفاوت در ابواب فعل

برخی از مصادیق قرائات متفاوت ابان از عاصم نسبت به حفص مربوط به تفاوتی است که در ابواب فعل وجود دارد:

۱. آیه ۲۰ سوره بقره: «يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ»: «برق، نزدیک است چشمانشان را برباید». در قرائتی که از ابان بن تغلب نقل شده، عاصم «يَخْطَفُ» را به صورت «يَخْطِفُ» قرائت کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱/۴۱) همانگونه که پیداست تفاوت این دو قرائت صرفاً در تفاوت دو باب از ابواب ثلاثی مجرد است و از لحاظ معنایی تفاوتی بین این دو وجود ندارد.

۲. آیه ۵۱ سوره بقره: «وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً:» «به یاد آورید هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاشتیم». در قرائت منقول از ابان فعل «وَاَعَدْنَا» به صورت «وَعَدْنَا» روایت شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱/۶۴). تفاوت قرائت دوم این است که فعل به ثلاثی مجرد رفته است. در قرائت حفص فعل در باب مفاعله ثلاثی مزید است. در ترجمه این دو قرائت تفاوت چندانی وجود ندارد جز آنکه جنبه «مشارکت» که در وعده گذاری در باب مفاعله وجود دارد در ثلاثی مجرد نیست و این وعده گذاری در ثلاثی مجرد به صورت یک طرفه و از سمت خداوند مفهوم پیدا می کند.

۳. آیه ۱۵۲ سوره انعام «ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ:» «این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند تا پند بگیرید». نقل شده که ابان از عاصم قرئت با تخفیف و بدون تشدید فعل «تَذَكَّرُونَ» را به صورت «تَذَكَّرُونَ» روایت کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲/۹۳). فعل اول در باب تفعل از ثلاثی مزید و فعل دوم ثلاثی مجرد است.

۴. آیه ۱۶۰ سوره اعراف: «وَقَطَّعْنَاهُمْ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا:» «ما آنها را به ۱۲ گروه تقسیم کردیم». در قرائت ابان بن تغلب از عاصم فعل «قَطَّعْنَا» با تخفیف و به صورت «قَطَّعْنَاهُمْ» روایت شده است (طبرانی، ۲۰۰۸: ۳/۲۰۴). فعل از باب تفعیل ثلاثی مزید به ثلاثی مجرد رفته است.

۵. آیه ۵۸ سوره توبه: «وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ:» «و در میان آنها کسانی هستند که در تقسیم صدقات بر تو خرده می گیرند». ابان روایت کرده که عاصم فعل «يَلْمِزُ» را به صورت «يَلْمِزُ» قرائت می کرد (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲/۲۶۹). تفاوتی که بر اساس این قرائت ایجاد می شود انتقال فعل ثلاثی مجرد به باب افعال در ثلاثی مزید است.

۶. آیه ۱۶ سوره اسرا: «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَرْنَاهَا تَدْمِيرًا:» «و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای مترفین آنجا بیان می داریم سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند آنها را به شدت در هم می کوبیم». در روایت ابان از عاصم، قرائت «أَمَرْنَا» به جای «أَمَرْنَا» نقل شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۶/۳) از اهل بیت علیهم السلام نیز این قرئت نقل شده است. حرمان از امام باقر علیه السلام در مورد این آیه روایت نموده است که ایشان فرمودند: «أَمَرْنَا» با تشدید «میم» است. تفسیر آن یعنی: «زیاد کردیم»^۱ و من آن را مخفف قرائت نمی کنم (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲/۲۸۴). ابن جنی نیز این قرائت را به امام باقر علیه السلام

۱. این معنا برای فعل «أمر» هم در ادبیات عرب کاربرد دارد (فراهِیدی، ۱۴۰۹: ۸/۲۹۶) و همچنین روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که در آن واژه مأموره به معنای کثرت و فراوانی آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴/۲۸).



نسبت داده است (ابن جنی، ۱۴۱۵: ۲/۱۶). در مورد معنای این فعل، نظرانی وجود دارد اما با توجه به روایتی که از امام باقر (ع) ذکر شد ما همان معنای «کثَرنا» یعنی زیاد کردیم را انتخاب می‌کنیم. مؤید این معنا، یکی از مهم‌ترین کارکردهای باب تفعیل می‌باشد که بیان کثرت است. براساس این قرائت ترجمه آیه این چنین خواهد بود: «و چون بخواهیم مجتمعی را هلاک کنیم اعیان و خوشگذران‌های آنها را فراوان می‌کنیم پس آنها در آن محیط فسق و رزند پس حکم قطعی ما درباره آنها تحقق یابد پس آنها را به سختی هلاک سازیم.» لازم به ذکر است برخی از اهل لغت شواهدی نیز بر این معنا ارائه کرده‌اند از جمله آیه «لَقَدْ جِئْتَ شَيْئاً إِمْرًا» (کهف: ۷۱) که گفته شده «إمراً» یعنی «کثیراً» (همان).

گروهی دیگر «آثرنا» را «امارت دادیم» «مسلط ساختیم» معنا نموده‌اند (اندلسی، ۱۴۲۰: ۲۷/۷؛ سمرقندی، بی‌تا، ۲/۲۰۵). و معنای آیه این‌گونه می‌شود. «و چون بخواهیم مجتمعی را هلاک کنیم اعیان و خوشگذران‌های آنها را بر آنها مسلط کرده و حکومت می‌دهیم پس آنها در آن فسق و رزند پس حکم قطعی ما درباره آنها تحقق یابد پس آنها را به سختی هلاک کنیم.»

۷. آیه ۱۰۶ سوره اسراء: «وَقَوْلًا فَرَّقْنَاهُ يُتَقَرَّأُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَتَرْكْنَاهُ تَنْزِيلًا»: «و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم تا آن را با درنگ در مردم بخوانی و آن را بتدریج نازل کردیم». ابان از عاصم قرائت «فَرَّقْنَاهُ» را به جای «فَرَّقْنَاهُ» روایت کرده‌است (رسعی، ۱۴۲۹: ۲۳۲/۴). در قرائت حفص فعل «فرقناه» ثلاثی مجرد است، لکن در قرائت ابان بن تغلب، ثلاثی مزید و در باب تفعیل است که حاوی مفهوم مبالغه و تدریج بیشتری است.

۸. آیه ۶۳ سوره طه: «قَالُوا إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرًا زَائِرًا أَنْ يُخْرِجَاكَ مِنْ أَرْضِكَ بِسِحْرِهِمَا وَيُذْهِبَا بِطَرِيقَتِكَ الْمُمْلَى»: «و گفتند این دو نفر مسلماً ساحرند می‌خواهند با سحرشان شما را از سرزمینتان بیرون کنند و راه و رسم نمونه شما را از بین ببرند». نقل شده که قرائت ابان از عاصم «يُذْهِبَا» به جای «يُذْهِبَا» بوده‌است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۶۵/۳) در قرائت حفص فعل ثلاثی مجرد و در قرائت ابان در باب افعال از ابواب ثلاثی مجرد است.

۹. آیه ۶۳ سوره قصص: «قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا أَغْوَيْنَا»: «گروهی که فرمان عذاب درباره آنها مسلم شده‌است می‌گویند: پروردگارا ما اینها را گمراه کردیم، آری ما آنها را گمراه کردیم همان‌گونه که خودمان گمراه شدیم». از ابان بن تغلب قرائت «أَغْوَيْنَا» به جای «غَوَيْنَا» نقل شده‌است (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۳۱۸/۸). تفاوت موجود میان این دو قرائت، مربوط به تفاوت دو باب مختلف در ثلاثی مجرد است و تفاوت معنایی ایجاد نمی‌کند.

۱۰. آیه ۴۶ سوره غافر: «التَّارِ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ»: «در عذاب آنها آتش است که هر صبح و شام در آن عرضه می‌شوند و روزی که قیامت برپا شود می‌گوید: آل فرعون را در سخت‌ترین عذاب‌ها وارد کنید». در قرائتی که از ابان به نقل از عاصم ذکر شده فعل «أَدْخِلُوا» به صورت «أَدْخِلُوا» قرائت شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴/۱۴۱). تفاوت حاصل به تفاوت ابواب این دو فعل برمی‌گردد. در قرئت حفص «أَدْخِلُوا» فعل امری است از باب افعال که ثلاثی مزید است و در قرائت ابان، فعل امر از ثلاثی مجرد «دَخَلَ يَدْخُلُ» ساخته شده است. بر اساس قرائت ابان، ترجمه این گونه خواهد بود: ای آل فرعون وارد بر شدیدترین عذاب‌ها شوید.

۱۱. آیه ۶۸ سوره یس: «وَمَنْ نَعْمِرُهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ»: «هرکس را طول عمر دهیم در آفرینش واژگونه‌اش می‌کنیم آیا اندیشه نمی‌کنند؟» ابان از عاصم روایت کرده که فعل «نُنَكِّسْهُ» را به صورت «نُنَكِّسْهُ» قرائت می‌کرد (فارسی، ۱۴۱۳: ۶/۴۵). به عبارتی فعل مذکور از باب تفعیل به باب افعال تغییر پیدا کرده است.

۱۲. آیه ۹۴ سوره صافات: «فَأَقْبِلُوا إِلَيْهِ يَرْفُونَ»: «آنها با سرعت به او روی آورند». ابان بن تغلب قرائت «يَرْفُونَ» را به جای «يَرْفُونَ» از عاصم نقل کرده است (رسعنی، ۱۴۲۹: ۶/۴۰۱). تغییری که با این قرائت ایجاد شده آن است که فعل، از ثلاثی مجرد به باب افعال ثلاثی مزید منتقل شده است.

۱۳. آیه ۱۳ سوره حجرات: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»: «ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید». ابان قرائت «لِتَعَارَفُوا» که ثلاثی مجرد است را به جای «لِتَعَارَفُوا» که در باب تفاعل است به نقل از عاصم روایت کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴/۱۵۳).

۱۴. آیه ۱۱ سوره نجم: «مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ»: «قلب در آنچه دیده هرگز دروغ نگفت». ابان فعل «كَذَبَ» را به صورت مشدّد یعنی «كَذَّبَ» از عاصم نقل کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴/۱۸۶). یعنی از ثلاثی مجرد به باب تفعیل ثلاثی مزید تغییر یافته است که می‌تواند مفهوم مبالغه در نفی را به همراه داشته باشد.

۱۵. آیه ۷ سوره قیامة: «فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ»: «در آن هنگام که چشم‌ها از شدت وحشت به گردش درآید». نقل شده که ابان بن تغلب بر اساس قرائت عاصم فعل «بَرِقَ» را به صورت «بَرَقَ» قرائت می‌کرد (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۹/۹۵). تفاوت این دو قرئت، مربوط به دو باب مختلف در ثلاثی مجرد است. در تفاوت معنایی این دو فعل مطالبی مطرح شده است از جمله اینکه بر اساس قرائت حفص، «بَرَقَ» به معنای تاریکی نور چشم و یا شکافتن چشم است در حالی که «بَرِقَ» به معنای بسته شدن چشم هنگام مرگ و یا باز شدن آن به هنگام مشاهده ملک الموت است (ماوردی، بی تا، ۱۵۲/۶).



پنج. تفاوت در صیغه فعل

گاهی قرائاتی که ابان بن تغلب از عاصم نقل کرده صرفاً از جهت صیغه فعل با قرائت حفص اختلاف دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

۱. آیه ۲۳۰ سوره بقره: «وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»: «اینها حدود الهی است که خدا آن را برای گروهی که آگاهند بیان می‌نماید». در قرائتی که ابان از عاصم نقل کرده فعل «يُبَيِّنُهَا» صورت «تُبَيِّنُهَا» روایت شده است (فخررازی، ۱۴۲۰: ۶/۴۵۰). در این قرائت فعل متکلم مع الغیر جایگزین فعل مفرد مذکر غایب شده است و از آنجا که هردو به خداوند باز می‌گردد تفاوت مفهومی خاصی ایجاد نمی‌کند؛ چرا که در فعل غایب، فاعل «الله» است و در فعل متکلم هم سخن از زبان خداوند نقل شده است. فخررازی معتقد است ذکر فعل به صورت متکلم من باب تعظیم است (همان).

۲. آیه ۱۳ سوره آل عمران: «قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَتِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَهُمْ رَأْيِ الْعَيْنِ»: «در دو گروهی که در میدان جنگ بدر با هم روبرو شدند نشانه‌ای برای شما بود. یک گروه در راه خدا نبرد می‌کرد و جمع دیگری که کافر بود در راه شیطان در حالی که آنها با چشم خود دو برابر آن چه بودند، می‌دیدند». در قرائت ابان از عاصم فعل «يَرَوْنَهُمْ» به صورت «تَرَوْنَهُمْ» قرائت شده؛ یعنی فعل جمع مذکر مخاطب جایگزین جمع مذکر غایب شده است (طوسی، بی‌تا، ۴۰۷/۲). در هر دو صورت معنای عبارت تغییر نمی‌کند؛ چرا که در قرائت حفص، فاعل «یرون» مسلمانان هستند یعنی مسلمانان کافران را دو برابر خود می‌دیدند. در قرائت ابان روی سخن با مسلمانان است که شما، کافران را دو برابر خود می‌دیدید. البته برخی فاعل فعل «یرونهم» را یهود مدینه می‌دانند و به شأن نزول آیه که گفتگوی میان پیامبر و یهودیان مدینه پس از پیروزی در جنگ بدر بود استناد می‌کنند (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۱/۴۰۶).

۳. آیه ۴۶ سوره انفال: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»: «و فرمان خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و نزاع نکنید تا سست نشوید و قدرت شما از بین نرود». منقول است ابان از عاصم قرائت «يَذْهَبَ» را به جای «تَذْهَبَ» روایت کرده است (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۲/۵۳۶). در قرائت ابان از فعل مفرد مؤنث غایب به جای مفرد مذکر غایب استفاده شده و دلیل آن تفاوت دیدگاه‌ها درباره مذکر و مؤنث بودن «ریح» است؛ چنانکه برخی ریح را به معنای «قوة» در نظر گرفته و مؤنث محسوب کرده‌اند و گروهی معادل «النصر» دانسته و مذکر به‌شمار آورده‌اند (همان).

۴. آیه ۲۱ سوره یونس: «وَإِذَا أَدْفَنَّا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ صَرَاءَ مَسْئَلِهِمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرُفِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ»: «هنگامی که به مردم، پس از ناراحتی که به آنها رسیده رحمتی بپشانیم در آیات ما نیرنگ می کنند بگو خداوند سریع تر از شما مکر می کند و رسولان ما آنچه نیرنگ می کنید، می نویسند». ابان از عاصم، قرئت «يَمْكُرُونَ» را به جای «تَمْكُرُونَ» روایت کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳۲۳/۲). در این قرئت فعل جمع مذکر غایب به جای جمع مذکر مخاطب ذکر شده است یعنی «به درستی پیامبران ما آنچه نیرنگ می کنند را می نویسند». این قرئت از جهتی با ضمائر غایب «هم» که دوبار در آیه تکرار شده تناسب دارد.

۵. آیه ۳ شوری: «كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»: «این گونه خداوند عزیز و حکیم به تو و پیامبرانی که پیش از تو بودند وحی می کند». ابان از عاصم قرئت «يُوحِي» را به جای «يُوحِي» روایت کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۵۸/۴). در این قرئت، فعل از مفرد مذکر غایب که مراد «الله» است به فعلی در صیغه متکلم مع الغیر تبدیل شده است که در اینجا نیز فاعل خداوند است و تغییری بنیادی در لایه ایجاد نمی کند: «و ما این گونه به تو و پیامبرانی که پیش از تو بودند وحی کردیم».

۶. آیه ۲۵ سوره محمد: «الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَى لَهُمْ»: «شیطان اعمال زشت شان را در نظرشان زینت داده و آن را با آرزوهای طولانی فریفته است». قرآتی که از ابان نقل شده «أَمْلَى» به جای «أَمْلَى» است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۲۱/۴). در این قرئت فعل بدون تغییر در باب، در صیغه و البته زمان فعل تغییر یافته است. املی فعل مفرد مذکر غایب و ماضی در باب افعال است در حالی که املی فعل متکلم و حده مضارع در باب افعال است. بر اساس قرئت ابان ترجمه عبارت این گونه خواهد بود: «و شیطان اعمال زشت شان را در نظرشان زینت داده و من به آنها مهلت می دهم».

۷. آیه ۱۰ سوره فتح: «وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»: «و آن کس که نسبت به عهده‌ای که با خدا بسته وفا کند به زودی پاداش عظیمی به او خواهد داد». از ابان بن تغلب قرئت «فَسَيُؤْتِيهِ» به جای «فَسَيُؤْتِيهِ» نقل شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۳۰/۴). در این قرئت فعل متکلم مع الغیر که فاعل آن خداوند است جایگزین فعل غایب شده که باز هم فاعل خداوند است: «به زودی پاداش عظیمی به او خواهیم داد».

۸. آیه ۱۸ سوره حجرات: «إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»: «خداوند نهان آسمانها و زمین را می داند و خداست که به آنچه انجام می دهید بیناست». ابان فعل «تَعْمَلُونَ» را



به صورت «يَعْمَلُونَ» قرائت می‌کرد (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۳/۳۳۰) در این قرائت فعل جمع مذکر غایب به جای جمع مذکر مخاطب آمده و بر اساس آن ترجمه عبارت پایانی آیه این گونه خواهد بود: «خداست که به آنچه انجام می‌دهند بیناست».

شش. افعال با ریشه متفاوت

آنچه در موارد فوق مورد بررسی قرار گرفت، افعالی با ریشه یکسان بود، لکن یک قرائت از ابان بن تغلب نقاشی شده که از لحاظ ریشه واژه با قرائت حفص متفاوت است:

آیه ۲۵۹ سوره بقره: «وَأَنْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ تُنْشِرُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا»؛ «و به این استخوان‌ها بنگر که چگونه آنها را برداشته به هم پیوند می‌دهیم سپس گوشت بر آن می‌پوشانیم». ابان بن تغلب در قرائت خود از عاصم فعل «نُشِرُ» را به جای «نُشِرُ» روایت کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱/۲۳۵). ریشه فعل در این قرائت «نَشَرَ» به معنای زنده کردن است و بر اساس آن ترجمه عبارت این گونه می‌شود: «و به این استخوان‌ها بنگر که چگونه آنها را زنده می‌کنیم».

هفت. تفاوت در لهجه

در میان قرائت‌های منقول از ابان، قرائتی وجود دارد که تفاوت آن صرفاً به جهت تفاوت در لهجه میان اقوام مختلف عرب است: آیه ۲۳۳ سوره بقره: «لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ»؛ «نه مادر حق ضرر زدن به کودک را دارد و نه پدر». نقل شده که ابان به نقل از عاصم فعل «لَا تُضَارُّ» را به صورت «لَا تُضَارَّرُ» قرائت می‌کرد (نحاس، ۱۴۲۱: ۱/۱۱۶). این قرائت مختص اهل حجاز و بر مبنای لهجه آنهاست (مکی بن جموش، ۱۴۲۹: ۱/۷۸۰) و تفاوت معنایی میان دو قرائت وجود ندارد.

۲. قرائات متفاوت با حفص در اسامی

برخی از قرائاتی که از ابان به نقل از عاصم نقل شده در زمره اسامی است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

- آیه ۲۵۱ سوره بقره: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ»؛ «اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد قطعاً زمین تباه می‌گردید». نقل شده که ابان واژه «دَفْعُ» را به صورت «دِفَاع» قرائت می‌کرد (طوسی، بی‌تا: ۲/۲۹۹) و ترجمه این گونه خواهد بود: «اگر دفاع و حمایت خداوند از برخی در مقابل برخی دیگر نبود، قطعاً زمین فاسد می‌شد».

۱. آیه ۳۱ سوره نسا: «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلَكُمْ مُدْخَلَ كَرِيمٍ»
«اگر از گناهان بزرگ که از آن نهی شده‌اید دوری گزینید بدی‌های شما را از شما می‌زداییم و شما را به مقام نیکو می‌رسانیم». در قرائت ابان از عاصم «مُدْخَلَ» به صورت «مَدْخَلَ» نقل شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳۹۸/۱). «مُدْخَلَ» مصدر میمی و «مَدْخَلَ» اسم مکان است (صافی، ۱۴۱۸: ۲۲/۵). ترجمه: «و شما را به مکانی ارجمند وارد می‌کنیم».

۲. آیه ۲۶ سوره اعراف: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا»: «ای فرزندان آدم لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست». نقل شده که ابان به جای «رِيشًا»، از واژه «ریاشًا» در قرائت خود استفاده می‌کرد. (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۰۹/۲). «ریاش» جمع «ریش» است (فراء، ۱۹۸۰: ۳۷۵/۱).

۳. آیه ۴۰ سوره اعراف: «وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ»
«و وارد بهشت نمی‌شوند مگر اینکه شتر از سوراخ سوزن رد شود». در قرائت ابان از عاصم واژه «جَمَل» به جای «جَمَل» استفاده شده است (رسعنی، ۱۴۲۹: ۱۲۰/۲). از آنجایی که «جَمَل» به معنای مجموعه‌ای از ریسمان‌هاست (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲۳/۱)، ترجمه عبارت فوق این‌گونه خواهد بود: «آنها وارد بهشت نمی‌شوند مگر اینکه مجموعه‌ای از ریسمان‌های قطور از سوراخ سوزن رد شود».

۴. آیه ۱۰۵ سوره اعراف: «حَقِيقٌ عَلَى أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ»: «سزاوار است که بر خدا جز حق نگویم». در قرائت ابان از عاصم، واژه «علی» به صورت «عَلَى» نقل شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۴۲/۲). بنا به گفته فراء «علی» در اینجا به معنای «باء» است در حالی که «عَلَى» یعنی بر من واجب است. (فراء، ۱۹۸۰: ۳۸۶/۱).

۵. آیه ۴۶ سوره توبه: «وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُوا لَهُ عُدَّةً»: «و اگر به راستی اراده بیرون رفتن داشتند قطعاً برای آن ساز و برگ‌ی تدارک می‌دیدند». ابان از عاصم قرائت «عِدَّة» را به جای «عُدَّة» نقل کرده است. (ابن عطیه، ۱۴۲۰: ۴۰/۳).

۶. آیه ۱۲۳ سوره توبه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً»: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با کافرانی که نزدیک شما هستند پیکار کنید آنها باید در شما شدت و قدرت را احساس کنند». نقل شده که ابان به نقل از عاصم واژه «غِلْظَةً» را به صورت «غُلْظَةً» قرائت می‌کرد (ابن خالویه، ۱۴۱۳: ۲۵۸/۱). گفته شده که این تلفظ بر اساس لهجه بنی تمیم است (نحاس، ۱۴۲۱: ۱۲۸/۲).

۶. آیه ۱۰۶ سوره اسرا: «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا»: «و قرآنی که



- آیاتش را از هم جدا کردیم تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی و آن را بتدریج نازل کردیم». در قرائتی که ابان از عاصم نقل کرده، به جای واژه «مُکث» از «مُکث» استفاده شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۵۹/۳).
۷. آیه ۳۱ سوره کهف: «يُحْلَوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ»: «در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته می شوند». نقل شده که ابان به جای «آساور»، «أسورة» با فتح و او قرائت می کرد (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۵۱۴/۳).
- پیداست که تفاوت این دو قرائت تفاوت میان دو واژه جمع و مفرد است. اساور جمع اسوره است.
۸. آیه ۹۶ سوره کهف: «آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا»: «قطعات بزرگ آهن برایم بیاورید تا وقتی کاملاً میان دو کوه را پوشانید گفت: در آن بدمید». قرائت «صَدَفَيْنِ» به جای «صَدَفَيْنِ» از ابان به نقل از عاصم روایت شده است. (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۲۲۷/۴).
۹. آیه ۱۴ سوره مومنون: «فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا»: «و روی استخوان ها گوشت پوشانیدیم». در قرائت ابان، واژه «لِحَامًا» به جای «لَحْمًا» به کار رفته است (فارسی، ۱۴۱۳: ۲۸۸/۵). لحام جمع لحم است یعنی گوشت ها را بر روی استخوان ها پوشانیدیم.
۱۰. آیه ۳۵ سوره نور: «الرَّجَاةُ كَأَنَّهُا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ»: «همانند چراغدانی است که در آن چراغی باشد آن چراغ در حبایی قرار دارد حبایی شفاف و درخشنده هم چون یک ستاره فروزان که با روغن افروخته می شود که از درخت پربرکت زیتون گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی». نقل شده که قرائت ابان از عاصم «دری» به جای «دُرِّي» بوده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲۹۵/۳). گفته شده دریء که از ریشه درأ می آید به معنای درخشنده و تابان است (همان).
۱۱. آیه ۲۳ سوره نمل: «إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ»: «زنی را یافتم که بر آنها سلطنت می کرد و از هر چیزی به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت». در قرائت ابان از عاصم واژه «کل» با تنوین جر یعنی به صورت «كُلِّ» روایت شده است (رسعنی، ۱۴۲۹: ۵۴۵/۳) بنابراین قرائت تنوین موجود در کل، تنوین عوض از مضاف الیه محذوف است که می توان واژه «ذلک» را در تقدیر قرار داد و این گونه ترجمه کرد «و از هر کدام از آنها چیزی به او داده شده بود».
۱۲. آیه ۴۹ سوره نمل: «ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ»: «سپس به ولی او خواهیم گفت ما در محل قتل کسانش حاضر نبودیم و ما قطعاً راست می گویم». در قرائت منقول از عاصم توسط ابان، واژه «مَهْلِكُ» به صورت «مَهْلَكُ» آمده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳۶۶/۳). در قرائت حفص «مَهْلِكُ» اسم مکان یعنی محل هلاکت و در قرائت ابان «مَهْلَكُ» مصدر است و بر اساس آن این گونه ترجمه می شود: «ما از هلاکت خانواده اش خبر نداشتیم».
۱۳. آیه ۵۷ سوره قصص: «أَوَلَمْ تُمْكِنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا»: «آیا

آنان را در حرمی امن جای ندادیم که محصولات هر چیزی که رزقی از جانب ماست به سوی آن سرازیر شود؟». در قرائت ابان از عاصم «ثمرات» به جای «ثمرات» روایت شده است (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۲۹۳/۴) که گویا صرفاً تفاوت در لهجه است.

۱۴. آیه ۲۹ سوره زمر: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا؟» خداوند مثلی زده است: مردی است که چند خواجه ناسازگار در مالکیت او شرکت دارند و مردی است که تنها فرمانبردار یک نفر است.». از ابان بن تغلب به نقل از عاصم دو قرائت برای واژه «سَلَمًا» نقل شده است: ۱. قرائت «سالماً» (فارسی، ۱۴۱۳: ۹۴/۶)؛ ۲. قرائت «سلماً» (طوسی، بی تا، ۲۹۷/۳). سَلِم اسم فاعل و «سَلِمَ» مصدر است که از ریشه «سَلَمَ» به معنای تسلیم بودن و در صلح و آشتی بودن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۹۱/۱۲).

۱۵. آیه ۳۷ سوره واقعه: «عُزْبًا أَثَرًا؟» «زنانی که تنها به همسرانشان عشق می ورزند و خوش زبان و همسن و سال با آنها هستند». در قرائت منقول از ابان واژه «عُزْبًا» به جای «عُزْبًا» روایت شده است که لهجه قبیله بنی تمیم است (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۸۲/۱۰).

۱۶. آیه ۹ سوره حافه: «وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ؟» «و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و مردم شهری سرنگون شده مرتکب خطا شدند». از ابان بن تغلب نقل شده که «قَبْلَهُ» را به صورت «قَبْلَهُ» قرئت می کرد (ابن خالویه، ۱۴۱۳: ۳۸۵/۲). «مِنْ قَبْلَهُ» یعنی سپاهیان و پیروانش (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۳۵۸/۵) و بر اساس آن ترجمه این گونه خواهد بود: «و فرعون و سپاهیان و مردم شهری سرنگون شده مرتکب خطا شدند».

۳. تفاوت در ترکیب نحوی جمله

از میان قرائتی که از ابان بن تغلب به نقل از عاصم روایت شده و با قرائت حفص تفاوت دارد، یک قرائت، مربوط به جایگاه نحوی واژگان در جمله است: آیه ۲ سوره ابراهیم: «اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ؟» «همان خدایی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست». نقل شده که در قرائت ابان بن تغلب از عاصم کلمه جلاله «اللَّهُ» در ابتدای آیه به صورت مرفوع بوده است (رسعنی، ۱۴۲۹: ۵۰۶/۳). در این قرائت واژه «اللَّهُ» مبتدا و مرفوع است و موجب می شود این آیه با جمله ای مستأنفه آغاز شود که از لحاظ نحوی ارتباطی با جمله قبل ندارد، اما در قرئت حفص واژه «اللَّهُ» به خاطر اینکه بدل از واژه «العزیز» است که در انتهای آیه قبلی آمده و مجرور است، مجرور شده است.



نتیجه گیری

قرائاتی که ابان بن تغلب از عاصم نقل کرده و با قرائت حفص از عاصم تفاوت دارد و در منابع شیعه و سنی ذکر شده، پنجاه و سه مورد است. البته این موارد صرفاً بخشی از قرائات ابان است، لکن ملاک این پژوهش صرفاً قرائات منقول از عاصم و متفاوت از حفص بوده است. از موارد احصا شده تنها یک قرائت مربوط به ساختار جمله است و مابقی به ساختمان واژه اختصاص دارد. از پنجاه و دو مورد باقیمانده، سی و چهار مورد فعل و هجده مورد اسم است. از سی و چهار مورد فعل، پانزده مورد تفاوت در باب، هشت مورد اختلاف در صیغه فعل، پنج مورد تفاوت در معلوم و مجهول بودن افعال، دو مورد تفاوت هم در صیغه و هم معلوم و مجهول، دو مورد تفاوت هم در باب و هم در معلوم و مجهول، یک مورد تفاوت در ریشه و یکی هم تفاوت در لهجه بوده است. برخی از این قرائات موجب تفاوت معنایی معنایی می‌شود، لکن برخی دیگر صرفاً اختلاف در لهجه است و یا اساساً تغییر معنایی ایجاد نمی‌کند.



فهرست منابع

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد، الجرح و التعديل، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٩٥٢م.
۲. ابن جزري، شمس الدين محمد، غاية النهاية في طبقات القراء، طنطا مصر: دارالصحابه للتراث، ٢٠٠٩م.
۳. ابن جنى، ابوالفتح، المحتسب فى تبين وجوه شواذ القرائات و الايضاح عنها، تحقيق: على نجدى ناصف، عبدالحليم نجار و عبدالفتاح اسماعيل شلبى، قاهره: المجلس الاعلى لشئون الإسلاميه، ١٤١٥ق.
۴. ابن جوزي، عبدالرحمان بن على، زاد المسير فى علم التفسير، بيروت: دارالكتاب العربى، ١٤٢٢ق.
۵. ابن جوزي، عبدالرحمان بن على، كتاب الضعفاء و المتروكين، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤٠٦ق.
۶. ابن خالويه، حسين بن احمد، اعراب القرائات السبع و عللها، قاهره: مكتبة الخانجى، ١٤١٣ق.
۷. ابن خلكان، محمد بن ابراهيم، وفيات الأعيان و أنباء أبناء الزمان، بيروت: دار صادر، بى تا.
۸. ابن عطيه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤٢٢ق.
۹. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: دارصادر، ١٤١٤ق.
۱۰. ابن نديم، ابوالفرج محمد بن اسحاق، الفهرست، بيروت: دارالمعرفة، ١٤١٧ق.
۱۱. ابوحيان، محمد بن يوسف، البحر المحيط فى التفسير، بيروت: دارالفكر، ١٤٢٠ق.
۱۲. اندلسى، ابوحيان محمد بن يوسف، البحر المحيط فى التفسير، تحقيق: محمد جميل صدقى، بيروت: دارالفكر، ١٤٢٠ق.
۱۳. بنا، احمد بن محمد، اتحاف فضلاء البشر، تحقيق: شعبان محمد اسماعيل، قاهره: مكتبه الأزهرية، ١٤٠٧ق.
۱۴. حلى، حسن بن يوسف، الرجال، نجف: مطبعة الحيدرية، ١٤١١ق.
۱۵. ذهبى، محمد بن احمد، ميزان الإعتدال، بيروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر، ١٩٦٣م.
۱۶. ذهبى، شمس الدين، سير أعلام النبلاء، قاهره: دارالحديث، ١٤٢٧ق.
۱۷. رسعنى، عبدالرزاق بن رزق الله، رموز الكنوز فى تفسير الكتاب العزيز، مكه: مكتبة الأسدى، ١٤٢٩ق.
۱۸. زركشى، محمد بن عبدالله، البرهان فى علوم القرآن، بيروت: دارالمعرفة، ١٤١٠ق.
۱۹. سمرقندى، نصر بن محمد، تفسير السمرقندى، بيروت: دارالفكر، ١٤١٦ق.



۲۰. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بحر العلوم، بی جا، (نسخه موجود در نرم افزار جامع التفاسیر)، بی تا.
۲۱. صافی، محمود، الجدول فی اعراب القرآن، دمشق: دارالرشید، ۱۴۱۸ق.
۲۲. طباطبائی، سیدم حمدحسین، قرآن در اسلام، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ش.
۲۳. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، اردن: دارالکتاب اشقافی، ۲۰۰۸م.
۲۴. طوسی، محمدبن حسن، الفهرست، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۷ق.
۲۵. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۶. عیاشی، محمدبن مسعود، کتاب التفسیر، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ش.
۲۷. فارسی، حسن بن احمد، الحجة للقرآء السبعة، بیروت: دارالمأمون للتراث، ۱۴۱۳ق.
۲۸. فخر رازی، محمدبن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۹. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۰م.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۳۱. فضلی، عبدالهادی، القرائات القرآنیة، بیروت: دارالقلم، ۱۴۰۵ق.
۳۲. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۸۶ش.
۳۳. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۳۴. ماوردی، علی بن محمد، النکت و العیون تفسیر الماوردی، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۳۵. مدنی، محمدحسین، میراث قرآنی ابان بن تغلب، قم: دارالحديث، ۱۳۹۴ش.
۳۶. مصلح القضاء، محمد احمد و دیگران، مقدمات فی علم القرائات، عمان: دارعمان، ۱۴۲۲ق.
۳۷. معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، قم: انتشارات تمهید، ۱۳۸۸ش.
۳۸. مکی بن حموش، الهدایة الی بلوغ النهایه، شارجه: جامعة الشارقة، ۱۴۲۹ق.
۳۹. موسوی خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۹۰ش.
۴۰. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
۴۱. نحاس، احمد بن محمد، اعراب القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
۴۲. یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله، بیروت: معجم الأدباء، دارالغرب الإسلامی، ۱۹۹۳م.

Resources

1. Abu Hayyan, Mohammad Bin Yusuf, *Al-Bahr al-Muhit fi Tafsir (The Comprehensive Ocean in Exegesis)*, Beirut: Dar al-Fikr, 1420 AH (1999 CE).
2. Andalusi, Abu Hayyan Mohammad Bin Yusuf, *Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir (The Comprehensive Ocean in Interpretation)*, Researched by Mohammad Jameel Sadiqi, Beirut: Dar al-Fikr, 1420 AH (1999 CE).
3. Ayyashi, Mohammad Bin Mas'ud, *Kitab al-Tafsir*, Researched by Sayyid Hashim Rasouli Mahallati, Tehran: Chapkhaneh Ilmiyyeh, 1380 SH (2001 CE).
4. Banna, Ahmed Bin Mohammad, *Ittihaf Fudala' al-Bashar (The Attendance of the Elite of Mankind)*, Researched by Shaban Mohammad Ismail, Cairo: Maktabah al-Azhariyyah, 1407 AH (1987 CE).
5. Dhahabi, Mohammad Bin Ahmad, *Mizan al-I'tidal (The Balance of Justice)*, Beirut: Dar al-Ma'arif lil-Tiba'ah wa al-Nashr, 1963 CE.
6. Dhahabi, Shams al-Din, *Siyar A'lam al-Nubala (Biographies of Noble Figures)*, Cairo: Dar al-Hadith, 1427 AH (2006 CE).
7. Fadli, Abdul Hadi, *Al-Qira'at al-Qur'aniyyah (The Quranic Readings)*, Beirut: Dar al-Qalam, 1405 AH (1985 CE).
8. Fakhr al-Razi, Mohammad Bin 'Umar, *Mafatih al-Ghayb (Keys to the Unknown)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1420 AH (1999 CE).
9. Farahidi, Khalil Bin Ahmad, *Kitab al-Ayn*, Qom: Nashr-e Hijrat, 1409 AH (1989 CE).
10. Farra, Yahya Bin Ziyad, *Ma'ani al-Quran (The Meanings of the Quran)*, Egypt: Al-Hay'ah al-Misriyyah al-'Amah lil-Kitab, 1980 CE.
11. Farsi, Hassan Bin Ahmad, *Al-Hujjah li al-Qurra al-Sab'ah (The Proof for the Seven Reciters)*, Beirut: Dar al-Ma'mun lil-Turath, 1413 AH (1992 CE).
12. Helli, Hassan Bin Yusuf, *Al-Rijal (The Narrators' Evaluation Science)*, Najaf: Matba'at al-Haidariyyah, 1411 AH (1990 CE).
13. Ibn Abi Hatim, Abdul Rahman Bin Mohammad, *Al-Jarh wa al-Ta'dil (The Criticism and Authentication)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1952 CE.
14. Ibn Atiyyah, Abdul Haq Bin Ghaleb, *Al-Muharrar al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz (The Concise Elucidation in the Interpretation of the Noble Book)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1422 AH (2001 CE).
15. Ibn Jazari, Shams al-Din Mohammad, *Ghayat al-Nihayah fi Tabaqat al-Qurra (The Ultimate Aim Concerning the Categories of Reciters)*, Tanta, Egypt: Dar al-Sahabah li al-Turath, 2009 CE.
16. Ibn Jinni, Abu al-Fath, *Al-Muhtasib fi Tabayin Wujuh Shawa'iz al-Qira'at wa al-Izah 'Anha (The Accountant in Explaining the Oddities of Recitations and Their*



- Clarifications*), Edited by Ali Najdi Nasif, Abdel Halim Najjar, and Abdel Fattah Ismail Shalabi, Cairo: Al-Majlis al-A'la li Shu'un al-Islamiyya, 1415 AH (1994 CE).
17. Ibn Juzayy, Abd al-Rahman Bin Ali, *Kitab al-Du'afa' wa al-Matrukin* (*The Book of Weak Narrators and Abandoned Ones*), Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1406 AH (1986 CE).
 18. Ibn Juzayy, Abd al-Rahman Bin Ali, *Zad al-Masir fi Ilm al-Tafsir* (*The Provisions of the Journey in the Science of Interpretation*), Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 1422 AH (2001 CE).
 19. Ibn Khalawayh, Hussein Bin Ahmad, *A'rāb al-Qirā'āt al-Sab' wa 'Ilaliḥā* (*The Grammar of the Seven Recitations and Their Causes*), Cairo: Maktabat al-Khanji, 1413 AH (1992 CE).
 20. Ibn Khallikan, Mohammad Bin Ibrahim, *Wafayat al-A'yan wa Anba' Abna' al-Zaman* (*Deaths of Eminent Men and the Children of the Epoch*), Beirut: Dar Sader, n.d.
 21. Ibn Manzur, Mohammad Bin Mukarram, *Lisan al-Arab* (*The Language of the Arabs*), Beirut: Dar Sader, 1414 AH (1994 CE).
 22. Ibn Nadim, Abu al-Faraj Mohammad Bin Ishaq, *Al-Fihrist* (*The Bibliography*), Beirut: Dar al-Ma'arif, 1417 AH (1996 CE).
 23. Ma'refat, Mohammad Hadi, *Tafsir va Mufasssiran* (*Exegesis and Exegetes*), Qom: Entesharat Tamhid, 1388 SH (2009 CE).
 24. Maki Bin Hamoush, *Al-Hidayah ila Bulugh al-Nihayah* (*The Guide to Achieving the Ultimate Goal*), Sharjah: Jamiat al-Sharjah, 1429 AH (2008 CE).
 25. Mawardi, Ali Bin Mohammad, *Al-Nukat wa al-'Uyun fi Tafsir al-Mawardi*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, n.d.
 26. Mousavi Khwansari, Mohammad Baqir, *Rawadat al-Jannat fi Ahwal al-Ulama' wa al-Sadat* (*The Gardens of Paradise in the Conditions of Scholars and Nobles*), Qom: Entesharat Ismailian, 1390 SH (2011 CE).
 27. Mudarris, Mohammad Husayn, *Mirath-e Qor'ani-e Aban Bin Taghlab* (*The Quranic Heritage of Aban Bin Taghlab*), Qom: Dar al-Hadith, 1394 SH (2015 CE).
 28. Muslih al-Qazah, Mohammad Ahmad et al., *Muqaddimat fi Ilm al-Qira'at* (*Introductions in the Science of Readings*), Oman: Dar Oman, 1422 AH (2001 CE).
 29. Nahhas, Ahmad Bin Mohammad, *I'rāb al-Quran* (*The Grammar of the Quran*), Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1421 AH (2000 CE).
 30. Najashi, Ahmad Bin Ali, *Rijal al-Najashi*, Qom: Jame'eh Modarresin, 1407 AH (1986 CE).

31. Qarashi, Sayyid Ali Akbar, *Qamus al-Quran (The Dictionary of the Quran)*, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah, 1386 SH (2007 CE).
32. Qurtubi, Mohammad Bin Ahmad, *Al-Jami' li Ahkam al-Quran (The Comprehensive Collection of Judgments in the Quran)*, Tehran: Intisharat Naser Khosrow, 1364 SH (1985 CE).
33. Rassani, Abdul Razzaq Bin Rizqullah, *Rumuz al-Kunuz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz (Symbols of Treasures in the Interpretation of the Noble Book)*, Mecca: Maktabat al-Asadi, 1429 AH (2008 CE).
34. Safi, Mahmoud, *Al-Jadwal fi A'rāb al-Quran (The Table for the I'rab of the Quran)*, Damascus: Dar al-Rashid, 1418 AH (1998 CE).
35. Samarkandi, Nasr Bin Mohammad Bin Ahmad, *Bahr al-Ulum (The Sea of Sciences)*, n.d. (Available version in the Comprehensive Interpretation Software), n.d.
36. Samarkandi, Nasr Bin Mohammad, *Tafsir al-Samarkandi*, Beirut: Dar al-Fikr, 1416 AH (1996 CE).
37. Tabarani, Sulaiman Bin Ahmad, *Al-Tafsir al-Kabir: Tafsir al-Quran al-Azim (The Grand Interpretation: The Interpretation of the Great Quran)*, Jordan: Dar al-Kitab Ash-Shafi, 2008 CE.
38. Tabatabai, Sayyid Mohammad Husayn, *Quran dar Islam (The Quran in Islam)*, Qom: Bustan-e Ketab, 1388 SH (2009 CE).
39. Tusi, Mohammad Bin Hassan, *Al-Fihrist (The*
40. *Bibliography)*, Beirut: Dar al-Ma'arif, 1417 AH (1996 CE).
42. Tusi, Mohammad Bin Hassan, *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran (The Elucidation in the Interpretation of the Quran)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, n.d.
43. Yaqut al-Hamawi, Shihab al-Din Abu Abdullah, *Mu'jam al-Udaba (Biography of the Litterateurs)*, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami, 1993 CE.
44. Zarkashi, Mohammad Bin Abdullah, *Al-Burhan fi Uloom al-Quran (The Clear Evidence in the Sciences of the Quran)*, Beirut: Dar al-Ma'rifah, 1410 AH (1989 CE).



The Components of 'Recitation Engineering' According to Ayatollah Khamenei *

Hassan Zarnooshe Farahani ¹

Abstract



"Recitation Engineering" emerged as a pivotal term introduced by Ayatollah Khamenei on the first day of the blessed month of Ramadan in 1401 SH (2002 CE) during a gathering focused on connecting with the Holy Quran. This article aims to elucidate the concept and components of "Recitation Engineering" from the perspective of Ayatollah Khamenei. Employing the method of "Content Analysis," it first extracts and categorizes themes related to Quranic recitation from His Eminence's speeches during 70 Quranic meetings from 1368 SH (1989 CE) to 1401 SH (2002 CE). The findings reveal that from Ayatollah Khamenei's viewpoint, Quranic recitation comprises two categories: internal etiquettes and external etiquettes. Internal etiquettes encompass the inherent influence of the reciter from the themes of the verses, while external etiquettes include: 1. Selecting appropriate pauses and beginnings; 2. Emphasizing specific words and phrases and their repetition; and 3. Observing sound and intonation measures. Adherence to these etiquettes leads to: 1. Enhancing the general public's understanding of the Quran; 2. Accurately conveying meanings to listeners; and 3. Spiritual, intellectual, and practical growth at both individual and societal levels. It seems that, according to Ayatollah Khamenei, the application of the term "Recitation Engineering" pertains to observing the external etiquettes of Quranic recitation, such as attention to pauses and beginnings, emphasis and repetition, sound, and intonation, which will be expounded upon in this article.

Keywords: Recitation Engineering, Ayatollah Khamenei, Pauses and Beginnings, Emphasis and Repetition, Sound and Intonation Scales, External Etiquettes of Recitation.

*. **Date of receiving:** 13/06/2022, **Date of approval:** 25/11/2023.

1. Assistant Professor in the Department of Theology and Islamic Studies, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran: zarnooshe@sru.ac.ir.



شاخصه‌های «مهندسی تلاوت» از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای *

حسن زرنوشه فراهانی^۱



چکیده

«مهندسی تلاوت»، کلیدواژه‌ای است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در آغازین روز از ماه مبارک رمضان ۱۴۰۱ و در محفل انس با قرآن کریم، قاریان قرآن رابه آن توصیه کردند. این مقاله، با هدف تبیین مفهوم و شاخصه‌های «مهندسی تلاوت» از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، با استفاده از روش «تحلیل مضمون»، ابتدا با مطالعه دقیق بیانات ایشان در ۷۰ دیدار قرآنی در طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۱، مضامین مرتبط با تلاوت قرآن را استخراج و دسته‌بندی کرده ۱۹۱ است که نتایج حاصله نشان می‌دهد از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، تلاوت قرآن دارای دو دسته آداب باطنی و آداب ظاهری است؛ آداب باطنی شامل: خودتأثیری پیشین قاری از مضامین آیات؛ و آداب ظاهری نیز شامل: ۱. انتخاب مواضع مناسب برای وقف و ابتدا؛ ۲. تکیه بر روی برخی کلمات و عبارات و تکرار آنها؛ ۳. رعایت موازین صوت و لحن است؛ که رعایت مجموع این آداب منجر به: ۱. متوجه نمودن عموم مردم به قرآن؛ ۲. القای صحیح معانی بر شنوندگان؛ ۳. رشد معنوی، فکری و عملی فرد و جامعه می‌شود. از این میان، به نظر می‌رسد کاربست تعبیر «مهندسی تلاوت» در بیان آیت‌الله خامنه‌ای ناظر به رعایت آداب ظاهری تلاوت قرآن یعنی توجه به وقف و ابتدا، تکیه و تکرار، و صوت و لحن است که در این مقاله تبیین خواهند شد.

واژگان کلیدی: مهندسی تلاوت، آیت‌الله خامنه‌ای، وقف و ابتدا، تکیه و تکرار، موازین صوت و لحن، آداب ظاهری تلاوت.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۹/۰۲.

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی. تهران. ایران: zarnooshe@sru.ac.ir.

*این پژوهش با حمایت مالی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی طبق ابلاغ گرت شماره ۴۹۲۵ مورخ ۰۶/۰۳/۱۴۰۲ انجام گردیده است.



مقدمه

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، آرمان نظام جمهوری اسلامی ایران، ایجاد تمدن نوین اسلامی است (ر.ک: خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۴/۰۶/۱۳۹۲) و راه دستیابی به آن، آشنایی، انس و پیروی از قرآن کریم است، همان‌گونه که تجربه‌های تمدنی پیشین مسلمانان هم به برکت قرآن به وجود آمده‌اند: «مردم مسلمان صدر اسلام، یک عده از اقوام ضعیف، ذلیل، توسری‌خور، از همه چیز محروم بودند؛ اما قرآن آنها را به جایی رساند که سازنده تاریخ بشر شدند. بزرگ‌ترین تمدن‌ها را مسلمین، به برکت قرآن به وجود آوردند و به برکت قرآن، علم، فلسفه، اخلاق و تقریباً همه دانش‌های بشری را پیش بردند. امروز هم اگر با قرآن آشنا باشید، می‌توانید همان ماجرا را دنبال و تجدید کنید. مسلمانان اگر با قرآن انس بگیرند، سیادت دنیا را در دست خواهند گرفت و دیگر این غاصب‌ها، این قدرت‌های استکباری، این حیوانات کراوات‌بسته به ظاهر انسان و در باطن وحوش، نمی‌آیند ادعای هدایت بشر و رهبری عالم را بکنند» (خامنه‌ای، بیانات در جلسه اختتامیه مسابقات قرائت قرآن، ۱۳۷۱/۱۱/۰۵). بنابراین می‌توان گفت از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، ایجاد تمدن نوین اسلامی در گرو عزم مسلمانان برای توسعه فرهنگ قرآنی و حاکم کردن این فرهنگ بر بینش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی آنهاست. در پاسخ به این پرسش که «حاکم شدن فرهنگ قرآنی در جامعه چگونه اتفاق خواهد افتاد؟» نویسنده، در پژوهش‌های دیگری (ر.ک: زرنوشه فراهانی، ۱۴۰۱: ۳۱-۹۷؛ زرنوشه فراهانی و علیپور، ۱۴۰۰: ۱۵۷-۱۸۹)، به ارائه الگوی انس با قرآن مبتنی بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در هفت محور اهداف، آثار، فرایندها، پیشران‌ها، و راهکارهای انس با قرآن، وظایف قاریان و نقش حکومت‌ها پرداخته است. مطابق الگوی به دست آمده، تلاوت قرآن از پیشران‌های انس با قرآن است اکنون، مقاله پیش‌رو در پی پاسخ به این سؤالات است که از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای «مهندسی تلاوت» به چه معناست و چه مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی دارد؟ و توجه به این مؤلفه‌ها و شاخصه‌ها چه تأثیری بر تلاوت قرآن دارد؟ بدین منظور بیانات ایشان در ۷۰ دیدار قرآنی به طور دقیق مطالعه شد و مضامین مرتبط با تلاوت قرآن، استخراج و مورد تحلیل کمی و کیفی قرار گرفت.

الف. شبکه مضامین تلاوت قرآن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

۱. معرفی روش تحلیل مضمون

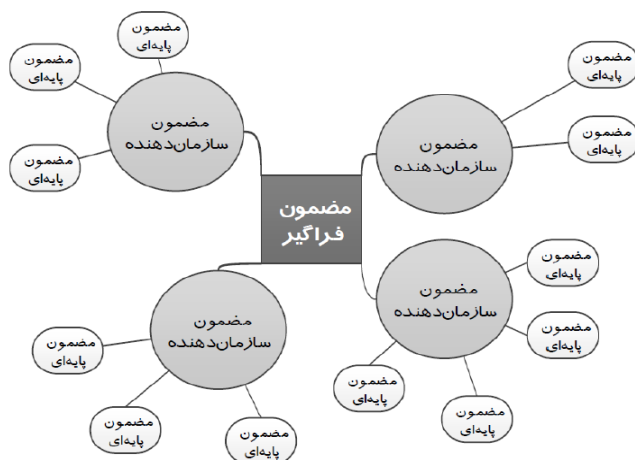
کسب نتایج مفید و بامعنی در تحقیقات کیفی، مستلزم به‌کارگیری روش‌هایی است که بتواند حجم عظیم داده‌ها را به گونه‌ای نظام‌مند ثبت کرده و به تحلیل دقیق آنها بپردازد. از جمله روش‌های تحلیل کیفی که با استفاده از آن، می‌توان به فهم عمیق و جامعی از داده‌های مورد بررسی رسید، روش تحلیل مضمون^۱ است.

1. Thematic Analysis.

تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006: 80). به عبارت دیگر تحلیل مضمون، راهبردی برای تقلیل و تحلیل داده‌هاست و به وسیله آن، داده‌های کیفی، تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی می‌گردند (Given, 2008: 867).

در تحلیل مضمون، پژوهشگر به دنبال یافتن الگوهای تکراری معنادار است که با سنجش فراوانی واژگان حاصل می‌شود. این روش، بر اساس یک رویه مشخص و در سه سطح، مضامین را نظام‌مند می‌کند که عبارت‌اند از:

- الف) مضامین پایه شامل کدها و نکات کلیدی موجود در متن؛
 - ب) مضامین سازمان‌دهنده که از ترکیب و تلخیص مضامین پایه به دست می‌آیند؛
 - ج) مضامین فراگیر که همان مضامین عالی در برگرفته اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل هستند. با تحلیل مضامین، شبکه‌ای از مضامین ایجاد می‌شود و در نهایت با تحلیل آنها مفاهیم کلیدی استخراج، و مدل تبیین می‌گردد (Attride Stirling, 2001: 389).
- الگوی نمادین سطوح مضامین در روش تحلیل مضمون بدین شرح است:



نمودار شماره ۱: ساختار یک شبکه مضامین (Attride- Stirling, 2001 : 388).

فرایند تحلیل مضمون شامل ۳ مرحله (تجزیه، تشریح و ترکیب) متن است که هر کدام از این مراحل شامل گام‌ها و اقدامات متعدد است که در جدول ذیل بیان شده است:



جدول شماره ۱: فرایند گام‌به‌گام روش تحلیل مضمون (عزت دوست و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۹-۱۸۷)

مرحله	گام	اقدام
تجزیه متن	۱. آشناسدن با متن مورد بررسی	۱-۱. پیاده‌سازی داده‌ها (در صورت لزوم) ۲-۱. مطالعه مجدد داده‌ها ۳-۱. نوشتن ایده‌های اولیه
	۲. ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری	۱-۲. پیشنهاد چارچوب کدگذاری ۲-۲. تفکیک متن به بخش‌های کوچک‌تر ۳-۲. کدگذاری ویژگی‌های جالب داده‌ها
	۳. جستجو و شناسایی مضامین	۱-۳. تطبیق دادن کدها با مضامین بالقوه ۲-۳. استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاری شده متن ۳-۳. پالایش و بازبینی مضامین
	۴. ترسیم شبکه مضامین	۱-۴. بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدهای استخراج‌شده ۲-۴. مرتب نمودن مضامین ۳-۴. انتخاب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر ۴-۴. ترسیم نقشه مضامین ۵-۴. اصلاح و تأیید شبکه(ها)
تشریح متن	۵. تحلیل شبکه مضامین	۱-۵. تعریف و نام‌گذاری مضامین ۲-۵. توصیف و توضیح شبکه مضامین
ترکیب متن	۶. تدوین گزارش	۱-۶. تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح مضامین ۲-۶. استخراج نمونه‌های جالب و مورد توجه از داده‌ها ۳-۶. مرتبط نمودن نتایج تحلیل با سؤالات تحقیق و مبانی نظری ۴-۶. نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل‌ها

۲. تحلیل مضمون بیانات آیت الله خامنه‌ای پیرامون تلاوت قرآن

مرحله اول: تجزیه متن و استخراج مضامین پایه

به منظور اجرای روش تحلیل مضمون، در مرحله اول لازم است به تجزیه متن پرداخته و جملات با ملاک واحد و مشخصی در جدول مربوطه، تقطیع شوند. این مرحله شامل چهار گام آشناسدن با متن، ایجاد کدهای اولیه، شناسایی مضامین و ترسیم اولیه شبکه مضامین می‌باشد. از رهگذر مطالعه دقیق و مکرر بیانات مقام معظم رهبری در ۷۰ دیدار، ۴۲ فراز مرتبط با تلاوت قرآن به دست آمد و از هر فراز یک مضمون پایه و مهم استخراج شد. بر این اساس، تعداد ۴۲ مضمون پایه به دست آمد.

لازم به ذکر است که شناخت مضمون، از مهم‌ترین مراحل تحلیل مضمون بوده، زیرا مراحل بعدی بر پایه آن انجام می‌شود و جهت‌گیری‌ها و سؤالات تحقیق، ارزش‌ها و تجربه پژوهشگر پیرامون مسئله پژوهش، در نحوه شناخت مضامین، تأثیر می‌گذارد. همچنین باید توجه داشت که انتخاب مضمون، لزوماً تابع معیارهای کمی نیست؛ بلکه به این مطلب بستگی دارد که چقدر به نکته مهمی درباره سؤالات تحقیق می‌پردازد. در واقع مقدار داده‌های مورد نیاز جهت پاسخ به مسئله پژوهش با توجه به ماهیت کیفی روش تحلیل مضمون ثابت و مشخص نیست.

برای درک بهتر چگونگی استخراج مضامین از بیانات مقام معظم رهبری بخشی از جدول تحلیل به عنوان نمونه درج می‌شود.

جدول شماره ۲: نمونه تحلیل مضمون بیانات آیت الله خامنه‌ای

ردیف	متن بیانات	مضامین پایه	کدگذاری
۱	ما اگر بخواهیم کل امت با قرآن انس بگیرند، باید تلاوت قرآن را در جامعه باب کنیم. اگر من این قدر به خواندن شما قاریان عزیز تکیه می‌کنم و به آن اهمیت می‌دهم، برای همین است. شما یک نفر آدمید، می‌خوانید، هر چه هم خوب بخوانید یا نخوانید، از یک جهت به خودتان مربوط است؛ اما آن چیزی که من را وادار می‌کند که به این مسأله این همه اهتمام بورزم، آن است که اگر تالبیان کلام‌الله در جامعه توانستند با	تلاوت ملکوتی صحیح و پرجاذبه قرآن زمینه ساز انس تمام مردم با قرآن	Q1



ردیف	متن بیانات	مضامین پایه	کدگذاری
	زمزمه ملکوتی و صحیح و پُر جاذبه، این آیات کریمه را تلاوت بکنند، دل مردم با قرآن انس می‌گیرد و به قرآن نزدیک می‌شود (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۷۰/۱/۲۲).		
۲	برادران من! این خواندن و تلاوت قرآن، قدم اول است، قدم آخر نیست. اول، آشنایی و انس با قرآن لازم است. بعد، مفاهیم قرآنی را به صورت سطورِ قطعی و مجسم برنامه زندگی در مقابل چشم نگه داشتن، تا ما را به این طرف و آن طرف نکشانند؛ یک روز ما را به سمت کمونیسیم بکشانند، یک روز به سمت لیبرالیسم؛ یک روز از سوسیالیسم بگویند، یک روز از سرمایه‌داری. قرآن را وقتی که یاد گرفتیم و با آن آشنا شدیم، نمی‌توانند ما را به این طرف و آن طرف بکشانند؛ چون خط روشن قرآن ما را هدایت می‌کند. و آن‌گاه، پیاده‌کردن این مفاهیم در واقعیت زندگی است. البته من این قهرمانهای قرآنی را خیلی دوست دارم و به این شخصیت‌های قرآن خوان خیلی علاقه و ارادت دارم؛ اینها کسانی هستند که قرآن را برای ما - برای ذهن، دل و جان ما - مجسم می‌کنند. این خواندن خوب - که ما این همه تشویق می‌کنیم - مفاهیم را مشخص می‌کند. شما ببینید این استاد محترم میهمان ما آقای شیخ احمد محمد عامر، امروز چه خوب قرآن خواند. قرآن خواندن خوب، که با صوت خوب و با نغمه خوب و با توجه به معانی انجام بگیرد، مفاهیم قرآن را جلوی انسان مجسم می‌کند؛ انسان را به عمل نزدیک می‌کند؛ انسان را با معرفت قرآنی نزدیک می‌کند (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۸۳/۶/۲۶).	تلاوت با صوت و نغمه خوب و با توجه به معانی، مجسم کننده مفاهیم قرآن و نزدیک کننده انسان به معرفت و عمل قرآنی	Q2

ردیف	متن بیانات	مضامین پایه	کدگذاری
۳	قاری ما وقتی قرآن را تلاوت می کند، باید آنچنان تلاوت کند که گوئی قرآن را دارد نازل می کند به قلب مخاطب؛ اینجوری باید قرآن را بخوانید. البته این قراء معروف مصری، همه شان هم اینجور نیستند؛ بعضیهایشان اینجورند؛ بعضیهایشان هم نه؛ اما شما به آنها کاری نداشته باشید. شما باید قرآن را جوری تلاوت کنید که این مفاهیم قرآنی و آیات کریمه قرآن، گوئی دارد نازل می شود بر قلب مخاطب؛ آهنگها را با مضامین جُفت کردن، منطبق کردن و از آهنگ برای برجسته کردن معنا و مضمون آیه کمک گرفتن. این آهنگها و این نغمه های قرآنی، مهمترین هنرش این است که بتواند کمک کند به اینکه آن مضمون برجسته شود و در ذهن مخاطب بنشیند (خامنه ای، بیانات در دیدار قاریان، ۱۳۸۶/۶/۲۲).	مهم ترین فایده نغمه های قرآنی، برجسته سازی مضمون آیات به منظور نقش بستن در ذهن مخاطب	Q3
۴	وقتی شما با مضمون آیه کاملاً آشنا بودید، خود شما در هنگام خواندن تحت تأثیر قرار می گیرید و نفس این تحت تأثیر قرارگرفتن شما، هم در لحن و هم در صدا و هم در نغمه و هم حتی در حرکات ظاهری شما اثر می گذارد و روی مخاطب و جلسه هم تأثیر می گذارد. نظیر این موضوع را در خواننده های شعر فارسی و مداحهایی که خوش صدا هستند و در بعضی از جلسات می خوانند، دیده اید؛ شعر خوبی که می خواند، خودش تحت تأثیر صدای خودش قرار می گیرد و لحن او تحت تأثیر این خودتأثیری قرار می گیرد و نافذتر و شیرین تر و دلنشین تر می شود؛ عیناً	لزوم آشنایی قاری با مضامین آیات به منظور خودتأثیری قاری و در نتیجه اثرگذاری قرائت بر مخاطبان	Q4



ردیف	متن بیانات	مضامین پایه	کدگذاری
	در قرآن خواندن هم همین طور است. بعضی از خواننده‌های مصری هم که این جهت را بیشتر رعایت می‌کنند، لحنشان دلپذیرتر و دلنشین‌تر است. این یک نکته است که باید مورد توجه قرار بگیرد و این، در وقف و ابتدا و مسائلی از این قبیل هم تأثیر می‌گذارد (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۸۳/۷/۲۵).		
۵	یکی از محسنات جلسه امسال این بود که اصرار به بلندخوانی و نفس عمیق نشان دادن نبود؛ این خیلی خوب است. قرا اصلاً اصرار نداشته باشند که نشان دهند نفس شان زیاد است؛ نه، این نفس بلند برای آن جایی لازم است که اگر آیه را قطع کنید، معنا خراب می‌شود؛ آن جاست که نفس بلند خوب است؛ نفسی که به آن بلندی نیست، این جا کم می‌آورد. البته آن هم راه جبران دارد؛ می‌بینید که در بین قرای مصری بعضی‌ها درجه یک هستند، ولی نفس‌هایشان کوتاه است؛ مثل عبدالفتاح یا بعضی دیگر؛ این عیب اساسی محسوب نمی‌شود و قابل جبران است؛ یعنی آن استاد فن بلد است که اگر نفسش کوتاه آمد، دنباله آیه را چه طور بخواند که انگار قطع نشده؛ قشنگ می‌خوانند؛ خیلی از این قرای قدیمی البته این طورند؛ اما این جدیدی‌ها که حالا هستند و ایران هم زیاد می‌آیند، اغلبشان مبتلا به همین مرضند؛ مرضِ نفسگیری و بلندخوانی؛ گاهی خودش بال بال می‌زند؛ اما قطع نمی‌کند! این هیچ حُسنی محسوب نمی‌شود؛ فقط حُسنش همان جایی است که انسان احتیاج دارد به	اصرار نداشتن بر بلندخوانی و نشان دادن نفس عمیق مگر در موارد ضروری	Q5

ردیف	متن بیانات	مضامین پایه	کدگذاری
	نفس بلند و اگر نفسش کوتاه باشد، کم خواهد آورد؛ خراب می‌کند، که آن هم یک زینتی است؛ خوب است؛ اما در غیر آن هیچ لازم نیست. ببینید کجا بایستی آیه را کوتاه کرد؛ کجا باید وقف کرد؛ کجا بایست با وقف، معنایی را نشان داد یا با تکرار، معنایی را نشان داد و گاهی با یک کلمه، یک معنایی را رساند؛ اینها را باید رعایت بکنید (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۸۳/۷/۲۵).		

مرحله دوم: تشریح متن و شناسایی مضامین سازمان‌دهنده

در مرحله دوم تحقیق لازم است به تشریح متن و شناسایی مضامین سازمان‌دهنده پرداخت. اما پیش از شروع این مرحله، ابتدا لازم است «پایایی»^۱ و «روایی»^۲ تحقیق اثبات و تأیید شود. بدین منظور دو اقدام ضروری می‌بایست انجام شود که عبارتند از:

الف) تأیید پایایی تحقیق توسط شخص محقق،

ب) تأیید روایی تحقیق توسط متخصصان دیگر.

بنابراین پیش از شروع مرحله دوم، ابتدا محقق تلاش نمود تا در یک فاصله زمانی متأخر، مجدداً کل بیانات را تحلیل و کدگذاری نموده و نتایج دو جدول را با همدیگر مقایسه نماید. همپوشانی نسبتاً بالایی نتایج کدگذاری، نشان دهنده «پایایی» تحقیق صورت گرفته است. در اقدام دوم نیز از دو نفر همکار متخصص در حوزه روش تحلیل مضمون خواسته شد تا متن بیانات را تحلیل نمایند. همپوشانی بالایی نتایج این بخش نیز مسئله «روایی» تحقیق را تأیید و اثبات می‌نماید.

پس از تأیید پایایی و روایی نتایج اولیه تحقیق، در مرحله دوم از فرایند اجرای روش تحلیل مضمون، به تشریح متن و شناسایی مضامین سازمان‌دهنده پرداخته شد. دسته‌بندی‌های مشخص و منطقی

1. Validity.

2. Reliability.



صورت گرفته از مضامین پایه، نشان می‌دهد که مجموعه این مضامین در قالب ۵ مضمون سازمان‌دهنده قابل تقسیم و تفکیک هستند. این مضامین سازمان‌دهنده، محور اصلی مضامین پایه بوده که جدول عناوین آنها همراه با سنجش میزان فراوانی هرکدام در ذیل درج شده است:

ردیف	مضمون سازمان‌دهنده	فراوانی
۱	آداب ظاهری تلاوت قرآن	۱۳
۲	رشد معنوی، فکری و عملی فرد و جامعه	۱۰
۳	آداب باطنی تلاوت قرآن	۹
۴	متوجه نمودن عموم مردم به قرآن	۶
۵	القای صحیح معانی بر مخاطب	۴

جدول شماره ۳: مضامین سازمان‌دهنده بیانات مقام معظم رهبری

مرحله سوم: ترکیب متن و تحلیل مضامین فراگیر

مرحله سوم از فرایند اجرای روش تحلیل مضمون، ترکیب متن به واسطه طبقه‌بندی مضامین سازمان‌دهنده و دستیابی به مقوله‌هایی است که از آنها با عنوان مضامین فراگیر یاد می‌شود. بررسی‌های دقیق مؤلفان و تلاش برای طبقه‌بندی دقیق مضامین سازمان‌دهنده بیانات مقام معظم رهبری نشان داد که این مضامین را در نهایت می‌توان ذیل ۲ مضمون فراگیر با عناوین «آداب تلاوت قرآن» و «آثار تلاوت قرآن» طبقه‌بندی نمود که در نمودار و جدول ذیل میزان فراوانی آنها به صورت درصدی نشان داده شده است:

میزان فراوانی	مضامین فراگیر بیانات مقام معظم رهبری درباره انس با قرآن
۵۲/۳۸ درصد	آداب تلاوت قرآن
۴۷/۶۱ درصد	آثار تلاوت قرآن

جدول شماره ۴: میزان فراوانی مضامین فراگیر بیانات مقام معظم رهبری درباره انس با قرآن

همین بخش از نتایج اولیه تحقیق و سنجش فراوانی مضامین نشان می‌دهد که بیانات مقام معظم رهبری درباره تلاوت قرآن، کاملاً نظام‌مند و منطقی بوده و ایشان تلاش داشته‌اند تا به واسطه این سخنان، نظام مطلوب «تلاوت قرآن» را ترسیم نمایند. بر این اساس، مطالعه دقیق بیانات ایشان و استخراج نظام حاکم بر آن، ضرورت دو چندان پیدا می‌کند که در ادامه به منظور تحلیل کیفی یافته‌های تحقیق و ارائه نظام مطرح شده در بیانات ایشان، به تبیین این دو مضمون فراگیر پرداخته می‌شود و در نهایت نظام ارائه شده در متن، به صورت نمودار درختی ترسیم می‌گردد.

ب. یافته‌های تحقیق و نظام «تلاوت قرآن» در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

۱. آداب تلاوت قرآن

همان‌گونه که اشاره شد، پس از مطالعه بیانات رهبر معظم انقلاب و استخراج ۴۲ مضمون پایه و دسته‌بندی آنها در ۵ مضمون سازمان دهنده، مجموع این مضامین در ذیل ۲ مضمون فراگیر طبقه‌بندی شدند. اولین مضمون فراگیر، «آداب تلاوت قرآن» است که ذیل آن ۲ مضمون سازمان دهنده قرار می‌گیرد. این مضامین نشان دهنده آن هستند که تلاوت قرآن دارای آدابی باطنی و ظاهری است که در صورت توجه به آنها، آثار تلاوت قرآن محقق خواهد شد:

اول. آداب باطنی تلاوت قرآن

اولین ادبی که رهبر معظم انقلاب برای تلاوت قرآن، بیان فرموده و از اولین دیدارها تا آخرین آنها، همواره بر آن تأکید داشته‌اند، فهم معانی قرآن از سوی قاری و تأثیرپذیری او از آن معانی است تا بتواند تلاوتی اثرگذار ارائه دهد. ایشان می‌فرمایند: «اولین ادب، این است که خواننده قرآن و تلاوتگر قرآن، با اذعان به قرآن، با باور مفاهیم قرآن، باور آن مفاهیمی که دارد تلاوت می‌کند، تلاوت کند. اگر ندانیم چه داریم می‌خوانیم، مفهوم را درک نکنیم، در عمق جانمان اثر نداشته باشد، [آن وقت] تأثیر تلاوتمان بر روی دیگران و بر روی خودمان کم خواهد بود» (خامنه‌ای، بیانات در محفل انس با قرآن، ۱۳۹۴/۳/۲۸).

از دیدگاه ایشان فهم معانی قرآن و تأثیرپذیری از آن: زو آداب باطنی تلاوت قرآن است: «تلاوت فقط صدا نیست، بلکه فنون و شیوه‌های مختلفی دارد؛ چه شیوه‌های مربوط به ظاهر کار که همین نغمه‌سراییها و آهنگهای تلاوت است و چه شیوه‌های عمیق قرآن که مرحله‌ای باطنی‌تر از مرحله قبل است و آن آشنایی با مفاهیم آیات است» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۸۲/۸/۶).

ایشان دلیل عدم تأثیرگذاری بسیاری از تلاوت‌ها را بی‌توجهی قاری به مضامین آیات و عدم تأثیرپذیری او از معانی قرآن می‌دانند: «دلیل این که بسیاری از تلاوت‌ها، با این که آهنگها و نغمه‌های آن خیلی با هم متفاوت نیست، تأثیر لازم را در دلها نمی‌بخشد و دلها را از جا نمی‌کند، این است که خواننده از دل و باطن جاننش با عبارات قرآن با مخاطب حرف نمی‌زند» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۸۲/۸/۶)، و در نقطه مقابل، علت تأثیرگذاری تلاوت قاریانی مانند مصطفی



اسماعیل را خودتأثیری او از معانی آیات بیان می‌فرماید: «این‌که شما می‌بینید مصطفی اسماعیل خواندنش تأثیر دارد، به خاطر همین است؛ چون خود او تحت تأثیر آیاتی است که می‌خواند. اما بعضی قراء دیگر، نه. فقط صنعت اجرا می‌کنند و می‌خواهند کار زیبایی از آب درآورند. شما که قرآن می‌خوانید، سعی نمایید خودتان به معانی آیات آن توجه کنید» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۷۱/۱۲/۱۷).

از دیدگاه ایشان، تأثیرپذیری قاری از مضامین آیات، موجب اثرگذاری بر صوت و لحن و حرکات ظاهری قاری و مخاطب و جلسه می‌شود: «وقتی شما با مضمون آیه کاملاً آشنا بودید، خود شما در هنگام خواندن تحت تأثیر قرار می‌گیرید و نفس این تحت تأثیر قرارگرفتن شما، هم در لحن و هم در صدا و هم در نغمه و هم حتی در حرکات ظاهری شما اثر می‌گذارد و روی مخاطب و جلسه هم تأثیر می‌گذارد» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۸۳/۷/۲۵).

دوم. آداب ظاهری تلاوت قرآن

دومین دسته از آداب تلاوت قرآن، آداب ظاهری است که شامل: (۱) انتخاب مواضع مناسب برای وقف و ابتدا، (۲) تکیه بر روی برخی کلمات و عبارات و تکرار آنها و (۳) رعایت موازین صوت و لحن است که پیش‌نیاز ضروری هر سه آنها، ادب باطنی تلاوت یعنی تسلط قاری بر معانی آیات و تأثیرپذیری از آنهاست.

یک. انتخاب مواضع مناسب برای وقف و ابتدا

یکی از آداب ظاهری تلاوت قرآن، انتخاب مواضع مناسب برای وقف و ابتدا است که رهبر معظم انقلاب در دیدارهای اولیه خود با قاریان از بی‌توجهی برخی قاریان نسبت به این مسئله به شدت انتقاد کرده و توصیه‌هایی را در این باره بیان فرموده‌اند: «بعضی از برادران قرآن می‌خوانند، اما قطع و وصلها غلط است. امروز در همین آیاتی که تلاوت شد، آیه‌ای را شما وصل کردید که مقول قول الهی، با مقول قول کفار قاطی شد! آیا این خوب است؟ کسی که ترجمه قرآن را می‌فهمد، وقتی این وصل بیجا را از شما می‌شنود، مثل این است که میخی در گوشش فرو می‌کنند!... در قرائت، اصلاً این یک علم است که کجا بایستی آیه را وصل، و کجا باید قطع کرد» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۷۰/۱/۲۲).

این توصیه موجب توجه قاریان به مقوله وقف و ابتدا شد و به تدریج کیفیت تلاوت‌ها از منظر رعایت وقف و ابتدا مناسب، رشد یافت و لذا در سال‌های بعد، چنین مطلبی را در بیانات رهبر معظم انقلاب نمی‌یابیم. البته ابعاد دیگری از مقوله وقف و ابتدا هم چون بلندخوانی، هم‌چنان مورد تذکر ایشان واقع شده است که نیازمند توجه جدی قاریان است. به‌طور مثال ایشان می‌فرماید:

«یکی از چیزهایی که رایج شده است در بین قراء عرب - این مصریها و دیگران - و از آنجا به داخل کشور ما منعکس شده است، اهمیت دادن به نفس بلند است. من نمی فهمم وجه این کار چیست؛ هیچ لزومی ندارد که ما کلمات قرآن را، گاهی آیات را به همدیگر وصل کنیم به خاطر اینکه نفس میخواهیم بدهیم؛ به نظر من هیچ لزومی ندارد. یک وقتی لازم است و ادای مفهوم آیه متوقف به این است که با یک نفس خوانده بشود، خوب بله، این کار را بکنند و الا زیبایی تلاوت و تأثیرگذاری تلاوت به هیچ وجه وابسته به نفس بلند نیست» (خامنه‌ای، بیانات در محفل انس با قرآن، ۱۳۹۴/۳/۲۸).

دو. تکیه بر روی برخی کلمات و عبارات و تکرار آنها

دیگر از آداب ظاهری تلاوت قرآن، تکیه بر روی برخی کلمات و عبارات و تکرار آنهاست: «یکی از شرایط تلاوت این است که این آیه قرآن را که تلاوت می کنید، بر روی نکاتی که در حال عادی اگر بخواهید آن را تفهیم کنید، روی آن تکیه می کنید، بر روی این نقاط حتماً تکیه کنید... گاهی لازم است برای اینکه مطلب در ذهن مخاطب مستقر بشود، آن جمله تکرار بشود... مقصودم این نیست که در این زمینه افراط انجام بگیرد... اما تکرار به قدری که این مفهوم در ذهن مخاطب بنشیند، لازم است... شما باید مفهوم را منتقل کنید و منعکس کنید به ذهن مخاطب؛ این گاهی با تکرار است، گاهی با تکیه است، گاهی با تکیه بر روی یک جمله است، گاهی تکیه یک کلمه است؛ این کار باید انجام بگیرد» (خامنه‌ای، بیانات در محفل انس با قرآن، ۱۳۹۴/۳/۲۸).

سه. رعایت موازین صوت و لحن

دیگر از آداب ظاهری تلاوت قرآن، رعایت موازین صوت و لحن است؛ رعایت موازین لحن یعنی انتخاب لحن مناسب برای هر بخش از آیات و پرهیز از کار بست الحان نامناسب در تلاوت قرآن؛ رهبر معظم انقلاب ناظر به انتخاب لحن مناسب می فرماید: «همه لحنها برای لحن قصه مناسب نیست، یا همه لحنها برای آیات انذار از عذاب مناسب نیست؛ یک لحنهایی مناسب است، یک لحنهایی مناسب نیست؛ لحن مناسب با آن مضمون را باید پیدا کنید» (خامنه‌ای، بیانات در محفل انس با قرآن، ۱۴۰۱/۱/۱۴). ایشان در بیانی صریح و هشدار گونه از اختلاط تلاوت قرآن با آواز خوانی نهی کرده و می فرماید: «قرآن را با آواز خوانی اشتباه نگیرید؛ آواز خوانی یک مقوله دیگر است؛ البته الان متأسفانه در خوانندگان مصری کسانی هستند که تالی قرآنند اما آواز می خوانند، آواز خوانی می کنند؛ هستند. آن قراء نسل های قبل - مثل شیخ مصطفی اسماعیل، مثل شیخ عبدالفتاح شعشائی، حتی مثل محمد رفعت - این بزرگان همه موسیقی دان بودند اما قرآن را با آهنگ و الحان قرآنی می خواندند؛ نمی گذاشتند با الحان کاباره ای و نمی دانم موسیقی های مبتذل مخلوط بشود. امروز بعضی ها این ملاحظات را ندارند» (خامنه‌ای، بیانات در محفل انس با قرآن، ۱۳۹۵/۳/۱۸).



ایشان در خصوص رعایت موازین صوت نیز به مهندسی انخفاض و اعتلای صوت اشاره کرده و می‌فرماید: «یک مهندسی دیگر، مهندسی انخفاض و اعتلای صدایتان است؛ صدا را کی بالا ببرید، کی پایین بیاورید؛ این مهم است. بعضی‌ها صدا را بی‌مورد بالا می‌برند؛ ایی که اصلاً جای بلندکردن صدا نیست. باید تشخیص بدهید که کجا بایستی صدا را بلند کرد و با تُن بلند باید خواند، کجا بایستی آرام خواند» (خامنه‌ای، بیانات در محفل انس با قرآن، ۱۴۰۱/۱/۱۴).

۲. آثار تلاوت قرآن

دومین مضمون فراگیر در بیانات مقام معظم رهبری، آثار انس با قرآن کریم است که ذیل آن سه مضمون سازمان دهنده متوجه نمودن عموم مردم به قرآن، القای صحیح معانی بر مخاطب، و رشد معنوی و فکری و عملی فرد و جامعه قرار می‌گیرد. البته شرط دستیابی به این آثار، رعایت آداب باطنی و ظاهری تلاوت قرآن است که به میزان حصول آنها، آثار نیز حاصل می‌شود. در ذیل به تبیین این آثار پرداخته می‌شود:

اول: متوجه نمودن عموم مردم به قرآن

اولین و دست‌یافتنی‌ترین اثری که تلاوت قرآن با رعایت آداب باطنی و ظاهری آن دارد، متوجه نمودن عموم مردم به قرآن است.

از دیدگاه مقام معظم رهبری، تلاوت قرآن صرفاً هلیه سرگرمی و هنرنمایی (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۸۲/۸/۶) یا یک کار تفریحی، زاید و تشریفاتی (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۸۳/۷/۲۵) و یا یک امر استقلالی (خامنه‌ای، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۱۳۹۱/۴/۴) نیست، بلکه وسیله‌ای برای دست یافتن به فضای قرآنی در کلّ جامعه (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۸۲/۸/۶) و مشوق گرایش عمومی به قرآن است (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۸۳/۷/۲۵) و زمزمه ملکوتی و صحیح و پُر جاذبه قرآن، موجب انس و نزدیکی مردم به قرآن می‌شود: «ما اگر بخواهیم کل امت با قرآن انس بگیرند، باید تلاوت قرآن را در جامعه باب کنیم. اگر من این‌قدر به خولدن شما قاریان عزیز تکیه می‌کنم و به آن اهمیت می‌دهم، برای همین است. شما یک نفر آدمید، می‌خوانید، هرچه هم خوب بخوانید یا نخوانید، از یک جهت به خودتان مربوط است؛ اما آن چیزی که من را وادار می‌کند که به این مسأله این‌همه اهتمام بورزم، آن است که اگر تالیان کلام‌الله در جامعه توانستند با زمزمه ملکوتی و صحیح و پُر جاذبه، این آیات کریمه را تلاوت بکنند، دل مردم با قرآن انس می‌گیرد و به قرآن نزدیک می‌شود» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۷۰/۱/۲۲). در تعبیری

دیگری ایشان می‌فرماید: «من بارها گفته‌ام، باز هم می‌گویم: ما تلاوت برجسته قرآن را در این کشور دنبال می‌کنیم، برای این‌که انس با قرآن و تلاوت قرآن در بین مردم عمومیت پیدا کند» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار قاریان قرآن کریم، ۱۳۸۴/۷/۱۴).

دوم: القای صحیح معانی بر مخاطب

دومین اثری که تلاوت قرآن با رعایت آداب باطنی و ظاهری آن دارد، القای صحیح معانی بر مخاطب است. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «هر تلاوتی اثرگذار نیست؛ بعضی از تلاوتها هست که وقتی اجرا می‌شود، معانی قرآن را در گوش و دل و جان مخاطب رسوخ می‌دهد؛ دست یافتن به چنین تلاوتی، این با ارزش است. ما می‌خواهیم به آنجا برسیم. البته شرط این صدا هست، موسیقی هست، کیفیت ترکیب‌بندی آیات و تلاوتی که انجام می‌گیرد، هست؛ همه اینها مؤثر است» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار قاریان شرکت‌کننده در بیست و سومین مسابقات بین‌المللی قرآن، ۱۳۸۵/۷/۴). ایشان، مصطفی اسماعیل و سپس عبدالفتاح شعشعاعی و منشأوی را به‌عنوان قاریان ممتاز در القای معانی بر مخاطبان معرفی می‌کنند (ر.ک: خامنه‌ای، بیانات در مراسم تودیع قاریان قرآن، ۱۳۷۰/۲/۶).

سوم: رشد معنوی و فکری و عملی فرد و جامعه

اثر نهایی که تلاوت قرآن با رعایت آداب باطنی و ظاهری آن دارد، رشد معنوی، فکری و عملی افراد جامعه است. ایشان در بیاناتی لطیف فولید تلاوت قرآن را (۱) تعمیق معنویت و اثرگذاری بر دل، (۲) تغذیه‌اندیشه و معرفت و اثرگذاری بر فکر (ر.ک: خامنه‌ای، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن، ۱۳۹۸/۱/۲۶) و (۳) و تقرب انسان به عمل مطابق با آموزه‌های قرآن (ر.ک: خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۸۳/۶/۲۶) معرفی می‌کنند. ایشان در تعبیری دیگر، از تلاوت قرآن با عنوان وسیله‌ای برای شکل دادن به زندگی فردی و اجتماعی در سایه قرآن نام می‌برد (ر.ک: خامنه‌ای، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۱۳۹۲/۳/۱۸).

در جمع‌بندی یافته‌های تحقیق باید گفت که از میان آداب و آثاری که برای تلاوت قرآن مبتنی بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای بیان شد، به نظر می‌رسد تعبیر «مهندسی تلاوت» با «آداب ظاهری تلاوت» پیوستگی مفهومی دارد، زیرا مؤلفه‌هایی که رهبر معظم انقلاب در سال ۱۴۰۱ به هنگام سخن از «مهندسی تلاوت» بیان فرموده‌اند (ر.ک: خامنه‌ای، بیانات در محفل انس با قرآن، ۱۴۰۱/۱/۱۴)، در حقیقت همان رعایت «آداب ظاهری تلاوت» هستند. لذا در ادامه مقاله، به تبیین شاخصه‌های «مهندسی تلاوت» یا «آداب ظاهری تلاوت» می‌پردازیم.



ج. تبیین مؤلفه‌های «مهندسی تلاوت» یا «آداب ظاهری تلاوت»

همانطور که پیش‌تر بیان شد آداب ظاهری تلاوت شامل: ۱) انتخاب مواضع مناسب برای وقف و ابتدا، ۲) تکیه بر روی برخی کلمات و عبارات و تکرار آنها و ۳) رعایت موازین صوت و لحن است که این ۳ مؤلفه، تمام شاخصه‌هایی که رهبر معظم انقلاب برای «مهندسی تلاوت» بیان فرموده‌اند (ر.ک: خامنه‌ای، بیانات در محفل انس با قرآن، ۱۴۰۱/۱/۱۴) را در بر می‌گیرند. لذا تبیین آن‌ها، در واقع تبیین شاخصه‌های «مهندسی تلاوت» است.

۱. انتخاب مواضع مناسب برای وقف و ابتدا

وقف در اصطلاح عبارت است از قطع صوت بر روی یک کلمه به مقدار زمانی که به‌طور معمول در آن تنفس شود با نیت شروع مجدد تلاوت، نه با نیت اعراض و تمام کردن تلاوت (ابن جزری، بی‌تا، ۲۴۰/۱). ابتدا نیز به معنای شروع به تلاوت پس از وقف است. مقصود از علم وقف و ابتدا نیز بیان مواضع وقف به منظور رعایت معانی قرآن توسط قاری است تا وی مطابق با مقتضای معنا و لفظ، وقف و ابتدا کند و این محقق نمی‌شود مگر با تدبیر و اهتمام به معانی (میمونی، ۱۴۲۳: ۴).

وقف به دو نوع کلی اضطراری و اختیاری تقسیم می‌شود؛ وقف اضطراری یعنی قاری قرآن بدون اختیار و بر اثر کمبود نفس، فراموشی آیه، قطع صدا، سرفه، عطسه یا اتفاق دیگری وقف کند. از آن‌جا که قاری بدون اختیار مجبور به وقف شده و ممکن است محلی که در آن وقف کرده، مناسب نباشد، باید از مکانی مناسب ابتدا کند و خطای پیش آمده را جبران نماید (ستوده‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۶۸). وقف اختیاری نیز آن است که قاری با اختیار خود بر کلمه‌ای وقف کند، که بیشتر مباحث وقف و ابتدا مربوط به این حوزه است (همان‌جا).

وقف‌های اختیاری به دو نوع وقف جایز (صحیح) و غیر جایز (قبیح و اقبح) تقسیم می‌شوند؛ وقف جایز در پایان عبارت‌هایی انجام می‌شود که معنای صحیح و مفیدی از آن عبارت فهمیده شود که خود به سه نوع تام، کافی و حسن تقسیم می‌شود. وقف غیر جایز نیز در جایی است که معنا مفید نباشد، حال چه معنا ناقص شود مانند وقف بر «الْحَمْدُ» به جای «الْحَمْدُ لِلَّهِ» (النحل: ۷۵): «ستایش مخصوص خداست»، و چه معنا تغییر یابد مانند وقف بر «وَمَا مِنْ إِلَهٍ» به جای «وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ» (آل عمران: ۶۲): «او هیچ معبودی: ز خدا نیست» (برای مطالعه بیشتر و مشاهده مثال‌ها ر.ک: ابن جزری، بی‌تا، ۲۲۴/۱-۲۳۰).

بنابراین انتخاب مواضع صحیح برای وقف و ابتدا، از مهم‌ترین ارکان مهندسی تلاوت است، چه بی‌توجهی به آن، موجب نقصان یا فساد معانی آیات می‌شود.

۲. تکیه بر روی برخی کلمات و عبارات و تکرار آن‌ها

تکیه که با تعابیر stress و accent در زبان‌های فرانسوی و انگلیسی شناخته می‌شود، در اصطلاح به معنای برجسته‌کردن صوتی از اصوات در کلمه یا جمله است که به دو دسته تکیه کلمه و تکیه جمله تقسیم می‌شود:

الف) تکیه کلمه: به معنای برجسته‌کردن یکی از هجاهای کلمه است. مثلاً در کلمه‌ای مانند «کَتَبَ»، تکیه بر هجای اول «کَ» است. اما در کلمه‌ای مانند «يَكْتُبُ» تکیه بر هجای دوم «تُ» است و در کلمه‌ای مانند «يَكْتُبُونَ» تکیه بر هجای سوم «و» است.

ب) تکیه جمله: به معنای برجسته کردن یک کلمه با تمامی هجاهایش نسبت به سایر کلمات مجاور برای تأکید بر مفهوم و معنای آن کلمه است. مثلاً در آیه: «... أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...» (المائدة: ۳): «... امروز، دین شما را برایتان کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را برای شما [بعنوان] دین پذیرفتم...». اگر بر کلمه «أَلْيَوْمَ» نبر واقع شود به معنای همین امروز (روز نزول آیه) خواهد بود و اگر بدون نبر ادا شود معنای آن، این برهه از زمان خواهد بود، همان‌گونه که در زبان فارسی می‌گوییم: (امروز ثبت‌نام کردم) در مقایسه با (امروز احیای فرهنگ قرآنی در جامعه از مهم‌ترین امور است). هم‌چنین اگر کلمات «أَكْمَلْتُ» «أَتِمَمْتُ» «رَضِيتُ» به وسیله نبر برجسته شوند، تأکید فعل مورد نظر خواهد بود و اگر بر کلمات «لَكُمْ» «دِينَكُمْ» «عَلَيْكُمْ» نبر وارد شود مفهوم (تخصیص این نعمات به شما و اهمیت و ارزش این عطاها و نعمات)، برجسته‌تر می‌شود (برای مطالعه بیشتر ر.ک: دغاغله، ۱۳۹۳: ۷۱-۷۴).

در رابطه با مقوله تکرار نیز باید گفت که در هر سوره، آیات، عبارات و مضامینی وجود دارند که نسبت به سایر آیات محوریت دارند که به آنها «غرر الآیات» گفته می‌شود. جوادی آملی در تعریف «غرر الآیات» می‌نویسد: «غرر آیات، آیات کلیدی قرآن هستند که راهگشای بسیاری از آیات دیگر، بلکه پایه و میزان عدل و مصباح روشنی برای حل پیچیدگی‌های بسیاری از احادیث‌اند» (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۳۲/۱۳). وی مهم‌ترین ویژگی این آیات را توحیدی بودن آنها معرفی می‌کند (همان‌جا) که از جمله ملاک‌های شناخت این آیات، روایات معصومان علیهم‌السلام درباره اهمیت برخی از آیات است (همان: ۲۶۹/۱: ۳/۲). بنابراین، قاری قرآن باید تلاش کند که این آیات را برای شنوندگان برجسته نماید. از جمله روش‌های معمول برای برجسته‌سازی مفاهیم مهم، استفاده از عنصر تکرار با درجات صوتی یا نغمات مختلف، به کارگرفتن بالاترین طبقه صوتی و نیز استفاده از لحن‌های مستقیم (دون تحریر یا تمویج) برای بیان مفهوم مد نظر است (شاه‌میوه اصفهانی، ۱۳۸۹: ۱۸۵).



۳. رعایت موازین صوت و لحن

مراد از موازین صوت و لحن، توجه به تنغیم و انغام در تلاوت قرآن است.

تنغیم: تنغیم که در زبان انگلیسی Intonation گفته می‌شود، مبحثی صوتی است که پیرامون خیزش و افت صوت و نیز مستقیم بودن آن صحبت می‌کند و به صورت نسبی می‌تواند در ابراز معانی نقش داشته باشد» (عکاشه، ۲۰۱۱: ۴۹).

به تعبیر دیگر تنغیم، تغییرات آهنگینی است که به طور متناوب در صوت اتفاق می‌افتد که گاهی صوت از زیر به بم و گاهی از بم به زیر منتقل می‌شود و این زیر و بم‌های متناوب صوت باعث ایجاد آهنگی می‌گردد که معانی را رساتر به گوش مخاطب می‌رساند. تمامی این افت و خیزهای صوتی تابع حالت‌های گوینده است که با چه حسی سخن را بیان می‌کند. از همین آهنگ است که می‌توان گفتار همراه با رضایت، اعتراض، خشم، ناامیدی، امیدواری، شک و تردید، یقین، تکبر، تواضع، سؤال، تعجب، نفی و اثبات و غیره را تشخیص داد (دغاغله، ۱۳۹۳: ۷۴).

به طور مثال فعل «آمد» در دو جمله «آیا زید آمد؟» و «بله؛ زید آمد.» به کار رفته است؛ اما در جمله اول ارتفاع صدا بیشتر از جمله دوم است و این ارتفاع صدا را سؤالی بودن جمله ایجاب می‌کند. چنانچه در جمله دوم خبری یا انشائی بودن جمله باعث می‌شود که درجه صوتی با حداقل ارتفاع بیان شود. درواقع این تنوع ارتفاع صدا، در بیان گفتاری انواع جمله‌ها، نقش علائم نگارشی در کتابت را ایفا می‌کند و در بیان دقیق و صحیح مفاهیم آیات قرآن تأثیرگذار است.

بحرآوی در این باره می‌نویسد: «بر حسب جمله، تنغیم شکل می‌گیرد. جمله تقریری (اثبات، نفی، شرط و دعا) با نغمه تنزل به پایان می‌رسد، در جمله استفهامی به غیر از ادات هل و همزه نیز این گونه است. اما استفهام در هل و همزه با نغمه بالا به پایان می‌رسد و زمانی که متکلم قبل از تمام شدن معنا وقف می‌کند، بر نغمه مسطح وقف کرده که نه بالا است و نه پایین» (بحرآوی، ۱۹۹۶: ۲۵).

در خصوص رابطه میان تکیه (که پیش‌تر از آن سخن گفتیم) و تنغیم باید گفت، که تکیه بر تنغیم اولویت دارد، زیرا عدم رعایت مواضع تکیه، اساس لفظ و جمله را به هم می‌ریزد و در این صورت، تنغیم هم اعتبار خود را از دست می‌دهد.

انغام: به معنای بهره‌گیری از نغمه‌های و مقام‌های موسیقایی در تلاوت قرآن است که می‌تواند در بیان مفاهیم و معانی عبارات قرآن مؤثر باشد. مشهورترین مقام‌های موسیقایی عرب که در تلاوت قرآن نیز توسط قاریان به کار می‌روند عبارتند از هفت مقام عجم، نهاوند، رست، بیات/با، حجاز و سه‌گاه (المهدی، بی‌تا، ۲۰-۲۱) که هر کدام در مفاهیم مشخصی کاربرد دارند؛ به طور مثال مقام نهاوند بیشتر

برای ایجاد حالت تفکر و دقت و نگرستن در عمق مطلب و نیز محاوره به کار می‌رود، یا مقام صبا معمولاً در بیان آیات انذار، بیان حزن، طلب توبه و اوصاف دوزخ و دوزخیان کاربرد دارد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: دغاغله، ۱۳۹۳: ۸۷-۹۰).

در خصوص رابطه میان تکیه و انغام نیز باید گفت، مواضع تکیه را می‌توان بدون نغمات به طور صحیح و فصیح بیان کرد، اما ادای نغمه بدون رعایت مواضع تکیه، نزد آگاهان به معانی قرآن، فاقد اعتبار و زیبایی و حتی مضحک است.

نتیجه گیری

تلاوت مطلوب قرآن در اندیشه آیت الله خامنه‌ای متشکل از دو بخش آداب و آثار است؛ آداب تلاوت قرآن شامل آداب باطنی و ظاهری است که رعایت آنها آثاری شامل متوجه نمودن عموم مردم به قرآن، القای صحیح معانی بر شنوندگان، و رشد معنوی و فکری و عملی فرد و جامعه را در پی دارد. خودتأثیری پیشین قاری از مضامین آیات، ادب باطنی و مهم‌ترین شرط تلاوت مطلوب از نظر آیت الله خامنه‌ای است؛ و انتخاب مواضع مناسب برای وقف و ابتداء، تکیه بر روی برخی کلمات و عبارات و تکرار آن‌ها، و رعایت موازین صوت و لحن، سه ادب ظاهری تلاوت مطلوب از نظر ایشان است که این آداب ظاهری در واقع همان مؤلفه‌های «مهندسی تلاوت» مذکور در بیانات معظم له هستند. بنابراین به نظر می‌رسد مراد ایشان از تعبیر «مهندسی تلاوت» رعایت آداب ظاهری تلاوت باشد.



فهرست منابع

۱. ابن جزری، محمد بن محمد، النشر فی القراءات العشر، بیروت: دار الکتب العلمیة، بی‌تا.
۲. بحرآوی، سید، الايقاع فی شعر السیاب، قاهرة: دار نواره للترجمة و النشر، ۱۹۹۶م.
۳. جوادى آملى، عبدالله، تفسير تسنیم، قم: اسراء، ۱۳۸۱ش.
۴. فراهی بخشایش، علی اکبر، و رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۴۰۰). راهکارهای انس با قرآن کریم در اندیشه مقام معظم رهبری (دامت برکاته). مطالعات قرآنت قرآن، ۹(۱۷)، ۶۴-۸۶. doi: 10.22034/qer.2022.6521
۵. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار قاریان شرکت کننده در بیست و سومین مسابقات بین‌المللی قرآن، در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به آدرس: www.Khamenei.ir، ۱۳۸۵/۷/۴.
۶. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در جلسه اختتامیه مسابقات قرآنت قرآن، در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به آدرس: www.Khamenei.ir، ۱۳۷۱/۱۱/۵.
۷. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به آدرس: www.Khamenei.ir، ۱۳۷۰/۱/۲۲.
۸. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به آدرس: www.Khamenei.ir، ۱۳۷۱/۱۲/۱۷.
۹. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به آدرس: www.Khamenei.ir، ۱۳۸۲/۸/۶.
۱۰. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به آدرس: www.Khamenei.ir، ۱۳۸۳/۶/۲۶.
۱۱. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به آدرس: www.Khamenei.ir، ۱۳۸۳/۷/۲۵.

۱۲. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به آدرس: www.Khamenei.ir، ۱۳۹۱/۴/۴.
۱۳. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به آدرس: www.Khamenei.ir، ۱۳۹۲/۳/۱۸.
۱۴. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن، در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به آدرس: www.Khamenei.ir، ۱۳۹۸/۱/۲۶.
۱۵. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار قاریان قرآن کریم، در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به آدرس: www.Khamenei.ir، ۱۳۸۴/۷/۱۴.
۱۶. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار قاریان، در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به آدرس: www.Khamenei.ir، ۱۳۸۶/۶/۲۲.
۱۷. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در محفل انس با قرآن کریم، در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به آدرس: www.Khamenei.ir، ۱۳۹۵/۳/۱۸.
۱۸. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در محفل انس با قرآن، در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به آدرس: www.Khamenei.ir، ۱۳۹۴/۳/۲۸.
۱۹. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در محفل انس با قرآن، در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به آدرس: www.Khamenei.ir، ۱۴۰۱/۱/۱۴.
۲۰. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در مراسم تودیع قاریان قرآن، در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به آدرس: www.Khamenei.ir، ۱۳۷۰/۲/۶.



۲۱. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به آدرس: www.Khamenei.ir، ۱۴/۶/۱۳۹۲.
۲۲. دغاغله، مهدی، «جایگاه شاخص‌های هنری (صوت و لحن) در تلاوت استادانه»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های دهمین نشست تخصصی اساتید، قاریان و حافظان ممتاز قرآن کریم با عنوان ویژگی‌های تلاوت استادانه، تهران: مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳ش.
۲۳. زرنوشه فراهانی، حسن، الگوی انس با قرآن بر مبنای رویکرد تمدنی نظام جمهوری اسلامی ایران، قم: ارباب‌اندیشه، ۱۴۰۱ش.
۲۴. زرنوشه فراهانی، حسن؛ علیپور، میثم، «الگوی انس با قرآن مبتنی بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، دو فصلنامه علمی پژوهشی دین و سیاست فرهنگی، شماره شانزدهم/۱۵۷-۱۸۹، ۱۴۰۰ش.
۲۵. ستوده‌نیا، محمد رضا، دانش تجوید سطح ۲، قم: نسیم حیات، ۱۳۹۱ش.
۲۶. شاه‌میوه اصفهانی، غلامرضا، معماری تلاوت، تهران: انتشارات تلاوت، ۱۳۸۹ش.
۲۷. شهیدی‌پور، محمد رضا، و رستم نژاد، مهدی. (۱۴۰۰). ترویج فرهنگ انس با قرآن با تأکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری (دامت برکاته). مطالعات قرآنت قرآن، ۹(۱۷)، ۱۱۶-۱۴۶. doi: 10.22034/qer.2022.6525
۲۸. عترت دوست، محمد؛ نصیری، امید؛ غیائی، هادی، «شبکه مضامین عوامل ایجاد فقر در جامعه اسلامی از منظر آیات قرآن و احادیث اهل بیت (ع)»، دو فصلنامه علمی مطالعات قرآن و حدیث، سال ۱۳، شماره ۲۸/۱۵۹-۱۸۷، ۱۳۹۸ش.
۲۹. عکاشه، محمود، التحلیل اللغوی فی ضوء علم الدلالة، القاهرة: دار النشر للجامعات، ۲۰۱۱م.
۳۰. مهدی/الح، مقامات الموسيقى العربية، تونس: نشر المعهد الرشیدی للموسیقی التونسية، بی‌تا.
۳۱. میمون، عبدالله علی، فضل علم الوقف و الإبتداء و حکم الوقف علی رؤوس الآیات، ریاض: دار القاسم للنشر و التوزیع، ۱۴۲۳ق.

32. Attride- Stirling,J, “Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Reasearch”, Qualitative Reasearch, Vol.1, No.3, p.385-405, 2001.
33. Braun, V. & Clarke, V, “Using thematic analysis in psychology”, Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No. 2, p. 77-101, 2006.
34. Given L.M, “the sage encyclopedia of qualitative Methods”. Vol. 1-2 California: sage, 2008.

Resources

1. Akasha, Mahmoud, *Al-Tahlil al-Lughawi fi Dau' al-Dalalah (Linguistic Analysis in Light of Semantics)*, Cairo: Dar al-Nashr lil-Jami'at, 2011 CE.
2. Bahrawi, Sayyid, *Al-I'qa fi Shi'r al-Sayyab (Rhythm in the Poetry of al-Sayyab)*, Cairo: Dar Nawara lil-Tarjama wa al-Nashr, 1996 CE.
3. Braun, V. & Clarke, V, "Using Thematic Analysis In Psychology", Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No. 2, p. 77-101, 2006.
4. Daghighleh, Mehdi, "Jaygah-e Shakhsehaye-e Honari (Soot va Lahen) dar Talavat-e Ostadaneh" (*The Role of Artistic Elements (Sound and Tone) in Expert Recitation*), Collection of Articles and Lectures of the Tenth Specialized Session of Professors, Reciters, and Excellent Memorizers of the Quran, titled Characteristics of Expert Recitation, Tehran: Center for Quran Printing and Publications of the Islamic Republic of Iran, 1393 SH (2014 CE).
5. Etratdoust, Mohammad; Nasiri, Omid; Ghiyasi, Hadi, "Shabakeye Mazameen-e Avamel Ejade Fagr dar Jame'e Islami az Manzar-e Ayat-e Quran va Ahadith-e Ahl al-Bayt (AS)" (*Network of Factors Creating Poverty in Islamic Society from the Perspective of Quranic Verses and Ahl al-Bayt's Hadiths*), Bi-Annual Journal of Quran and Hadith Studies, Vol. 13, No. 28, pp. 159-187, 1398 SH (2019 CE).
6. Farahibakhshaish, Ali Akbar, Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, "Rahkarha-ye Ons ba Quran Karim dar Andishe-ye Maqam-e Moazzam-e Rahbari Damat Barakatuh" (*Strategies for Intimacy with the Holy Quran in the Thought of the Supreme Leader*), Studies in Quran Recitation, 1400 SH (2021 CE).
7. Given L.M, "The Sage Encyclopedia Of Qualitative Methods". Vol. 1-2 California: sage, 2008.
8. Ibn Jazari, Mohammad Bin Mohammad, *Al-Nashr fi al-Qira'at al-Ashr (Publication in the Ten Readings)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, n.d.
9. Javadi Amoli, Abdullah, *Tafsir Tasnim (Interpretation of Tasnim)*, Qom: Isra Publications, 1381 SH (2002 CE).
10. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar-e Jame'e az Qariyan Qur'an (Statements in Meeting with a Group of Quran Reciters)*, published on the website of the Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei (may his sublime presence endure), www.Khamenei.ir, 22/1/1370 SH (April 11, 1991 CE).
11. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar-e Jame'e az Qariyan Qur'an (Statements in Meeting with a Group of Quran Reciters)*, published on the website of the Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei (may his sublime presence endure), www.Khamenei.ir, 17/12/1371 SH (March 8, 1993 CE).

12. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar-e Jame'e az Qariyan Qur'an (Statements in Meeting with a Group of Quran Reciters)*, published on the website of the Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei (may his sublime presence endure), www.Khamenei.ir, 6/8/1382 SH (October 28, 2003 CE).
13. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar-e Jome'e az Qariyan-e Qur'an (Statements in Meeting with a Group of Quran Reciters)*, published on the website of the Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei (may his sublime presence endure), www.Khamenei.ir, 26/6/1383 SH (September 17, 2004 CE).
14. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar-e Jome'e az Qariyan-e Qur'an (Statements in Meeting with a Group of Quran Reciters)*, published on the website of the Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei (may his sublime presence endure), www.Khamenei.ir, 25/7/1383 SH (October 16, 2004 CE).
15. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar-e Qariyan (Statements in Meeting with Reciters)*, published on the website of the Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei (may his sublime presence endure), www.Khamenei.ir, 22/6/1386 SH (September 13, 2007 CE).
16. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar-e Qariyan Sharikat Konande dar Bisto-Sevomin Mosabeghat Bein-al-Melali-e Qur'an (Statements in Meeting with Participants of the Twenty-Third International Quran Competition)*, published on the website of the Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei (may his sublime presence endure), www.Khamenei.ir, 4/7/1385 SH (September 25, 2006 CE).
17. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar-e Rayis va Azaye Majles-e Khobregan-e Rahbari (Statements in Meeting with the President and Members of the Assembly of Experts)*, published on the website of the Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei (may his sublime presence endure), www.Khamenei.ir, 14/6/1392 SH (September 5, 2013 CE).
18. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar-e Sherkatkonandegan dar Mosaabeqat-e Bein-al-Melali-e Qur'an Kareem (Statements in Meeting with Participants of the International Quran Competition)*, published on the website of the Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei (may his sublime presence endure), www.Khamenei.ir, 4/4/1391 SH (June 24, 2012 CE).
19. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar-e Sherkatkonandegan dar Mosaabeqat-e Bein-al-Melali-e Qur'an Kareem (Statements in Meeting with Participants of the International Quran Competition)*, published on the website of the Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei (may his sublime presence endure), www.Khamenei.ir, 18/3/1392 SH (June 8, 2013 CE).

20. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar-e Sherkatkonandegan dar Mosaabeqat-e Bein-al-Melali-e Qur'an (Statements in Meeting with Participants of the International Quran Competition)*, published on the website of the Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei (may his sublime presence endure), www.Khamenei.ir, 26/1/1398 SH (April 15, 2019 CE).
21. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Jalseh-ye Akhtatamiyeh Mosabeghat Qira'at-e Qur'an (Statements in the Closing Session of the Quran Recitation Competition)*, published on the website of the Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei (may his sublime presence endure), www.Khamenei.ir, 5/11/1371 SH (January 26, 1993 CE).
22. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Mahafle Anse ba Qur'an (Statements in Sessions of Communion with the Quran)*, published on the website of the Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei (may his sublime presence endure), www.Khamenei.ir, 18/3/1395 SH (June 8, 2016 CE).
23. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Mahafle Anse ba Qur'an (Statements in Sessions of Communion with the Quran)*, published on the website of the Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei (may his sublime presence endure), www.Khamenei.ir, 28/3/1394 SH (June 17, 2015 CE).
24. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Mahafle Anse ba Qur'an (Statements in Sessions of Communion with the Quran)*, published on the website of the Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei (may his sublime presence endure), www.Khamenei.ir, 14/1/1401 SH (April 3, 2022 CE).
25. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Mahafle Anse ba Qur'an Kareem (Statements in Sessions of Communion with the Quran)*, published on the website of the Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei (may his sublime presence endure), www.Khamenei.ir, 14/7/1384 SH (October 6, 2005 CE).
26. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Maraseme Toudi'e Qariyan-e Qur'an (Statements in the Farewell Ceremony of Quran Reciters)*, published on the website of the Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Seyyed Ali Khamenei (may his sublime presence endure), www.Khamenei.ir, 6/2/1370 SH (April 26, 1991 CE).
27. Mahdi, Saleh, *Maqamat al-Musiq al-Arabiyya (Levels of Arab Music)*, Tunis: Nashr al-Maahad al-Rashidi lil-Musiq al-Tunisiyya, n.d.
28. Maimuni, Abdullah Ali, *Fadl 'Ilm al-Waqf wa al-Ibtida' wa Hukm al-Waqf 'ala Ru'us al-Ayat (The Merit of Knowledge of Stopping and Starting and the Ruling of Stopping at the Heads of Verses)*, Riyadh: Dar al-Qasim lil-Nashr wa al-Tawzi', 1423 AH (2002 CE).

29. Shahmiyeh Esfahani, Gholamreza, *Memari-ye Talavat (Architecture of Recitation)*, Tehran: Entesharat Talavat, 1389 SH (2010 CE).
30. Shahidipoor, M. R., & Rostamnejad, M. (2022). Promoting the Culture of Getting Acquaintance with the Quran Emphasizing the Stataments of the Supreme Leader. 5- QERA'T, 9(17), 116-146. doi: 10.22034/qer.2022.6525
31. Sotudehnia, Mohammad Reza, *Danesh-e Tajvid, Sath 2 (Level 2 Tajweed Education)*, Qom: Nasim Hayat, 1391 SH (2012 CE).
32. Zarnoosheh Farahani, Hassan, *Olgoye-e Ons ba Quran bar Mabnaye Ravand-e Tamadoni Nizam Jomhouri Eslami Iran (The Model of Communion with the Quran Based on the Civilizational Approach of the Islamic Republic of Iran)*, Qom: Arbabe Andisheh, 1401 SH (2022 CE).
33. Zarnoosheh Farahani, Hassan; Alipour, Meysam, "*Olgoye-e Ons ba Quran Mobtane bar Andisheye Ayatollah Khamenei*" (*Communion Model with the Quran Based on the Thinking of Ayatollah Khamenei*), Two Semi-Scientific Journal of Religious and Cultural Policy, Issue No. 16, pp. 157-189, 1400 SH (2021 CE).



Novel Approaches to Promoting the Quran among Adolescents and Youth: Emphasizing the Perspective of the Supreme Leader *

Abdullah Jabreili Jlodar ¹ and Ahmad Hossein ²

Abstract



The Quran stands as the final and most comprehensive guide for humanity, and embracing its teachings is crucial for attaining spiritual fulfillment. All Muslims, across epochs and eras, must firmly adhere to this divine source of guidance. According to the viewpoint of the Supreme Leader of the Revolution, due to the significance of the phase of life characterized by motivation, vigor, and personality development, adolescents and youth should particularly engage with the Quran more than others. Therefore, the Supreme Leader urges scholars, responsible institutions, and authorities to identify, prioritize, and pay attention to the methods of promoting the Quran among youth, which stands as one of the most critical and practical issues. Hence, employing a descriptive-analytical approach and utilizing library resources alongside field observations, this article investigates modern methods of Quran promotion among adolescents and youth, emphasizing the perspective of the Supreme Leader. The results of this study highlight that the most crucial new approaches to promoting the Holy Quran include the utilization of virtual spaces, social networks, mass communication media, television, radio, animations, and artistic tools.

Keywords: Quran, Promotion, Approaches, Youth, Adolescents, The Supreme Leader.

*. **Date of receiving:** 21 September 2022, **Date of approval:** 18 March 2023.

1. Assistant Professor in the Department of Quranic Sciences and Recitation Techniques, Quran and Hadith Higher Education Institute, Al-Mustafa International University, Qom, Iran: abdolah_jlodar@miu.ac.ir.

2. Research Scholar - Level 4, Quranic Sciences and Recitation Techniques, Quran and Hadith Higher Education Institute, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. (Corresponding Author): zamairi2017@gmail.com.



شیوه‌های جدید ترویج قرآن در میان نوجوانان و جوانان با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری *

عبدالله جبرئیلی جلودار^۱ و احمدحسین^۲



چکیده

قرآن آخرین و کامل‌ترین کتاب هدایت برای بشریت است. مسلماً بهره‌مندی از این نسخه، سعادت مستلزم انس با این کتاب الهی است. تمامی مسلمانان در همه اعصار و امصار باید به این جبل الهی متمسک باشند. از نگاه رهبر معظم انقلاب جوانان و نوجوانان به دلیل اهمیت این برهه از زندگی که توأم با انگیزه، نشاط و شکل‌گیری شخصیت هستند، بیش از دیگران باید با قرآن مانوس باشند. از این رو ایشان از صاحب‌نظران و نهادهای متولی و مسئولین می‌خواهند، شیوه‌های ترویج قرآن بین جوانان و نوجوانان که یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین مسائل به‌شمار می‌رود، شناسایی و مورد توجه و عنایت قرار دهند. لذا در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و همچنین رصد میدانی شیوه‌های نو ترویج قرآن در میان جوانان و نوجوانان با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری این مسئله را مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل از این مقاله می‌رساند که مهمترین شیوه‌های جدید ترویج قرآن کریم شامل فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های ارتباط جمعی، تلویزیون، رادیو، پویانمایی و ابزارهای هنری می‌باشد.

واژگان کلیدی: قرآن، ترویج، شیوه‌ها: جوانان، نوجوانان، مقام معظم رهبری.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷.

۱. استادیار، گروه علوم و فنون قرائت، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعة المصطفی ص العالمية، قم، ایران: abdolah_jlodar@miu.ac.ir

۲. دانش‌پژوه سطح چهار رشته علوم و فنون قرائت، مجتمع عالی قرآن و حدیث، جامعة المصطفی ص العالمية، قم، ایران (نویسنده مسئول): zamairi2017@gmail.com



مقدمه

روش‌های جدید ترویج قرآن در میان جوانان و نوجوانان یکی از با ارزش‌ترین کارهای است زیرا مقام معظم رهبری در سخنانشان بر اهمیت آن تأکید کرده‌اند: «من باز هم به جوانان عزیزمان توصیه میکنم که با قرآن انس بگیرید، با قرآن مجالست کنید. (و ما جالس هذا القرآن أحد الأقام عنه بزيادة او نقصان، زیاده فی هدی او نقصان من عمی)؛ هر باری که شما با قرآن نشست و برخاست کنید، یک پرده از پرده‌های جهالت شما برداشته می‌شود؛ یک چشمه از چشمه‌های نورانیت در دل شما گشایش پیدا میکند و جاری می‌شود. انس با قرآن، مجالست با قرآن، تفهم قرآن، تدبر در قرآن، اینها لازم است» (بیانات در دیدار قاریان قرآن، ۱۳۸۹/۴/۲۴) باتوجه به اهمیت این موضوع در مقاله درباره روش‌های نوین ترویج قرآن بحث می‌شود لذا بعد از بررسی مهمترین مفاهیم راه‌های ترویج بحث می‌شود.

الف. مفهوم‌شناسی

۱. مفهوم قرآن

درباره واژه قرآن در لغت میان لغت‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد از این رو لغت‌شناسان درباره لفظ «قرآن» چند معنا بیان کرده‌اند که مهمترین از آنها دو معنی می‌باشد: ۱. به معنای خولندن؛ ۲. به معنای جمع‌آوری.

واژه‌ی «قرآن» مصدر است (ابن‌منظور، ۲۰۱۱: ۲۲/۱) چنانکه در باره معنای دومی قرآن آقای راغب اصفهانی در مفردات فرموده قرآن، به معنای «جمع و گردآوری»؛ کسانی که به این معنا قائلند، در آیه: «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ» (قیامت: ۱۷) واژه «جمعه» و «قرآن» را مترادف و هم معنا می‌دانند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ماده قراء).

ابن‌اثیر درباره اصل این واژه می‌نویسد: «و الأصل فی هذه اللفظة الجمع. و کل شیء جمعه فقد قرأته. و سَمِیَ الْقُرْآنَ قُرْآنًا لِأَنَّهُ جَمْعُ الْقَصَصِ، و الأمر و النهی، و الوعد و الوعيد، و الآیات و السور بعضها إلی بعض، و هو مصدر کالغفران و الکفران» (ابن‌اثیر، ۱۳۹۹: ۳۰/۴)؛ اصل این لفظ به معنای جمع است هرچیزی که جمع کردم یعنی قرائت کردم و علت نامگذاری قرآن این است که در آن قصص، امر و نهی، وعد وعید و آیات و سوره همه جمع شده است و لفظ قرآن مانند غفران و کفران مصدر می‌باشد. البته صاحب قاموس در این زمینه می‌نویسد: «بعضی‌ها قرآن را در اصل بمعنی جمع گرفته‌اند که اصل قرء بمعنی جمع است در این صورت می‌توانند بگویند که: آن مصدر برای فاعل است. قرآن یعنی جامع حقائق و فرموده‌های الهی» (قرشی، ۱۴۱۲: ۲۶۲/۵) معنای دوم قرآن به معنای قرائت و خواندن است؛

چنانکه در قاموس قرآن آمده: «قرآن: این لفظ در اصل مصدر است بمعنی خواندن» (همان). بیشتر لغت‌دانان همین دو معنی را بیان کرده‌اند برخی معنای اول و برخی دیگر معنای دوم را ترجیح داده‌اند. اگرچه قرآن بی‌نیاز از تعریف است؛ زیرا که قرآن از این زاویه بدیهی می‌باشد ولی با وجود این برای قرآن، تعریف‌های زیادی ارائه شده که هر کدام نشان‌دهنده ویژگی مختلف قرآن می‌باشد؛ زیرا که هر کدام از علما با زوایه و دیدگاه خودشان «قرآن» را تعریف کرده‌اند با توجه به همین بعنوان نمونه برخی تعاریف اشاره می‌شود: آقای خرمشاهی در باره تعریف قرآن می‌نویسد «دوگونه تعریف می‌توان به دست داد. نخست تعریف ساده و عرفی که قرآن را کتاب مقدس و آسمانی اسلام و وحی الهی بر حضرت محمد ﷺ می‌داند. دوم تعریف علمی که قرآن را وحی نامه اعجاز‌آمیز الهی می‌داند که به زبان عربی، به عین الفاظ توسط فرشته امین وحی جبرئیل، از جانب خداوند و از لوح محفوظ، بر قلب و زبان پیامبر اسلام ﷺ هم اجمالاً یکباره و هم تفصیلاً در مدت بیست و سه سال نازل شده و حضرت آن را بر گروهی از اصحاب خود خوانده‌اند» (خرمشاهی، ۱۳۷۶: ۱۰/۱).

۲. مفهوم ترویج

در لغت برای ترویج معانی متعددی بیان شده است همچون «رائج کردن» «روان کردن» و «آرایش دادن کلام» (علی اکبر، دهخدا، ۱۳۷۷ش، واژه ترویج) اگرچه این واژه از عربی گرفته شده است چنانکه در کتب عربی نیز به همین معنا بکار رفته است از این رو در لسان العرب آمده است «وَرَوَّجَ به: عَجَّلَ. وَ رَاجَ الشَّيْءُ يَرَوِّجُ رَوَاجاً: نَفَقَ. وَ رَوَّجْتُ السَّلْعَةَ وَ الدَّرَاهِمَ» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲/۲۸۵) «روج» به معنای تعجیل و «راج» به معنای «نفق» و «روجت» به معنای معامله کردن با متاع و دارهم می‌باشد همین معنی در مجمع البحرین نیز نقل شده است «و راجت الدراهم: تعامل الناس بها» (طریحی، ۱۳۶۷: ۳/۳۰۳). مراد از این واژه در این تحقیق همان تبلیغ و رواج دادن می‌باشد. اگرچه درباره واژه «ترویج» در معاجم تعریف اصطلاحی منظمی اشاره نشده شده است ولی برخی مقالات که در عصر اخیر نسبت به ترویج علم نوشته شده است اشارتی وجود دارد چنانکه در این زمینه آمده است: «ترویج علم به ذات دارای مفهوم مشخص و یک پارچه‌ای نیست اما رجوع به منابع می‌توان یک تعریف کلی از آن ارائه کرد «به فعالیت‌های که با هدف آموزش علوم و انتقال یافته‌های علمی به مردم عادی (به زبان ساده همگانی کردن علم) انجام می‌شود، ترویج گفته می‌شود» (صادقی دلواپی، ۱۳۹۸: ۴). همچنین در این زمینه آمده است: «ترویج و عمومی سازی علم مفهومی است که به رشد دانش و فهم علم در میان جامعه می‌پردازد و روش‌های گوناگونی در ترویج علم مطرح شده به آزمون گذاشته می‌شود»



(مصطفوی، ۱۳۹۲). در واقع در اینجا مراد همان تبلیغ و نمایش به روش‌های گوناگونی می‌باشد به عبارت دیگر به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها گفته می‌شود که به منظور انتقال یک پیام یا مطلب سودمند به جوانان و بزرگسالان در نظام آموزش می‌باشد.

ب. اهمیت روش جدید ترویج قرآن

فناوری اطلاعات، مهمترین ویژگی زمان ماست، به گونه‌ای که قرن ۲۱ را عصر اطلاعات و ارتباطات نامیده‌اند. شتاب تحولات در این زمینه در سطح جهانی به حدی است که یک لحظه غفلت را بر نمی‌تابد و سکون در این مسابقه پرشتاب، فقط به معنای عقب ماندن از کاروان جهانی شدن است. در این میان، ما به عنوان مسلمانان وظیفه خود می‌دانیم به ترویج فرهنگ قرآنی باندیشیم تا وظیفه خود را در برابر این کتاب الهی به انجام رسانده باشیم. اما دنیای جدید نگاه‌ها و دیدگاه‌هایی می‌طلبد که با ابتکار و نوگرایی پیش روند. این ابتکارها، باید در شیوه بیان و انتقال مفاهیم باشند نه در محتوا. نگاهی به روش‌ها و شیوه‌های متداول آموزش قرآن و راهکارهای اجرایی و پیشنهادی در جهت ترویج آن نشان می‌دهد (کریمی دردشتی، ۹، ۱۴۰۰) که اصول و مبانی آموزش و ترویج قرآن از دیدگاه قرآن مجید و آموزه‌های سیره و سنت نبوی به عنوان اسوه حسنه، مبنای برنامه‌ریزی و راه‌اندازی این امر مهم توسط مسئولان فرهنگی نبوده و نیست (شهیدی پور، ۱۴۰۰، ۱۱۶). در نتیجه در بسیاری از مواقع با اخلاص و کوششهای فراوان درصدد ترویج و گسترش قرآن برآمده ایم، اما غافل از اینکه روش‌ها و شیوه‌هایی که در پی گرفته ایم به علت غیر مستند بودن به کتاب و سنت و عقل و اجماع خود به یکی از موانع مهم توسعه و ترویج قرآن تبدیل گشته و بر مهجوریت قرآن نزد ما انسان‌ها، بیش از پیش افزوده است. (غلامی و حمیدیان، ۱۴۰۰: ۱۴).

مقام معظم رهبری علیه السلام معتقدند برای شروع ترویج و انس با قرآن کریم باید صفای باطن و نفس پاکیزه داشت. به همین دلیل، سن جوانی و نوجوانی را بهترین زمان برای انس‌گیری با قرآن کریم می‌دانند. در همین راستا می‌گویند: «با قرآن کریم باید مثل آینه مواجه شد؛ پاکیزه، براق و بی‌زنگار؛ تا قرآن کریم در دل ما منعکس شود. قرآن کریم باید در جان ما انعکاس پیدا کند؛ این همیشه و برای همه نیست؛ برای کسانی است که دلشان را با صفای باطن و نفس پاکیزه کنند؛ با ایمان، با باور و با قبول با قرآن کریم مواجه شوند» (سید علی حسینی، خامنه‌ای، بیانات، ۱۴/۷/۱۳۷۴).

به همین دلیل، مقام معظم رهبری علیه السلام بهترین گروه را برای شروع انس با قرآن کریم: زنان و نوجوانان می‌دانند. و بارها در کلامشان به این امر اشاره کرده‌اند. برای تحقق این هدف راه‌های مختلف و متعدد وجود دارند.

بر اساس اهمیت موضوع جوان و ارتباط با قرآن و معارف قرآنی، در این پژوهش به راه و روش و شیوه‌های جدیدی که در جامعه اسلامی، رسالت گسترش و ترویج فرهنگ و معارف قرآنی در میان نو جوانان و جوانان را به عهده دارند می‌پردازیم.

ج. اقسام راه‌های جدید ترویج قرآن

برای ترویج فرهنگ قرآنی در جامعه اسلامی بویژه در میان نوجوانان و جوانان، راه‌های مختلف و متعدد وجود دارند. برای تامین این هدف ارزشمند، باید اهتمام و نگاه ویژه‌ای به آن راه‌ها داشته باشیم به‌ویژه راه‌هایی از قبیل صدا و سیما، سینما و تئاتر، رادیو، فضای مجازی، مجلات قرآنی، نقاشی و شیوه‌های هنری و روزنامه‌ها، که از عوامل مؤثر در تولید و ترویج فرهنگ دینی و قرآنی هستند. مردم به‌خصوص معلمان و مبلغان قرآنی باید نسبت به این امر اهتمام ویژه‌ای داشته باشند.

امروزه اینترنت، یکی از مهم‌ترین ابداعات بشر در قرن اخیر، با قابلیت‌ها و کارکردهای متعدد و گسترده، بخش‌های مختلف زندگی انسان را تحت تأثیر خود قرار داده است. شبکه‌های اجتماعی، یکی از سرویس‌های مهم اینترنتی است که توجه کاربران زیادی را در سراسر جهان به خود جلب کرده است. مهم‌ترین مزایای این شبکه‌ها را می‌توان انتشار سریع و آزادانه اخبار و اطلاعات دانست که به افزایش قدرت تحلیل و تقویت روحیه انتقادی در سطح جامعه می‌انجامد. همچنین ماهیت تعاملی و امکان ارتباط‌گیری دو طرفه و چند طرفه کاربران این شبکه‌ها باعث توجه و اقبال گسترده به شبکه‌های اجتماعی در همه کشورهای دنیا شده و جذابیت آن را بالا برده است. دسترسی آزاد به جدیدترین اطلاعات و رخدادهای جهان، به اشتراک گذاشتن اطلاعات، عکس و فیلم، از اصلی‌ترین کاربردهای این شبکه‌هاست. در مورد نشر و ترویج معارف قرآنی می‌توان از این روش هم استفاده کرد. بالخصوص در بین نوجوانان و جوانان که مخاطب اصلی این شبکه‌های اجتماعی هستند (مجید غلامی، زهرا حمیدیان، ۱۴۰۰: ۶۵) و این همین اهمیتی است که مقام معظم رهبری فضای مجازی را بخش از زندگی مردم می‌دانند چنانکه ایشان فرمودند: «فضای مجازی، خیلی مهم است. آقایانی که در زمینه گویند که این جزو کنند و گاهی مجازی نظراتی دارند و ابراز می‌الآن واقعاً فضای - که ما هم قبول داریم - زندگی اصلی مردم است مجازی، یک بخش حقیقی از زندگی مردم شده است» (بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت، ۹۹/۶/۲) پس فضای مجازی خیلی اهمیت دارد.



البته این فضای مجازی یک مجال بسیار وسیعی است که می‌توان در زمینه‌های مختلفی از آن استفاده کرد. مقام معظم رهبری در بیانی می‌فرماید: «فضای عمومی مجازی در کنار مشکلاتی که ممکن است به وجود بیاورد، برکات بزرگی هم دارد؛ می‌توانید در این زمینه به معنای واقعی کلمه جهاد کنید... امروز همه ما بایستی در میدان فضای مجازی حرکت بکنیم؛ هر کدام به نحوی و با سهمی که در این راه داریم.» (بیانات در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی، ۱۴۰۰/۷/۵). این تعبیر گویای این حقیقت است که در زمینه‌های قرآن نیز می‌توان به خوبی از این ظرفیت بهره برد بنابر این ترویج قرآن در میان نوجوانان و جوانان از طریق فضای مجازی را می‌توان از برکات فضای مجازی دانست و لازم است دست‌اندرکاران این امر در این زمینه جهاد کنند. باتوجه به همین برخی زمینه‌های که در آنها قرآن می‌توان ترویج کرد اشاره می‌شود:

۱. شبکه‌های اجتماعی

یکی از روش‌های نوین ترویج قرآن کریم، تعلیم و تدریس آن در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مانند یوتوب، فیس‌بک، اینستاگرام و... هست. در فضای مجازی و شبکه‌های گسترده اجتماعی حاصل از نسل جدید اینترنت، شاهد پدیده نوینی به نام «زندگی دوم» هستیم که با توجه به امکانات گسترده و جذابیت‌های بی‌شمار به سرعت به فضای محبوب نسل جوان تبدیل شده است. بنیان‌گذار زندگی دوم، فیلیپ روزدال می‌گوید: «زندگی دوم، یک بازی رایانه‌ای نیست؛ بلکه جایی است که مردم آنگونه که می‌پسندند، زندگی می‌کنند، سرگرمی دارند و حتی به شکلی که دوست دارند، درآمد کسب می‌کنند. در واقع، زندگی دوم، بهترین محل برای کسانی است که از محیط اطرافشان خسته شده‌اند یا در شرایط بد آب و هوایی یا کاری زندگی می‌نمایند. زندگی دوم، دنیایی است که مطابق با میل افراد طراحی می‌شود» (فیلیپ روزدال، زندگی دوم، ۸۸).

فضای مجازی عرصه مهمی را برای تحقیقات اجتماعی و آزمودن نظریه‌های مربوط به اشاعه تکنولوژی و اثرات رسانه‌ها فراهم ساخته است (علیزاده منامن، ۱۳۹۸، ۵). بخشی از این جاذبه به واسطه قابلیت ادغام شیوه‌های ارتباطی و صورت محتوای ارتباط است. جاذبه‌های دیگر مربوط به اثرات و کارکردهای اجتماعی این رسانه و محیط‌های مختلف آن بر افراد و اجتماعات محل زیست آنها و به‌ویژه برای نوجوانان جوانان به‌عنوان پیشگامان نوآوری و مصرف این رسانه جدید می‌باشند (همان، ۸۹).

در دنیای جدید و مدرن امروز با آمدن نرم افزارهای مختلف فعالیت در همه عرصه‌ها برای همگان آسان شده است. در گذشته برای قرائت، درک و فهم قرآن باید مصحف شریف را در کیف با ابعاد

مختلف حمل می‌کردیم، اما امروزه با نرم افزارهای قرآنی کار برای این امور قرآنی راحت شده و در هر کجا و در هر سطح و علاقه و دانشی می‌توانیم از این کتاب آسمانی بهره‌مند شویم. با گسترش روزافزون تکنولوژی و استفاده از گوشی‌های هوشمند و بهره‌مندی از انواع برنامه‌های موجود در فضای مجازی که در بسیاری از موارد زندگی و فعالیت‌های روزمره را برای اشخاص تسهیل کرده است، مباحث و موضوعات قرآنی نیز از این امر مستثنی نبوده و فعالان این حوزه از حدود ۱۰ سال گذشته با تولید و به روز رسانی برنامه و اپلیکیشن‌های مختلف، خدمات متفاوتی را به مخاطبین ارائه کردند. آموزش علم قرائت همراه ترویج مفاهیم این کتاب گرانسنگ نیز در بستر فضای مجازی، با وجود امکانات نوین در این فضا، می‌بایست مورد توجه قرار گیرد؛ اما بسیاری از پتانسیل‌های این فضا مورد غفلت قرار گرفته است (فریدونی، ۱۳۹۸: ۱۰۹).

برپایی پویش‌های قرآنی به‌ویژه در مناسبت‌های خاص از جمله ایام ماه مبارک رمضان و ایجاد شبکه‌های اختصاصی آموزش و ترویج قرآن برای سنین مختلف می‌تواند نمونه‌ای از ترویج قرآن در میان نوجوانان و جوانان از طریق شبکه‌های اجتماعی باشد.

۲. شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی (فیلم و سریال و...)

شبکه‌های تلویزیونی و رادیو، و به‌ویژه تلویزیون، امروزه به‌عنوان یکی از ابزارهای سمعی و بصری، به‌صورت مستقیم با روح و جان انسان‌ها ارتباط برقرار می‌کند و در ساخت فکر، اندیشه، فرهنگ و آداب و رسوم جامعه تأثیر می‌گذارد، تلویزیون، معلمی است که با سادگی به داخل خانه‌های مردم راه پیدا کرده و به‌عنوان یک ابزار آموزشی افکار خود را القاء می‌کند و جامعه را تغذیه فکری می‌کند. چنانکه در مبحث سریال و فلم یوسف که در تلویزن پخش شد مقام معظم رهبری می‌گویند: «در دنیای کنونی هنر و سینما، معمولاً برای جذب مخاطب، از برخی مسائل از جمله جاذبه‌های جنسی استفاده می‌شود اما در این سریال که بسیار پرمخاطب و مورد رضایت بینندگان در ایران و سایر کشورها هم بود، برخلاف غالب فیلم‌ها و مجموعه‌های نمایشی، محور داستان عصمت و پاکدامنی است» (رهبر انقلاب اسلامی در دیدار عوامل تولید سریال حضرت یوسف علیه السلام، ۱۳۸۸/۹/۹) به عبارت دیگر «فیلم و سینما، وسیله‌ای بلیغ و تبیین‌کننده‌ای رسا برای ارائه برترین حقایق عالم، یعنی حقیقت دین به شمار می‌رود و برای این منظور دست‌اندرکاران امور سینمایی باید بر توانایی‌های خود بیفزایند.» (دیدار هنرمندان و دست‌اندرکاران امور فرهنگی و هنری در ۱۳۷۳/۱۱/۳).



اگر تمامی شبکه‌های ما مدت زمان کوتاهی از برنامه‌های خود رابه بحث‌های قرآنی اختصاص دهند وبا برگزاری مسابقات، بیان داستان‌های قرآنی، تلاوت‌های جذاب و... ایجاد انگیزه در میان کودکان، نوجوانان و جوانان کنند و آن را مختص به یک شبکه نکنند قطعاً مفید و مثمر ثمر خواهد بود و در ترویج فرهنگ قرآنی مشکل گشا خواهد بود. در ثانی فیلم‌های تولید شده درصدا و سیما نگرشی قرآن داشته باشند و به فرهنگ دینی جامعه توجه ویژه داشته باشند و جامعه اشرافی و پر زرق و برق را رها کرده و تولیدات خود را مطابق با عرف و فرهنگ جامعه بسازند و باعث تشویش اذهان عمومی نشوند (فریدونی، ۱۳۹۸: ۱۰۹). همچنین درباره اهمیت آن مقام معظم رهبری می‌نویسد: «ما، در تبلیغات قرآنی مان، باید به شکل صحیح عمل کنیم. من، این را برای شما قراء عزیز عرض می‌کنم: امروز صدا و سیما در خدمت قرآن است. دیگر از این بهتر که نمی‌شود! ما امروز رادیو قرآن داریم؛ در تلویزیون قرآن داریم؛ در برنامه کودکان قرآن داریم؛ آخر شب قرآن و اول صبح قرآن. اینها خیلی خوب است؛ ولی ما از این امکان چگونه استفاده خواهیم کرد؟ این خیلی مهم است. باید برای استفاده از امکانات، به شکل صحیحی عمل کرد. اگر از این امکانات، غلط استفاده کنیم، ضرر خواهیم دید» (بیانات در دیدار جمعی از قاریان، ۱۳۷۱/۱۲/۱۷).

۳. پویا نمایی

پویانمایی یا همان انیمیشن (Animation)، فرایند ایجاد توهم حرکت و تغییر به‌وسیله نمایش سریع یک سلسله از تصاویر ثابت است که تفاوت جزئی با هم دارند. تصور می‌شود که این توهم - بطور کلی تصاویر متحرک - به خاطر پدیده Phi باشد. انیماتورها، هنرمندانی هستند که در ساخت انیمیشن تخصص دارند. از این رو با این روش، می‌توان معارف قرآنی را در قالب‌های مشاهده مثل پویانمایی به همراه توضیحات به مخاطب ارائه داد. یعنی از حدود ۹۰ درصد ظرفیت مخاطب استفاده کرد. نمایشی‌کردن معارف قرآن برای مخاطبان، به‌ویژه نوجوانان و جوانان، باعث می‌شود که معارف قرآن بهتر و سریع‌تر و به‌صورت ماندگار در ذهن مخاطب جای بگیرد. از این رو خداوند متعال در قرآن کریم از این روش استفاده نموده است به چند مورد اشاره می‌شود.

الف. عینیت‌بخشیدن به معاد

اگر دیدن با شنیدن همراه شود، اثر بیشتری خواهد داشت، به همین دلیل وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند خواست، زنده‌شدن مردگان را نشان دهد تا دلش آرام بگیرد، خداوند متعال نیز با زنده‌کردن چهار پرنده، به‌طور عینی زنده‌شدن مردگان رابه او نشان داد: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي

الْمُوتَى قَالَ أَوْلَمْ تُؤْمِنُنَّ بِاللَّهِ فَقَدْ خُذُوا بِرَبْعَةٍ مِنَ الطَّيْرِ فَصَرُوهَا إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ اذْعُقْهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ سَعْيًا وَاعْلَمَنَّ أَنَّهُ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (بقره: ۲۶۰).

همچنین قرآن کریم برای تقویت ایمان به معاد، نمونه‌ای عینی برای ما قرار داده تا این اصل مهم از دین برای همگان قابل درک و حس باشد. خداوند متعال در آیات متعدد، زنده شدن زمین بعد از مرگش یعنی بهار بعد از زمستان را نمونه‌ای عینی از معاد معرفی کرده: «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُخْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ» (روم: ۱۹).

ب. آموزش دفن مردگان

زمانی که قابیل برادرش را به قتل رساند، او را رها ساخت و متحیر ماند و نمی‌دانست با کشته‌اش چه کند. خداوند متعال دو کلاغ را مأموریت داد که یکی از آنها دیگری را بکشد و با منقار و پاهایش چاله‌ای بکند و سپس کلاغ مرده را در آن چاله افکند. خداوند به این وسیله به‌طور عینی دفن مردگان را آموزش داد: «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِي سُوءَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سُوءَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ» (مانده: ۳۱).

رهبر معظم انقلاب نیز تولیدات هنری از جمله پویانمایی را در شناساندن فرصت‌های متنوع مؤثر می‌دانند (دیدار فرماندهان نیروی دریایی ارتش با فرمانده کل قوا، ۱۴۰۱/۹/۷). یکی از این فرصت‌ها آموزش مفاهیم دینی و قرآنی است. این روش ترویج به‌صورت ویژه برای کودکان و نوجوانان بسیار مؤثر است.

۴. شعر

راه جدید دیگری جهت ترویج قرآن کریم در بین اقشار مختلف جامعه بخصوص جوانان و نوجوانان، موثر است بیان مفاهیم قرآن به‌صورت شعر است؛ زیرا نقش شعر و داستان در فهم و درک مفاهیم و انتقال معانی بسیار موثر است. چنانکه مقام معظم رهبری فرمودند: «(اگر) وقتی شعر را می‌خوانیم، به فکر باشیم که از این شعر ما ایمان مخاطبان ما زیاد شود. پس، هر شعری را نمی‌خوانیم؛ هرچور خواندنی را انتخاب نمی‌کنیم؛ جوری می‌خوانیم که لفظ و معنا و آهنگ، مجموعاً اثرگذار باشد. در چه؟ در افزایش ایمان مخاطب....» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۶/۴/۱۴).

لذا باید به‌گونه برنامه‌ریزی شود تا آیات و مفاهیم قرآن کریم به‌صورت کاربردی در میان مردم رواج پیدا کند و تنها به‌صورت خطابه و موعظه بر سر منبرها بیان نشود، وقتی انیمیشن و یا داستانی برای جوانان و نوجوانان طراحی می‌شود، مفاهیم قرآنی و دینی مد نظر قرار گیرد، و در قالب‌های مختلف به



تصویر کشیده شود و جذابیت لازم را داشته باشد. ترویج قرآن در بین نوجوانان و جوانان با آسانی محقق می‌شود. بارزترین مصداق شعرهایی که حکمت هستند؛ اشعار با مضامین قرآنی می‌باشند؛ و از فرمایش پیامبر اسلام ﷺ بدست می‌آید که اگر معارف قرآنی در قالب شعر عرضه شوند، اثر سحر انگیزی خواهند داشت (مجید غلامی، ۱۴۰۰: ۸۶).

اهمیت شعر در اسلام

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در مورد شعر فرموده‌اند: «إِنَّ مِنَ الشَّعْرِ حِكْمَةً وَإِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا» (بابویه، ۱۳۶۳: ۲۸۰/۲) برخی از اشعار حکمت هستند و به راستی برخی سخنان (نظیر شعر) اثری سحر انگیز دارد.

بارزترین مصداق شعرهایی که حکمت هستند اشعار با مضامین قرآنی می‌باشند؛ و از فرمایش پیامبر گرامی اسلام ﷺ به دست می‌آید که اگر معارف در قالب شعر عرضه شوند، اثر سحر انگیزی خواهند داشت. یکی از سیره‌های تربیتی اهل بیت ﷺ که هم در عمل و هم به‌طور شفاهی بر آن تأکید داشتند، استفاده از شعر بوده است. به چند نمونه اشاره می‌شود: حضرت امام جعفر صادق ﷺ نیز تأکید بر استفاده از شعر برای کودکان داشتند: «یا معشر الشيعة علّموا أولادکم شعر العبدی فإِنَّهُ عَلَى دین الله» (همان، ۲۹۳/۲) کودکان خود را شاعر عبدی را یاد بدهید چرا که او بر دین خداست. از این حدیث دو مطلب مهم را می‌شود استفاده کرد:

الف) چون اشعار عبدی در مورد معارف دین بود، حضرت به آن اشعار سفارش کردند. از این رو هر شعری که محتوی آن دینی باشد مانند شعر عبدی مشمول سفارش امام صادق ﷺ می‌باشد.
ب) یکی از وظایف والدین نسبت به کودکان، تعلیم معارف دینی در قالب شعر می‌باشد چون حضرت به شیعیان امر فرمودند که به کودکان خود اشعار دینی یاد بدهید. حتی اگر امر حضرت استحبابی باشد. باز تکلیف از والدین ساقط نمی‌شود بلکه تعلیم کودکان در قالب شعر، به‌عنوان وظیفه‌ای مستحب بر دوش والدین باقی می‌ماند (مجید غلامی، ۱۴۰۰: ۸۴).

بنابراین شعر هنری سحر انگیز است و همگان به‌ویژه نوجوانان و جوانان را مجذوب خود می‌کند از این رو معصومان ﷺ بکارگیری این هنر را برای نشر معارف دینی ضروری دانستند و والدین را به آن امر کردند. پس سزاوار است والدین و مربیان قرآنی نیز از شعر غافل نشوند و با این هنر نوجوانان و جوانان را به معارف قرآن جذب نمایند.

تأثیرگذاری شعر و راز آن

از تعریف شعر روشن شد که غرض و حکمت وجودی آن تحت تأثیر قرار دادن و در اختیار گرفتن عواطف و احساسات مخاطب است. شاعر، با بزرگ نمایی و کوچک سازی، گاهی از کوهی، کاه و گاهی از کاهی، کوه می سازد؛ در حالی که مخاطب با معیار عقلی و منطقی سروده های وی را تصدیق و باور نمی کند، اما احساس او به شدت متأثر و منفعل می شود. چه بسا نیروی شگرف عاطفی و احساسی شعر، از مردمی افسرده، زبون و روحیه باخته، مردمانی را با اراده و سلحشور سازد و یا خشم و التهاب ملتی را فرو نشانند و به راه نرمش و آرامش فراخواند.

گاهی سرودن چند بیت شعر که به پند و اندرز پرداخته، چنان تحولی را در درون مخاطب ایجاد می کند که ممکن است با ساعت ها نصیحت و موعظه به طور عادی حاصل نشود. شعرهای عاشقانه که هیجان های روحی را شعله ور می سازد و ده ها نمونه دیگر، راز تأثیرات مختلف شعر را در عرصه های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برمی نماید که برخی کتاب ها و نوشته ها بدان پرداخته اند.

سحرآمیز بودن شعر، آن را به ابزاری نیرومند، برای تهییج عواطف و بسیج نیروها، بدل کرده است. پادشاهان، کاهنان، ساحران و حتی پیامبران نیز به نقش تأثیرگذار شعر توجه داشته اند و از آن بهره برده اند. (جاحظ، بی تا، ۱/۱۶۴). راز تأثیر شگرف شعر، همان جنبه های خیال پردازی شاعر می نماید. خیال، بر محاکات، نمایش و تمثیل استوار است. گاه حکایت، نمایش و تمثیل چیزی: ذابیتی بیشتر از جذابیت خود آن چیز را برمی انگیزد.

بنابراین، برای آن که بفهمیم کدام شعر بیشتر نفس را برمی انگیزد، باید ببینیم که تخیل حکایتی و تمثیلی کدام بیشتر است. تأثیرپذیری مردم از قضایای تخیلی، بیشتر از قضایای تصدیقی است. بسیاری از آنان وقتی مطلب حقی را می شنوند، حالت انکار و گریز پیدا می کنند. محاکات، اعجابی دارد که هرگز مطلب حق ندارد، چون که مطلب حق و مشهور طبیعی و عادی است و جالب و جذاب آن چیزی می نماید که حکایتی واقعی و همراه با بعضی خیال پردازی ها باشد.

شعر و سرود با مفاهیم قرآنی

همه انسان ها با شنیدن شعر لذت می برند. زیرا شعر کلامی است موزون و آهنگین و معمولاً به دلیل همین ویژگی تأثیر بیش تر و عمیق تری را بر جای می گذارد. گاهی حیت یک بیت شعر تأثیر بیش تری از چندین سطر نوشته بر مخاطب دارد. بنابر آیین با استفاده از قالب جذاب شعر می توان بسایدی از مفاهیم را به گونه ای بسیار ساده و جذاب به نوجوانان و جوانان آموزش داد. مروج و مربی قرآن کریم نیز



می‌تواند از این قالب جذاب که مورد علاقه اکثر نوجوانان و جوانان هم هست استفاده کند. زیرا بسیاری از نکات تربیتی و اخلاقی را می‌توان از طریق شعر به نوجوانان و جوانان آموزش داد. و چون این مفاهیم در قالب موزون شعری آورده شوند آنان به راحتی آن را می‌پذیرند و همین طور بسیاری سریع، نکات اخلاقی را در می‌یابند. بخاطر همین رهبر معظم انقلاب بر همین نکته تأکید دارند و فرمودند: «دعای عرفه حضرت سیدالشهدا علیه السلام و دعای ابوحزمه امام سجاد علیه السلام را از دیگر منابع مضمون‌سازی برای شعر مناجاتی و زیارت جامعه کبیره را زمینه بسیار خوبی برای بیان مناقب ائمه اطهار علیهم السلام برشمردند و خاطرنشان کردند: شعر آئینی دامنه وسیعی برای اثرگذاری در اذهان مخاطبان خود دارد و یک شاعر ممتاز با استفاده از معارف بلند اسلامی و توحیدی در قرآن و نهج البلاغه، روح و جان مخاطب خود را از زلال معرفت سیراب می‌کند». دیدار (جمعی از شعرای آئینی با رهبر انقلاب، ۱۳۹۰/۳/۲۵) علاوه بر این، مربی و مروج قرآنی کریم قبل از آموزش قرآن و حفظ آیات و سوره‌های قرآن به نوجوانان و جوانان، می‌تواند ابتدا از طریق شعر قرآن را به آنها معرفی کرده و خاطر نشان سازد که در قرآن، سخن چه کسی را می‌خوانیم. قبل از خواندن قرآن چه کاری باید انجام بدهیم و... از طریق شعر می‌توان به آنها گوشزد کنیم که همواره قرآن را بخوانیم و به دستوراتی که قرآن به ما داده عمل کنیم. به این ترتیب نوجوانان و جوانان به راحتی و توأم با شادمانی با محتوای سوره‌های مورد نظر آشنا می‌شوند که همین مسأله به علاقه مندی و انس آنان با قرآن خواهد شد. معمولاً شعرها بلندگارتند. به دلیل این که نوجوانان و جوانان آنها را زیاد تکرار می‌کنند و مدت زمان بیش تری در حافظه‌شان می‌ماند. به همین دلیل اگر شعرهایی که برای معرفی قرآن، و یا معنای سوره‌ها در نظر گرفته می‌شود، ساده صحیح و پر محتوا بوده و با توجه به ویژگی‌های ادبیات نوجوانان و جوانان سروده شده باشند ممکن است مدت‌ها در ذهن پاک آنها باقی بماند.

بنابراین برای ایجاد یک چارچوب ذهنی مناسب برای فراگیران باید از قالب‌های جذاب و شاد استفاده کرد تا اینکه نوجوانان و جوانان از این طریق مفاهیم و معارف قرآنی را به راحتی فهم و درک کنند و یکی از آنها شعر می‌باشد.

۵. قصه و داستان

قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب الهی که از سرچشمه وحی الهام گرفته، گنجینه‌ای منحصر به فرد و در میان همه کتب الهی بی‌رقیب است. با توجه به اینکه عامه مردم، کمتر می‌توانند از قرآن کریم مفاهیم آموزنده آن مستقیماً استفاده کنند، قرآن کریم با عباراتی ساده و قابل فهم برای عموم مردم به بیان سرگذشت پیشینیان پرداخته و با اشاره به علت هلاکت یا سعادت آنان، نیل به هدف مقدس، یعنی عبرت گرفتن از سرگذشت گذشتگان را آسان تر نموده است.

قصه و داستان‌گویی مهم‌ترین وسیله و ابزار کتب آسمانی برای تبشیر و انذار بوده است. بدون تردید، طبع انسان به شنیدن و خواندن سرگذشت‌ها و قصه‌ها، رغبت و میل فراوان دارد و قرآن کریم، اولین کتابی است که نقل داستان‌های و سرگذشت‌های واقعی پیشینیان را در راه تربیت و ارشاد مردم به‌کار گرفته و از این میل و رغبت طبیعی، در راه هدایت آنها بهره‌برداری کرده است. قرآن کریم همواره به‌عنوان چراغ روشنایی‌بخش راه سعادت بشری، نویدبخش بوده است و از راه‌های مختلف همچون: انذار، بشارت، وعده، وعید، تمثیل، توصیف، اخبار، حکایت و بیان قصه، در پی این بوده است که قاطبه انسان‌ها را به‌سوی راه سعادت ابدی هدایت کند. تاریخ و نقل سرگذشت پیشینیان و ذکر عاقبت آنها و ذکر علت‌گرفتاری‌ها و شقاوت، یا راحتی و سعادت آنها، تأثیر به‌سزایی در چگونگی طی این راه دارند. در دل قصه‌های قرآنی برشی از زندگی واقعی انسان در لحظه‌های خاص تاریخ نقش بسته است (مجید غلامی ۱۴۰۰: ۵۵). باتوجه به همین رهبر معظم انقلاب نیز بر بازگویی قصه‌های قرآنی تأکید دارند چنانکه ایشان در این زمینه فرمودند: «تقریباً سراسر یک سوره را در قرآن فرا گرفته و «احسنُ الْقَصَصِ»، یعنی بهترین قصه - با «قِصَص» اشتباه نشود. قِصَص: مع قصه است؛ یعنی بهترین قصه‌ها. «قِصَص»، اسم مصدر است؛ یعنی قصه - بهترین داستان‌سرایی، بهترین داستان‌گویی است و از آن به بهترین داستان، تعبیر شده است. علت این است که شما در داستان حضرت یوسف، نماد کامل یک تقوا را مشاهده می‌کنید. تقوای انسانی که عمری گذرانده و به تجربه‌هایی از زندگی رسیده است، طبیعی‌تر به نظر می‌رسد تا تقوای جوانی که مست جوانی است. خود جوانی «مستی» دارد و همه جوانان از نوعی سرمستی برخوردارند» (بیانات در دیدار تشکلهای مختلف دانشجویی دانشگاه‌های تهران، ۱۳۷۷/۱۰/۲۴).

اهمیت قصه و قصه‌گویی

از آنجا که داستان نکات و مطالب آموزشی را به‌طور غیر مستقیم بیان می‌دارد از لحاظ روانشناسی تربیتی، یکی از مهمترین و موثرترین انواع آموزش به حساب می‌آید و دلیل این امر روشن است؛ زیرا داستان، الگوها، سمبل‌ها، شخصیت‌ها، حوادث و پیام‌ها، تأثیرات به‌سزایی در ذهن و اندیشه آدمی به جای می‌گذارند. از نظر روانی، قوت طرح فضای قصه، شخصیت مخاطب را متأثر می‌سازد و او را آنچنان در خود فرو می‌برد که مخاطب، اغلب بدون این که حس کند در قالب قهرمان یا راوی داستان رفته به شکلی با آن گره می‌خورد، گویی خود، ماجراهای و صحنه‌های قصه را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارد. در آن هنگام، ضربه کاری، اما نا محسوس و پیام مورد نظر القا می‌شود (ملبویی، ۱۳۷۶ شمسی/۹۹).



قصه‌گویی سنتی الهی است و خداوند سبحان بارها از قصه و قصه‌گویی سخن به میان آورده است: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ». (سوره کهف/۱۳) این‌گونه بخشی از اخبار گذشته را برای تو بیان می‌کنیم. قصه و قصه‌گویی، خود قصه‌آشنای همه انسان‌ها در همه روزگاران و جامعه‌هاست. انسان‌ها در سفر، غم و شادی، تنهایی و خلوت و در جمع و حتی در گیرودار جنگ و بحرآنها زندگی با قصه همراه و مأنوس بوده‌اند، همین است که قصه را همزاد انسان دانسته‌اند و نخستین قصه‌ها را به نخستین روزهای زندگی انسان در زمین بازگردانده‌اند.

قصه تنها، فاتح دنیای کودکان نیست، بلکه نوجوانان و جوانان حتی بزرگسالان نیز لحظه شنیدن قصه، درست مثل کودکان، با قصه جاری و همراه می‌شوند و صمیمیت و صفای کودکانه می‌یابند. نوشته‌اند که مصریان قدیم همراه با بزرگان و به‌ویژه فرعونیان، قصه‌گویی دفن می‌کردند تا برای او قصه بگویند و غم تنهایی و غربت را در قبر فراموش کنند. پادشاهان ایرانی، قصه‌گویانی داشته‌اند. شهرزاد قصه‌گو در هزار و یک‌شب نمونه‌ای از این قصه‌گویان است. در هفت‌پیکر نظامی دختران افسانه‌گو، بهرام گور را به قصه‌های خویش میهمان می‌کنند. نقش قصه در تربیت انسان تا بدان‌جا است هاست که کتاب‌های آسمانی با شیوه‌ای خاص داستان‌هایی را برای تذکر، هدایت و ارشاد مطرح کرده‌اند. تورات، انجیل و قرآن سرشار از داستان‌های انبیاء، اقوام و تمدن‌هایی است که آمده‌اند و رفته‌اند و زندگی آنها چراغ راه دیگر انسان‌ها شده است.

شاید نخستین قصه، قصه آدم و حوا باشد که با فریب شیطان، از بهشت خدا رانده شدند. شاید حضرت آدم علیه السلام به‌عنوان اولین قصه‌گو، بارها قصه رانده‌شدن خویش از بهشت را برای فرزندانش تعریف کرده باشد تا عبرت بگیرند و فریب نخورند. (رحماندوست، ۱۳۷۷: ۴۷). آفرینش قصه پاسخ به‌کی از نیازهای روحی انسان است و تا انسان، این موجود پیچیده به حیات خود ادامه دهد، هنر دیرپای قصه‌گویی نیز زنده خواهد بود و همچون رودی حیات‌بخش در بستر زندگی بشر جریان خواهد داشت. (حنیف، محمد؛ ۱۳۸۳: ۴۹) مسلماً علاقه به قصه را خداوند مهربان در نهاد انسان نهاده است، زیرا خداوند از زیر و بم آفریده خود دقیقاً آگاه است و در تمام کتاب‌های آسمانی به زبان قصه با انسان سخن گفته است.

قرآن آخرین کتاب آسمانی مملو از قصه‌ها و تمثیل‌هایی است که لباس سخن حق پوشیده‌اند و ماجرای اقوام و مردم گذشته را برای مسلمانان و مخاطبانش نقل می‌کند تا عبرت حاصل آید و تجربه تلخ گذشتگان طغیان‌گر و عاصی، دوباره تکرار نشود.

قصه در قرآن

قرآن که معجزه پیامبر اسلام و آخرین و در عین حال کامل ترین کتاب آسمانی است، سرشار از داستان های و تمثیل هایی است که از سرگذشت پیامبران و اقوام پیشین و به زبان قصه برای مسلمانان نقل شده و شاید یکی از دلایل گرایش اعراب به اسلام نیز نقل همین داستان های به صورت پندآموز بوده است (رحماندوست، ۱۳۷۷: ۳۶).

قصه در قرآن عبارت است از روایت و نقل وقایع و حوادث واقعی و تاریخی که از روی علم و با هدف و پیامی مشخص پیگیری می شود. قرآن هنری ترین کتاب است؛ تمام واژگانش سنجیده و حساب شده در کنار هم نهاده شده اند، تصویر در اوج است، نثر آهنگ ویژه خودش را دارد و قصه های قرآن نیز با شیوه ای تازه ارائه شده اند. مهم ترین نکته ای که هرگز نباید از نظر دور داشت، این است که قرآن، کتاب قصه نیست، قصه ابزاری جهت عینی کردن مفاهیم قرآنی است و کتاب آسمانی ما در عصری که ادبیات داستانی شفاهی بود، به این مهم پرداخت و در بهترین شکل و شیوه آن را ارائه داد.

قرآن، عناصری را در قصه به کار گرفته است که بشر در قرن حاضر با پیشرفت علوم و به ویژه داستان نویسی نوین به آنها دست یافته است و حتی مسلمانان از آنها غفلت کردند و می کنند و هنوز داستان را ره آورد غرب می دانند و بعضی آن را سبک می شمارند، آنچه مسلم است، این است که قصه قرآنی شکل و محتوای زیبا و برانگیز دارد. قرآن، از قصه به عنوان بهترین وسیله آموزشی استفاده کرده و به آن برتری بخشیده است.

شخصیت های داستان های قرآن، انسان هستند و موضوعات آنها نیز به زندگی انسان مرتبط است. قصه ها و تمثیل های دل نشین قرآن با مضمون های اخلاقی، انسانی و تاریخی، همگان را به عبرت گیری و یادگیری مسائل دعوت می کند (سلطانی، ۱۳۹۲: ۱۳۴).

حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید: قرآن را یاد بگیرید که زیباترین گفتارهاست و در آن غور کنید که بهار دل هاست و از نورش شفا بگیرید که شفای قلب هاست و خوب بخوانید که پرفایده ترین قصه هاست (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸).

قرآن قصه را ابزاری در خدمت اهداف خود می داند، قصه ظرف، پیمانه و شکل است و مهم تر از آن، محتوا و معنا و اندیشه است.



اهمیت قصه در قرآن

قصه از مفاهیمی است که در قرآن از اهمیت خاصی برخوردار است. اختصاص بخش عظیمی از آیات الهی به قصص، نشانه‌های آشکار این امر به شمار می‌آید؛ چنان‌که پروردگار عالمیان قصه‌ها را برای جامعه انسانی نوعی عطیه الهی می‌داند که در آن خبرهای گذشته و سرگذشت انبیاء و امت‌های پیشین نقش بسته است، به انسان آگاهی می‌بخشد، نشان از رستگاری بشر و دلایل روشن انبیاء در برابر جبهه باطل می‌دهد، آدمی را به اندیشه و تفکر فرامی‌خواند تا با تعمق در سرنوشت گذشتگان و پیشینیان با خردورزی عبرت گیرد و آموزه‌های خود را در ترسیم راه صحیح زندگی به کار بندد. سرانجام نیز خداوند تأکید می‌ورزد که قصه‌ها راست و درست هستند و نقل قصص موجب اطمینان قلب پیامبر و مؤمنین گردیده و آنان را قوی‌دل و در راه خود راسخ و سخت می‌سازد؛ از این رو قصه‌ها در قرآن از مقام رفیعی برخوردارند. در حقیقت پروردگار بر این زبان، بیان و قالب مؤثر انتقال مقصود صحنه گذارده و آن را برای طرح معارف زلال و حکمت‌های رسای آفرینش انتخاب نموده است؛ چنان‌که تاریخ بشر نیز نشان داده قصه در عرصه تمدن بشری نقش ویژه‌ای داشته است. داستان‌ها همواره زبان گویای آدمی در انتقال تجارب تمدن‌ها و امت‌ها، تبیین آرمان‌ها و اندیشه‌ها و طرح مفاهیم بلند ذهن کاوشگر و پوششگر انسانی بوده‌اند؛ بنابراین بدیهی است از این نقش و تأثیر در متن وحی بهره گرفته شود و در راستای اهداف والای آگاهی، هدایت و تربیت فرد و جامعه انسانی موردنظر قرار گیرد. (ملبویی، ۱۳۷۸: ۲۴/۱۲ - ۲۹)

رهبر معظم انقلاب درباره اهمیت قصه در ترویج مفاهیم قرآنی در جامعه در دیدار هنرمندان و عوامل تولید سریال مردان آنجلس فرمودند: «بارها داستان اصحاب کهف را گفته‌ام و شنیده‌ام و خواندم‌ام اما حقیقت قضیه این است که قصه اصحاب کهف را از شما یاد گرفتیم! آن شبی که شما آن صحنه بسیار زیبا و قوی و پیچیده و عالی را اجرا کردید، من فهمیدم که «اذ قاموا ربنا رب السموات» یعنی چه؟! آن شب من این را به چشم خود دیدم. شما حقیقتاً یک داستان قرآنی را مجسم و زنده کردید و آن را در مقابل چشم بینندگان قرار دادید، این یک کار بزرگی است (بیانات در دیدار با هنرمندان و عوامل تولید سریال مردان آنجلس، ۱۳۷۷/۱۲/۸).

۶. مجله‌های قرآنی

از روش‌های جدید ترویج قرآن کریم نشر و تدوین مجلات قرآنی است. در حال حاضر یکی از مهمترین راه‌ها و روش‌های ترویج علوم روز دنیا، انتشار مجلات علمی و آگاه‌سازی انسان‌ها از طریق این مجلات می‌باشد. بنابر این ترویج معارف قرآن کریم و ترویج آن هم از آن مستثنا نیست. مجله‌های

قرآنی مجله‌ای است که هدف و رویکرد اصلی آن، انتقال مضمون‌ها، معارف و اطلاعات قرآنی در حوزه‌های مختلف باشد. تولید مجلات قرآنی از نظر جنس فعالیت، فعالیتی تبلیغی ترویجی است. هرچند ممکن است محتوا و حوزه فعالیت مجله حوزه‌هایی غیر از تبلیغی و ترویج قرآن کریم باشد. برای مثال، نشریات علمی- پژوهشی که در حوزه علوم و معارف قرآن فعالیت می‌کنند، با توجه به اینکه رینگ و بوی پژوهشی دارند، در حوزه پژوهش قرآنی فعالیت می‌کنند، اما فعالیت آنها از جنس تبلیغ و ترویج است.

مجلات قرآنی، مجلات هستند که از مضمون‌های قرآنی در محتوای مقالات و مطالب آن استفاده می‌شود. مجلات قرآنی معمولاً به سه بخش تقسیم می‌شوند. مجلات علمی - پژوهشی، مجلات علمی - ترویجی، مجلات تبلیغی - ترویجی.

مجلات علمی - پژوهشی، مجلاتی هستند که صرفاً مقالات علمی پژوهشی قرآنی را چاپ می‌کنند. مجله علمی - ترویجی، مجله‌ای است که حاوی مقالات علمی - ترویجی با موضوعات قرآنی است. مقالات علمی - ترویجی مقالاتی هستند که به ترویج یکی از رشته‌های علوم می‌پردازند و سطح آگاهی‌ها و دانش خواننده را ارتقا می‌بخشند و او را با مفاهیم جدید علمی آشنا می‌سازند. دیگر مجلات قرآنی را که جزء مجلات علمی - پژوهشی و علمی - ترویجی محسوب نمی‌شوند، مجلات تبلیغی - ترویجی می‌نامیم. این مجلات معمولاً حاوی مطالب علمی و فرهنگی قرآنی، اخبار، گزارش و تحلیل فعالیت‌های قرآنی، مصاحبه با فعالان قرآنی و دیگر مقالات در این حوزه هستند. (فریدونی، ۱۴۰۰: ۱۱۶). از این رو رهبر معظم انقلاب در توصیه به خانم‌های محقق فرمودند: «خود ورود بانوان در مسائل تحقیقی و علمی - که این دیگر مخصوص مباحث قرآنی نیست - قابل توجه است. بنده معمولاً مجلاتی را که در کشور منتشر می‌شود - مجلات علمی؛ علمی، تحقیقی؛ علمی، ترویجی - نگاه می‌کنم؛ مرور می‌کنم و در همه رشته‌هایی که مجلات ما - که حاوی مطالب جدید هستند - برگرد آنها مطلب مینویسند، انسان میبندد شمار نویسندگان و پژوهشگران زن در آنها، شمار برجسته قابل توجهی است. در علوم حوزوی، در فقه، در فلسفه، در مسائل دانشگاهی، در علوم انسانی، علوم طبیعی، حضور زنان در کشور ما حضور بارز و برجسته‌ای در همه بخشهای علمی است» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور، ۱۳۸۸/۷/۸)

بنابراین یکی از روش‌های جدید ترویج قرآن کریم بین نو جوانان و جوانان و رساندن معارف الهی بین آنها نشر مجلات قرآنی می‌باشد.



۷. نقاشی و شیوه‌های هنری

در طول تاریخ، رشد و گسترش هنر همواره بر محوریت دین صورت گرفته است. به گونه‌ای که دین محتوای هنر را مورد تأثیر قرار داده است. در طول تاریخ هنرمندان بسیاری بوده‌اند که خلاقیت‌های هنری خود را به منصفه ظهور رسانده‌اند و در پرتوی این هنرآفرینی، باورهای دینی و اعتقادات اسلامی خود را به صورتی بارز به اثبات رسانده‌اند، هرچند آثار اسلامی از دوره‌ای به دوره دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت بوده است اما آنچه که از نظر معنایی و محتوایی در این آثار مشخص و آشکار است معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، یکتاشناسی و عشق و ارادت به خداوند متعال بوده است. به عبارت دیگر در همه این آثار هنری، اسلام بوده که اساس هنر را محفوظ نگاه داشته و بر غنای آن افزوده است. چنانکه محقق بزرگ علامه محمد تقی جعفری رحمته الله علیه در درباره جایگاه هنر و هنرمند در اسلام می‌گوید: «هنگامی که احساس و فعالیت هنری مانند چشمه‌سار زلال به جریان افتاد در مسیر خود به پای درختان و گل‌ها خواهد رسید و اگر از منبعی پاک جاری شود موجب تقویت ریشه و حاصل خیزی خواهد شد و بالعکس در غیر این صورت ممکن است با موادی مخلوط شود که به گیاهان آسیب برساند، از همین جاست که باید ریشه اصلی ارزش و ضد ارزش بودن انواع هنر را جست‌وجو کرد، یعنی باید دید که آب حیات‌بخش احساس هنری از کدامین مغز و از کدام چشمه حرکت می‌کند؟ هنرهای مبتدلی که متأسفانه به نام هنر و به نام فرهنگ و ارزش‌های اصیل، انسان‌ها را به بیراهه می‌کشاند از سرچشمه‌های پاک و زلال جاری نمی‌شوند، این چنین هنری در دین اسلام جایی ندارد، اما هنری که هدفش جریان دادن به احساس والای سازنده، برداشتن گامی مثبت در تقلیل دردها و ناگواری‌های مردم و اصلاح و تنظیم و شکوفا ساختن زندگی آنان در حیات معقول (حیات طیبه) باشد از مطلوبیت والایی برخوردار است و یکی از واجبات هم به حساب می‌آید هنر باید آسیب و اخلاقی در زندگی مردم به وجود نیارد و آنان را از بهره‌برداری دین خدا محروم نسازد، بنابراین هنر بر دو قسم است هنر پیرو و هنر پیشرو، ارزش هنر پیشرو در این است که نوابع هنری با مغز و روح و روان پاک خود، از نبوغ خود در تعالی اصول انسانی و فعال‌سازی خلاقیت و نبوغ انسان‌ها استفاده کنند و آنان را به یک زندگی سالم و گرایش به سوی کمال متعالی رهنمون سازند (علامه جعفری، ۱۳۸۰: ۱۶۴-۱۶۵).

رهبر معظم انقلاب می‌نویسد: «قرآن یک اثر هنری بی‌نظیر است، یعنی یک جنبه از عظمت قرآن و اهمیت قرآن عبارت است از زیبایی هنری قرآن؛ اتفاقاً آن چیزی که در درجه اول دل‌ها را مثل مغناطیس به سمت اسلام جذب کرد، همین جنبه هنری قرآن بود. عربها، هم موسیقی الفاظ را می‌فهمیدند، هم با زبان ادب آشنا بودند- در آن محیط عربی این جوری بود- ناگهان دیدند یک پدیده‌ای وسط آمد که شبیه آن را نشنیده‌اند؛ نه شعر است، نه نثر است اما یک پدیده هنری فوق‌العاده است.» (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۸/۲/۱۶).

نقش هنر در فرهنگ‌سازی

هنر یکی از مقوله‌های جدی فرهنگی هر جامعه‌ای است و اندیشمندان و محققان آن را عالی‌ترین شکل فعالیت معنوی انسان می‌دانند. طبیعی است که وقتی این فعالیت معنوی انسان امکان رشد بیابد در غنا بخشیدن به فرهنگ جامعه کاربردی عظیم خواهد داشت.

کارشناسان مسائل اجتماعی می‌گویند: «نقش هنر و بیان کردن احساسات افراد در قالب نقاشی، مجسمه، فرش، گلیم/نایع دستی، آثار خطی و نوشتاری و... نقشی بسیار تأثیرگذار و مهم در جامعه دارد و معمولاً فرهنگ و تمدنی ماندگار و جاودانه می‌شود که دارای افراد هنرمند، بااستعداد، فعال و خلاق باشند و آثار فرهنگی نفیسی از خود به جا گذارند. به‌طور مثال حافظ، سعدی، ملاصدرا، علامه طباطبائی، بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی علیه السلام، ابن سینا، خیام، رازی و... همه و همه مفاخر و مرواریدهای گرانمای فرهنگ و باورهای اسلامی هستند همه این‌ها به‌خاطر ارزش‌ها، تفکرات و استعدادهای خارق‌العاده این افراد است که توانسته‌اند آثار گرانمایی از خود به جا گذارند.» (همان)

به همین دلیل است که جوانان و نوجوانان از همان سنین نوجوانی و جوانی باید به فراگیری تجربیات هنری مشغول شوند تا در کنار دروس خود به فعالیت‌های هنری هم مشغول شوند و در زمینه شعر و ادبیات، نقاشی و خطاطی به تجربیات خوبی دست پیدا کنند.

نقش هنر در ترویج قرآن

برنامه‌های هنری در مدارس می‌توانند زمینه‌ساز فعالیت‌های بصری، حرکتی، ژرف‌نگری، تفکر، بی‌تکلفی، سادگی و صداقت دانش‌آموزان باشد.

نقاشی کردن، رنگ‌آمیزی و مجسمه‌سازی در کلاس‌های هنری به‌ویژه برای بچه‌های کوچک به مهارت‌های دیداری و حرکتی آنها کمک می‌کند و آموزش و پرورش با هنر به دانش‌آموزان می‌آموزد چطور اطلاعات دیداری را تغییر، نقد و از آنها استفاده کنند و چطور براساس آنها انتخاب کنند.

نقاشی برای نوجوانان و جوانان نوعی ارتباط با دنیای بیرون است به خصوص بچه‌هایی که دوستان زیادی ندارند یا در محیط خانه، گوشه‌گیر و منزوی هستند و از این طریق می‌توانند احساسات خود را بیان کنند و افکار و احساساتشان را در قالب نقاشی روی کاغذ بیاورند.

یکی از هنرهایی که می‌تواند در ترویج قرآن کریم بین نوجوانان و نوجوانان سهم به‌سزایی داشته باشد نقاشی است. نقاشی کردن فعالیتی تقریباً غریزی است که در رشد هوشی و ذهنی کودکان و نوجوانان بسیار موثر است، بسیاری از محققان معتقدند که نقاشی کودکان در بچه‌ای است که بر



احساسات و اندیشه‌های آنان گشوده می‌شود و می‌توان از نقاشی‌های آنان در سنجش شخصیت یا تشخیص نابسامانی‌های روانشناختی استفاده کرد و درصدد درمان آن برآمد. در واقع نقاشی می‌تواند بهترین راه برای نوجوانان و جوانان با دنیای بی‌رونش باشد. لذا برای مروجین قرآن کریم یکی از شیوه‌های مهم روز دنیا برای ترویج معارف و مفاهیم خود استفاده از هنر نقاشی می‌باشد.

بنابر این یکی از روش ترویج قرآن بین نوجوانان و جوانان شیوه نقاشی است. در این روش مربی می‌تواند به صورت مختلفی معارف قرآنی را بین آنها القاء کند. از جمله اینکه اول موضوعات قرآنی مثل نعمت‌های خداوند، زیبایی دنیا که یک موجود زنده و قادر آن را خلق نموده و... بیان کند سپس از آنها بخواهد درباره اینها نقاشی بکشد. با چنین روشی جذب نوجوانان و جوانان در فهم قرآن کریم و تفکر آنها در این باره بیشتر می‌شود.

۸. آموزش بازی محور قرآن

بازی فرصتی مناسب برای متعادل کردن تمایلات عاطفی، آموزش جمعی قرآن و تعالیم دینی و تقویت روحیه جمعی کودکان است. آنها با بازی می‌آموزند که چگونه با دیگران رابطه صحیح برقرار سازند. زمانی که دوران کودکی با بازی سیراب شود، در بزرگسالی به انجام کارهای ویژه در خردسالی نمی‌پردازد. پیامبر اسلام ص می‌فرماید: «شیطن و لجاجت و ستیزه جویی کودک در خردسالی، نمایانگر فزونی عقل و اندیشه او در بزرگسالی است.» (پاینده، ۱۳۸۲: ۵۶۴) این حدیث پیامبر ﷺ هماهنگ با نظریه روانشناسی است که در آن آمده است: «بازی و شیطن در دوران کودکی موجب تخلیه انرژی‌های زاید جسمی و روحی می‌شود و در رسیدن کودک به آرامش و حلم در بزرگسالی تأثیر گذار است. همچنین در روایات آمده است که کودکان را تا سن هفت سالگی برای بازی آزاد بگذاریم. (الکافی، ۱۴۰۷: ۴۶/۶) این نیز اشاره به این است که بازی نوعی سرگرمی و اتلاف عمر نیست؛ هفت سال نخست حیات کودک، دوره شناخت جهان پیرامونی اوست. کودک در این دوره نه تنها با دیگران که با جهان و پدیده‌های جهانی آفرینش چگونه برخورد کرد. (طیبی، ۱۴۰۰: ۱۰۲ و ۱۰۳).

رهبر معظم نیز در ضرورت بازی و ساخت اسباب بازی برای کودکان در راستای تربیت دینی نسل چهارم انقلاب می‌فرماید: «کارهای ابتکاری بکنید. اسباب بازی همین جور، بازی رایانه‌ای همین جور، عروسک همین جور، اینها چیزهایی است که لازم است. ما بچه‌های خودمان را که الک دو لک بازی می‌کردند که تحرک داشت و خوب بود. گرگم به هوا بازی می‌کردند که کار بسیار خوبی بود و ورزش بود و بازی و سرگرمی بود. یا این چیزی که خط کشی می‌کنند و لی لی می‌کنند، آوردیم و پای اینترنت نشانده ایم. نه تحرک جسمی دارند و نه تحرک روحی. ذهنشان تسخیر شده به وسیله طرف مقابل.» (بیانات رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۹/۰۹/۱۹۹۲).

نتیجه گیری

ترویج قرآن در میان آحاد جامعه بسیار ضروری است زیرا ارتباط برقرار کردن با این کتاب آسمانی مستلزم سعادت ابدی در دو گیتی است. البته روشن است در میان تمام افراد جامعه جوانان و نوجوانان که آینده سازان هر جامعه ای هستند، از اهمیت دو چندانی برخوردارند. رهبر معظم انقلاب نیز بر این گروه سنی تأکید زیادی دارند. امروزه لازم است علاوه بر شیوه های سنتی ترویج قرآن که بیشتر به شکل کلاسهای رسمی آموزش قرآن مطرح است، سراغ شیوه های نوین ترویج قرآن رفت. نتیجه نوشتار حاضر حکایت دارد که استفاده از فضای مجازی مثل یوتیوب، فیس بوک، استفاده از شبکه های تلویزیونی و رادیویی و پویانمایی، به کارگیری از شعر و داستان و سرودها با مفاهیم قرآنی و نیز قصه های قرآنی و همچنین استفاده از مجلات پژوهشی قرآنی و از همه مهمتر استفاده از نقاشی و مباحث هنری برای جذب مخاطبان به قرآن به خصوص جوانان و نوجوانان مفید و مورد تأکید امام خامنه ای نیز می باشد؛ زیرا استفاده از این شیوه ها بدون شک دارای جاذبیت و تأثیر فراوان بوده و موجب حفظ و صیانت از قرآن در جامعه می شود و انس با قرآن تضمین کننده هدایت در جامعه و احیاکننده نسل های آینده هست.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن الجزري، التمهيد في علم التجويد، قم: موسسه نشر اسلامي، ۱۳۶۳ش.
۴. ابن منظور، ابو الفضل جمال الدين محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: دار صادر، ۲۰۱۱ م.
۵. ايازی، محمد علی، قرآن اثری جاويدان، کتاب مبین، رشت ايران، ۱۳۸۱ش.
۶. بابويه، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، موسسه نشر اسلامي، قم ايران، ۱۳۶۳ش.
۷. بحر العلوم، محمد مهدي، مفهوم شناسی حفظ قرآن و تأثیر آن بر سبک زندگی، فصل نامه سبک زندگی با محوریت سلامت/۷۵، دوره ۳، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۷ش.
۸. پاينده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ) تهران: دنيای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ش.
۹. جاحظ، عمرو بن بحر، البيان و التبیین جاحظ، بيروت: دار و مكتبة الهلال، بی تا.
۱۰. جزري، ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية في غريب الحديث و الأثر، قم ايران: موسسه مطبوعاتی اسماعيليان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
۱۱. حنيف، محمد، فايده‌های قصه گویی، کتاب ماه کودک و نوجوان، ۱۳۸۳ش.
۱۲. خرمشاهی، بهاء الدين، قرآن و قرآن پژوهي، قم: نشر المصطفی، چاپ سوم، ۱۳۸۹ش.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۴. راغب اصفهانی، حسين بن محمد، المفردات في غريب القرآن، سوريه: دارا لعلم الدار الشامية، ۱۴۱۲ق.
۱۵. رحمان دوست؛ قصه گویی، اهميت و راه و رسم آن؛ تهران: رشد، ۱۳۷۷ش.
۱۶. رحيمي، عبدالله و همکاران، «بررسی روش ها و فنون تدریس از منظر قرآن کریم»، فصلنامه علمی تدریسی پژوهشی، سال هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹ش.
۱۷. شهیدی پور، محمد رضا، و رستم نژاد، مهدی. (۱۴۰۰). ترویج فرهنگ انس با قرآن با تأکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری (دامت برکاته). مطالعات قرآنت قرآن، ۹(۱۷)، ۱۱۶-۱۴۶. doi: 10.22034/qer.2022.6525
۱۸. صادقی دلوثی، مهران، «نگاهی بر ترویج مفهوم علم، فصل نامه علمی ترویجی UT-TED»، سال دوم، دوره اول، شماره سوم، بهار ۱۳۹۸ش.

۱۹. طیبی، زینب. (۱۴۰۰). روش‌شناسی آموزش قرآن کریم و تعالیم دینی به کودکان در گام دوم انقلاب اسلامی با تأکید بر سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام. مطالعات قرائت قرآن، ۹(۱۷)، ۸۷-۱۱۵۸. doi: 10.22034/qer.2022.6522
۲۰. عزیزاده منامن، عیسی، و عاملی، سید حسن، و غفاری، علی، و محرمی، رامین. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی رسانه نوشتاری یا گفتاری بودن قرآن کریم و عهد عتیق. مطالعات تفسیر تطبیقی، ۴(۸)، ۵-۳۰.
۲۱. غلامی مجید، زهرا حمیدیان، آشنایی با مهارت‌های مربی قرآن کودک، مشهد: انتشارات جامعه قاریان قرآن، چاپ سیزدهم، ۱۴۰۰ ش.
۲۲. فریدونی محمدحسین، مهارت‌های آموزش و ترویج قرآن کریم، قم: انتشار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۰ ش.
۲۳. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۱۲ ق.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۵. کریمی دردشتی، روح‌اله، و امانی، رضا. (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی روش‌های تبلیغ دینی با محوریت مخاطب‌شناسی از نگاه روایات. فصلنامه قرآن و علوم اجتماعی، ۱(۳)، ۹-۳۰. doi: 1022064/arq.2022.324075.1042
۲۶. مجله هنر دینی، مقاله هنر دینی از نگاه علامه جعفری، شماره ۱۰، ۱۳۸۰ ش.
۲۷. مصطفوی، اسماعیل، درآمدی به مفهوم ترویج علم در رسانه‌ها و تحلیل محتوی مجله علمی عمومی (اطلاعات)، ترویج علم، سال چهارم، بهار و زمستان ۱۳۹۲ ش.
۲۸. ملبویی، محمدتقی، تحلیلی نواز قصص قرآن، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش.



Resources

1. *Nahj al-Balagha (The Peak of Eloquence)*.
2. Ayyazi, Mohammad Ali, *Quran Esteri Javiddan (The Eternal Effect of the Quran)*, Ketab Mobin, Rasht, Iran, 1381 SH (2002 CE).
3. alizadeh, I., ameli, S., ghafari, A., & moharami, R. (2019). Study Comparative textual medium In the Holy Quran and the Old Testament. *Comparative Studies of Quran*, 4(8), 5-30.
4. Babwayh, Mohammad Bin Ali, *Man La Yahduruhi al-Faqih (He Who Is Not In The Presence Of A Jurisprudent)*, Islamic Publication Institute, Qom, Iran, 1363 SH (1984 CE).
5. Bahral Ulum, Mohammad Mehdi, *Ma'fhum Shinasi-e Hifz-e Quran va Ta'sir-e An Bar Sabk-e Zendegi (The Conceptualization of Memorizing the Quran and Its Influence on Lifestyle)*, Faslname-ye Sabk-e Zendegi ba Mohavvarat-e Salamat, p. 75, Vol. 3, No. 1, Winter 1397 SH (2018 CE).
6. Dehkhoda, Ali Akbar, *Loghatnameh Dehkhoda (Dehkhoda's Dictionary)*, Tehran: Institute for Publication and Printing of Tehran University, 1377 SH (1998 CE).
7. Faridouni, Mohammad Hossein, *Maharat-haye Amoozesh va Tavajoh-e Quran Karim (Skills of Teaching and Promoting the Quran)*, Qom: Research Institute of Seminary and University, 1400 SH (2021 CE).
8. Gholami Majid, Zahra Hamidyan, *Ashnai ba Maharat-haye Morabbi-ye Quran Koodak (Familiarity with the Skills of Children's Quran Instructor)*, Mashhad: Jame'e Qarian-e Quran, 13th Edition, 1400 SH (2021 CE).
9. Hanif, Mohammad, *Fa'idah-e Qissagoi (Benefits of Storytelling)*, Ketab-e Mah-e Koodak va Nowjavan, 1383 SH (2004 CE).
10. Ibn al-Jazari, *Al-Tamhid fi 'Ilm al-Tajwid (Introduction to the Science of Tajwid)*, Qom: Islamic Publications Institute, 1363 SH (1984 CE).
11. Ibn Manzur, Abu al-Fadl Jamal al-Din Mohammad Bin Mukarram, *Lisan al-Arab (The Arabic Language)*, Beirut: Dar Sadir, 2011 CE.
12. Jahiz, Amr Bin Bahr, *Al-Bayan wa al-Tabyin Jahiz (Elucidation and Clarification by Jahiz)*, Beirut: Dar al-Maktabat al-Hilal, n.d.
13. Jazari, Ibn Athir, Mubarak Bin Mohammad, *Al-Nihayah fi Ghareeb al-Hadith wa al-Athar (The Conclusion in the Rarities of Hadith and Narrations)*, Islamic Printing Institute Ismailiyan, Qom, Iran, 4th Edition, 1367 SH (1988 CE).
14. Journal of Religious Art, *Article on Religious Art from the Perspective of Allameh Ja'fari*, Issue No. 10, 1380 SH (2001 CE).
15. Karimi dardashti, R., & Amani, R. (2021). Pathology of religious propaganda methods with a focus on audience studies. *Applied Research in the Field of Quran and Hadith*, 1(3), 9-30. doi: 1022064/arq.2022.324075.1042
16. Khoramshahi, Bahauddin, *Quran va Quran Pazhouhi (The Quran and Quran Studies)*, Qom: Nashr al-Mustafa, 3rd Edition, 1389 SH (2010 CE).

17. Kulayni, Mohammad Bin Ya'qub, *Al-Kafi*, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah, 4th Edition, 1407 AH (1986 CE).
18. Molbuii, Mohammad Taghi, *Tahqiqi New az Qisas-e Quran (A New Analysis of Quranic Stories)*, Tehran: Amir Kabir, 1376 SH (1997 CE).
19. Mostafavi, Ismail, *Dar Amadeh be Mafhum-e Tarvij Elm dar Resaneha va Tahlil-e Mohtavi Majaleh-e Elmi Amumi (Introduction to the Concept of Promoting Science in Media and Analyzing the Content of General Scientific Magazine "Etelat")*, Promotion of Science, Year 4, Spring and Winter 1392 SH (2013 CE).
20. Payandeh, Abul Qasim, *Nahj al-Fasaha (The Path of Eloquence - Collection of Short Sayings of the Prophet)*, Tehran: Donyaye Danesh, 4th Edition, 1382 SH (2003 CE).
21. Qarashi Banayi, Ali Akbar, *Qamus Quran (Quran Dictionary)*, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah, 6th Edition, 1412 AH (1991 CE).
22. Raghieb Esfahani, Husayn Bin Mohammad, *Al-Mufradat fi Ghareeb al-Quran (Vocabulary in the Unusual Words of the Quran)*, Syria: Dar al-Ilm al-Dar al-Shamiyah, 1412 AH (1991 CE).
23. Rahimi, Abdullah & Colleagues, *"Barresi-e Ravesh-ha va Fonun-e Tadris az Manzar-e Quran Karim" (Investigating Teaching Methods and Techniques from the Perspective of the Quran)*, Journal of Educational Research, Vol. 8, No. 2, Summer 1399 SH (2020 CE).
24. Rahmandoust, Qassehgoyi, *Importance and Custom of Storytelling*, Tehran: Roshd, 1377 SH (1998 CE).
25. Sadiqi Deloe, Mehran, *"Negahi be Tarvij Mafhom-e Elm" (A Look at Promoting the Concept of Science)*, UT-TED Scientific Promotion Quarterly, Year 2, Issue 3, Spring 1398 SH (2019 CE).
26. Shahidipoor, M. R., & Rostamnejad, M. (2022). Promoting the Culture of Getting Acquaintance with the Quran Emphasizing the Statements of the Supreme Leader. 5- QERA'T, 9(17), 116-146. doi: 10.22034/qer.2022.6525.
27. Taiebi, Zeinab, *"Ravanshenasi Amuzesh-e Quran va Ta'alimat Dini be Koodakan dar Gham-e Dovvom-e Enqelab-e Eslami ba Ta'kid bar Sirah-e Peyambar va Ahl-e Beyt" (Methodology of Teaching the Quran and Religious Teachings to Children in the Second Step of the Islamic Revolution with an Emphasis on the Prophet's Biography and Ahl-e Beyt)*, Journal of Quranic Studies, No. 17, Autumn and Winter 1400 SH (2021 CE).
28. tayyebi, Z. (2022). The Methodology of Teaching the Quran and Religious Teachings to Children in the Declaration of the Second Step Emphasizing on the Conduct (Sirah) of the Prophet (PBUH) and the Ahl al-Bayt (A.S. 5- QERA'T, 9(17), 87-1158. doi: 10.22034/qer.2022.6522.



Components of Meaning-Centric Recitation from the Perspective of Ayatollah Khamenei *

Mohammad Javad Jafarmalek ¹ and Ali Asghar Shoaee ² and Mohammad Javad Shirmardi ³

Abstract



The act of reciting the Quran stands as one of the eminent worship practices and the most significant method of disseminating the teachings of the Holy Quran, emphasized in both the verses and narrations. It should not merely be reduced to an art of vocal performance. A Quran reciter ought to articulate the Quranic verses in a manner that effectively conveys its teachings to the audience, leaving a positive impact. Hence, it becomes essential for the Quran reciter to adopt a "meaning-centric recitation," ensuring the transmission of Quranic teachings to the recipients. Meaning-centric recitation is the recitation where the axis of its execution is organized based on diverse aspects of understanding the meanings of the verses. This article, utilizing a descriptive-analytical approach, aims to elucidate the components of meaning-centric recitation from the perspective of Ayatollah Khamenei. Following the explanation of the essence and nature of this type of recitation, the components are categorized into two sections: "Pre-recitation Components" and "During-Recitation Components." In each section, Ayatollah Khamenei's statements are referenced, supplemented and interpreted with the insights of scholarly opinions, arts experts, and Quranic narrations. One of the key findings of this article underscores that a Quran reciter, for influencing the audience, must consider preliminary aspects such as familiarity with the translation and interpretation of the verses and understanding the positions of pauses and beginnings. During the recitation, skills such as "employing melodies corresponding to the meaning" and "utilizing recitation variations in conveying the meaning" should be applied. By employing this engineered recitation, the right of Quran recitation can be effectively fulfilled.

Keywords: Recitation, Meaning-Centric, Meaning-Centric Recitation, Components of Recitation, Ayatollah Khamenei.

*. **Date of receiving:** 12/08/2022, **Date of approval:** 12/06/2023.

1. Graduate of Level 3, Major in Interpretation and Quranic Sciences, International Foundation for Revelatory Sciences Esra:
mj.jafarmalek71@gmail.com.

2. Assistant Professor at the University of Quranic Sciences and Teachings: shoaee@quran.ac.ir.

3. Graduate of Level 3, Major in Interpretation and Quranic Sciences, International Foundation for Revelatory Sciences Esra
(Corresponding Author): m.j.shirmardii@gmail.com.



مولفه‌های تلاوت معنامحور از منظر آیت‌الله خامنه‌ای *

محمدجواد جعفرملک^۱ و علی‌اصغر شعاعی^۲ و محمدجواد شیرمردی^۳



چکیده

«تلاوت قرآن» از شئون پیامبر اکرم ﷺ و از برترین عبادات و روش‌های تبلیغ معارف قرآن کریم است که در آیات و روایات نیز به آن سفارش شده و نباید جایگاه آن به صرف هنر آوازخوانی تقلیل داده شود. قاری قرآن باید به گونه‌ای آیات قرآن را تلاوت کند که آموزه‌های قرآن به مخاطب منتقل شود و بر او اثر مثبت بگذارد. از این رو لازم است تلاوتگر قرآن با «تلاوتی معنامحور» آموزه‌های قرآن را به مستمعان منتقل کند. تلاوت معنامحور، تلاوتی است که محور آن از جهات گوناگون، معنای آیات و بر اساس سیر مفهومی آن تنظیم و اجرا می‌شود. در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با هدف بیان مولفه‌های تلاوت معنامحور، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، پس از تبیین معنا و ماهیت این نوع تلاوت، به مولفه‌های آن در دو بخش «مولفه‌های پیش از تلاوت» و «مولفه‌های حین تلاوت» اشاره و در هر بخش به سخنان آیت‌الله خامنه‌ای استناد شده و به کمک نظرات اساتید فن و آیات و روایات، تقریر و تکمیل گردیده است. از مهم‌ترین نتایج مقاله این است که قاری قرآن برای اثرگذاری بر مخاطب باید پیش از تلاوت، مقدماتی نظیر «آشنایی با ترجمه و تفسیر آیات» و «آشنایی با مواضع وقف و ابتدا» را مد نظر قرار دهد و هنگام تلاوت نیز، از مهارت‌هایی مانند «اجرای نغمات متناسب با معنا» و «به‌کارگیری اختلاف قرائت‌ها در خدمت القای معنا» استفاده کند و با این مهندسی تلاوت، حق قرائت قرآن را ادا نماید. واژگان کلیدی: تلاوت، معنامحور، تلاوت معنا محور، مؤلفه‌های تلاوت، آیت‌الله خامنه‌ای.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲.

۱. دانش‌آموخته سطح سه رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن، بنیاد بین المللی علوم وحیانی اسراء: mj.jafarmalek71@gmail.com.

۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم: shoaiei@quran.ac.ir.

۳. دانش‌آموخته سطح سه رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن، بنیاد بین المللی علوم وحیانی اسراء (نویسنده مسئول):

m.j.shirmardii@gmail.com



مقدمه

بی‌شک تلاوت قرآن از شئون پیامبر اکرم ﷺ و از برترین عبادات و روش‌های تبلیغ معارف قرآن کریم است و به همین دلیل نباید جایگاه آن به صرف هنر آوازخوانی تقلیل داده شود. قاری قرآن باید به‌گونه‌ای آیات قرآن را تلاوت کند که آموزه‌های قرآن به مخاطب منتقل شود و بر او اثر مثبت بگذارد. تلاوتگر قرآن باید خود را در جایگاه رسول اکرم ﷺ ببیند که با تلاوت آیات به دنبال تعلیم معارف قرآن کریم و تزکیه مردم بود: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ»؛ «خداوند بر مؤمنان منت نهاد هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد» (آل عمران: ۱۶۴) بر این اساس باید هدف قاری از خواندن قرآن، اثرگذاری بر مخاطب باشد و بستر را برای انس، تفکر و تدبیر در آیات قرآن فراهم نماید. در یک کلام او باید تلاوتی معنامحور انجام دهد تا حق تلاوت را به‌جا آورد. تلاوت معنامحور تلاوتی است که محور آن از جهات گوناگون — نظیر انتخاب آیات، محدوده تلاوت، استفاده از مقام، به کارگیری اختلاف قرائت‌ها، آکسان و ... — معنای آیات است، نه صرفاً آهنگ و وزن آیات، یا انس داشتن قاری و مخاطب با آیات و دستگاه‌های خاص و ... اما شماری از قاریان در جهان اسلام از تلاوت معنامحور غفلت کرده و صرفاً قرآن را برای خواندن یا رسیدن به ثواب یا نمایش هنرهای خود قرائت می‌کنند، حال آنکه هنرهای موجود در تلاوت قرآن باید به‌گونه‌ای مهندسی شود که همگی در خدمت اثرگذاری بر مخاطب و القای معنا به او باشد و به بیان دیگر تلاوت قاری باید مولفه‌های یک تلاوت معنامحور را داشته باشد. آیت‌الله خامنه‌ای در دیدارهای گوناگون خود با جامعه قرآنی کشور و غیر آن، در زمینه «تلاوت معنامحور و اثرگذار» نکات فنی، کاربردی و سودمندی را به اساتید فن سفارش کردند، که بی‌شک برای قاریان قرآن و مسئولان مربوط، قابل استفاده است؛ از این‌رو در این مقاله به این پرسش مهم پاسخ داده شده است که «مولفه‌های تلاوت معنامحور از منظر آیت‌الله خامنه‌ای چیست».

تلاوت معنامحور از جهات گوناگون اهمیت دارد؛ ازجمله:

۱. اصل نزول قرآن برای تعلیم، تزکیه، تفکر و هدایت مردم است: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ»؛ «[او] کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند!» (جمعه: ۲)؛ «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل

کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی؛ و شاید اندیشه کنند! (نحل: ۴۴) و بی شک تعلیم و تزکیه در صورتی به دست می آید که مخاطب، معنای آیات قرآن را به درستی درک کند. تلاوت قرآن هنری است در خدمت این هدف مقدس، تا با زیبایی های هنری، همگان به قرآن جذب شوند و از معارف آن بهره مند گردند.

۲. بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام خیری در تلاوت خالی از تدبر و معناگرا نیست: «أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ أَلَا لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةِ لَيْسَ فِيهَا تَفَكُّرٌ» (آگاه باشید! هیچ خیری در قرائت بدون تدبر نیست؛ آگاه باشید! هیچ خیری در عبادت بدون تفکر نیست) (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲۲۶).

۳. روایاتی که کیفیت «تلاوت مطلوب قرآن» را به این شکل معرفی کردند: «بَيِّنُهُ تَبَيَّنًا وَلَا تَهْذُهُ هَذَّ الشَّعْرِ وَلَا تَنْثُرُهُ نَثْرَ الرَّمْلِ وَلَكِنْ أَفْرِعُوا قُلُوبَكُمْ الْقَاسِيَةَ وَلَا يَكُنْ هَمُّ أَحَدِكُمْ آخِرُ السُّورَةِ» (کلمات و آیات] آن را روشن و واضح بخوان و مانند شعر آن را با سرعت قرائت مکن، و مانند ریگ پراکنده اش مساز، بلکه دل های سخت خود را [به وسیله آن] به بیم و هراس افکنید، و تمام سعی شما این نباشد که سوره را به پایان رسانید) (قمی، ۱۴۰۴: ۳۹۲/۲) اهمیت تلاوت معنامحور را دو چندان می کند، زیرا بر اساس این روایات، تلاوت قرآن باید شمرده، به دور از عجله و مایه بیداری دل های قساوتمند باشد و هدف خواننده تمام کردن سوره نباشد، که همه این موارد از ویژگی های تلاوت معنامحور است.

۴. بررسی مولفه های تلاوت معنامحور از منظر امام خامنه ای از اهمیت بیشتری برخوردار است، چراکه این شخصیت حکیم و فرزانه، با نظرات ارزشمند، عالمانه و تخصصی خود دریچه جدیدی را به روی جامعه قرآنی کشور بلکه جوامع اسلامی گشوده است.

در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی نوشته شده است، پس از تبیین معنا و ماهیت تلاوت معنامحور به مولفه های آن در دو بخش «مولفه های پیش از تلاوت» و «مولفه های حین تلاوت» اشاره شده است. در بخش معنای لغوی و اصطلاحی «تلاوت» و «تلاوت معنامحور» از سخن لغت پژوهان و اساتید جامعه قرآنی استفاده شده است؛ در متن مقاله نیز دیدگاه های امام خامنه ای درباره مولفه های تلاوت معنامحور بر اساس سخنرانی های ایشان در دیدارهای گوناگون نقل و تبیین شده است؛ همچنین در خلال بحث از برخی مقاله های محققان و نظر اساتید برجسته قرآن استفاده شده که گاهی در تکمیل فرمایش آیت الله خامنه ای است و گاهی با آن ناهمخوان و مورد انتقاد است؛ در برخی موارد نیز برای تقریر و تکمیل سخنان امام خامنه ای از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام بهره گرفته شده است.

در زمینه تلاوت معنامحور چند کتاب، پایان نامه، مقاله و گزارش نوشته شده که عبارت اند از:



مقاله «شاخصه‌ها و آثار تلاوت معنامحور از دیدگاه آموزه‌های اسلامی» نوشته علی اصغر شعاعی و همکاران (دوفصلنامه علمی مطالعات قرآنت قرآن، شماره ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۹)؛ نویسنده در این مقاله به برخی از شاخصه‌های تلاوت معنامحور - مانند تأثیرگذاری و انتخاب لحن متناسب با آیات - و بعضی از آثار تلاوت معنامحور - نظیر احیای جایگاه حقیقی هنر تلاوت و ایجاد فضای تفکر در محافل قرآنی - پرداخته است.

پایان‌نامه «جایگاه و شاخصه‌های تلاوت معنامحور در قرآن کریم» نوشته علی خانی (دانشکده علوم قرآنی ایلام). نویسنده ضمن تبیین جایگاه معنامحوری، از ملزومات آن - همچون تسلط بر علمی مانند وقف و ابتداء، اختلاف قرائات و تفسیر و فراگیری مهارت‌های صوتی و تنغیمی و نیز حس‌گیری مناسب و مخاطب‌شناسی - سخن گفته است.

کتاب «مهارت‌های تنغیمی و القاء معانی در هنر تلاوت قرآن»، نوشته غلامرضا شاه میوه اصفهانی. نویسنده در این کتاب به مباحثی مانند روش به کارگیری نغمات، اجرای درجات صوتی، مهارت‌های القای معنا و... پرداخته است.

کتاب «معماری تلاوت» اثر غلامرضا شاه میوه اصفهانی. در این کتاب مباحث مهمی در زمینه تلاوت قرآن همانند آداب تلاوت، خودشناسی صوتی، تقلید، معناگرایی و... بررسی شده است. کتاب «تلاوت معنامحور» از امیر ذوقی. وی کل آیات قرآن را به بخش‌های گوناگون تقسیم و موضوع و مضامین هر بخش را معین کرده است.

گزارشی با عنوان «چه عواملی به تلاوت معنامحور کمک می‌کند». در این گزارش استاد دغاغله ابتدا تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بر معنامحوری در تلاوت را تذکر داده و سپس به دو عنصر «آشنایی کافی قاری با زبان عربی» و «آگاهی از فراز و نشیب آیه‌ها» برای یک تلاوت معنامحور اشاره کردند (<https://iqna.ir/00GMvi>).

آثار پیش‌گفته با وجود نقاط قوت و کاربردی در زمینه تلاوت معنامحور، این مسئله را از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای واکاوی نکرده‌اند، از این رو شایسته است دیدگاه ایشان درباره مؤلفه‌های تلاوت معنامحور به‌صورت مستقل بررسی شود. مقاله حاضر با این هدف نوشته شده است.

الف. مفهوم‌شناسی

۱. تلاوت

تلاوت از ریشه «تلو» به معنای متابعت است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸/۱۳۴) و چون در خواندن قرآن، آیات در پی یکدیگر می‌آیند به آن تلاوت گفته شده (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱/۳۵۱). تفاوت واژه «تلاوت»

و «قرائت» در این است که «تلاوت» تنها درباره کتاب‌های آسمانی و به‌ویژه قرآن کریم به کار می‌رود و با احترام و تکریم همراه است و پس از خواندن، عمل به مضامین آن نیز لازم است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۵۱/۱) ولی «قرائت» در خواندن هر نوشته‌ای استعمال می‌شود (عسکری، ۱۴۰۰: ۱۸). تلاوت در اصطلاح رایج جامعه قرآنی، به همان معنای قرائت است و به‌گونه‌ای از خوانش قرآن کریم می‌گویند که دارای ویژگی‌های خاصی از نظر قواعد و احکام تجوید، وقف و ابتدا و نیز شیوه به کارگیری اصوات الحان است (شعاعی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۲). در جهان اسلام تلاوت قاریان مصری با شیوه خاص خود از محبوبیت بی‌نظیر و اعتبار خاصی برخوردار است و از این‌رو سرآمد و سرلوحه هنر تلاوت در جوامع اسلامی است (نلسون، ۱۳۹۰: ۲۶).

۲. تلاوت معنامحور

اصطلاح «تلاوت معنامحور» در دهه اخیر به علت احساس ضرورت توجه خاص به محتوای آیات در هنگام تلاوت، در میان قاریان و اساتید قرآنی رایج شد. «تلاوت معنامحور» تلاوتی است که همراه با رعایت ارکان تلاوت یعنی تجوید صوت، لحن و وقف و ابتدا باشد و در عین حال قاری به مفاهیم و تصویرگری آیات، اهتمام شایسته و بایسته داشته باشد (عارف حسینی، ۱۳۹۲: ۱۳۲). به دیگر سخن تلاوت معنامحور تلاوتی است که محوریت آن از جهات مختلف - مانند انتخاب آیات، محدوده تلاوت، تکرار آیات، انتخاب لحن، نحوه ادای کلمات و... - معنای آیات است، نه صرفاً جنبه‌های موسیقایی و صوتی یا لحن‌پذیری بیشتر برخی آیات یا تسلط قاری بر آیاتی خاص یا انس بیشتر مخاطبان با آیات و الحان خاص.

هر تلاوت اثرگذاری «معنامحور» نیست، ولی هر تلاوت معنامحوری اثرگذار است. اثرگذاری یک تلاوت از یک سو به هدف به کارگیری عقل و ذهن مخاطب است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، شاید شما بیندیشید) (یوسف: ۲)؛ «كِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبّر کنند و خردمندان متذکر شوند!) (ص: ۲۹)؛ از سویی دیگر برای برانگیختن احساسات و عواطف انسانی است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (مؤمنان، تنها کسانی هستند که هر گاه نام خدا برده شود، دل‌هایشان ترسان می‌گردد؛ و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می‌شود، ایمانشان فزونتر می‌گردد؛ و تنها بر پروردگارشان توکل دارند) (انفال: ۲). آیت‌الله خامنه‌ای قرآن را مانند عمارت وسیع و بزرگی می‌داند که سالن‌ها، حجره‌ها و زوایای گوناگونی دارد و سردر و مدخل آن «تلاوت قرآن» است که تلاوت معنامحور و زیبا، مردم را تشویق می‌کند به این عمارت وارد شوند (دیدار با قاریان، ۱۴/۱۰/۱۳۷۳).



مؤلفه‌های تلاوت معنامحور به دو دسته پیش از تلاوت و حین تلاوت تقسیم می‌شود. مقدماتی که یک قاری باید پیش از تلاوت فراهم آورد «مؤلفه‌های پیش از تلاوت» است و مهارت‌هایی که کاربر است آنها هنگام تلاوت، معنامحوری یک تلاوت را می‌آفریند یا می‌افزاید «مؤلفه‌های حین تلاوت» نام دارد.

ب. ضابطه‌مندی تلاوت معنامحور

یکی از مبانی این تحقیق، پذیرش امکان ضابطه‌مندی تلاوت معنامحور است؛ یعنی زمانی می‌توان از مؤلفه‌های تلاوت معنامحور سخن گفت که پیش از آن بپذیریم قواعد و شاخص‌هایی وجود دارد که بر اساس آن می‌توان یک تلاوت را سنجید؛ در صورت رعایت آن قواعد، آن تلاوت را معنامحور و بر فرض فاقد بودن آنها، غیر معنامحور نامید. بر این پایه، اگر کسی تلاوت معنامحور را بی ضابطه بداند و مؤلفه‌های آن را نسبی، ذوقی و کاملاً وابسته به شرایط و زمان و احساسات اجرا بشناساند، بی شک از «مؤلفه‌های ثابت» برای تلاوت معنامحور، سخن نمی‌گوید، چنان‌که برخی اساتید همین مبنا را اختیار کردند و معتقدند تمام مواردی که اساتید و مدرسان برای تشخیص «تلاوت معناگرایانه» به آن اهتمام دارند، چیزی جز «حس تلاوت‌کننده» نیست که این حس و انتخاب ملودی، در هر قاری و در هر سبک، کاملاً می‌تواند متفاوت باشد؛ پس نمی‌توان از قواعد و ضابطه‌های تلاوت معنامحور سخن گفت.

ایشان در خصوص وقف و ابتدا می‌گویند: «موضوع وقف و ابتدا» در تلاوت، با «موضوع حس و حال تلاوت‌کننده» دو مقوله جدا از یکدیگر است که اگر تلاوت‌کننده به حس خود رجوع کند و جان مطلب را دریابد، می‌تواند با انگیزه القای معنا و تلفیق حس ملودیک خود، آن را بیان کند؛ در جایی مستمع این ارتباط را می‌پذیرد و متوجه آن می‌شود و در جایی مستمع آن را نمی‌پذیرد و تنها این قطعه را یک قطعه هنری می‌پندارد. وی در ادامه آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ» (نور: ۳۵) را مثال می‌زند و می‌گوید اگر قاری بخواند «اللَّهُ نُورُ...» و مجدداً بخواند «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» و مکث کند و بعد بخواند «مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ» از حیث معنا هیچ ضربه‌ای به آیه وارد نخواهد شد، چرا که کلمه «الله» با یکی از صفات خودش بیان شده و در ادامه تلاوت، تا کلمه «وَالْأَرْضِ» جمله کامل شده است و در ادامه «مَثَلُ نُورِهِ» را بیان می‌کند، به همین دلیل داوران وقف و ابتدا از او نمره کم می‌کنند (<https://iqna.ir/fa/news/>).

خلاصه آنکه از نگاه این اساتید، معنامحوری یعنی حس و حال قاری در همان لحظه و همان دقیقه و تلفیق ملودیک کلام؛ به علاوه تکمیل بخشی عمده یا کل مفهوم آیه در یک، دو یا چند نفس و از این رو معنامحوری قلیل ارزیابی نیست و همان‌گونه که به تعداد آدم‌های روی زمین راه برای رسیدن به خدا فراهم است، به همان میزان راه برای ایجاد حس خوب و حال متفاوت برای تکرار یک یا چند بخش از یک آیه هست و حال و حس را نمی‌توان اندازه‌گیری کرد.

۱. مولفه‌های پیش از تلاوت

یک. انس با قرآن

بی‌شک انس با قرآن از یک سو وظیفه اسلامی و انسانی همه مسلمانان است و از سویی دیگر وظیفه صنفی و حرفه‌ای مبلغان و قاریان قرآن می‌باشد (کفیل، ۱۴۰۲: ۲۸ - ۳۳). یکی از مولفه‌های پیش از تلاوت برای یک تلاوت معنامحور از منظر آیت‌الله خامنه‌ای انس با قرآن است که در ذهن و قلب قاری اثر شگرفی دارد و عامل بهره‌گیری فراوان از کتاب آسمانی است؛ به فرموده ایشان طبق تجربه، کسی که با قرآن مأنوس نباشد، بهره زیادی هم از قرآن نمی‌برد (دیدار با قاریان، ۱۳۸۸/۴/۳).

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای یکی از راه‌های انس با قرآن، «راه تدبّر» در آیات قرآن کریم است، یعنی اکتفا به اموری مانند همراه داشتن قرآن، شرکت در جلسه تلاوت قرآن یا گوش دادن به تلاوت خوش و لذّت بردن و حتی تلاوت قرآن با صدای خوب، مطلوب نیست، بلکه در کنار همه این موارد باید در قرآن تدبّر کرد و با قرآن به صورت تدبّر، انس پیدا کرد (دیدار با قاریان، ۱۳۷۳/۱۰/۱۴).

ارتباط و انس با قرآن، مراتب و مراحل گوناگونی دارد که از میان آنها برخی مطلوب و بعضی نامطلوب است و یک قاری باید درصدد ارتباط مطلوب با قرآن باشد. از جمله راه‌های نامطلوب می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. ارتباط صرفاً تبرک‌جویانه؛ نظیر بوسیدن قرآن و نگاه به آن هنگام عقد ازدواج؛ ۲. ارتباط صرفاً هنری؛ مانند نوشتن با خط زیبا و تابلوهای قرآنی یا خواندن با صدای خوش؛ ۳. یا ارتباط صرفاً علمی؛ همانند بررسی لغات قرآن، اعراب قرآن، قرائات قرآن، ترجمه و تفسیر و... اما ارتباط مطلوب با قرآن «ارتباط هدایت‌جویانه» است؛ خواه در شاخه تبرک باشد یا در ساحت هنر و یا در رشته علمی (کفیل، ۱۴۰۲: ۴۹ - ۵۲). مهم آن است که قرآن در نگاه انسان، کتاب هدایت باشد و از آن استفاده هدایتی تربیتی کند؛ طبق کلام آیت‌الله خامنه‌ای یکی از مصادیق استفاده هدایتی تربیتی از قرآن، انس از راه تدبّر در قرآن کریم است که بی‌شک اثر به‌سزایی در تلاوت معنامحور دارد.

در نگاه ایشان «انس با زبان قرآن» نیز ابزاری برای رسیدن به فهم معنای قرآن و مجسم کردن مفهوم آیات است و قاری قرآن باید به این مسئله توجه کند. آیت‌الله خامنه‌ای در توصیه به تلاوتگران قرآن می‌فرماید: «هرچه می‌توانید تعلیم و تعلّم قرآن را زیاد کنید و معانی و مفاهیم قرآن را زنده کنید... در کیفیت خواندن، مفهوم آیات قرآنی را مجسم کنید... بنابراین زبان قرآن را باید یاد گرفت. هرچه ممکن است با زبان قرآن بیشتر انس بگیرید» (دیدار با قاریان در ۱۳۹۶/۳/۶).



دو. آشنایی کافی با مفاهیم آیات

یکی از مؤلفه‌های بدیهی و اساسی تلاوت معنامحور پیش از تلاوت، «دانستن معنای آیات» است، چون اگر قاری قرآن معنای آیات را نداند، نمی‌تواند معنا را محور تلاوت خود قرار دهد. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای قاری قرآن باید معنای آیاتی را که تلاوت می‌کند، بداند و تنها از این رهگذر است که می‌تواند آن معنا را به مستمع القا کند و تلاوت دلنشین و اثرگذاری را ارائه دهد: «من می‌خواهم به شما قرآنی‌ها... تأکید کنم... هم باید تلاوت بکنید و هم باید معانی قرآن را بفهمید؛ اگر معنای قرآن را فهمیدید، می‌توانید بهتر تلاوت کنید. الان قراء حالا را با قراء بیست سال قبلان مقایسه کنیم... بعضی‌ها خوب هم می‌خواندند... اما دلنشین نبود... چون از معانی و مفاهیم آیات هیچ سر در نمی‌آوردند... اما امروز... جوان‌های ما این آیاتی را که می‌خوانند، خود کیفیت خواندنشان، حکایت از این می‌کند که این‌ها معنای آیه را می‌فهمند و به مفهوم آیه توجه دارند» (دیدار با قاریان، ۱۳۸۵/۷/۴).

از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای یکی از شرایط مهم و اصلی تأثیرگذاری بر مخاطب و دگرگونی دل‌ها این است که خواننده قرآن با مضمون آیه‌ای که می‌خواهد تلاوت کند، کاملاً آشنا باشد و طوری بخواند که گویی با صدای خوش خود، می‌خواهد آن مضمون را برای مخاطب تصویر و ترسیم کند (دیدار با قاریان، ۱۳۸۲/۸/۶).

آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان نمونه به آیه «فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى»؛ «و گفت: من پروردگار برتر شما هستم!» (نازعات: ۲۴) اشاره می‌کند و می‌فرماید: قاری باید طوری این آیه را ادا کند که دروغ بودن آن معلوم شود و کاملاً با نحوه خواندن آیه «لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» ((و گفته می‌شود: [حکومت امروز برای کیست؟ برای خداوند یکتای قهار است!]) (غافر: ۱۶) که درباره مُلک خدای متعال است، متفاوت باشد و در ادامه تأکید می‌کند که این عنصر در تلاوت‌های شیخ مصطفی اسماعیل فراوان است؛ چنین چیزی تنها با دانستن معنای قرآن محقق می‌شود (دیدار با قاریان در ۱۳۶۹/۱/۱۹). البته منظور ایشان این نیست که آیه «فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى» همیشه باید به این شکل خوانده شود، بلکه از باب مثال به یکی از گونه‌های تلاوت معنامحور اشاره فرموده‌اند؛ چنان‌که ممکن است یک قاری همین آیه را از زبان فرعون و با قاطعیت و تأکید بخواند. مشابه آن تلاوت مصطفی اسماعیل در سوره مبارک کهف است که سخن اصحاب کهف - پس از بیدار شدن از خواب - را از زبان آنها و به‌گونه‌ای ادا می‌کند که گویا خود از خواب بیدار شده و صدایش گرفته است.

از دیدگاه آیت الله خامنه ای قاری قرآن باید مانند یک گوینده خوب، معانی الفاظ را بداند تا بتواند آن مفاهیم را به مخاطب القا کند و تمام مفهوم را جلوی چشمان مستمع به تصویر بکشد و اگر قاری نفهمد چه می خواند، نمی تواند تلاوت معنامحوری ارائه دهد (دیدار با قاریان، ۱۳۹۶/۳/۶). بر این اساس دانستن معنای تک تک کلمات نیز اثر مهمی در نحوه ادای کلمات دارد و صرف دانستن مفهوم کلی آیه یا موضوع کلی آن کافی نیست، به خصوص در اجرای آکسان ها که خود یکی از مولفه های تلاوت معنامحور است و در فصل دوم به آن اشاره خواهد شد.

از نگاه آیت الله خامنه ای آشنایی با مفاهیم آیات فواید فراوانی در تلاوت معنامحور دارد؛ از جمله: «قطع و وصل بجا و درست»، «به کارگیری صوت و لحن مناسب در خدمت القای معنا به مخاطب» (دیدار با قاریان، ۱۳۶۸/۱۲/۴) و نیز «ادای درست کلمات»، «گزینش درست آیات» و «اجرای نغمات متناسب با آیات»؛ به همین دلیل مولفه «آشنایی با مفاهیم آیات» محوری ترین مولفه در میان عناصر تلاوت معنامحور است، که در صورت فقدان آن اکثر مولفه ها از کارایی خود می افتند.

مصطفی اسماعیل یکی از قاریان برجسته ای است که آیات قرآن را به صورت معنامحور تلاوت می کرد. به گفته برخی اساتید او دو دوره تفسیر قرآن را نزد یکی از شیوخ الازهر طی کرده است و تأثیر این تسلط بر تفسیر آیات، در تلاوت هایش کاملاً مشهود است و تلاوت او فراتر از معنامحوری است و روش او در حقیقت «تلاوت تفسیری» است که با خواندنش قرآن را تفسیر می کند (امینی، <https://iqna.ir/fa/news/۴۰۶۶۰۱۵>).

سه. بیان اجمالی ترجمه و تفسیر آیات برای مخاطب

آشنایی قاری با ترجمه و تفسیر آیات در تلاوت موثر او سودمند است، ولی برای اینکه مخاطب از تلاوت معنامحور اثر پذیرد، او نیز باید با مفاهیم آیات آشنایی داشته باشد؛ یعنی حتی اگر قاری قرآن یک تلاوت معنامحور مطلوب را ارائه دهد، تا زمانی که شنونده با ترجمه و تفسیر آیات آشنا نباشند، نمی تواند از تلاوت معنامحور قاری، بهره کافی را ببرد؛ در این صورت بهره مخاطب از تلاوت معنامحور، تنها به لذت موسیقایی و آوایی محدود می شود که غرض اصلی و مطلوب نهایی از تلاوت قرآن نیست.

از آنجاکه فعلاً مردم ایران - و دیگر کشورهای غیر عرب - با زبان عربی و الفاظ قرآن و معانی آن آشنایی کافی ندارند، ساده ترین و سریع ترین راهکار این است که خود قاری این خلأ مخاطبان را با بیان اجمالی و خلاصه ترجمه و تفسیر آیات جبران کند، چنان که امام خامنه ای با اشاره به برنامه «رادیو تلاوت» فرمودند: این کار خوبی است که پیش از پخش تلاوت، مجملی از تفاسیر متداول درباره مضمون یک یا دو آیه تلاوت شده بیان می شود، هر چند کم است (دیدار با قاریان، ۱۴۰۲/۱/۳).



آیت‌الله خامنه‌ای در جلسات قرآنی خود پیش از انقلاب به اندازه یک ساعت سخنرانی می‌کردند و به فرموده خود ایشان، این خطابه را به شکل ایستاده و به عنوان مقدمه قرائت قرآن کریم قرار می‌دادند و پس از آن قاری قرآن بر منبر می‌نشست و آیات مرتبط با موضوع سخنرانی را تلاوت می‌کرد (دیدار با قاریان، ۱۴۰۲/۱/۳).

گفتنی است بیان ترجمه و تفسیر در جلسه قرآن، برنامه‌ای موقتی و کم اثر است و در این زمینه باید یک کار مبنایی انجام شود؛ مانند اینکه آموزش سراسری زبان عربی یا ترجمه قرآن به همه مردم انجام شود، چنان‌که شهید مطهری ضمن بیان اهمیت زبان عربی این پیشنهاد را به عنوان یکی از دغدغه‌های مهم خود مطرح کرده و می‌گوید زبان عربی، زبان اسلام است و ما موظفیم آن را حفظ کنیم؛ مثلاً کلاس‌هایی تشکیل بدهیم و خود و خانواده‌مان زبان عربی را یاد بگیریم (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۳۸/۱۷ - ۲۳۹).

از نگاه امام خامنه‌ای یادگرفتن زبان و ترجمه قرآن بسیار ساده است و مشکل آشنا نبودن مردم غیر عرب با زبان عربی قابل حل است، زیرا بسیاری از کلمات قرآنی در زبان فارسی متداول ما تکرار شده است و ما می‌فهمیم؛ مثلاً در آیه «وَلَنبَلِّغَنَّكُمْ أَشْيَاءَ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»؛ «قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مالها و جانها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم؛ و بشارت ده به استقامت‌کنندگان!» (بقره: ۱۵۵) تنها دویا سه واژه مانند «لنبلیغکم» مجهول است و معنای بقیه لغات مانند «شیء» «خوف» «جوع» «نقص» «اموال» «انفس» و «ثمرات» همگی برای ما فارسی زبانان معلوم است (دیدار با قاریان، ۱۳۸۶/۶/۲۲). به گفته یکی از اساتید قرآن، تلاوت همراه با فهم معنای آیات قرآن کریم آسان است، چون برای فهم ترجمه کل قرآن تنها باید ترجمه ۵۰۰ کلمه مشکل آن را دریافت و باقی آن همگی آسان هستند (<https://khuzestan.iqna.ir/fa/news>)؛ همچنین آیت‌الله خامنه‌ای یکی دیگر از راهکارهای رفع این نقصان را نمایش ترجمه و نگاه به آن حین تلاوت توسط مستمع می‌داند (دیدار با قاریان، ۱۳۷۱/۱۱/۵).

چهار. آشنایی کافی با مواضع وقف و ابتدا

یکی دیگر از مؤلفه‌های پیش از تلاوت از منظر امام خامنه‌ای آشنایی کافی با مواضع وقف و ابتدا است. ایشان بارها به اهل تلاوت یادآوری کردند که کسی نمی‌تواند یک تلاوت خوب انجام دهد، مگر اینکه بداند کجا باید وصل کند و کجا باید وقف کند (دیدار با قاریان، ۱۳۶۸/۱۲/۴). از نگاه ایشان یکی از آسیب‌های جدی قاریان، به‌ویژه قاریانی که با ترجمه و معنای آیات انس ندارند، وصل و قطع‌های نابجا و نامناسب با معناست، چون نحوه وصل و قطع که خود یک علم است، پیوند عمیقی با معنا دارد و از این رو تنها راه وقف و ابتدای درست، دانستن معنای آیات یا تکیه بر علامت وقف و ابتدا در مصاحف

است و به هیچ وجه نباید به قطع و وصل های قاریان مصری بسنده کرد (دیدار با قاریان، ۱۳۷۰/۱/۲۲). مسئله وقف و ابتدای مناسب به اندازه ای مهم است که برخی اساتید تلاوت، آن را یک واجب رکنی در قرائت قرآن می دانند و می گویند اگر این واجب رکنی سهواً هم فراموش شود، معنا به هم می ریزد (لطفی نیا، <https://iqna.ir/fa/news/۴۱۹۳۴۷>).

آیت الله خامنه ای آیه «و قالوا سمعنا و اطعنا غفرانک ربنا و الیک المصیر» (و مؤمنان) گفتند: «ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! (انتظار) آمرزش تو را (داریم)؛ و بازگشت (ما) به سوی توست» (بقره، ۲۸۵) را به عنوان نمونه یاد می کند و می فرماید اگر پیش از فقره «غفرانک ربنا» وقف شود، درست است و چنانچه وصل شود هم درست است، لیکن اگر گفته شود «اطعنا غفرانک ربنا» (از غفران تو اطاعت کردیم) وصل نادرست است و معنا را خراب می کند (دیدار با قاریان، ۱۳۶۹/۱/۱۹).

مقام معظم رهبری یکی از فواید وقف و ابتدای مناسب را «برجسته کردن معنا و نمایش دادن اهمیت مطلب» معرفی می کند و برای آن یک مثال از تلاوت فاخر استاد مصطفی اسماعیل یاد می کند که در آیه «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ»؛ «ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی داشت» (قصص: ۲۵) بر «عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» وقف می کند و بدون اینکه دوباره برگردد و ما قبل را به آن وصل کند، از ابتدای «عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» می خواند و بدین سان حیای دختران شعیب را به نمایش می کشد، حال آنکه ما معمولاً در تلاوت این آیه به صورت عادی و بدون برجسته کردن مفهوم حیا، این دو بخش آیه را با هم می خوانیم (دیدار با قاریان، ۱۴۰۲/۱/۳).

پنج: گزینش درست آیات

بی شک تلاوت هر آیه ای برای هر مجلس و شرایطی مناسب نیست و به قول معروف «هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد» (عظیمی، ۱۳۸۲: ۴۴۱)، بنابراین انتخاب درست آیات یکی از مولفه های تلاوت معنا محور از منظر آیت الله خامنه ای است. ایشان در بیانات خود با اشاره به این نکته می فرماید: «هر آیه ای که برای هر جا مناسب نیست؛ اگر خدای نکرده کسی بیاید سر قبر عزیز شما و مثلاً آیه «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» (آگاه باشید! لعنت خدا بر ظالمان!) (هود: ۱۸) را با صدای بلند بخواند، شما خوشتان می آید؟ مسلماً دلتان می خواهد که آیه «و جنة عرضها كعرض السماء والارض» (و بهشتی که پهنه آن مانند پهنه آسمان و زمین است) (حدید، ۲۱) را بخواند» (دیدار با قاریان، ۱۳۷۱/۱۲/۱۷).



قاری باید در گزینش آیات، اقتضائات زمان، مکان، مخاطب، مناسبت و همه عوامل مؤثر بر مخاطب و انتقال معنا به مستمع را لحاظ کند. اگر آیاتی مناسب با اقتضائات پیش گفته نباشد، نه تنها اثرگذاری آن کاسته می‌شود، گاهی اثر منفی نیز دارد.

آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان نمونه، به یکی از موارد انتخاب غلط آیات توسط یک قاری مصری در مرقد امام خمینی علیه السلام اشاره کرده و می‌فرماید «او آیاتی خواند که مناسب چنان جایی نبود و متأسفانه تلویزیون ما این تلاوت را پخش کرد و از آن عجیب‌تر اینکه چهار شب متوالی این تلاوت از صدا و سیما پخش شد». ایشان از این اتفاق عصبانی شدند و تلاش کردند این مطلب را به مسئولان مرتبط انتقال دهند؛ همچنین جمعی را معین کردند که در صدا و سیما در زمینه انتخاب آیات همکاری کنند و مشورت دهند (دیدار با قاریان در ۱۳۷۱/۱۲/۱۷).

آیت‌الله خامنه‌ای یکی از معیارهای انتخاب آیات را توجه به نیازهای روز جوامع اسلامی می‌شناساند و می‌گوید «هرچند همه آیات قرآن سودمند و مورد نیاز است، لیکن قاری باید مفاهیم مورد نیاز جوامع اسلامی امروزی را برگزیند که برخی مصادیق آن از نگاه ایشان عبارت‌اند از: عزت اسلام و جامعه اسلامی، توحید عملی جوامع اسلامی، عدم تسلط کفار بر مسلمین: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ «و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است» (نساء: ۱۴۱)، وحدت مسلمین: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ «و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید!» (آل عمران: ۱۰۳) و حاکمیت عملی اسلام بر زندگی جوامع: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ «ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای این که به فرمان خدا، از وی اطاعت شود» (نساء: ۶۴). ایشان حتی به ائمه جماعت بعضی کشورهای عربی و اسلامی نیز سفارش کردند در قرائت نماز خود آیات سرنوشت ساز برای ملت‌های اسلامی را انتخاب کنند (دیدار با قاریان، ۱۳۷۰/۳/۱۶).

۲. مؤلفه‌های حین تلاوت

یک. خشوع و حضور قلب

اولین و مهم‌ترین مؤلفه‌ای که یک قاری باید حین تلاوت رعایت کند، خشوع و حضور قلب است، چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: نیکوترین تلاوت قرآن آن است که خشیت در چهره قاری نمایان باشد: «أَنَّهُ سِئَلُ أَيِّ النَّاسِ أَحْسَنُ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ قَالَ مَنْ إِذَا سَمِعْتَ قِرَاءَتَهُ رَأَيْتَ أَنَّهُ يَخْشَى اللَّهَ»؛ «از ایشان سوال شد: در قرائت قرآن صوت کدام یک از مردم زیباتر است؟ فرمود: کسی که هرگاه قرائت او را می‌شنوی، خداترسی را در او ببینی» (ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰: ۳/۱).

راز این مطلب از نگاه آیت الله خامنه‌ای آن است که «تا قاری قرآن، خود به مضامین متنی که می‌خواند باور قلبی نداشته باشد و خود از آن متأثر نشده باشد، نمی‌تواند بر مخاطبان خود اثرگذار باشد»، از این رو برخی اساتید بر این عنصر مهم در تلاوت تأکید کرده‌اند (<https://iqna.ir/fa/news/3983486>) در عرصه روضه‌خوانی این حالت نمود بیشتری دارد، تا جایی که می‌گویند آن مداحی که از روضه خود می‌سوزد، می‌تواند مستمعان را آتش بزند. آیت الله خامنه‌ای با اشاره به این مطلب می‌فرماید: «تلاوت باید برای اثرگذاری باشد. البته اثرگذاری در درجه اول به خود آن خواننده مربوط می‌شود. آن خواننده اگر چنانچه خودش از تلاوتش متأثر باشد - که انسان می‌بیند بعضی از خواننده‌های مصری حقیقتاً خودشان از آن تلاوتشان متأثرند - اثرش طبعاً زیادتر است» (دیدار با قاریان در ۱۴۰۲/۱/۳).

از نگاه امام خامنه‌ای مهم‌ترین اثر خشوع در تلاوت قرآن بر خود قاری است؛ اگر خواننده بدون خشوع و با غفلت قرائت کند، سود چندانی از تلاوت خود نمی‌برد و گاهی آثار معکوس نیز دارد. انسان باید قرآن را با اعتماد به اینکه سخن خدا با مردم است، بخواند و از این رهگذر است که لذت قرآن بر جان انسان می‌نشیند و در این صورت دیگر نمی‌توان از تلاوت قرآن دست شست. تنها با حالت خشوع خواندن قرآن است که این حالات را برای انسان به ارمغان می‌آورد (بیانات در ابتدای درست خارج در ۱۳۹۲/۱/۱۹).

آیت الله خامنه‌ای یکی از اهداف تلاوت قرآن کریم را ایجاد خشوع و حضور قلب در مخاطب می‌داند و می‌فرماید: «لحن زیبا و صدای زیبا برای قرآن لازم است، اما برای اینکه دل‌ها خشوع پیدا کنند، نرم بشوند و به معانی قرآن برسند. اینچنین نیست که ما خیال کنیم این یک امر استقلالی است؛ نه، این‌ها مقدمه است؛ این مقدمه را باید به قصد آن ذی المقدمه انجام داد؛ و البته بدون این مقدمه هم مشکل است (دیدار با قاریان در ۱۳۹۱/۴/۴).

دو. اجرای مقامات و نغمات متناسب با معنا

یکی از مهم‌ترین مولفه‌های حین تلاوت معنا محور در نگاه آیت الله خامنه‌ای این است که قاری بر اساس معنای لیه، نغمات را به گونه‌ای اجرا کند که حس لیه به مخاطب منتقل شود؛ یعنی قاری باید آیات دارای مضامین مسرت بخش - نظیر نعمت بهشت یا بخش سرور آفرین قصص قرآن - را به شکلی بخواند که این سرور به مخاطب تزریق شود و آیات دارای مضامین محزون - همانند عذاب جهنم یا بخش غم انگیز داستانی - را به گونه‌ای تلاوت کند که آن غم به شنونده تلقین شود.



آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این نکته می‌فرماید مهم‌ترین هنر نغمات زیبا این است که با منطبق کردن آنها بر مضامین، معنای آیات برجسته شود و در ذهن مخاطب بنشیند و از این رو قاری قرآن باید با آهنگ‌های خوب آنچنان تلاوت کند که گویا قرآن را بر قلب مخاطب نازل می‌کند که برخی قاریان مصری در این زمینه خوب کار کردند؛ برخلاف تصور برخی که کار تلاتگر قرآن را فقط تلفیق آهنگ‌ها و بیان این الفاظ با صدا و آهنگ خوش می‌پندارند (دیدار با قاریان، ۱۳۸۶/۶/۲۲).

آیت‌الله خامنه‌ای جایگاه موسیقی و نغمات صحیح را در تلاوت معنامحور بسیار مهم می‌داند و آن را از بایسته‌های ضروری تلاوت می‌شناساند و می‌فرماید: «یکی از مسائل تلاوت ما، مسأله موسیقی تلاوت و این نغمه‌های صحیح تلاوت است، که این‌ها را بایست صحیح خواند... این‌ها هم یک روش و شیوه‌ای دارد... نغمه‌ها و آهنگ‌های قرآنی را بایستی فرا گرفت. البته خیلی‌اش هم ذوقی است... یعنی بدون اینکه بخواهد یاد بگیرد و نت بخولند، خودش می‌فهمد که چه کار بایستی بکند؛ طبیعت ذوق قاری، او را می‌کشاند به یک آهنگ صحیح. هرچه بتوانید کمتر در این زمینه‌ها از این و آن تقلید بکنید، بهتر است» (دیدار با قاریان در ۱۳۸۳/۷/۲۵).

برخی اساتید گمان کردند هر دستگاهی ذاتا دارای شادی یا حزن است و مخصوص مضامین و آیات خاصی هستند؛ مثلا برخی می‌گویند مقام «صبا» محزون و ویژه آیات جهنم است و نغمه «سه‌گاه» شاد و مخصوص آیات بهشت است و نمی‌توان این دو را در غیر این دو مورد خولند (<https://khuzestan.iqna.ir/fa/news>)، حال آنکه شادی و حزن مقامات و نغمات ذاتی نیست، بلکه اقتضایی است؛ یعنی گرچه مثلا مقام «صبا» با نوعی حزن عجین است، ولی یک قاری هنرمند می‌تواند آن را به شکل سرورآمیز اجرا کند، چنان‌که در تلاوت اساتید مصری این اتفاق به وفور دیده می‌شود؛ برای نمونه استاد شحات محمد انور آیات ﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * وَإِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ﴾ «به یقین نیکان در نعمتی فراوانند * و بدکاران در دوزخند» (انفطار: ۱۳-۱۴) را در دستگاه چهارگاه می‌خواند (اجرا شده در ایران، <https://www.aparat.com/v/wtgg9>)، حال آنکه آیه نخست درباره «نعمت ابرار» و آیه دوم درباره «نقمت فجار» است، ولی هر کدام را به نحوی تلاوت می‌کند که حس نعمت و شادی در آیه اول و حالت عذاب و تأسف در آیه دوم برای مخاطب قابل حس است.

شایان ذکر است در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای میان تلاوت قرآن و خوانندگی - به خصوص موسیقی ایرانی - تفاوت است که به نظر می‌رسد این تفاوت به معنامحوری بیشتر در تلاوت کمک می‌کند. ایشان می‌فرماید اگر کسی هنگام خواندن از دستگاهی خارج و به مقام دیگر منتقل شود، اهل موسیقی می‌گویند گناه کبیره مرتکب شده است و از این رو موسیقیدان‌های ایرانی از این گونه قرآن خواندن‌ها خوششان نمی‌آید، درحالی‌که یکی از لوازم تلاوت قرآن این است که از یک دستگاه به دستگاه دیگر بروند و غیر از این گناه کبیره است و به همین دلیل از ابتدا تا انتهای تلاوت گاهی پنج دستگاه را

می خوانند؛ مثلاً از بیات ترک شروع می کنند، وارد همایون می شوند و سپس به شور می روند و در پایان مجدداً به همان بیات ترک بر می گردند و از این رو «صدق الله العلی العظیم» شان با «بسم الله الرحمن الرحیم» شان دارای یک آهنگ است (دیدار با گروه معارف اسلامی صدای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۱۲/۱۳).

این تنوع الحان در تلاوت قرآن به قاری کمک می کند قرائت خود را از یکنواختی بیرون آورد و مستمع را از خستگی به حالت شادابی منتقل کند و همچنین از گوناگونی نعمات در خدمت القای معانی مختلف بهره ببرد.

ممکن است سوال شود بر اساس روایت «إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِالْحُزْنِ فَأَقْرَءُوهُ بِالْحُزْنِ» (بی تردید قرآن با حزن نازل شده است، پس آن را با حزن قرائت کنید) (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۷۴۰/۹) قاری قرآن باید همه آیات - حتی آیات مسرت بخش - را با نعمات محزون تلاوت کند؛ یا به این نیت که قاری در حسرت یا نگرانی نرسیدن به نعمت های بهشتی لندگین می شود، یا به این دلیل که قیامت «یوم الحسره» و «یوم التغابن» است و شاید نتواند بهترین درجات بهشت را درک کند، چنان که برخی اساتید با استناد به روایت مذکور طرفدار این نظر هستند (۸۲٪/۹AF%D/، <https://telavat.ir/%D>). بر اساس این دیدگاه مولفه «اجرای مقامات متناسب با معانی آیات» مردود و در تضاد با روایت مذکور است.

در پاسخ باید گفت در کنار روایت پیش گفته، روایتی از امیرالمومنین (ع) در بیان اوصاف متقیان است که می فرماید: «تَالِینَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ یُرْتَلُّونَهَا تَرْتِیلًا... فَإِذَا مَرُّوا بِآیَةٍ فِیْهَا تَشْوِیقٌ رَكَعُوا إِلَيْهَا طَمَعًا وَ تَطَلَّعَتْ نُفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقًا وَ ظَنُّوا أَنَّهَا نُصِبَ أَعْیُنُهُمْ وَإِذَا مَرُّوا بِآیَةٍ فِیْهَا تَحْوِیْفٌ أَصْغَوْا إِلَيْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ وَ ظَنُّوا أَنَّ زَفِیرَ جَهَنَّمَ وَ شَهِیقَهَا فِی أُصُولِ أَذَانِهِمْ»؛ «قرآن را شمرده و سنجیده تلاوت می کنند... و زمانی که بر آیه ای بشارت دهنده مرور کنند، بدان طمع می کنند و روح شان از روی شوق به آن خیره می گردد و گمان می کنند که آن بشارت در مقابل دیده آنهاست و چون بر آیه ای بگذرند که در آن بیم دادن است، گوش دل به آن دهند، و گمان برند شیون و فریاد عذاب جهنم بیخ گوش آنان است» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۳۱۴)؛ روشن است ویژگی هایی نظیر طمع در آیات بشارت و دیدن آن نعمت در برابر چشم خود، یک سلسله حالات روانی است که در خواندن قاری پدیدار می شود، پس اگر بگوییم همه آیات قرآن را باید با حزن خواند، ناقض فرمایش امیر بیان می شود.

سه. حس و لحن بیانی متناسب با معنا

مراد از لحن در اینجا لحن اصطلاحی میان جامعه قرآنی به معنای مقامات نیست، بلکه لحن عرفی یا همان آوا و نحوه ادای کلام و جملات است که در حالت های گوناگون مانند حالت توبیخ، استفهام،



تشویق، تهدید، خبر، استهزا، وعده، وعید، ترجی، تمنی و... جلوه‌گر می‌شود. بی‌شک این حالت‌های روانی فقط بر لحن و آوای کلام اثر نمی‌گذارد، بلکه خیلی از عناصر را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؛ مثلاً کسی که عصبانی می‌شود صدایش پر قدرت، چهره‌اش سرخ، لحنش تند و ادای کلماتش سریع می‌شود. بر این اساس یک قاری باید حس متناسب با معنای آیه را در خود ایجاد کند و آن را به مخاطب منتقل کند. از همین جا اهمیت آشنایی قاری با معنا و مفاهیم آیات، دوباره جلوه‌گر می‌شود و گویا مهم‌ترین عنصر در نقش آفرینی دیگر مؤلفه‌ها دانستن معنای آیات است.

آیت‌الله خامنه‌ای ضمن اشاره به این مطلب، خطاب به تلاوتگران قرآن می‌فرماید: «در کیفیت خواندن، مفهوم آیات قرآنی را مجسم کنید؛ همچنان‌که یک گوینده خوب و خوش‌زبان، مثلاً وقتی شعری را می‌خواند، کلمات را آن‌چنان ادا می‌کند که همه معنای آن کلام برای مستمع زنده می‌شود... کلمات را با لحن مناسب خودش ادا بکنند، همه آنچه از معنا و مضمون در این کلمه وجود دارد، همه تحویل داده می‌شود به مستمع و مستمع این را تحویل می‌گیرد؛ تلاوت قرآن باید این جوری باشد؛ همه آنچه از مضمون در این کلمه هست، با بلند خواندن و آهسته خواندن و اوج گرفتن و پایین آمدن و تغییر صوت و نوع ادا، بایستی خودش را به مخاطب ارائه بدهد» (دیدار با قاریان، ۱۳۹۶/۳/۶).

در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای شیخ مصطفی اسماعیل در این زمینه یک نمونه فوق‌العاده و قابل تقلید است و افزون بر صدا و کیفیت ادای حروف و کلمات، کلمات قرآنی را جان می‌داد. یعنی وقتی که او آیه را می‌خواند، آن احساسی به مستمع دست می‌داد که در آیه اقتضای آن احساس بود. ایشان در ادامه برای نمونه آیه «وَنَادَى نُوحٌ رَّبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ»؛ «نوح به پروردگارش عرض کرد: پروردگارا! پسر من از خاندان من است؛ و وعده تو حق است» (هود: ۴۵) را مثال می‌زند که گویا انسان در اثر این تلاوت، حضرت نوح (علیه السلام) را به عنوان پدری احساس می‌کند که پسر کافرش در مقابل او از بین می‌رود که هم به خاطر بُنوّت احساس رأفت دارد و هم به خاطر کفر او احساس نفرت. ایشان تلاوت شیخ عبدالفتاح شعشعی را از این مزیت - نه به اندازه مصطفی اسماعیل - برخوردار می‌داند و می‌فرماید مرحوم منشای هم از این دست چهره‌های برجسته قرآنی است (دیدار با قاریان، ۱۳۷۰/۲/۶).

چهار. آکسان بجا و تکرار معناگرا

یکی از مؤلفه‌های تلاوت معنای محور حین تلاوت از منظر آیت‌الله خامنه‌ای تکیه صوتی یا آکسان و همچنین تکرار معناگراست. ابتدا درباره آکسان باید گفت: تأکید یا آکسان، تلاش برای برجسته‌کردن یک یا دو بخش معین، برای اینکه واضح‌تر از سایر قسمت‌های کلام شنیده شود، می‌باشد (حیدری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۶).

در نگاه آیت الله خامنه ای یکی از شرایط تلاوت قرآن این است که بر نکاتی که در تفهیم آن در حلت عادی تأکید می شود، تکیه کنیم؛ همانند مدّاحی که شعر فارسی را می خواند و یک کلمه یا یک مقصود را به شکلی ادا می کند که آن مفهوم در ذهن مخاطب بنشیند. همچنین در حرف زدن عادی نیز این گونه است که آن کلماتی را که مفاهیمش برجستگی دارد، با تکیه خاصی ادا می شود (دیدار با قاریان، ۱۳۹۴/۳/۲۸).

آکسان دو گونه است: آکسان در جمله و آکسان در کلمه (دیدار با قاریان، ۱۳۹۴/۳/۲۸) آکسان در کلمه عبارت است از تأکید بر یک یا دو بخش کلمه، از راه ارتفاع صوت، شدت و قدرت صوت؛ مثلاً کلمه «فاعل» از دو هجای «فا» و «عل» تشکیل شده است که معمولاً در زبان عربی هجای نخست واژه، و در زبان فارسی هجای دوم برجسته می شود، هر چند در کلمات مختلف، متفاوت است؛ مثلاً گاهی در عربی هجای دوم و گاهی هجای سوم آکسان دار ادا می شود.

آکسان در جمله عبارت است از تأکید بر تمام یک کلمه در یک جمله؛ مثلاً در آیه «وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»؛ «گروهی از زنان شهر گفتند: «همسر عزیز: وانش [غلامش] را بسوی خود دعوت می کند! عشق این جوان، در اعماق قلبش نفوذ کرده، ما او را در گمراهی آشکاری می بینیم!» (یوسف: ۳۰) کلمات «امرات»، «العزیز»، «تراود» و «فتاها» قابلیت آکسان دارد و هر کدام را برجسته تر بخواند، مفید معنایی خاص است. مثلاً اگر کلمه «امرات» برجسته خوانده شود، در ذهن مخاطب این معنا را ایجاد می کند که آن زن که شوهر داشت، چرا خطا کرد؛ چنانچه «العزیز» برجسته شود، به ذهن می اندازد که همسر عزیز مصر چه کم داشت، که دست به این کار زد (حیدری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۶).

اما مسئله «تکرار به اندازه و معناگرایی آیات» نیز یکی از عوامل موثر بر تلاوت معنامحور است که آیت الله خامنه ای ضمن اشاره به این مطلب می فرماید: «گاهی لازم است برای اینکه مطلب در ذهن مخاطب مستقر بشود، آن جمله تکرار بشود؛ این تکرار را بکنید. بنده شاید چند سال قبل... انتقاد کردم از کسانی که زیادی آیات را تکرار می کنند. می خواهم عرض بکنم یک جاهایی تکرار لازم است، حتمی است. با یک بار خواندن، معنا منعکس نمی شود و باید آن را تکرار کرد؛ دو بار، سه بار، گاهی آیه را باید تکرار کرد، گاهی دو آیه و سه آیه را باید تکرار کرد... تکرار به قدری که این مفهوم در ذهن مخاطب بنشیند، لازم است. گاهی اوقات انسان احساس می کند که قاری مثل اینکه همین طور یک کتابی را گرفته و دارد می خواند، عبارت را می خواند و دنبال می کند؛ این خوب نیست؛ مطلوب نیست» (دیدار با قاریان، ۱۳۹۴/۳/۲۸).



آیت‌الله خامنه‌ای در عین اینکه تکرارکردن را یک امر مطلوب و لازم برای برجسته‌کردن برخی مفاهیم مهم در ذهن مخاطب می‌داند، تأکید می‌کند این کار باید بجا و به‌اندازه باشد و از افراط در این زمینه پرهیز شود، چنان‌که برخی قاریان مصری در این زمینه افراط و گاهی ده یا هشت بار یک چیزی را تکرار می‌کنند که نه تنها مطلوب نیست، که اثر منفی نیز دارد، هرچند شاید در آوازخوانی‌های عربی این کار معمول باشد، اما در قرآن‌خوانی مطلوب نیست (دیدار با قاریان، ۱۳۹۴/۳/۲۸).

ایشان در قالب یک مثال، تلاوت ابتدای سوره یوسف از استاد محمد عمران را یک نمونه از تکرار نابجا و افراطی می‌داند و می‌فرماید گرچه او خیلی خوش‌صدا و [ظاهراً] مسلط‌ترین قاری در موسیقی است، اما پس از اینکه آیات ابتدایی را می‌خواند، دوباره بر می‌گردد از ابتدا و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الر» را حدود هشت یا نه مرتبه تکرار می‌کند، حال آنکه تکرار این فقره هیچ تأثیر و مفهومی برای مخاطب ندارد؛ ز این‌که شیوه‌های مختلف خولندن و موسیقایی را به مستمع نمایش می‌دهد و این خواندن، تلاوت مطلوب نیست، چون تلاوت باید برای اثرگذاری باشد (دیدار با قاریان، ۱۴۰۲/۱/۳).

پنج. به‌کارگیری اختلاف قرائت‌ها در خدمت القای معنا

یکی از مؤلفه‌های تلاوت معنامحور از منظر آیت‌الله خامنه‌ای این است که از اختلاف قرائت‌های قرآن در خدمت القای معنا استفاده شود و طبیعتاً در آن مواردی که اختلاف قرائت تأثیری در معنا ندارد، چندبار خولندن یا حتی یک بار خولندن با اختلاف قرائت، وجهی ندارد، بلکه گاهی مقداری ذهن را از معنا دور می‌کند (دیدار با قاریان، ۱۴۰۲/۱/۳)، چون پیشتر گذشت که هدف از یک تلاوت مطلوب، رساندن مضامین آیات به مستمع است.

آیت‌الله خامنه‌ای ضمن اشاره به این مطلب، یک نمونه از تلاوت عبدالباسط را به‌عنوان استفاده از اختلاف قرائت‌ها در خدمت القای معنا یاد می‌کند که در سوره یوسف ﴿فَقَرِهَ «هَيْتُ لَكَ» رَاسُطَ هَمَانِ نَفْسَ، بِا قَرَلْتُ هَای مَخْتَلَفْش تَکْرا ر مِ کُند، بَی آنْکَ لَیْه ر ا تَمَام کُند. اَوْ بِا قَرَلْتُ هَای «وَقَالَتْ هَيْتُ لَمَکَ، وَ قَالَتْ هَيْتُ لَمَکَ، وَ قَالَتْ هَيْتُ لَمَکَ» مِی خَوَاهَد اَهْمِیَّت مَوْقِعِیَّت ر ا نِشَان بَدَهْد و اَکْرا بَهِ صَوْرَت عَادِی بِخَوَانَد و اِز لَیْه عُبُور کُند، اِیْن مَوْقِعِیَّت مَهْم مَوْرَد تَوْجَّه مَسْتَمْع قَرار نَمِی گِیْرَد؛ مَوْقِعِیَّتِی کَهِ یَک جَوَان دَر یَک لَتاق خُلُوت و یَک زَن اَن چَنانِی بِا اِیْن اِصْرا ر مَتَوَجَّه اَو اَسْت و اَو اَمْتِناع مِی کُند. دَر واقِع اَو مِی خَوَاهَد مَوْقِعِیَّت ر ا اَن چَنان بَهِ تَصْوَیر بَکْشَد کَهِ گُویَا دَر مَقابِل چَشْم اَو اِیْن واقِعَہ رَخ مِی دَهْد (دیدار با قاریان، ۱۴۰۲/۱/۳).

آیت‌الله خامنه‌ای این شیوه عبدالباسط را - که وسط آیه را بارها با قرائت‌های مختلف تکرار می‌کند - در تلاوت‌های قراء خوب و برجسته عرب، کم می‌داند و آن را یک نمونه و الگوی خوب برای استفاده از

اختلاف قرائت‌ها در خدمت القای معنا معرفی می‌کند و می‌فرماید اگر تلاوت‌گران این امر را تمرین کنند و آن را در تلاوت خود اجرا کنند، خیلی موثر است (دیدار با قاریان در ۱۴۰۲/۱/۳).

ایشان اختلاف قرائت در آیه «سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ» را نیز یکی از موارد شایسته و معنامحور برای تلاوت دانستند که تنها در قرائت وَرَش «آل یاسین» خوانده شده است (دیدار با قاریان، ۱۴۰۲/۱/۳).

یکی دیگر از نمونه‌هایی که ایشان برای به کارگیری اختلاف قرائت در خدمت معنامحوری یاد کردند و آن را خیلی جالب، شیرین و جذاب خواندند، تلاوت شیخ مصطفی اسماعیل در سوره نمل ذیل داستان حضرت سلیمان (علیه السلام) است که وقتی می‌فرماید: «أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بَعْرَشِهَا؟» «کدام يك از شما تخت او را برای من می‌آورد» (نمل: ۳۸) عفریتی از جنیان پاسخ می‌دهد: من آن تخت را پیش از اینکه از جایگاهت بلند شوی، نزد تو حاضر می‌کنم: «قَالَ عِفْرِيْتُ مِنَ الْجِنِّ لَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ؟» مصطفی اسماعیل با قرائت وَرَش [که در آن «أَنَا آتِيكَ بِهِ» دو مد شش حرفی دارد] غرور آن عفریت را بیشتر نشان می‌دهد و در مقابل، «الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ؟» «کسی که دانشی از کتاب داشت» (نمل: ۴۰) نیز با جسارت در جواب آن عفریت می‌گوید: «أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ؟» «پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد!» (نمل: ۴۰) که در این لیه نیز مصطفی اسماعیل همان کار را تکرار می‌کند؛ یعنی در واقع یک حرکت غرورآمیز غلط «عِفْرِيْتُ مِنَ الْجِنِّ» را یک بنده خالص مؤمن از اصحاب حضرت سلیمان (علیه السلام)، به او پاسخ قاطعی می‌دهد (دیدار با قاریان، ۱۴۰۲/۱/۳).

نتیجه‌گیری

قاری قرآن در تلاوتش یکی از شئون پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را به دوش می‌کشد و در این راستا باید قرآن را به هدف اثرگذاری بر مخاطب و انتقال معنا به او بخولند. تنها راه رسیدن به این مهم، تلاوت معنامحور است که در نگاه امام خامنه‌ای مولفه‌های گوناگونی دارد و در این مقاله برخی از آنها گردآوری شده است. تلاوت معنامحور از مولفه‌های پیش از تلاوت و حین تلاوت تشکیل یافته است. مولفه‌های پیش از تلاوت، شامل انس با قرآن، آشنایی کافی با مفاهیم و تفسیر آیات، بیان اجمالی ترجمه و تفسیر آیات، آشنایی کافی با مواضع وقف و ابتدا و گزینش درست آیات بر اساس مقتضای مجلس تلاوت است. تلاوت‌گر قرآن باید پیش از پرداختن به قرائت، این مقدمات را فراهم نماید. مولفه‌های حین تلاوت شامل خشوع و حضور قلب قاری، اجرای مقامات و نغمات متناسب با معنا، لحن و حس مناسب با معنا، آکسان بجا و تکرار معناگرا و به کارگیری اختلاف قرائات در خدمت القای معناست. قاری باید به اندازه‌ای تمرین داشته باشد که مهارت اجرای مولفه‌های حین تلاوت را به دست آورد.



فهرست منابع

۱. ابن‌بابویه، محمد بن علی، معانی الاخبار، مصحح: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
۲. ابن‌فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۳. امینی، محمود، ویژگی مهندسی تلاوت مصطفی اسماعیل و نقدی بر اکبر للقراء، <https://iqna.ir/fa/news/4066015>, ۱۴۰۲/۰۵/۲۵.
۴. جعفری، داود، مباحثه‌ای در باب معنامحوری تلاوت‌ها در مسابقات سراسری قرآن، <https://iqna.ir/fa/news/4026343>, ۱۴۰۲/۰۵/۲۵.
۵. حسین پور، زینب، سه گام برای تلاوت معنامحور، <http://qoran-resalat.blog.ir>, ۱۴۰۲/۰۵/۲۵.
۶. حیدری، سارا، محمد علی نژاد عمران، روح الله، نقش آکسان‌ها در انتقال معانی و تلاوت معنامحور قرآن کریم، نشریه پژوهش‌های زبان شناختی قرآن، سال یازدهم، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ش.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی، <http://farsi.khamenei.ir/message-content>, ۱۴۰۲/۰۵/۲۶.
۸. خالدی، احمد، و معارف، مجید، و ایازی، محمد علی، و مهریزی، مهدی. (۱۴۰۱). تأملی بر گستره اثرگذاری لهجه‌ها، تنوع صوتی و تنغیم در توسعه قرائت قاریان و خوانش متن. مطالعات قرائت قرآن، ۱۰(۱۸)، ۳۱-۶۰. doi: 10.22034/qer.2022.7183
۹. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۰. شعاعی، علی اصغر، و خانی، علی. (۱۳۹۹). شاخصه‌ها و آثار تلاوت معنامحور از دیدگاه آموزه‌های اسلامی. مطالعات قرائت قرآن، ۸(۱۴)، ۸۹-۱۱۸. doi: 10.22034/qer.2020.4663
۱۱. عارف حسینی، نصرت‌الله، ویژگی‌های تلاوت استادانه، مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها، تهران: مرکز نشر و طبع قرآن، اول. ۱۳۹۲ش.
۱۲. عباسی، محمد، تسلط قاری به تفسیر آیات، لازمه تلاوت معنامحور است، <https://www.qudsonline.ir/news/618509>, ۱۴۰۲/۰۵/۲۶.
۱۳. عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، بیروت: دار الآفاق الجديدة، ۱۴۰۰ق.
۱۴. عظیمی، محمد، فرهنگ مثل‌ها و اصطلاحات متداول در زبان فارسی، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۲ش.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.

۱۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دارالکتب، ۱۴۰۴ق.
۱۷. کفیل، محمد ابراهیم، انس با قرآن، مقدمات و مراحل، قم: دارالعلم، ۱۴۰۲ق.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۹. لطفی نیا، محمود، شکل گیری تعریف اشتباه از تلاوت مجلسی؛ ۳ واجب رکنی در تلاوت،
<https://iqna.ir/fa/news/4119347>.
۲۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید استاد مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۷۲ش.
۲۱. مقدمی، قاسم، قاری متأثر از مفاهیم آیات تأثیرگذار است، <https://iqna.ir/fa/news/3983486>، ۱۴۰۲/۰۵/۲۵.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳ش.
۲۳. نلسون، کریستینا، هنر قرائت قرآن، ترجمه: محمدرضا ستوده نیا و زهرا جان نثاری، تهران: نشر زمان نو، ۱۳۹۰ش.
۲۴. ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، قم: مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ق.

References

1. Abbasi, Mohammad, *The Qur'an Reader's Mastery of Interpreting Verses is Essential for Thematic Recitation*, Link, May 26, 1402 AH (2023 CE).
2. Amini, Mahmoud, *Engineering Features of Mustafa Ismail's Recitation and a Critique of Akbar Al-Qura (The Greatest Reciters)*, Link, May 25, 1402 AH (2023 CE).
3. Aref Hosseini, Nosratollah, *Characteristics of Expert Recitation*, Collection of Articles and Lectures, Tehran: Center for Publication and Printing of the Quran, First Edition, 1392 SH (2013 CE).
4. Askari, Hassan Bin Abdullah, *Al-Foroq fi al-Lughah (Differences in Language)*, Beirut: Dar al-Afaq al-Jadidah, 1400 AH (1980 CE).
5. Azimi, Mohammad, *Dictionary of Proverbs and Common Terms in Persian Language*, Tehran: Nashr-e Ghatre, 1382 SH (2003 CE).
6. Farahidi, Khalil Bin Ahmad, *Kitab al-Ain (The Book of the Alphabet)*, Qom: Nashr-e Hijrat, 1409 AH (1989 CE).
7. Heidari, Sara, Mohammad Ali Nezhad Emran, Rouhollah, *The Role of Axes in Conveying Meanings and Thematic Recitation of the Holy Quran*, Journal of Quranic Linguistic Research, Volume 11, Issue 4, Fall and Winter 1401 SH (2022-2023 CE).
8. Hosseinpour, Zeinab, *Three Steps for Thematic Recitation*, Link, May 25, 1402 AH (2023 CE).
9. Ibn Babawayh, Mohammad Bin Ali, *Ma'ani al-Akhbar (The Meanings of the Narrations)*, Edited by Ali Akbar Ghaffari, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Organization of Seminary Teachers, 1403 AH (1983 CE).
10. Ibn Faris, Ahmad Bin Faris, *Mu'jam Maqayis al-Lughah (Dictionary of Language Measures)*, Qom: Office of Islamic Information, 1404 AH (1984 CE).
11. Jafari, Davood, *Discussion on the Essence of Thematic Recitation in National Quran Competitions*, Link, May 25, 1402 AH (2023 CE).
12. Kafil, Mohammad Ibrahim, *Ons ba Quran, Moqaddamat va Marahel (Familiarity with the Quran: Preliminaries and Stages)*, Qom: Dar al-Ilm, 1402 AH (1982 CE).
13. Khamenei, Seyyed Ali, Link, May 26, 1402 AH (2023 CE).
14. Kulayni, Mohammad Bin Ya'qub, *Al-Kafi*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, 1407 AH (1987 CE).
15. khdiel, A., Ma'arif, M., ayazi, M. A., & mehrizi, M. (2022). A Reflection on the Scope of the Influence of Dialects, Phonic Diversity and Melody in the Development of Reciters' Reading and Text Reading. 5- QERAT, 10(18), 31-60. doi: 10.22034/qr.2022.7183
16. Lotfania, Mahmoud, *Formation of the Misinterpretation Definition of Masjasi's Recitation; 3 Essential Pillars in Recitation*, Link.

17. Makarem Shirazi, Naser, *Quran Translation*, Qom: Office of Historical and Islamic Knowledge Studies, 1373 SH (1994 CE).
18. Moqaddami, Qasem, *An Affected Reciter is Affected by Influential Verse Concepts*, Link, May 25, 1402 AH (2023 CE).
19. Motahhari, Morteza, *Collection of Works by Martyr Professor Motahhari*, Tehran: Sadra, 1372 SH (1993 CE).
20. Nelson, Christina, *The Art of Reciting the Quran*, Translated by Mohammad Reza Sotoodehnia and Zahra Jannath Naseri, Tehran: Nashr-e Zaman Now, 1390 SH (2011 CE).
21. Qomi, Ali Bin Ibrahim, *Tafsir al-Qomi*, Qom: Dar al-Kutub, 1404 AH (1984 CE).
22. Sharif al-Radhi, Mohammad Bin Hussein, *Nahj al-Balagha (The Peak of Eloquence) (For Sabhi Saleh)*, Qom: Hijrat, 1414 AH (1993 CE).
23. Shoaie, A. A., & Khani, A. (2020). CHARACTERISTICS AND EFFECTS OF MEANING-BASED RECITATION FROM THE PERSPECTIVE OF ISLAMIC TEACHINGS. 5- QERA'T, 8(14), 89-118. doi: 10.22034/qer.2020.4663.
24. Warraq Bin Abi Faras, *Collection of Warraq*, Qom: Maktabah Faqih, 1410 AH (1989 CE).



An Analysis of Individual and Social Effects of the Holy Scriptures (Bible) with an Emphasis on the Impact of Affinity with the Quran in the Thought of Imam Khamenei *

Abbas Karimi¹ and Mina Vahdani Bonam² and Ra'na Vahdani Bonam³



Abstract

Abrahamic religions, including Judaism, Christianity, and Islam, possess sacred scriptures like the Torah, the Gospel, and the Quran, respectively. These religions claim to provide guidance to humanity, aiming for righteousness, happiness, and spiritual fulfillment. The teachings of these sacred scriptures have profound impacts on individuals and societies, influencing spiritual, emotional, moral, and social aspects of life. This article aims to delve into the individual and societal effects of the Torah and the Gospel while exploring the influence of affinity with the Quran, as emphasized by Imam Khamenei. Using a descriptive-analytical approach, the author examines how reading the Torah and the Gospel, along with affinity with the Quran, affects individuals and communities, as viewed through the lens of Imam Khamenei. The research findings reveal that affinity with the Quran brings about spiritual closeness to God, continuous devotion to the Quran, and serves as a path to salvation and happiness. Additionally, it promotes a virtuous life and has social benefits such as increased knowledge, moral integrity, Islamic revival, and the ability to overcome dominant powers.

Keywords: Holy Scriptures (The Bible), Affinity with the Quran, Individual and Social Effects, Quran in the Words of the Supreme Leader Imam Khamenei.

*. **Date of receiving:** 22 September 2022, **Date of approval:** 19 February 2023.

1. Abbas Karimi, Ph.D. in Quran and Orientalists, Al-Mustafa International University, Qom, Iran: abas_karim@mail.ac.ir.

2. Ph.D. Candidate, Quran and Hadith Sciences, Zanjan Campus, Islamic Azad University, Zanjan, Iran: mina.vahdani2014@gmail.com.

3. Ph.D. Candidate, Quran and Hadith Sciences, Zanjan Campus, Islamic Azad University, Zanjan, Iran: rana.vahdani2019@gmail.com.



تحلیل آثار فردی و اجتماعی کتاب مقدس با تأکید بر آثار انس با قرآن در اندیشه امام خامنه‌ای *

عباس کریمی^۱ و مینا وحدانی بنام^۲ و رعنا وحدانی بنام^۳



چکیده

ادیان ابراهیمی با داشتن کتب آسمانی چون تورات و انجیل در جوامع مسیحی -یهودی و همچنین قرآن در جامعه مسلمین، ادعای هدایت، سعادت و کمال بشریت را دارند تا کارایی ادیان آسمانی را در ساحت بشری به ظهور برسانند، بر طبق آموزه‌های کتب آسمانی، چه در سطح فردی و چه در سطوح اجتماعی تأثیرات عمیقی چون "معنوی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی" را می‌توان رهگیری نمود، این مقاله ضمن پرداختن به تأثیرات فردی و اجتماعی تورات و انجیل، تلاش نموده است با رجوع به بیانات امام خامنه‌ای آثار انس با قرآن را تحلیل نماید. نویسنده در بررسی خود با رویکرد توصیفی - تحلیلی با هدف تشریح این مطالب سعی نموده ضمن پردازش مختصری به تأثیرات خوانش تورات و انجیل؛ تأثیر انس با قرآن از دیدگاه امام خامنه‌ای را مورد پژوهش قرار دهد. نتایج و یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است انس با قرآن آثار فردی و اجتماعی دارد؛ از جمله آثار فردی آن عبارت‌اند از: قرب الهی، انس پیوسته با قرآن، تنها راه نجات و سعادت؛ انس با قرآن، نوید بخش حیات طیبه و از آثار اجتماعی می‌توان به افزایش معرفت عمومی کشور، عفت عمومی، بیداری اسلامی، پیروزی در برابر ابر قدرت‌ها و.... اشاره نمود.

واژگان کلیدی: کتاب مقدس، انس با قرآن، تأثیرات فردی و اجتماعی، قرآن در کلام رهبری.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰.

۱. دانش آموخته دکتری قرآن و مستشرقان، جامعة المصطفی ص، العالمیة، قم، ایران: abas_karim@mail.ac.ir.

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران: mina.vahdani2014@gmail.com.

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران: rana.vahdani2019@gmail.com.



مقدمه

بحث بر سر کارآمدی و تأثیر "کتب مقدس و قرآن" در تحقیقات پژوهشی معاصر در جهت "حل مسائل" جامعه بشریت بویژه در حوزه فردی و اجتماعی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است؛ مقالاتی چون "تأثیر گوش دادن به تلاوت قرآن (سوره الرحمن) بر میزان اضطراب زنان باردار بیمارستان مادر و کودک سیتی فاطمه"، "تأثیر صوت قرآن کریم با ترجمه و بدون ترجمه بر پیامدهای بارداری: کارآزمایی بالینی"، "اثر بخشی ترتیل قرآن در سه ماهه سوم بارداری با اختلال روانی مادر"، "تأثیر قرآن کریم بر پاسخ های فیزیولوژیکی نوزادان نارس" در مورد تأثیر قرآن در حوزه فردی و آثاری چون "مربوط به دین: مقالاتی در مطالعه دین". اسمیت، جانانا زی. انتشارات دانشگاه شیکاگو، ۲۰۰۴"، "گفتگوی ادیان ابراهیمی: ده فرمان به عنوان مبنایی برای گفتگوی ادیان". مجله بین المللی روابط یهودی و مسیحی، جلد ۱۱، نه ۱، ۲۰۱۷"، "پیامبران". هشل، آبراهام جاشواف، انتشارات هارپر، ۲۰۰۱ و... که اثر بخشی تورات و انجیل را در حوزه اجتماعی به تصویر کشیده اند، "همه این آثار به دنبال ارائه گفتمانی موثر از کارایی کتب مقدس و قرآن هستند که تلاش کرده اند نه تنها تأثیر معنوی کتب را، که تأثیر فیزیکی و مادی آن را به اثبات برسانند؛ همانطور که در عباراتی از تورات و انجیل آن را هدایتگر توصیف نموده است خداوند متعال قرآن را دارای برکات و آثار خاصی در جسم و روح انسان - بلکه در تمام جهان هستی - دانسته است.

علیرغم زیست این جهانی انسان معاصریتی در بستر تکنیک و خو گرفتن به تجربه ای کاملاً سکولار، نیاز انسان عصر حاضر به این پیوندهای آسمانی حیات بخش به مراتب بیش از گذشته است؛ انسان غربی علیرغم تحریف کتاب مقدس و تفاسیر کاملاً بشری از گزاره های آن؛ هنوز علقه باریک خویش را حتی در عبارت پردازی ها ادبیاتی، رسانه ای و فولکوریک و در لایه های موثر جامعه شناسانه حفظ کرده است. این تحقیق ضمن پردازش تأثیر تورات و انجیل در حوزه فردی و اجتماعی، تلاش نموده است تا انس با قرآن را از دیدگاه امام خامنه ای بررسی نماید.

تأثیر تورات و انجیل

سیر تکامل تاریخی ادیان آسمانی علیرغم تحریف بسیار در متون وحیانی و تفاسیر این جهانی و بشری از آنها این نوید را در خود حفظ کرده است که رسیدن به کمال و سعادت نهایی را در ذات خویش چون هسته ای مرکزی هر چند در دوردست اما در دسترس به صورت معقول به دنبال خواهد داشت، کاتبان کتب مقدس هر چند باب گنجاندن تفاسیر بشری را به اصل متون مقدس گشوده اند اما با

گذشت تاریخ کهن این متون، هنوز انسان غربی (یهودی-مسیحی) عبارت های اصیل و سراسری را در آن می یابد و بر آن تکیه می زند، خوانش کتب مقدس در میان یهودیان با روش های خاصی چون "تورات خوانی در کنیسه، پاراشوت (هر قسمت برای خواندن در هفته خاصی از سال)، تروپ یا کنیلاسیون و فراتر از قرائت عمومی تورات به صورت های "مطالعه و تفسیر"، "مطالعه و تأمل شخصی" و به شیوه های "خواندن بی صدا"، "خواندن با صدای بلند"، "سرودخوانی یا آواز خوانی"، "تلاوت با لحن"، "حفظ و تلاوت"، "خواندن و مراقبه" البته در چارچوب سنت و احترام به متن مقدس انجام می پذیرد. که همه این موارد تمرکز را بر تأثیرگذاری آنها در این جوامع نشان می دهد. که در ادامه، تأثیرات فردی و سپس اجتماعی را بررسی خواهیم نمود؛

تأثیرات فردی تورات و انجیل

۱. رشد معنوی

خولندن تورات و انجیل اغلب با تعمیق درک فرد از آموزه های دینی، اصول و اعتقادات به رشد معنوی منجر می شود. این می تواند ارتباط نزدیک تر با الهی را تقویت کند و راهنمایی برای رشد شخصی و رشد اخلاقی فراهم کند. از جمله مواردی که می تواند فرایند رشد معنوی را نشان دهد عبارتند از؛ ۱- هدایت و آموزش: تورات و انجیل هر دو راهنمایی و آموزش برای افرادی که به دنبال رشد معنوی هستند ارائه می کنند. آنها بینش هایی را در مورد زندگی اخلاقی، اعمال نماز و عبادت، و پیگیری عدالت ارائه می دهند. ۲. الهام و تشویق: داستان ها، آموزه ها و نمونه های موجود در تورات و انجیل، مؤمنان را در سفرهای معنوی خود الهام و تشویق می نمایند. آنها همچنین امید، آسایش و اطمینان از حضور و وفاداری خداوند را ارائه می دهند. ۳. تحول و تجدید: از طریق تأمل، مطالعه و به کارگیری آموزه های تورات و انجیل، افراد دگرگونی و تجدید قلب، ذهن و روح را تجربه می کنند. آنها به چالش کشیده می شوند تا زندگی خود را با اراده خدا هماهنگ کنند و برای قدوسیت و عدالت شخصی تلاش کنند. ۴. اجتماع و معاشرت: تورات و انجیل حس اجتماع و معاشرت را در میان مؤمنان تقویت می کند و فرصت هایی را برای عبادت، مطالعه و حمایت متقابل فراهم می کند. مؤمنان با هم یکدیگر را در رشد معنوی خود تشویق می کنند و یکدیگر را مسئول زندگی بر اساس ایمان خود می دانند. به طور خلاصه، تورات و انجیل به عنوان منابع اساسی تغذیه و رشد معنوی برای افراد و جوامع عمل می کنند،



زیرا مؤمنان به دنبال تعمیق رابطه خود با خدا و اجرای ایمان خود در زندگی روزمره هستند. نمونه ای از متنی از تورات که بر رشد معنوی تأثیر می‌گذارد، در تثبیه ۶: ۵ یافت می‌شود: "خداوند، خدای خود را با تمام دل و با تمام جان و با تمام قوت خود دوست بدار." این لیه بر اهمیت دلبستگی قلبی به خدا تأکید می‌کند که برای رشد معنوی در یهودیت نقش اساسی دارد و همچنین "متی ۳۷: ۲۲-۳۹، عیسی جوهر رشد روحانی و زندگی صالح را اینگونه خلاصه می‌کند: "خداوند، خدای خود را با تمام قلب خود و با تمام جان و با تمام ذهن خود دوست بدارید." اولین و بزرگترین فرمان. و دومی مانند آن است: «همسایه خود را مانند خود دوست بدار.» این آموزه بر ارتباط متقابل عشق به خدا و محبت به دیگران تأکید می‌کند، که اساس رشد معنوی در مسیحیت است.

۲. حمایت عاطفی

داستان‌ها، آموزه‌ها و حکمت موجود در تورات و انجیل می‌توانند در مواقع دشواری یا عدم اطمینان از حمایت عاطفی برخوردار شوند. بسیاری از افراد آسایش، آرامش و الهام را در متون مقدس می‌یابند، که می‌تواند به آنها کمک کند تا چالش‌های زندگی را با انعطاف‌پذیری و ایمان طی کنند.

۱. اطمینان از حضور خدا: هم تورات و هم انجیل تضمینی از حضور خدا نزد مؤمنان، حتی در میانه آزمایش‌ها و مصیبت‌ها ارائه می‌دهند. این عبارات به افراد یادآوری می‌کند که تنها نیستند و خداوند با آنهاست و آسایش و قدرت را فراهم می‌کند.

۲. امید و تشویق: داستان‌ها، آموزه‌ها و وعده‌های موجود در تورات و انجیل، امید و دلگرمی را در افراد القا می‌کند و وفاداری خداوند و وعده آینده بهتر را به آنها یادآوری می‌کند. این قسمت‌ها ایمان و اطمینان را القا می‌کند، روحیه را بالا می‌برد و ناامیدی را از بین می‌برد.

۳. اعتبار عواطف: روایات و تجربیات افراد در تورات و انجیل طیف وسیعی از احساسات از جمله غم، خشم، ترس و شادی را تأیید می‌کند. مؤمنان با دانستن این که عواطف آنها توسط خداوند درک و تصدیق شده است، آرامش می‌یابند و حس پذیرش و شفای عاطفی را تقویت می‌کنند.

۴. راهنمایی برای مقابله: حکمت و نصیحت موجود در تورات و انجیل راهنمایی برای مقابله با چالش‌ها و ناملازمات عاطفی است. مؤمنان تشویق می‌شوند که در دعا به خدا روی آورند، از دیگران حمایت کنند و در فراز و نشیب‌های زندگی خود مراقبت کنند. به طور خلاصه، تورات و انجیل به عنوان منابع حمایت عاطفی برای افراد عمل می‌کنند و در حین بررسی پیچیدگی‌های احساسات و تجربیات انسانی، اطمینان، امید، اعتبار و راهنمایی را ارائه می‌دهند.

۳. چارچوب اخلاقی

تورات و انجیل هر دو چارچوب اخلاقی و اخلاقی را برای داشتن یک زندگی صالح و با فضیلت فراهم می‌کنند. خولندن این متون اغلب افراد را وادار می‌کند تا در مورد اعمال، نگرش‌ها و ارزش‌های خود تأمل کنند که منجر به دگرگونی شخصی و تعهد عمیق‌تر به رفتار اخلاقی می‌شود. تورات و انجیل چارچوب‌های اخلاقی را برای داشتن یک زندگی درست و با فضیلت فراهم می‌کنند و راهنمایی‌هایی در مورد رفتار اخلاقی، اصول اخلاقی و ارزش‌های معنوی ارائه می‌دهند. بیایید چارچوب‌های اخلاقی هر سند را بررسی کنیم:

۱. چارچوب اخلاقی تورات:

تورات، متشکل از پنج کتاب اول انجیل عبری، آموزه‌ها و احکام اساسی را برای ایمان یهودی ارائه می‌دهد. که خود آن مبتنی بر اصول ذیل می‌باشد؛ ۱. اوامر (Mitzvot): تورات شامل ۶۱۳ فرمان (mitzvot) است که جنبه‌های مختلف زندگی از جمله روابط، عدالت اجتماعی، عبادت و رفتار شخصی را در بر می‌گیرد. این احکام چارچوبی اخلاقی برای داشتن یک زندگی صالح و با فضیلت فراهم می‌کند و بر اهمیت اطاعت از قوانین خدا تأکید می‌کند. ۲. الزامات اخلاقی: تورات بر الزامات اخلاقی مانند عدالت، شفقت، صداقت و مهربانی تأکید دارد. مؤمنان تشویق می‌شوند که با دیگران با انصاف و شرافت رفتار کنند، از اعضای آسیب‌پذیر جامعه مراقبت کنند و اصول درستکاری و درستی را رعایت کنند. ۳. رابطه عهد: تورات یک رابطه عهد و پیمانی را بین خدا و قوم اسرائیل بر اساس تعهدات و مسئولیت‌های متقابل برقرار می‌کند. مؤمنان فراخوانده شده‌اند تا با اطاعت از اوامر او و زندگی بر اساس خواست او به عهد خود با خدا احترام بگذارند.

۲. چارچوب اخلاقی انجیل

انجیل نیز که به آموزه‌ها و گزارش‌های عیسی مسیح در عهد جدید اشاره می‌کند، راهنمایی در مورد زندگی اخلاقی برای مسیحیان ارائه می‌کند. که خود بر مبتنی بر اصول خاص خویش به شرح ذیل می‌باشد؛ ۱. عشق و شفقت: انجیل بر اهمیت عشق و شفقت به عنوان اصول اصلی زندگی اخلاقی تأکید می‌کند. عیسی به مؤمنان می‌آموزد که خدا را با تمام قلب خود دوست داشته باشند و همسایگان خود را مانند خودشان دوست داشته باشند و اخلاق عشق و همدلی نسبت به دیگران را تجسم بخشند.

۲. قاعده طلایی: انجیل قانون طلایی را آموزش می‌دهد، که این است که با دیگران همانطور رفتار کنید که دوست دارید با شما رفتار شود. این اصل بر اهمیت همدلی، مهربانی و احترام در روابط بین



فردی تأکید می‌کند و مؤمنان را در تعامل با دیگران راهنمایی می‌کند. ۳. موعظه روی کوه: در موعظه روی کوه (متی ۵-۷)، عیسی آموزه‌های اخلاقی را بیان می‌کند که شالوده اخلاق مسیحی را تشکیل می‌دهد. این آموزه‌ها شامل سعادت‌ها می‌شود که فضیلت‌هایی مانند فروتنی، رحمت، صفای قلب و صلح‌جویانه و همچنین آموزه‌هایی در مورد بخشش، خشونت‌پرهیز و درستی اخلاقی را برجسته می‌کند. به طور خلاصه، تورات و انجیل هر دو چارچوب‌های اخلاقی را برای داشتن یک زندگی صالح و با فضیلت فراهم می‌کنند و بر اصولی مانند اطاعت از احکام خدا، رفتار اخلاقی، عشق، شفقت و عدالت جویی تأکید می‌کنند. این اسناد به عنوان راهنمای مؤمنان عمل می‌کند و شخصیت اخلاقی آنها را شکل می‌دهد و اعمال آنها را مطابق با خواست خداوند هدایت می‌کند.

۴. اجتماع و هویت

برای بسیاری از افراد، خواندن تورات و انجیل نه تنها یک تلاش شخصی است، بلکه راهی برای ارتباط با جامعه مذهبی و میراث آنهاست. حس تعلق و هویت را تقویت می‌کند، پیوندها را با سنت ایمانی تقویت می‌کند و حس مشترک هدف و تعلق را در بین مؤمنان تقویت می‌کند. تورات و انجیل نقش مهمی در شکل دادن به احساس هویت، تعلق و ارتباط افراد با سنت ایمانی خود دارند. بیایید بررسی کنیم که هر متن چگونه بر این جنبه‌ها تأثیر می‌گذارد، همراه با ذکر عبارات خاصی از تورات و انجیل:

۱) تأثیر تورات

الف: احساس هویت: تورات پایه و اساس هویت یهودی را فراهم می‌کند و به عنوان متن مقدسی عمل می‌کند که عقاید، اعمال و میراث فرهنگی را برای یهودیان در سراسر جهان تعریف می‌کند.
ب: تعلق و ارتباط با سنت ایمانی: تورات با ارائه یک روایت مشترک، ارزش‌ها و مناسکی که جوامع یهودی را به هم پیوند می‌دهد، احساس تعلق و ارتباط با سنت ایمانی یهودی را تقویت می‌کند.
عباراتی از تورات:

- تثنية ۴: ۶: "ای اسرائیل بشنو، خداوند، خدای ما، خداوند یکی است."

- خروج ۱۹: ۵: "اکنون اگر کاملاً از من اطاعت کنید و عهد من را نگاه دارید، از همه امتها دارایی ارزشمند من خواهید بود."

۲) تأثیر انجیل

احساس هویت: انجیل پایه و اساس هویت مسیحی را تشکیل می‌دهد، زیرا حاوی آموزه‌ها و گزارش‌های عیسی مسیح است که در ایمان و اعتقاد مسیحی نقش اساسی دارد. تعلق و ارتباط با سنت

ایمانی: انجیل با اعلام پیام نجات، فیض و رستگاری از طریق عیسی مسیح و با ارائه راهنمایی برای زندگی مسیحی، احساس تعلق و ارتباط با سنت ایمان مسیحی را تقویت می‌کند.

عباراتی از کتاب مقدس (عهد جدید):

- متی ۱۵: ۱۶-۱۷: "اما شما چطور؟" او پرسید: "به نظر شما من کی هستم؟" شمعون پطرس پاسخ داد: «تو مسیح، پسر خدای زنده هستی.»

- یوحنا ۱۶: ۳: "زیرا خدا جهان را چنان محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی داشته باشد."

همچنین توانسته است تأثیر بر هویت، تعلق و پیوند با سنت ایمانی را در وجوه ذیل نشان داده است: ۱. روایت مشترک: هم تورات و هم انجیل روایت مشترکی از رابطه خدا با بشریت، تاریخ سنت ایمانی آنها و وعده‌های رستگاری و رستگاری در اختیار مؤمنان قرار می‌دهند. ۲. ارزش‌ها و اخلاقیات: تورات و انجیل ارزش‌ها و اخلاقیات مشترکی را القا می‌کنند که شخصیت اخلاقی مؤمنان را شکل می‌دهد و رفتار آنها را هدایت می‌کند و حس هویت و مسئولیت جمعی را تقویت می‌کند. ۳. آیین‌ها و اعمال: هر دو متن مناسک، مراسم و اعمال مذهبی را تجویز می‌کنند که در سنت دینی نقش اساسی دارند و فرصت‌هایی را برای مؤمنان فراهم می‌کنند تا هویت خود را بیان کنند، ارتباط خود را با جامعه ایمانی تقویت کنند و روابط خود را با آنها عمیق‌تر کنند.

با همه تفاسیری که گذشت تحریفات بسیار در کتب مقدس؛ فرهنگ غربی را بستری برای رشد و نمو دنیای جدید و سکولار قرار داده است که دین‌گریزی و حتی ضدیت با دین را به دنبال داشته است. به تعبیری؛ شک‌دکاری غربی و رنسانس علمی و نگاه تجربی آنها همه متون مقدس را در تعلیق و تفسیر بشری و تاریخمند قرار داده است از این رو علیرغم توجه وافر در حوزه نظری به مباحث این چنینی در تفکر غربی، در حوزه عملی یک نوع شکاف عمیق وجود دارد که نمی‌توان از سبک زندگی دینی در غرب به جزء پاس و احترام گذاشتن به برخی از مناسک یاد برد.

تأثیر اجتماعی تورات و انجیل

۱. تأثیر فرهنگی: تورات و انجیل تأثیر عمیقی بر فرهنگ، ارزش‌ها و آداب و رسوم جوامع در سراسر جهان داشته‌اند. آنها قوانین، ادبیات، هنر، موسیقی و هنجارهای اجتماعی را شکل داده‌اند و اثری پاک‌نشدنی در تمدن بشری بر جای گذاشته‌اند.



۲. گفتگوی بین ادیان: خواندن تورات و انجیل می‌تواند گفتگو و تفاهم بین ادیان را با ترویج احترام متقابل، مدارا و قدردانی از دیدگاه‌های مذهبی متنوع تسهیل کند. این زمینه مشترکی را برای افراد با مذاهب مختلف فراهم می‌کند تا در گفتگوهای معنادار شرکت کنند و شکاف‌های مذهبی را پر کنند.

۳. عدالت اجتماعی و وکالت: آموزه‌های اخلاقی و اصول اخلاقی مورد حمایت تورات و انجیل اغلب افراد و جوامع را برمی‌انگیزد تا از عدالت اجتماعی، برابری و حقوق بشر دفاع کنند. آنها به عنوان یک کاتالیزور برای تغییرات اجتماعی مثبت عمل می‌کنند و افراد را برای رسیدگی به بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های سیستمی در جامعه توانمند می‌کنند.

۴. جامعه‌سازی: خواندن تورات و انجیل انسجام و همبستگی جامعه را با ارائه یک روایت مشترک، ارزش‌ها و مناسکی که مؤمنان را به هم پیوند می‌دهد، تقویت می‌کند. پیوندهای اجتماعی را تقویت می‌کند، حمایت متقابل را ترویج می‌کند و همکاری در خدمت به خیر عمومی را تشویق می‌کند. به طور خلاصه، از نگاه اندیشمندان دین پژوه غربی؛ خواندن تورات و انجیل تأثیرات فردی و اجتماعی بسیاری دارد، زندگی افراد را از نظر معنوی، اخلاقی و عاطفی غنی می‌کند و در عین حال ارزش‌ها، فرهنگ و هویت جمعی جوامع و جوامع را شکل می‌دهد.

انس با قرآن در اندیشه امام خامنه‌ای

«انس» در لغت به معنای الفت است (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۳۲/۱) و در مقابل «وحشت» قرار دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۴۵/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۳/۶) در مفردات آمده: الانس: خلاف النفور یعنی الفت ومحبت، بر خلاف تنفر و بی‌محبتی است (راغب، ۱۴۱۲: ص ۹۴) همچنین گفته شده: «مع التّجانس التّانس»: همجنسی و همانندی، انس و الفت می‌آورد (مصطفوی ۱۳: ۱۶۱/۱-۱۵۹). معنای دیگری که برای آن ذکر شده، آرامش است (ابن سید، ۱۴۱۲: ۵۵۵/۸).

در اصطلاح، انس با قرآن کریم در اندیشه مقام معظم رهبری، به طی کردن مراحل مشخصی گفته می‌شود که در نهایت ثمره آن عمل به قرآن کریم و خواندن و بازخواندن و در مفاهیم قرآنی تدبّر کردن و آنها را فهمیدن می‌داند (بیانات در دیدار قاریان، ۱۳۸۶/۰۶/۲۲).

قرآن بهترین مونس انسان در تنهایی‌ها و نگرانی‌های زندگی است که جلوه‌ای از علم و حقیقت پروردگار و نشانگر عظمت خداوند متعال است. انس با قرآن، همراه شدن با گنجینه بی‌پایان و در اختیار داشتن برنامه جامع و کامل یک زندگی سعادت‌مندانه است که همه در پی آنند، ولی نمی‌دانند که در کنارشان قرار دارد.

قرآن کریم خود را با صفاتی از جمله: بیان (آل عمران/۱۳۸) احسن الحديث (زمر/۲۳) برهان (نساء/۱۷۴)

شفاء (یونس/۵۷) ذکر (انبیاء/۵۰) و... معرفی می‌کند.

آیات قرآن کریم به خوبی بیانگر عظمت و جایگاه والای قرآن و نقش مهم آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها است.

حضرت علی علیه السلام در توصیف قرآن کریم چنین می‌فرماید: «قرآن فرماندهی بازدارنده و ساکتی گویا و حجت خدا بر مخلوقات است. خداوند پیمان عمل کردن به قرآن را از بندگان گرفته و آنان را در گرو دستوراتش قرار داده است. نورانیت قرآن را تمام و دین خود را به وسیله آن تکامل فرمود و پیامبرش را هنگامی از جهان برد که از تبلیغ احکام قرآن فراغت یافته بود» (دشتی، ۱۳۸۰: ۳۵۲).

امام خامنه‌ای در اهمیت قرآن چنین می‌فرماید: «این قرآن یک اقیانوس عظیم است هر چه بیشتر جلو بروید، تشنه‌تر می‌شوید و علاقمندتر می‌شوید و دل شما روشن تر می‌شود. در قرآن باید تدبّر کرد.» (بیانات در مراسم اختتامیه مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم، ۱۳۷۹/۸/۹).

در جای دیگر نیز فرموده‌اند: «باید به قرآن نزدیک شد شما جوان‌های عزیز و همه جوان‌هایی که این حرف را در سراسر کشور می‌شنوید، بدانید در قرآن حکمت هست، نورهست، شفا هست، عقده‌هایی که بر اثر چالش‌های موجود مادی دنیا در دل و جان انسان به وجود می‌آید، سر انگشت حکمت قرآنی می‌تواند همه این عقده‌ها را باز کند، این واقعیت است، دل‌ها را باز می‌کند، شرح صدر می‌دهد، امید می‌دهد، نور می‌دهد، عزم راسخ برای حرکت در صراط مستقیم می‌دهد. با قرآن باید مواجه شد و اینها را گرفت.» (بیانات در دیدار قاریان قرآن کریم، ۱۳۸۴/۷/۱۴).

آثار انس با قرآن کریم

انس با قرآن، آثار و برکات فراوانی در زندگی انسان دارد. آثار انس با قرآن را می‌توان به‌طور کلی در دو دسته آثار فردی و اجتماعی قرار داد که عبارت‌اند از:

۱. آثار فردی

الف. کلید انس باقرآن، تهذیب نفس و تفقه

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «باقرآن باید مثل آینه مواجه شد، پاکیزه، براق و بی زنگار، تا قرآن در دل ما منعکس شود. قرآن باید در جان ما انعکاس پیدا کند. این همیشه و برای همه نیست، برای کسانی



است که دلشان را با صفای باطن و نفس، پاکیزه کنند، با ایمان، با باور و با قبول باقرآن مواجه شوند، و الا کسانی که دل معاند دارند، بنای برنشنیدن و نفهمیدن دارند، نوای قرآن، کلام قرآن و پیام قرآن در دل آنها اثری نمی‌کند» (بیانات در دیدار قاریان قرآن کریم، ۱۳۸۹/۴/۲۴) و در جای دیگر می‌فرماید: «غالب مردم - آن هم نه همه مردم- از ظاهر قرآن یک استفاده‌ای می‌کنند اما استفاده از اعماق قرآن و بطون قرآن جز با تعلّم و تفقّه به دست نمی‌آید که امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می‌فرماید: «و تعلّموا القرآن»؛ بعد با یک فاصله‌ای می‌فرماید: «و تفقّھوا فیه» تفقّه یعنی آموزش عمیق، به یادگیری عمیق می‌گویند. «تفقّه» آموزش عمیق. قرآن، فانه ربیع القلوب (فیض الاسلام، ۱۳۷۷: خ ۳۴۰/۱۰۹) که بهار دلها است، دل را طراوت می‌بخشد و به دل شکوفایی می‌دهد؛ و تدبّر و تعلّم و تفقّه لازمه آن است. البته شرطش هم تطهیر قلب است؛ باید دلهايمان را پاک کنیم، از خیلی و اردات قلبی خودمان را نجات دهیم که این هم باز برای شما جوانان از امثال بنده به مراتب آسان تر است (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴۰۱/۱/۱۴).

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ (واقعہ: ۷۹) «این قرآن را جز پاکان نمی‌توانند مس کنند». در نگاه علامه طباطبائی: «کلام در سیاق بزرگداشت امر قرآن است، می‌خواهد قرآن را تجلیل کند، و از همین جا می‌فهمیم که منظور از مس قرآن دست کشیدن به خطوط آن نیست، بلکه علم به معارف آن است، که جز پاکان خلق کسی به معارف آن عالم نمی‌شود» (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۳۷/۱۹).

ب. انس با قرآن، آمیخته با گوشت و پوست جوانان

رهبر معظم انقلاب خطاب به جوانان بیان داشتند: «شما جوانان عزیز و همه جوانانی که این حرف را در سراسر کشور می‌شنوید، بدانید در قرآن حکمت هست، نور هست، شفاء هست، عقده‌هایی که بر اثر چالش‌های موجود مادی دنیا در دل و جان انسان به وجود می‌آید، سرانگشت حکمت قرآنی می‌تواند همه این عقده‌ها را باز کند، این واقعیت است، دل‌ها را باز می‌کند، شرح صدر می‌دهد، امید می‌دهد، نور می‌دهد، عزم را سخ برای حرکت در صراط مستقیم می‌دهد. با قرآن باید مواجه شد و اینها را گرفت» (بیانات در دیدار قاریان قرآن کریم، ۱۳۸۴/۷/۱۴).

امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «هر جوان مؤمنی که قرآن بخواند قرآن با پوست و گوشت و خون او در می‌آمیزد و خداوند او را با فرشتگان همراه می‌سازد و قرآن روز قیامت نگهدارنده او از دوزخ خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۷/۸۹؛ کلینی، ۱۳۸۶: ۵۴۷/۴)

ج. انس پیوسته با قرآن، تنها راه نجات و سعادت

مقام معظم رهبری «نتیجه انس طولانی و بلند مدت را رسوخ در علم و مشمول هدایت قرآنی شدند، می دانند». چنان که خداوند از راه سعادت‌مندانه به عنوان راه پایدار و استوار یاد می کند و قرآن را هدایت‌گر به این راه معرفی می نماید و می فرماید: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (اسرا: ۹)؛ «قطعا این قرآن به (راهی) که پایدار تر است هدایت می کند و به مومنان که کارهای شایسته انجام می دهند مژده می دهد که پاداش بزرگ برای ایشان خواهد بود».

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «إِنَّ أَرْضَكُمْ عِشِ السَّعْدَاءِ وَ مَوْتَ الشَّهْدَاءِ... فَأَدْرَسُوا الْقُرْآنَ...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹/۹۲). «اگر زندگی نیک بختان و مرگ شهیدان را می خواهید قرآن را یاد بگیرید». شهیدان در پرتو تعالیم قرآن که مرگ را آغاز حیات دیگری می دانند جان خویش را در لبیک به معبود نثار کردند و از همین رو به خوشبختی رسیدند و آن که قرآن را بیاموزد و به آن عمل کند همان راه شهیدان را که کسب تعالیم قرآن است پیموده است.

د. انس و تدبّر در قرآن، تضمین رشد اعتقادات

رهبر معظم انقلاب می فرماید: «یکی از راههایی که عمق در اعتقادات انسان، در مبانی فکری انسان، در روح انسان، در ایمان انسان ایجاد می کند انس با قرآن است. بنابراین در زندگی حتما تلاوت قرآن با تدبّر را داشته باشید و نگذارید حذف شود» (بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۷۹/۴/۱۷). همچنان که خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (ص: ۲۹)؛ «این قرآن، کتاب مبارکی است که آن را به سوی تو ای پیامبر نازل کردیم تا مردم در آیات آن بیندیشند و خردمندان از آن پند گیرند». همچنین حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «لا خیر فی قرائته لیس فیها تدبّر» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱/۸۹)؛ «در قرائتی که همراه با تدبّر نباشد خیری نیست».

هـ. انس با قرآن، نویدبخش حیات طیّبه

در بیاناتی از مقام معظم رهبری می خوانیم که فرموده اند: «قرآن حیات طیّبه را به ما وعده داده است حیات طیّبه یعنی چه؟ زندگی پاکیزه یعنی چه؟ یعنی زندگی که در آن، هم روح انسان، هم جسم انسان، هم دنیای انسان، هم آخرت انسان تامین است؛ زندگی فردی در آن تامین است، آرامش روحی در آن



تأمین هست، سکینه و اطمینان در آن هست، آسایش جسمانی در آن وجود؛ فوائد اجتماعی، سعادت اجتماعی، عزّت اجتماعی، استقلال و آزادی عمومی هم در آن تأمین است». (بیانات در دیدار قاریان قرآن، ۸۹/۴/۲۴).

چنانچه خداوند می‌فرماید: «من عمل صالحا من ذکر او أنسی مومن فلنحیینه حیاة طیّبه و لنجزینهم أجرهم بأحسن ما كانوا یعملون» (نحل: ۹۷)؛ «هر کس - از مرد یا زن - کار شایسته کند و مومن باشد، قطعا او را باز زندگی پاکیزه ای، حیات (حقیقی) بخشیم، و مسلما به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد».

پس آنچه سبب دستیابی به حیات طیّبه است، انس با قرآن کریم به معنای حقیقی و عمل به دستورات و احکام خداوند است و این یعنی همان تربیت یافتن انسان با دین که سبب رسیدن انسان به کمالات حقیقی می‌گردد.

و. رمضان ماه فرصت‌ها، ماه تقرب و تلاوت قرآن

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «ماه رمضان ماه خیلی خوبی است دوستان عزیز فرصت بسیار خوبی است فرصت تعبّد، فرصت تقرب، فرصت روزه‌ای است که می‌گیرید، فرصت نشستن سر سفره رحمت الهی است، سر سفره ضیافت الهی است، این سفره ضیافتی که می‌گویند این ضیافت هم روزه شماسست، همین نافله شماسست، همین نماز شماسست. سحر ماه رمضان همه پامی شوند این سحر را نباید از دست داد سحر فرصت خیلی خوبی است، اگر ما از سحر استفاده نکنیم در این دنیای شلوغ وقت دیگری نداریم برای خلوت با خودمان، بادلمان، با خدای خودمان، واقعا وقتی باقی نمی‌ماند گرفتاریم ما» (بیانات در جلسه درس خارج فقه در آستانه فرارسیدن ماه مبارک رمضان، ۱۳۹۸/۹/۱۰).

ایشان در سخنی دیگر نیز می‌فرماید: «خدای متعال در این ماه فرصت تقرب به خودش را فراهم کرده؛ اگر شما وارد این ضیافت شدید، از این پذیرایی بهره‌مند می‌شوید. این فرصت چیست؟ این فرصت، روزه است؛ این فرصت أجر بی‌پایان تلاوت قرآن است... می‌توانید از این فرصت‌ها به بهترین وجهی استفاده کنید. امام سجاد (علیه السلام) در دعای ورود به ماه مبارک رمضان می‌فرماید: واعثا علی صیامه بکفّ جوارح عن معاصیک؛ معلوم شد که صیام فقط نخوردن و اجتناب از این کارهای ظاهری نیست؛ این هم جزو این صیامی است که شما را به خدا نزدیک می‌کند؛ کفّ جوارح از معاصی الهی؛ و استعمالها فیه بما یرضیک؛ بعد از فاصله‌ای حضرت می‌فرماید: «و ان تقرب الیک فیه من الاعمال الزاکیه بما تطهرنا به من الذنوب و تعصمنا فیه مما نستأنف من العیوب (فیض الاسلام، ۱۳۷۶: ۲۸۵-۲۸۹) خدای متعال هم از گذشته ما را پاک کند هم در آینده ما را محفوظ کند و نگه دارد؛ قدر این ماه را بدانیم» (بیانات در دیدار قاریان قرآن، ۱۴۰۱/۱/۱۴).

۲. آثار اجتماعی

الف. انس و معرفت قرآنی، عامل پیشرفت کشور

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «اگر ملتی با معرفت قرآنی آشنا بشود، بسیاری از کارها برای او آسان خواهد شد؛ حرکت برای او آسان خواهد شد. شما به همین مقداری که ملت ما درهای قرآن را به روی خود باز کرد، ملاحظه کنید - که این به برکت انقلاب شد - ببینید چه تحولی در ملت ما به وجود آمد؛ ببینید چه عظمت و چه عزتی ملت ما پیدا کرد به همین مقدار اندک حرکتی که ما به سمت قرآن کردیم. قرآن، این‌گونه است. اگر حرکت به سمت قرآن به شکل کامل انجام بگیرد، آن وقت این ملت همان چیزی خواهد شد که قرآن کریم خبر داده است؛ «لتكونوا شهداء على الناس» (حج: ۷۸) و «کنتم خیر امة اخرجت للناس» (آل عمران: ۱۱۰).

در سخنی دیگر با تأکید بر مطلب فوق می‌فرماید: «عزیزان من، شما بدانید، برای این که ما جامعه‌ای به وجود بیاوریم که هم از لحاظ مادی، علمی و صنعتی دچار عقب ماندگی نباشد، پیشرو باشد و بر روی زندگی دنیا اثر گذار باشد و در عین حال از لحاظ معنویت دچار آفت‌های معنوی - که امروز غرب دچار آن است - نباشد، قرآن و عمل به آن لازم است». (بیانات در جلسه اختتامیه مسابقات قرائت قرآن، ۱۳۷۱/۱۱/۵).

ب. انس با قرآن، نقش بر آب‌کردن حيله‌ها و فتنه‌های دشمنان

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «اگر جوان مسلمان با قرآن انس پیدا کند و فرصت تدبّر در قرآن را به خود بدهد، بسیاری از شبهات دشمن بی‌اثر خواهد شد» (بیانات در دیدار جمعی از حافظان و قاریان قرآن نونهال و نوجوان کشور، ۱۳۸۰/۶/۲۸).

در روایتی از پیامبر ﷺ چنین آمده است: «إذا إلتبس علیکم الفتن قطع اللیل مظلم فعلیکم بالقرآن فانه شافع مشفع... فیه مصابیح الهدی و منار الحکمة» (کلینی، ۱۳۶۹: ۴۵۹/۴)؛ «آن گاه که فتنه‌ها چون پاره‌های شب تاریک بر شما پوشیده شده قرآن تمسک کنید که آن شفیع است که شفاعتش پذیرفته می‌شود... در آن چراغ‌های هدایت و نشانه‌های حکمت است...». پس بنابراین انسانی که با قرآن مأنوس است و آن راهنمای خویش ساخته، خود را بر خوان رنگارنگ و بی نظیری می‌بیند که میزبان آن خداست چگونه ممکن است آدمی بر سر چنین سفره‌ای حاضر شود و بی‌توشه و دست خالی برگردد.



ج. انس با قرآن، حاصل افزایش معرفت عمومی کشور

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «آیات قرآن دارای عصاره و کلیات تعالیم اسلام است. به همین جهت، «انس باقرآن»، معرفت اسلامی را در ذهن ماقوی تر و عمیق تر می‌کند. بدبختی جوامع اسلامی، به خاطر دوری از قرآن و حقایق و معارف آن است. آن کسانی از مسلمانان که معانی قرآن را نمی‌فهمند و با آن انس ندارند، وضعشان معلوم است حتی کسانی که زبان قرآن، زبان آنهاست و آن را می‌فهمند، به خاطر عدم تدبیر در آیات قرآن، با حقایق قرآنی آشنا نمی‌شوند و انس نمی‌گیرند.» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۱/۱/۱۰). جای دیگری تأکید می‌کنند که: «انس با قرآن، معرفت عمومی یک کشور را بالا می‌برد. الان هم به برکت قرآن، کشور رو به پیشرفت است.» (بیانات در دیدار قاریان مصری، ۱۳۷۰/۳/۱۱).

د. خانواده قرآنی، نتیجه تربیت صحیح فرزندان

یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی، خانواده است که تأثیری عمیق در تربیت دینی جوانان دارد. تربیت مهم‌ترین نقش خانواده است که در آموزه‌های دینی در این رابطه سفارش‌های ارزشمندی بیان شده که عمل به آن می‌تواند در تحقق رشد باورهای دینی و قرآنی جوانان نقش به سزایی داشته باشد پس بنا بر این با تربیت صحیح و روشمند است، که می‌توان افراد سالم و صالح ساخت و با تربیت است، که یک جامعه سالم شکل می‌گیرد، والدین در این میان نقش اساسی دارند که نقش مادر در کانون خانواده بیشتر حائز اهمیت است.

امام خامنه‌ای در مورد تأثیر انس باقرآن در مورد زنان و خانواده می‌فرماید: «اگر زن‌ها با قرآن مأنوس بشوند بسیاری از مشکلات جامعه حل خواهد شد؛ چون انسان‌های نسل بعد در دامن زن پرورش پیدا می‌کند و زن آشنای با قرآن و مأنوس با قرآن و متفاهم با مفاهیم قرآن، خیلی می‌تولند در تربیت فرزند تأثیری داشته باشد.» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور، ۱۳۷۸/۸/۲۷).

ه. انس با قرآن، حجاب و عفت عمومی، امنیت اجتماعی

مقام معظم رهبری در سخنانی در جمع عناصر نیروی انتظامی و جوانانی که در بخش‌های مختلف وارد این صحنه خدمت‌گزاری می‌شوند، ملت ایران را یکی از ارزشمندترین ملت‌های دنیا دانسته‌اند و با تأکید بر حفظ آبروی این ملت در همه ابعاد و نواحی به نقشه‌های دشمنان اشاره نموده و می‌فرماید: «بسیار کسان هستند که سر انگشت دشمن هستند؛ اما نه در چهره یک برخورد نظامی بلکه با بر آشفتن محیط امن زندگی مردم، با شکستن حریم خلوت امن خانواده‌ها و با نفوذکردن در حصار محکم عفت عمومی این ملت.» (بیانات در مراسم فارغ التحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۷۲/۴/۲۶).

در باره اهمیت حجاب بیان داشتند: «حجاب یک ضرورت شریعتی است؛ شریعت است؛ ضرورت شرعی است؛ یعنی تردیدی در وجوب حجاب وجود ندارد؛ این را همه باید بدانند. این که حالا خدشه کنند، شبهه کنند که آیا حجاب هست، لازم است، ضروری است، نه؛ این خدشه و شبهه ندارد؛ یک واجب شرعی است که باید رعایت بشود، منتها آن کسانی که حجاب را به طور کامل رعایت نمی کنند، اینها را نباید متهم کرد به بی دینی و ضدانقلابی» (بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴). همچنین رهبر انقلاب در تبیین الزام شرعی و قانونی حجاب گفتند: «در مسئله پوشش، حجاب، محدودیتی شرعی و قانونی است نه محدودیتی دولتی، و کشف حجاب نیز هم حرام شرعی است هم حرام سیاسی.» (بیانات در دیدار رمضانی مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۴۰۲/۱/۱۵).

دستور به حجاب و پاسداشت عفاف در چندین آیه از قرآن مشاهده می شود که خداوند متعال در سوره احزاب خطاب به پیامبر ﷺ می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب: ۵۹) «ای پیامبر به همسران و دختران و زنان مومنین بگو روسری های بلند خود را بر خویش فرو افکنند تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند».

در شأن نزول آیه فوق، چنین آمده است که زنان مسلمان در عصر پیامبر ﷺ به مسجد می رفتند و پشت سر پیامبر ﷺ نمازی گذاردند. هنگام شب که برای نماز مغرب و عشا می رفتند، بعضی جوانان بر سر راه آنها می نشستند و با مزاحمت و سخنان ناروا آنها را آزار می دادند. آیه فوق نازل شد و به آنها دستور داد حجاب خود را بطور کامل رعایت کنند تا به خوبی از کنیزان شناخته شوند و کسی بهانه مزاحمت پیدا نکند (حویزی، ۱۳۶۱: ۳۰۳/۴؛ بحرانی، بی تا، ۴۹۶/۴).

و. انس باقرآن، ثمره عزت و بیداری اسلامی

مقام معظم رهبری می فرماید: «از وقتی در این منطقه نشانه های بیداری اسلامی دیده شد، فعالیت های ایجاد تفرقه بیشتر شد؛ اینها تفرقه را یک وسیله ای می دانستند برای اینکه بر ملت ها مسلط بشوند. از زمانی که احساس شد در این منطقه حرف های نو، افکار اسلامی نو، ایستادگی ملت ها، زنده شدن و سرپاشدن ملت ها دارد وجود پیدا می کند، حرکت تفرقه آمیز دشمنان بیشتر شد؛ وقتی که نظام اسلامی در ایران سر پا آمد، که پرچم اسلام را بر افراشته کرد، قرآن را سردست گرفت و با افتخار گفت که ما به اسلام عمل می کنیم و قدرت و سیاست و امکانات و ارتش و نیروی مسلح و همه چیز را با خود همراه داشت و از آنها استفاده کرد و روز به روز آنها را تقویت کرد، این حرکت تفرقه آمیز بیشتر شده است.» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۵/۹/۲۷).



رهبر انقلاب در سخنی دیگر می‌فرماید: «دنیای اسلام باید به فکر حفظ موجودیت اسلام و حفظ امت اسلامی باشد. این، چگونه ممکن است؟ از راه قرآن. قرآن به ما همه چیز را تعلیم داده است. قرآن را باید آموخت، قرآن را باید فهمید، قرآن را مثل نوشیدنی گوارا و مقوی باید نوشید و زندگی خود را با آن با طراوت و سرشار از نیرو و عزت کرد.» (بیانات در دیدار قاریان شرکت کننده در بیست و یکمین دره مسابقات بین المللی قرآن، ۱۳۸۳/۶/۲۶).

خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید: ﴿واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا﴾ (آل عمران: ۱۰۳): «وهمگی به ریسمان خدا (قرآن و هرگونه وسیله وحدت الهی)، چنگ بزنید و پراکنده نشوید».

نتیجه‌گیری

۱. با توجه به تحریف تورات و انجیل آثار فردی و اجتماعی آنها نیز در در حالت تعلیق قرار دارد. هر چند که محققان غربی آثار فردی چون "رشد معنوی، پشتیبانی عاطفی، چارچوب اخلاقی و هویت و اجتماعی را و همچنین آثار اجتماعی چون" فرهنگی، بین‌الادیانی، عدالت اجتماعی و جامعه‌سازی را بر شمرده‌اند.

۲. در آیات و روایات به اهمیت و عظمت قرآن تأکید بیشتری شده است و آن را به‌عنوان نور برای انسان‌ها قرار داده است؛ نوری که خود روشن است و برای غیر خود نیز روشن‌گری می‌نماید.

۳. از دیدگاه مقام معظم رهبری انس با قرآن آثار فردی و اجتماعی دارد که انس پیوسته با قرآن، نتیجه هدایت و سعادت، نقش بر آب کردن فتنه‌های دشمنان، عفت عمومی و امتی اجتماعی و ... را در بردارد.

۴. رهبر معظم انقلاب کلید انس با قرآن را تهذیب و تفقه دانسته و می‌فرماید: با قرآن باید مثل آینه مواجه شد و قرآن باید در جان ما انعکاس پیدا کند غالب مردم از ظاهر قرآن یک استفاده‌ای می‌کنند اما استفاده از اعماق و بطون قرآن جز با تعلّم و تفقه بدست نمی‌آید.

۵. در نگاه ایشان عامل پیشرفت و افزایش معرفت عمومی کشور و بیداری اسلامی در گرو انس با قرآن و معرفت قرآنی است.

۶. امام خامنه‌ای به موضوع عفت عمومی تأکید دارند و در اهمیت خانواده قرآنی به نقش والدین اشاره داشته و می‌فرماید: با تربیت صحیح و روشمند است که می‌توان افراد سالم و صالح ساخت و به توسط تربیت: امعه سالم شکل می‌گیرد.

۷. حضرت آقا در تبیین الزام شرعی و قانونی حجاب گفتند: در مسئله پوشش، حجاب، محدودیتی شرعی و قانونی است نه محدودیتی دولتی، و کشف حجاب نیز هم حرام شرعی است هم حرام سیاسی.

فهرست منابع

۱. آدین اشتاین سالتز، سیری در تلمود، باقر طالبی دارابی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۴ش.
۲. ابن سید، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الاعظم، بیروت: دارالکتب، ۱۴۱۲ق.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم المقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام محمد هارون، مکتب دارالاعلام الاسلامیه، چاپ اول. ۱۴۰۴ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق: جمال الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۵. بحرانی، هاشم بن سلیمان، تفسیر برهان، قم: موسسه بعثه. بی تا.
۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، تصحیح: هاشم رسولی محلاتی، بیروت: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱ق.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی، دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه‌ای www.farsi.khamenei.ir
۸. خامنه‌ای، علی، نقشه راه، قم: مدیریت مطالعات فرهنگی نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها، بی تا.
۹. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم: موسسه انتشارات ائمه، ۱۳۸۰ش.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات الفاظ القرآن، دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ش.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: محمدباقر موسوی، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
۱۳. فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه و شرح: صحیفه سجادیه، تهران: انتشارات فقیه، ۱۳۷۶ش.
۱۴. فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: انتشارات فقیه، ۱۳۷۴ش.
۱۵. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم: صادق حسن زاده، قم، انتشارات قائم آل محمد علیه السلام، چاپ سوم. ۱۳۸۶ش.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، قم: موسسه الوفاء، چاپ دوم. ۱۴۰۳ق.
۱۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۱۹. نرم افزار جامع التفاسیر، مرکز تحقیقات علوم اسلامی.



References

1. *Quran –e – Karim (The Holy Quran)*.
2. Bahrani, Hashem Bin Suleiman, *Tafsir Burhan (Demonstration Commentary)*, Qom: Be'that Foundation, n.d.
3. Dashti, Mohammad, *Translation of Nahj al-Balagha (The Peak of Eloquence)*, Qom: Institute of Imams Publications, 1380 SH (2001 CE).
4. Feiz al-Islam, Ali Naqi, *Translation and Explanation of Nahj al-Balagha (The Peak of Eloquence)*, Tehran: Faqih Publications, 1374 SH (1995 CE).
5. Feiz al-Islam, Ali Naqi, *Translation and Explanation of Sahifa Sajjadiyya (Pslams of Islam)*, Tehran: Faghhih Publications, 1376 SH (1997 CE).
6. Hawizi, Abdul Ali Bin Jama'a, *Tafsir Nur al-Thaqalayn (The Exegesis of the Light of the Two Weighty Things)*, Edited by Hashem Rasouli Mahallati, Beirut: Dar al-Kutub al-Islamiyah, 1361 AH (1942 CE).
7. Ibn Faris, Ahmad Bin Faris, *Mu'jam al-Muqayyis al-Lugha (Dictionary of Language Comparisons)*, Researched by Abdul Salam Mohammad Haroun, Maktab Dar al-Ilm al-Islamiyah, 1st Edition, 1404 AH (1983 CE).
8. Ibn Manzur, Mohammad Bin Mukarram, *Lisan al-Arab (The Language of the Arabs)*, Researched by Jamal al-Din Mirdamadi, Beirut: Dar al-Fikr lil-Taba'a wa al-Nashr wa al-Tawzi', 3rd Edition, 1414 AH (1993 CE).
9. Ibn Saeed, Ali Bin Ismail, *Al-Muhkam wal-Muhit al-Azam (The Comprehensive and Grand Encyclopaedia)*, Beirut: Dar al-Kutub, 1412 AH (1991 CE).
10. Khamenei, Ali, *Roadmap, Cultural Studies Management of the Office of the Supreme Leader's Representative at Universities*, Qom: n.d.
11. Khamenei, Seyyed Ali, *Office for Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei*, www.farsi.khamenei.ir.
12. Kulayni, Mohammad Bin Ya'qub, *Usul Kafi (The Principles of Kafi)*, Translated by Sadeq Hassan Zadeh, Qom: Qaem Ale Mohammad Publications, 3rd Edition, 1386 SH (2007 CE).
13. Majlisi, Mohammad Baqir, *Bihar al-Anwar (The Seas of Lights)*, Qom: Al-Wafa Institute, 2nd Edition, 1403 AH (1982 CE).
14. Mostafawi, Hassan, *Al-Tahqiq Fi Kalimat al-Quran al-Karim (Investigation into the Words of the Holy Quran)*, Tehran: Translation and Book Publishing, 1360 SH (1981 CE).
15. Qarashi, Ali Akbar, *Quranic Dictionary*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, 1371 SH (1992 CE).
16. Raghib Esfahani, Husayn Bin Mohammad, *Al-Mufradat Fi Gharaib al-Quran (Vocabulary of the Quranic Terms)*, Damascus: Dar al-Qalam, 1412 AH (1991 CE).

17. Software, *Comprehensive Interpretation (Jame' al-Tafarsir)*, Center for Islamic Sciences Research.
18. Tabatabai, Mohammad Hussein, *Al-Mizan Fi Tafsir al-Quran (The Balance in Quranic Interpretation)*, Beirut: Al-A'lami Institute for Publications, 1390 SH (2011 CE).
19. Tabatabai, Mohammad Hussein, *Al-Mizan Fi Tafsir al-Quran (The Balance in Quranic Interpretation)*, Translated by Mohammad Baqir Mousavi, Qom: Islamic Publications, 1374 SH (1995 CE).



Strategies for the Youth's Spiritual Connection/ Familiarity with the Holy Quran: Insights from Ayatollah Khamenei's Perspective *

Mohammad Amini Tehrani ¹ and Zainab Khusrwi Nia ² and Zahra Rahmaniyan ³ and

Marzieh Asghari ⁴



Abstract

One of the most beautiful means of connecting/ familiarity with the Divine is through communion with the Holy Quran. According to Hadiths, the most suitable group to initiate this communion with the Quran are the youth. This article targets the youth, aiming to guide them toward ethical virtues through familiarity and integration with the luminous verses of the Quran. This paper presents various strategies derived from the esteemed viewpoint of the Supreme Leader (May God Prolong His Life) to incorporate the Quran more profoundly into the lives of young individuals, emphasizing spiritual, managerial, cognitive (educational), and motivational approaches. Employing a descriptive-analytical method and drawing from the perspective of the Supreme Leader and references from the Quran and Hadiths, this research elucidates strategies for the youth's spiritual connection with the Holy Quran. The outcomes underscore that seeking refuge in the Almighty, continual remembrance of God, sincerity of intention, and self-purification are among the spiritual strategies advocated by the Supreme Leader for the youth's affinity with the Quran. Additionally, managing and scheduling daily recitation and listening to its verses, planning for Quran memorization, time management, and constant companionship with the Quran are managerial strategies highlighted in his speeches. In the realm of education, mastering proper recitation and Quranic concepts, studying and understanding the exegesis of Quranic verses, contemplating and grasping the meanings of the verses, recognizing the benefits of connecting with the Quran are other directives from the Supreme Leader. Furthermore, paying attention to various aspects of Quranic aesthetics, associating with Quranic personalities, implementing and practicing Quranic teachings, and engaging in Quranic gatherings are motivational strategies promoted by the Supreme Leader to encourage youth towards the Holy Quran.

Keywords: Familiarity with the Holy Quran, Youth, Ayatollah Khamenei (May God Prolong His Life).

*. **Date of receiving:** 13/04/2023, **Date of approval:** 12/01/2024.

1. Assistant Professor, Al-Mustafa International University, Qom, Iran: mohamad_aminitehrani@miu.ac.ir.

2. Lecturer at the Specialized Seminary of Fatemeh Masoumeh, Bandar Abbas, Iran: 4yaemamreza@vatanmail.ir.

3. Second-level Student at Al-Zahra (S.A) Seminary School, Bandar Abbas, Iran: rahmanianbandar@gmail.com.

4. Third-level Student at Hazrat Masoumeh (SA) Seminary School, Bandar Abbas, Iran (Corresponding Author): masghry507@gmail.com.



راهکارهای انس جوانان با قرآن کریم از دیدگاه امام خامنه‌ای (حفظه‌الله)*

محمد امینی تهرانی^۱ و زینب خسروی‌نیا^۲ و زهرا رحمانیان^۳ و مرضیه اصغری^۴



چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائل مرتبط با قرآن کریم، انس با قرآن کریم است. از نگاه احادیث، بهترین گروه برای شروع انس با قرآن، جوانان و نوجوانان هستند. گروه هدف مقاله حاضر نیز جوانان است. نوشتار حاضر، راهکارهای برخورداری هرچه بیشتر از قرآن را در زندگی جوانان از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ارائه می‌دهد و بر راهکارهای معنوی، مدیریتی، معرفتی (آموزشی)، انگیزشی تأکید بسیار دارد. پژوهش پیش رو با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با نگاه توصیفی - تحلیلی و عنایت به دیدگاه مقام معظم رهبری و استناد به آیات و روایات به ارائه راهکارهای انس جوانان با قرآن کریم می‌پردازد. نتایج حاکی از این مقاله نشان می‌دهد: استعانت از خداوند متعال، مداومت بر یاد خداوند، خلوص نیت و تزکیه نفس از راهکارهای معنوی در بیانات مقام معظم رهبری برای مأنوس شدن جوانان با قرآن کریم است. مدیریت و برنامه‌ریزی برای تلاوت روزانه آیات و استماع آنها، برنامه‌ریزی برای حفظ قرآن و مدیریت اوقات فراغت و همراه داشتن قرآن کریم نیز از دیگر کارهای مدیریتی ارائه شده در سخنان ایشان است. در حوزه آموزشی، فراگیری قرائت صحیح و مفاهیم قرآن، مطالعه و شناخت تفسیر سور قرآنی، فراگیری تدبر و فهم آیات، شناخت فوائد انس با قرآن از رهنمودهای دیگر مقام معظم رهبری بوده و همچنین توجه و تدبر به جنبه‌های مختلف زیباشناسی قرآن، همنشینی با شخصیت‌های مأنوس قرآنی، کاربردی کردن و عمل به آموزه‌های قرآنی، شرکت در محافل قرآنی از راهکارهای انگیزشی مقام معظم رهبری برای ترغیب جوانان به قرآن کریم است.

واژگان کلیدی: انس با قرآن کریم، جوانان، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی). راهکارهای مدیریتی، راهکارهای آموزشی، راهکارهای معنوی، راهکارهای انگیزشی.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۰/۲۲.

۱. استادیار جامعة المصطفی ص العالمية، قم، ایران: mohamad_aminitehrani@miu.ac.ir.

۲. مدرس حوزه علمیه تخصصی فاطمه معصومه س، بندرعباس، ایران: yaemamreza@vatanmail.ir.

۳. طلبه سطح دو مدرسه علمیه الزهراء س، بندرعباس، ایران: rahmanianbandar@gmail.com.

۴. طلبه سطح سه مدرسه علمیه حضرت معصومه س، بندرعباس، ایران (نویسنده مسئول): masghry507@gmail.com.



مقدمه

انس با قرآن کریم یکی از راه‌های شناخت عمیق قرآن است؛ به همین علت برخی از بزرگان دین، انس به ظاهر قرآن و تلاوت بدون ترجمه آن را توصیه می‌کنند و آن را مقدمه‌ای برای رسیدن به درک حقایق کلام وحی می‌دانند. برای شروع انس با قرآن کریم باید صفات درون و نفس پاکیزه باشد؛ از این رو سن جوان بهترین زمان برای انس با قرآن است. محقق بر آن است از دیدگاه مقام معظم رهبری راهکارهای انس با قرآن برای جوانان ارائه دهد. ضایع کردن حقوق دیگران، چشم و هم‌چشمی و تجملات دنیاطلبی و شهوت‌رانی و بی‌ایمانی، لایبالی‌گری و تمام مشکلاتی که امروزه در نظام فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وجود دارد از عدم انس با قرآن کریم است. اگر به قرآن نزدیک شوند همه این خلل‌ها رفع می‌گردد. چراکه قرآن کریم یک نقشه راه برای ما انسان‌ها است. بسیاری از جوانان دوست دارند که با قرآن مأنوس شوند اما با وجود مشکلات رایج در جامعه نمی‌دانند چگونه سراغ قرآن بروند. از آنجا که در تربیت دینی، انس با قرآن امر لازم است و سعادت و کامیابی فرد در سایه انس با قرآن شکل می‌گیرد، باید با قرآن مأنوس بود تا بتوان اهداف الهی را با شکل‌گیری جامعه قرآنی گسترش داد.

این تحقیق در پی آن است که راهکارهایی در راستای تشویق و ترغیب جوانان و تحقق جامعه قرآنی با روش توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای ضمن استخراج بیانات امام خامنه‌ای (مدظله العالی) ارائه دهد. قرآن نه فقط کتاب بلکه یک معجزه برای نشانه صدق پیامبری می‌باشد که از هنگام نزول تاکنون اعجاز قرآن مورد توجه مسلمانان و مخالفان قرآن قرار گرفته است و همین امر موجب شد تا مخالفان قرآن مجذوب معارف و معانی قرآن گردند و با آن انس بگیرند. «کینت گریک» قرآن‌پژوه انگلیسی در کتاب «قرآن را چگونه شناختم» می‌نویسد: «قرآن اثر جاذبه مغناطیسی در قرآن‌پژوهان اروپایی دارد که این تأثیر از معانی و کلمات قرآن سرچشمه گرفته نیمی از اعتقادات مسلمانان نیست». مقاله «راهکارهای انس بیشتر دانشجویان با قرآن» از دکتر بهروز یدالله پور سه راهکار گرایشی، بینشی، روشی را ارائه داده است. در کتاب «انس با قرآن» حسین واعظی جلد نخست آیاتی از قرآن را با موضوع آغاز کار با نام خدا ابزار شناخت انسان اختلاف در آفرینش و گرامی‌ترین انسان‌ها که در مورد واژه‌های اصلی این آیات توضیح داده است. مقاله حاضر به دنبال بررسی راهکارهای انس جوانان با قرآن بوده تا زمینه تربیت جوانان و تحقق جامعه قرآنی فراهم گردد چنانچه در میان کتب و مقالات که مورد بررسی قرآن گرفت به تأثیر قرآن و بررسی برخی از آیات قرآن و راهکارهای تقویت انس با قرآن پرداخته‌اند.

الف. مفهوم‌شناسی

در این بخش تعریف انس با قرآن در لغت و اصطلاح ارائه می‌شود: در ابتدا نیاز است به تعریف هر یک از اجزای این ترکیب پرداخته و در نهایت تعریف مورد نظر از انس با قرآن بیان شود. در ذیل مفهوم لغوی و اصطلاحی انس بررسی می‌شود.

۱. انس

انس در لغت مصدری به معنای الفت (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۳۱/۱) و طمانینه بوده (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۴/۶) و خلاف وحشت است (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۲/۶) و این الفت به تناسب کاربرد گاهی مربوط به علم، گاهی عین و گاهی حس می‌شود (طریحی، ۱۴۰۸: ۴۶/۴). مثلاً وقتی گفته می‌شود: «فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا» (قصص: ۲۹) یعنی موسی آتشی دید (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۵/۶) و زمانی که گفته می‌شود: «وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» (نساء: ۶) یعنی رشد را در آنها یافتید (علم پیدا کردید یا حس کردید که رشد کرده‌اند) (طریحی، ۱۴۰۸: ۴۶/۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۵/۶)؛ لذا در لغت عرب زمانی که گفته می‌شود: «آنست شخصاً من مكان كذا»، یعنی او را دیدم (فراheidی، ۱۴۰۵: ۳۰۸/۷) واژه انسان نیز ظاهراً از این واژه مشتق شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲/۹۵ و ۹۶؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۶/۶).

با توجه به معنای لغوی فوق، می‌توان معنای اصطلاحی آن را چنین تعریف کرد: انس به معنای الفت داشتن به چیزی که از طریق محبت به دست می‌آید و ثمره آن، آرامش انس گیرنده است (جلیلیان، ۱۳۹۸/۱۲/۱۱).

۲. انس با قرآن

انس با قرآن یعنی اینکه انسان همواره آن را تلاوت و در معنایش تدبر کند و برای تنظیم رفتارهای خود با آموزه‌های قرآنی تلاش جدی و حداکثری به عمل آورد؛ یعنی قرآن با خون و گوشت او عجین گردد. بر این اساس، بیش از خواندن قرآن - که آن نیز در جای خودش لازم است - انس با قرآن زمانی معنا خواهد داشت که آموزه‌های قرآن با جان انسان آمیخته شود و عمل انسان با قرآن هماهنگ باشد. اما انس با قرآن کریم در دیدگاه امام خامنه‌ای رحمته‌الله، به طی کردن مراحل مشخصی گفته می‌شود که در نهایت ثمره آن عمل به قرآن کریم است. مقام معظم رهبری رحمته‌الله انس با قرآن کریم را خواندن و بازخواندن و تدبر در مفاهیم قرآنی تدبر و فهمیدن می‌دانند (خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۹/۱/۱۰).



به نظر می‌رسد که با توجه به معنای الفت که یکی از معانی اصلی واژه انس به شمار می‌آید همراهی و الفت با قرآن مجید در ابعاد مختلف، انس با قرآن کریم را شکل می‌دهد. انس با قرآن کریم بر اساس ابعاد مختلف قرآن کریم دارای مراحل مختلفی است. در ذیل آیه ۱۲۱ بقره: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»؛ کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده‌ایم [یهود و نصاری] آن را چنانکه شایسته آن است می‌خوانند؛ آنها به پیامبر اسلام ایمان می‌آورند؛ و کسانی که به او کافر شوند، زیانکارند، حدیثی از امام صادق آمده است که: قَالَ: «يُرْتَلُونَ آيَاتِهِ، وَ يَتَفَقَّهُونَ بِهِ، وَ يَعْمَلُونَ بِأَحْكَامِهِ، وَ يَرْجُونَ وَعْدَهُ، وَ يَخَافُونَ وَعِيدَهُ، وَ يَعْتَبِرُونَ بِقَصَصِهِ، وَ يَأْتِمِرُونَ بِأَوْامِرِهِ، وَ يَنْتَهُونَ بِنَوَاهِيهِ؛ مَا هُوَ - وَاللَّهِ - حِفْظُ آيَاتِهِ، وَ دَرْسُ حُرُوفِهِ، وَ تِلَاوَةُ سُورِهِ، وَ دَرْسُ أَغْشَارِهِ وَ أَحْمَاسِهِ، حِفْظُوا حُرُوفَهُ وَ أَصَاغُوا حُدُودَهُ، وَ إِنَّمَا هُوَ تَدَبُّرُ آيَاتِهِ وَ الْعَمَلُ بِأَحْكَامِهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ» (بحرانی، ۱۴۱۵: ۳۱۶/۱). در این روایت که از امام صادق نقل شده است ترتیل قرآن کریم، فهم آن، عمل به احکام قرآن، امید به وعده‌های آن، ترس از وعیدهای آن، عبرت گرفتن از داستان‌های آن، عمل به دستورات آن و دوری از نهی‌های آن، حفظ قرآن، تمرین درست خوانی حروف آن، تلاوت سوره‌های آن و مانند آن از جمله مصادیق حق تلاوت قرآن کریم شمرده شده است. که همه آنها را می‌توان از مصادیق انس با قرآن کریم نیز به شمار آورد.

۳. جوان

در ادامه تعریف جوان در لغت و اصطلاح بررسی می‌گردد. جوان در لغت به معنای برنا، تازه و چیز نو است که از عمر آن چندان نگذشته باشد (دهخدا، ۱۳۷۳: ۵/۶۹۳۰). در زبان عربی نیز از آن به «شباب، فتی و دهار» تعبیر شده است. «شباب» از ماده شَبَّ، يَشَبُّ، به معنای کسی است که قدرت جسمانی و توانایی هایش رشد و نمو کرده و در اوج قدرت بدنی روحی باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۷۲/۹). دستیابی به تعریف یگانه برای جوان و جوانی و به‌ویژه بیان دقیق دوره سنی آن در منابع اسلامی و روان‌شناسی و تربیتی، بسیار دشوار است و جمع کردن میان آنها دشوارتر. با این حال، دوره‌های تربیت را این‌گونه دسته‌بندی کرده‌اند: نوزادی، کودکی، نوجوانی و جوانی. در این میان محدوده سنی جوانی، ۱۶ تا ۲۰ سال است (شکوهی، ۱۳۷۸: ۱۹۸). البته برخی ۲۰ تا ۳۰ سال (قائمی، ۱۳۷۹: ۱۵) و گروهی نیز ۱۵ تا ۲۰ سال (همان) را دوره جوانی دانسته‌اند. با این حال، قطع‌نامه عمومی سازمان ملل متحد، واژه جوان را برای سن ۱۸ تا ۲۴ سال، برگزیده است (همان). با در نظر گرفتن آنچه از تفسیر آیات و روایات مربوط به جوانی و نظریه‌های روان‌شناسی به دست می‌آید: جوانی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: جوانی، مرحله‌ای بی‌بدیل از عمر انسان است که پس از پایان دوره نوجوانی، یعنی از ۱۶ سالگی آغاز می‌شود و پیش از دوره بزرگسالی در حدود ۲۴ سالگی، پایان می‌یابد.

رهبر انقلاب اسلامی (مدظله تعالی) در توصیف جوان می‌فرمایند: «جوان یک نهال بالنده و مرکز اغلب نیکی‌ها و درخشندگی‌ها و نورانی‌هاست» (بیانات در دیدار اعضای اتحادیه‌های انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان و مسئولان امور تربیتی سراسر کشور، ۱۳۷۹/۱۲/۸) و معتقدند: «دوره جوانی، دوره توانایی است. این توانایی در چه چیزهایی باید به کار برود؟ به اعتقاد من، باید عمدتاً در تحصیل علم، در ایجاد صفای نفس و روحیه تقوا در خود و ایجاد نیروی جسمانی در خود - که ورزش باشد - به کار رود. این سه مورد، عمده است. یعنی اگر در یک جمله کوتاه از من بپرسند که شما از جوان چه می‌خواهید؟ خواهیم گفت: تحصیل، تهذیب و ورزش. من فکر می‌کنم که جوانان باید این سه خصوصیت را دنبال کنند» (بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان، ۱۳۷۹/۸/۱۱).

ب. راهکارهای پیش روی جوانان برای انس گرفتن با قرآن

قبل از بررسی راهکارهای انس با قرآن تذکر این مطلب لازم است که راهکارها را می‌توان بر اساس مراحل طولی و ابعاد قرآن کریم تبیین نمود. این مراحل از لفظ شروع می‌شود و به معنا و سپس به بطن و تاویل و سپس به عمل به قرآن و در مرحله بعد به ترویج و تعلیم قرآن نیز می‌رسد. ملاک‌های مختلفی را می‌توان برای انس با قرآن کریم در نظر داشت. در این مقاله بر اساس راهکارهای فردی یا معنوی و راهکارهای اجتماعی که به راهکارهای مدیریتی و آموزشی و انگیزشی تقسیم می‌شود، به بررسی و تحلیل راهکارهای انس با قرآن پرداخته شده است.

۱. راهکارهای معنوی

به دلیل مشکلات و معضلاتی که در جامعه کنونی وجود دارد نیاز جوانان به معنویت جدی‌تر احساس می‌شود و اگر مشاهده می‌شود که کشش‌های معنوی در این دوران بیش از سایر سنین است رمز آن را باید در فطرتی زلال جستجو نمود. از آنجایی که انسان نمی‌تواند بدون معنویت دوام آورد لازم است به جوانان یادآوری نمود که بهره‌گیری از معنویت به آدمی و شخصیت او ساختاری منطقی و قابل اعتماد می‌بخشد. از نظر مقام معظم رهبری: «انسان‌هایی که در پی ارتباط با خدای متعال و صفای معنوی و روحی و آشنایی با مقام قرب الهی هستند راهش قرآن است» (بیانات در دیدار قاریان و حافظان و اساتید قرآنی، ۱۳۹۰/۵/۱۱).

از این رو به بخشی از مهم‌ترین راهکارهای معنوی در رسیدن به انس با قرآن جوانان از منظر مقام معظم رهبری پرداخته می‌شود.



یک. استعانت از خدا و دعاکردن

استعانت از خدا و دعاکردن از جمله راهکارهای معنوی برای انس گرفتن جوانان با قرآن کریم در فرمایشات مقام معظم رهبری است. استعانت از خدا، یعنی خداوند تنها کسی است که ما می‌توانیم از او درخواست کمک نماییم؛ همان‌طور که در سوره حمد می‌خوانیم: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» زیرا کمک‌خواستن از خداوند متعال و درخواست‌کردن از پروردگار برای انسان یک پشتوانه و حامی است نفس اینکه در مقابل پروردگار بایستد و اظهار کوچکی و حقارت کند برای انسان درجه‌ای از مقام و مرتبه است انسان با خواستن مقصودها و حوائج خود را برآورده می‌کند (برازش، ۱۳۹۶: ۲۸).

مقام معظم رهبری به دعا و استعانت از خدا در تمام امور توجه ویژه‌ای نموده‌اند و می‌فرمایند: «بدون دعا و توجه و توسل به پروردگار نمی‌شود راه را پیش برد» (بیانات در دیدار وزیر و مسئولان ارشد وزارت کشور و استانداران سراسر کشور، ۱۳۶۸/۳/۱۹). در جای دیگر چنین بیان فرموده: «اگر بخواهیم در این جاده درست حرکت کنیم، با ظواهر دلفریب زودگذر از راه پرت نیفتیم و به سمت هدف، مستقیم حرکت کنیم، حتماً در این کار، یاد خدا و اتکاء به خدا و اتصال دائمی به خدا مورد نیاز است؛ این را بلید دستور همیشگی خودمان قرار دهیم» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۸/۰۶).

انسان‌های مؤمن با دعا و نیایش می‌توانند در نعمت‌های الهی را به روی خود گشوده و با استفاده از آن، موفقیت‌های فراوانی را به دست آورند؛ لذا در سوره نساء می‌خوانیم: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ لَّزَجَالٍ نَّصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»؛ «و برتری‌هایی را که خداوند نسبت به بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده، آرزو نکنید، مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند، دارند و زنان نصیبی [و نباید حقوق هیچ یک پایمال شود] و از فضل [و رحمت] خدا بخواهید و خداوند بر هر چیزی دانا است.» (نساء: ۳۲).

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «برای هر حاجتی که دارید حتی اگر بند کفش باشد، دست خواهش به سوی خدای عزوجل دراز کنید؛ زیرا تا او آن را آسان نگرداند، آسان نشود» (مجلسی، ۱۳۱۵: ۲۹۵/۹۰) از مطالب فوق دریافت می‌شود که بی‌شک اثرات بی‌بدیلی از دعاکردن و استعانت از خداوند نصیب بنده می‌گردد. لذا مأنوس‌شدن با قرآن که کلام الهی است به طریق اولی از راه ارتباط‌گرفتن با خدا به‌صورت دعا و استعانت محقق می‌شود. شخص باید توأم با تلاش برای برطرف‌نمودن حاجات خویش از خداوند متعال استعانت جسته و با دعاکردن باب انس با کلام الهی را به روی خود باز کند. بنابراین استعانت از خداوند و دعاکردن یکی از راهکارهای معنوی مؤثر جهت انس جوانان با قرآن کریم است.

بر همین اساس مقام معظم رهبری درباره جایگاه دعا در قرآن کریم می‌فرمایند: دعا از چند سو دارای برکات بزرگ است. لذاست که در قرآن کریم، بارها در باب دعا و دعایی که بندگان صالح خدا کرده‌اند، سخن گفته شده است. همه این‌ها برای آن است که به ما درس داده شود. انبیای الهی در مواقع سختی دعا می‌کردند و از خدای متعال کمک می‌خواستند: «فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنَّتِصِرْ» که از قول حضرت نوح علیه السلام نقل شده است. یا از قول حضرت موسی علیه السلام نقل شده است: «فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّهُ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ». موسی به خدا شکایت کرد و به او پناه برد. خدای متعال در چند آیه از آیات قرآن وعده کرده است که دعا را مستجاب خواهد کرد. یکی از آیات، همین آیه مبارکه‌ی «وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» است؛ یعنی پروردگار شما فرموده است که مرا دعا کنید، تا استجابت کنم. (خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۲۰، صفحه: ۳۸، [بی‌نا]، [بی‌جا] - [بی‌جا])

انس با دعا‌های قرآنی در عرصه‌های مختلف زندگی یکی از زمینه‌های ارتباط با قرآن کریم است. در زمانی که انسان نیاز به ارتباط با خالق دارد و در مشکلی گرفتار آمده است، می‌تواند با الگوگیری از دعا‌های قرآنی و براساس زمان و مکان مناسب از این دعاها بهره‌برد ضمن آنکه دعا‌های قرآنی شیوه حرف سخن گفتن و دعاکردن را نیز به ما آموزش می‌دهند.

دو. پیوسته به یاد خداوند متعال بودن

از دیگر راهکارهای معنوی در بیانات مقام معظم رهبری برای انس گرفتن جوانان با قرآن کریم مداومت داشتن به یاد خداوند است. مهمترین عامل نزدیکی به خدا، پیوسته به یاد او بودن است. بنابراین انسان با ایمانی که در جهت لقاء الهی و سعادت و کامیابی خود در تلاش است به دو نیروی توان‌بخش و حرکت‌آفرین و نگاه‌دارنده نیازمند است. چیزی که باعث حرکت انسان می‌شود یاد خدا و صفات جلال و جمال او و نعمت‌های بی‌پایانش است و آنچه که بازدارنده از موانعی چون خودبینی‌ها و تجاوزها است همانا یاد خداست. از این رو قرآن کریم فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا»؛ «ای اهل ایمان! خدا را بسیار یاد کنید» (احزاب: ۴۱). انسانی که به یاد خدا باشد هم وظائف خود را برای رسیدن به لقاء الله به‌درستی انجام می‌دهد و هم از معصیت و نافرمانی اجتناب می‌کند. زیرا یاد خدا یعنی توجه به سرچشمه قدرت روحی و معنوی و عامل سعادت و کمال است. از آنجا که عوامل غفلت در زندگی‌های مادی بسیار فراوان و تیرهای وسوسه شیطان از هر سو حیات واقعی انسان را نشانه می‌گیرد، برای مبارزه با آن جز یاد خدا و با تمام وجود به یاد خدا بودن مؤثر نخواهد بود. در همین خصوص در سخنان گوهریار مقام معظم رهبری بیان شده است: «قرآن ذکر است؛ یعنی در



نهایت یادآوری است ذکر وسیله و ارتباط است اگر می‌خواهیم با خدا ارتباط داشته باشیم باطن عالی مرتبه خودمان که خداوند برای ما قرار داده ارتباط برقرار کنیم باید به یادش باشیم، اگر یاد رفت غفلت حاصل خواهد شد و این غفلت همان چیزی است که در قرآن مکرر نسبت به آن بر حذر داشته‌ایم، هرچه شما با قرآن بیشتر انس پیدا کنید، شکل بیشتر خواهد شد.» (بیانات در محفل انس با قرآن، ۱۴/۱/۱۴۰۱). بنابراین از آنجایی که قرآن، ذکر است پس هر آنچه که با یاد خداوند باشد و بر آن تداوم ورزیده شود، نهایتاً به انس با این کلام آسمانی می‌انجامد. می‌توان گفت این رابطه دو سویه است یعنی قرآن کریم که خود ذکر و یاد خداست وسیله‌ای برای تذکر فرد است و از سوی دیگر هر آنچه یاد خدا باشد از جمله تفکر در عالم هستی، اذکار لفظی و... نیز به تقویت انس با قرآن کریم کمک می‌کند.

یکی از صفات و اسامی قرآن کریم در آیات الهی کلمه ذکر است. علت به کارگیری این تعبیر برای قرآن کریم آن است که قرآن کریم یکی از بزرگترین اسباب ذکر و یاد الهی است. در سوره مبارکه حجر آیه ۶ آمده است: «وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ» و گفتند: «ای کسی که «ذکر» [قرآن] بر او نازل شده، مسلماً تو دیوانه‌ای!». همچنین در آیه ۹ آمده است که: «إِنَّا نَحْنُ نُزِّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»؛ ما قرآن را نازل کردیم؛ و ما به‌طور قطع نگهدار آنیم!

روشن است که در این آیات مراد از ذکر، قرآن کریم است. از این رو می‌توان بالاترین ذکر را قرآن کریم دانست که انس با آن می‌تواند تاثیرات مادی و معنوی بسیاری در زندگی انسان داشته باشد.

سه. خلوص نیت

از جمله راهکارهای معنوی در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) که به آن تأکید خاصی شده، داشتن خلوص نیت است. داشتن خلوص نیت و کار بدون ریا، همراه با توجه و مراقبت کامل به حضور پروردگار و تمرکز بر ذکر و یاد خدا، موجب پاکی دل از تمایلات دنیوی، هوس‌ها و موانع رشد، در نتیجه جوشیدن چشم‌های حکمت از دل می‌شود (جعفرپور، ۱۴۰۰: ۳۶). از این رو، مقام معظم رهبری درباره خلوص نیت در بیانات خود می‌فرمایند: «نیت‌ها را خدایی کنید؛ اصل قضیه این است. اگر نیت ما در این گفتن، در این مدح و ثناگستری، نیت خدائی بود، به قصد روشن کردن دلها؛ لا دادن ذهنها، انسان این را بیان کرد و گفت، آن وقت این می‌شود یکی از جنود الله؛ «و لله جنود السماوات و الارض». یکی از جنود الهی همین کسی است که با زبان خود، با بیان خود، با طبع خود، با ذوق خود، این حقایق را گسترش می‌دهد؛ می‌شود سرباز خدا. اگر نیت دیگری بود، نه. از جهاد چه کاری بالاتر

است؟ فرمود: اگر چنانچه کسی قدم به میدان جهاد بگذارد برای یک هدف مادی، نه مجاهد است، و نه اگر کشته شود، شهید است؛ با اینکه به میدان جنگ رفته. اگر برای هدف‌های مادی - چه برسد خدای نکرده برای هدف‌های پست - وارد این میدان‌ها شویم، برای ما نه فقط موجب تعالی و رشد نمی‌شود، بلکه موجب تنزل و سقوط هم می‌شود. آن چیزی که روحی است در کالبد اعمال ما، نیت ماست: «انما الاعمال بالنیات»؛ نیت‌هاست که به عمل ارزش می‌دهد. (بیانات در دیدار جمعی از مداحان سراسر کشور، ۱۳۹۱/۲/۲۳).

همنشینی با قرآن، سنخیتی خاص می‌طلبد. در قرآن آمده است: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»؛ جز پاکان نمی‌توانند به آن دست زنند [دست یابند] (واقعه: ۷۹). رهبر فرزانه انقلاب اسلامی می‌فرماید: «قرآن باید در جان ما انعکاس پیدا کند. این، همیشه و برای همه نیست؛ برای کسانی است که دلشان را با صفای باطن و نفس پاکیزه کنند؛ با ایمان، با باور و با قبول با قرآن مواجه شوند، و آلا کسانی که دل معاند دارند، بنای برنشنیدن و نفهمیدن دارند، نوای قرآن، کلام قرآن و پیام قرآن در دل آنها اثری نمی‌کند...» (بیانات در دیدار قاریان قرآن کریم، ۱۳۸۴/۷/۱۴). بنابراین رفتارهای ارزشی هر فردی، رفتارهایی است که براساس رضای الهی صورت گیرد و در اخلاق اسلامی هدف اصلی رفتارهای اخلاقی، تقرب به خدا است. چنانچه انس با قرآن نیز یک عمل اخلاقی و معنوی برای هر فرد می‌باشد. پس لازم است انسان برای مانوس شدن با قرآن کریم اعمالش را برای خداوند خالص گرداند و ظاهر و باطن خود را از هر گناه و معصیت صیقل دهد.

۲. راهکارهای مدیریتی

مراد از راهکارهای مدیریتی یعنی مدیریت برنامه‌های زندگی برای ارتباط و انس بهتر با قرآن کریم به شکلی که در طول شبانه‌روز بهتر بتوان از کتاب الهی استفاده نمود. تردیدی نیست که زندگی با برنامه‌ریزی به فرجام نیک و روشنی می‌رسد. باید دانست که مقصد و مقصود کجاست و قرار است هر فردی چه نقشی در جامعه بر عهده گیرد. با تعیین مقصد می‌توان برای رسیدن به آن برنامه‌ریزی کرد، بدون برنامه روشن، زندگی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. چنانچه در فرمایشات مقام معظم رهبری به مدیریت و برنامه‌ریزی در زندگی توجه ویژه‌ای شده و می‌فرماید: «نگاه قرآنی به انسان این است که انسان باید تلاش کند؛ تلاش با نظم، با برنامه‌ریزی و بی‌وقفه تا بتواند به نتایج برسد» (بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۸۷/۷/۷). به این ترتیب در ذیل مهمترین راهکارهای مدیریتی برای مانوس شدن جوانان با قرآن از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) مورد بررسی قرار می‌گیرد.



یک. مدیریت و برنامه‌ریزی برای تلاوت روزانه آیات و استماع آنها

یکی از اموری که انس با قرآن را به منش قرآنی و شخصیت دینی گره می‌زند برنامه‌ریزی داشتن بر مداومت تلاوت آیات است؛ هرچه این تجربه عملی تکرار شود و مداومت داشته باشد باطن فرد ساختاری جدید به خود می‌گیرد در حوزه اخلاق به ملکات اخلاقی تعبیر می‌شود. مقام معظم رهبری استماع آیات را کار واجب و لازمه ایمان به پروردگار و زمینه‌ساز جلب رحمت الهی می‌داند که امکان تدبیر و تفکر در آیات الهی را فراهم می‌کند. رهبر انقلاب در همین زمینه به عموم مردم توصیه کردند به‌گونه‌ای عمل کنند که هر روز حتی یک صفحه از قرآن را بخوانند. قرآن، کلام پروردگار مهربان است. خواندن و نگاه به آیات آن، زنگار را از دل می‌زداید و انسان با تلاوت هر آیه، پله‌ای از نردبان معنویت را طی می‌کند. این تلاوت، خود زمینه انس را فراهم می‌آورد.

مقام معظم رهبری (مدّ ظله العالی) در این باره می‌فرماید: «من بارها گفته‌ام، باز هم می‌گویم: ما تلاوت برجسته قرآن را در این کشور دنبال می‌کنیم، برای اینکه انس با قرآن و تلاوت قرآن در بین مردم عمومیت پیدا کند. عزیزان من! باید با قرآن انس پیدا کنید» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار قاریان قرآن کریم، ۱۳۸۴/۰۷/۱۴).

صوت زیبا، زیور قرآن است، تلاوت اگر زیبا باشد، در اعماق وجود انسان بیشتر نفوذ می‌کند (میرزاخان، ۱۴۰۱: ۲۵۵). در روایت، صوت خوش، زیور قرآن معرفی شده است. امام صادق (علیه السلام) از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمود: «لِكُلِّ شَيْءٍ جَلِيَّةٌ وَجَلِيَّةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ؛ هر چیزی زیوری دارد و زیور قرآن، صدای خوش است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۱۵/۲). مقام معظم رهبری (مدّ ظله العالی) درباره تلاوت زیبا می‌فرماید: «البته تلاوت قرآن با صدای خوش، کار بسیار خوبی است... تلاوت قرآن با صوت خوش و با آداب که شیوه خاصی دارد، موسیقی خاصی دارد، روش خاصی دارد، امور لازمی است. اینها انسان را نزدیک می‌کند؛ اما کافی نیست. اگر بخواهیم تشبیه کنیم، این طور می‌گوییم: قرآن را به‌صورت بنای مُعْظَمی، دارای سالن‌ها و حجره‌ها و زوایای گوناگون و اعماق فراوان در نظر بگیرید. این عمارت وسیع و عظیم، سردر و مدخلی دارد. اگر آن مدخل را زیبا ساختیم، مردم برای ورود در آن عمارت، تشویق می‌شوند. مدخل آن بنای رفیع، همین تلاوت‌های زیبایی است که این جا خواندند. کاشی کاری دَم در، این تلاوت است. حال وارد شوید. این کاشی کاری، بسیار لازم است. این زیباسازی تلاوت، امر لازمی است.» (بیانات در مراسم اختتامیه مسابقات قرآن، ۱۳۷۳/۱۰/۱۴).

اصولاً تلاوت قرآن به طور مستمر باعث انس با قرآن می شود در روایات سفارش اکید به تلاوت قرآن کریم شده است. امام صادق (ع) می فرماید: «قرآن کریم میثاقی است بین خالق و مخلوق و شایسته از هر مسلمان روزانه به این عهد نظر کند و حداقل ۵۰ آیه از آن را بخواند» (شیخ صدوق، ۱۳۹۳: ۱۲۷). با اشاره به اهمیت تلاوت قرآن در تأثیرگذاری انس با قرآن می توان گفت این کلام وحی همه چیز دارد و هر شخصی به اندازه ظرفیت خود می تواند از این کلام بهره مند گردد. مانوس شدن با قرآن حقیقتی است که قرأت یکی از مقدمات آن است چنانچه در روایتی آمده که نگاه کردن به در خانه عالم ثواب دارد در واقع نگاهی عبادی است، که به خانه دانشمندان برویم و مهمان آنان شویم و در نهایت از همنشینی با آنان بتوانیم از علمشان بهره برداری کنیم مقدمه چنین استفاده ای مانوس شدن با آنان است. با این تفاسیر می توان گفت تلاوت روزانه و شنیدن آیات در مانوس شدن فرد با کلام الهی تأثیر بسزایی دارد.

ایشان درباره استفاده از فرصت ها و برنامه ریزی برای استفاده از همه فرصت ها برای تلاوت قرآن کریم می فرمایند: در آن دوران طاغوت، من در مشهد جلسات تفسیر و درس قرآن داشتم؛ به جوانانی که می آمدند، می گفتم که هرکدام از شماها یک نسخه ی قرآن در جیب بغلتان داشته باشید؛ اگر در جایی منتظر کاری می ایستید و فراغت ی پیدا می کنید یک دقیقه، دو دقیقه، پنج دقیقه، نیم ساعت قرآن را باز کنید و به تلاوت آن مشغول شوید، تا با این کتاب انس پیدا کنید. تعدادی که این طور عمل کرده بودند، هر چند بسیار اندک بودند، لیکن احساس می کردم که اینها با اینکه غالباً هم عربی نمی دانستند، اما از لحاظ فهم معارف اسلامی، از دیگران برجسته تر بودند و به طور ممتازی با آن ها تفاوت داشتند (بیانات در دیدار با قاریان مصری: شحات محمد انور و سید متولی عبد العال، ۱۳۷۰/۱۱/۳). این نوع از برنامه ریزی باعث می شود انسان بتواند استفاده حداکثری از قرآن کریم ببرد و اگر این ارتباط عمیق و همراه با تفکر در معانی آیات باشد ثمره ای فوق العاده به دنبال خواهد داشت.

دو. برنامه ریزی برای حفظ قرآن کریم

برنامه ریزی و مدیریت داشتن برای حفظ با قرآن یکی دیگر از راهکارهای مدیریتی در فرمایشات مقام معظم رهبری است. توصیه به حفظ قرآن کریم از تأکیدات ایشان است و می فرماید: «در سنین جوانی حفظ قرآن لازم است. بهتر است که همه مردم ما انشان با قرآن به گونه ای باشد که آیات قرآن به گوششان آشنا باشد؛ یک آیه ای می خوانند صدر و ذیل و قبل و بعد به گوششان آشنا باشد» (بیانات در دیدار قاریان، ۱۳۷۰/۱۲/۲۷). مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بهترین روش خوندن را حفظ قرآن کریم می داند و بر این موضوع تأکید فراوان دارند: «نکته آخر هم که باز تکرار است و مکرر ما این را



عرض کرده‌ایم، حفظ قرآن کریم است. حفظ قرآن کریم یک نعمت بزرگ است. این جوان‌ها و نوجوان‌ها سن توانایی حفظ را قدر بدانند. شماها در سنی هستید که می‌توانید حفظ کنید و در ذهنتان بماند» (بیانات در دیدار قاریان، ۱۳۸۶/۶/۲۲).

به عقیده ایشان، حفظ قرآن کریم باعث استمرار مراجعه به قرآن کریم و در نتیجه انس با آن می‌گردد (رضوی ۱۴۰۰، ۳۶). به این صورت که «وقتی شما حافظ قرآن کریم هستید، این تکرار آیات قرآنی و انس دائمی با قرآن کریم به شما فرصت می‌دهد که در قرآن کریم تدبر کنید» (بیانات در دیدار قاریان مسابقات بین‌المللی قرآن، ۱۳۸۵/۷/۴)؛ تلاوت و انس با قرآن از سفارش‌های مکرر معصومان^۸ است. حفظ قرآن به‌طور طبیعی به انس با آیات الهی می‌انجامد؛ زیرا برای تثبیت محفوظات قرآنی دست‌کم روزی چندبار به قرائت قرآن می‌پردازد. معصومان^۹ حافظان قرآن را به تکرار آیات الهی فراخوانده، یادآور شده‌اند که محفوظات قرآن اگر پیوسته مورد مراجعه و تکرار قرار نگیرد از خاطر زوده می‌شود (حجاج نیشابوری، ۱۳۹۶: ۵۴۴) به نظر می‌رسد حافظ ناگزیر با قرآن انس می‌گیرد و زمینه هدایت و سعادتش فراهم می‌آید. حضرت علی^{۱۰} در خطبه ۱۷۵ می‌فرماید: «هیچ‌کس با قرآن همنشین نمی‌شود مگر اینکه از کنار آن با افزایش یا کاهش برمی‌خیزد افزایش هدایت یا کاهش گمراهی است» نفوذ قرآن در جان‌ها و پدیدآوردن تحول در شخصیت افراد نیز از آثار سازماندهی تلاوت و حفظ قرآن است.

ذکر این نکته در تبیین نکات فوق لازم است که حفظ قرآن کریم امری روشمند است. در این باره کتاب‌های متعددی به نگارش در آمده‌اند که مراجعه به آنها می‌تواند جهت حفظ قرآن کریم مؤثر باشد. حفظ قرآن کریم را می‌توان به دو صورت ترتیبی و موضوعی انجام داد. مراد از حفظ ترتیبی یعنی حفظ سوره‌های قرآن بر اساس ترتیب سوره‌ها در مصحف و مراد از حفظ موضوعی، انتخاب آیاتی که در یک یا چند موضوع مشخص مانند آیات ولایت یا آیات معاد یا غیر آن که آنها را در یک زمان معینی حفظ کرد. البته در ضمن حفظ آیات قرآن کریم به آیات مشابه برخورد می‌شود که در همه یا قسمتی از عبارت‌ها با هم شبیه هستند و حفظ آنها نیز دارای دقت و روش‌های مخصوص به خود می‌باشد. کتاب «الایقاظ لتذکیر الحفاظ بالآیات المتشابهة الالفاظ» نوشته جمال عبدالرحمان به همین منظور تألیف شده است (جمال عبدالرحمان، ۱۴۲۵). همچنین درسنامه حفظ قرآن کریم اثر محققان، محمد حاج ابوالقاسم، سید مصطفی حسینی و علی قاسمی نیز از آثاری است که در این رابطه تألیف شده است (حاج ابوالقاسم، حسینی، قاسمی، درسنامه حفظ قرآن کریم). مصطفی مراد از اساتید دانشگاه الازهر نیز کتابی با عنوان «کیف تحفظ القرآن» به رشته تحریر در آورده است (مصطفی مراد، ۱۴۲۵).

سه. مدیریت اوقات فراغت و همراه داشتن قرآن

یکی از راهکارهای مدیریتی برای انس جوانان با قرآن در سخنان مقام معظم رهبری مدیریت اوقات فراغت و همراه داشتن قرآن است. مدیریت اوقات فراغت به معنای استفاده بهینه و مفید از زمان، طبق برنامه و درست عمل کردن و از کارها و رفتارهای واکنشی پراکنده و ناسنجیده پرهیز کردن است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «باید رابطه‌مان را با قرآن روزبه‌روز محکم‌تر کنیم در خانه‌ها قرآن بخوانیم در هنگام بیکاری چنانچه مختصر فراغت‌ی پیدا کردیم خودمان را به قرآن وصل کنیم. هر روز مقداری قرآن بخوانیم و آن را فرا بگیریم» (بیانات در دیدار جمعی از قاریان، ۱۳۷۰/۱۱/۱۷).

در جایی دیگر می‌فرمایند: «من در مشهد جلسه تفسیر و درس قرآن داشتم به جوانانی که می‌آمدند می‌گفتم که هر کدام از شماها یک نسخه قرآن در جیب بغلتان داشته باشید اگر در جایی منتظر کاری می‌ایستید و فراغت‌ی پیدا می‌کنید، قرآن را باز کنید و به تلاوت آن مشغول شوید تا به این کتاب انس پیدا کنید ما در طول هشت سال جنگ زیر آتش و تفنگ، جوانی را در جبهه‌ها داشتیم که به مجردی که بر زمین می‌نشستند، مشغول قرآن خواندن می‌شدند» (بیانات در دیدار قاریان مصری، ۱۴۷۰/۱۱/۳).

هر فرد باید با برنامه‌ریزی دقیق کارهای مثبت خود را با تنظیم خاصی بین ساعات شبانه‌روز تقسیم کند و هر چند ساعت را برای انجام کاری قرار داده و به این برنامه و نظم ادامه دهد همانطور که خداوند ساعات نماز و روزه را برای مسلمانان تعیین کرده است، آدمی نیز باید فعالیت‌های شخصی و خانوادگی خود را با برنامه‌ریزی دقیق انجام دهد تا بتواند با رعایت تعادل میان فعالیت‌های شخصی و اجتماعی، زمان خود را مدیریت کند، امام کاظم (علیه السلام) فرموده‌اند: «تلاش کنید که وقت شما چهار ساعت باشد: ساعتی برای مناجات با خدا، ساعتی برای کار زندگی، ساعتی برای معاشرت با برادران و اشخاص مورد اعتماد که شما را از عیب‌هایتان آگاه نمایند و از دل با شما خالص و یک‌رو باشند و ساعتی که در آن برای لذت‌های غیر حرام خویش خلوت کنید و با این ساعت، برای سه ساعت دیگر نیرو می‌یابید. به خود تلقین تنگدستی و عمر دراز ننمایید؛ چرا که هر کس تنگدستی را به خود تلقین کند بخیل گردد و هر کس به خود عمر دراز را تلقین کند زیاده‌خواه شود. برای خویشتن سهمی از دنیا قرار دهید، به آن مقدار به خویشتن بدهید که حلال خواهد و جوانمردی را از بین نبرد و زیاده روی در آن نباشد و با این سهم از دنیا، برای کارهای دینی یاری جوید؛ زیرا روایت شده است که «از ما نیست هر که دنیایش را برای دینش رها سازد یا دینش را برای دنیایش رها نماید» (حرانی، ۱۳۹۳: ۴۰۹/۱). با استناد به آیات و



روایات و با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری هر انسانی باید برای تمام مراحل زندگی خود برنامه مدون و دقیق داشته باشد تا از بیکاری که باعث خستگی و کم شدن نشاط، تبلی و فرسودگی و حتی مایه فساد و ابتلای انواع گناهان است نجات یابد بدین ترتیب مدیریت اوقات فراغت می تواند مشکلات احتمالی را پیش بینی و برای آنها چاره اندیشی کند.

راهکارهای آموزشی (معرفتی)

یکی دیگر از راهکارهایی که جوان با قرآن مانوس می شود طبق فرمایش مقام معظم رهبری راهکارهای معرفتی است. قرآن باید در همه فضای ذهنی و عملی جامعه اسلامی به طور کامل حضور یابد و این جز با پرداختن مجدّدانه به فراگیری آن میسر نخواهد بود و امر مهم فراگیری قرآن کریم و شناخت کافی نسبت به مفاهیم قرآن در فرمایشات گهربار امام خامنه‌ای به وفور یافت می شود. در این نگارش به چند مورد از مهمترین راهکارهای معرفتی از دیدگاه ایشان اشاره شده است.

یک. فراگیری قرائت صحیح و مفاهیم قرآن

فراگیری قرائت صحیح در این مرحله و رسیدن به مفاهیم قرآن کریم خود دارای مراحل است که به ترتیب بیان می شود:

مرحله اول: فراگیری روخوانی و روانخوانی قرآن کریم

توجه به این نکته در ابتدا لازم است که آشنایی با ظاهر و الفاظ قرآن دو مرتبه دارد: الف) مرتبه عمومی و سطحی که عبارت است از آشنایی با روخوانی و روان خوانی از يك سو و مفاهیم سطحی و عام قرآن در حد ترجمه، از سوی دیگر. ب) مرتبه عمیق و اختصاصی که عبارت است از آشنایی با تجوید و صوت و لحن از يك سو و تسلط بر مفاهیم قرآن در حد تفسیر، از سوی دیگر. (سعدی، ۱۳۸۶: ۸۸).

صحت روخوانی یا همان درست خوانی، یعنی قاری بتواند قرآن را، صحیح بخواند، صداهای کوتاه و کشیده را تشخیص دهد، سکون و تشدید و مد و تنوین را رعایت کند، حروف مقطعه را بداند، رفع التقاء ساکنین را انجام دهد و وقف بر آخر کلمات را با وقف در مباحث تجوید، خلط نکند. اگر قاری تمام این موارد را رعایت کند، آن گاه يك روخوان است و اگر توانست بر آن ها تسلط کامل پیدا کند، آنگاه روان خوان است. پس روان خوانی بعد از روخوانی است. روان خوانی بدون استاد، هرگز به انجام نمی رسد (معرفت، ۱۳۹۳: ۲۰۵).

مرحله دوم: فراگیری تجوید قرآن کریم

تجوید در لغت به معنای نیکو کردن و تحسین و در اصطلاح عبارت است از تلفظ هر حرفی از مخرج آن، با در نظر گرفتن و رعایت حق حرف (صفات ذاتی که لازمه حرف است) و مستحق حرف (احکام و صفات عارضی که بر اثر ترکیب حروف ناشی می شود) (حبیبی/شهیدی پور، روان خوانی و تجوید قرآن کریم، ۱۳۷۳ش، ص ۹۶).

برخی نیز این گونه به تعریف تجوید پرداخته اند که تجوید صحیح خواندن قرآن و خوب ادا کردن حروف و شناختن وقف هاست (معینی، ۱۳۸۹: ۴۷۷/۱). مراد از کتب تجویدی، کتبی است که درباره الفاظ قرآن کریم از حیث نحوه تلفظ آنها و اصول حاکم بر تلفظ آنها بحث می نماید. ابن جزری در تعریف تجوید می نویسد: تجوید آرایه تلاوت و پیرایه قرائت و اعطای حقوق حروف به آنها و حفظ و ترتیب و مراتب آنها و باز آوردن حرف به مخرج و اصل آن و پیوستن آن به نظیرش و تصحیح لفظ و تلطیف زبان با نظر به صیغه و ساختمان هر کلمه بدون اسراف و تکلف و افراط است (ابن جزری، بی تا، ۲۱۱/۱). همه تعاریف فوق به یک جهت اشاره دارد، هر چند زاویه دید و شیوه بیان در ظاهر مختلف می باشد.

مرحله سوم: فراگیری مفاهیم و لغات قرآن کریم

از دیدگاه رهبر انقلاب قدم اول برای عمل کامل به قرآن کریم آشنایی و فراگیری جوانان و نوجوانان با متن قرآن کریم است به عقیده ایشان جان مایه این مرحله استمرار در کار است و انس با قرآن در این مرحله پی ریزی می شود. اگر بخواهیم قرآن در فضای ذهنی و کشورمان رواج پیدا کند مفاهیم قرآن، مفاهیم رایج در ذهن ها و فکرها شود و معارف قرآن، حاکم بر ذهنیت جامعه گردد و حتماً احتیاج داریم به اینکه افراد جامعه همه بتوانند قرآن را درست قرائت نمایند. به همین منظور مقام معظم رهبری چنین فرموده اند: «عامه مردم با قرآن انس بگیرند، این انس حرکت به سوی فراگیری مفاهیم قرآن را تضمین می کند» (بیانات در دیدار جمعی از قاریان، ۱۳۶۸/۱۱/۲۰). انس با قرآن کریم در این مرحله (فراگیری قرائت صحیح قرآن) پی ریزی می شود. به همین دلیل، بسیاری از تأکیدات و توصیه های ایشان ناظر به همین مرحله است. ایشان در مرحله روان خوانی بر تلاوت زیبا تأکید دارند. البته عقیده دارند: «نباید پرداختن به این امر، موضوع اصلی مراجعه به قرآن کریم قرار بگیرد. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) تلاوتی را مفید می دانند که موجب نرمی دل و خشوع انسان گردد تا موجبات فهم معارف قرآنی را فراهم کند» (بیانات در دیدار مسابقات بین المللی، ۱۳۹۱/۴/۴). آموزش قرآن در سیره پیامبر ﷺ از طریق «اقرا» و «اسماع» دنبال می شد (معارف، ۱۳۸۳: ۱۴۹) اقرا به معنای آموزش عبارات و مفاهیم



به صورت توأمان بود. رسول خدا ﷺ در زمان اقرء، حقایقی از مفاهیم را بیان می فرمود (همان، ۲۲۴). با این وجود از این مطالب چنین برداشت می شود که اگر فردی بخواهد کلام الهی در باطنش رسوخ کند و در دریای بیکران معارف قرآنی وارد شود، اولین قدم آشنایی با مفاهیم و لغات قرآنی است. زیرا شروع در هر علمی خصوصاً علوم دینی مقدمه شروع آن است تا خوض کننده در آن مانند بنایی که بر غیر اساس بنیان شده نباشد.

دو. مطالعه و شناخت تفسیر قرآن کریم

از جمله کارهایی که مقام معظم برای انس بیشتر با قرآن در بیاناتشان سفارش کرده اند جلسات تفسیر است و بیان می کند که تفسیر بسیار بسیار مهم است. کسانی که بلد هستند و با قرآن انس دارند مطالعه کنند فکر کنند و مباحث تفسیری بیان کنند و سطح معارف جامعه را بالا بیاورند باید جوری بشود که جامعه ما مرد و زن و جوان های ما با معارف قرآن انس بگیرند اصلاً معارف قرآنی حاکم بر ذهن ها باشد (بیانات در محفل انس با قرآن، ۱۳۹۸/۲/۱۶) شاید بسیاری از جوانان به شوق فهم معارف بلند قرآنی و بکارگیری آن در زندگی به قرآن کریم مراجعه می نمایند. برخورداری از تفسیر آیات و شناخت مفاهیم و پیام های آن، نیازمند آگاهی به زبان عربی، مباحث علوم قرآنی، اسباب نزول، روایات تفسیری تلاوت مداوم و فراوان، آشنایی با ادبیات حاکم بر آیات و مراجعه به تفاسیر می باشد، که برای عموم جوانان امکان دستیابی بدان ممکن و میسر نمی باشد اما برای مشتاقان راهی هموار خواهد بود. با توجه به تأکیدات معظم له کسانی که از این علم مهم برخوردار هستند به راحتی می توانند با برگزاری دوره های تفسیر قرآن یا ارائه تفسیر قرآن به صورت کتاب به ترویج فرهنگ قرآنی و مانوس شدن با آیات قرآن کمک شایانی نمایند با این توانمندی که مفسر قرآن دارد به راحتی می تواند علاوه بر تلاوت قرآن، مفهوم و مضمون قرآن به جوانان و مردم آموزش دهد. بنابراین علم تفسیر قرآن اگر توسط اهلش باشد یعنی تفسیر به رأی نباشد و همراه با پیش داوری نباشد می تواند نقش مهمی در مانوس شدن جوانان با قرآن ایفا نماید.

ایشان در باب اهمیت تفسیر می فرمایند: دوم چیزی هم که لازم داریم و حوزه باید بدهد، تفسیر است. امروز شبهه وجود دارد و ما به تفسیر نیازمندیم. يك وقت ایشان [آیت الله مشکینی] می خواستند يك ترجمه قرآن بنویسند - خوب، ایشان از کسانی هستند که حقیقتاً هرچه لازم بدانند، در هر سطحی که باشد، اقدام می کنند؛ این هم از بزرگواری خُلق برجسته ی ایشان است - من گفتم به نظر من امروز واجبتر از ترجمه ی قرآن، يك تفسیر صافی است. ما امروز يك تفسیر صافی لازم داریم. فیض در زمان خودش، تفسیر صافی نوشت؛ ما امروز يك تفسیر صافی نداریم. تفسیرهای مفصل عربی و فارسی

داریم؛ تفسیر صافی هم اگرچه تفسیر خوبی است، اما باب امروز نیست. امروز با توجه به مسائل، سؤالات و اشکالاتی که وجود دارد، برای توقعاتی که انسان می‌خواهد از قرآن به دست آورد، یک تفسیر صافی لازم داریم (حوزه و روحانیت، بی‌تا، ۱۱۲۶).

از دیدگاه ایشان باید ائمه جمعه و علمایی که در شهرها هستند برای مردم تفسیر بگویند: من اطلاع دارم در بعضی از شهرها، آقایان ائمه جمعه، ارتباطات خوبی با مردم دارند؛ مثلاً جلسات دارند. اینجا هم عیبی ندارد اسم بیاورم؛ من به بوشهر که رفتم، دیدم امام جمعه محترم آنجا، جلسات متعددی برای مردم دارند؛ در شب‌های متعددی از هفته، برای گروه‌های مختلف، جلسه تفسیر قرآن، جلسه اعتقادات و جلسه اخلاق دارند. حداقل یک وعده نماز جماعت در شبانه‌روز، برای اینکه مردم در نماز شرکت کنند، چیز بسیار خوبی است (بیانات، ۳۷/۱۴).

ذکر این نکته لازم است که همه تفاسیر قرآن در یک حد نیستند و بر اساس آسانی و سختی باید آنها از آسان به سخت دسته‌بندی نمود تا تفاسیری را که برای عموم سودمند است معرفی کرد. در میان تفاسیری که برای قرآن کریم نوشته شده است به نظر می‌رسد تفسیر نور محسن قرآنی و در مرحله بعد تفسیر نمونه ناصر مکارم شیرازی تفاسیری هستند که برای عموم مفید هستند. البته تفسیر نسیم حیات ابوالفضل بهرامپور نیز می‌تواند تفسیر مفیدی به شمار آید. تفسیر مهر اثر محمد علی رضایی اصفهانی نیز برای قشر دانشجو تفسیری مثر ثمر خواهد بود.

در کنار مطالعه تفاسیر ترتیبی قرآن کریم، تفاسیری نیز که درباره موضوعات قرآنی نوشته می‌شوند و بر اساس یک موضوع هستند نیز سودمند است. تفاسیری موضوعی که برای عموم مردم مفید است می‌توان به پیام قرآن ناصر مکارم شیرازی و منشور جاوید جعفر سبحانی اشاره داشت.

سه. فراگیری تدبیر و فهم آیات قرآنی

از دیدگاه رهبر انقلاب یکی از راهکارهای آموزشی و معرفتی انس با قرآن تدبیر و تأمل در لایات قرآن است. در واقع اگر تدبیر و تأمل به خوبی صورت گیرد، انس با قرآن کریم به هدف خود یعنی عمل قرآنی نزدیک خواهد شد. به نظر ایشان: «خواندن قرآن، قرآن لحن و تجوید قرآن، حفظ قرآن،... این‌ها همه مقدمه است، مقدمه‌ای است برای فهمیدن شما جوان‌های عزیز با قرآن با این احساس روبرو شوید که باید فهم و معارف قرآن را برای زندگی شخصی و اجتماعی و حکومتی‌تان فرا بگیرید و آن را به منصفه عمل در بیاورید. به این مقید شوید که تدبیر لازم است، تدبیر یعنی اندیشیدن در مفاهیم قرآنی، این سخن عمیقی است و باید در آن تدبیر داشته باشیم. گوینده آن ذات اقدس الهی است کلمات آن هم از آن ذات اقدس الهی است. یعنی الفاظش نه فقط مفاهیمش لذا باید در آن دقت کرد باید آن را فهمید باید در آن غور کرد اینها حاصل نمی‌شود مگر با انس با قرآن» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۳۹۷/۲/۶).



تدبر در آیات قرآن باعث می‌شود که فرد در پاسخ‌گویی به مسائل زندگی و شبهات توانمند گردد. یکی از دغدغه‌های ما پاسخ‌گویی به سوالات ما است همچنین زندگی، توأم با مشکلات است و انسان، در پی راه حل آنها است. یکی از آثار انس با قرآن، ارائه همین راه حل‌ها است. رهبر معظم انقلاب اسباب بازگشایی گره‌ها را تدبر در حکمت‌های قرآنی دانسته و چنین توصیه می‌کنند: «باید به قرآن نزدیک شد. شما جوان‌های عزیز و همه جوان‌هایی که این حرف را در سرتاسر کشور می‌شنوید، بدانید در قرآن حکمت هست... عقده‌هایی که بر اثر چالش‌های موجود مادی دنیا در دل و جان انسان به وجود می‌آید، سرانگشت حکمت قرآنی می‌تواند همه این عقده‌ها را باز کند...، امید می‌دهد، نور می‌دهد، عزم راسخ برای حرکت در صراط مستقیم می‌دهد. با قرآن باید مواجه شد و این‌ها را گرفت» (بیانات در دیدار قاریان قرآن کریم، ۱۳۸۴/۷/۱۴) یکی از اهداف آموزش و موثر بر فهم آن تدبر است. تدبر عبارت است از تفهم روشمند مجموعه‌ای منسجم ظاهر عبارات قرآن و تکمیل‌کننده مهارت‌هایی چون قرئت و تلاوت که پس از آنها قرار می‌گیرد و موجب انس بیشتر با ظاهر الفاظ و عبارات می‌شود و در نتیجه موجب فهم بیشتر آیات و سور می‌گردد (الهی‌زاده، ۱۳۹۲).

«جریان تدبر»، همان «جریان تلاوت راستین قرآن» می‌باشد که از «قرئت» شروع و با «فهم عمیق» ادامه یافته و به «عمل» ختم می‌گردد؛ این معنی، همان گونه که در مقدمه مباحث گذشت در تفسیر آیه «يَتْلُوهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ» وارد شده است: «فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: يَتْلُوهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ: يَرْتَلُونَ آيَاتِهِ وَ يَتَفَهَّمُونَ مَعَانِيهِ وَ يَعْمَلُونَ بِأَحْكَامِهِ وَ يَرْجُونَ وَعْدَهُ وَ يَخْشَوْنَ عَذَابَهُ وَ يَتَمَثَّلُونَ قِصَصَهُ وَ يَعْتَبِرُونَ أَمْثَالَهُ وَ يَأْتُونَ أَوْامِرَهُ وَ يَجْتَنِبُونَ نَوَاهِيَهُ، وَ مَا هُوَ - وَ اللَّهُ - بِحِفْظِ آيَاتِهِ وَ سِرِّدِ حُرُوفِهِ وَ تِلَاوَةِ سُورِهِ وَ دَرَسِ أَعْشَارِهِ أَوَّامِرِهِ، حَفْظُوا حُرُوفَهُ وَ أَضَاعُوا حُدُودَهُ وَ إِنَّمَا هُوَ تَدَبُّرُ آيَاتِهِ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ...» (میزان الحکمة، ۸/۸۴) (نقی‌پورفر، ۱۳۸۱: ۳۷۵).

۳. راهکارهای انگیزشی

یکی از موانع انس با قرآن عدم شناخت عظمت قرآن و کاربردی نبودن آموزه‌های ارائه‌شده از قرآن در مسائل زندگی است جوانان با توجه به آرمان‌طلبی که مقتضای این دوران است برای اموری که شناخت دقیقی از کاربرد آن ندارند تلاش چندانی نمی‌کنند و چون زمینه‌های بی‌انگیزگی در جامعه به اندازه کافی وجود دارد از این رو برخی از این جوانان انگیزه لازم و کافی را برای انس با قرآن پیدا نمی‌کنند؛ به همین علت، این راهکار به جوانی که می‌خواهد انس پیدا کند امری مهم و شایسته به نظر می‌آید. در ذیل به مهم‌ترین آنها اشاره خواهد شد.

یک. توجه به جنبه‌های مختلف زیبایی قرآنی و ترغیب در تدبیر آنها

از جمله راهکارهای انگیزشی که در بیانات مقام معظم برای مأنوس شدن جوانان به قرآن به آن اشاره شده است توجه به جنبه‌های مختلف زیباشناسی قرآن می‌باشد. ایشان قرآن را منبع نور و حقیقت می‌دانند و می‌فرمایند: «قرآن کتاب نور، کتاب معرفت و نجات، کتاب سلامت و رشد و تعالی، کتاب قرب و انس به خدا است و چنین بیان می‌کنند که اگر با قرآن انس بگیرید دل و جان شما نورانی می‌شود به برکت قرآن بسیاری از ظلمات و ابهام‌ها از قلب و روح انسان زدوده می‌گردد به وسیله قرآن است که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ ما در زمینه زندگی و آینده در زمینه تکلیف کنونی و در زمینه هدف از بودن و در بسیاری از زمینه‌های دیگر محشون به جهالت‌ها هستیم و قرآن برای انسان معرفت می‌آورد اگر یاد گرفتیم که با قرآن به صورت تدبیر انس پیدا کنیم همه خصوصیتی که گفتیم حاصل خواهد شد» (بیانات در مراسم اختتامیه قرآن، ۱۴/۱۰/۱۳۷۳).

حال توجه به جایگاه والای قرآن کریم رغبت انسان را برای ایجاد انس با قرآن بیشتر و زیباتر می‌نماید که آن را می‌توان از زوایای گوناگون مورد بررسی و شناخت قرار داد؛ گرچه عمق و عظمت آن به طوری والا و گسترده است و ما را توان درک کامل عظمت آن نیست. قرآن کریم بهترین و زیباترین گفتارها است: ﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ﴾ (زمر: ۳۳) در آیه ۸۲ سوره اسرا خداوند می‌فرماید: «آنچه از قرآن می‌فرستیم شفای دل و رحمت الهی برای اهل ایمان است». با توجه به این اوصاف که گوشه‌ای مختصر از هزاران وصف پیرامون قرآن است کدام رفیق و مونس است که در همه جا و در همه حال با انسان بوده و آرامش بخش دل و جان انسان باشد؟! فصل جوانی که انسان به دنبال صرف سلاقی و عشق و توانمندی‌های خود در بهترین راه است همواره به دنبال پیدانمودن بهترین رفیق می‌باشد. کدام دوست و آرامش بخش دل بهتر از قرآن می‌تواند پیدا نمود؟! امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «هر کس با قرآن انس بگیرد دوری برادران و دوستان او را وحشت زده نمی‌کند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱/۱۴۲).

دو. همنشینی با شخصیت‌های مأنوس قرآنی

یکی دیگر از راهکارهای تأثیرگذار بر تقویت انس با قرآن برای جوانان همنشینی با قرآن‌پژوهان و قرآن‌شناسان است. از آنجا که قرآن نور است و حاملان و آراسته و آشنا به قرآن از این نور بهره‌مندند، همنشینی با این گروه خود بر انس با قرآن و رابطه بهتر با خداوند تأثیر دارد. در بیانات مقام معظم تأکید ویژه‌ای به این موضوع شده است و می‌فرماید: «کسی که با قرآن مأنوس است، قلب و عملش با آن کسی که با قرآن بی ارتباط است فرق دارد. جوانان پاکدل انقلابی ما این رابطه را روز به روز با قرآن بیشتر



کنید؛ در خانواده‌ها عطر قرآن را در فضا منتشر کنید، در قرآن تدبیر نمایید. دشمن نمی‌خواهد آیات قرآن را مثل علم در دست بگیرند چون قرآن تکلیف‌ها را معین کرده است، تکلیف زندگی اسلامی، تکلیف مرگ اسلامی را. از کسانی که با قرآن آشنایی بیشتری دارند و عمرشان را با قرآن گذرانده‌اند استفاده کنید. البته که قرآن یک دریای عمیق و واسع می‌باشد و نهایتی ندارد. هرچه پیش بروید چه در سطح قرآن و چه در اعماق آن همچنان امکان سیر و پیشرفت وجود دارد» (بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۷۰/۱۱/۱۷).

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) دیدار اعضای کنگره بزرگداشت استاد شهریار ایشان را به‌عنوان الگوی بارز قرآنی معرفی می‌نمایند و می‌فرمایند: «یک نکته اساسی درباره استاد شهریار این است که اگر رویش تکیه کنیم به نظرم شایسته است آن نکته هم این است که شهریار در دوران مهمی از زندگی اش، دوران عرفانی و معنوی بسیار زیبایی را گذراندند و به انس با قرآن انس با معنویات و خودسازی پرداخت یعنی به خودش رسید و سعی کرد باطن و معنویت خودش را صفایی بخشد.» (بیانات در دیدار اعضای کنگره بزرگداشت استاد شهریار، ۱۳۷۱/۹/۱۱).

با ملاحظه بیانات مقام معظم برداشت می‌شود که اگر جوان‌ها وجود خود را در پرتو قرآن قرار دهند، در پی کسب معارف قرآن باشند در می‌یابند که منظور از انس با قرآن فقط تلاوت ظاهری آن نیست و در دستورات اسلامی فقط توصیه به تلاوت قرآن نشده بلکه توصیه مکرر به بهره‌مندی از معارف قرآن شده است. یکی از مباحثی که در قرآن اهتمام خاصی به آن شده الگودهی به جوانان از جهات مختلف است که این نشان‌دهنده اهمیت دوران جوانی برای انس با قرآن است از نمونه‌های قرآنی حضرت موسی (علیه السلام) است که در جوانی شاگردی حضرت خضر می‌نماید و همواره به دنبال نصب علم و افزایش دانش است.

سه. کاربردی‌کردن و عمل به آموزه‌های قرآنی

سومین راهکاری که در مقاله حاضر برای تأثیرگذاری و انگیزه‌سازی جوانان نسبت به انس با قرآن کریم از منظر معظم‌له اشاره شده، کاربردی‌کردن مسائل قرآنی و عمل به آنها است. انس با قرآن کریم در بین اقشار مختلف جامعه باید رواج پیدا کند و جامعه برای عمل به قرآن کریم نزدیک شود. مقام معظم رهبری برای قرآن کریم حقی قائل هستند و احقاق حق کریم را تنها در خواندن و صرف دانستن مفاهیم و معارف قرآن کریم نمی‌دانند؛ بلکه حق کامل آن را عمل به آن می‌دانند و می‌فرمایند: «عمل خودمان را باید قرآنی کنیم، الهی کنیم. به گفتن نیست، به زبان نیست، به ادعا کردن نیست؛ باید در عمل، در این راه حرکت کنیم و قدم برداریم. با قرآن که انس می‌گیرید، قرآن را که تلاوت می‌کنید، هر جایی دستوری

است، هدایتی است، نصیحتی است، در درجه اول سعی کنید آن را در وجود خودتان، در باطن خودتان، در دل خودتان پلیدار کنید و آن را به عمل خودتان نزدیک کنید. هر کدام از ما اگر در عمل این را متعهد شدیم: امعه پیش خواهد رفت؛ امعه قرآنی خواهد شد» (بیانات در دیدار قاریان ۱۳۹۱/۴/۳۱).

ایشان عمل به قرآن کریم را به معنای باور به وعده صدق و حق قرآن کریم می دانند و در این رابطه به آیه «و تمت کلمه ربک صدقاً و عدلاً لا یبدل لکلماته» (انعام: ۱۱۵) استناد می کنند. ایشان در مورد چگونگی عملی کردن قرآن کریم می گویند: «با قرآن کریم که انس می گیرید، قرآن کریم را که تلاوت می کنید، هر جایی دستوری است، هدایتی است، نصیحتی است، در درجه اول سعی کنید آن را در وجود خودتان، در باطن خودتان، در دل خودتان پلیدار کنید و آن را به عمل خودتان نزدیک کنید. هر کدام از ما اگر در عمل این را متعهد شدیم: امعه پیش خواهد رفت: امعه قرآنی خواهد شد (در دیدار قاریان، ۱۳۹۱/۴/۳۱).

به این صورت که باور به این آیات قرآنی می تواند شکل دهنده مبانی عملی انسان در مقابل دشمن و همچنین اجرای تعهدات و مسئولیت ها در داخل کشور باشد.

تعبیر مختلفی از پیامبر ﷺ در مورد عمل به قرآن رسیده است؛ به عنوان نمونه پیامبر ﷺ فرمود: «به قرآن عمل کنید و حلالش را حلال بشمارید و از حرامش اجتناب کنید و به آن اقتدا نموده و به هیچ چیز آن کفر نوزید» (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲: ۷۵۷/۱، ح ۲۰۸۶) هر جوان با ایمانی که به تلاوت قرآن بپردازد، قرآن با گوشت و خون او آمیخته شده و پروردگار، او را در ردیف فرشتگان قرار می دهد و قرآن، نگاهبان او در روز قیامت خواهد بود... و آنکه در این امر، متحمل دشواری بیشتری شود، پاداش او دوچندان خواهد بود (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۰۳/۲). اگرچه صرف نگاه کردن به آیات و قرائت عربی آن قرآن ثواب محسوب می شود ولی در درجه بالاتر باید قرآن را با معنا خواند و در آیات الهی تفکر داشت تا زمینه عمل به آیات هر روز بیشتر از روز قبل در ضمیرمان نهادینه گردد. بی شک برنامه ریزی برای عملی و کاربردی کردن قرآن و مسائل آن فرصت سبزی است که زمینه های انس با قرآن را در خود و اطرافیانمان فراهم کرده و خود را به یک جرعه آرامش و تفکر دعوت کنیم.

چهار. شرکت در محافل قرآنی

یکی از تأثیرگذارترین عنصر در میان جوانان در ترغیب به انس بیشتر با قرآن، برگزاری منظم محافل



قرآنی و شرکت جوانان در این مجالس می‌باشد. همچنین برگزاری منظم هدفمند مسابقات قرآنی می‌تواند زمینه مناسب انس با قرآن برای جوانان را در پی داشته باشد. محافل قرآنی با محوریت تلاوت لایات با صوت خوش و ارثه مفاهیم دقیق و مناسب یکی از راهکارهای گرایش جوانان به قرآن کریم است در این مجالس جوانان با زیبایی‌های ظاهری و معارف قرآنی بیشتر آشنا می‌شوند. کانون‌های قرآنی نیز می‌توانند در راه ترویج و نشر فرهنگ قرآنی و تقویت انس با قرآن در میان جامعه خصوصاً جوانان بسیار موفق باشند. رهبر انقلاب جمهوری اسلامی این‌گونه مجالس را بی‌تأثیر در انس با قرآن نمی‌دانند و تأکید دارند که برگزاری این مجالس در مساجد و مدارس و مراکز آموزشی حتی در خانه‌ها در اولویت قرار داده شود (بیانات در دیدار مردم بوشهر بخش دلوار، ۱۳/۱۰/۱۳۷۰).

ایشان می‌فرمایند: «همه مردم خصوصاً جوانان به نماز، مسجد، عبادت اهمیت بدهند. هر چه امروز این کشور از عظمت و عزت و قدرت به دست آورده است در سایه قرآن و اسلام و نماز و ذکر خدا است؛ هم باید به درس و کار توجه شود و هم باید به تدین که تدین پشتوانه همه این‌ها است با نماز مسجد جلسات دینی و قرآنی باید انس پیدا کنید. اگر بتوانیم با قرآن انس بگیریم معارف قرآن را جان و دل خودمان نفوذ دهیم زندگی ما و جامعه ما قرآنی خواهد شد این جلسات و دوره‌های قرآنی این مسابقات قرآنی به خاطر این است این‌ها همه مقدمه است برای جامعه قرآن ولی مقدمات لازمی است.» (بیانات در دیدار قاریان قرآن، ۲۴/۴/۱۳۸۹).

مقام معظم رهبری جلسات و مسابقات قرآن را بهانه‌ای برای مطرح شدن قرآن و نزدیک شدن به حقیقت قرآن و روح آن می‌دانند و می‌فرمایند «اگر در جوامع بشری قرآن حاکم باشد هم سعادت دنیوی و هم علو معنوی است» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۱۸/۳/۱۳۹۲). پیامبر ﷺ در خصوص محافل قرائت قرآن می‌فرمایند: «هیچ جلسه قرآنی برای تلاوت و درس در مجلسی از مساجد خدا برقرار نشد؛ آرامش بر آنان نازل شد و رحمت در برشان گرفت و فرشتگان در اطراف آنان حلقه زدند و خداوند در میان کسانی که در نزدشان هستند از آنان یاد کرد.» (نوری، ۱۴۰۸: ۳۶۳/۳). بنابر آنچه گفته شد لازم است محافل قرائت در سطح جامعه به‌صورت گسترده تشکیل گردد تا باعث پیشرفت معنوی جامعه گردد و قرآن به‌عنوان کتاب زندگی مورد توجه و عنایت ویژه قرار گیرد. بنابراین یکی از راه‌ها همین است که قرآن مایه انس جوانان و مردان و زنان باشد که یکی از برکات برگزاری جلسات و مسابقات قرآنی رسیدن به این هدف است.

نتیجه گیری

پژوهش پیش رو در مقایسه با سایر منابع مطالعه شده به منظور ارائه راهکارهای پیش روی جوانان برای انس گرفتن با قرآن از منظر مقام معظم رهبری انجام گرفته شده است. در این نگارش سعی شد با استناد به آیات و روایات و با عنایت به چشم انداز مقام معظم رهبری پیشنهاد کاربردی و علمی ارائه شود. گفته شده که شناخت راهکارهای مأنوس شدن با قرآن از دیدگاه رهبر انقلاب باعث ترغیب و جنبش جوانان به سمت کلام نورانی وحی می گردد. برای اینکه جوان به شکوفایی برسد از راهکارهای معنوی، مدیریتی، معرفتی و انگیزشی استفاده می شود و جوانی که بر اساس این راهکارها در راه تربیت معنوی خود گام بردارد، انسانی مومن و متعهد به ارزش های اسلامی خواهد بود. نخستین گام مؤثر در مقاله حاضر برای داشتن روحیه قرآنی به کارگیری راهکارهای معنوی از جمله استعانت از خداوند متعال، مداومت داشتن یاد خداوند، همچنین خلوص نیت و تزکیه نفس است. اگر جوان بخواهد به هدف والای قرآنی دست یابد به کارگیری راهکارهای مدیریتی در کنار راهکار معنوی امری ضروری است. از راهکارهای مدیریتی که در فرمایشات مقام معظم رهبری در این مقاله بررسی شده: برنامه ریزی برای تلاوت روزانه آیات و استماع آنها، برنامه ریزی برای حفظ قرآن کریم و همچنین مدیریت اوقات فراغت است. هر فردی اگر بخواهد در هدفش موفق گردد نیاز به آموزش و شناخت دقیق دارد، بنابراین راهکارهای آموزشی در این نگارش از منظر مقام معظم رهبری: فراگیری قرائت صحیح و مفاهیم قرآن، مطالعه و تفسیر سوره قرآن، فراگیری تدبیر و فهم آیات، شناخت فوائد انس با قرآن کریم است. راهکارهای انگیزشی که موجب ترغیب و تشویق جوان برای انس گرفتن با قرآن از دیدگاه مقام معظم رهبری در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است عبارت از: توجه دادن به جنبه های مختلف زیباشناسی قرآن و ترغیب تدبیر در آنها، همنشینی با شخصیت های مأنوس قرآنی، کاربردی کردن و عمل به آموزه های قرآنی همچنین شرکت در محافل قرآنی است. این پژوهش به تبیین راهکارهای پیش روی جوانان برای انس گرفتن با قرآن است از دیدگاه مقام معظم رهبری با تطابق آیات و روایات به روش توصیفی- تحلیلی پرداخته است. این نگارش به دلیل ضیق وقت و محدودیت گفتار و پراکندگی منابع مورد استفاده راهکارهای بیشتری مورد ارزیابی قرار نداده است و می توان در مقاله های مجزا برای بسط بهتر در این زمینه به پژوهش پرداخت. پیشنهاد می شود مطالعه وسیع تری جهت دستیابی به اهداف و فواید و بیان راهکارهای بیشتر از دیدگاه مقام معظم رهبری ارائه شود. انجام پژوهش های بیشتر و بررسی راهکارهایی از جنبه های مختلف برای به کارگیری آن در محیط های خانوادگی، آموزشی، پرورشی و فرهنگی کاربردی است و در تربیت جامعه قرآنی مفید واقع می گردد.



فهرست منابع

۱. ابن‌بابویه، محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، مترجم: محمد بهشتی، بی‌جا، اخلاق، ۱۳۹۳ ش.
۲. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
۳. الهی‌زاده و همکاران، تدبر در قرآن، مشهد: انتشارات تدبر در قرآن و سیره، ۱۳۹۲ ش.
۴. برازش، علیرضا، دعا از منظر حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، تهران: انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶ ش.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم: ۱، محقق: رجائی، سید مهدی، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
۶. جعفرپور، مجید، سیره فاطمی - اسوه زندگی، قم: راسخون، ۱۴۰۰ ش.
۷. جلیلیان، سعید، مراحل انس با قرآن کریم از نظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، ۱۳۹۸ ش.
۸. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، مستدرک علی الصحیحین، تحقیق: محمود مطرجی، بیروت: دارالفکر ۱۴۲۲ ق.
۹. حرانی، ابو محمد بن حسن، تحفة العقول عن الرسول ﷺ، مترجم: صادق حسن‌زاده، قم: اخلاق، ۱۳۹۳ ش.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. رضوی، سید مجتبی، و جبرئیلی، عبدالله. (۱۴۰۰). تأثیرات فردی و اجتماعی حفظ قرآن در تمدن اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب. مطالعات قرآنت قرآن، ۹(۱۷)، ۳۶-۶۳. doi: 10.22034/qer.2022.6508
۱۳. سید رضی، نهج‌البلاغه، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ش.
۱۴. شکوهی غلامحسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷ ش.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تصحیح و تعلیق: ابوالحسن شعرانی، تهران: مکتب العلمیه، ۱۳۳۸ ش.

۱۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرين و مطلع النیرین، تحقیق: احمد حسینی، بی‌جا، مکتب النشر الثقافة الاسلامیه، ۱۴۰۸ق.
۱۷. عسگری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، قم: المجمع العلمی الاسلامی، ۱۳۷۸ش.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، للعين، محقق: مهدي مخزومي و ابراهيم سامرلي، قم: دارالحجرة، ۱۴۰۵ق.
۱۹. قائمی، علی، و انان از دیدگاه نیاز؛ خواسته‌ها و مصالح، تهران، ۱۳۹۷ش.
۲۰. قرضاوی، یوسف، قرآن منشور زندگی، مترجم: عبدالعزيز سلیمی، بی‌جا، احسان، ۱۳۹۲ش
۲۱. قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم. ۱۳۷۱ش.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا، ۱۳۱۵ق.
۲۴. محدثی: واد، بر کرانه شرح چهل حدیث امام خمینی علیه السلام، قم: نشر هاجر، ۱۳۹۷ش.
۲۵. محمد غریب، فرهنگ لغات قرآن تبیین اللغاتة لتبیان الآيات، بی‌جا، بنیاد، ۱۳۶۶ش.
۲۶. معارف، مجید، مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی، تهران: نباء، ۱۳۸۳ش.
۲۷. میرزاجانی، محمد تقی، قاسمی شوب، محمد، & علیزاده منامن، عیسی. (۱۴۰۱). ابعاد هنر تلاوت قرآن کریم. مطالعات قرائت قرآن، ۱۰(۱۸)، ۲۵۵-۲۸۴. doi: 10.22034/qer.2022.7200
۲۸. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
۲۹. نیشابوری، مسلم بن حجاج صحیح مسلم، مترجم: دادود ناروئی، قاهره-مصر: دارالحديث، ۱۴۱۲ق.



References

1. Askari, Morteza, *Al-Quran al-Karim wa Riwayat al-Madrasatayn (The Holy Quran and the Narrations of the Two Schools of Shia and Sunni)*, Qom: Al-Majma' al-'Ilmi al-Islami, 1378 SH (1999 CE).
2. Barazesh, Alireza, *Dua az Manzar-e Hazrat Ayatollah Sayyid Ali Khamenei (Prayer from the Perspective of Ayatollah Sayyid Ali Khamenei)*, Tehran: Islamic Revolution, 1396 SH (2017 CE).
3. Dehkhoda, Ali Akbar, *Lughat-Nameh Dehkhoda (Dehkhoda's Dictionary)*, Tehran: Tehran University, 1373 SH (1994 CE).
4. Farahidi, Khalil Bin Ahmad, *Al-'Ayn (The Fountain)*, Editors: Mehdi Makhzumi and Ibrahim Samorrayi, Qom: Dar al-Hijrah, 1405 AH (1985 CE).
5. Hakim Neyshaburi, Mohammad Bin Abdullah, *Mustadrak 'ala al-Sahihayn (Supplement to the Two Authentic Sources)*, Editor: Mahmoud Motraji, Beirut: Dar al-Fikr, 1422 AH (2001 CE).
6. Harrani, Abu Mohammad Bin Hassan, *Tuhaf al-'Uqul 'an al-Rasul (The Gifted Intellects on the Prophet)*, Translator: Sadeq Hassanzadeh, Qom: Akhlaq, 1393 SH (2014 CE).
7. Ibn Babawayh, Mohammad Bin Ali, *Thawab al-A'mal wa 'Uqab al-A'mal (The Rewards of Good Deeds and the Punishments Bad Deeds)*, Translator: Mohammad Beheshti, N.p., Akhlaq, 1393 SH (2014 CE).
8. Ibn Manzur, Mohammad Bin Mukram, *Lisan al-Arab (The Tongue of the Arabs)*, Qom: Adab al-Hawzah Publishing, 1405 AH (1985 CE).
9. Ilahi Zadeh et al., *Tadabbur dar Quran (Reflections on the Quran)*, Mashhad: Tadabbur dar Quran va Sirah Publications, 1392 SH (2013 CE).
10. Jafarpour, Majid, *Sirah Fatimi - Aswah Zindagi (The Life of Fatima – A Role Model)*, Qom: Rasikhun, 1400 SH (2021 CE).
11. Jalilian, Saeed, *Marahil Uns ba Quran Karim az Nazar-e Maqam-e Moazzam-e Rahbari (The Stages of Intimacy with the Quran in the View of the Supreme Leader)*, 1398 SH (2019 CE).
12. Kulayni, Mohammad Bin Ya'qub Bin Ishaq, *Al-Kafi*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, 1407 AH (1988 CE).
13. Ma'aref, Majid, *Mabahesi dar Tarikh va 'Ulum-e Quran (Discussions on the History and Sciences of the Quran)*, Tehran: Nabaa, 1383 SH (2004 CE).
14. Majlisi, Mohammad Baqir, *Bihar al-Anwar (The Seas of Lights)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, N.p., 1415 AH (1994 CE).
15. Mirzajani, Mohammad Taqi, Qasemi Shoub, Mohammad, & Alizadeh Manaman, Esa (1401 SH / 2022 CE). *Ab'ad-e Honar-e Tilawat-e Quran Karim (Dimensions of the Art of Reciting the Holy Quran)*. Motale'at-e Qira'at-e Quran (Studies in Quranic Recitation), 10(18), 255-284. doi: 10.22034/qer.2022.7200

16. Mohaddesi, Jawad, *Bar Karane Sharh-e Chehel Hadith Imam Khomeini (On the Shore of the The Commentary of Imam Khomeini's Forty Hadith)*, Qom: Nashr Hajar, 1397 SH (2018 CE).
17. Mohammad Ghareeb, *Farhang-e Loghat-e Quran (Elucidating Quranic Words)*, N.p: Bonyad, 1366 SH (1987 CE).
18. Neyshaburi, Muslim Bin Hajjaj, *Sahih Muslim*, Translator: Dadood Narooei, Cairo, Egypt: Dar al-Hadith, 1412 AH (1991 CE).
19. Nouri, Mirza Hussein, *Mustadrak al-Wasail*, Qom: Moasseseh Al al-Bayt Li Ihya al-Turath, 1408 AH (1987 CE).
20. Qaemi, Ali, *Javanan az Didgah-e Niyaz; Khahesha va Masalih (Youth from the Perspective of Needs; Demands and Interests)*, Tehran, 1397 SH (2018 CE).
21. Qarzavi, Yousef, *Quran Manshoor-e Zendegi (The Quran: A Charter for Life)*, Translator: Abdul Aziz Salimi, Ehsan, 1392 SH (2013 CE).
22. Qureshi, Ali Akbar, *Qamus al-Quran (The Dictionary of the Quran)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 6th Edition, 1371 SH (1992 CE).
23. Raghieb Esfahani, Hussein Bin Mohammad, *Mufradat Alfaz al-Quran (The Lexicon of Quranic Words)*, Editor: Safwan Adnan Dawoodi, Beirut: Dar al-Shamiyyah, 1412 AH (1992 CE).
24. Razavi, Seyyed Muftaba, & Jabreili, Abdullah. (1400 SH / 2021 CE). *Ta'sirat-e Fardi va Ejtema'i-ye Hifz-e Quran dar Tamaddon-e Eslami ba Ta'kid bar Bayanieh-e Gam Dovvom Enqelab (Individual and Social Effects of Quran Memorization in Islamic Civilization with Emphasis on the Statement of the Second Step of the Islamic Revolution)*. Motale'at-e Qira'at-e Quran (Studies in Quranic Recitation), 9(17), 36-63. doi: 10.22034/qer.2022.6508
25. Sayyid Razi, *Nahj al-Balagha (The Peak of Eloquence)*, Translators: Naser Makarem Shirazi et al., Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1375 SH (1996 CE).
26. Shokoohi, Gholamhossein, *Ta'lim va Tarbiyat va Marahel An (Education and its Stages)*, Mashhad: Astan Quds Razavi, 1387 SH (2008 CE).
27. Tabarsi, Fadl Bin Hassan, *Majma' al-Bayan (The Collection of Expression)*, Editor and Commentator: Abul Hassan Sha'rani, Tehran: Maktab al-'Ilmiyyah, 1338 SH (1959 CE).
28. Tammimi Amodi, Abdul Wahid Bin Mohammad, *Ghurur al-Hikam wa Durar al-Kalim (The Excellence of Wisdom and Pearls of Speech)*, Vol. 1, Editor: Raja'i, Seyyed Mehdi, Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1410 AH (1989 CE).
29. Turaihi, Fakhr al-Din Bin Mohammad. *Majma' al-Bahrain wa Matala' al-Nayyirayn (The Confluence of Two Seas and Starting to Two Lamps)*. Editor: Ahmad Hussein. N.p.: Maktab al-Nashr al-Thaqafah al-Islamiyyah, 1408 AH (1987 CE).



The Role of Translation in Understanding the Quran: Scholars' Perspectives with Emphasis on Imam Khamenei's Perspective *

Hamidreza Tousi ¹ and Noushin Alipour ² and Ahmad Khaledi ³

Abstract



The Quran represents the primary source of religion, faith, and the essence of both material and spiritual life for humanity. Understanding the meaning of its verses holds paramount importance, especially in contemporary times. The more one comprehends the concepts and translations of the Quran in the modern era, the more they benefit from its effects, blessings, and particularly, a deeper understanding. Conversely, a lack of understanding of the Quran leaves one devoid of its guidance, blessings, and impacts. From the perspective of scholars, translation plays a crucial role in comprehending and understanding the Quran. The Quran is the most comprehensive and valuable Islamic source for guiding humanity, second only to Allah. This research focuses on the role of translation in understanding the Quran based on scholars' perspectives, particularly emphasizing Imam Khamenei's viewpoint. Employing a descriptive-analytical research method, this study delves into the significance of translation in understanding the Quran, emphasizing scholars' views and Imam Khamenei's perspective. The findings highlight that "translation" encompasses attention to context, recitations, divine teachings' comprehension, and a particular focus on fundamental meanings using Quranic keywords and core concepts according to the viewpoint of Ayatollah Khamenei and a segment of Islamic scholars.

Keywords: Translation, Understanding Quran, Recitations, Context, Imam Khamenei, Islamic Scholars.

*. **Date of receiving:** 29/05/2022, **Date of approval:** 01/05/2023.

1. Assistant Professor, Al-Mustafa International University, Qom, Iran: hamidreza_tusi@miu.ac.ir.

2. Second-level Seminary Student at Al-Zahra (S.A.) Seminary School, Deputy of Education at Shajareh Tayyibeh First High School, District 1 of Nadsa, Bandar Abbas, Iran (Corresponding Author): nalipor18@gimil.com.

3. Faculty Member affiliated with the University of Science and Research, Tehran, Iran: Khaledi.ahmad@yahoo.com.



نقش ترجمه در فهم قرآن از منظر اندیشمندان با تأکید بر دیدگاه امام خامنه‌ای*

حمیدرضا طوسی^۱ و نوشین علیپور^۲ و احمد خالدی^۳



چکیده

قرآن منبع اصلی دین، ایمان و فرهنگ معنی‌بخش زندگی مادی و معنوی انسان است. آنچه اهمیت دارد فهمیدن معنای آیات آن در همه ادوار و مخصوصاً در عصر امروزی است؛ هرچقدر انسان در عصر امروزی از مفهوم و ترجمه قرآن آگاهی بیشتری یابد از آثار و برکات آن و به‌ویژه از فهم بیشتر بهره‌مند می‌شود و برعکس اگر کسی از قرآن چیزی نفهمد به همان اندازه نیز از هدایت و آثار و برکات قرآن بی‌بهره می‌ماند. قرآن کریم جامع‌ترین و ارزنده‌ترین منبع ناب اسلامی در جهت هدایت و سعادت انسان است که از دیدگاه دانشمندان ترجمه در فهم و درک قرآن حائز اهمیت است. قرآن کریم پس از خدای سبحان از هر چیزی برتر است. نقش ترجمه در فهم قرآن از منظر اندیشمندان پژوهش انجام گیرد؛ به روش توصیفی - تحلیلی پژوهشی در خصوص نقش ترجمه در فهم قرآن از منظر اندیشمندان با تأکید بر دیدگاه امام خامنه‌ای انجام گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که «ترجمه» ناظر بر توجه به سیاق و قرائت آموزه‌های وحیانی موجب تأثیرگذاری در حوزه فهم کتاب آسمانی، انس با کتاب خدا، درک موعظه الهی و توجه خاص به معانی بنیادین در قالب کلمات کلیدی و محوری قرآن از دیدگاه مقام معظم رهبری و پاره‌ای از اندیشمندان اسلامی می‌گردد.

واژگان کلیدی: ترجمه، فهم قرآن، قرائت، سیاق، امام خامنه‌ای، اندیشمندان اسلامی.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱.

۱. استادیار جامعة المصطفی ص العالمية، قم، ایران: hamidreza_tusi@miu.ac.ir.

۲. سطح دو حوزه علمیه الزهرا س، معاون آموزشی متوسطه اول شجره طیبه منطقه یکم ندسا، بندرعباس، ایران (نویسنده مسئول): nalipor18@gimil.com.

۳. احمد خالدی، هیئت علمی وابسته دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران: Khaledi.ahmad@yahoo.com.



مقدمه

مهم‌ترین راه برای فهم آموزه‌های بلند قرآن برای کسانی که آشنایی دقیقی با زبان عربی ندارند، ترجمه قرآن است. زیرا تأثیر ترجمه در فهمیدن مفاهیم عالی قرآن برای هر فرد مسلمان خصوصاً نسل امروز و جوانان جامعه که با اندیشه‌های عصر جدید مواجه هستند، امری ضروری به نظر می‌رسد. از دیدگاه مقام معظم رهبری قرآن کریم مراحل مختلفی دارد: در مرحله نازل، «عربی مبین» است و در مرحله برتر، «علی حکیم» و بین این دو مرحله نیز مراتب متوسط است. قرآن حبل پیوسته و مستحکمی است که یک سوی آن به دست خدای سبحان و سوی دیگر آن در دست انسانها است و تمسک و اعتصام به حبل الله و انس با آن مایه سعادت و سیادت دنیا و آخرت و مرحله اصلی قرآن است که همه این امور در صورت وجود یک ترجمه روان از قرآن به همه زبان‌های دیگر به دست می‌آید. ترجمه باید خیلی قوی و متین و بدون حشو و کلام زائد است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷).

ضرورت موضوع در این است، از آن جا که تأمین حیات متألّهانه انسان با فهم دقیق از قرآن روی می‌دهد و انسان در این راه از همه ظرفیت علمی و عملی خویش بهره می‌جوید مسلماً فهم قرآن به واسطه ترجمه در همه ابعاد فردی، اجتماعی، دنیوی، اخروی و... روی می‌دهد و اگر افراد جامعه از ترجمه و فهم قرآن بی‌اطلاع و غافل و یا کم آگاهی داشته باشند و به سویی حبل متین قرآن حرکت نکنند، خسارتی در همه ابعاد فوق‌الذکر به جامعه اسلامی و افراد تحمیل می‌شود، لذا با توجه به عصر امروزی که نوعی مهبجوریت از قرآن و فهم آن در حال رخ‌دادن است و فهمیدن قرآن امری مهم در بعد ساختار معنوی افراد می‌باشد لذا ضروری است که در این خصوص پژوهش انجام گیرد تا هم قرآن در مهبجوریت نباشد و هم افراد جامعه اسلامی از آثار ترجمه و فهم قرآن در دنیا و آخرت بهره‌مند شوند.

از آغاز انتشار اسلام در سراسر جهان، نیاز مبرم به ترجمه و فهم قرآن برای تبلیغ اسلام و پیروی از آن احساس می‌شد. در میان اصحاب پیامبر اکرم ﷺ افراد غیر عرب مانند: سلمان فارسی و صهیب رومی و بلال حبشی و یهودیان و مسیحیان تازه‌مسلمان مسلط به زبانهای عربی و عبری بودند که احیاناً پاره‌ای از مفاهیم قرآن را برای هم‌زبانان خود ترجمه می‌کردند. علاوه بر این از سوی دانشمندان اسلامی ترجمه را موجب انس، توجه به کلمات کلیدی برای فهم قرآن و درک موعظه الهی دانسته‌اند.

بایستی توجه داشت که مترجم قرآن کریم علاوه بر آشنایی تخصصی و تسلط به دقایق و رموز کلامی بر هر دو زبان مبدأ و مقصد لازم است (خانی کلکای، ۱۴۰۱، ۱۰۱) به چه علوم دیگری آگاهی داشته باشد. از جمله این علوم، علم قرائات و اختلاف قرائات است به نظر می‌رسد تأثیر بسزایی در ترجمه دارند. (لک زایی قاسم نژاد: ۴۸) برای برخورداری از ترجمه‌ای دقیق، آگاهی از قرائت‌های مختلف و آنگاه انتخاب متناسب، ترجمه خود را سامان بدهد.

روشن است برای ارائه ترجمه متین و دقیق نیاز که مفهوم آیه و آیات به خوبی در نزد مترجم معلوم و مشخص باشند. این مهم آنگاه محقق می‌گردد که به سیاق و قرائت‌های متفاوت کلمات آیه، وقوف کامل و روشمند باشد. زیرا سیاق تأثیر اساسی بر فهم بنیادین معنای آیه دارد. از سوی دیگر با توجه به این که سیاق نقش مهمی در تعیین و اختیار یک وجه از قرائت دارد به‌طور غیر مستقیم بر بسامان رسیدن ترجمه مناسب اثرگذار است. در این میان مقام معظم رهبری در خصوص ترجمه قرآن و ارتباط آن با فهم قرآن در فحوای برخی بیانات خویش اشاراتی داشته‌اند.

در راستای دستیابی به پیشینه تحقیقی این موضوع کتاب‌ها و مقالات مرتبط با ترجمه و فهم قرآن بسیار هستند، به جهت رعایت اختصار به ذکر چند نمونه اشاره می‌شود: ۱. کتاب: «درسنامه فهم روشمند قرآن»، تألیف: حمید محمدی؛ ۲. مقاله: «نقش ترجمه و تفسیر در فهم قرآن» نوشته: مصطفی حسین طباطبایی.

در هر صورت وجه تمایز نوشتار حاضر با این کتاب و پژوهش در این است که موضوع این نوشتار نوآوری دارد؛ زیرا دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در خصوص تأثیر ترجمه بر فهم قرآن در آن ذکر شده و بررسی می‌شود، در حالی که در سایر پژوهش‌ها و کتب به این امر اشاره نشده است. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش این است که نقش ترجمه در فهم قرآن از منظر اندیشمندان اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خامنه‌ای چیست؟

الف. چارچوب مفهومی

در این قسمت از نوشتار به بررسی مفاهیم مورد نیاز تحقیق می‌پردازیم.

ترجمه: اصحاب لغت نظرات گوناگونی راجع به ریشه واژه «ترجمه» ارائه کرده‌اند: بعضی ریشه آن را عربی می‌دانند. این گروه بر سه دسته‌اند: بعضی مانند فِیومی از «ترجم» که چهار حرفی است دانسته‌اند (فِیومی، بی‌تا، ۹۲/۱؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۷۲/۴ و ۷۳) و برخی چون راغب از «رجم» عربی (به معنای سخن گفتن از روی حدس و گمان) گرفته‌اند (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۱۹۵). جمعی چون ابن‌منظور ترجمان را هم در ماده «رجم» و هم در ماده «ترجم» آورده‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۳۱۶/۱). «رجم» دارای معانی گوناگون است از قبیل: قتل، کذب، عیب، گمان، دوست، همدم، لعن، شتم، هجران، طرد، سنگ‌پراندن و نشان‌دار ساختن جایی با سنگ (نفیسی، ۱۳۷۷: ۱۶۳۷/۳).

کلمه ترجمه در معانی گوناگون بکار رفته است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: بیان سیرت و اخلاق و نسبت اشخاص، چنانکه از شرح حال بزرگان به ترجمه احوال یا ترجمه مؤلف و از کتبی که درباره



احوال و اخلاق شخصیت‌ها نوشته شده به «کتاب تراجم» تعبیر می‌شود. به مقدمه کتاب که دیباچه و گزارشی از کتاب است «ترجمة الكتاب» گفته می‌شود (عمید، ۱۳۷۷: ۶۶۶) تبلیغ و رساندن کلام به کسی که آن را نشنیده است (طبری، ۱۴۰۹: ۶/۶۷).

ترجمه در معنای اصطلاحی عبارتست از: «فرآیند جایگزینی عناصر متن زبان مبدأ به وسیله عناصر متن زبان مقصد است؛ به طوری که عمل جایگزین سازی، خود زمینه‌ای را برای تعامل و تأثیر متقابل بین نویسنده متن اصلی و خواننده متن ترجمه شده فراهم سازد.» (لطفی پور ساعدی، ۱۳۸۷: ۷۰). روشن است توجه به مبانی تفسیری، کلامی، ادبی و زبان‌شناختی ترجمه (رضایی اصفهانی، ۳۲-۳۳) از شرایط خاص ترجمه قرآن کریم است.

به طور کلی دوگونه ترجمه برای قرآن به کار می‌رود: ترجمه تحت اللفظی، ترجمه محتوایی تفسیری. ترجمه تحت اللفظی: در این گونه ترجمه ساختارهای دستوری زبان مبدأ به شبیه‌ترین معادل‌های آنها در زبان مقصد تغییر داده می‌شوند، اما در این روش هم، معنی قاموسی کلمات بدون توجه به متن ترجمه می‌شوند» (نیومارک، ۱۳۸۲: ۵۷). فقدان ترجمه مناسب از کنایه‌ها و استعاره‌ها، عدم توجه به حذف و تقدیر از جمله نقاط ضعف این گونه ترجمه است که به صراحت گویای عدم توجه به سیاق آیه‌های قرآن است (ناصری و دیگران، ۱۵۳: ۱۳۹۳-۱۵۶).

ترجمه محتوایی تفسیری: مترجم برای بازسازی فضای آیه در زبان مقصد و انتقال بهتر مفاهیم و نیز ارائه معنای تفسیری و مانند آن، توضیح‌هایی را در لابه‌لای ترجمه خویش می‌آورد (جوهری، ۱۳۸۴: ۱۴۲) یا اینکه مترجم برداشت‌های تفسیری خود را در ترجمه، بدون نشانه‌های مشخص کننده پرانتز یا قلاب، منتقل می‌سازد (همان: ۱۴۶).

فهم: فهم در لغت به معنای ادراک، استنباط، دریافت، درک، شعور، مشعر، هوش می‌باشد و در اصطلاح به معنی دانستن و به دل دریافتن مضمون چیزی و یا تصور شی از لفظ مخاطب (دهخدا، ۱۳۷۴: زیرواژه «فهم»).

قرآن: واژه «قرآن» مصدر است؛ مانند: رجحان، کفران، فرقان، نقصان و... (ابن منظور، ۱۴۱۴: ماده «قرأ») لغت‌شناسان درباره لفظ «قرآن» چند معنا بیان کرده‌اند. در این جا، به بیان دو معنا اکتفا می‌شود: ۱. قرآن، به معنای «جمع کردن و گردآوری» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸: ماده قراء) در وجه نام گذاری آن به «قرآن» گفته‌اند: چون قرآن جامع فواید کتاب‌هایی است که از سوی خدا نازل گشته (تورات، انجیل، زبور و...)، بلکه جامع فواید همه علوم می‌باشد؛ و بر این اساس قرآن گردآورنده علوم گذشتگان و آیندگان می‌باشد، اعم از علوم معنوی - که متعلق به انبیا و گذشتگان بوده است - و علوم مادی و تجربی و دنیوی: ۲. قرآن، به معنای «خواندن» (مرکز معارف، علوم القرآن عند المفسرین، ۲۲/۱): طبق این معنا، کتاب آسمانی مسلمانان به اعتبار آن که «خواندنی» است، «قرآن» نام گرفته است.

قرآن در اصطلاح: برای قرآن، تعریف‌های زیادی ارائه شده که هر کدام از این تعریف‌ها، ویژگی خاص خودش را دارد؛ از جمله: «قرآن عبارت است از کلام الهی که خداوند آن را به تدریج بر حضرت محمد ﷺ - خاتم پیامبران - به زبان عربی و لهجۀ قریش، نازل کرده است.... آیه ای از آن، قرآن گفته می‌شود، حتی بخشی از یک آیه نیز قرآن است.» (عسگری، ۱۳۷۸: ۲۶۱/۱).

اندیشمندان: جمع‌اندیشمند است در لغت به معنای، اندیشه‌ور، بخرد، دانا، فکور، متفکر است (انوری و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۳۱/۱)؛ در اصطلاح یعنی آن کسی که به‌صورت جدی و استدلالی در مورد موضوع‌های عام مانند فلسفه، سیاست، یا علم بیندیشد و تأمل کند (عمید، ۱۳۷۷: ۵۲۳).

ب. تأثیر ترجمه در فهم قرآن

در طول تاریخ اسلام در دو نوبت بحث جنجال برانگیزی پیرامون مسئله ترجمه قرآن انجام گرفته است، بعضی از موافقان مقصودشان از ترجمه، تفسیر قرآن به زبان عربی یا زبان غیر عربی و برخی منظورشان ترجمه معنوی یا تفسیری است نه ترجمه حرفی (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۲۳).

فهم و ترجمه قرآن در بیانات مقام معظم رهبری بسیار حائز اهمیت است و بارها در بیانات خود از مردم و جوانان خواسته است که ترجمه قرآن را بدانند تا آن را بفهمند به‌عنوان نمونه ایشان در بیانی فرمودند: «از شما جوانان خواهش می‌کنم که با معانی قرآن انس پیدا کنید و ترجمه قرآن را بفهمید.» (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم اختتامیه مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم، در تاریخ ۱۳۷۹/۸/۹).

از نظر مرحوم آیت‌الله خویی، مترجم قرآن باید معنی و مفهوم اصلی قرآن را خوب دریابد و سپس آن را به سادگی به زبان دیگر برگرداند. اگر در ترجمه قرآن همه این شرایط رعایت گردد، در این صورت نه‌تنها ترجمه قرآن اشکالی نخواهد داشت بلکه بسیار لازم و به‌جا خواهد بود که هر قوم و ملتی بتوانند با زبان خودشان از حقایق و مفاهیم قرآن برخوردار شوند؛ زیرا قرآن برای عموم مردم فرود آمده است و نباید لغت و زبان قرآن اختصاصی باشد و کسانی را که با این زبان خاص آشنایی ندارند، از حقایق عالی و تعالیم ربانی آن محروم و بی‌نصیب بمانند (خویی، ۱۳۸۸: ۶۶۰).

برای روشن‌شدن موضوع، لازم است نقش ترجمه در فهم قرآن از منظر اندیشمندان و همچنین دیدگاه‌های قرآنی مقام معظم رهبری بررسی نمود.



ج. رابطه سیاق با ترجمه

همچنان که روشن است ترجمه یعنی، «برگردان متنی از زبان مبدأ به زبان مقصد بدون کوچکترین افزایش یا کاهش در صورت و معنی» (صفوی، ۱۳۷۱: ۹). توجه به سیاق موجب فهم و درک درستی از متن داشت که خود شرط ترجمه دقیق متین و محکم است. گزینه‌های سیاقی تعیین‌بخش معنا می‌باشند. مترجم ساختار مناسب در زبان مقصد برای رساندن پیام مورد نظر و معادل بافت جمله در زبان مبدأ (عربی) را انتخاب می‌کند (لطفی‌پور، ساعدی، ۱۳۸۷: ۹۵) ترجمه می‌بایست هماهنگ با سیاق جمله انجام گیرد.

به‌عنوان نمونه در آیه ۳۳ سوره احزاب، «وَقَوْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» «سیاق جمله» یعنی دو عبارت «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ» و «وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» که پیش و پس از واژه «اهل بیت» قرار گرفته‌اند، دلالت بر برتری و تفضیل اهل بیت علیهم‌السلام می‌کنند که خود نشان‌دهنده اعراب نصب این واژه از باب اختصاص و مدح به تقدیر است (در تقدیر اعنی و امدح اهل البيت) (زجاج، ۱۴۰۸: ۲۲۶/۴).

در ترجمه‌های فراوانی مانند، دکتر رضایی اصفهانی و همکاران، فولادوند، قرشی، مکارم شیرازی، آیتی، سراج و... به هماهنگی سیاق و ترجمه توجه ویژه‌ای داشته‌اند (ستوده‌نیا، قاسم نژاد، ۱۳۹۱: ۸۸).

د. رابطه سیاق با قرائت

از آنجا که قول «تواتر قرائات هفت‌گانه» بنابر رای مشهور اندیشمندان شیعه و پاره‌ای از بزرگان اهل سنت به این علت که یا خبر واحد هستند و یا یک نوع اجتهاد قاریان از شرایط تواتر برخوردار نیستند (نک. اسکندری، رضوی اصیل، مبانی قرائی تفسیر، مجله مطالعات قرائت قرآن، ش ۱۲، ۱۳۹۸ ش)، تأثیرگذاری سیاق به مثابه دلیلی بر ترجیح قرائت ولو غیر مشهور، مبنایی نااستوار نبوده و توانایی تأثیرگذاری در فهم معنای آیات از نظر اندیشمندان اسلامی را دارد.

سیاق به‌عنوان یک قرینه اساسی در فهم معنای آیات، می‌تواند به‌طور غیر مستقیم بر ترجمه قرآن کریم اثر داشته باشد. سیاق با تعیین یک وجه از قرائت می‌تواند بر ترجمه اثرگذار باشد. (قاسم نژاد، ۱۳۹۱: ۹) ترجیح یک وجه از قرائت در مواردی بر اساس همسایقی آیه با قبل و بعد است. به عبارت دیگر سیاق می‌تواند گزینه‌ای مناسب برای انتخاب یک قرائت خاص باشد.

به عنوان مثال در جمله های سه گانه ذیل سیاق زمانی واحد خواهند داشت و روند کلام به صورت جمله خبریه است. «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ» (مکی بن ابی طالب، ۱۴۰۴: ۲۶۳/۱).

همچنین درباره آیه ۳۶ بقره «فَازْلَهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُم لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ» نیز اختلاف قرائت علت ترجمه متفاوت شده است.

در هر دو قرائت مشهور و غیر مشهور گرچه از نظر معنایی متفاوت اند ولی سیاق نقش مهمی در انتخاب نوع قرائت می کند. (قاسم نژاد، ۱۳۹۱: ۲۴ - ۲۵)

در قرائت مشهور فعل «فَازْلَهُمَا» لام با تشدید خوانده می شود (محمد سالم، محمد ابراهیم، التحفه المرضیه فی تحریر و جمع القراءات السبع من طریق الشاطیبه، قاهره: دارالبیان العربی ۱۴۲۷، ۱: ۱۶) در قرائت غیر مشهور فعل «فازالهما» خوانده می شود (سراج الدین، ۱۴۲۷: ۳۰).

در قرائت اخیر همساقی آیه قبل «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» با آیه مورد بحث از نظر طرفداران آن، دلیل اثبات قرائت کلمه به صورت «فازالهما» است. این در حالی است که طرفداران قرائت مشهور بر همساقی دو عبارت «فَازْلَهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا» با «فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ» دلیل مستحکم خود دانسته اند (قاسم نژاد، همان: ۲۵) ناگزیر ترجمه آیه شریفه با توجه به انتخاب یکی از دو دیدگاه متفاوت خواهد بود.

انتخاب قرائت غیر مشهور بر قرائت مشهور به دلیل سیاق آیه از سوی مفسر بزرگی مانند علامه طباطبایی در آیه ۵۳ مانده «وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ أَنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ» مثال دیگری است که نشانگر تأثیر سیاق بر تعیین يك وجه از قرائت می تواند باشد (فاکر میدی، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

علامه طباطبایی کلمه قرائت رفع لفظ «بَقُول» در دیدگاه مشهور را به علت هم ساقی میان این آیه و آیه قبل از آن «فَاتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَن تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَن يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِنْدِهِ فَيُضْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرَوْا فِي أَنفُسِهِمْ نَادِمِينَ» را غیر مرجح دانسته و قرائت غیر مشهور یعنی قرائت يقول به نصب را ترجیح می دهد (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳/۵).

هـ. ترجمه سبب درک موعظه الهی

یکی از تأثیرات و نقش های که ترجمه روان در فهم قرآن دارد این است که سبب تقویت درک از موعظه الهی می شود. مقام معظم رهبری در این خصوص فرمودند: «کسانی که زبان آنها عربی است،



همین‌طور که قاری تلاوت می‌کند، اینها که نشسته‌اند، ولو نه به‌صورت کامل، آن را می‌فهمند؛ بیان قرآن، بیان فصیح و بلیغ و خیلی والائی است و هرکسی جزئیات این بیان را نمی‌فهمد. بلا تشبیه مثل گلستان سعدی که انسان آن را مثلاً در جمعی بخواند. خوب، گلستان سعدی فارسی بلیغ است، مردم هم می‌فهمند؛ اما دقائق و جزئیاتش را فقط ادبا، اهل ذوق و اهل درک بالا می‌فهمند. حالا این را هزاران برابر بکنید. قرآن اینجوری است. دقائق و لطائف و جزئیات را ممکن است مستمع عرب‌زبان معمولی نفهمد، اما بالاخره مفهوم این کلمات را می‌فهمد؛ لذا دلش رقیق می‌شود؛ لذا در شنیدن تلاوت قرآن اشک می‌ریزد؛ چون موعظه الهی را درک می‌کند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با قاریان، تاریخ ۱۳۸۶/۶/۲۲).

در میان فقهای معاصر شیعه مرحوم استاد آیه الله العظمی خویی راجع به ترجمه قرآن و شرایط تأثیرگذار آن در فهم و درک آیات آن چنین مرقوم داشته‌اند: «خداوند پیامبرش را برای هدایت مردم فرستاد و او را به وسیله قرآن پیروز گرداند؛ قرآنی که در بر دارنده آنچه راست است که آنان را به سعادت می‌رساند و به مراتب کمال ارتقا می‌دهد. و این لطفی است از جانب خدا که اختصاص به قومی ندارد، بلکه تمامی بشر را شامل می‌شود، افزون بر اینکه تعالیمش عام و هدایتش جهان‌شمول است و از این رو واجب است که هرکس قرآن را بفهمد تا به وسیله آن هدایت یابد و شکی نیست که ترجمه آن به این مهم کمک می‌کند، ولی باید در ترجمه تسلط و احاطه کامل به لغتی باشد که قرآن از آن به زبان دیگر منتقل می‌شود، زیرا ترجمه هر اندازه که خوب باشد نمی‌تواند وفادار نسبت به مزایای بلاغتی آن باشد که وسیله برتری قرآن است، بلکه این شرط در هر کلامی معتبر است، زیرا ممکن است که ترجمه بر عکس آنچه از متن اصلی اراده شده، باشد. بنابراین در ترجمه قرآن، فهمیدن قرآن شرط است (خویی، ۱۳۸۸: ۶۵۸).

و. ترجمه موجب انس و حفظ آن

یکی دیگر از تأثیرات و نقش‌هایی که ترجمه روان در فهم قرآن دارد این است که سبب بیان مفاهیم قرآن به دیگر زبان‌ها می‌شود و همچنین ترجمه و فهم بالا سبب تدبر انسان در متن آیات الهی می‌شود و همین امر با مأنوسیت در آموزه‌های قرآنی و در نتیجه علاقه‌مندی انسان به آیات قرآن و مفاهیم قرآنی و حفظ آنها می‌شود.

البته براین اساس برخی اندیشمندان قرآنی گفته‌اند که ترجمه قرآن اگر متعذر نباشد، متعسر است؛ یعنی ترجمه آن ناممکن نیست؛ ولی بسیار دشوار است، زیرا قرآن عربی مبین است: ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا﴾ (یوسف: ۲)؛ «در حقیقت ما آن را در حالی که خواندنی (واضح) عربی است، فرو فرستادیم».

بر اساس دیدگاه‌های لندی‌شمندان قرآنی زبان عربی را عربی مبین می‌گویند (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱۲۹/۹). زبان قرآن دقیق و گسترده است و می‌تواند لغات و مفاهیم دیگر زبان‌ها را بیان کند؛ ولی زبان‌های دیگر از بیان مفاهیم و ظرافت‌های زبان عربی عاجزند و گاهی برای ترجمه يك واژه مفرد عربی، باید از چند واژه كمك گرفت، تا مفاد آن را بیان کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۶۳۷/۱۷).

معنای اخیر یعنی كمك گرفتن از چند واژه جهت كمك گرفتن برای بیان ظرافت‌های زبان عربی قرآن در اصطلاح ترجمه «انتقال» نام دارد. انتقال یعنی واژه یا تعبیر یا قالب بیانی به‌طور غیر مستقیم از زبان مبدأ وارد زبان مقصد شود؛ زیرا در زبان مقصد معادلی برای چنین عناصری یافت نمی‌شود. مثلاً در زبان فارسی معادل قرآنی (عربی) اسلوب نفی، آلا یافت نمی‌شود. (ناظمیان و قربانی، ۱۳۹۲: ۹۹) زیرا انتخاب معادل‌های مناسب در زبان مقصد به جهت رساندن پیام از زبان مبدأ معادل یابی نام دارد. مترجم پیام را از ساختاری زبانی مورد استفاده نویسنده که حاوی پیام مورد نظر اوست به زبان مقصد برمی‌گرداند.

با این همه ترجمه روان و فهم آن باعث انس قرآن می‌شود و در قرآن به انس با قرآن اشارات بسیاری شده آنجا که خداوند فرمودند: ﴿وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُم نُورًا مُّبِينًا﴾ (نساء: ۱۷۴)؛ «و نوری آشکار به سوی شما فروفرستادیم». بر اساس تفاسیر در زیر این آیه آمده که قرآن کتاب نور است (قرآنی، ۱۳۸۲: ۲۲۲/۲) و کسی که انس با قرآن داشته باشد از نورانیت آن بهره‌مند می‌شود (طیب، ۱۳۷۸: ۲۸۳/۴).

مقام معظم رهبری با اشاره به اینکه ترجمه قرآن باعث فهم بهتر و حفظ بهتر قرآن می‌شود چنین می‌فرماید: «قرآن‌های ترجمه‌دار، یا دستگاه‌هایی درست کنند که وقتی قاری آیه را می‌خواند، همزمان، ترجمه آن آیه بر صفحه‌ای نوشته شود و همه آن را ببینند و بتوانند بفهمند؛ یعنی ضمن این‌که از صوت زیبایی قاری لذت می‌برند، از معانی آیات کریمه قرآن هم لذت معنوی ببرند. بنده تأسف می‌خورم که شما برادران و خواهران که عاشق قرآن هستید غالباً از مفاهیم قرآن بهره زیادی نمی‌برید. حتی خود قراء هم این‌گونه‌اند! این، برای ما خیلی مایه غصه و تأسف است. من عرض کرده‌ام؛ الان هم مجدداً تکرار می‌کنم: برادران قاری، هر آیه و هر قسمت از سوره‌ای را که می‌خواهند بخوانند، حتماً سعی کنند معنا و ترجمه آن قسمت را یاد بگیرند. این، در فهم و تلاوت تأثیر می‌گذارد. وقتی شما معنا را می‌دانید یک‌طور حرف می‌زنید و وقتی نمی‌دانید یک‌طور دیگری حرف می‌زنید. بفهمید که چه موضوعی را به مخاطبینتان می‌گویید» (بیانات مقام معظم رهبری در جلسه اختتامیه مسابقات قرآن، ۱۳۷۱/۱۱/۵).



ز. ترجمه علت توجه به کلمات کلیدی و کانونی

یکی دیگر از تأثیرات و نقش‌هایی که ترجمه روان در فهم قرآن دارد این است که باعث توجه به کلمات کلیدی قرآن و مفهوم و معنای آنها می‌شود؛ زیرا یکی از مشکلات مهم ترجمه و تفسیر قرآن کلمات کلیدی یا اصطلاحات آن است. مترجم و مفسر باید بداند که مفهوم بسیاری از کلمات قرآنی به همان معنای لغوی محدود نمی‌شود، بلکه قرآن آنها را در مفاهیم وسیعی بکار برده و با روش‌های خاص خود چهره‌های گوناگون و معانی گسترده‌ای برای آنها ابداع کرده است، به طوری که نمی‌توان این نوع کلمات را به هیچ زبانی ترجمه کرد (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۳۰۵).

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا» (یونس: ۵۷ - ۵۸)؛ «ای مردم! یقیناً از طرف پروردگارتان برای شما، پندی و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست؛ و رهنمود و رحمتی برای مؤمنان، آمده است. بگو: به بخشش خدا و به رحمت او (خوشحال شدن نیکوست؛) پس باید (مؤمنان) بدان شادمان شوند، (چرا که) آن از هر آنچه گرد می‌آورند، بهتر است».

در گذشته علمایی چون راغب اصفهانی در المفردات فی غریب القرآن و ابی منصور ثعالبی نیشابوری در کتاب فقه اللغة و علمای علم اصول فقه مانند شهید ثانی صاحب معالم در مباحث الفاظ تا حدودی به کلمات کلیدی و اصطلاحی قرآن توجه کرده‌اند و معتقد بودند که ترجمه قرآن باعث فهم کلمات کلیدی قرآن باید باشد. علامه طباطبایی در ذیل این آیه نورانی به چهار مرحله سلوک که انسان برای رسیدن به درجات عالی قرب الهی و محبوبیت نزد خدایوند نیاز دارد اشاره نموده‌اند که این چهار مرتبه سلوک به واسطه قرآن و ترجمه دقیق آیات آن و کلمات محوری آنها تحقق می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۱۰/۱۱۹).

اخیراً نیز مطالعاتی عمیق و ابتکاری توسط پروفیسور توشیهیکو ایزوتسو مترجم ژاپنی قرآن صورت گرفته است. وی کلمات کلیدی را چنین تعریف می‌کند: «کلماتی را که نقش واقعاً قطعی در ساختن جهان بینی تصویری قرآن دارند، به نام «کلمات یا اصطلاحات کلیدی» قرآن می‌نامیم. از این قبیل است کلمات الله، اسلام، ایمان، کافر، نبی و رسول؛ مهم‌ترین و نیز دشوارترین کار دانشمند معنی‌شناس که می‌خواهد قرآن را از این لحاظ مورد مطالعه و تحقیق قرار دهد، استخراج اصطلاحات کلیدی قرآن از میان واژگان قرآنی است، چه تعیین‌کننده همه کارهای تحلیلی آینده وی همین استخراج اصطلاحات کلیدی است. بدون شك این عمل شالوده تمام بنایی است که باید بسازد» (ایزوتسو، ۱۳۹۹: ۲۲ - ۲۳).

مثلا کلمه «کتاب» يك معنای اساسی یا محتوای تصویری ویژه خود را دارد و آن «نوشته» و «نامه» است که اگر آن کلمه را از قرآن هم بیرون آوریم، این معنی را برای خود حفظ می‌کند. این معنی را می‌توان به نام معنی «اساسی» آن کلمه خواند. ولی این معنای اساسی تمام معنی آن کلمه نیست و در اینجا سیمای دوم معنی کلمه آغاز می‌شود. در قرآن کلمه «کتاب» همچون نشانه‌ای از يك مفهوم و تصور دینی خاص با هاله‌ای از قدسیت احاطه شده و اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده که ارتباط نزدیک با تصور و وحی الهی و سایر مفاهیم همچون الله، تنزیل، نبی و اهل به معنی «مردم» در ترکیب خاص «اهل الکتاب» دارد.

از آن پس، این کلمه در زمینه قرآنی باید در رابطه و نسبت با این اصطلاحات در نظر گرفته شود و تا زمانی که کلمه «کتاب» در متن قرآنی به کار رفته باشد، جزئی از معنی آن کلمه است که البته جزء بسیار مهم و اساسی معنی و بسیار مهم‌تر از خود معنی اساسی آن است (شهید ثانی، ۱۴۰۸: ۳۳-۴۷).

ایزوتسو این بخش از معنی را معنی «نسبی» کلمه نامیده و در چارتی، این چنین به معرض نمایش در آورده است. نمونه دیگر، واژه «یوم» است که معنای اساسی آن «روز» است و در قرآن میدان‌های خاصی پیدا کرده و از جمله میدان آخرتی آن است که ارتباط مستقیم با رستاخیز و داوری آن روز دارد و از کلماتی همچون قیامت و بعث و دین و حساب و غیره به وجود آمده است.

به قول پروفیسور ایزوتسو در قرآن جوّ و محیط نیرومندی بر این واژه فرمان می‌راند که چون به میدان می‌آید، بلافاصله دسته‌ای از اشتراک‌ها و وابستگی‌های تصویری در پیرامون آن تشکیل می‌شود و تصور «روز» رنگ خاص آخرتی پیدا می‌کند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۳۰۶).

دیگر، کلمه «الیوم» (روز معین) در این میدان خاص نه به معنی روز متعارفی بلکه به معنای روز واپسین و روز دادرسی خواهد بود. همچنین کلمه «ساعة» در قرآن به معنی وقتی است که در آن بندگان از ترس بی‌هوش می‌گردند و نیز وقتی است که در آن بر انگیخته می‌شوند و در آن قیامت برپا می‌گردد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۳۱/۶).

همچنین ایزوتسو مقصود از کلمه کانونی را کلمه کلیدی خاصی می‌داند که نماینده و محدودکننده يك حوزه و محوّطه تصویری یعنی به اصطلاح يك «میدان معنی شناختی» نسبتاً مستقل و متمایز در درون يك کلّ بزرگتر از واژگان است (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۳۱).

اگر کلمه‌ای در يك میدان معنی شناختی عنوان کلمه کانونی پیدا کرده است، این امر به هیچ وجه مانع آن نیست که همین کلمه در میدان‌های دیگر تنها کلمه کلیدی باشد. مثلاً کلمه «ایمان» با همه



کلمات مشتق شده از ریشه آن را اگر از جنبه کانونی مورد توجه قرار دهیم، عده‌ای از کلمات کلیدی را همچون دانه‌های خوشه پیرامون آن مشاهده می‌کنیم که روی هم رفته یک حوزه و محوطه تصویری را را در داخل کلّ واژگان قرآنی تشکیل داده‌اند. برخی از این کلمات مانند «شکر» و «اسلام» (تسلیم شدن) و «تصدیق» (درست انگاشتن وحی) و «اللّه» به عنوان موضوع ایمان و جز اینها در جهت مثبت، و کلماتی چون «کفر» (بی ایمانی) و «تکذیب» (دروغ شمردن وحی) و «عصیان» (نافرمانی) و «نفاق» (به دروغ خود را با ایمان نشان دادن) و غیره در جهت منفی پیرامون کلمه محوری «ایمان» جمع شده‌اند که همه گروه را نمایش می‌دهند و متحد می‌کنند و از این راه میدانی نسبتاً مستقل از تصویرها پدید می‌آورند.

در هر سوره قرآن کلمه یا کلمات کلیدی و محوری وجود دارند که آیات و موضوعات گوناگون آن سوره را به یکدیگر مربوط می‌سازند، منتها بعضی محور خاص و بعضی محور عام هستند؛ کلماتی مانند: عهد و میثاق، تقوی و متّقین، تأویل، ذکر و تذکار و ...

کلمه «عهد و میثاق» محور تمامی کتاب‌های آسمانی است، زیرا تمامی آنها عهدنامه و وثیقت نامه الهی با انسانها و ملت‌ها هستند و از این رو به تورات «عهد قدیم» و به انجیل «عهد جدید» و به قرآن «عهد اخیر» گفته می‌شود (سید قطب، ۱۴۱۲: ۸۲/۱) عهد و میثاق کلید هم‌بستگی آیات قرآن است و چنانچه آیات هر سوره را در دستگاه و فرمول میثاق قرار دهیم - علی رغم آنکه آنها را بیگانه از هم و در پیرامون موضوعات مختلف می‌یابیم - می‌بینیم که چگونه آیات به هم مربوطند و در سوی یک هدف، اجزاء و موادّ مختلف میثاق را تشکیل می‌دهند (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۴۲۰). کشف و توجه به کلمات محوری به مترجم و مفسّر کمک خواهد کرد که به ارتباط آیات و ترجمه و تفسیر پیوسته دست یابد (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۳۱۲).

مقام معظم رهبری در این مورد می‌فرمایند: «... بینند در آیات مثلاً اوّل سوره فصلت تا آخر سوره، چند بار کلمه وحی آمده است. مثلاً در چند آیه به پیامبر اشاره شده است که این قرآن به‌سوی تو وحی می‌شود. مثلاً نکات مکرّر در سوره - هر سوره‌ای را که می‌خواهد بخواند - استخراج شود. در این سوره راجع به وحی مکرراً صحبت شده است. ...» (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم اختتامیه مسابقات قرآن، در تاریخ ۱۴/۱۰/۱۳۷۳) از دیدگاه مقام معظم رهبری لزوم نزدیک شدن به فهم مفاهیم قرآن بسیار اهمیت دارد ترجمه کلمات کانونی در فهم معانی آیات تأثیر می‌گذارد.

نتیجه گیری

مقام معظم رهبری بارها در بیانات خود از مردم و جوانان خواسته است که ترجمه قرآن را بدانند تا آن را بفهمند به عنوان نمونه ایشان در بیانی فرمودند: «از شما جوانان خواهش می‌کنم که با معانی قرآن انس پیدا کنید و ترجمه قرآن را بفهمید». همچنان که گذشت در راستای پردازش مبنای نظری توصیه‌های حکیمانه معظم له و دیگر اندیشمندان اسلامی در خصوص ترجمه قرآن و ارتباط آن با فهم، انس، موعظه و توجه به معانی کلیدی قرآن یافته‌های ذیل اثبات گردید:

۱. در این تحقیق روشن گشت برای ارائه ترجمه متین و دقیق نیاز که مفهوم آیه و آیات به خوبی در نزد مترجم معلوم و مشخص باشند. این مهم آنگاه محقق می‌گردد که به سیاق و قرائت‌های متفاوت کلمات آیه، وقوف کامل و روشمند باشد. زیرا سیاق تأثیر اساسی بر فهم بنیادین معنای آیه دارد. از سوی دیگر با توجه به این که سیاق نقش مهمی در تعیین و اختیار یک وجه از قرائت دارد به طور غیر مستقیم بر بسامان رسیدن ترجمه مناسب اثرگذار است. سیاق در عین حال که عامل موثری در فهم آموزه‌های وحیانی دارد بلکه در انتخاب وجهی از وجوه قرائت ایفاگر نقشی فعال است بنابر این بالتبع موجب قوام بخشیدن به ترجمه دارد. از نظر اندیشمندان اسلامی خصوصاً مقام معظم رهبری، سیاق نقش سرنوشت سازی در فهم، محکم و متین کلام الهی ایفا می‌کند. ترجمه نیز مستلزم فهم دقیق و صحیح آیات الهی است.

۲. انس با کتاب الهی: از نظر اندیشمندان اسلامی خصوصاً مقام معظم رهبری با ترجمه مناسب، علقه معنوی میان شنونده و ترجمه مناسب آیات وحیانی ایجاد می‌گردد.

۳. درک موعظه الهی: ترجمه موجب درک دقائق و لطائف می‌گردد و شنونده ترجمه خوب با شنیدن آنها دلش رقیق می‌شود و موعظه الهی را درک می‌کند.

۴. توجه به کلمات و معانی کلیدی: در ترجمه خوب و حائز شرایط، کلمات و معانی کلیدی هر آیه که نقش اساسی در فهم پیام‌های هدایت بخش قرآن دارند برای مستمع غیر عرب زبان قابل درک می‌گردد.



فهرست منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه محمدعلی رضایی اصفهانی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالاحیاء التراث العربیه، ۱۴۱۴ق..
۳. اسکندرلو، محمدجواد، و رضوی اصیل، سید مجتبی. (۱۳۹۸). مبانی قرآنی تفسیر. مطالعات قرآنت قرآن، ۷(۱۲)، ۹۵-۱۲۶. doi: 10.22034/qer.2019.2714
۴. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعة، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
۵. انوری و دیگران، محسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۱ش.
۶. ایزوتسو، توشیهیکو، خدا و انسان در قرآن، مترجم: احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۹ش.
۷. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، قرآن ناطق، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۸. بیانات مقام معظم رهبری در جلسه اختتامیه مسابقات قرآن، ۱۳۷۱/۱۱/۵.
۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷.
۱۰. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با قاریان در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۲۲.
۱۱. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم اختتامیه مسابقات حفظ و قرآنت قرآن کریم، در تاریخ ۱۳۷۹/۸/۹.
۱۲. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم اختتامیه مسابقات قرآن، در تاریخ ۱۳۷۳/۱۰/۱۴.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، دین‌شناسی، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۵ش.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۱ش.
۱۵. جواهری، سید محمدحسن، پژوهشی در انواع ترجمه قرآن کریم، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۴۲، ۱۳۸۴ش.
۱۶. خویی، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، تهران: نشر وزارت ارشاد، ۱۳۸۸ش.
۱۷. خانی کلکای، حسین، و آذران سقین سرا، الناز. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی برگردان انواع واو در ترجمه‌های تفسیری قرآن الهی قمشه‌ای، فولادوند و رضایی. مطالعات تفسیر تطبیقی، ۷(شماره اول)، ۱۰۱-۱۲۳.
۱۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: نشر دانشگاه، ۱۳۷۴ش.
۱۹. راغب اصفهانی، محمد بن حسین، مفردات الفاظ قرآن، قم: دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۸ش.
۲۰. زجاج، ابواسحاق ابراهیم بن سری، معانی القرآن و اعرابه، تحقیق دکتر عبدالجلیل عبده السبلی، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۸ق.

۲۱. ستوده‌نیا، محمدرضا؛ قاسم‌نژاد، زهرا، تأثیر بافت کلام بر ترجمه قرآن کریم، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ ش.
۲۲. سراج‌الدین، عمر بن زین‌الدین، البدور الزاهرة فی القراءات العشر المتواتره، تحقیق: شیخ علی محمد معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۲۷ ق.
۲۳. سیّد قطب، ابراهیم، تفسیر فی ظلال القرآن، قاهره: دارالشروق، ۱۴۱۲ ق.
۲۴. شهید ثانی، محمد، معالم الدین، مباحث الفاظ، بیروت: دارالعلم، ۱۴۰۸ ق.
۲۵. صفوی، کورش، هفت گفتار درباره ترجمه، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۱ ش.
۲۶. طباطبائی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۲۷. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان، چ پنجم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم: نشر مکتبه النجفی مرعشی، ۱۴۰۳ ق.
۲۹. طبری، محمد، تفسیر طبری، بیروت: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ ق.
۳۰. طیب، عبدالحسین، تفسیر اطبیب البیان، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.
۳۱. عسگری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، تهران: کتب اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۳۲. عمید، حسن، فرهنگ لغت عمید، تهران: نشر دانشگاه، ۱۳۷۷ ش.
۳۳. فاکر میبدی، محمد، اختلاف قرائات و نقش آن در تفسیر از دیدگاه علامه طباطبائی، مجله قرآن شناخت، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ ش.
۳۴. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم: منشورات دار الرضی، بی تا.
۳۵. قاسم‌نژاد، زهرا، «نقش سیاق و اهمیت آن در ترجمه قرآن کریم، نشریه ترجمان وحی»، شماره پیاپی ۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ ش.
۳۶. قرآنی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۲ ش.
۳۷. کلینی، یعقوب، اصول الکافی، بیروت: دارالعلم، ۱۴۰۷ ق.
۳۸. لطفی پورساعدی، کاظم، درآمدی به اصول و روش ترجمه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۷ ش.
۳۹. مکی بن ابی طالب، الکشف عن وجوه القراءات السبع و عللها وحججها تحقیق دکتر محیی‌الدین رمضان. بیروت: موسسه الرسالة ۱۴۰۴ ق.
۴۰. ناصری و دیگران، ترجمه‌های تحت اللفظی معاصر قرآن کریم به زبان فارسی؛ برتری‌ها و کاستی‌ها، دوفصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ ش.



۴۱. نفیسی، میرزا علی اکبرخان، فرهنگ نفیسی، تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۷۷.
۴۲. نیومارک، پیتز، دوره آموزش فنون ترجمه ویژه مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، مترجمان: دکتر منصور فهمیم، سعید سبزیان، تهران: انتشارات راهنما، ۱۳۸۲ ش.

References

1. Quran –e – Karim (*The Holy Quran*), Translated by Mohammad Ali Rezaei Esfahani.
2. Agha Buzurg Tehrani, Mohammad Mohsen, *Al-Dhari'ah (The Means to Shia Ulama and Scholars' Works)*, Beirut: Dar al-Adwa', 1403 AH (1983 CE).
3. Amid, Hassan, *Farhang Loghat Amid (Amid's Lexicon)*, Tehran: Nashr-e Daneshgah, 1377 SH (1998 CE).
4. Anvari et al., Mohsen, *Farhang-e Bozorg-e Sokhan (Great Dictionary of Words)*, Tehran: Sokhan Publications, 1381 SH (2002 CE).
5. Asghari, Morteza, *Al-Quran al-Karim wa Riwayat al-Mudarrisin (The Noble Quran and the Narrations of the Teachers)*, Tehran: Kutub-e Islami, 1387 SH (2008 CE).
6. Bayanat Maqam-e Moazzam Rahbari dar Didar ba Qarrian dar Tarikh 22/6/1386 SH, (*Statements of the Supreme Leader in a Meeting with Reciters on 22/6/1386 SH*), September 13, 2007 CE.
7. Bayanat Maqam-e Moazzam Rahbari, *Dar Didar-e Azaye Farhangestan-e Zaban va Adab-e Farsi (Statements of the Supreme Leader in a Meeting with Members of the Academy of Persian Language and Literature)*, 27/11/1370 SH (February 16, 1992 CE).
8. Bayanat Maqam-e Moazzam Rahbari, *Dar Jalsah-e Akhtamieh Mosebakhat-e Quran (Statements of the Supreme Leader in the Closing Ceremony of Quran Competitions)*, 5/11/1371 SH (January 25, 1993 CE).
9. Bayanat Maqam-e Moazzam Rahbari, *Dar Marasem-e Akhtamieh Mosebakhat-e Hifz va Qira'at-e Quran (Statements of the Supreme Leader in the Closing Ceremony of Memorization and Recitation of the Quran Competitions)*, 9/8/1379 SH (October 31, 2000 CE).
10. Bayanat Maqam-e Moazzam Rahbari, *Dar Marasem-e Akhtamieh Mosebakhat-e Quran (Statements of the Supreme Leader in the Closing Ceremony of Quran Competitions)*, 14/10/1373 SH (January 5, 1995 CE).
11. Biazar Shirazi, Abdolkarim, *Qur'an Nategh (Speaking Quran)*, Tehran: Daftar Nashr Farhang-e Eslami, 1st Edition, 1377 SH (1998 CE).
12. Dehkhoda, Ali Akbar, *Loghat Nameh Dehkhoda (Dehkhoda Dictionary)*, Tehran: Nashr-e Daneshgah, 1374 SH (1995 CE).
13. Eskandarlou, M. J., & Razavi Asil, S. M. (2019). Principles of Reading-based Exegesis. 5- QERA'T, 7(12), 95-126. doi: 10.22034/qer.2019.2714
14. Fakhr Meybodi, Mohammad, *Ekhtilaf Qira'at va Nokh-e An dar Tafsir az Didgah-e Allameh Tabatabai (The Variations in Recitations and Their Role in Exegesis from the Perspective of Allameh Tabatabai)*, Journal of Quran Shenasi, Issue 8, Fall and Winter 1390 SH (2011 CE).



15. Fayoumi, Ahmed Bin Mohammad, *Al-Misbah al-Munir (The Illuminating Lantern)*, Qom: Nashr-e Dar al-Radhi, Undated.
16. Gharraeezi, Mohsen, *Tafsir Noor (Noor Commentary)*, Tehran: Markaz-e Farhangi Dars-haye Az Quran, 1382 SH (2003 CE).
17. Ghasemnejad, Zahra, "*Naghsh-e Siyagh va Ehemiyat-e An dar Tarjome-ye Quran Kareem*," (The Role of Context and its Importance in Translating the Holy Quran), Tarjoman-e Vahi Journal, Issue 32, Fall and Winter 1391 SH (2012 CE).
18. Ibn Manzur, Mohammad Bin Mukarram, *Lisan al-Arab (Ibn Manzur, Mohammad Bin Mukarram, The Language of the Arabs)*, Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi, 1414 AH.
19. Izutsu, Toshihiko, *Khoda va Ensān dar Qur'an (God and Man in the Quran)*, Translated by Ahmad Aram, Tehran: Sherkate Sahami Enteshar, 1399 SH (2020 CE).
20. Javadi Amoli, Abdullah, *Dinshenasi (Religious Studies)*, Qom: Nashr Isra, 1385 SH (2006 CE).
21. Javadi Amoli, Abdullah, *Tafsir Tasnim (Tafsir of Tasnim)*, Qom: Nashr Isra, 1381 SH (2002 CE).
22. Javaheri, Seyyed Mohammad Hassan, *Pazhuheshi dar Anva-e Tarjome-ye Quran Kareem (A Study on Types of Translation of the Holy Quran)*, Research in Quran and Hadith Studies, Issue 42, 1384 SH (2005 CE).
23. Khoei, *Bayan dar Olum va Masael-e Koli-e Quran (Statement on the Sciences and General Issues of the Quran)*, Tehran: Nashr-e Vezarat-e Ershad, 1388 SH (2009 CE).
24. Khani kalgay, H., & azaran, E. (2022). A comparative study of the transliteration of the types of "Waw" in the translations of the Qur'an by Elahi Qamsha-e, Fulladvand, and Reza'i. *Comparative Studies of Quran*, 7(1), 101-123.
25. Kulayni, Ya'qub, *Usul al-Kafi (Principles of Kafi)*, Beirut: Dar al-Ilm, 1407 AH.
26. Lotfipour Sahdi, Kazem, *Daramad-e be Asoul va Ravesh-e Tarjome (Introduction to Translation Principles and Methods)*, Tehran: Markaz-e Nashr-e Daneshgahi, 1387 SH (2008 CE).
27. Maki Bin Abi Talib, *Al-Kashf 'an Wajuh al-Qira'at al-Sab' wa 'Ilalaha wa Hujjataha (The Unveiling of Aspects of the Seven Readings and their Reasons and Evidences)*, Researched by Dr. Mahdi Ramadan, Beirut: Mousassa al-Risalah, 1404 AH.
28. Nafisi, Mirza Ali Akbar Khan, *Farhang-e Nafisi (Nafisi's Dictionary)*, Tehran: Ketafrooshi Khayam, 1377 SH (1998 CE).
29. Nasiri et al., *Terjomeha-ye Tahat al-Lafzi-ye Ma'asir-e Quran Kareem be Zaban-e Farsi; Bartari-ha va Kastiy-ha (Contemporary Literal Translations of the Holy Quran into Persian; Superiorities and Shortcomings)*, Journal of Quran and Hadith Translation Studies, Issue 2, Fall and Winter 1393 SH (2014 CE).

30. Newmark, Peter, *Dore-ye Amoozesh-e Fanoon-e Tarjomeye Vizheh-e Maqaze Karshenasi va Karshenasi Arshad (Works of Techniques of Translation for B.S and M.S. Levels Students)*, Translators: Dr. Mansoor Fahimi, Saeed Sabzian, Tehran: Rahnama Publications, 1382 SH (2003 CE).
31. Raghieb Esfahani, Mohammad Bin Husayn, *Mufradat Alfaz al-Quran (Vocabulary of Quran Words)*, Qom: Dar al-Kotob al-Islamiyah, 1388 SH (2009 CE).
32. Safavi, Koresh, *Haft Goftar Darbareh Tarjome (Seven Talks on Translation)*, Tehran: Nashr-e Markaz, 1371 SH (1992 CE).
33. Saraj al-Din, Omar Bin Zain al-Din, *Al-Budur al-Zahira fi al-Qira'at al-Ashr al-Mutawatirah (The Clear Moons in the Ten Recitations)*, Edited by Sheikh Ali Mohammad Muawwaz and Sheikh Adel Ahmad AbdulMawjud, Beirut: Alam al-Kutub, 1427 AH.
34. Sayyid Qutb, Ibrahim, *Tafsir Fi Zilal al-Quran (Commentary in the Shade of the Quran)*, Cairo: Dar al-Shorouk, 1412 AH.
35. Shahid Thani, Mohammad, *Ma'alim al-Din, Mabahith al-Alfaz (Religious Markers, Word Discussions)*, Beirut: Dar al-Ilm, 1408 AH.
36. Sotudehnia, Mohammad Reza; Qasemnejad, Zahra, *Taseer-e Baft Kalam bar Tarjome-ye Quran Kareem (The Effect of Discourse Analysis on the Translation of the Holy Quran)*, Research in Quran and Hadith Studies, Issue 11, Fall and Winter 1391 SH (2012 CE).
37. Tabari, Mohammad, *Tafsir Tabari (Tabari's Commentary)*, Beirut: Dar al-Kotob al-Islamiyah, 1409 AH.
38. Tabarsi, Fadl Bin Hassan, *Tarjome Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Translation of Majma al-Bayan in Quran Exegesis)*, Qom: Nashr Maktabah al-Najafi Marashi, 1403 AH.
39. Tabatabai, Sayyid Mohammad Hussein, *Al-Mizan*, 5th Edition (The Scale), Qom: Moasseseh al-Nashr al-Islami, 1417 AH.
40. Tabatabai, Sayyid Mohammad Hussein, *Tarjome Tafsir al-Mizan (Translation of Tafsir al-Mizan)*, Tehran: Islamic Publications, 1376 SH (1997 CE).
41. Taib, Abdul Hussein, *Tafsir Atyab al-Bayan (The Best Explanation)*, Tehran: Islamic Publications, 1378 SH (1999 CE).
42. Zajaj, Abu Ishaq Ibrahim Bin Sari, *Ma'ani al-Quran wa A'rabihi (Meanings of the Quran and its Grammar)*, Beirut: Alam al-Kutub, 1408 AH.



The Impact of Quranic Recitation According to Quranic Verses with Emphasis on the Statements of the Supreme Leader *

Mohsen Ghaemi ¹ and Kamran Oveysi ²

Abstract



Quranic recitation stands as one of the most crucial tools for introducing and propagating Islam, always esteemed by the Prophet and the infallible Imams. Various valuable worldly and otherworldly effects are correlated with the recitation of the Holy Quran, necessitating special attention to this subject. Diverse impacts are mentioned, some within the Quran itself and others within traditions, such as warning, admonition, emergence from darkness towards the light of guidance, and spiritual growth. Quranic recitation plays a significant role in fostering faith, religious enthusiasm, humility, and awe, contributing significantly to their elevation. From the perspective of Quranic verses, recitation affects faith, ensuring increased faith, heart's tranquility, tears, and prostration. The Supreme Leader, especially in the recent gatherings centered around connecting with the Quran, has emphasized the impact of recitation on the audience, considering it essential. He introduced the Quran reciter as the messenger and conveyor of the message of the Almighty to the listener. This research enumerates some of the remarkable effects of Quranic recitation stated within the Quran itself, drawing on the expressions of the Supreme Leader, highlighting the effectiveness of recitation. The research methodology is descriptive-analytical, relying on authentic religious sources such as the Quran and exegesis, collecting, categorizing, and analyzing the data accordingly.

Keywords: Quranic Recitation, Effects of Recitation, Influential Recitation, Quran and Hadith, Quranic Thoughts of the Supreme Leader.

*. **Date of receiving:** 19/09/2022, **Date of approval:** 14/08/2023.

1. Assistant Professor in the Department of Theology and Islamic Studies, Yazd Campus, Islamic Azad University, Yazd, Iran
(Corresponding Author): mo.ghaemi@iau.ac.ir.

2. Assistant Professor in the Department of Quran and Hadith, University of Islamic Sciences, Qom, Iran: oveysi@maaref.ac.ir.



اثرگذاری تلاوت از منظر آیات قرآن با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری *

محسن قائمی^۱ و کامران اویسی^۲



چکیده

تلاوت قرآن، به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزار معرفی و ترویج دین اسلام، همواره مورد نظر پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصومین بوده است. آثار مختلف و ارزشمند دینی و اخروی بر تلاوت قرآن کریم مترتب شده که توجه خاص به موضوع تلاوت را ضروری می‌نماید. آثار مختلفی که بخشی از آنها در خود قرآن و بخشی نیز در روایات بیان شده است؛ مانند: إنذار، تذکر، خارج شدن از تاریکی‌ها به سوی نور هدایت و رشد. همچنین تلاوت قرآن در ایجاد ایمان و اشتیاق دینی و خشوع و خشیت و نیز در افزایش درجات آنها نقش بسزایی دارد. از منظر آیات، تلاوت قرآن در زمینه ایمان، آثاری همچون: ازدیاد ایمان، اطمینان قلب، بکاء و سجده دارد. مقام معظم رهبری در بیانات مختلف خود به ویژه در آخرین محفل انس با قرآن، بر مسئله اثرگذاری تلاوت بر مخاطب تأکید فرموده و این امر را لازم شمردند و قاری قرآن را پیام‌آور و رساننده پیام خدای متعال به مستمع معرفی کردند. در این پژوهش، بخشی از آثار شگفت‌آور تلاوت قرآن که در خود قرآن آمده بر شمرده شده است و همچنین با تکیه بر بیانات مقام معظم رهبری، اثربخشی تلاوت مورد توجه قرار گرفته است. روش این تحقیق، توصیفی تحلیلی است و داده‌های این پژوهش که بر منابع اصیل دینی همچون قرآن و تفسیر تکیه دارد، پس از جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل شده است.

واژگان کلیدی: تلاوت قرآن، آثار تلاوت، تلاوت تأثیرگذار، قرآن و حدیث، اندیشه‌های قرآنی مقام معظم

رهبری.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۳۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۴/۲۵.

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (نویسنده مسئول): mo.ghaemi@iau.ac.ir.

۲. استادیار گروه قرآن و حدیث، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران: oveysi@maaref.ac.ir.



مقدمه

تلاوت قرآن کریم از جمله مسئله مهم مرتبط با کتاب الهی دین اسلام یعنی قرآن است. این مسئله از ابعاد مختلفی قابل توجه است. یکی از این ابعاد، بُعد اثراگذاری آن بر مخاطبان است. متأسفانه نادیده گرفتن رسالت اساسی این هنر بزرگ و عدم رعایت اصول تلاوت، موجب شده که منزلت والا و تأثیر بسزایی که بر تلاوت قرآن مترتب است، هم از بُعد فردی و هم از منظر اجتماعی در جوامع اسلامی مغفول واقع شود و کار به جایی برسد که در برخی جوامع، شنیدن صوت قرآن، فقط مساوی با اعلام فوت و انعقاد مراسم ترحیم شود. در حالی که این جایگاه، نه تنها در شأن تلاوت قرآن نیست؛ بلکه با روح خود لایات نیز منافات دارد. قرآن کریم، خود را بیم دهنده «زندگان» معرفی می کند: ﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِیْنٌ * لِيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحَقِّقَ الْقَوْلَ عَلَى الْكَافِرِینَ﴾ (یس: ۶۹ - ۷۰). در آیات متعددی (بقره: ۱۲۹ و ۱۵۱؛ قصص: ۵۹؛ جمعه: ۲؛ طلاق: ۱۱؛ بینه: ۲)، خدا یکی از وظایف انبیاء و نبی خاتم ﷺ را تلاوت آیات الهی برمی شمرد. از جمله: ﴿كَذَٰلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوا عَلَيْهِمُ اللَّذِیْ أَوْحَيْنَا إِلَیْكَ﴾؛ بدین گونه تو را در میان امتی که پیش از آن، امت هایی روزگاره سر بردند، فرستادیم تا آنچه را به تو وحی کردیم بر آنان بخوانی» (رعد: ۳۰). و ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِینَ إِذْ بَعَثَ فِیهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ یَتْلُوا عَلَيْهِمْ آیَاتِهِ وَ یُزَكِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ...﴾؛ به یقین، خدا بر مؤمنان مَنّت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت، تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد» (آل عمران: ۱۶۴).

با بررسی نصوص دینی، آثار متعدد تلاوت در عموم مخاطبان و به ویژه مؤمنان روشن می شود. برای شناخت اهمیت تأثیرگذاری تلاوت، لازم است که با تکیه بر قرآن و روایات، این مسئله دنبال شده و مضامین به دست آمده، دسته بندی و ارائه و مورد دقت قرار گیرد. این پژوهش اختصاص به بررسی قرآنی موضوع دارد و پژوهش روایی، در نوشتار دیگری بررسی شده است.

از طرفی، مسئله تأثیرگذاری تلاوت، در بیانات مقام معظم رهبری مسئله ای پرتکرار و مؤکد است و همین امر، رسالت سنگین قاریان را موجب می شود (ر.ک: تهرانی، ۱۴۰۲، ۲۰۳). ایشان در آخرین دیداری که در طلیعه ماه مبارک رمضان سال ۱۴۴۴ ق. با قاریان، حافظان و فعالان عرصه قرآن کریم داشتند روی این مسئله تأکید فراوانی فرمودند. آگاهی قاریان به این مسئله مهم و تلاش ایشان برای به دست آوردن آن، یقیناً جامعه را متحول کرده و معنویت را در آن، ارتقاء خواهد بخشید.

به طور خلاصه، نوشتار پیش رو، در جستجوی آثار این هنر بزرگ بر آمده و با نگاه به سخنان مقام معظم رهبری و تأکید همواره معظم له به قاریان برای توجه به مقوله «تأثیرگذاری تلاوت»، در تبیین این موضوع بر آمده است.

الف. گستره تأثیر تلاوت قرآن

چنان‌که روشن است، دامنه تبلیغی رسول اکرم ﷺ، محدود به جغرافیایی خاص و نوعی ویژه نیست، بلکه هر موجود مکلف مختاری را که تا دامنه قیامت به نحوی مخاطب دعوت آن حضرت قرار بگیرد شامل می‌شود: «وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأَتَذْكُرَكُم بِهِ وَمَنْ بَلَغَ»؛ و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن، شما و هر کس را [که این پیام به او] برسد، هشدار دهم» (انعام: ۱۹). بر اساس همین اصل است که طلیعه ایمان جتّیان نیز، استماع قرآن بوده است؛ چنان‌که این مطلب صراحتاً در قرآن نیز یاد شده است: «وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ * قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ»؛ و [یاد کن] هنگامی که گروهی از جن را به‌سوی تو متوجه کردیم که قرآن را بشنوند، پس وقتی که نزد قرائت آن حاضر شدند، گفتند: [برای شنیدن قرآن] خاموش باشید. پس چون قرائت پایان یافت به سوی قومشان در حالی که بیم‌دهنده بودند، بازگشتند. گفتند: ای قوم ما! به راستی ما کتابی را شنیدیم که پس از موسی نازل شده است، تصدیق‌کننده همه کتاب‌های پیش از خود است، به سوی حق و به سوی راه راست هدایت می‌کند.» (احقاف (۴۶): ۲۹ - ۳۰)؛ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳۹/۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۱۶/۱۸). این دو آیه و آیات سوره جن (جن: ۱ و ۲)، گستره تأثیرگذاری تلاوت قرآن را نشان می‌دهد که از آدمیان فراتر رفته و پایه ایمان جتّیان نیز شده است.

پس قرآن کریم دائماً با تلاوت، پیوسته و همراه است و به‌دنبال تلاوت نیز، استماع شکل خواهد گرفت و این پیوند، منشأ آثار مختلفی از جمله ایمان آوردن برخی افراد و طوایف شده است. اکنون باید به بررسی آثار تلاوت قرآن پرداخت.

ب. خلاصه دیدگاه مقام معظم رهبری درباره تلاوت تأثیرگذار

سال‌هاست که در طلیعه ماه مبارک رمضان، محفل انس با قرآن کریم در حضور مقام معظم رهبری و با حضور جمعی از فعالان عرصه تلاوت قرآن برگزار می‌شود. در جدیدترین محفل انس با قرآن که در رمضان المبارک ۱۴۴۵ برابر با سوم فروردین سال ۱۴۰۲ در حسینیّه امام خمینی برگزار شد، معظم له پس از استماع تلاوت‌های تعدادی از قاریان و حافظان قرآن کریم، در بیاناتی به منزلت قاری قرآن اشاره کرده و تلاوت را یک رسالت برشمردند. ایشان تلاوتگر قرآن را رساننده پیام خدای متعال به مستمعین معرفی کردند. معظم له برای اثرگذار شدن تلاوت در مستمعین، علاوه بر صدای خوب، قاریان را توصیه به استفاده از شگردهای اثرگذاری کردند و در ادامه به بیان برخی از آن شگردها پرداختند.



مقام معظم رهبری، اولین نکته در تأثیرگذاری را متأثر بودن خود قاری معرفی کرده و این امر را موجب اثربخشی بیشتر تلاوت دانستند. از جمله ابزار برای متوجه کردن مستمعین، به استفاده از اختلاف قرائت در حدّ مختصر و مؤثر اشاره کرده و حتی مثال‌هایی از قراء بزرگ و برجسته جهان اسلام زدند (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52299>).

موارد فوق، اشاراتی است به دیدگاه معظمّ له درباره لزوم تأثیرگذار بودن تلاوت. البته بیان این موضوع، به دیدار اخیر ایشان با قاریان، محدود نمی‌شود؛ بلکه در بیانات دیگر ایشان نیز این مسئله، به روشنی دیده می‌شود. در ادامه این نوشتار، به تناسب بررسی آثار تلاوت، به مواردی از بیان ویژگی‌های تلاوت و توصیه‌های معظمّ له به جامعه قرآنی کشور اشاره خواهد شد.

ج. دیدگاه قرآن پیرامون اثر تلاوت

در قرآن کریم، آیاتی پیرامون رابطه تلاوت با ازدیاد ایمان وجود دارد. یکی از آنها، آیه‌ای است که در آن، از جمله اوصاف مؤمنان راستین، افزایش ایمان ایشان در برابر شنیدن تلاوت آیات الهی دانسته شده است. خدا در اوایل سوره مبارکه انفال، به تعریفی از مؤمنان پرداخته و می‌فرماید:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ * أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»؛ مؤمنان، همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود، دل‌هایشان بترسد و چون آیات او بر آنان خولنده شود، بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می‌کنند. همانان که نماز را به پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. آنان هستند که حقاً مؤمنند؛ برای آنان، نزد پروردگارشان درجات و آمرزش و روزی نیکو خواهد بود.» (انفال: ۱-۴).

چنانچه ملاحظه می‌شود، در این آیه، سه دستور «رعایت تقوا، اصلاح ذات البین و اطاعت از خدا و رسول خدا»، به داشتن ایمان منوط شده است. به همین جهت و برای روشن شدن حدود ایمان و نشانه‌های اهالی ایمان، خدا در آیات بعد به معرفی مؤمنان پرداخته و پنج صفت را بیان می‌کند: ترس باطنی نسبت به عظمت الهی، افزایش ایمان هنگام شنیدن آیات الهی، توکل بر خدا، برپاداشتن نماز و در نهایت، انفاق. اگر ترتیب چیش اوصاف پنج‌گانه از روی حکمت و عنایت باشد، باید هر یک از اوصاف، متوقف بر وصف قبل و به دنبال آن باشد. ابتدا وصف «وجل» ذکر شده که ترس و هراسی است که در مقابل مشاهده عظمت پروردگار، زاده می‌شود. برخی مفسران و اهل لغت، وجل را با خوف و فزع مترادف دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۹۸/۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷۲۲/۱۱). در مرتبه دوم، وصف

مورد بحث بخش جاری یعنی «ازدیاد ایمان بر اثر استماع تلاوت قرآن» ذکر شده (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۹۹/۴: معناه و إذا قرئ علیهم القرآن) و آنگاه توکل. اینکه خوف و خشیت الهی، بر ازدیاد ایمان بر اثر استماع آیات الهی مقدم شده، بیان گر این نکته است که ابتدا فرد، با اختیار و آگاهی، ایمان را پذیرا می شود؛ و انگهی در صورت داشتن قابلیت، پروردگار به او ایمان و هدایتی پاداشی نیز ارزانی می فرماید که در اینجا این هدیه، از طریق تلاوت صورت می گیرد. نشانه این آمادگی و پذیرش، همان خشیت و وجل و خوفی است که با شناخت اولیه فرد از قدرت، شوکت و جلال خدا به دست آمده و قابلیت را در فرد برای رشد هرچه بیشتر فراهم کرده؛ به صورتی که با یادآوری خدا، ناچیز بودن خود مقابل حضرت حق را به یاد آورده و هراس او را فرا می گیرد؛ و سپس با شنیدن آیاتی که بر وی تلاوت می شود، بر آن باور اولیه افزوده شده و توسعه و افزایش در گستره ایمان وی پدید می آید. در ادامه، با این شناخت: ایی برای تکیه بر هیچ مخلوقی ندیده و یکسره بر خدای یگانه توکل می کند.

این سه، عملیات درونی و قلبی فرد مؤمن است؛ اما دو وصف آتی: نبه ای بیرونی و عملی دارد. خضوع کامل و عبودیت خالصانه و آنگاه توجه و رسیدگی به نیازهای آحاد اجتماع (یعنی دو وصف اقامه نماز و انفاق).

یکی از مباحث مطرح شده در آیه، این است که آیا ازدیاد ایمان، کیفی است یا کمی؟ یعنی آیا درجات یقین مؤمنان است که افزایش می یابد یا به سبب افزایش گروندگان، کمیت و تعداد مؤمنان افزایش پیدا می کند؟ (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳۹/۳) با توجه به شرایط و اوصاف پنج گانه مذکور در آیه، به نظر می رسد که ازدیاد در مورد درجات یقین افراد و ارتقای کیفیت ایمان است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲/۹). عبارت پایانی در بیان پاداش این طایفه از مؤمنان، یعنی تعبیر «درجات» نیز می تواند مؤید همین مطلب باشد که مراتب آحاد مؤمنان بنا بر مساعی ایشان، متفاوت می گردد.

نکته دیگر این آیه، اینکه ازدیاد ایمانی که بر اثر تلاوت قرآن حاصل می شود، به چه معنا است؟ این مطلب، یکی از بحث هایی بوده که مورد توجه برخی دانشمندان و نویسندگان قرار گرفته است. به عنوان نمونه، شیخ طوسی از ربیع نقل کرده که ازدیاد ایمان، به معنای ازدیاد حسنه است (طوسی، بی تا، ۷۷/۵). علامه طبرسی ازدیاد را افزایش یقین، آرامش جان و تصدیق های آیات جلید علاوه بر آیات گذشته دانسته است (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲/۲). ماتریدی، ثبات و قوت را افزایش ایمان دانسته (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۱۵۴/۵). ابن جوزی علاوه بر تصدیق و یقین، خشیت را نیز به نقل از ربیع بن انس ذکر کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۸۸/۲). زمخشری علاوه بر یقین و طمأنینه، زیادت عمل را نیز احتمال داده است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۹۶/۲). عبد الرزاق رسعنی، بعد از نقل رأی ابن عباس که زیادت ایمان را



زیادت تصدیق و یقین دانسته، اینچنین توضیح می‌دهد که مؤمنان با شنیدن قرآن، دلایل ایمانی در ذهنشان آشکار شده و در نتیجه به یقین و ایمان و طمأنینه‌شان، افزوده می‌شود (رسعنی، ۱۴۲۹: ۳۶۳/۲). در تفسیر منسوب به ابن عربی، زیادت، ارتقا از درجه «علم» به درجه «عین» دانسته شده است (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۲۴۹/۱). تقریر ابن‌عرفه در خصوص مسئله چنین است که زیادت، یا تصدیق و اعتقاد قلبی است و یا زیادت‌های رفتاری و بدنی. اولی ممنوع است؛ چرا که اعتقادات، کم و زیاد نمی‌شود! اما دومی، پذیرفتنی است. اما در چگونگی آن، سه نظر وجود دارد. اول آنکه زیادت، به اعتبار متعلقات ایمان باشد. دوم آنکه به معنای کثرت و زیادت اعمال صالح باشد؛ و سوم آنکه زیادت در ادله، مراد است (ابن‌عرفه، ۲۰۰۸: ۲۷۸/۲). علامه طباطبایی نیز شدت و قوت ایمان و نیل به مرحله والای یقین را ذکر کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱/۹).

در بررسی اقوال فوق باید گفت هرچند، می‌توان از ایمان، تعبیر به «حسنه» نیز کرد، اما حقیقتاً گستردگی معنای ایمان، ما را از پذیرفتن چنین حمله‌ی بازمی‌دارد؛ چرا که حسنه، فقط مصداقی از مصادیق ایمان است. همچنین، حمل ایمان بر خشیت نیز، پذیرفتنی نیست؛ چرا که تکرار وصف نخست مؤمنان لازم می‌آید و این مسئله، خلاف بلاغت است. اما ارتقا از درجه علم به عین نیز، از ثمرات ازدیاد ایمان است، نه معنای آن؛ مانند طمأنینه و آرامش که می‌تواند از آثار افزایش ایمان باشد. مفهوم این ادعا که اعتقاد و ایمان، کم و زیاد نشدنی است هم، روشن نیست؛ چرا که تفاوت قوت و قدرت ایمان و درجات اعتقادی انسان‌های مختلف، مسئله‌ای روشن و قابل مشاهده در اقوال و احوال آنها در طول تاریخ و مؤید به آیات و روایات است. لکن معانی دیگری که برخی مفسران به آن اشاره کرده‌اند، یعنی افزایش یقین، تصدیق آیات و زیادت عمل را می‌توان نزدیک‌تر به معنای ازدیاد ایمان دانست. تلاوت آیات الهی بر مؤمن، یقین وی را بر عظمت و قدرت خدا افزایش داده، موجب پذیرفتن آن نشانه‌ها گشته و او را بر انجام تکالیف الهی انسانی‌اش مصمم‌تر می‌کند. امیر مؤمنان (علیه السلام) تلاوت قرآن را سبب باروری ایمان دانسته و فرموده‌اند: «لِقَاحُ الْإِيمَانِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ» (تمیمی آمدی، ۱۱۱/۱۳۶۶). در این کلام معصومانه، نقش بسزای تلاوت در هدایت ایمانی و سلوک موحّدانه، به روشنی بازگو شده است. اهل لغت، گاهی از لقاح به «نطفه» تعبیر کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴۷/۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۵۷۹/۲؛ راغب، ۱۴۱۲/۷۴۴)؛ گویی نقش تلاوت قرآن در رشد ایمان افراد، بسیار اساسی و پدرا نه است.

د. آثار تلاوت قرآن از منظر آیات

در آیات و روایات، آثار و برکات متعددی بر تلاوت قرآن مترتب شده است که به بیان برخی از این آثار پرداخته می‌شود. طبیعتاً آثار قرآنی، بر آثار روایی مقدم شده است.

۱. ایجاد ایمان و اشتیاق

یکی از آثار مترتب بر تلاوت قرآن، ایجاد ایمان است. در آیات مختلفی از قرآن به این مسئله اشاره شده است و بیان شده که افراد یا گروه‌های مختلفی بر اثر استماع آیات و تلاوت قرآن به ایمان گرویده‌اند. نمونه‌هایی از این دسته از آیات، اینچنین‌اند: در آیات ۲۹ تا ۳۲ سوره احقاف، ایمان طایفه‌ای از جنیان بر اثر استماع قرآن ذکر شده است. در المیزان، این آیات، طعنه بر مشرکان دانسته شده؛ چراکه مشرکان، به کتابی که به زبان آنان نازل شده و معجزه بودنش را باور دارند کفر می‌ورزند؛ اما جنیان، با استماع آیات قرآن، ایمان آورده و برای معرفی و تبلیغ آن، به‌سوی قوم خود راهی می‌شوند. در آیات بعد نیز حکایت دعوت و انذار آنها در میان طایفه خود ذکر می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۱۶/۱۸).

همچنین داستان مسیحیانی که با شنیدن آیات قرآن، ایمان آوردند، نمونه‌ای است که نه تنها ایمان آنها را حکایت کرده، بلکه به شوق آنها نیز اشاره دارد. در قرآن کریم، ایمان و شوق این افراد چنین روایت شده:

﴿وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾؛ «و چون آنچه را به سوی این پیامبر نازل شده بشنوند، می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند، اشک از چشم‌هایشان سرازیر می‌شود. می‌گویند: پروردگارا، ما ایمان آورده‌ایم؛ پس ما را در زمره گواهان بنویس» (مائده: ۸۳).

شیرینی ایمان و اشتیاق پیوستن به آیین حق، سبب حلقه زدن اشک در چشمان این مؤمنان شده (کاشانی، بی‌تا، ۴۱۹/۵) و آنها را به این نیایش واداشته که: ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾؛ «پروردگارا، ما ایمان آورده‌ایم؛ پس ما را در زمره گواهان بنویس».

پس منشأ ایمان اقوام و افرادی، استماع تلاوت قرآن است. البته روشن است که وجود مقتضی در به دست آمدن این امر مهم، کافی نیست؛ بلکه عدم مانع نیز برای تحقق ایمان لازم است که در برخی آیات، استکبار، از جمله موانع پذیرش حق شمرده شده است (مائده: ۸۲؛ ن.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸۱/۶).



مقام معظم رهبری، تلاوتی را که ضابطه‌مند بوده و هنگام اجرا نیز صحیح پیاده شود، «شوق‌انگیز» وصف کرده‌اند: تلاوت‌هایی که شما قاریان با اسلوب زیبا و خوب اجرا می‌کنید، شوق‌انگیز است و ارزش دارد و جوان‌ها را به سمت قرآن هدایت می‌کند (-<https://farsi.khamenei.ir/speech>-). (content?id=3090).

۲. افزایش ایمان و اشتیاق و جاری‌شدن اشک

پس از شکل‌گرفتن اصل ایمان در قلب، انسان مؤمن باید به دنبال ازدیاد ایمان، ارتقای درجه، استحکام و نائل‌شدن به مراتب بالای آن باشد. نظر به آیات قرآن کریم، یکی از اسباب ازدیاد ایمان، استماع آیات قرآن است. در ابتدای سوره انفال، حقیقت ایمان، در پنج خصلت و ویژگی خلاصه شده است. صفاتی که انسان را برای رعایت تقوا، اصلاح ذات‌البین و اطاعت خدا و رسول آماده می‌کند، عبارتند از: ترسیدن و تکان خوردن دل در هنگام ذکر خدا، زیادشدن ایمان در اثر استماع آیات الهی، توکل، بر پا داشتن نماز و انفاق از آنچه که خدا به انسان روزی فرموده. درباره وصف ازدیاد ایمان، آیه به صراحت آن را در پی استماع تلاوت آیات الهی می‌داند. برخی مفسران، این نوع ازدیاد ایمان را کیفی می‌دانند، نه کمی. یعنی مؤمن هر چه بیشتر در آیات الهی تأمل کند، ایمانش قوی‌تر و مستحکم‌تر می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹/ص ۱۱-۱۲). در آیه «وَإِذَا مَا أَنْزَلْتُ سُورَةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيْكُمُ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيْمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَرَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ» (توبه: ۱۲۴) نیز آشکارا به افزایش ایمان در قبال نزول قرآن اشاره کرده است. تبعاً قرآن پس از نزول، قرائت می‌شد و استماع آیات نیز سبب زیادت ایمان افراد می‌گشت. صاحب تفسیر تبیان، زیادت ایمان مؤمنان را در اثر نزول سوره‌های قرآن این‌گونه تبیین کرده که ایشان در مواجهه با آیات قرآن، آنها را تصدیق کرده و به الهی بودن آن و محتوای آن اعتراف کرده و معتقد می‌شوند. روشن است که زیادت وقتی معنا دارد که ابتدا اصل مسئله، موجود باشد تا اینکه افزایش، معنا پیدا کند (طوسی، بی‌تا، ۳۲۵/۵).

یکی از آثاری که استماع تلاوت قرآن بر انسان مؤمن می‌گذارد: جاری‌شدن اشک شوق بر دیدگان او است. مقدمه این انقلاب روحی، مسلماً پس از آمادگی فرد و باز بودن گوش جان او و آنگاه استماع آیات وحی است. این اثر، خود، منشأ بسیاری از اتفاقات نیک در فرد خواهد شد؛ اطاعت، عمل صالح، تعقل و شوق به وصال و لقاء حق. شاید بارزترین مصداق قرآنی این تحول شیرین و اشک‌سرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲/۶۶۳؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۴۵۵/۳)، مربوط به نصارای حبشه است. صاحب مجمع البیان، داستان نزول این آیات را در حق نصاری که از شام و حبشه همراه با جعفر بن ابی‌طالب به مدینه آمدند، می‌داند. در ضمن این نقل، ابتدا به قرائت آیات سوره مریم توسط جعفر در حضور پادشاه حبشه

و اذعان وی به حقانیت آن اشاره شده و در ادامه، قرائت سوره یس توسط رسول خدا بر گروه همراه جعفر در مدینه ذکر می‌شود. عکس‌العمل این گروه در برابر تلاوت کلام حق، پذیرش و ایمان است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۶۱). مؤلف المیزان، روایتی از تفسیر علی بن ابراهیم قمی نقل می‌کند که در آن به اسلام آوردن نجاشی پادشاه حبشه هم تصریح شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶/۸۶). علامه طباطبایی در خصوص ویژگی‌هایی که نصارا را به مؤمنین نزدیک می‌کند، تقریر مفصل و جالبی دارد. از جمله می‌نویسد: اینکه آنان نسبت به سایر ملل اُنس و محبتشان به مسلمین بیشتر است، سه چیز است که در سایر ملل نیست؛ یکی اینکه در بین ملت نصارا، دانشمند زیاد است. دوم اینکه زهاد و پارسایان فراوانی در بین آنها وجود دارد. سوم اینکه ملت نصارا مردمی متکبر نیستند. همین سه چیز است که کلید سعادت آنان و مایه آمادگی‌شان برای سعادت و نیک‌بختی است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶/۸۰-۸۲).

اشک چشم، نشانه اشتیاق به قرب و ثواب الهی است. در برخی آثار معاصر، از گریه این گروه، به «اشک شوق» تعبیر شده است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲: ۲/۲۸۷ و ۸/۵۲۹؛ مکارم و همکاران، ۱۳۷۱: ۵/۵۳ و ۵۶؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۲/۳۵۷ و ۴/۱۷۱؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۵/۲۰۲). روایت برخی نویسندگان نیز از این جریان، روایتی همراه با عشق و اشتیاق است: «قسّیسین و راهبان مسیحی طالب حقیقت که سال‌ها در به‌در و مشتاق در پی یافتن حقیقت، متحمل صدمات و رنج فراوانی گشته‌اند، «آنان نسبت به دنیا رهبانیت را برگزیده‌اند و در برابر حق استکباری ندارند و هرگاه آنچه را که به سوی رسول خدا نازل شده است بشنوند، چشم‌هایشان را می‌بینی از اشک لبریز گشته است به جهت معرفتی که از حق دارند، می‌گویند: پروردگارا ما ایمان آوردیم پس ما را در معیت شاهدین بر حق ثبت فرما». این مشتاقان در برابر ابهام بینندگان و سؤال آنان که از این صحنه به شگفت آمده‌اند — آنانی که از سوز و گداز رسیدن به معشوق و حیرت‌های مستمر در این مسیر بویی نبرده‌اند — می‌گویند: «و ما (عاشقان) را چه شده است که به خدا (معشوقمان) و آنچه از حقیقت به سراغ ما آمده است (پیام معشوق) ایمان نمی‌آوریم؟! (یعنی اگر عاشق با دیدن معشوق به سوییشتابد: ای سؤال دارد، نه شتافتن به سوییشت) و (در پایان) چشم امید داریم که پروردگارمان ما را در معیت قوم صالح (در رحمت بی‌کران خویش) داخل نماید» (نقی‌پورفر، ۱۳۸۱: ۵۱۶).

مولی فتح‌الله کاشانی، به سجده‌های رسول خدا ﷺ هنگام تلاوت برخی آیات قرآن و قرائت دعای متناسب با همان آیه اشاره کرده و دعای سجده آن حضرت پس از تلاوت آیه: ﴿إِذَا ثَلَّىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا﴾ (مریم: ۵۸) را چنین حکایت می‌کند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ عِبَادِكَ الْمُنْعَم عَلَيْهِمُ الْمَهْدِيِّينَ السَّاجِدِينَ لَكَ الْبَاكِينَ عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ». سپس چنین نقل می‌کند: و بعضی از اکابر امت



گفته‌اند که این سجده که به جهت تلاوت آیات رحمانی وقوع می‌یابد، سجود انعام عام است و گریه‌ای که متفرّع بر او است، گریه فرح و سرور؛ چه رحمت رحمانیت، مقتضی لطف و رأفت است و موجب تحبّب و مسرّت؛ پس نتیجه آن، طرب است، نه اندوه تعب (کاشانی، بی تا، ۱۹/۵).

از طرفی، نگرستن هنگام استماع قرآن نیز مورد نکوهش و توبیخ خدا قرار گرفته است: ﴿أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ وَ تَضْحَكُونَ وَ لَا تَبْكُونَ وَ أَنْتُمْ سَامِدُونَ﴾؛ آیا از این سخن عجب دارید؟ و می‌خندید و نمی‌گریید؟ و شما در غفلتید. (نجم: ۵۹ - ۶۱؛ ن.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۷۸/۹). ابوالفتح رازی نقل کرده: ابو الخلیل گفت: تا این آیت آمد، رسول الله ﷺ را خندان ندیدند (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۲۰۶/۱۸). دیلمی در ارشاد القلوب، چنین گوید: «و قد وَّخَّ اللهُ تَعَالَى عَلَى تَرْكِ الْبُكَاءِ عِنْدَ اسْتِمَاعِ الْقُرْآنِ عِنْدَ قَوْلِهِ ﴿أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ وَ تَضْحَكُونَ وَ لَا تَبْكُونَ﴾ وَ مَدَحَ الَّذِينَ يَبْكُونَ عِنْدَ اسْتِمَاعِهِ بِقَوْلِهِ ﴿وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾؛ خدای متعال نگریدن هنگام شنیدن قرآن را بازخواست و توبیخ کرده و فرموده: «آیا از این سخن (قرآن) عجب دارید؟ و می‌خندید و نمی‌گریید؟» و در مقابل، آنانکه به وقت شنیدن قرآن، اشک می‌ریزند را ستوده و فرموده: «و چون آنچه را به سوی این پیامبر نازل شده، بشنوند، می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند، اشک از چشم‌هایشان سرازیر می‌شود. می‌گویند: پروردگارا، ما ایمان آورده‌ایم؛ پس ما را در زمره گواهان بنویس» (دیلمی، ۱۴۱۲: ۹۶/۱).

توجه به معنا توسط قاری قرآن و فهم آیات در تلاوت، زمینه منقلب شدن مخاطبان را فراهم می‌کند. رهبر معظم انقلاب در توصیه‌ای به قاریان، چنین فرموده‌اند: برادران قاری، هر آیه و هر قسمت از سوره‌ای را که می‌خواهند بخوانند، حتماً سعی کنند معنا و ترجمه آن قسمت را یاد بگیرند. این، در تلاوت تأثیر می‌گذارد. وقتی شما معنا را می‌دانید یک‌طور حرف می‌زنید و وقتی نمی‌دانید طور دیگری حرف می‌زنید. بفهمید که چه موضوعی را به مخاطبینتان می‌گویید. طوری بشود که: ﴿إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَ إِذَا ثَلِيثٌ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا﴾ باید این‌طور شود که ذکر خدا، در تلاوت‌ها و فهم آیات خدا، دل‌ها را منقلب کند. این، از هر موعظه‌ای بهتر است. کلام خدا، از هر موعظه‌ای بالاتر است. وقتی که ما احتیاج به موعظه داریم، کدام زبان رساتر و بلیغ‌تر و گویاتر از زبان کلام الهی است؟ قاری بخواند، ما هم بشنویم و بفهمیم و از موعظه لذت ببریم. «أَخِي قَلْبُكَ بِالْمَوْعِظَةِ» (سید رضی، ۱۴۱۴: ۳۹۲، نامه ۳۱)؛ دل را با شنیدن موعظه زنده کنید. هم قاری و هم مستمع باید بفهمند که چه خوانده می‌شود (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19549>).

۳. انذار

یکی از آثار شاخص تلاوت قرآن، اثر اندازی آن است؛ چنانکه یکی از ابعاد رسالت نیز مُنذر بودن رسولان است (برای نمونه، ن.ک: بقره: ۲۱۳؛ نساء: ۱۶۵؛ انعام: ۴۸؛ هود: ۲؛ احزاب: ۴۵). در قرآن کریم، شواهد فراوانی برای این معنا وجود دارد که به عنوان نمونه، مواردی ذکر می‌شود: «وَأَوْحِي إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ» و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن، شما و هر کس را [که این پیام به او] برسد، هشدار دهم» (انعام: ۱۹)؛ «وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُخْشَرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» و به وسیله این [قرآن] کسانی را که بیم دارند که به سوی پروردگارشان محسور شوند هشدار ده [چرا] که غیر او برای آنها یار و شفیع نیست، باشد که پروا کنند» (انعام: ۵۱)؛ «كِتَابٌ أَنْزَلُ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لِيُنْذِرَ بِهِ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ» کتابی است که به سوی تو فرو فرستاده شده است - پس نباید در سینه تو از ناحیه آن، تنگی باشد - تا به وسیله آن هشدار دهی و برای مؤمنان پندی باشد.» (اعراف (۷): ۲)؛ «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنْذِرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّ مَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ» «این [قرآن] ابلاغی برای مردم است [تا به وسیله آن هدایت شوند] و بدان بیم بایند و بدانند که او معبودی یگانه است، و تا صاحبان خرد پند گیرند.» (ابراهیم: ۵۲).

چنانچه مشهود است، در تمام موارد فوق، قرآن وسیله انذار معرفی شده و اگر رسول نیز انذاردهنده است، از طریق همین وسیله، هشدارهای الهی را به امت ابلاغ می‌کند. نکته قابل توجه اینکه از مضامین مختلف قرآن و از تصریح برخی آیات دیگر آن، به دست می‌آید که قرآن کریم هم جنبه تبشیری دارد و هم جنبه اندازی؛ اما در برخی آیات، فقط به وجه هشدار آن اشاره شده. صاحب تفسیر المیزان، در بیان علت ذکر این وجه از قرآن، یعنی هشداردهنده بودن آن، چنین می‌گوید: گر چه تطمیع و امیدوار ساختن مردم نیز راهی است برای دعوت انبیا و قرآن عزیز هم تا اندازهای این طریقه را به کار برده، لیکن اصولاً امیدواری، آدمی را به طور الزام وادار به طلب نمی‌کند و بیش از ایجاد شوق و رغبت در آدمی، اثر ندارد؛ به خلاف تخویف و تهدید که به حکم عقلی وجوب دفع ضرر احتمالی، احتراز از آنچه تهدید به آن شده واجب است و آدمی به دفع آن ملزم می‌شود. علاوه بر این، اگر مردم در گمراهی خود هیچ گونه تقصیری نمی‌داشتند، مناسب بود که دعوت الهی از راه تطمیع آغاز گردد، لیکن مردم در گمراهی خود مقصرند؛ برای اینکه دعوت اسلام، دعوت به دین فطرت، یعنی به دینی است که سرچشمه‌اش در نهاد خود بشر است و این خود او است که با دست خویش و با ارتکاب شرک و گناه، فطرت خود را پشت سر افکنده و شقاوت را بر دل خود چیره نموده و در نتیجه دچار سخط الهی شده است؛ و چون چنین است، حزم و حکمت اقتضا می‌کند که دعوت آنان از راه انذار و هشدار آغاز گردد و برای همین جهت بوده که در آیات بسیاری وظیفه رسول خدا ﷺ منحصر در انذار شده است، مانند آیه «إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ» (فاطر:



۲۳) و آیه «وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ» (عنکبوت: ۵۰). البته این مطلب، که گفته شد، در باره مردم عامی است؛ و اما خواص از مردم، یعنی آنان که خدای را از روی محبتی که به او دارند عبادت می‌کنند، نه از جهت ترس از آتش و یا طمع در بهشت، البته از خوف و رجا و تهدید و تطمیع که در دعوت دینی هست چیز دیگری تلقی می‌کنند. وقتی به تهدید از آتش برمی‌خورند، از آن آتش، آتش فراق و دوری از پروردگار و سخط وی را می‌فهمند و همچنین از شنیدن وصف بهشت، به نعمت وصل و قرب ساحت او و خشنودی او منتقل شده و مشتاق آن می‌گردند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۹/۷).

این نکته نیز روشن است که یکی از مهم‌ترین ابزار برای رساندن محتوای قرآن، تلاوت آن است. لذا این گروه فراوان از آیات، می‌توانند بر تأثیر لنداری تلاوت نیز دلالت کنند. به علاوه که در برخی آیات، بحث تلاوت و هشدار، به هم پیوند خورده است: «وَأَنْ أَتْلُوا الْقُرْآنَ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ» و (من مأمورم به) اینکه قرآن را بخوانم. پس هر که راه یابد تنها به سود خود راه یافته است؛ و هر که گمراه شود بگو: «من فقط از هشداردهندگانم.» (نمل: ۹۲). پس هشدار، پس از تلاوت صورت می‌گیرد.

از ویژگی‌ها و نتایج انذار، تغییر و دگرگونی دل‌هاست. مقام معظم رهبری، تلاوت مؤثری که نتیجه تلفیق فهم معنا و صوت خوش است را سازنده محیط جامعه و دگرگون‌کننده جان‌ها معرفی کرده‌اند: اگر می‌خواهید تلاوت شما از لحاظ تأثیر و ساختن محیط جامعه و تغییر و دگرگونی دل‌ها و جان‌ها موفق باشد، یکی از شرایط مهم و اصلی‌اش این است که خواننده قرآن با مضمون آیه‌ای که می‌خواهد تلاوت کند، کاملاً آشنا باشد و طوری بخواند که گویی با صدای خوش خود می‌خواهد آن مضمون را برای مخاطب تصویر و ترسیم کند (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۲۰۰).

۴. تذکر

یکی از کارکردهای قرآن کریم، متذکرکردن مخاطبان خود است. اساساً «ذکر»، یکی از نام‌های شایع قرآن است و آیاتی که از کتاب الله به‌عنوان ذکر، یاد کرده‌اند بسیار است؛ برای نمونه: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۱۵: ۹)؛ «بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۴۴). از طرفی، یکی از شؤون پیامبر اکرم ﷺ نیز متذکر ساختن انسان‌ها شمرده شده: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» (غاشیه: ۲۱)؛ و جالب اینکه در برخی آیات، وسیله این تذکر پیامبر، قرآن معرفی شده است: «فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدَ» (ق: ۴۵). روشن است که این ابلاغ و تذکر نیز، در آغاز بعثت، منحصر در روش تلاوت قرآن بوده و سپس روش کتابت هم به آن افزوده گشته است. بحث محوریت تلاوت در بعثت رسول خدا ﷺ پیش از این، به تفصیل گذشت.

این تذکار، گر چه متوجه همگان است: «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (ص: ۸۷؛ قلم: ۵۲؛ تکویر: ۲۷)، اما برخی انسان‌ها از آن روی گردان شده و بر خطاهای خود اصرار می‌ورزند: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا» (کهف: ۵۷؛ همچنین ن.ک: سجده: ۲۲؛ صافات: ۱۳). تنها، بندگان خدای رحمان در برابر تذکرات قرآن، روحیه پذیرش دارند: «وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا» (فرقان: ۷۳)؛ «إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» (سجده: ۱۵).

ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که دو اثر گفته شده، یعنی انذار و تذکر، در کنار هم در یک آیه جمع شده است: «كِتَابٌ أَنْزَلُ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لِيُنْذِرَ بِهِ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ»؛ کتابی است که به سوی تو فرو فرستاده شده است – پس نباید در سینه تو از ناحیه آن، تنگی باشد – تا به وسیله آن هشدار دهی و برای مؤمنان پندی باشد.» (اعراف (۷): ۲).

متذکرشدن افراد، هنگامی محقق می‌شود که احساس کنند آیات قرآن و مفاهیم آن، زنده است. همین مسئله، توصیه مقام معظم رهبری است به تالیان کتاب الله. ایشان در دیداری با قاریان و فعالان قرآنی چنین فرموده‌اند: هر چه می‌توانید تعلیم و تعلم قرآن را زیاد کنید؛ معانی قرآن، مفاهیم قرآن، اینها را زنده کنید. این را من به تلاوتگران عزیزمان... عرض می‌کنم که در کیفیت خواندن، مفهوم آیات قرآنی را مجسم کنید (= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۶۶۶۳>).

۵. خروج از ظلمات

یکی از اهداف ارسال رسل و انزال کتب، خارج نمودن انسان‌ها از ظلمات به‌سوی نور است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۵۷۱/۳۱)؛ از تاریکی‌های تحیر و کفر، به‌سوی نور ایمان و نجات (طوسی، بی‌تا، ۴۷۵/۳)؛ و از جهل و شک، به یقین (کاشانی، بی‌تا، ۲۰۷/۳). خدای متعال، این غایت را گاهی به خود نسبت داده است (بقره: ۲۵۷) و گاهی به رسول یا کتاب (ابراهیم: ۱؛ حدید: ۹). این تنوع برای آن است که سبب حقیقی را در خارج کردن انسان‌ها از ظلمت به نور روشن کند و غیر مستقل بودن رسول و کتاب را بفهماند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۴۶/۵). حال، توجه به این نکته بایسته است که تلاوت کلام الله ابزاری است که در این عملیات نقش بسزایی داشته و موجب رسیدن محتوای نورانی قرآن به مخاطبان و نجات آنها از تحیر و کفر و جهل می‌شود. در تفسیر نمونه آمده: هدف نهایی از ارسال این رسول و انزال این کتاب آسمانی این است که با تلاوت آیات الهی، آنها را از ظلمت‌های کفر و جهل و گناه و فساد اخلاق بیرون آورده، به سوی نور ایمان و توحید و تقوا رهنمون گردد و در حقیقت، تمام اهداف بعثت پیغمبر ﷺ و نزول قرآن در همین يك جمله خلاصه شده: خارج کردن از ظلمت‌ها به نور (مکارم و همکاران، ۱۳۷۱: ۲۵۸/۲۴).



به نظر، چهار آیه در این ارتباط، قابل بررسی است:

۱. «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ * يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يَخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند؛ و به فرمان خود، از تاریکی‌ها به سوی روشنائی می‌برد؛ و آنها را به سوی راه راست، رهبری می‌نماید.» (مائده: ۵-۱۶)؛

۲. «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» [این کتابی است که آن را بر تو نازل کردیم تا مردم را به اجازه پروردگارشان از تاریکی‌ها [ی جهل، گمراهی و طغیان] به سوی روشنائی [معرفت، عدالت و ایمان و در حقیقت] به سوی راه [خدای] توانای شکست‌ناپذیر و ستوده بیرون آوری.» (ابراهیم: ۱۴: ۱)؛

۳. «هُوَ الَّذِي يَنْزِلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ» «او کسی است که آیات روشنگری بر بنده‌اش فرو می‌فرستد تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آورد؛ و قطعاً خدا [نسبت] به شما مهربانی مهرورز است.» (حدید: ۹)؛

۴. «رُسُلًا يَلْقَوْنَ عَلَيْكُم آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» «رسولی به سوی شما فرستاده که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می‌کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، از تاریکی‌ها به سوی نور خارج سازد» (طلاق: ۱۱)؛

در آیه نخست (مائده: ۱۵-۱۶)، هدایت و اخراج از ظلمات، به خدا نسبت داده شده؛ اما تعبیر «یهدی به»، وسیله هدایت الهی را که به احتمال بسیار زیاد کتاب است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۲۷۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵/۳۹۸)، روشن ساخته است و چون عبارت «وَيُخْرِجُهُمْ» نیز پس از آن آمده، بعید نیست که بتوان این فعل الهی را نیز به سبب هدایت‌های آیات قرآنی دانست. در آیه دوم (ابراهیم: ۱۴): (۱) بدون تردید اخراج به رسول اکرم ﷺ نسبت داده شده، اما این نسبت بلافاصله پس از مسئله انزال کتاب مطرح شده است و می‌توان همان آلیت را از آن استفاده کرد؛ چنانچه ابوالفتح رازی چنین معنا کرده (رازی، ۱۴۰۸: ۱۱/۲۴۷). در آیه سوم (حدید: ۹)، بنا به گفته غالب مفسران دو احتمال (رازی، ۱۴۰۸: ۱۶/۱۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۹/۱۵۲) و بنا به نقل طبرسی، سه احتمال وجود دارد که اخراج به خدا، رسول یا قرآن برگردد (طبرسی، مجمع البیان: ۳۵۰/۹)، اما در هر صورت، پیش از اخراج، سخن از تنزیل آیات است و اتفاقاً اخراج نیز بر تنزیل متفرع شده است: «لِيُخْرِجَكُم»؛ برای همین، در برخی تفاسیر، «قرآن» را وسیله اخراج دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۵۰/۹؛ کاشانی، بی تا، ۱۷۰/۹). در آیه

چهارم (طلاق: ۱۱) نیز در مرجع ضمیر فاعلی، دو احتمال وجود دارد (رازی، ۱۴۰۸: ۱۹/۲۸۰)؛ یعنی اخراج می‌تواند به خدا یا به رسول منتسب باشد؛ البته این آیه نسبت به آیات پیشین بحث، ویژگی مهمی دارد که در آن، اخراج از ظلمات به نور، متفرّع بر «تلاوت» شده است (يُتْلُوا عَلَيْكُمْ... لِيُخْرِجَ) و همین نکته، شاید قرینه فهم صحیح آیات دیگر نیز باشد که گر چه این اخراج توسط خدا یا رسول یا کتاب است، اما از طریق تلاوت قرآن صورت می‌گیرد (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱۰/۱۱۶؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۲۱/۱۱۲). پس می‌توان یکی از آثار تلاوت قرآن را، خارج شدن از ظلمت‌ها به سوی نور دانست (مکارم و همکاران، ۱۳۷۱: ۲۴/۲۵۸).

مقام معظم رهبری، مسئله خروج از ظلمات به سوی نور را که در آیات متعددی از قرآن بیان شده، تحولی همه‌جانبه در زندگی انسان می‌دانند؛ اعم از فردی، اجتماعی و هدفگیری (https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=۱۴&aya=۷&npt=۱#۹۶۴۱). از طرفی دیگر قاریان را مکلف به القاء مفاهیم به شنوندگان تلاوت کرده و فرموده‌اند: شما [تالیان قرآن] می‌خواهید با تلاوتتان، مفاهیم قرآنی را به مستمع القاء کنید. درست است که غالب مستمعین شما عربی و زبان قرآن را نمی‌دانند، اما معجزه قرآن این است که اگر با همین وضعیّت هم - درحالی‌که آنها نمی‌دانند - این آیات را با عمق جان و با شرایط القاء کنید، مفاهیم ولو به نحو اجمال به ذهنها منتقل خواهد شد. خب، این طبعاً شرایطی دارد (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29983).

۶. هدایت و رشد

از جمله آثار تلاوت قرآن که به ذات نورانی کلام الله برمی‌گردد، هدایت انسان‌ها و رشد و تعالی بخشیدن به ایشان است. در واقع، تلاوت قرآن رسانه‌ای شگفت است که می‌تواند این هدف والا را تحقق بخشد. در قرآن کریم، سخن از هدایت بودن کتاب، فراوان مطرح شده است. از اوصاف بارز و پُر تکرار کلام الله، «هُدًى» است (بقره: ۲ و ۱۸۵؛ یونس: ۵۷؛ نحل: ۶۴ و ۸۹؛ نمل: ۲؛ لقمان: ۳). در برخی آیات، هدایت به قرآن منتسب شده: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا»؛ «قطعاً این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است راه می‌نماید، و به آن مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند، مژده می‌دهد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود.» (اسراء: ۹)؛ شیخ طوسی گوید: این قرآنی که خدا بر پیامبر ﷺ نازل کرده، دلالت و راهنمایی می‌کند به تمام راه‌های الهی از قبیل توحید، عدل، پذیرش پیامبران، عمل به شریعت، انجام طاعات و ترک معصیت‌ها و همین قرآن، اهل ایمان را به سبب فرمان‌بری آنها به پاداشی بزرگ نوید می‌دهد (طوسی، بی‌تا، ۴۵۲/۶ - ۴۵۳). علامه طبرسی، هدایت قرآن را به سوی دیانت و ملت و مستحکم‌ترین راه دانسته (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۶۱۸).



از برخی آیات دیگر استفاده می‌شود که قرآن یکی از ابزار و وسایلی است که خدا از آن برای هدایت موجودات بهره می‌برد. «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ * يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ»؛ «قطعاً برای شما از جانب خدا روشنائی و کتابی روشن‌گر آمده است. خدا هر که را از خشنودی او پیروی کند، به وسیله آن [کتاب] به راه‌های سلامت رهنمون می‌شود» (مائده: ۱۶). مرحوم ابو الفتوح در تفسیر این آیه گفته: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ»، به شما آمد از خدای تعالی نوری یعنی رسول ﷺ، «وَكِتَابٌ مُبِينٌ»، یعنی «قرآن» که کتابی است بیان‌کننده» (ابو الفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۰۶/۶). سپس در مرجع ضمیر «به» سه احتمال را مطرح کرده است: «و روا بود که ضمیر عاید باشد الی کلّ واحد منهما و روا بود که الی اقرب المذكورین باشد و آن کتاب است و روا بود که الی اهمّ المذكورین باشد و اگر چه ابعد باشد» (همان، ۳۰۷). مرحوم فیض، در بیان مقصود از نور، دو نظریه را مطرح کرده؛ یکی پیامبر ﷺ و دیگری خود قرآن؛ مؤید نظر دوم که مقصود از هر دو، قرآن باشد، ضمیر مفرد در «به» است. ایشان در ادامه به روایتی از تفسیر قمی اشاره می‌کند که مقصود از نور را، امیر مؤمنان و ائمه علیهم‌السلام دانسته است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۳/۲).

در آیات مربوط به مواجهه جَنّان، تصریح شده که هدایت قرآن کریم، پس از استماع قرآن برای آنان منکشف شد: «قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ قَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا * يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا»؛ «بگو: به من وحی شده است که تنی چند از جَنّان گوش فرا داشتند و گفتند: راستی ما قرآنی شگفت‌آور شنیدیم. [که] به راه راست هدایت می‌کند. پس به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را شریک پروردگارمان قرار نخواهیم داد.» (جن: ۱-۲)

روشن است که استماع در پی تلاوت اتفاق می‌افتد. پس می‌توان یکی از آثار تلاوت قرآن را، هدایت دانست. در منهج الصادقین، رشد راستی و صواب دین و دنیا دانسته شده است (کاشانی، منهج الصادقین: ۲۹/۱۰). مرحوم فیض، رشد را حق و صواب معرفی کرده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۳۴/۵). علامه طباطبایی گوید: «و الرشدُ إصابةُ الواقع و هو خلاف الغيِّ، و هدايةُ القرآن إلى الرشدِ دعوته إلى عقائد و أعمالٍ تتضمنُ للمتلبس بها سعادته الواقعية»؛ کلمه رشد به معنای رسیدن به واقع در هر نظریه است، که خلاف آن یعنی به خطا رفتن از واقع را «غی» می‌گویند؛ و هدایت قرآن به سوی رشد، همان دعوت او است به سوی عقاید حق و اعمالی که عاملش را به سعادت واقعی می‌رساند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۸/۲۰).

مسئله هدایت و به‌ویژه هدایت جوانان، امری است که می‌توان آن را با تلاوتی در اسلوب زیبا محقق ساخت. پیش از این نیز این فرمایش رهبر معظم انقلاب گذشت که فرموده‌اند: تلاوت‌هایی که شما

قاریان با اسلوب زیبا و خوب اجرا می‌کنید، شوق‌انگیز است و ارزش دارد و جوان‌ها را به سمت قرآن هدایت می‌کند (= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=> ۳۰۹۰).

۷. اطمینان قلب

اطمینان و آرامش، یکی از آرزوها و مطلوبات بشر است. بسیاری از انسان‌ها در طول حیات خود به دنبال رسیدن به روانی آرام هستند و اساساً یکی از شعارها و اهداف مکاتب و ادیان، همین وعده و محقق ساختن همین آرزو است. در قرآن کریم، از این مسئله، غالباً با دو واژه «اطمینان» و «سکینه» یاد شده است.

قرآن کریم، اطمینان و سکینه را افاضه الهی به قلب رسولان خود و اهالی ایمان می‌داند (توبه (۹) ۲۶). البته راه رسیدن به این اطمینان را منحصر در «ذکر الله» معرفی فرموده: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ «همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد» (رعد (۱۳): ۲۸). از طرفی، یکی از اسامی قرآن کریم، «ذکر» است. عمده مفسران در مقدمه تفاسیر یا به مناسبت، واژه «ذکر» را از اسامی قرآن کریم شمرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۴/۱؛ کاشانی، بی‌تا، ۶/۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۰۶/۱۲) که در آیاتی چند، از قرآن کریم مقصود و منظور گردیده است (آل عمران: ۵۸؛ حجر: ۶ و ۹؛ نحل: ۴۴؛ یس: ۱۱؛ ص: ۸؛ زخرف: ۵ و ۴۳). علامه طباطبایی تصریح می‌کند: «از اسامی قرآن، هیچ اسمی در دلالت بر آثار و شؤون قرآن، مانند اسم «ذکر» نیست، به همین جهت در آیاتی که درباره حفظ قرآن از زوال و تحریف صحبت می‌کند، آن را به نام ذکر یاد نموده است» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۰۶/۱۲). سهم تلاوت قرآن که مهم‌ترین ابزار رساندن این محتوای آرامش‌بخش به قلب مخاطبان است، در ایجاد و افزایش آرامش، بسزاست. قلب با دریافت پیام تلاوت قرآن از مغز، در مقام تصمیم‌گیری برمی‌آید و با حاکم شدن سکینه و آرامش، ارمغان و آرزوی خود را می‌یابد. در سلیه آرامش، اطاعت و عبودیت خالصانه نیز شکل می‌گیرد.

در مقابل، قلب قاسی است که در بسیاری از آیات قرآن، مورد نکوهش واقع گشته و سبب عذاب الهی شمرده شده است. بجاست که برای نمونه، در یکی از این آیات، دقت شود: «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»؛ «پس آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای [پذیرش] اسلام گشاده، و [در نتیجه] برخوردار از نوری از نوری پروردگار می‌باشد [همانند فرد تاریکدل است]؟ پس وای بر آنان که از سخت‌دلی یاد خدا نمی‌کنند؛ اینانند که در گمراهی آشکارند.» (زمر: ۲۲).



عاملی، «مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ» را «مِنْ أَجْلِ سَمَاعِ الْقُرْآنِ» معنا کرده است؛ یعنی آنها بر اثر شنیدن قرآن، نفرت و قساوت گرفتند (عاملی، ۱۴۱۳: ۱۱۷/۳). سید شبر می‌نویسد: «این قساوت، به واسطه ذکر خدا در قلب آنها ایجاد می‌شود، چون وقتی در نزد آنها، خدا یاد می‌شود و برای آنها قرآن قرائت می‌شود، قساوتشان افزایش پیدا می‌کند» (شبر، ۱۴۱۰: ۴۳۴). همان آیاتی که در برخی قلوب، ایجاد سکینه و نرم‌دلی می‌کند، در برخی دیگر، سنگ‌دلی به بار می‌آورد و این، نیست مگر به سبب نافرمانی‌ها و لجاجت‌ها در برابر حق: «فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً...»؛ «پس به [سزای] پیمان شکستنشان لعنتشان کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم» (مانده: ۱۳).

خشیت از پروردگار نیز که در آیات زیادی مطرح شده، نهایتاً انسان را به نرم‌دلی و آرامش قلب می‌رساند. تمجید متصفین به این وصف، در سوره زمر، قابل توجه است: «اللَّهُ تَزَلَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ»؛ «خدا زیباترین سخن را [به صورت] کتابی متشابه، متضمن وعده و وعید، نازل کرده است. آنان که از پروردگارشان می‌هراسند، پوست بدنشان از آن به لرزه می‌افتد، سپس پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می‌گردد. این است هدایت خدا، هر که را بخواهد، به آن راه نماید؛ و هر که را خدا گمراه کند او را راهبری نیست» (زمر: ۲۳).

علامه طباطبایی معنای این آیه را چنین تقریر کرده: کلمه «تقشعر» از مصدر اقشعرار به معنای جمع شدن پوست بدن است به شدت، از ترسی که در اثر شنیدن خبر دهشت‌آور و یا دیدن صحنه‌ای دهشت‌آور دست می‌دهد. این جمع شدن پوست بدن اشخاص در اثر شنیدن قرآن، تنها به خاطر این است که خود را در برابر عظمت پروردگارشان مشاهده می‌کنند. پس در چنین وضعی وقتی کلام خدا را بشنوند، متوجه ساحت عظمت و کبریایی او گشته و خشیت بر دل‌هایشان احاطه می‌یابد و پوست بدن‌هایشان شروع به جمع شدن می‌کند.

کلمه «تَلِين» متضمن معنای سکون و آرامش است، چون اگر چنین نبود احتیاج نداشت که با حرف «الی» متعدی شود، پس معنایش این است که: بعد از جمع شدن پوست‌ها از خشیت خدا، بار دیگر پوست بدنشان نرم می‌شود و دل‌هایشان آرامش می‌یابد، چون به یاد خدا می‌افتند و با همان یاد خدا آرامش می‌یابند. [...] جمله «ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ» یعنی این حالت جمع شدن پوست از شنیدن قرآن که به ایشان دست می‌دهد و آن حالت سکونت پوست‌ها و قلب‌ها در مقابل یاد خدا، هدایت خداست؛ و این، تعریف دیگری است برای هدایت از طریق لازمه آن (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۵۶/۱۷).

حاصل، اینکه از جمله آثار تلاوت قرآن، ایجاد و استمرار اطمینان و آرامش است. مقام معظم رهبری تلاوت را سبب نفوذ مفاهیم قرآن کریم در دل‌ها می‌دانند و روشن است که قلب با پذیرفتن این مفاهیم نورانی به رنگ و بوی قرآن درآمده و در نتیجه به آرامش رهنمون می‌شود. بخشی از فرمایش معظم له چنین است: تلاوت قرآن با صوت خوش و با لحن خوب و با آداب و رسوم تلاوت، مقدمه‌ای است برای نفوذ مفاهیم قرآن در دل‌ها. اگر این فایده را [از آن] بگیریم و به تلاوت قرآن به‌عنوان یک خوش‌صدایی و یک آوازه‌خوانی فقط نگاه کنیم (میرزاخانی، ۱۴۰۱، ۲۵۵)، مطمئناً از این رتبه والا سقوط خواهد کرد. این همه تأکید بر اینکه قرآن را با صوت خوش بخوانند و با آداب بخوانند و با الحان مطلوب بخوانند، برای این است که مفاهیم قرآن در دل‌ها اثر کند، با قرآن انس بگیریم، به رنگ قرآن و به خلق قرآن و به شکل قرآن در بیاییم. اگر این مقصود است، پس یک شرایطی دارد، یک آدابی دارد. اولین ادب، این است که خواننده قرآن و تلاوتگر قرآن، با اذعان به قرآن، با باور مفاهیم قرآن، باور آن مفاهیمی که دارد تلاوت می‌کند، تلاوت کند. اگر ندانیم چه داریم می‌خوانیم، مفهوم را درک نکنیم، در عمق جانمان اثر نداشته باشد، [آن وقت] تأثیر تلاوتمان بر روی دیگران و بر روی خودمان کم خواهد بود (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29983).

۸. خشوع و خشیت قلب

نرمی قلب در برابر حق و سرسپردن به آن را خشوع می‌گویند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۵۷/۹). این ارزش والا، مطلوب هر مؤمنی است و به دنبال اسباب و موجبات آن است. خدا در قالب یک عتاب، مؤمنان را به خشوع در برابر قرآن فرامی‌خواند و در حقیقت، یکی از اسباب ایجاد خشوع در دل را معرفی می‌فرماید:

﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾؛ «آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند هنگام آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدانها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید، و دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند؟» (حدید: ۱۶).

روایاتی از ابن عباس و ابن مسعود نیز بیان‌گر این معنا است که این عتاب بر اثر قساوت قلبی بود که به مرور در دل اهل ایمان رخ داده بود (کاشانی، بی تا، ۱۷۷/۹؛ سیوطی، ۱۴۰۶: ۱۷۵/۶). همچنین از آیات قرآن کریم، چنین استفاده می‌شود که داشتن وصف خشیت هم یکی از مقدمات ضروری برای پذیرش تذکرها و اندازها است. این تذکرها ممکن است از ناحیه انبیاء الهی صورت



بگیرد و ممکن است از مواجهه انسان با هر یک از آیات الهی اتفاق بیفتد؛ اما مهم، داشتن روحیه پذیرش و آمادگی قلبی برای متذکر شدن است و این مهم، در سایه داشتن خشیت تضمین می شود. در سوره طه، خدا قرآن را فقط مایه تذکر خدا ترسان معرفی می کند و اشاره به رنج زیاد پیامبر در ترویج قرآن و تلاش برای ایمان افراد می کند: «طه * مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى * إِلَّا تَذَكُّرَةً لِّمَن يَخْشَى»؛ طه؛ قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج افتی؛ ز اینکه برای هر که می ترسد، پندی باشد» (طه (۲۰): ۱-۳). هر چند قرآن مذکر همه مکلفان است، اما پندگیرنده، همگان نیستند: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَّخْشَاهُ»؛ «تو فقط کسی را که از آن می ترسد، هشدار می دهی» (نازعات: ۴۵). در تفسیر الثمرات الیانه نیز تخصیص پندگیری به اهل خشیت را چنین توضیح داده: «خَصَّ مَن يَخْشَى لِأَنَّهُمُ الْمُتَنَفِعُونَ بِذَلِكَ، وَإِلَّا فَهُوَ تَذَكُّرَةٌ لِلْجَمِيعِ»؛ «سبب این اختصاص اینست که فقط اهل خشیت اند که از قرآن بهره برداری می کنن؛ وگرنه قرآن، برای همگان پند است» (ثلائی، ۱۴۲۳: ۴/۲۴۷).

در سوره اعلی نیز، پس از امر خدا به پیامبر برای تذکر دادن، تنها کسانی را برخوردار و منتفع از آن می داند که وصف خشیت داشته باشند: «فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى * سَيَذَكِّرُ مَن يَخْشَى * وَيَتَجَبَّبُهَا الْأَشْقَى»؛ «پس پند ده، اگر پند سود بخشد؛ آن کس که ترسد، به زودی عبرت گیرد و نگون بخت، خود را از آن دور می دارد» (اعلی: ۹-۱۱). مرحوم مغنیه گفته: «پند دادن یقیناً به حال کسی سودمند است که بیم از خدا وی را بیدار کند و از پند ولندرز، کسی روی برنمی گرداند، مگر آن انسان بدبختی که شهوت ها حسّ بینایی او را از کار انداخته و بدبختی بر او چیره شده باشد» (مغنیه، ۱۳۷۸: ۷/۵۵۳).

آیات صریح دیگری نیز در این خصوص وجود دارد: «إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَفَامُوا الصَّلَاةَ وَمَن تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ»؛ «[تو] تنها کسانی را که از پروردگارشان در نهان می ترسند و نماز برپا می دارند، هشدار می دهی؛ و هر کس پاکیزگی جوید تنها برای خود پاکیزگی می جوید، و فرجام [کارها] به سوی خداست» (فاطر: ۱۸). آیت الله مکارم می نویسد: «تا در دلی خوف خدا نباشد و در نهان و آشکار احساس مراقبت یک نیروی معنوی بر خود نکند، و با انجام نماز که قلب را زنده می کند و به یاد خدا می دارد به این احساس درونی مدد نرساند، اندازهای انبیاء و اولیاء بی اثر خواهد بود» (مکارم و همکاران، ۱۳۷۱: ۱۸/۲۲۷)؛ و آیه «إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ»؛ «بیم دادن تو، تنها کسی را [سودمند] است که کتاب حق را پیروی کند و از [خدای] رحمان در نهان بترسد. [چنین کسی را] به آموزش و پاداشی پر ارزش مژده ده» (یس (۳۶): ۱۱). علامه طباطبایی نوشته: «مراد از خشیت رحمان به غیب، خشیت از خدا در عالم ماده، یعنی در پس پرده مادیت است قبل از آنکه با مرگ یا قیامت، حقیقت مکشوف گردد» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷/۹۵). در این آیات نیز، با کلمه «إِنَّمَا» پندپذیری محصور در متصفین به وصف خشیت شده است.

تقابل استکبار با خشوع و خشیت قلب

یکی از نکات مهم در مطالعه آیات مربوط به بحث، این است که در سرتاسر قرآن، عدم رعایت وصف خشوع که همان اتصاف به صفت استکبار است، مورد مذمت واقع شده. از علت إباء ابلیس از فرمان الهی گرفته (بقره (۲): ۳۴؛ اعراف (۷): ۱۳؛ سوره ص (۳۸): ۷۴) تا سبب غرق شدن فرعون (یونس (۱۰): ۷۵؛ مؤمنون (۲۳): ۴۶؛ عنکبوت (۲۹): ۳۹) و نشانه شناخت منافقان (منافقون (۶۳): ۵). برخی آیات، عبارتند از:

۱. ابتلاء امت ناسپاس حضرت نوح (علیه السلام) به ردیله استکبار: ﴿وَإِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِيَتَغَفَّرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا﴾؛ «و من هر بار که آنان را دعوت کردم تا ایشان را بیامرزی، انگشتانشان را در گوش هایشان کردند و ردای خویشان بر سر کشیدند و اصرار ورزیدند و هر چه بیشتر، بر کبر خود افزودند» (نوح: ۷). صاحب مجمع البیان، این آیه را چنین شرح داده: نوح گوید: و من هر گاه ایشان را به اخلاص عبادت خواندم که گناهانشان را ببخشی، انگشتانشان را در گوش هایشان قرار می دادند تا سخن و دعوت مرا نشنوند و صورتشان را پوشیده که مرا نبینند و بر کفرشان ادامه می دادند. و تکبر ورزیده و از قبولی حق سرپیچی می کردند. اصرار، اقامه و پایداری بر امر است به قصد و تصمیم ماندن بر آن؛ و چون آنها عازم و مصمم بر کفر خویش بودند، اصرار کنندگان بر کفر شدند. علامه طبرسی در ادامه، قول قتاده را نقل کرده و می گوید: بعضی از مردان آنها، پسرش را نزد نوح (علیه السلام) برده و به او می گفت: پسر، از این مرد دوری کن و بترس، مبادا که تو را فریب دهد؛ پدر من مرا که مانند تو جوانی بودم پیش این آورده و همین طور که من تو را از او حذر می دهم پدرم هم مرا از وی حذر می داد (طبرسی، بی تا، ۳۳۳/۲۵ - ۳۳۴).

همچنین بسیاری از مخالفان انبیا، در این ویژگی ردیلا نه مشترک اند (نساء: ۱۷۳؛ اعراف: ۳۴ و ۴۰ و ۷۵ و ۷۶ و ۸۸ و ۱۳۳؛ یونس: ۷۵؛ مؤمنون: ۴۶؛ فرقان: ۲۱؛ عنکبوت: ۳۹؛ فصلت: ۱۵).

۲. اسارت برخی معاصران پیامبر خاتم (علیه السلام) در بند استکبار: ﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنَ الْإِحْدَىٰ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا * اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾؛ «و با سوگندهای سخت خود به خدا سوگند یاد کردند که اگر هرآینه هشداردهنده ای برای آنان بیاید، قطعاً از هر يك از امت ها [ی دیگر] را فاش تر شوند، و [لی] چون هشداردهنده ای برای ایشان آمد: ز بر نفریشان نفی زد. [انگیزه] این کارشان فقط گردن کشی در [روی] زمین و نیزنگ زشت بود؛ و نیزنگ زشت جز [دامن] صاحبش را نگیرد. پس آیا جز سنت [و سرنوشت شوم] پیشینیان را انتظار می برند؟ و هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی یابی و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت» (فاطر: ۴۲ - ۴۳).



۳. استکبار، مانعی سخت در برابر شنیدن تلاوت: در دو آیه که کاملاً و مستقیماً به بحث تلاوت قرآن و تأثیر یا عدم تأثیر آن در نفوس مربوط است، آشکارا از «استکبار» به عنوان سبب عدم تأثیر پذیری در برابر آیات تلاوت شده در برخی افراد یاد شده است: «وَ إِذَا تُثْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَن فِي أُذُنِهِ وَقْرًا فَبَسَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»؛ «و هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، مستکبرانه روی برمی‌گرداند، گویی آن را نشنیده است؛ گویی اصلاً گوش‌هایش سنگین است! او را به عذابی دردناک بشارت ده!» (لقمان: ۷)؛

«يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُثْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يَصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»؛ پیوسته آیات خدا را می‌شنود که بر او تلاوت می‌شود، اما از روی تکبر اصرار بر مخالفت دارد؛ گویی اصلاً آن را هیچ نشنیده است؛ چنین کسی را به عذابی دردناک بشارت ده!» (جاثیه: ۸).

به نظر می‌رسد که سبب استکبار این افراد، خلاصه‌وار در این آیه بیان شده است: «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَىِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ»؛ «به زودی کسانی را که در روی زمین به ناحق تکبر می‌ورزند، از (ایمان به) آیات خود، منصرف می‌سازم! آنها چنانند که اگر هر آیه و نشانه‌ای را ببینند، به آن ایمان نمی‌آورند؛ اگر راه هدایت را ببینند، آن را راه خود انتخاب نمی‌کنند؛ و اگر طریق گمراهی را ببینند، آن را راه خود انتخاب می‌کنند! همه اینها) به خاطر آن است که آیات ما را تکذیب کردند، و از آن غافل بودند!» (اعراف: ۱۴۶).

ملا صدرا در تفسیر خود، در نکوهش دنیاطلبی، بحثی درباره حبّ جاه مطرح کرده و روایاتی ذکر می‌کند؛ آنگاه می‌نویسد:

از مسائل روشن برای آگاهانی که بر دست آوردن معارف قطعی مطلع‌اند، اینست که حبّ جاه و علاقه به تکبر و ورزیدن، دل‌ها را از مطالعه آیات و دیدن حقیقت‌ها باز می‌دارد، همانطور که خدا فرموده: «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ» (صدر الدین شیرازی، ۱۳۶۱: ۱۹۰/۷).

نتیجه بررسی این آیات، نشان‌گر اهمیت وصف خشوع و خشیت در قلب و تأثیر آن در هدایت قلب به سوی پذیرش حق است. تلاوت آیات قرآن کریم، نسیمی از خشوع و خشیت را روانه دل می‌کند و این، دل آماده است که دستور تحرّک و عمل مطابق با پذیرش عظمت پروردگار را به همه وجود آدمی صادر می‌کند. البته در کنار تشویق‌ها به سوی خشوع و خشیت، لازم است که به هشدار برای دوری از استکبار نیز توجه داشت.

یکی از توصیه‌های مکرر مقام معظم رهبری به قراء، تلاوت خاشعانه است. ایشان در یکی از محافل انس با قرآن فرمودند: قرآن را... باید با خشوع خواند. قرآن را اگر چنانچه بدون خشوع و با غفلت انسان بخواند، خیلی چیزی گیرش نمی‌آید، گاهی هیچ چیزی گیرش نمی‌آید، گاهی هم خدای نکرده اثرات عکس می‌بخشد. انسان قرآن را با توجه، با خشوع، با اعتماد به بیان الهی - خدای متعال به وسیله قرآن دارد با شما حرف می‌زند - به این کیفیت تلاوت بکند، آن وقت لذت قرآن بر جان انسان می‌نشیند. ما اگر کشف کنیم لذت تلاوت قرآن را، واقعاً دست بر نمی‌داریم از تلاوت قرآن. مهم این است که تلاوت قرآن خودش را به ما نشان بدهد و آن لذاتی را که در خواندن آیات و تدبیر در آیات الهی و در کلمات قرآن وجود دارد، انسان در جان خودش احساس کند. اگر بخواهیم این حاصل بشود، با خشوع باید قرآن را خواند (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45910>).

ایشان در جای دیگری تلاوت ضابطه‌مند را موجب نزدیک شدن انسان به خشوع و تضرع برشمرده و چنین توصیه می‌کنند: این لحن‌ها و آهنگ‌ها خوب است؛ این‌ها چیزهایی است که قرآن را در گوش و دل شیرین می‌کند و در نفوذ قرآن تأثیر می‌گذارد؛ منتها دو جور می‌شود این آهنگ‌های گوناگون را با این صداهای خوب، اداء کرد: یکی اینکه صرفاً کسی خوانندگی می‌کند؛ این یک جور است؛ داریم توی این قراء معروف مصری - که حالا برجستگان قراء هستند - بعضی اینجوری‌اند؛ صرفاً خوانندگی است؛ خوب هم می‌خوانند صداها هم خوب است، لحن‌ها و آهنگ‌ها هم خوب است. یک جور دیگر این است که قرآن را به نحوی بخوانند - با همین صوت‌ها، با همین لحن‌ها و آهنگ‌ها - که خشوع در دل ایجاد کند، دل را به یاد خدا بیندازد: ﴿وَإِذَا ثَلِثَ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا﴾ این، حاصل بشود. انسان را به حالت خشوع و تضرع نزدیک کند؛ اینجوری هم داریم. در همین قراء معروفی که هستند، بعضی‌شان اینجوری‌اند؛ خواندنشان، خواندن خشوع است. باید این را رعایت کنند، بخصوص شما جوان‌ها که بحمدالله هم صداهای خوبی دارید، هم تسلط خوبی، هم می‌فهم که این آیاتی را که می‌خوانید با معانی و مفاهیم آن آشنا هستید. قبل‌ها اینجور نبود؛ سال‌های دهه اول انقلاب اینجور نبود؛ صداهای خوبی هم بود، می‌خواندند، اما توجه به معانی و مفاهیم غالباً نداشتند. بحمدالله حالا این پیشرفت‌ها جوان‌ها را پیش آورده. اینها خوب است؛ منتها این را هم رعایت کنید و در ضوابط تلاوت خودتان بگنجانید، تا این خشوع به وجود بیاید (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7877>).



۹. سجده و بکاء

چنانچه مؤمن، به واقع، خود را مخاطب قرآن ببیند و کوچکی خویش در برابر عظمت‌های هستی و کبریائی خالق را درک نماید، تنها عکس‌العمل مناسب او، به خاک افتادن است. سجده و خروار در آیاتی از قرآن کریم، ذکر شده است. از جمله، آیه:

«إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ»؛ «تنها کسانی به آیات ما می‌گروند که چون آن [آیات] را به ایشان یادآوری کنند، سجده‌کنان به روی افتند و به ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند و آنان بزرگی نمی‌فروشند.» (سجده: ۱۵)

«خر» بنا به تحقیق راغب اصفهانی، از ماده خَریر است که به معنی صدای آب و مانند آن است که از بلندی به زیر می‌ریزد و به کار بردن این تعبیر در مورد سجده‌کنندگان، اشاره به این است که آنها در همان لحظه که برای سجده به زمین می‌افتند صدایشان به تسبیح بلند است (راغب، ۱۴۱۲: ۲۷۷).

در این آیه و آیه پس از آن، ایمان حقیقی به کسانی منحصر شده که دارای اوصافی هستند: تذلل و خضوع در برابر مقام ربوبیت پروردگار؛ ثنای جمیل پروردگار و تنزیه او از هرگونه نقص؛ عدم استکبار؛ پرداختن به عبادت و اجتناب از خواب کامل؛ خولدن خدا از روی خوف و به شوق رحمت؛ و انفاق برای خدا و در راه خدا. در تفسیر تبیان آمده: خدا در این آیه، مؤمنانی که از ایمان حقیقی و کامل به آیات و حجت‌های الهی برخوردارند را اینچنین وصف کرده: هنگامی که برای ایشان حجت‌های الهی یادآوری می‌شوند و آیات پروردگار بر ایشان تلاوت می‌شود، بی‌اختیار به سجده می‌افتند تا شکرگزار هدایت الهی در شناختش و نعمت‌های متنوعش بر ایشان باشند. آنها خدا را از شرک به او و صفت‌های ناروایی که به او نسبت داده می‌شود تنزیه کرده و او را حمد می‌کنند در حالی که استکبار و روی‌گردانی از طاعتش ندارند (طوسی، بی‌تا، ۳۰۱/۸).

در آیه‌ای دیگر نیز سجده، از اوصاف عالمان اهل کتاب در برابر تلاوت قرآن معرفی شده است: «قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا»؛ «بگو: [چه] به آن ایمان بیاورید یا نیاورید، بی‌گمان کسانی که پیش از [نزول] آن دانش یافته‌اند، چون [این کتاب] بر آنان خوانده شود سجده‌کنان به روی درمی‌افتند.» (اسراء: ۱۰۷).

صاحب منهج نوشته «و بعضی این سجده را سجده علماء گفته‌اند؛ که یکی از اکابر فرموده که هر که او را علمی باشد و آن علم وی را به گریه نیاورد، علم، وی را نافع نباشد بلکه سبب ضرر او باشد.» (کاشانی، بی‌تا، ۳۱۲/۵). قبل از وی، ابوالفتوح رازی نیز همین مضمون را بیان کرده (رازی، ۱۴۰۸: ۲۹۹/۱۲). طبری، این مطلب را به عبدالاعلی تیمی نسبت داده (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۱/۱۵).

در آیه سوره مریم نیز، به سجده و گریه بندگان برگزیده خدا در مقابل تلاوت و دریافت آیات الهی تصریح شده است (مریم: ۵۸). حتی برخی فقیهان از این آیه، ترغیب یا استحباب سجده و گریه را هنگام شنیدن آیات الهی استفاده کرده‌اند (مقدس اردبیلی، بی‌تا، ۱۴۵). ملا فتح الله کاشانی از سجده‌های رسول خدا ﷺ و دعا‌های ایشان در سجده سخن گفته است. وی هر یک از دعا‌های حضرت را در سجده، متناسب با مضمون همان آیه سجده‌دار (مستحب یا واجب) بیان کرده است (کاشانی، بی‌تا، ۱۳۹۵/۵).

پس اتصال و ارتباط سجده با تلاوت، سیره‌ای معنوی و سازنده در همه مؤمنان و اولیا و انبیا است. در آداب دینی، گریه، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. حتی در آداب دعا، به‌عنوان برترین ادب و نشانه رقت قلب و اخلاص دانسته شده است (ابن فهد حلی، ۱۶۷/۱۴۰۷). در مقابل: مودعین (سختی چشم از گریستن) مورد نکوهش واقع شده و هشدار و علامتی برای شقاوت و سنگ‌دلی دانسته شده است (نجم (۵۳): ۶۰).

در قرآن کریم، از طوایفی که در برابر آیات قرآن، چشمی اشک‌بار داشته‌اند، تمجید شده است (مانند: ۸۳). از آیات شاخصی که بکاء در برابر تلاوت آیات الهی را مطرح می‌کند، این دو مورد است: «وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَسْكُونُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا» (اسراء: ۱۰۹) و «أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَ مِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْرَائِيلَ وَ مِمَّنْ هَدَيْنَا وَ اجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» (مریم: ۵۸).

در این دو آیه خداوند در تمجید طوایفی از بندگان متواضع خود، اینچنین یاد می‌کند که آنها در برابر استماع تلاوت آیات الهی، سجده‌کنان می‌گریند. صاحب مجمع البیان معتقد است، گریستن گروه نخست به جهت نگرانی از کوتاهی در عبادت و از شوق به پاداش و ترس از عقاب است (طبرسی، مجمع البیان: ۶/۶۸۸). وی گریه گروه دوم را تضرع ایشان به درگاه خدا می‌داند و می‌افزاید: «آنها در حالی هنگام یاد آیات خدا به گریه می‌افتند که دارای جلالت جایگاه معنوی‌اند» (همان، ۸۰۲). صاحب تفسیر صافی، این گریه خاضعانه را به سبب تأثر ایشان از شنیدن مواظ قرآن دانسته است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۲۷/۳).

برای تقویت بحث، لازم به ذکر است که مسئله بکاء و حزن در تلاوت، در روایاتی چند نیز مورد توجه قرار گرفته است که اشاره به مواردی از آنها برای نمونه، مناسب به نظر می‌رسد. ثقة الاسلام کلینی از امام جعفر صادق (ع) چنین نقل کرده: «إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِالْحُزْنِ فَأَقْرَأُوهُ بِالْحُزْنِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۱۴/۲). شیخ حر عاملی، سخن از استحباب قرائت محزونانه کرده (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰۸/۶). وی



در ابواب قرائت قرآن در غیر نماز، باب بیست و دوم را اینچنین نامگذاری کرده است: «بَابُ اسْتِخْبَابِ الْقِرَاءَةِ بِالْحُزْنِ كَأَنَّهُ يَخَاطِبُ إِنْسَانًا» و در آن، سه روایت نقل می‌کند که اولین آنها، همان روایت امام صادق (ع) از کتاب کافی است.

پس یکی از آثار حقیقی تلاوت قرآن، بکاء است که البته ممکن است ناشی از خوف و خشیت یا خضوع و خشوع باشد. لذا از جمله صفات برجسته برخی انبیا و خاندان والایشان، خشوع ذکر شده است: «إِنَّهُمْ كَانُوا يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ...»؛ «آنان (خاندانی بودند که) همواره در کارهای خیر به سرعت اقدام می‌کردند؛ و در حال بیم و امید ما را می‌خولندند؛ و پیوسته برای ما (خاضع و) خاشع بودند» (انبیاء: ۹۰).

علامه طبرسی سه معنا برای خشوع در این آیه ذکر کرده: تسلیم امر خدا؛ تواضع در برابر خواست‌های خدا؛ ترس دائمی در درون (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۷/۳). یکی از بایسته‌های مؤمنان نیز فت خشوع دانسته شده است. برخی مفسران معتقدند که هر چند این وصف، در همه اوقات باید توسط مؤمنان مراعات شود، اما تجلّی آن هنگام نماز و عبودیت، بسیار بیشتر و آشکارتر است (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۴۹/۸)؛ لذا در برخی آیات، مؤمنان، کسانی معرفی شده‌اند که در وقت نمازشان، دارای وصف خشوع‌اند (مؤمنون: ۲). همچنین در سوره احزاب، وصف خشوع، یکی از ده وصفی است که مردان و زنان آمرزیده‌شده و پاداش گرفته به آن آراسته‌اند (احزاب: ۳۵). جمع‌بندی اوصاف ده‌گانه سوره احزاب، در تفسیر نمونه اینچنین بیان شده است: بخشی از این اوصاف ده‌گانه از مراحل ایمان سخن می‌گوید (اقرار به زبان، تصدیق به قلب و جنان، و عمل به ارکان). قسمت دیگری پیرامون کنترل زبان و شکم و شهوت جنسی که سه عامل سرنوشت‌ساز در زندگی و اخلاق انسان‌ها است بحث می‌کند. در بخش دیگری، از مسئله حمایت از محرومان و ایستادگی در برابر حوادث سخت و سنگین یعنی صبر که ریشه ایمان است؛ و سرانجام، از عامل تداوم این صفات یعنی ذکر پروردگار سخن به میان می‌آورد (مکارم و همکاران، ۱۳۷۱: ۱۷، ۳۰۸).

ارتباط وصف خشوع با موضوع بکاء چنین است که خشوع در برابر حق و آیات الهی، زمینه تأثیر گرفتن از مضامین آیات را فراهم می‌کند و انسان را از قساوت قلب که مقابل خشوع است، باز می‌دارد. بکاء در حقیقت، شاهد و نشانه‌ای از عدم قساوت قلب است و اینها همه، ذیل همان وصف خشوع قابل فهم است. تلاوت قرآن، سیم اتصال این سه حلقه است که از سویی پیام روح‌بخش قرآن را رسا اعلام می‌کند و از سویی، موجب خشوع در مستمع می‌شود و از دیگرسو، بکاء که نتیجه هدایت قلبی است، به جهت نگرانی از کوتاهی در عبادت یا ترس از عقاب یا شوق به پاداش، متولد می‌شود.

مقام معظم رهبری به مناسبتی اشاره به اهمیت و پیوند بکاء و خشیت نموده و می‌فرمایند: «بکاء از خشیت الهی ناشی از توجه دل است، ناشی از معرفت است، ناشی از خشوع است». سپس در ادامه با اشاره به روایت «... وَ أَمَّا الْبُكَاءُ وَ مِنْ خَشْيَتِي فَفِي الرَّفِيعِ الْأَعْلَى لَا يَشَارِكُهُمْ أَحَدٌ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۸۳/۲)، چنین می‌افزاید: «این رتبه عالی مخصوص کسانی است که دل رقیق آنها، دل حساس آنها، در مقابل ذکر الهی به خشوع در آمده و این خشوع، چشم آنها را می‌گریزند» (= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۶۴۱>). قبلاً هم گذشت که معظم له به تالیان کتاب الله سفارش به تلاوت همراه با خشوع کرده و تلاوت را علاوه بر ایجاد خشوع در دل، شیرین‌کننده قرآن در دل و گوش می‌دانند: این لحن‌ها و آهنگ‌ها خوب است؛ این‌ها چیزهائی است که قرآن را در گوش و دل شیرین می‌کند و در نفوذ قرآن تأثیر می‌گذارد... یک جور دیگر این است که قرآن را به نحوی بخوانند - با همین صوت‌ها، با همین لحن‌ها و آهنگ‌ها - که خشوع در دل ایجاد کند، دل را به یاد خدا بیندازد: «وَ إِذَا تَلَّيْتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا» این، حاصل بشود. انسان را به حالت خشوع و تضرع نزدیک کند؛ اینجوری هم داریم. در همین قراء معروفی که هستند، بعضی‌شان اینجوری‌اند؛ خواندنشان، خواندن خشوع است. باید این را رعایت کنند، بخصوص شما جوان‌ها که بحمدالله هم صداهاى خوبى دارید، هم تسلط خوبى، هم می‌فهمم که این آیاتی را که می‌خوانید با معانی و مفاهیم آن آشنا هستید.... بحمدالله حالا این پیشرفت‌ها جوان‌ها را پیش آورده. اینها خوب است؛ منتها این را هم رعایت کنید و در ضوابط تلاوت خودتان بگنجانید، تا این خشوع به وجود بیاید (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7872>).

نتیجه‌گیری

با تکیه بر مباحث گذشته، این نتایج به دست می‌آید: آثار مختلفی بر تلاوت قرآن مترتب است که بخشی از آنها که در خود قرآن بیان شده است به این ترتیب است: ایجاد ایمان و اشتیاق؛ افزایش ایمان و اشتیاق و جاری شدن اشک؛ إنذار؛ تذکر؛ خارج شدن از تاریکی‌ها به سوی نور؛ هدایت ویژه و رشد؛ اطمینان قلبی؛ خشوع و خشیت قلب؛ سجده و بکاء.

مقام معظم رهبری همواره به قاریان و تلاوت‌گران توصیه به توجه به موضوع تأثیرگذاری تلاوت نموده و به تأثیرات مختلف تلاوت اشاره کرده‌اند؛ از جمله: لزوم نفوذ مفاهیم قرآن در دل‌ها و ایجاد انقلاب در آنها؛ القاء مفاهیم قرآنی به مستمع از طریق تلاوت؛ تلاوت با خشوع و ایجاد خشوع در دل‌ها؛ هدایت جوانان به سمت قرآن از طریق تلاوت؛ شوق‌انگیزی تلاوت؛ تصویرسازی مفاهیم قرآنی با تلاوت و ساختن محیط جامعه با تلاوت متکی به فهم معنا.



فهرست منابع

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق: عبدالرزاق مهدی، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۲۲ق.
۲. ابن عربی، محمد بن علی، تفسیر ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق)، تحقیق: سمیر مصطفی رباب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۳. ابن عرفه، محمد بن محمد، تفسیر ابن عرفه، بیروت: دارالکتب العلمیة منشورات محمد علی بیضون، ۲۰۰۸م.
۴. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، تحقیق: احمد موحّدی قمی، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق: جمال الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۶. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان، تحقیق: محمد مهدی ناصح و محمدجعفر یاحقی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۷. امینی تهرانی، محمد، و میردامادی نجف آبادی، سیدعلی، و عباسی، فرهاد، و عباس، سیدعلی. (۱۴۰۲). بررسی مسئله صوت حسن و تحزین در روایات فریقین. مطالعات قرآنت قرآن، ۲۰۳-۲۳۱. doi: 10.22034/qer.2023.8458
۸. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۹. پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، <https://farsi.khamenei.ir>.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ش.
۱۱. ثلاثی، یوسف بن احمد، تفسیر الثمرات الیانة و الاحکام الواضحة القاطعة، یمن: مکتبة التراث الاسلامی، ۱۴۲۳ق.
۱۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل أحکام الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۱۳. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب الی الصواب، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.

١٥. رسعنی، عبدالرزاق بن رزق الله، رموز الكنوز فی تفسیر الکتاب العزیز، تحقیق: عبدالملک بن دھیش، مکه مکرمه: مکتبة الاسدی، ١٤٢٩ق.
١٦. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ١٣٧٨ش.
١٧. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، تحقیق: مصطفی حسین احمد، بیروت: دار الکتاب العربی، ١٤٠٧ق.
١٨. سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ١٤٠٤ق.
١٩. شبّر، عبدالله، تفسیر القرآن الکریم، قم: مؤسسة دار الهجرة، ١٤١٠ق.
٢٠. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تحقیق: صبحی صالح، قم: هجرت، ١٤١٤ق.
٢١. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، تصحیح: محمد خواجوی، قم: بیدار، ١٣٦١ش.
٢٢. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ١٣٩٠ق.
٢٣. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تصحیح: ابوالقاسم گرگی، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ١٤١٢ق.
٢٤. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه: حسین نوری همدانی و دیگران، تهران: فراهانی، بی تا.
٢٥. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، تصحیح: فضل الله یزدی طباطبائی، هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو، ١٣٧٢ش.
٢٦. طبری، محمد بن جریر: امع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة، ١٤١٢ق.
٢٧. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، ١٣٧٥ش.
٢٨. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح: احمد حبیب عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
٢٩. عاملی، علی بن حسین، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، تحقیق: مالک محمودی، قم: دارالقرآن الکریم، ١٤١٣ق.



۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۳۱. فیض کاشانی، مولی محسن بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.
۳۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ش.
۳۳. کاشانی، فتح الله بن شکر الله، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران: اسلامیه، چ ۱. بی تا.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۵. ماتریدی، محمد بن محمد، تأویلات اهل السنة (تفسیر الماتریدی)، تحقیق: مجدی باسلوم، بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۶ق.
۳۶. مدرسی، محمدتقی، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ق.
۳۷. مرکز تحقیقاتی کامپیوتری علوم اسلامی: امع الاحادیث، نسخه ۳/۵.
۳۸. مرکز تحقیقاتی کامپیوتری علوم اسلامی: امع التفاسیر نور، نسخه ۳.
۳۹. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایرة المعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب — انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲ش.
۴۰. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، زیدة البیان فی احکام القرآن، تهران: مکتبه المرتضویه، بی تا.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۴۲. میرزاجانی، محمدتقی، قاسمی شوب، محمد، علیزاده منامن، عیسی. (۱۴۰۱). ابعاد هنر تلاوت قرآن کریم. مطالعات قرائت قرآن، ۱۰(۱۸)، ۲۵۵-۲۸۴. doi: 10.22034/qr.2022.7200
۴۳. نقی پور فر، ولی الله، پژوهشی پیرامون تدبّر در قرآن، تهران: اسوه، ۱۳۸۱ش.
۴۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، قم: بوستان کتاب — انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳ش.

References

1. Amini Tehrani, M., Mirdamadi Najafabadi, S. A., Abbasi, F., & Abbas, S. A. (2023). An Examination of the Concepts of “Beautiful Recitation” and “Voice Modulation” in Narrations of the Quranic Recitation by Two Major Sects of Islam i.e. Shia and Sunni. 5- QERA'T, 11(20), 203-231. doi: 10.22034/qer.2023.8458
2. Ibn Jawzi, Abdul Rahman Bin Ali, *Zad al-Masir fi 'Ilm at-Tafsir (The Provision for Travelers on the Science of Exegesis)*, Edited by Abdul Razzaq Mahdi, Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi, 1422 AH (2001 CE).
3. Ibn Arabi, Mohammad Bin Ali, *Tafsir Ibn Arabi (Tawilat Abd al-Razzaq) (Ibn Arabi's Commentary - Interpretations by Abd al-Razzaq)*, Edited by Sameer Mustafa Rabbab, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1422 AH (2001 CE).
4. Ibn Arafah, Mohammad Bin Mohammad, *Tafsir Ibn Arafah*, Beirut: Dar al-Ilmiyyah, Publications of Mohammad Ali Baydoun, 2008 CE.
5. Ibn Fahad Helli, Ahmad Bin Mohammad, *Udat ad-Da'i wa Najah as-Sa'i (The Tools of the Caller and the Success of the Seeker)*, Edited by Ahmad Mowehhidi Qomi, Dar al-Kutub al-Islami, 1407 AH (1986 CE).
6. Ibn Manzur, Mohammad Bin Mukarram, *Lisan al-Arab (The Language of the Arabs)*, Edited by Jamal al-Din Mirdamadi, Beirut: Dar al-Fikr, 1414 AH (1993 CE).
7. Abu al-Fatuh Razi, Husayn Bin Ali, *Rawz al-Janah wa Ru' al-Janah (The Garden of Heaven and the Spirit of Heaven)*, Edited by Mohammad Mahdi Nasih and Mohammad Jafar Yahqqi, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation, 1408 AH (1987 CE).
8. Baydawi, Abdullah Bin Umar, *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil (Baydawi's Commentary - The Lights of Revelation and the Secrets of Interpretation)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1418 AH (1997 CE).
9. *Official Website of the Supreme Leader's Office*, <https://farsi.khamenei.ir>.
10. Tamimi Amodi, Abdul Wahid Bin Mohammad, *Tasneef Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalam (Compilation of The Excellence of Wisdom and Pearls of Speech)*, Edited by Mustafa Dirayati, Qom: Tablighat Office, 1366 SH (1987 CE).
11. Thalaih, Yusuf Bin Ahmad, *Tafsir al-Thamarat al-Yan'a wal Ahkam al-Wadihat al-Qati'ah*, Yemen: Maktabat al-Turath al-Islami, 1423 AH (2002 CE).
12. Hurr Ameli, Mohammad Bin Hassan, *Tafsir Wasa'il ash-Shi'a ila Tahsil Ahkam ash-Shari'a (The Elaboration of Means for Shi'ites in Obtaining the Rules of Shari'a)*, Qom: Al al-Bayt Institute, 1409 AH (1988 CE).
13. Daylami, Hassan Bin Mohammad, *Irshad al-Qulub ila as-Sawab (The Guiding the Heats toward the Right Path)*, Qom: Al-Sharif al-Razi, 1412 AH (1991 CE).
14. Raghieb Esfahani, Husayn Bin Mohammad, *Mufradat Alfaz al-Quran (Vocabulary of Quranic Words)*, Edited by Safwan Adnan Dawudi, Beirut-Damascus: Dar al-Qalam-Al-Dar Al-Shamiyya, 1412 AH (1991 CE).



15. Rassa'ni, Abdul Razzaq Bin Razak Allah, *Ramuz al-Kunuz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz (Symbols of Treasures in the Interpretation of the Noble Book)*, Edited by Abdul Malik bin Dahish, Mecca: Maktabat al-Asadi, 1429 AH (2008 CE).
16. Razavi Esfahani, Mohammad Ali, *Tafsir Quran Mehr*, Qom: Tafsir and Quranic Sciences Research, 1378 SH (1999 CE).
17. Zamakhshari, Mahmoud Bin Umar, *Al-Kashaf An Haqa'iq Ghawamid at-Tanzil wa 'Uyun al-Aqawil fi Wajuh at-Ta'wil (Zamakhshari's Commentary - The Unveiling of the Realities of the Ambiguities of Revelation and the Sources of Interpretation)*, Edited by Mustafa Husayn Ahmad, Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi, 1407 AH (1987 CE).
18. Suyuti, Abdul Rahman, *Ad-Dur al-Manthur Fi at-Tafsir Bil-Ma'thur (Suyuti's Commentary - The Scattered Pearls in Quranic Exegesis by Narration)*, Qom: Public Library Ayatollah Mar'ashi Najafi, 1404 AH (1983 CE).
19. Shubbar, Abdullah, *Tafsir al-Quran al-Karim (Interpretation of the Noble Quran)*, Qom: Dar al-Hijra Institute, 1410 AH (1989 CE).
20. Sharif Razi, Mohammad Bin Husayn, *Nahj al-Balagha (The Peak of Eloquence)*, Edited by Sobhi Saleh, Qom: Hijrat, 1414 AH (1993 CE).
21. Sadr al-Din Shirazi, Mohammad Bin Ibrahim, *Tafsir al-Quran al-Karim (Interpretation of the Noble Quran)*, Edited by Mohammad Khavajavi, Qom: Bidar, 1361 SH (1982 CE).
22. Tabatabai, Mohammad Hussein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Balance in Quranic Interpretation)*, Beirut: Mo'assasat al-A'lami lil-Matbu'at, 1390 AH (1970 CE).
23. Tabarsi, Fadl Bin Hassan, *Tafsir Jawami al-Jami (Commentary on the Comprehensive)*, Edited by Abul Qasim Gurji, Qom: Markaz Mudiriyat Hawzah Ilmiyyah Qom, 1412 AH (1991 CE).
24. Tabarsi, Fadl Bin Hassan, *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Collection of Exposition in Quranic Exegesis)*, Translated by Hossein Nuri Hamedani et al., Tehran: Farahani, n.d. (No date provided).
25. Tabarsi, Fadl Bin Hassan, *Majma al-Bayan li 'Ulum al-Quran (Collection of Clarification for Quranic Sciences)*, Edited by Fadlullah Yazdi Tabatabai, Hashem Rasouli, Tehran: Naser Khosrow, 1372 SH (1993 CE).
26. Tabari, Mohammad Bin Jarir, *Jami al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Collection of Clarifications in Quranic Exegesis)*, Beirut: Dar al-Ma'rifah, 1412 AH (1991 CE).
27. Turaihi, Fakhr al-Din Bin Mohammad, *Majma al-Bahrain (The Meeting of the Two Seas)*, Edited by Ahmad Hussein Eshkavari, Tehran: Morteza'vi, 1375 SH (1996 CE).
28. Tusi, Mohammad Bin Hassan, *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran (Elucidation in Quranic Interpretation)*, Edited by Ahmad Habib Ameli, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, n.d.

29. Ameli, Ali Bin Hussein, *Al-Wajiz fi Tafsir al-Quran al-Aziz (The Concise in the Interpretation of the Noble Quran)*, Edited by Malik Mahmoudi, Qom: Dar al-Quran al-Karim, 1413 AH (1993 CE).
30. Farahidi, Khalil Bin Ahmad, *Kitab al-Ain (The Book of the Fountain)*, Qom: Hijrat Publications, 1409 AH (1988 CE).
31. Faydh Kashani, Mulla Mohsen Bin Shah Morteza, *Tafsir al-Safi (The Purifier Interpretation)*, Tehran: Maktabat al-Sadr, 1415 AH (1994 CE).
32. Qara'ati, Mohsen, *Tafsir Nur (Interpretation of Light)*, Tehran: Markaz Farhangi Dars-ha'i az Quran, 1388 SH (2009 CE).
33. Kashani, Fathullah Bin Shukrullah, *Manhaj al-Sadiqain fi Ilzam al-Mukhalifin (The Way of the Truthful in Confronting Opponents)*, Tehran: Islamiyyah, vol. 1, n.d.
34. Kulayni, Mohammad Bin Ya'qub, *Al-Kafi (The Sufficient)*, Edited by Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Akhundi, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1407 AH (1986 CE).
35. Maturidi, Mohammad Bin Mohammad, *Ta'wilat Ahl al-Sunnah (Interpretations of the Sunnis = Maturidi's Exegesis)*, Edited by Majdi Basloom, Beirut: Dar al-Ilmiyyah, Publications of Mohammad Ali Baydoun, 1426 AH (2005 CE).
36. Mirzajani, M. T., Ghasemi Shub, . M., & alizadeh, I. (2022). The Dimensions of the Art of Reciting (Tilawat) the Holy Quran. 5- QERA'T, 10(18), 255-284. doi: 10.22034/qer.2022.7200
37. Modarresi, Mohammad Taqi, *Min Hidayat al-Quran (From the Guidance of the Quran)*, Tehran: Dar Muhibbi al-Hussein, 1419 AH (1998 CE).
38. Computer Research Center of Islamic Sciences, *Jam' al-Ahadith (Comprehensive Works of Hadiths)*, Version 3.5.
39. Computer Research Center of Islamic Sciences, *Jam' al-Tafasir Nur (Compilation of Exegeses of Noor Center)*, Version 3.
40. Cultural and Quranic Studies Center, *Dairat al-Ma'arif Quran Karim (Encyclopedia of the Holy Quran)*, Qom: Bustan-e Ketab, Publications of Daftar Tablighat Islami Hawzeh Ilmiyyah Qom, 1382 SH (2003 CE).
41. Moqaddas Ardabili, Ahmad Bin Mohammad, *Zubdat al-Bayan fi Ahkam al-Quran (The Essence of Elucidation in Quranic Rulings)*, Tehran: Maktabat al-Murtazawiyyah, n.d.
42. Makarem Shirazi, Naser et al., *Tafsir Nemounah (The Exemplary Interpretation)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1371 SH (1992 CE).
43. Naqipour Far, Vali Allah, *Research on Reflection in the Quran*, Tehran: Uswa, 1381 SH (2002 CE).
44. Hashemi Rafsanjani, Akbar, *Farhang -e- Quran (Quran Encyclopedia)*, Qom: Bustan-e Ketab, Publications of Daftar Tablighat Hawzeh Ilmiyyah Qom, 1383 SH (2004 CE).



An Analysis of the Individual and Social Dimensions of the Effectiveness of Quranic Recitation from the Perspective of the Supreme Leader Ayatollah Khamenei *

Mohammad Hossein Rafiei ¹ and Khadijeh Hosseinzadeh Bardaei ² and Homeira

Abolfazli ³



Abstract

According to religious teachings, reciting the Holy Quran has various effects on various aspects of human life. Discovering and deducing these effects from religious sources play a crucial role in promoting and fostering the culture of Quranic recitation in society. Ayatollah Khamenei, a prominent Islamic scholar, has shown particular interest in both promoting the culture of Quranic recitation and exploring its effects. In numerous speeches and sessions held during his leadership, he has emphasized the special importance of Quranic recitation, introducing desirable recitation aligned with Islamic standards and enumerating its criteria and individual and social impacts. This article employs a documentary method with an analytical and descriptive approach to examine the impact of Quranic recitation on human life from the viewpoint of Imam Khamenei. One of the research findings is that, according to him, “the best recitation” is one that not only affects the individual but also proves influential on the listeners. “Submission and humility of hearts,” “greater affinity with the Quran,” “deepening of spiritual essence,” “assistance to contemplation,” “increase in insight,” “worldly and otherworldly happiness of humans,” and “enhancement of faith” are among the individual effects. Social effects include “solving social problems and challenges,” “laying the groundwork for implementing Quranic teachings,” “attracting non-Muslims,” and “uniting Islamic countries.”.

Keywords: Quranic Recitation, Impact of Recitation, Influential Recitation, Imam Khamenei, Affinity with the Quran, Heartfelt Humility, Recitation and Problem-Solving.

*. **Date of receiving:** 29/12/2022, **Date of approval:** 10/12/2023.

1. Assistant Professor at Al-Mustafa International University, Qom, Iran: mohamadhosein_rafiei@miu.ac.ir.

2. Researcher in the Field of Quranic Interpretation and Quranic Sciences at the Institute of Islamic Studies of Hazrat Zeinab (S.A) and Lecturer at Bint al-Huda Institute, Qom, Iran: Hosinzadeh110@gmail.com.

3. Level 4 Student, Lecturer of Translation, Interpretation, and Quranic Recitation at the Women's Seminary and University, Qom, Iran (Corresponding Author): h.abolfazli48@gmail.com.



تحلیل ابعاد فردی و اجتماعی اثر گذاری قرائت قرآن از دیدگاه مقام معظم رهبری *

محمد حسین رفیعی^۱ و خدیجه حسین زاده باردئی^۲ و حمیرا ابوالفضلی^۳



چکیده

بر اساس آموزه های دینی، قرئت قرآن کریم تأثیرات مختلفی در ابعاد گوناگون زندگی انسان بر جای می گذارد. کشف و استنباط این تأثیرات از منابع دینی نقش مهمی در گسترش و فرهنگ سازی امر قرائت در میان جامعه دارد. از عالمان بزرگ اسلامی که هم به گسترش فرهنگ قرائت قرآن در جامعه و هم کشف تأثیرات قرئت قرآن اهتمام ویژه ای دارد، حضرت آیت الله خامنه ای است. ایشان در سخنرانی ها و جلسات متعددی که در طول رهبری خود با جامعه قرآنی داشتند، اهمیت ویژه ای به قرائت داده اند و قرائت مطلوب در تراز اسلامی را معرفی و برای آن معیارها و آثار فردی و اجتماعی برشمرده اند که در این مقاله با روش اسنادی با شیوه تحلیلی و توصیفی، تأثیر قرائت قرآن در زندگی انسان از منظر امام خامنه ای مورد بررسی قرار گرفته است. از دستاوردهای تحقیق این است که از نظر ایشان قرائت احسن، قرائتی است که در آن هم خود فرد تأثیر پذیرد و هم قرائتش بر مستمعان اثربخش باشد. «خضوع و خشوع دل ها»، «انس بیشتر با قرآن»، «تعمیق روح معنوی»، «امداد به اندیشه»، «بصیرت افزایی»، «سعادت دنیوی و اخروی انسان» و «افزایش ایمان» از جمله آثار فردی و «رفع مشکلات و معظلات اجتماعی»، «زمینه سازی جهت اجرای آموزه های قرآنی»، «جذب غیر مسلمانان» و «اتحاد ممالک اسلامی» از جمله آثار اجتماعی قرائت تأثیرگذار است.

واژگان کلیدی: قرئت قرآن، اثر گذاری قرئت، قرئت اثرگذار، امام خامنه ای، انس با قرآن، خشوع قلبی، قرائت و رفع مشکلات.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰.

۱. استادیار جامعه المصطفی ص العالمية، قم، ایران: miu.ac.ir@ mohamadhosein_rafeei

۲. پژوهشگر رشته ی تفسیر و علوم قرآنی پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهراء س و مدرس بنت الهدی، قم، ایران: Hosinzadeh110@gmail.com

۳. طلبه سطح چهار، مدرس ترجمه و تفسیر و قرائت قرآن حوزه علمیه خواهران و دانشگاه، قم، ایران (نویسنده مسئول): h.abolfazli48@gmail.com



مقدمه

مسئله قرائت قرآن یکی از مباحث علوم قرآنی که از مباحث مورد بحث اندیشمندان است و آیات و روایات فراوانی این مسئله را مورد تأکید قرار دادند. انس مستمر با قرائت قرآن می تواند انسان خاکی را به مقصود، نزدیک و نزدیک تر نماید. در زمینه هنر تلاوت و قرائت قرآن در گذشته و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بعضی کشورهای از جمله مصر گوی سبقت را از دیگران ربوده و پیشرفت چشمگیری داشتند و ایران در این زمینه بسیار عقب بود، به برکت انقلاب اسلامی رشد قرآنی کشور سیر صعودی به خود گرفت و امروزه به قله صعود رسیده است. یکی از افرادی که به جرأت می توان پیشرفت های قرآنی امروز کشور را مدیون ایشان دانست رهبری معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای است. ایشان در این زمینه پا به عرصه عمل نهاد و مانند مشاوران قدرتمند در پیشبرد این مهم همکاری و بسیار تلاش نمودند. مقام عظمای ولایت به عنوان اندیشمندی فرزانه و سیاستمداری قهار به تأثیرگذار بودن قرآن توجه داده و آن را نیاز امروز جامعه بشری دانسته و آن را بهترین وسیله ای می دانند که ظلم ستیزی را به جوامع و ملت ها می آموزد. (بیانات در جلسه اختتامیه مسابقات قرائت قرآن، ۱۳۷۱/۱۱/۰۵). این نوشتار با روش اسنادی با شیوه تحلیلی و توصیفی به بررسی تأثیر قرائت قرآن در زندگی انسان از منظر امام خامنه ای پرداخته است. برای رسیدن به این مهم ابتدا به مفهوم شناسی و سپس به تأثیر قرآنت بر زندگی فردی و اجتماعی و همچنین عواملی که موجب می شود تا قرائت قرآن بر انسان و جامعه تأثیرگذارتر شود مانند: قرائت همراه با معنا و اجرای قرائت به همراه موسیقی و ظرافت های آن پرداخته شد.

۱. پیشینه بحث

در موضوع مورد بحث گرچه منبع ویژه ای که به همه ابعاد این قضیه بپردازد یافت نشد، اما به صورت عام در دو گروه از منابع، به این موضوع پرداخته شد. متون تفسیری و متون اخلاقی تربیتی. غیر از این دو، برخی نگارش ها در سال های اخیر انجام شد که به صورت گسترده تر بر موضوع اثرگذاری تلاوت در فرد و جامعه پرداخته که برخی از این منابع انس با قرآن را از نگاه مقام معظم رهبری نیز مورد کاوش قرار داده اند. اما همانگونه که پیداست، هیچ یک از منابع عام و خاص فوق به صورت ویژه بر موضوع اثرگذاری قرائت بر فرد و جامعه از نگاه مقام معظم رهبری متمرکز نشده اند. در ذیل به اختصار هر سه گروه از منابع را مورد بررسی قرار می دهیم.

الف: منابع تفسیری

از میان تفاسیر، علامه طباطبایی در المیزان ابن عاشور در التحریر التنویر در ذیل بعضی آیات مانند: ۱۲۱ بقره و ۱۱۳ آل عمران یا آیه ۲۰ مزمل و... با استفاده از روایات به این موضوع پرداخته‌اند. همچنین در مقاله «تأثیر قرآن» نوشته سید قطب که در مجله رشد آموزش قرآن، بهار ۱۳۸۴، شماره ۸. در زمینه تأثیر قرآن بر دل مستمعان آمده است که حتی مستمعان غیر مسلمان که با زبان عربی آشنا نیستند در هنگام شنیدن آیات کلام الله تحت تأثیر قرار گرفته و مبهوت تلاوت شدند به گونه‌ای که یکی از آنان اذعان داشت: قرآن دارای آهنگ و موسیقی خاصی است که هیچ زبان دیگری آن را ندارد و شنیدن قرآن را موجب نشاط و اعجاب قلمداد کرد. سایر تفاسیر با رویکرد تربیتی نیز به صورت مفصل از نقش قرآن کریم در زندگی انسان سخن گفته‌اند.

ب: منابع اخلاقی و تربیتی

دومین گروه از منابعی که به اثرگذاری قرآنت پرداخته‌اند، متون اخلاق و تربیت است. به عنوان نمونه، کتاب عده الداعی و نجاح الساعی از ابن فهد حلی، در نقل احادیث مرتبط با تلاوت قرآن، به اثرگذاری تلاوت این کتاب بر جان قاری و مستمع اشاره کرده است. (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ص ۲۹۱). همچنین کتاب فرهنگ انس با قرآن در موارد متعددی با نقل و تحلیل روایات مربوطه، اثرگذاری قرآنت را مورد توجه قرار داده است. (رفیعی، ۱۳۹۶).

ج: نگارش‌های مرتبط با انس با قرآن

همانگونه که بیان شد، برخی از نویسندگان معاصر، به موضوع اثرگذاری قرآنت در قالب تبیین انس با قرآن و روش‌های آن از منظر مقام معظم رهبری متمرکز شده‌اند. به عنوان نمونه مقاله «بررسی کیفیت انس با قرآن در تحقق جامعه قرآنی تمدن ساز از نگاه مقام معظم رهبری» نوشته مهدی موسوی نیا که در مجله پژوهش‌های تمدن نوین اسلامی، تابستان ۱۴۰۰، سال اول، شماره یک به چاپ رسیده است. نویسندگان در این مقاله با گردآوری سخنان رهبری و تأکید ایشان بر لزوم حاکمیت قرآن در جامعه، به مراحل انس با قرآن از نگاه رهبری در بوجود آمدن جامعه قرآنی پرداخته و تلاوت و تدبر در قرآن را مقدمه و لازمه عمل به آیات در یک جامعه می‌دانند.

یا در مقاله دیگر علی خادمی به «رابطه میزان انس با قرآن و الگوی مصرف در میان کارکنان سازمان‌های دولتی شهرستان ارومیه» پرداخته که در مجله روان‌شناسی و دین، در تابستان ۱۳۸۹، شماره ۱۰ به چاپ رسیده است. در این مقاله بر انس با قرآن تأکید شده و به این نتیجه می‌رسد که بین میزان انس با قرآن در سطح بالا، و الگوی صحیح مصرف در ابعاد مصارف فردی و دولتی، رابطه معناداری وجود دارد.



همچنین مقاله «انس با قرآن در بیانات مقام معظم رهبری» نوشته محمدتقی مهدوی نیا که در مجله پرسمان، اردیبهشت ۱۳۹۱، شماره ۱۱۲، منتشر شد. نویسنده در این اثر به تبیین آثار تلاوت تأثیرگذار و صوت زیبا پرداخته و آن را مقدمه انس با قرآن دانسته است.

همانگونه که ملاحظه شد، هر کدام از نویسندگان و پژوهشگران به بخشی از تأثیرات قرائت قرآن در زندگی انسان توجه کرده و آن را مورد بحث قرار داده‌اند. مثلاً یکی از آثار فردی و اجتماعی قرائت قرآن که انس با قرآن است که مورد توجه آنها قرار گرفت. آنچه تمایز مقاله پیش‌رو را با آثار یاد شده رقم می‌زند این است که در این اثر به تبیین آثار قرائت قرآن در زندگی فردی و اجتماعی با نگاهی جامع و با تمرکز بر دیدگاه‌های آیت الله خامنه‌ای پرداخته شده است.

۲. مفهوم‌شناسی

الف: مفهوم قرائت

علمای لغت ریشه قرائت را «قرء» دانسته و برای آن چند معنا ذکر کرده‌اند. گروهی به «خواندن» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۱ ص ۴۰۶) و بعضی «نیکو خواندن» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۰۴/۵؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۹/۶). معنا کردند. برخی نیز این واژه را به معنای «ضمیمه کردن بعضی از حروف و کلمات به بعضی دیگر» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۱۴). دانستند. با توجه به معانی لغوی روشن می‌شود که همه آنها به نوعی به خواندن باز می‌گردد. در معنای اصطلاحی قرائت آمده است که «واژه قرائت در باره قرآن و دیگر کتاب‌ها و نوشته‌ها به کار می‌رود؛ با این تفاوت که در باره قرآن تلفظ الفاظ و کلمات در آن لازم است ولی در مورد سایر کتاب‌ها و نوشته‌ها، اصل در آن ادراک معنا و مفهوم کلام است.» (پژوهشگاه علوم و فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲: ۷۱۴/۸). همچنین در فرهنگ نامه علوم قرآنی نوشته شده که «قرائت قرآن به معنای تلاوت قرآن با رعایت قواعد مخصوص آن.... و به معنای دانشی است که اشکال و صورت‌های نظم کلام الهی را نشان می‌دهد.» (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی قم، ۱۳۹۴: ۷۹۶). هر دو تعریف اصطلاحی فوق در مورد قرائت قرآن به یک معنا آمده است با این تفاوت که مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، قرائت قرآن را به‌طور اختصاصی تعریف نموده ولی دائرةالمعارف به مقایسه قرائت قرآن با خواندن هر نوشته‌ای پرداخته است. آیت الله خامنه‌ای با نگاه تخصصی به موضوع قرائت، تعریف جامع‌تری از آن ارایه کرده است. از نظر ایشان قرائت قرآن به معنای انتخاب لحن مناسب، نحوه بالا بردن و پایین آوردن صدا، کیفیت القاء معنا و تجسم واقعه برای مستمع است (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴۰۱/۰۱/۱۴).

ب: مفهوم تلاوت

یکی از واژگان هم‌مضمون با قرائت واژه تلاوت است. این کلمه در لغت با قرائت تفاوت دارد و به معنای «پیروی» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۳۴/۸) یا «پیروی و پیایی خولندن و تدبّر و لندیشه» آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۶۷). در تفاوت لغوی این دو واژه چنین آمده که «تلاوت برای دو کلمه یا بیشتر به کار می‌رود و برای یک کلمه به تنهایی استعمال نمی‌شود ولی قرائت می‌تواند در مورد یک کلمه استفاده شود.» (عسکری، ۱۴۰۰: ۵۴). از نظر اصطلاحی نیز بعضی این دو واژه را مترادف (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی قم، ۱۳۹۴: ۷۹۶؛ طبرسی، بی‌تا، ۳۷۱/۷؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۷/۲۰) و برخی دارای تفاوت می‌دانند و تلاوت را خواندن کلمات و عبارات به‌صورت منظم و پیوسته می‌دانند که فقط در مورد کتاب‌های آسمانی به کار رفته و به معنای قرائت همراه با عمل به قرآن است (گروه مطالعات و پژوهش‌های قرآنی، ۱۳۸۸: ۱۷۶/۱). حاصل این که معنای لغوی قرائت به معنای خواندن و معنای لغوی تلاوت، متابعت است. معنای اصطلاحی کلمه قرائت و تلاوت نزدیک به هم است و اکثر لغویون اصل در هر دو کلمه را خواندن دانستند با اختلافات اندکی؛ هر تلاوتی قرائت است اما هر قرائتی تلاوت نیست یعنی قرائت در مورد یک کلمه نیز به کار می‌رود ولی تلاوت در مورد دو کلمه و بیشتر به کار می‌رود. هر دو کلمه به معنای قرائت با فهم است.

ج: اثرگذاری قرائت

تعبیر اثرگذاری قرائت یا تلاوت، به معنی انفعال قاری یا مستمع از تلاوت قرآن کریم است. این انفعال عموماً در قالب ایجاد خشوع و خضوع و رقت قلب قابل مشاهده است و در آیات متعددی از قرآن کریم به این آثار اشاره شده است. پیامد این انفعال و تأثیرپذیری، تغییر در رفتار قاری یا مستمع و توجه بیشتر او نسبت به اصلاح امور فردی و اجتماعی است.

۳. تأثیر قرائت قرآن در زندگی فردی

قرائت قرآن از اعمالی است که در زندگی بسیار تأثیرگذار بوده و در این زمینه آیات و روایات فراوانی وارد شده است. رهبر انقلاب در بسیاری از محافل قرآنی با پرداختن به اهمیت قرائت قرآن، آن را لازم دانسته و بر قرائت تأثیرگذار تأکید دارند. ایشان تلاوت و استماع قرآن را یک کار واجب و لازم دانسته و اظهار می‌دارند: «که این کار لازمه ایمان به وحی است؛ ﴿الَّذِينَ آمَنُوا هُمْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَلَأُوا إِيمَانًا وَنَسُوا نَفْسَ الْفُسْطَاقِ﴾ (بقره/۱۲۱) اینهایی که قرآن را تلاوت می‌کنند با رعایت حق تلاوت، اینها ایمان دارند؛ پس تلاوت قرآن لازمه ایمان است یا می‌فرماید: ﴿فَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ﴾ (نساء: ۸۲) خب تدبّر کی حاصل



می‌شود؟ آن وقتی که شما تلاوت کنید یا استماع کنید.» (بیانات در محفل انس با قرآن، ۱۴۰۲/۰۱/۰۳) در تفسیر آیات قرآن هم بر این مهم تأکید شده و آمده است که: «يَتْلُوهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ؛ تلاوتی که در آن حق تلاوت آن رعایت شود یعنی پیروی کردن قرآن به طوری که حق آن رعایت شود. حلالش را حلال می‌کنند و حرامش را حرام می‌کنند و محکمش را عمل می‌کنند و به متشابهش ایمان دارند.» (سعدی، ۱۴۰۸: ۶۶). ایشان در بزرگداشت قرائت قرآن، تلاوت را تفننی ندانسته و می‌فرمایند: «حداقل روزی نیم صفحه خولنده شود.» (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴۰۲/۰۱/۰۳) در لیات و روایات اسلامی نیز بر این موضوع تأکید شده است؛ مثلاً در سوره مزمل آمده: «فَاقرءُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآن» (مزمل: ۲۰) به اندازه‌ای که میسر است قرآن بخوانید. منظور آسان نمودن قرائت قرآن است که در آن مقدار و مدت قرائت لحاظ نشده است (ثعالبی، ۱۴۱۸: ۵۰۶/۵) یا اینکه برای تأکید بر عظمت قرائت آمده و به این معناست که هر یک از شما هر آنچه برایتان میسر است بخوانید (بقاعی، ۱۴۲۷: ۲۱۸/۸). رهبر انقلاب در جمع قاریان قرآن با ابراز رضایت مندی از فضای قرآنی کشور بر قرائت تأثیرگذار و همراه با فهم تأکید کرده و می‌فرمایند: «خدا را شکر می‌کنیم که بحمدالله ملت ما به هدایت قرآنی اقبال کرده است. در دوران طاغوت در کشور ما این خبرها نبود... این سعی برای فهمیدن مطالب قرآن نبود. امروز الحمدلله جوان‌های ما می‌فهمند چه دارند می‌خوانند. این را روزبه‌روز باید تقویت کنیم.» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن، ۱۳۹۸/۰۱/۲۶). معظم له ضمن تأیید بعضی از تلاوت‌ها، در مورد آن تلاوت‌ها اظهار می‌دارند که در این تلاوت‌ها گویی آن قاری مخاطب خداوند است. ایشان علاوه بر تشویق به خواندن با صدای خوش، بر قرائتی که القاء معنا در آن وجود دارد تأکید می‌کند و معتقد است: این شیوه خواندن انسان را تا حد زیادی به‌سوی باطن قرآن رهنمون می‌سازد (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۸/۰۲/۱۶). قرآن زیباست و معانی ژرف و بلندی دارد و بر هر دل نرمی بتابد تأثیرگذار است؛ حالا اگر این زیبایی به صدای نیکو و زیبایی‌های قرائت نیز مزین شود به‌طور یقین آثار و نتایج بهتری در بر خواهد داشت. بنابراین تلاوت زیبا در اعماق وجود انسان نفوذ بیشتری کرده و بر جان و دل انسان تأثیرگذارتر است. در روایات اسلامی صوت خوش، زیور قرآن معرفی شده است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «لِكُلِّ شَيْءٍ جَلِيَّةٌ وَ جَلِيَّةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۱۵/۲). هر چیزی زیوری دارد و زیور قرآن صدای خوش است. امام صادق (علیه السلام) در مورد صدای حضرت زین العابدین (علیه السلام) می‌فرمایند: «در قرائت قرآن خوش صداترین مردم بود و صدایش را به حدی بلند می‌فرمود که اهل خانه می‌شنیدند.» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۸۵۸/۵).

با کنکاشی در بیانات حضرت آیت الله خامنه ای می توان دریافت که ایشان موارد زیر را به عنوان آثار فردی قرائت قرآن کریم از مبانی دینی استنباط و به آنها تأکید داشته اند: «خضوع و خشوع دلها»، «انس بیشتر با قرآن»، «تعمیق روح معنوی»، «امداد به اندیشه»، «بصیرت افزایی»، «سعادت دنیوی و اخروی انسان» و «افزایش ایمان». در ادامه هر یک از این موارد را مورد بررسی و تحلیل قرار می دهیم.

یک. ایجاد خضوع و خشوع در قلوب

یکی از آثار قرائت قرآن از نظر رهبر انقلاب، خشوع و خضوع در انسان است. ایشان لحن و موسیقی در قرائت قرآن را مورد توجه قرار داده و آن را موجب شیرین جلوه کردن قرآن در گوش و جان دانسته و این زیبایی ها را موجب تأثیرگذاری بیشتر قرآن می دانند. ایشان همچنین در اجرای لحن، معنا محور بودن را ملاک می دانند به طوری که موجب خشوع و خضوع دل ها شود و دل را به یاد خدا بیندازد (بیانات در جمع قاریان قرآن در روز اول ماه رمضان، ۱۳۸۸/۰۵/۳۱). در آیات قرآن بر تلاوت با خشوع تأکید شده است؛ خداوند در آیه ۱۰۹ اسراء می فرماید: ﴿وَيَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ يَسْكُونُ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾: گریه کنان (در مقابل خداوند) به رو در می افتند و (شنیدن قرآن) بر فروتنیشان می افزاید. علامه طباطبایی خشوع را اظهار ذلت با قلب دانسته و بر خواندن قرآن تأکید دارد و آن را مایه خشوع آدمی می داند (طباطبایی ۱۳۹۰: ۲۲۲/۱۳). همچنین در آیه ۱۶ حدید آمده است: ﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾ آیه علت عدم خشوع و قساوت قلب، را طولانی شدن و دور ماندن از تعالیم انبیا و اولیا و احیان الهی می داند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۷۹/۱). بنابراین فاصله گرفتن از قرآن و کنار گذاشتن و نخولندن آن مایه قساوت قلب خواهد بود؛ البته بلید به معنا محور بودن قرلنت عنایت شود. در این زمینه روایاتی از امام صادق (ع) وارد شده که می فرمایند: «کسی قرآن را قرائت کند در حالی که در برابر خداوند خاضع نشود و قلبش رقیق نشود و... پس قطعاً عظمت خداوند را مورد تمسخر قرار داده و دچار زبانی آشکار گردیده است.» (مجلسی، بی تا، ۱۳۰/۸۰)؛ «رُويَ عَنِ الرَّضَا (ع) عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ لَكُمْ فِيهِ خُشُوعُ الْقَلْبِ وَصَفَاءُ السَّرِّ» (حویزی، ۱۴۱۵: ۴۵۱/۵) امام رضا (ع) «ما تيسر» را آن مقدار از قرآن دانسته اند که با خشوع قلب و صفای درون خوانده شود.

آیت الله خامنه ای از عوامل ایجاد خضوع و خشوع را، معنا محور بودن قرائت و همچنین خواندن قرآن همراه با توجه به زیبایی هایش مانند صوت و لحن دانسته اند. در روایات ما بر قرائت قرآن با صوت زیبا تأکید شده است. راوی می گوید: در محضر امام رضا (ع) صحبت از صدا شد فرمودند: «حضرت علی بن الحسین (ع) قرآن می خواندند، پس چه بسا شخصی از نزد ایشان عبور می کرد از زیبایی



صوتشان مدهوش می‌شد». (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۸۵۹/۵). در مکتب اهل بیت به زیبایی صوت اهمیت خاصی داده شده و خود ائمه اطهار (علیهم‌السلام) قرآن را با صوت بسیار زیبا قرائت می‌کردند به گونه‌ای که عابران می‌ایستادند و به صوت ایشان گوش می‌دادند. (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰: ۶۰۴/۳) چه بسا قرائت آهنگین که با نوایی روح افزا به همراه توجه به مفهوم آیه و ارتباط معنوی برخاسته از جان قاری و حافظ موجب خضوع و خشوع او شود.

با توجه به استنادات پیش گفته از بیانات مقام معظم رهبری، ایشان در راستای فرهنگ سازی قرائت در میان جامعه، به نقطه کلیدی اثرگذاری تلاوت در روح و جان قاری و مستمع و آماده شدن آنان برای عمل به آموزه‌های قرآن را مورد تأکید قرار می‌دهند. در همین راستا ایشان به دو روش کاربردی «توجه به معنا» و «انتخاب لحن مناسب» اشاره نموده و قاریان را به اتخاذ این دو روش برای اثرپذیری و اثرگذاری از تلاوت توصیه می‌کنند.

دو. انس با قرآن

یکی دیگر از آثار قرائت از نگاه رهبر انقلاب، انس با قرآن است؛ به عنوان نمونه ایشان در محافل و جلساتی که با اقشار قرآنی کشور دارند بر انس با قرآن در زندگی توجه می‌دهند. ایشان با اشاره به این که جملات قرآن نه شعر است و نه نثر، آن را یک پدیده هنری فوق العاده‌ای معرفی نموده که با زیاد خواندن و زیاد شنیدن و انس با آن می‌توان به شیوایی الفاظ و کلمات آن پی برد. ایشان با اشاره به بخشی از نهج البلاغه «ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ» (خطبه: ۱۸) می‌فرماید: «اُنِيقٌ یعنی آن زیبایی شگفت‌آور، آن زیبایی‌ای که وقتی انسان در مقابل آن قرار می‌گیرد، به حیرت می‌افتد.» (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴۰۱/۰۱/۱۴). در روایتی از پیامبر اکرم در مورد قرآن آمده است: «لَا تَحْصِي عَجَائِبَهُ وَلَا تَبْلِيْ غَرَائِبَهُ فِيْهِ مَصَابِيْحُ الْهُدَى وَمَنَازِلُ الْحِكْمَةِ...» (مجلسی، بی‌تا، ۱۷/۸۹): شگفتی‌های قرآن قبل از شمارش نیست، بر عجایب آن نتوان چیره شد، قرآن سرچشمه هدایت و جایگاه حکمت است. ایشان انس با قرآن را در خولندن آن و بازخواندن و تدبر و فهم در آن می‌دانند. (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۹/۰۱/۱۰). ایشان اظهار می‌دارند اگر کسی قرآن را نمی‌فهمد باید از ترجمه بهره ببرد. چرا که پرداختن به معنای قرآن در کنار الفاظ آن، انس با قرآن را بیشتر می‌کند. (بیانات در دیدار جمعی از قاریان، ۱۳۷۱/۱۲/۱۷). معظم له توصیه می‌کنند که به طور مکرر باید قرآن خولند باید تلاوت را تکرار کرد، باید قرآن را از اول تا آخر خولند و تمام کرد، دوباره شروع کرد و پیوسته و پی در پی باید قرآن را استفاده کرد. (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴۰۱/۰۱/۱۴). رهبری همچنین در جمع نمایندگان مجلس، بر لزوم انس با قرآن و مداومت بر آن سفارش کرده و می‌فرماید: «باید به قرآن و دعا و تضرع،

پناه برد.... تلاوت قرآن را نگذارید از زندگی تان حذف بشود. حتماً قرآن بخوانید؛ هر روز، ولو کم، ولو روزی یک صفحه؛ با تأمل و با دقت. اصرار ما بر این است که دوستان رابطه شان را با قرآن از دست ندهند. به آن ده دقیقه ای هم که در اول مجلس قرآن خوانده می شود، اکتفا نکنید.» (بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱). انس با قرآن برکات زیادی دارد که علامه طباطبایی تدبیر را گرفتن چیزی بعد از چیزی معنا کرده و منظور عمده ای آن را تأمل در یک یک آیات قرآن می دانند و آن را نتیجه انس و قرائت قرآن می دانند. (طباطبایی ۱۳۹۰: ۱۹/۵). همچنین در خطبه ۱۱۰ نهج البلاغه می خوانیم: «تعلموا القرآن فإنه أحسن الحديث وتفقهوا فيه فإنه ربيع القلوب»: قرآن را بیاموزید که بهترین گفتار است و آن را نیک بفهمید که بهار دلهاست. رهبر معظم در سخنان شان به رابطه بین قرائت و انس با قرآن اشاره کرده و «استفتاء از آن» (بیانات در جمع قاریان قرآن در روز اول ماه رمضان، ۱۳۸۸/۰۵/۳۱)، «پی بردن به جنبه غیر معنوی و زیبایی قرآن» (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۸/۰۲/۱۶)، «تدبر در قرآن» (بیانات در دیدار قاریان، ۱۳۹۱/۰۴/۳۱) را از جمله نتایج انس با قرآن را می دانند.

معظم له در جای دیگر قاریان قرآن را از قرائت بدون تأمل و تدبیر نهی کرده و می فرماید: «وقتی قاری و تلاوتگر ما، تلاوت می کند و این لحن های زیبا و آهنگ های خوب را فرا می گیرد و می خواند، تصور کند که کار او فقط همین تلفیق آهنگ ها و بیان این الفاظ، با صدای خوش و با آهنگ خوش است. این یکی از اشکالات است که اگر پیش بیاید، ضرر دارد....» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور، ۱۳۸۸/۰۷/۲۸). ایشان همچنین با اشاره به توجه در اجرای آهنگ ها در چارچوب های صحیح آن، بر قرائت همراه با فهم تأکید دارند و قاریان را از قرائت لحن محوری که تمرکزی بر مفاهیم ندارد باز می دارند. روایات معصومین توصیه به الحان عرب شده و از قرائت با الحان اهل فسوق نهی نمودند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۱۹/۲).

در استنادات فوق که از مجموعه سخنان و اندیشه مقام معظم رهبری نقل شد، ضمن تأکید بر حفظ ارتباط با قرآن کریم و ایجاد انس دائمی با این کتاب آسمانی، به راه کارهایی برای تقویت انس با قرآن اشاره شده است. این راه کارها عبارتند از: استماع قرائت قرآن، تأمل و تدبر در آیات قرآن کریم، توجه به جنبه های هنری قرآن، مطالعه ترجمه و تفسیر قرآن، تکرار تلاوت، برنامه منظم ختم قرآن و متوقف نکردن این برنامه و اینکه اگر امکان تلاوت مستمر یا طولانی مقدور نیست، از حداقل تلاوت که در حد یک صفحه یا یک آیه است، غفلت نشود. این راه کارها که از مجموع بیانات معظم له استفاده می شود، اولاً نقش مهمی در توسعه تلاوت قرآن در اقشار جامعه دارد و ثانیاً کارآمدی بالایی در توسعه اثرگذاری تلاوت یا استماع دارد.



سه. تعمیق روح معنوی

«تعمیق روح معنوی» یکی دیگر از آثار قرائت در زندگی فرد از منظر رهبر انقلاب است؛ ایشان در جمع قاریان قرآن فرمودند: «اگر تلاوت، تلاوت درست و به جایی باشد، دوفایده مهم را باید به ما بدهد: یکی اینکه روح معنوی ما را تعمیق کند. ما غرق در امور مادی هستیم؛ انسان‌ها احتیاج دارند به توجه معنوی، به روح معنویت و این با تلاوت قرآن - اگر خوب تلاوت کنیم قرآن را - حاصل می‌شود... قرآن به ما معنویت می‌دهد. (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن، ۱۳۹۸/۰۱/۲۶). آیات و روایات زیادی در زمینه نورانیت حاصل از خواندن قرآن که موجب سعادت انسان می‌شود وارد شده است. از جمله در آیه ۹ اسراء خداوند می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ...»؛ قرآن انسان را به راهی پایدارتر هدایت می‌کند. در تفسیر این آیه سعدی عبدالرحمن می‌گوید: «یعنی قرآن به عادلانه‌ترین و بالاترین راه از نظر عقاید و اعمال و اخلاق، هدایت می‌کند. پس هرکس هدایت شود به آنچه قرآن دعوت می‌کند او کامل‌ترین و پایدارترین و هدایت یافته‌ترین مردم در همه امور است.» (سعدی، ۱۴۰۸: ۵۲۹). با تلاوت قرآن، انسان می‌تواند قلب و روح خود را پاک و روشن می‌کند. خداوند آن را شفا و رحمت برای مؤمنان دانسته و فرمود: «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (اسراء: ۸۲). تلاوت قرآن قلب انسان را منور و امراض را از آن دور کرده و تاریک‌ترین قسمت‌های زندگی بشر را به دریایی از برکت و نور تبدیل می‌کند. تلاوت قرآن می‌تواند قلب انسان‌ها را از انواع امراض اعم از کفر و کینه و حسد و... پاک سازد. همچنین پیامبر اکرم می‌فرمایند: «نوروا بیوتکم بتلاوة القرآن» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۱۰/۲).: خانه‌هایتان را با تلاوت قرآن نورانی کنید. در واقع روایت اشاره به نورانیت اهل خانه و تعمیق روح معنوی آنها اشاره دارد.

همانگونه که ملاحظه می‌شود یکی از وجوه اثرگذاری تلاوت قرآن کریم را معظم له در تعمیق روح معنویت و نورانیت معرفی می‌کند و برای دستیابی به این تأثیر، توصیه می‌کنند که قرائت قرآن باید فراوان و البته با توجه به معنا تلاوت گردد.

چهار. کمک به اندیشه

یکی دیگر از آثار قرائت در زندگی فردی از منظر رهبر انقلاب «مدد رسانی به فکر و اندیشه» است. ایشان می‌فرمایند: «باید با قرائت قرآن به فکر خودمان و اندیشه خودمان مدد برسانیم و آن را از معرفت قرآنی تغذیه کنیم؛ یعنی قرائت قرآن، هم در دل و هم در ذهن ما اثر می‌گذارد.» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن، ۱۳۹۸/۰۱/۲۶). شاید اینکه در آیات قرآن حتی سیر و گردش در زمین را مبنای اندیشه‌ورزی قرار داده و می‌فرماید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ

عاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ» (انعام: ۱۱): بگو: روی زمین گردش کنی؛ سپس بنگرید سرانجام تکذیب‌کنندگان آیات الهی چه شد؟ یعنی بنگرید در قرآن و اخبار انبیاء و ببینید عاقبت تکذیب‌گران چگونه بوده است. (قمی، ۱۳۶۳: ۱/۱۹۴). بعید است که در مورد قرائت و چنین تأثیری مورد توجه نباشد. هم چنین اینکه در روایات نقل شده که «هر کس برای رضای خدا و آگاهی عمیق در دین، قرآن بخواند، ثواب ملائکه و انبیا و رسولان را خواهد داشت.» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۱۸۴/۶) به خاطر همین تأثیر قرائت باشد.

بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری، تأثیر تلاوت در رشد فکری امری محتاج به تأمل و بررسی است و این امر را معظم له از طریق شبیه سازی آیاتی که توصیه به تلاوت می‌کنند با آیاتی که توصیه به گردش در زمین می‌کنند، استنباط می‌نمایند. این اثرگذاری گاهی برخواسته از نفس تلاوت است و گاهی برخواسته از تدبیر و تأمل و توجه در معنای آیاتی که تلاوت می‌شود.

پنج. افزایش ایمان و بصیرت

از دیگر آثار فردی قرائت در نگاه مقام معظم رهبری، افزایش ایمان و بصیرت است. گرچه این اثر چندان هم ناپیدا و نوپدید نیست، اما نوع نگاه و تحلیل معظم له در این خصوص و تأکید بر اینکه این تلاوت‌ها باید منشأ اثر در افزایش ایمان باشد؛ دریچه جدیدی از بحث را باز می‌کند. (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴۰۱/۰۱/۱۴). این نگاه برخواسته از آیه «وَإِذَا ثَلَيْتَ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا» (انفال: ۲) است. این آیه ویژگی‌های مؤمنان حقیقی را می‌شمرد که یکی از آنها افزایش ایمان در اثر قرائت و استماع آیات خداست. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱/۹). خداوند در آیتش می‌فرماید: «هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ» (اعراف: ۲۰۳). مفسران بصائر را به معنای برهان و دلیل و حجت‌ها دانسته‌اند که قرآن و آیتش حجت‌هایی است بر شما. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۸۳/۲؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۹/۹). از سویی معظم له دوری از قرلّت قرآن را موجب کج فهمی و بدفهمی انسان می‌داند و می‌فرماید: «اگر با قرآن مانوس بشویم، خیلی از مفاهیم حیات و زندگی برای ما روشن خواهد شد. کج‌روی‌ها، بدفهمی‌ها، یأس‌ها، خیانت‌های انسان‌ها به یکدیگر، دشمنی‌های انسان‌ها با یکدیگر، ذلیل کردن انسان خود را در مقابل طواغیت عالم و امثال اینها، همه ناشی از دوری از قرآن است. قرآن، هم به ما معنویت می‌دهد، هم به ما معرفت می‌دهد.» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن، ۱۳۹۸/۰۱/۲۶). قرآن در مورد افرادی که از قرآن فاصله دارند می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا» (اسراء: ۴۶): و ما بر دل‌های تیره آن کافران پرده‌ای افکندیم که قرآن را فهم نکنند و در گوش‌هایشان هم سنگینی نهادیم.» علامه طباطبایی علت وجود پرده بر دل‌های آنها و سنگینی بر گوش‌هایشان را کفر و فسق آنان می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱۴/۱۳).



از نگاه معظم له بسیاری از ناهنجاری های فردی و اجتماعی از طریق ترویج تلاوت و استماع قرآن قابل مدیریت است. قرائت هایی که اثرگذار باشند، این فرصت را در فرد ایجاد می کند که از بیراهه ها دور شود و این بینش را در خواننده و مستمع ایجاد می کند که بتواند به منزلت خود در میان مخلوقات عالم پی برده و ضمن خضوع در برابر خداوند، روحیه ایستادگی و خودبرتربینی در برابر مستکبران را در خود بپروراند.

شش. بهره‌مندی از سعادت دنیوی و اخروی

معظم له قرائت قرآن را مقدمه معرفت و عمل به قرآن دانسته که منجر به سعادت انسان می شود ایشان معتقدند «قرآن کتاب سعادت بشر است بلاشک سعادت دنیا و آخرت. قرآن فقط برای سعادت آخرت نیست؛ سعادت دنیا را هم قرآن تأمین می کند. سعادت دنیا یعنی برخورداری از نعم الهی در این نشئه؛ این را با قرآن می شود تأمین کرد... اینها همه امور دنیوی است. آخرت هم که حیات معنوی و حقیقی و مستمر و ابدی است، با قرآن حاصل می شود. پس قرآن کتاب سعادت دنیا و آخرت است، به شرط آن که ما به قرآن عمل بکنیم. پس تلاوت قرآن مقدمه عمل است، مقدمه معرفت است، مقدمه آشنایی است.» (بیانات در دیدار شرکت کنندگان در مسابقات بین المللی قرآن، ۱۳۹۸/۰۱/۲۶). آیات قرآن اگر با تفکر و تدبیر قرائت شود علاوه بر زندگی اخروی چه بسا زندگی دنیوی آدمی را نیز دچار تحولی شگرف کند و انسان به بسیاری از نعم دنیوی مانند آرامش و فضایل اخلاقی مانند حلم و بردباری و امثال آن برسد. همچنین ایشان در دیدار با قاریان چهل کشور جهان و جمعی از قاریان روشن دل اظهار داشتند: «اگر در همین زندگی دنیا، با قرآن مأنوس و محشور باشید، در قیامت هم با قرآن محشور خواهید شد.» (بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۶۸/۱۲/۰۴). در روایت نیز بر این مهم تأکید شده و از حضرت امیر نقل شده که ایشان فرمودند: «خانه ای که در آن قرآن خوانده شود و ذکر خدای عزوجل در آن بشود برکتش بسیار گردد و فرشتگان در آن بیایند و شیاطین از آن دور شوند و برای اهل آسمان می درخشد چنان که ستارگان برای اهل زمین می درخشد.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۱۰/۲). در بعضی روایات به تأثیر قرائت قرآن در سعادت اخروی انسان اشاره دارد به طور نمونه: در روایتی از امام صادق (ع) می خوانیم: «بر شما باد به تلاوت قرآن، قطعا درجات بهشت به اندازه آیات قرآن است. در روز قیامت به قاری قرآن گفته می شود بخوان و بالا برو. پس هر آیه ای که می خولند یک درجه بالا می رود.» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۹۰/۶). در روایتی دیگر از امام صادق (ع) آمده: «الحافظ للقرآن العامل به مع السفرة الكرام البررة» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۴۱/۲): حافظ قرآنی که به قرآن عمل می کند با سفیران وحی خدا که بزرگوار و نیکو رفتار هستند، خواهد بود.

۴. تأثیر قرائت قرآن در زندگی اجتماعی

رهبر معظم انقلاب به تأثیر قرائت مطلوب بر جامعه توجه کرده و قرائت قاریان در محافل و مجالس را مورد تأکید قرار داده و اجرای قرائت هنرمندانه آنها را مورد تشویق قرار داده و از قراء می‌خواهند تا صوت و لحن را با توجه به معنا اجرا کنند و این گونه اجراها را تأثیرگذار بر مستمع می‌دانند و می‌فرمایند: «شما این اثر فاخر بی‌نظیر هنری را به شکل هنرمندانه اجرا می‌کنید، به شکل هنرمندانه می‌خوانید؛ آن وقت نتیجه این می‌شود که اثرش می‌شود چند برابر؛ البته به شرط اینکه این جنبه هنری درست انجام بگیرد... یعنی جوری بخوانید که می‌خواهید معانی را تفهیم کنید.» (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۸/۰۲/۱۶). امام موسی کاظم (علیه السلام) از پدرانسان از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سلم نقل کردند: قاری قرآن و مستمع قرآن در پاداش یکسانند. (ابوعلی محمد بن اشعث کوفی، بی تا، ۳۰). قاری ما وقتی قرآن را تلاوت می‌کند، باید چنان تلاوت کند که گویی قرآن را دارد نازل می‌کند به قلب مخاطب... شما باید قرآن را به گونه‌ای تلاوت کنید که گویی این مفاهیم قرآنی و آیات کریمه قرآن، در حال نازل شدن بر قلب مخاطب است؛ آهنگ‌ها را با مضامین منطبق کردن و از آهنگ برای برجسته کردن معنا و مضمون آیه کمک گرفتن. این آهنگ‌ها و این نغمه‌های قرآنی، مهم‌ترین هنرش این است که بتواند کمک کند به این که آن مضمون، برجسته شود و در ذهن مخاطب بنشیند.» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور، ۱۳۸۸/۰۷/۲۸). وقتی قرآن خوانده می‌شود ایمان مستمعان بایستی افزایش پیدا کند. ﴿وَإِذَا ثَلَيْتَ عَلَيْهِمْ آيَاتَهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا﴾ (انفال: ۲) (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴۰۱/۰۱/۱۴). رهبر انقلاب، قرائت معنا محور که با اجرای هنرهای تلاوت مانند صوت و لحن و وقف و ابتدا باشد را تأثیرگذار دانسته و آن را موجب «رفع مشکلات در سایه عمل به قرآن»، «جذب غیر مسلمانان» و «اتحاد ممالک اسلامی» دانسته‌اند که در ادامه به تفصیل این موارد پرداخته می‌شود.

یک. رفع مشکلات در سایه عمل به قرآن

معظم له برای تأثیرگذارتر بودن قرائت بر مستمعان می‌فرمایند: «در درجه اول قاری باید سعی کند آن آیات را در وجود خود، در باطن خود و در دل خود پایدار کند و به عمل نزدیک کند که اگر چنین شد آن تلاوت بر جامعه نیز تأثیرگذار خواهد بود. مشکلات هر جامعه‌ای با قرآن حل خواهد شد. معظم له تأکید می‌کنند «قرآن راه حل معضلات زندگی بشر را به فرزندان آدم هدیه می‌کند؛ این وعده قرآنی است و تجربه دوران اسلام هم این را نشان داده. هر چه ما به قرآن نزدیکتر شویم، هر چه عمل قرآنی در میان ما چه در روح ما، چه در اعمال جسمانی ما چه در فرد ما چه در اجتماع ما بیشتر شود، به سعادت، به حل مشکلات و معضلات نزدیک تر می‌شویم.» (بیانات در دیدار قاریان، ۱۳۹۱/۰۴/۳۱). ﴿الَّذِينَ



آتیناهُم الْكِتَابَ يَتْلُوهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْغَاسِقُونَ» (بقره: ۱۲۱) هم‌چنین از نظر رهبر انقلاب قرائت قرآن می‌تواند موجب برطرف‌شدن مشکلات نظام شود. ایشان در جمع مسئولان نظام یکی از توصیه‌هایشان برای حل مشکلات کاری مسئولان، متوسل‌شدن به قرائت روزانه آنان است. (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۵/۰۶/۰۶). از همین رو است که در روایت از پیامبر داریم هنگامی که فتنه‌ها چون پاره‌های شب تار شما را در خود پیچید به قرآن روی بیاورید.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۹۹/۲).

نقل‌های فوق از آیت الله خامنه‌ای به روشنی نشان می‌دهد که ایشان نقش کم‌نظیری برای تلاوت قرآن در حل مسائل اجتماعی نظام اسلامی قائل هستند. این نقش زمانی برجسته‌تر است که قرائت با شاخصه‌های یک قرائت بایسته و اثرگذار اتفاق افتد که در این صورت، ضمن اصلاح قاری و نزدیک کردن او به عمل به قرآن، موجب می‌شود شنوندگان و جامعه نیز متأثر از تلاوت شوند و روح و جان‌شان آماده عمل به آموزه‌های این کتاب آسمانی شود، و بدیهی است که اگر عمل و رفتار جامعه، قرآنی شود، بسیاری از مشکلات جامعه و نظام در سایه آموزه‌های قرآن، رنگ می‌بازد.

ایشان در جمع قاریان قرآن، با تشویق بر قرائت قرآن، می‌فرمایند: «این جلسات و این ترغیب‌ها به تلاوت‌های خوب، مقدمه است برای این که جامعه ما انس با قرآن پیدا کند. از بیگانگی با قرآن که سال‌های متمادی و طولانی کشور ما و ملت ما دچار آن بوده است، نجات پیدا کند و به قرآن نزدیک بشود.» (بیانات در جمع قاریان قرآن در روز اول ماه رمضان، ۱۳۸۸/۰۵/۳۱).

دو. وسیله ساز اتحاد ممالک اسلامی

از نظر رهبر انقلاب قرائت قرآن می‌تواند موجب اتحاد ممالک اسلامی شود؛ به‌طور مثال ایشان در دیدار قاریان در مسابقات بین‌المللی ضمن خرسندی از حضورشان در این جمع فرمودند: «امروز ما به قرآن احتیاج داریم؛ راه صحیح زندگی جوامع اسلامی و امت اسلامی، عمل به قرآن است؛ این که در قرآن دارد: «وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳) این حبل‌الله، همین قرآن است.» ایشان قرآن را نور دانسته و می‌افزایند: «تسلط کفار بر بسیاری از کشورهای اسلامی را ملاحظه کنید؛ این که رئیس‌جمهور آمریکا با کمال وقاحت می‌ایستد آنجا و می‌گوید اگر ما نباشیم، بعضی از این کشورهای عربی یک هفته هم نمی‌توانند خودشان را حفظ کنند، این تذلیل مسلمان‌ها است... این ذلت است، این به‌خاطر عدم تمسک به قرآن است، به‌خاطر این است که ما این شفا را از دست داده‌ایم، این درمان را از دست داده‌ایم... ما امروز به قرآن احتیاج داریم؛ هم در زندگی شخصی‌مان به قرآن احتیاج داریم، هم در زندگی اجتماعی، هم در سیاست‌مان، هم در سلوک حکومتی خودمان. قرآن به ما درس

می‌دهد... مسلمان‌ها باید در مقابل استکبار بایستند؛ مسلمان‌ها باید در مقابل زورگویی آمریکا و بقیه زورگوهای عالم بایستند؛ اگر این را رعایت نکنند، اگر این مرزها را توجه نکنند، ذلیل خواهند شد، دچار فساد خواهند شد، دچار عقب‌ماندگی خواهند شد که الان این متأسفانه اتفاق افتاده است. اگر به قرآن عمل بکنیم، عزت پیدا می‌کنیم؛ این راهی است که مسلمان‌ها را خوشبخت می‌کند.» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن، ۱۳۹۷/۰۲/۰۶). رهبر انقلاب تعبیر «حبل الله» در آیه ۱۰۳ آل عمران را به قرآن کریم تطبیق می‌دهند. آیت الله سبحانی در تفسیر آیه فوق می‌فرمایند: اسلام بر دو کلمه بنا شده است یکی توحید و دیگری تمسک به ریسمان محکم خداوند که همان قرآن است و مسلمانان باید از تفرقه و تشتت دوری کرده و در حفظ کیان اسلام کوشا باشند. (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۹: ۷). مقام معظم رهبری در جمع قاریان بین‌المللی فرمودند: «معنای مسابقات بین‌المللی قرآن، اجتماع جمعی از برادران مسلمان از نقاط مختلف دنیا بر گرد قرآن و محور قرآن است؛ این را باید قدر دانست» ایشان در بخشی از این سخنرانی قرآن را مایه عزت و وحدت ملت‌ها دانسته و می‌فرماید: «ملت‌ها با قرآن، با عمل به قرآن عزت پیدا کنند، رفاه پیدا کنند، دانش پیدا کنند، قدرت پیدا کنند، وحدت و انسجام پیدا کنند، سبک زندگی شیرین پیدا کنند.» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن، ۱۳۹۸/۰۱/۲۶).

معظم له با شناخت عمیق شرایط حاکم بر روابط مسلمانان، رجوع به قرآن کریم را به عنوان حبل الله مورد تأکید قرار داده و در این میان برخی پردازش‌های ظاهری به قرآن کریم مانند محافل و مسابقات قرآنی را موجب ایجاد الفت و رأفت میان مسلمانان می‌دانند. نقش قرآن کریم در گسترش روابط میان مسلمانان، علاوه بر اموری چون محافل و مسابقات، در عمل به آموزه‌های آن وجود دارد. وقتی جوامع اسلامی عمل به آموزه‌های قرآن کریم را مورد توجه قرار دهند، آنگاه احساس عزت و عظمت خواهند کرد و در آرایش سیاسی در مقابل قدرت‌های استعماری و کشورهای اسلامی، به شیوه صحیح عمل می‌نمایند.

سه. جذب غیر مسلمانان

یکی دیگر از اثرات قرائت قرآن جذب غیر مسلمانان است که اگر این قرائت همراه با زیبایی‌هایش مانند تکرارهای به جا و زیبای فرازهای قرآنی، بالا و پایین آوردن صوت و همچنین وقف و وصل‌های صحیح و همراه با القای معنا باشد بسیار تأثیرگذار خواهد بود. آیت الله خامنه‌ای در جمع قاریان قرآن، آنان را ارزشمند و دارای منزلت دانسته و می‌فرماید: «قاری و تلاوت‌کننده قرآن، رساننده پیام خدای متعال به مستمعین است. یعنی شما که اینجا می‌نشینید تلاوت می‌کنید، دارید رسالتی انجام می‌دهید،



دارید پیام‌آوری ای انجام می‌دهید، و پیام خدا را به دلهای ما می‌رسانید؛ این خیلی مقام والا و برجسته‌ای است، این افتخار بسیار بزرگی است. برای اینکه این پیام را خوب منتقل کنید، ابزارهایی لازم است که یکی اش صدای خوب است، یکی اش شگردهای اثرگذاری است، مثل لحن... تکرار بعضی از آیات یا تکرار بعضی از جملات یا ارتفاع و انخفاض صوت - بالا رفتن و پایین آمدن صوت - در بعضی از جاها، اینها همه شگردهای مهمی است که کمک می‌کند به تأثیرگذاری قرآن در دلهای آنها. (بیانات در محفل انس با قرآن، ۱۴۰۲/۰۱/۰۳). همان گونه که در طول تاریخ شاهد هستیم که چه بسا تلاوت زیبا و تأثیرگذار موجب جذب غیر مسلمانان به دین اسلام شده است. به‌طور نمونه در سرگذشت عبدالباسط آمده که پس از شنیدن صدای او در لوس آنجلس ۶ نفر مسلمان شدند. در اوگاندا ۹۲ نفر و در آفریقای جنوبی ۶ نفر و یکی دو کشور دیگر هم چند نفر مسلمان شدند. (مؤسسه نوار مطهر، ۱۴۱۴: ۳۹-۴۰). در سوره حدید خداوند می‌فرماید: ﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ﴾ (حدید: ۱۶) آیا نوبت آن نرسیده که دلهایشان در برابر یاد خدا و آن سخن حق که نازل شده است خاشع شود؟ آیات قرآن به خودی خود و بدون هیچ لحنی زیباست چرا که چینش کلمات طوری است که با آنکه نه شعر است و نه نثر و نه سجع ولی در عین حال همه زیبایی‌های این سه سبک را در خود دارد. حال اگر این نوشتار با صدا و آهنگ زیبا همراه شود چقدر دلنشین و تأثیرگذار خواهد بود.

جمع‌بندی

آنچه که از اندیشه مقام معظم رهبری در حوزه اثرگذاری قرائت قرآن استنباط می‌شود، بسیار فراتر از چیزی است که در این نوشتار به آن پرداخته شد. اما آنچه که رسالت این نوشتار را شکل می‌داد، اثرگذاری قرائت در ابعاد فردی و اجتماعی است. آنچه از تحلیل بیانات ایشان به دست آمد این است که قرائت قرآن در بعد زندگی فردی موجب «خضوع و خشوع دل‌ها»، «انس بیشتر با قرآن»، «تعمیق روح معنوی»، «امداد به‌اندیشه»، «بصیرت‌افزایی»، «سعادت دنیوی و اخروی انسان» و «افزایش ایمان» می‌شود. از سویی در زندگی اجتماعی نیز موجب «رفع مشکلات در سایه عمل به قرآن»، «اتحاد ممالک اسلامی» و «جذب غیر مسلمانان» می‌شود. قاری با قرائت قرآن در محافل و مجالس در حال انجام رسالت و پیام‌آوری است. معظم‌له برای اثرگذاری قرئت در هر یک از ابعاد فردی و اجتماعی، راه کارهای مختلف فنی قرئت را ارائه نمودند که برخی از آنها عبارتند از: «توجه به معنا و معنای محوری»، «استفاده از الحان مناسب با آیات و مخاطب»، «ارایه صوت زیبا» و «نهادینه کردن آموزه های قرآن در نفس قاری».

فهرست منابع

۱. قرآن.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ادریس، محمد بن احمد محقق، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، تحقیق: حسن بن احمد الموسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه، ۱۴۱۰ق.
۴. ابن عاشور، محمد طاهر، التحریر و التنویر المعروف به تفسیر ابن عاشور، لبنان: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۵. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، محقق و مصحح: هارون، عبدالسلام محمد، بیروت: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق. ۱۴۰۷
۶. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، عده الداعی و نجاح الساعی، بیروت، دارالاضواء.
۷. ابوعلی محمد بن اشعث، الجعفریات (الأشعثیات)، تهران: مکتبة نینوی الحدیثة، بی تا.
۸. بقاعی، ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، محقق: مهدی عبدالرزاق غالب، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق.
۹. پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری؛ به نشانی: www.khamenei.ir
۱۰. پژوهشگاه علوم و فرهنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲ش.
۱۱. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، محقق: عبدالوجود، عادل احمد، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق.
۱۳. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، مصحح: رسولی، هاشم، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۱۴. خادمی، علی، «رابطه میزان انس با قرآن و الگوی مصرف در میان کارکنان سازمان های دولتی شهرستان ارومیه»، مجله روان شناسی و دین، شماره ۱۰. تابستان ۱۳۸۹.
۱۵. راغب اصفهانی، محمد بن حسین، محقق و مصحح: داوودی/فوان عدنان، بیروت: دار القلم-الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۶. رفیعی، محمد حسین، فرهنگ انس با قرآن، قم، زائر، ۱۳۹۶
۱۷. زندگینامه قاریان مشهور جهان، قم: مؤسسه نوار مطهر، ۱۳۷۴ش.



۱۸. سبحانی تبریزی: عفر، بحوث قرآنیة فی التوحید و الشریک، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۱۹ق.
۱۹. سخنرانی آیت الله خامنه‌ای، ۴/۱۲/۱۳۶۸، در دیدار با قاریان چهل کشور جهان و جمعی از روشن ضمیران.
۲۰. سخنرانی آیت الله خامنه‌ای، ۱۰/۱/۱۳۶۹، در محفل انس با قرآن.
۲۱. سخنرانی آیت الله خامنه‌ای، ۱۳/۱۲/۱۳۷۰، در دیدار گروه ویژه و گروه معارف اسلامی صدای جمهوری اسلامی ایران.
۲۲. سخنرانی آیت الله خامنه‌ای، ۵/۱۱/۱۳۷۱، در محفل انس با قرآن.
۲۳. سخنرانی آیت الله خامنه‌ای، ۱۷/۱۲/۱۳۷۱، در دیدار فرزندان شهید حافظ قرآن.
۲۴. سخنرانی آیت الله خامنه‌ای، ۲۱/۳/۱۳۸۷، در دیدار با نمایندگان مجلس هشتم.
۲۵. سخنرانی آیت الله خامنه‌ای، ۳۱/۵/۱۳۸۸، در محفل انس با قرآن.
۲۶. سخنرانی آیت الله خامنه‌ای، ۲۸/۷/۱۳۸۸، در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور.
۲۷. سخنرانی آیت الله خامنه‌ای، ۳۱/۴/۱۳۹۱، در محفل انس با قرآن.
۲۸. سخنرانی آیت الله خامنه‌ای، ۱۱/۸/۱۳۹۶، در جمع دانشجویان و دانش آموزان.
۲۹. سخنرانی آیت الله خامنه‌ای، ۶/۲/۱۳۹۷، در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین المللی قرآن.
۳۰. سخنرانی آیت الله خامنه‌ای، ۲۶/۱/۱۳۹۸، در جمع قاریان کشورهای اسلامی.
۳۱. سخنرانی آیت الله خامنه‌ای، ۱۶/۲/۱۳۹۸، در محفل انس با قرآن.
۳۲. سخنرانی آیت الله خامنه‌ای، ۱۵/۱/۱۴۰۱، در دیدار جامعه قرآنی کشور.
۳۳. سخنرانی آیت الله خامنه‌ای، ۳/۱/۱۴۰۲، در محفل انس با قرآن.
۳۴. سعدی، عبدالرحمن، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، بیروت: مکتبة النهضة العربية، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۳۵. سید قطب، «تأثیر قرآن»، مجله رشد آموزش قرآن، شماره ۸. بهار ۱۳۸۴ش.
۳۶. صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، محقق و مصحح: آل یاسین، محمدحسن، بیروت: عالم الکتاب، ۱۴۱۴ق.
۳۷. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۳۸. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح و تعلیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: مکتبة العلمیة الاسلامی، بی تا.

۳۹. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۴۰. عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، بیروت: دارالآفاق الجديدة، ۱۴۰۰ق.
۴۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: هجرت، ۱۴۰۹ق.
۴۲. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۴۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، موسوی جزایری، طیب، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ش.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق و مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۴۵. گروه مطالعات و پژوهش های قرآنی، فرهنگ کاربردی واژگان قرآنی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، ۱۳۸۸ش.
۴۶. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۴۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام محقق: علوی، عبدالزهراء، محمودی، محمدباقر، بیروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.
۴۸. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی قم، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۹۴ش.
۴۹. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، محقق: شحاته، عبدالله محمود، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۲۳ق.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر، مثال های زیبای قرآن، قم: نسل جوان، ۱۳۸۲ش.
۵۱. موسوی نیا، مهدی، «بررسی کیفیت انس با قرآن در تحقق جامعه قرآنی تمدن ساز از نگاه مقام معظم رهبری»، مجله پژوهش های تمدن نوین اسلامی، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۴۰۰ش.
۵۲. مهدوی نیا، محمدتقی، «انس با قرآن در بیانات مقام معظم رهبری»، مجله پرسمان، شماره ۱۱۲، اردیبهشت ۱۳۹۱ش.
۵۳. هیشمی، علی بن ابوبکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.



References

1. Abu Ali Mohammad Bin Ash'ath, *Al-Ja'fariyyat (The Ja'fariyyat)*, Tehran: Maktabat Nino-e Hadithah, n.d.
2. Askari, Hassan Bin Abdullah, *Al-Furuq fi al-Lughah (The Philology)*, Beirut: Dar al-Afaq al-Jadidah, 1400 AH (1980 CE).
3. Biqai, Ibrahim Bin Umar, *Nazm al-Durar fi Tanasub al-Ayat wa al-Suwar (The Order of Pearls in Correlation of Verses and Chapters)*, Edited by Mahdi Abdul Razzaq Ghalib, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1427 AH (2006 CE).
4. Farahidi, Khalil Bin Ahmad, *Kitab al-Ain*, Qom: Hijrat, 1409 AH.
5. Goroooh-e Motale'at va Pazhuhesh-haye Qur'ani (*Dictionary of Quranic Vocabulary*), Qom: Daftar-e Tablighat-e Eslami-ye Khorasan Razavi, 1388 SH (2009 CE).
6. Haithami, Ali Bin Abi Bakr, *Majma' al-Zawa'id wa Manba' al-Fawa'id (Gathering of the Additions and Source of Benefits)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1408 AH (1987 CE).
7. Hawizi, Abd Ali Bin Jum'a, *Tafsir Nur al-Thaqalayn (The Exegesis of the Light of the Two Weighty Things)*, Edited by Rasouli, Hashem, Qom: Ismailiyan, 4th Edition, 1415 AH (1994 CE).
8. Hurr Ameli, Mohammad Bin Hassan, *Wasa'il al-Shi'a (The Means of Shia)*, Qom: Al al-Bayt, 1414 AH (1993 CE).
9. Ibn Ashur, Mohammad Taher, *Al-Tahrir wa al-Tanwir known as Tafsir Ibn Ashur (Interpretation by Ibn Ashur)*, Lebanon: Mo'assasah al-Tarikh al-Arabi, 1420 AH (1999 CE).
10. Ibn Fahd Hilli, Ahmad Bin Mohammad, *Uddat al-Da'i wa Najah al-Sa'i, Beirut (The Preacher's Preparations and the Success of the Striver)*, Dar al-Adwa, 1407 AH (1986 CE).
11. Ibn Faris, Ahmad Bin Faris, *Mu'jam Maqayis al-Lughah (Dictionary of Language Measures)*, Edited by Harun Abdul Salam Mohammad, Beirut: Maktabah al-I'lam al-Islami, 1404 AH (1984 CE).
12. Ibn Idris, Mohammad Bin Ahmad, *Al-Sarair al-Hawi li Tahreer al-Fatawa (The Comprehensive Secrets for Composing Fatwas)*, Edited by Hassan Bin Ahmad al-Mousavi, Qom: Daftar Intisharat Islami Affiliated with Jame'e Mudariseen Howzeh Elmieh, 1410 AH (1990 CE).
13. Khademi, Ali, "Rabetah Mizan Uns ba Quran wa Olgoye Masraf darmiyan Karkunan Sazmanhaye Dowlati ye Shahrestan Oromiyah (The Relationship of Ansa Scale with the Quran and Consumption Pattern among Employees of Urmia Governmental Organizations)," *Psychology and Religion Journal*, No. 10, Summer 1389 (2010 CE).

14. Kulayni, Mohammad Bin Ya'qub, *Al-Kafi*, Edited and Corrected by Ghaafari Ali Akbar and Akhondi, Mohammad, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1407 AH (1986 CE).
15. Mahdavi-Niya, Mohammad Taghi, "*Ons ba Quran dar Bayanat-e Maqam-e Moazzam-e Rahbari (Affinity with Quran in the Statements of the Supreme Leader)*," Porsman Journal, No. 112, Ordibehesht 1391 SH (2012 CE).
16. Majlisi, Mohammad Baqir Bin Mohammad Taqi, *Bihar al-Anwar al-Jame'a (Seas of Lights - Comprehensive Collection of the Pearls of Pure Imams' Traditions)*, Edited by Alavi, Abdul Zahra, Mahmoodi, Mohammad Baqir, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, n.d.
17. Makarem Shirazi, Naser, *Masa-el-haye Zibayi-e Quran (Beautiful Examples in the Quran)*, Qom: Nasl-e Javan, 1382 SH (2003 CE).
18. *Markaz-e E'tela'at va Madaarek-e Eslamiye Qom (Center for Islamic Information and Documents in Qom)*, Qom: Islamic Preaching Center of Qom Seminary, 1394 SH (2015 CE).
19. Mousavi-Nia, Mehdi, "*Barrasi-ye Keyfiyat-e Ons ba Quran dar Tahqiq-e Jame'e Quranie Tamaddon Saz az Negah-e Maqam-e Moazzam-e Rahbari (Investigating the Quality of Affinity with the Quran in Achieving the Quranic Society of Civilization Builder from the Perspective of the Supreme Leader)*," Journal of Research on Modern Islamic Civilization, Year 1, Issue 1, Summer 1400 SH (2021 CE).
20. Muqatil Bin Sulayman, *Tafsir Muqatil Bin Sulayman*, Edited by Shahata, Abdullah Mahmoud, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1423 AH (2002 CE).
21. Muttaqi, Ali Bin Husam al-Din, *Kanz al-A'mal (Treasures of Deeds)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1419 AH (1998 CE).
22. *Office of the Supreme Leader's Information Website*; website address: www.khamenei.ir.
23. Qomi, Ali Bin Ibrahim, *Tafsir al-Qomi*, Mousavi Jazayeri, Tayyib, Qom: Dar al-Ketab, 1363 SH (1984 CE).
24. Qurtubi, Mohammad Bin Ahmad, *Al-Jami' li Ahkam al-Quran (The Comprehensive Compendium of Quranic Decrees)*, Tehran: Naser Khosrow, 1364 SH (1985 CE).
25. Rafiei, Mohammad Hossein, *Farhang Ons ba Quran (The Culture of Affinity with Quran)*, Qom, Zair, 1396 CE (2017 CE).
26. Raghib Esfahani, Mohammad Bin Hussein, *Mufradat Alfaz al-Quran (The Lexicon of Quranic Words)*, Edited and Researched by Dawoodi, Safwan Adnan, Beirut: Dar al-Qalam - Dar al-Shamiyah, 1412 AH (1992 CE).
27. Research Institute of Islamic Sciences and Culture and Knowledge of the Quran, *Dairat al-Ma'arif Quran Karim (Encyclopedia of the Holy Quran)*, Qom: Daftar Tablighat Hoze Elmieh Qom, 1382 SH (2003 CE).



28. Research Institute of Quranic Sciences, *Dayerah al-Ma'ref Quran Karim (Encyclopaedia of the Holy Quran)*, Qom: Office of The Preaching of the Seminary of Qom, 1382 SH (2003 CE).
29. Sa'adi, Abdul Rahman, *Taysir al-Karim al-Rahman fi Tafsir Kalam al-Mannan (Facilitating the Generous and Merciful God's Words in Explaining the Words of the Beneficent)*, Beirut: Maktabah al-Nahdah al-Arabiyyah, 2nd Edition, 1408 AH (1988 CE).
30. Sahib Bin Abbad, Ismail Bin Abbad, *Al-Muhit fi al-Lughah (A Comprehensive Work on Language)*, Edited and Corrected by Al Yaseen, Mohammad Hassan, Beirut: Alam al-Kutub, 1414 AH (1993 CE).
31. Sayyid Qutb, "*Ta'thir Quran (The Influence of the Quran)*," Reshad Amuzesh Quran Journal, No. 8, Spring 1384 SH (2005 CE).
32. Sobhani Tabrizi, Jafar, *Bahoth Quraneyyah fi al-Tawhid wa al-Shirk (Quranic Research on Monotheism and Polytheism)*, Qom: Mo'assasat Imam Sadiq (AS), 1419 AH (1998 CE).
33. Sokhanrani Ayatollah Khamenei, 03/01/1402 SH (24/03/2023 CE), *Dar Mahfel-e Ons Ba Quran. (Speech by Ayatollah Khamenei, 03/01/1402 SH (24/03/2023 CE), Session in Commemoration of the Qur'an.)*
34. Sokhanrani Ayatollah Khamenei, 05/11/1371 SH (25/01/1993 CE), *Dar Mahfel-e Ons Ba Quran. (Speech by Ayatollah Khamenei, 05/11/1371 SH (25/01/1993 CE), Session in Commemoration of the Qur'an.)*
35. Sokhanrani Ayatollah Khamenei, 06/02/1397 SH (25/04/2018 CE), *Dar Didar Sherkat-Konandegan dar Mosabeghat-e Bayn al-Milali-ye Quran. (Speech by Ayatollah Khamenei, 06/02/1397 SH (25/04/2018 CE), Meeting with Participants in the International Qur'an Competitions.)*
36. Sokhanrani Ayatollah Khamenei, 10/01/1369 SH (31/03/1990 CE), *Dar Mahfel-e Ons Ba Quran. (Speech by Ayatollah Khamenei, 10/01/1369 SH (31/03/1990 CE), Session in Commemoration of the Qur'an.)*
37. Sokhanrani Ayatollah Khamenei, 11/08/1396 SH (02/10/2017 CE), *Dar Jame Daneshjuyan va Danesh Amuzan. (Speech by Ayatollah Khamenei, 11/08/1396 SH (02/10/2017 CE), Among Students and Pupils.)*
38. Sokhanrani Ayatollah Khamenei, 13/12/1370 SH (22/02/1992 CE), *Dar Didar-e Goruh-e Vish-e va Goruh-e Ma'arafe Eslami Sedaye Jomhuri-e Eslami-e Iran. (Speech by Ayatollah Khamenei, 13/12/1370 SH (22/02/1992 CE), Meeting with Special Groups and the Islamic Knowledge Group of the Voice of the Islamic Republic of Iran.)*
39. Sokhanrani Ayatollah Khamenei, 14/12/1368 SH (23/02/1989 CE), *Dar Didar Ba Qariyan Chahel Keshvar-e Jahan va Jam'e Az Roshan Zamine-ran. (Speech by Ayatollah Khamenei, 14/12/1368 SH (23/02/1989 CE), Meeting with Qur'an Reciters from Forty Countries Worldwide and a Gathering of the Enlightened Consciences.)*

40. Sokhanrani Ayatollah Khamenei, 15/01/1401 SH (04/04/2022 CE), *Dar Didar Jam'e Quran-i Keshvar*. (Speech by Ayatollah Khamenei, 15/01/1401 SH (04/04/2022 CE), Meeting with the Qur'anic Community of the Country.)
41. Sokhanrani Ayatollah Khamenei, 16/02/1398 SH (06/05/2019 CE), *Dar Mahfel-e Ons Ba Quran*. (Speech by Ayatollah Khamenei, 16/02/1398 SH (06/05/2019 CE), Session in Commemoration of the Qur'an.)
42. Sokhanrani Ayatollah Khamenei, 17/12/1371 SH (08/03/1993 CE), *Dar Didar Farzandan-e Shahid-e Hafiz-e Quran*. (Speech by Ayatollah Khamenei, 17/12/1371 SH (08/03/1993 CE), Meeting with the Children of Martyr Hafiz of the Qur'an.)
43. Sokhanrani Ayatollah Khamenei, 21/03/1387 SH (09/06/2008 CE), *Dar Didar Ba Namayandegan-e Majles-e Hashtom*. (Speech by Ayatollah Khamenei, 21/03/1387 SH (09/06/2008 CE), Meeting with Representatives of the Eighth Parliament.)
44. Sokhanrani Ayatollah Khamenei, 26/01/1398 SH (15/04/2019 CE), *Dar Jame Qariyan Keshvarhay-e Eslami*. (Speech by Ayatollah Khamenei, 26/01/1398 SH (15/04/2019 CE), Among Qur'an Reciters from Islamic Countries.)
45. Sokhanrani Ayatollah Khamenei, 28/07/1388 SH (19/10/2009 CE), *Dar Didar Jam'e Az Banovan-e Quran Pazhu Keshvar*. (Speech by Ayatollah Khamenei, 28/07/1388 SH (19/10/2009 CE), Meeting with a Group of Female Scholars of the Qur'an in the Country.)
46. Sokhanrani Ayatollah Khamenei, 31/04/1391 SH (21/07/2012 CE), *Dar Mahfel-e Ons Ba Quran*. (Speech by Ayatollah Khamenei, 31/04/1391 SH (21/07/2012 CE), Session on Commemoration of the Qur'an.)
47. Sokhanrani Ayatollah Khamenei, 31/05/1388 SH (21/08/2009 CE), *Dar Mahfel-e Ons Ba Quran*. (Speech by Ayatollah Khamenei, 31/05/1388 SH (21/08/2009 CE), Session in Commemoration of the Qur'an.)
48. Tabari, Mohammad Bin Jarir, *Jami al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (Collection of Clarifications in Quran Interpretation - Tafsir al-Tabari), Beirut: Dar al-Ma'rifah, 1412 AH (1991 CE).
49. Tabarsi, Abu Ali al-Fadl Bin al-Hassan, *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (Collection of Exposition in Quran Interpretation), Edited and Commented by Seyyed Hashem Rasouli Mahallati, Tehran: Maktabat al-Ilmiyyah al-Islamiyyah, n.d.
50. Tabatabai, Sayyid Mohammad Hussein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (The Balance in Quranic Interpretation), Beirut: Mo'assasah al-A'lami lil-Matbu'at, 1390 AH (1970 CE).
51. Tha'alibi, Abdul Rahman Bin Mohammad, *Tafsir al-Tha'alibi al-Masmu bi al-Jawahir al-Hassan fi Tafsir al-Quran* (Tafsir of Tha'alibi Known as the Beautiful Jewels in Quran Interpretation), Edited by Abdel Mawjud, Adel Ahmed, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1418 AH (1997 CE).
52. Zindaginamah *Qarian Mashhoor Jahān* (Biographies of Famous Reciters Worldwide), te, Qom: Nawar Motahhar Institute, 1374 SH (1995 CE).



Elucidating the Strategic Model of Memorizing the Holy Quran in the Ideology of Ayatollah Khamenei *

Maryam Nassaj¹

Abstract



The Quran stands as the key to humanity's salvation and closeness to the Divine. This research delves into elucidating the strategic model of memorizing the Holy Quran within the ideology of Ayatollah Khamenei, aiming to examine the influential factors, facilitating conditions, and the perspectives espoused by him. Utilizing a qualitative approach grounded in textual data, this study unveils that the effective factors for memorization include belief in Quranic promises, conviction in salvation and guidance through the Quran, purification and moral rectification, commencement of memorization from childhood, utilizing youth for memorization, familial encouragement, and continuous recitation, among others, all acknowledged as supportive foundations emphasized in the words of the Supreme Leader. Strategies such as promoting reverence for Quranic heroes, encouraging Quran memorization from an early age, emphasizing the importance of memorization, granting special ranks to Quran memorizers, and practical methods for memorization are highlighted. Conversely, obstacles like forgetting verses, inundating children's minds with digital numbers, and aging are identified. The consequences of Quranic memorization manifest in personal growth, attaining noble knowledge, critical thinking, Quranic thought and action, spiritual connection, guidance towards enlightenment, as well as the vision delineated by the Supreme Leader comprising Quranic blossoming, fostering a Quranic culture, and reaching ten million Quran memorizers.

Keywords: Quran Memorization, Ayatollah Khamenei, Quranic Connection/ Familiarity, Strategic Model, Quranic Blossoming.

*. **Date of receiving:** 13/09/2023, **Date of approval:** 15/04/2023.

1. Islamic Studies Department, Farhangian University, Tehran, Iran: m.nassaj@cfu.ac.ir.



تبیین الگوی راهبردی حفظ قرآن کریم در اندیشه آیت الله خامنه‌ای*

مریم نساج^۱



چکیده

قرآن کلید نجات انسان و تقرب به خداوند است. این پژوهش به تبیین الگوی راهبردی حفظ قرآن کریم در اندیشه آیت الله خامنه‌ای پرداخته و عوامل موثر و بستر ساز و نیز چشم انداز اندیشه‌های ایشان را بررسی نماید. این پژوهش به صورت کیفی به روش داده بنیاد متنی است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که عوامل موثر بر حفظ عبارت اند از: اعتقاد و باور به وعده‌های قرآن و اعتقاد به نجات و هدایت به واسطه قرآن، تهذیب و طهارت، آغاز حفظ از زمان کودکی، استفاده از زمان و فرصت جوانی برای حفظ، تشویق خانواده، تلاوت مستمر از جمله بسترها و زمینه‌هایی است که در کلام مقام معظم رهبری کمک و یاری دهنده به حفظ قرآن است. ترویج تجلیل از قهرمانان قرآنی، تشویق به حفظ قرآن از دبستان، اهمیت دادن به امر حفظ، اعطای درجات خاص به حافظان قرآن، کاربردی کردن حفظ آیات از جمله راهبردها و روش‌های حفظ هستند؛ از جمله موانع فراموشی آیات، پرکردن ذهن بچه‌ها با اعداد رایانه‌ای و سن پیری است؛ پیامدها عبارت اند از: رسیدن به رشد و تعالی و معارف عالی، رسیدن به تدبیر، تشخیص حرف درست از نادرست، آسان خوانی قرآن، فکر و عمل قرآنی داشتن، انس با قرآن، هدایت به سوی نور و چشم اندازی که مقام معظم رهبری ترسیم نمودند عبارت است از: شکوفایی قرآنی، حاکم شدن فرهنگ قرآنی، رسیدن به ده میلیون حافظ قرآن.

واژگان کلیدی: حفظ قرآن، آیت الله خامنه‌ای، انس قرآن، الگوی راهبردی، شکوفایی قرآنی.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۱/۲۵.

۱. استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران: m.nassaj@cfu.ac.ir.



مقدمه

قرآن کریم دفترچه راهنمای انسان‌ها، کتاب هدایت برای بشریت است. هرچه بیشتر با این کتاب الهی انس گرفته شود بر هدایت و افزایش ایمان افزون می‌گردد. امام علی علیه السلام بیان داشتند «هیچ کس با آیات قرآن همنشین نشد، مگر آن که چون از نزد آن برخواستی با فزونی و کاستی همراه بود، فزونی در هدایت و کاستی از کوردلی» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶). از جمله روش‌های ایجاد انس آیات، حفظ قرآن کریم است. مقام معظم رهبری از حفظ قرآن به «خیرکثیر» یاد کرده‌اند (۱۳۶۸/۱۲/۰۴). در روایت بیان شده است «حَمَلُهُ الْقُرْآنَ هُمَ الْمُحْفَوُونَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ، الْمَلْبُوسُونَ نُورَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»؛ حافظان قرآن را رحمت الهی در میان گرفته است و جامه‌ای از نور خدا، بر آنان پوشانده شده است (مجلسی، ۱۴۱۲: ۹۲). از صدر اسلام به حفظ قرآن اهمیت داده شده و مسلمانان نسبت به آن اهتمام داشته‌اند. هر چند برای خواندن قرآن از روی کتاب آسمانی فضایل خاصی در روایات بیان شده، اما بر حفظ قرآن در سینه‌ها نیز تأکید گردیده است. حفظ قرآن، بزرگ‌ترین نعمت الهی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «مَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ حِفْظَ كِتَابِهِ فَقَدْ أَنْ أَحَدًا أُعْطِيَ أَفْضَلَ مِمَّا أُعْطِيَ فَقَدْ عَمَّطَ أَفْضَلَ النَّعْمَةِ: هَر كَسْ كِهْ خُدا نَعْمَتْ حِفْظْ كِتَابْ خُودْ رَا بَهْ او عَطا كُند و آن كَسْ گِمان كُند كِهْ بَهْ دِیْگَران نَعْمَتِی بزرگ تر از این نَعْمَت او داده شده است، بی گمان نسبت به بزرگ‌ترین نَعْمَت تحقیر و ناسپاسی روا داشته است» (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۴: ۶/۱۶۶۳۱).

در روایت دیگر بیان شده است: «من قرء القرآن حتی یستظهره و یحفظه ادخله الله الجنة و شفعه فی عشرة من اهل بینه کلهم قد وجبت لهم النار: هرکه آن قدر قرآن بخواند تا حفظ شود، خداوند او را به بهشت داخل خواهد کرد و شفاعتش را درباره‌ی ده تن از خانواده‌اش — که آتش بر آنها واجب شده، می‌پذیرد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۵/۱، سمرقندی، ۱۴۱۳: ۴۲۱). در این روایت از واژه «قرء القرآن حتی یستظهره و یحفظه» استفاده شده است. در صدر اسلام قرائت از حفظ جدا نبوده است و برای حافظ قرآن از واژه‌هایی مانند «جماع القرآن»، «قرأ القرآن»، «حَمَلَهُ الْقُرْآنَ» و «الماهرین فی القرآن» استفاده می‌شده است (عاملی، ۱۳۷۴: ۲۵۹). علامه عسکری در کتاب ارزشمند خویش می‌نویسد: واژه «حافظ» پس از قرن اول به کار رفته است و در صدر اسلام به کسی که قرآن را از بر بود، «جامع» می‌گفتند (عسکری، ۱۴۱۶: ۳۲۱/۱). استفاده از لفظ «حافظ» در زمان امام صادق علیه السلام رایج تر است چنان چه در روایت زیر آمده است: «الْحَافِظُ لِلْقُرْآنِ الْعَامِلُ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكَرَامِ الْبَرَّةِ: حافظ قرآن که به آن عمل کند با سفیران (وحی) خدا که بزرگوار و نیکو رفتار هستند، خواهد بود» (کلینی، ۱۳۶۵: ۶۰۳/۲).

به همین سبب بیشترین تأکید مقام معظم رهبری به حفظ آیات قرآن است. ایشان بیان می‌کنند: «به شما جوانان عزیز توصیه میکنم اُنستان را با قرآن زیاد کنید؛ آن کسانی که با قرآن ارتباط پیدا کردند، قدر این ارتباط را بدانند؛ کسانی که قرآن را حفظ کردند، قدر این حفظ قرآن را بدانند؛ این جواهر قیمتی را برای خودشان نگه دارند (۱۳۹۳/۰۳/۱۳). ایشان تأکید دارند: «می‌خواهم به‌طور خاص به قرآنی‌های عزیز کشورمان بگویم که به سمت حفظ قرآن بیشتر بروید (۱۳۹۰/۰۴/۱۴). ایشان بیان می‌کنند: «حاضرَم هرچه دارم بدهم برادران! شماها چرا قرآن را حفظ نمی‌کنید؟ شماها جوانید. والله مکرر اتفاق افتاده که با خودم فکر کرده‌ام و گفته‌ام که اگر ممکن باشد، هرچه دارم، بدهم و حفظ قرآن را بگیرم؛ ولی افسوس که ممکن نیست. در این سن، من دیگر نمی‌توانم قرآن را حفظ کنم. اما شما جوانید، شما بچه‌اید و می‌توانید حفظ کنید. حافظه‌ی شما حافظه‌ی جوانی است. سنین بیست و پنج ساله و سی ساله و زیر سی سال که غالب قراء ما بحمدالله در این سن هستند، سنین حفظ قرآن است. کلام خدا و آیات کریمه‌ی الهیه را حفظ کنید و از حفظ بخوانید (۱۳۷۰/۰۱/۲۲).

این پژوهش باتوجه به تأکید مقام معظم رهبری بر حفظ قرآن درصدد است اثرات و عوامل مؤثر در حفظ را بررسی نماید به این منظور به دنبال ارائه الگویی است تا بهتر بتواند به سؤالات پاسخ دهد. سؤال اصلی این است که الگوی حفظ قرآن براساس اندیشه‌های مقام معظم رهبری چگونه است؟ و سؤالات فرعی عبارت است از عوامل زمینه‌ای حفظ قرآن براساس اندیشه‌های مقام معظم رهبری چیست؟ راهبردها، پیامدها و چشم‌انداز حفظ قرآن براساس اندیشه‌های مقام معظم رهبری چیست؟ از جمله مقالاتی که در زمینه حفظ قرآن نوشته شده است عبارت است از: بدیعی (۱۴۰۰) مقاله «بررسی تحلیلی روش‌های حفظ قرآن کریم» این پژوهش به روش کتابخانه‌ای انجام شده و محقق به دنبال این است که حافظان قرآن قبل از ورود به عرصه حفظ نقشه راهی داشته باشند تا بتوانند در این مسیر حرکت کنند. لذا موفقیت در عرصه حفظ قرآن کریم را در گرو انتخاب روشی صحیح از میان روش‌های متعدد می‌داند و به مؤلفه‌های شخصی، خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی حافظان وابسته می‌داند.

رضوی و جبرئیلی (۱۴۰۰) در پژوهشی «تأثیرات فردی و اجتماعی حفظ قرآن در تمدن اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب» بیان می‌کنند حفظ قرآن در خودسازی، خانواده سازی و جامعه سازی اثر گذار است و نقش مهمی در تمدن سازی دارد. بحرالعلوم و پهلوان (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه قرآن و مراتب حفظ آن در روایات با تأکید بر نهج البلاغه» بیان می‌کنند حقیقت قرآن ذو مراتب است و منظور از حفظ فقط حفظ الفاظ نیست، بلکه حفظ حدود، حفظ قلبی، حفظ مفاهیم هم مرتبه است و دارای ارزش و اهمیت است. پیشگر و مسجدی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «معناشناسی حفظ قرآن در روایات» واژه «حفظ» را از نظر لغوی و اصطلاحی بیان نموده‌اند و ذکر کرده‌اند هیچ دلیل بر انصراف یا انحصار حفظ در معنای حفظ ذهنی وجود ندارد.



باتوجه به مقالاتی که بیان شد در این پژوهش‌ها توجه به نقشه راه داشتن و روش حفظ قرآن، و تأثیرات فردی و اجتماعی در جامعه و تمدن اسلامی، معنای واژه «حفظ» بیان شده است و پژوهشی که به تبیین الگوی حفظ در اندیشه‌های مقام معظم رهبری پرداخته باشد، انجام نشده و کاری نو و بدیع است. در این پژوهش به منظور طراحی الگوی حفظ قرآن در اندیشه‌های مقام معظم رهبری از روش نظریه پردازی داده بنیاد متنی استفاده می‌شود. این نظریه از طریق گردآوری سازمان یافته داده‌ها و تحلیل آنها و ارائه نظام مند دقیق روشی برای مفهوم سازی و پاسخ به پرسش می‌باشد. «روش نظریه زمینه‌ای» از جمله روش‌های پژوهشی است که قصد شناخت منظم دیدگاه‌ها و معانی افراد در یک موقعیت خاص را دارند. این روش با خصوصیات نظیر درگیری کامل پژوهشگر با موضوع مطالعه و امکان به کارگیری روش‌های متعدد و چندگانه جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها و امکان تحلیل‌های مجدد و رفت و برگشت زیاد میان تحلیل داده‌ها و گردآوری داده‌ها می‌کوشد تا شناخت دقیقی از پدیده مورد مطالعه برای پژوهش فراهم کند. همچنین رهیافت کیفی در نظریه زمینه‌ای، این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌کند تا با بررسی داده‌های گردآوری شده، آنها را تبدیل به مفاهیم، مقولات و در نهایت الگوهای پارادایمی کند. در روش نظریه زمینه‌ای، تئوری از دل داده‌ها بیرون می‌آید. این بدان معنی نیست که تمامی مراحل آن جدا از هم و منفصل اجرا می‌شود بلکه در این روش تمامی مراحل جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها و ساخت تئوری به عنوان رهیافتی منسجم و متقابلاً مرتبط دیده می‌شوند و حالت دورانی دارند و کدگذاری صورت می‌گیرد (خنیفر، ۱۳۴۱: ۲۰۱).

داده‌ها در چند مرحله کدگذاری می‌شوند و نتیجه نیز دست آخر در چارچوب یک مدل از پیش تعیین شده یکنواخت مرتب و بازنمایی شود. محقق باید روش و فن مشخصی برای تحلیل در پیش بگیرد و کدگذاری‌های مرحله مندی را (باز و محوری و انتخابی) به اجرا در بیاورد و آن را با خواننده خویش در میان بگذارد و در الگو ارائه دهد. کدگذاری داده‌ها طی فرایند سیستماتیک پیش برود و دست آخر مدل و الگوی پارادایم یکنواختی تنظیم و ارائه می‌شود (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۹۹).

با رجوع به سخنان مقام معظم رهبری مطالب مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت و در این تجزیه و تحلیل از سه نوع کدگذاری باز (نسبت دادن کدهای مفهومی و مقوله‌ای به کوچک‌ترین واحد معنادار از محتوای متنی هدف) کدگذاری محوری (مرحله‌ای از تحلیل است مقولات و مفاهیم به دست آمده از کدگذاری باز را باهم مقایسه، ترکیب و ادغام می‌کند و معانی به دست آمده را در چند محور اصلی مرتب می‌نماید به گونه‌ای مرتب کردن، در آمیختن و سازماندهی کردن) و کدگذاری انتخابی (تامل در پدیده اصلی و ربط هر یک از خوشه‌های مقوله‌ای به آن و در نهایت رسیدن به یک الگوی پارادایمی) با رویکرد توصیفی - تحلیلی و تبیینی به ارائه الگوی حفظ قرآن در اندیشه‌های مقام معظم رهبری می‌پردازد و در نهایت ارتباط میان کدها و مقوله‌ها بیان و الگوی نهایی کشف و تبیین می‌گردد.

الف. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش به منظور پاسخ دادن به این سؤال که «الگوی حفظ قرآن درلندیشه مقام معظم رهبری چگونه است؟» سخنان و نوشته‌های ایشان نوشته و مورد بررسی قرار گرفته است و مقولات و کدهای برساخته شده از متن استخراج گردیده است و کدگذاری باز تعیین و بعد از کدگذاری باز، کدگذاری محوری و در نهایت کدگذاری انتخابی تعیین و نشان داده شده است.

۱. کدگذاری باز

در تحلیل داده‌ها در روش نظریه مبنایی از فرایند کدگذاری استفاده می‌شود. کدگذاری باز اولین مرحله از تجزیه و تحلیل داده هاست که در خلال آن مفاهیم شناسایی شده و مشخصات و ابعاد آنها در داده‌ها کشف می‌شوند. لذا در این مرحله نکات اساسی و مهمی درباره حفظ قرآن از سخنان مقام رهبری جمع‌آوری شده و این داده‌ها تجزیه و تحلیل شده و مفهوم و مقوله استخراج شده است.

جدول ۱. نمونه‌ای از کدگذاری مستخرج از سخنرانی‌های مقام معظم رهبری درباره حفظ آیات قرآن

کدگذاری باز	منبع	اصل جملات	ردیف
وجود هزاران نفر حافظ قرآن، شروع به حفظ ولو در سن پیری، صرف زمان برای حفظ، پرداختن به حفظ قرآن در جوانی انس گرفتن به آیات قرآن آشنا بودن گوش به کلام الهی شناختن صدر و ذیل و قبل و بعد آیه	سخنان مقام معظم رهبری ۱۳۷۰/۱۲/۲۷	آن طور که مشهود است: وائان و نوجوانان ما به حفظ اقبال کرده‌اند؛ منتها کم است. ما که در يك جامعه‌ی بزرگ و در يك کشور پهناور زندگی می‌کنیم، بایستی هزاران نفر حافظ قرآن داشته باشیم. کسانی که در سنین بالا هستند، شانس حفظ کردنشان کم‌تر است؛ اگرچه شانسشان منتفی نیست. البته بعضی‌ها وقت نمی‌کنند؛ اگر وقت می‌کردند، می‌توانستند تجربه و آزمایش کنند. من خودم وقت نمی‌کنم، والا در همین سن هم شروع به حفظ قرآن می‌کردم. جوانان این را بدانند که حتی در سنین ما اگر وقت و مجال بود: اداشت و بهتر بود که کسی برای حفظ قرآن صرف وقت می‌کرد؛ در سنین جوانی این کار لازم است. اصلاً بهتر این است که همه‌ی مردم ما انسشان با قرآن به‌گونه‌ای باشد که آیات قرآن به گوششان آشنا باشد. وقتی آیه‌ای را می‌خوانند/در و ذیل و قبل و بعد آیه برایشان آشنا باشد.	۱



ردیف	اصل جملات	منبع	کدگذاری باز
۲	خدای متعال در قرآن فرموده است: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ». حفظ قرآن، حفظ معارف الهی، حفظ آیات نازل شده بر قلب مقدس پیغمبر، چیزی نیست که وسوسه‌ها و توطئه‌های بشری بتواند با آن مبارزه کند. حفظ قرآن کار خداست و تدبیر الهی، قرآن را رایج خواهد کرد. البته شرط دارد. مثل همهی نعمت‌های الهی شرطش این است که مردم با تلاش و همهی وجود و توانایشان به دنبال کسب این نعمت الهی باشند. مردم ما با همهی وجود و با همهی تلاش به دنبال اسلام و قرآن راه افتادند، خدای متعال هم این نعمت را به آنها ارزانی داشت. امروز بحمدالله امواج آموزش و تعلیم و تعلم قرآن بسیاری از نقاط جامعه‌ی ما را فراگرفته است و من خوشحالم از این که می‌بینم جوانان، نوجوانان و کودکان در راه آموزش قرآن تلاش می‌کنند.	۱۳۸۰/۰۶/۲۸	حفظ قرآن همان حفظ معارف اهلی قرآن سخن خداوند قرآن نازل شده بر پیامبر ﷺ قرآن تدبیر الهی نعمت الهی
۳	رهبر عظیم‌الشان اسلام می‌فرمایند: "لازمه همنشینی با قرآن و حفظ آن، خلوص قلب است." در قرآن آمده است که "لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ" همه نمی‌توانند به قرآن دست یابند به جز پاکیزگان. نمود بارز این افراد اولیا بزرگ اسلام هستند که حد اعلای طهارت محسوب می‌شوند	۱۳۸۰/۰۶/۲۸	لازمه حفظ، خلوص قلب طهارت و پاکیزه بودن
۴	یک نکته مهم در کارهای پژوهشی قرآنی این است که فردی که می‌خواهد در طریق کار قرآن حرکت بکند، دل را برای مواجهه با حقیقت ناب قرآنی آماده کند؛ یعنی آن پاکیزگی دل. اگر دل پاکیزه نباشد، آماده پذیرش حق و حقیقت از زبان قرآن نباشد.	۱۳۸۰/۰۶/۲۸	آماده کردن دل برای دریافت حقایق ناب پاکیزگی دل صفای درون

ردیف	اصل جملات	منبع	کدگذاری باز
۵	قرآن دریای متلاطم فیض و رحمت و هدایت الهی است. اگر با قرآن مأنوس بشویم، خیلی از باب‌های هدایت به روی ما باز خواهد شد.	۱۳۸۰/۰۶/۲۸	اعتقاد به نجات و هدایت از طریق قرآن
۶	حفظ قرآن در سنین پیری توسط مرحوم آیت‌الله خوئی حفظ قرآن يك نعمت بزرگ است. این جوانها و نوجوانها سن توانائی حفظ را قدر بدانند. شماها در سنی هستید که می‌توانید حفظ کنید و در ذهنتان بماند. ما هم می‌توانیم حفظ کنیم؛ در سنین ما هم می‌شود؛ اما خیلی ماندگار نیست؛ زود از ذهن ما می‌رود. این طور نیست که در سنین امثال بنده نشود حفظ کرد؛ چرا؟ سنین بالاتر از ما- یعنی سنین هفتاد و پنج، هشتاد- می‌شود حفظ کرد. اگر شما در دوره جوانی و بخصوص در دوره نوجوانی؛ یعنی از سن همین نوجوانهایی که اینجا برای ما تلاوت کردند یا بالاتر از این‌ها، قرآن را حفظ کنید، این يك سرمایه و ذخیره‌ای برای شماست. و امکان تدبیر قرآنی که در حفظ انسان هست، بمراتب بیشتر از امکان تدبیر برای کسی است که قرآن را حافظ نیست.	۲۲/۰۶/۱۳۸۶	حفظ قرآن، نعمت بزرگ حفظ در جوانی حفظ قرآن توسط آیت‌الله خوئی در سنین هفتاد و پنج و هشتاد حفظ قرآن در نوجوانی، سرمایه و ذخیره ماندگار حفظ قرآن امکان تدبیر حافظ قرآن تدبیر بیشتری نسبت به کسی که حافظ نیست
۷	جوانها بروند از استعدادشان، از حافظه‌شان استفاده کنند؛ بچه‌ها را: وانها را بکشانید به سمت حفظ قرآن.	۱۴/۰۴/۱۳۹۰	استفاده از حافظه برای حفظ در سن جوانی
۸	من عقیده‌ام این است که حفظ قرآن باید از بچگی شروع بشود؛ یعنی حدوداً از دوازده سالگی، سیزده سالگی؛ «التَّعَلُّمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحِجَرِ» (۱). اگر ان شاء الله آقای مقدم همت بکنند و آن طریقه را راه بیندازند، فکری کرده‌ایم که ان شاء الله بچه‌ها تشویق بشوند و بتدریج ذره ذره حفظ کنند.	۰۳/۱۱/۱۳۷۰	شروع حفظ از بچگی شروع حفظ از سن ۱۲، ۱۳ سالگی تشویق بچه‌ها برای حفظ قرآن



ردیف	اصل جملات	منبع	کدگذاری باز
۹	البته توجه داشته باشید که حفظ قرآن قدم اول است. اولاً حفظ را باید نگه داشت. بنابراین حافظ قرآن باید تلاوت کننده‌ی مستمر قرآن باشد؛ یعنی مرتباً بایستی قرآن را تلاوت کند؛ ولاً حفظ از دست خواهد رفت. بعد بایستی این حفظ کمک کند به تدبر، که اینجور هم هست؛ حفظ حقیقتاً کمک میکند به تدبر. آنجائی که شما قرآن را تکرار میکنید، حافظید و میخوانید، فرصت تدبر و تعمق در آیات قرآن برای شما پیدا میشود.	۱۱/۰۵/۱۳۹۰	حفظ قرآن قدم اول، نگه داشتن حفظ، فراموش نکردن محفوظات، حافظ قرآن تلاوت کننده مستمر، تکرار کردن آیات برای نگه داشتن محفوظات، تکرار کردن آیات حافظ کمک برای تدبر، فرصت تدبر و تعمق در آیات برای حافظ
۱۰	مقام معظم رهبری برای ترویج فرهنگ قرآن راهکاری را ارائه می‌دهند و می‌فرماید: «اگر بخواهید قرآن در خانه‌ها، بین بچه‌ها، بین بزرگ‌ها، بین زن‌ها و مردها رواج پیدا کند، بایستی قهرمانان قرآنی را احترام کنید. این است که ما به این‌ها احترام می‌کنیم. این‌ها حامل قرآنند، این‌ها عزیزند. زبان این‌ها عزیز است، لب‌ها و دل‌های این‌ها عزیز است؛ چون با قرآن مأنوس است. جان ما به قربان قرآن»	بیانات مقام معظم رهبری در مراسم اختتامیه پانزدهمین دوره مسابقات قرآن ۱۳۷۷/۰۹/۰۱	معرفی قهرمانان قرآنی، معرفی حاملان قرآن عزیز داشتن حاملان قرآن مانوس بودن با قرآن
۱۱	بایستی در اوقاف و جاهای دیگر، واقعاً برنامه‌ریزی وسیعی برای حفظ قرآن بشود. [...] اصلاً جلسه بگذارید و ترتیبی بدهید که بشود بچه‌ها را از کوچکی در دبستان وادار به حفظ قرآن کنند؛ البته مجبورشان نکنند: ایزه قرار بدهند و مثلاً بگویند هر بچه‌ای که در دوره‌ی دبستان، این قدر از قرآن را حفظ بکند، این مقدار امتیاز خواهد گرفت؛ یا اگر کسی در	۱۳۶۹/۱۲/۰۱	برنامه‌ریزی برای حفظ از طریق سازمان‌های اوقاف و دیگر جاها حفظ بچه‌ها از کودکی داشتن برنامه برای حفظ بچه‌ها از کودکی تشویق بچه‌های دبستانی به حفظ با جایزه

ردیف	اصل جملات	منبع	کدگذاری باز
	دبیرستان، این مقدار قرآن را حفظ کند، به قدر این واحدها یا این درس‌ها، نمره یا امتیاز مادی می‌دهیم. من حاضریم در این مورد کمک کنم و هر چه که بخواهید پشتیبانی بکنید، من آماده‌ام		تشویق دبیرستانی‌ها به حفظ قرآن پشتیبانی ایشان در امر حفظ از لحاظ مادی
۱۲	خانواده‌ها به کودکان خودشان حفظ قرآن را تشویق کنند، آن‌ها را وادار کنند. حفظ قرآن خیلی بالارزش است.	۱۳۶۹/۱۲/۰۱	یاددادن حفظ قرآن به کودکان از طریق خانواده ها، اهمیت خانواده در نقش حفظ کودک و فرزند
۱۳	[...]مسأله‌ی حفظ را خیلی جدی بگیرید. متأسفانه ما و بچه‌هایمان حفظ قرآن نداریم. بگذارید یک خرده جلو برویم و در سطح کشور مسأله‌ی حفظ قرآن را گسترش بدهیم، آنگاه حرفی نداریم که در موقع سربازی، حافظان قرآن را معاف کنیم. البته ما نباید این طور بگوییم که حافظ قرآن معاف است؛ چون مسأله‌ی سربازی در این جا، غیر از سربازی در مصر است. سربازی در این جا مثل قرآن خواندن است و جهاد فی سبیل الله است. جهاد فی سبیل الله با قرآن خواندن، عدلین هستند؛ این‌ها از هم جدا نیستند. [...] دولت در این جا، دولت قرآن است، سربازی آن هم جهاد است. این خیلی متفاوت است. بنابراین به جای معاف کردن، بهتر است بگوییم هر کس که حفظ قرآن داشت، فرمانده می‌شود؛ این را حاضریم. اگر کسی حفظ قرآن بکند، من به او درجه می‌دهم. همین خوب است.	۱۳۶۹/۱۲/۰۱	اهمیت ویژه به مسئله حفظ گسترش حفظ در سطح کشور معاف کردن سربازی برای حافظان قرآن فرمانده کردن حافظان امتیاز ویژه برای حافظان قرار دادن دادن درجه به حافظان قرآن



ردیف	اصل جملات	منبع	کدگذاری باز
۱۴	من در برنامه‌های این دو سه روز که پخش شد، دیدم بچه‌های کوچک ما قرآن را با خصوصیات آیه، سوره/فحه به صفحه و خط به خط حفظ کرده‌اند. بسیار کار جالبی است. بسیار زیباست. واقعاً باید از پدران و مادران این بچه‌ها تجلیل کرد. بسیار اهمیت دارد که انسان این طور با نوجوان خودش کار کند و او را این گونه بار بیاورد. اینها می‌ماند. البته من یک تذکر هم بدهم: ذهن این بچه‌ها را با اعداد رایانه‌ای پر نکنید. ما چه کار داریم که فلان سوره چند حرف دارد؟ روزگاری این گونه مسائل لازم بود. روزگاری که خوف تحریف وجود داشت، لازم بود عدد کلمات و عدد حروف، محفوظ باشد. امروز قرآن، هزاران چاپ شده است. چه کسی جرأت دارد یک حرف از قرآن کم یا زیاد کند؟ این کارها امروز لازم نیست. به جای این کارها، بگویید حفظ کنند که در خواتیم آیات، تعبیّرات مثلاً «و هو السّميع العلیم» (۱) چند جا در فلان سوره آمده است.	۱۴/۱۰/۱۳۷۳	تجلیل از پدر و مادر حافظ پرنکردن ذهن بچه‌ها با اعداد رایانه ای کاربردی کردن آیات قرآن علت تکرار برخی کلمات و بررسی مفاهیم آن یاد دادن نکات لازم و مفید به بچه ها برکت بودن قرآن در زندگی یادگاری کودک در ذهن
۱۵	وقتی قرآن را حفظ کردید، می‌توانید معانی قرآن را درست بفهمید؛ انسان وقتی معنای قرآن را فهمید، می‌تواند در آن تدبیر کند؛ وقتی تدبیر کرد، می‌تواند به معارف عالی دست پیدا کند و رشد پیدا کند	۳۱/۰۴/۱۳۹۱	حفظ قرآن منجر به فهمیدن معانی قرآن حفظ قرآن منجر به درست فهمیدن معانی قرآن، حفظ قرآن منجر به تدبیر کردن حفظ قرآن منجر به رسیدن معارف عالی حفظ قرآن باعث رسیدن به رشد

ردیف	اصل جملات	منبع	کدگذاری باز
۱۶	این حفظ قرآن که بحمدالله امروز در بین شما جوانها، در بین جوانهای کشور، در سرتاسر کشور رواج پیدا کرده است، يك مقدمه خوبی است برای تدبیر.	۱۹/۰۴/۱۳۹۲	حفظ قرآن مقدمه خوبی برای تدبیر
۱۷	حفظ و تکرار و انس با آیات کریمه قرآن و پی در پی آیات الهی را مورد توجه قرار دادن، موجب می شود که انسان بتواند در قرآن تدبیر کند.	۱۹/۰۴/۱۳۹۲	حفظ منجر به تکرار آیات، حفظ منجر به انس با آیات، حفظ منجر به تدبیر در آیات اهلّی
۱۸	باید روزی برسد که جوانان این مملکت بتوانند براساس قرآن درستی یا غلط بودن یک حرف را تشخیص دهند آن زمانی که وقتی کسی در این کشور و این جامعه حرفی زد و مطلبی گفت هر کسی از جوان های این مملکت بتواند با آشنایی با قرآن تشخیص بدهد که این حرف غلط یا درست است، آن وقت ما با قرآن آشنا هستیم و فرهنگی قرآنی بر زندگی ما حاکم است. هنوز ما آن جور نشده ایم؛ هنوز کسی که به نام قرآن به نام اسلام و دین حرفی می زند خیلی ها در شبهه می افتند. چرا؟ چون هنوز آن طور که باید و شاید ما با مفاهیم قرآن آشنا نشده ایم و این مفاهیم در جامعه ما گسترش پیدا نکرده است.	بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از قاریان کشور ۷۸/۹/۲۰	تشخیص حرف درست یا نادرست براساس آیات الهی، آشنایی با قرآن سبک زندگی قرآنی، حاکم شدن فرهنگ قرآنی، مانوس بودن با آیات قرآنی (قاسمی شوب، ۱۴۰۱، ۹) تلاوت زیاد نمودن، فرصت تأمل و تدبیر غوربینی در آیات رسیدن به فضای فرهنگی مطلوب پاسخ دادن به شبهات قرآنی
۱۹	حفظ قرآن، وسیله است؛ وسیله است برای این که انسان، آسان بخواند، آسان تکرار کند و امکان تدبیر پیدا کند.	۱۴/۰۴/۱۳۹۰ بیانات در دیدار شرکت کنندگان در مسابقات قرآن	حفظ قرآن وسیله است، وسيله آسان خوانی وسيله آسان تکرار کردن وسيله تدبیر کردن



ردیف	اصل جملات	منبع	کدگذاری باز
۲۰	تلاوت و قرائت و حفظ قرآن، مقدمه فهم و عمل است.	۲۶/۰۷/۱۳۸۰	حفظ قرآن مقدمه فهم و عمل
۲۱	از نظر آیت الله خامنه‌ای آثار انس با قرآن می‌تواند مواردی مانند توانایی پاسخگویی به مسائل شرعی، هدایت شدن به سمت نور، تربیت صحیح و قدم گذاشتن در راه درست باشد. بنابراین ایشان توصیه می‌کنند که افراد پا را فراتر بگذارند و در مسیر حفظ قرآن قرار بگیرند.		توانایی پاسخگویی به مسائل شرعی هدایت شدن به سمت نور، تربیت صحیح قدم گذاشتن در راه درست قرار گرفتن در مسیر حفظ قرآن
۲۲	آیت الله خامنه‌ای می‌فرمایند که موثرترین روش احیا و حفظ قرآن، عمل به آن و قدم گذاشتن در راه آن است. اما قدم گذاشتن در راه قرآن، تنها به تلاوت و خواندن آن ختم نمی‌شود. بلکه باید سعی کنیم جامعه را بر اساس قرآن بنا کنیم؛ باید فکر و عمل مان را قرآنی کنیم، باید قرآن را باور کنیم و وعده‌های قرآن را وعده‌هایی صدق و حق بدانیم.		موثرترین روش احیا و حفظ قرآن عمل به آن، قدم گذاشتن در راه قرآن قرآنی نمودن جامعه فکر و عمل قرآنی داشتن باور به وعده‌های قرآن و باور به آیات قرآن
۲۳	البته انس با تفاسیری که مراد از آیه را تبیین میکنند، خیلی لازم است. وقتی حفظ باشد و این انس با تفسیر هم باشد و تدبر باشد، همان چیزی که انتظارش در جامعه‌ی ما هست، پیش می‌آید: شکوفایی قرآنی.	۱۱/۰۵/۱۳۹۰	حفظ منجر به انس با تفاسیر، حفظ منجر به تدبر، ایجاد جامعه‌ای الگو و نمونه شکوفایی قرآنی
۲۴	یکی از چیزهایی که می‌تواند تدبر در قرآن را به ما ارزانی بدارد، حفظ قرآن است. ما حافظ قرآن کم داریم. من قبلاً گفتم که در کشور ما حداقل باید یک میلیون نفر حافظ قرآن باشند - حالا یک میلیون که عدد کمی است نسبت به این جمعیتی که ما داریم - اما حالا چون دوستان الحمدلله یک مقدماتی فراهم کرده‌اند، کارهایی را مشغول شده‌اند و دارند برنامه‌هایی را فراهم میکنند برای اینکه ان شاء الله حفظ راه بیفتد، ما هم امیدمان بیشتر شده و به جای یک میلیون، می‌گوئیم ان شاء الله ما باید ده میلیون نفر حافظ قرآن داشته باشیم	۱۱/۰۵/۱۳۹۰	داشتن حداقل یک میلیون حافظ قرآن در کشور توسعه برنامه‌های حفظ داشتن ده میلیون حافظ قرآن در کشور

۲. کدگذاری انتخابی

کدگذاری محوری فرایند مرتبط کردن گروه‌ها به زیر گروه‌هایشان است و به این دلیل محوری نامیده می‌شود که کدگذاری حول محور یک گروه با مرتبط کردن گروه‌ها از نظر مشخصات و ابعاد انجام می‌شود. در واقع کدگذاری محوری به هم پیوستن مجدد داده‌هایی است که در حین کدگذاری باز شکسته شده‌اند. در کدگذاری محوری فرایند اختصاص کد به مفاهیم موجود در داده از حالت کاملاً باز خارج شده و شکلی گزیده‌تر به خود می‌گیرد. در واقع پس از انجام کدگذاری باز پژوهشگر می‌تواند محورهای اصلی در مجموعه داده‌ها را مشخص کند و در مرحله بعد کدگذاری را حول این محور انجام دهد.

کدگذاری گزینشی پس از انجام کدگذاری باز و محوری و مشخص شدن مدل‌های پارادایمی آغاز می‌شود. کدگذاری گزینشی، فرایند انتخاب سیستماتیک مقوله اصلی و ارتباط دادن آن با سایر مقولات، اعتبار بخشیدن و روابط و پرکردن خلاءها با مقولاتی است که نیاز به اصلاح و بسط بیشتری دارند. کدگذاری گزینشی فرایند یکپارچه سازی و پالایش مقوله‌ها در جهت خلق نظریه است. در این مرحله نویسندگان براساس مقولات، نوشته‌های کدگذاری شده، یادداشت‌های نظری، شبکه‌ها و نمودارها را ترسیم می‌کند. جهت گیری کدگذاری گزینشی به سمت یکپارچه کردن مقولات مختلف در یک الگو است (خنیفر، ۱۴۰۱: ۲۱۶). از بررسی مقولات در کدگذاری باز که در جدول بالا ذکر شده، نخست مقولات مرتبط با یکدیگر پیوند زده شده و کدگذاری محوری بیان و مقوله‌ها به یکدیگر متصل می‌شوند و در نهایت کدگذاری انتخابی بیان شده است که در جدول زیر دیده می‌شود.

جدول ۲. مراحل استخراج کدانتخابی

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
عوامل موثر (شرایط علی)	اعتقاد به قرآن کلام خداوند	سخن خدا بدون وسوسه شیطان، قرآن کلام خداوند
	اعتقاد به نزول قرآن بر پیامبر ﷺ	نعمت الهی؛ قرآن بر پیامبر ﷺ نازل شده است،
	باور به وعده‌های قرآن و باور به آیات قرآن	باور به وعده‌های قرآن و باور به آیات قرآن
	اعتقاد به نجات و هدایت از طریق قرآن	اعتقاد به نجات و هدایت از طریق قرآن



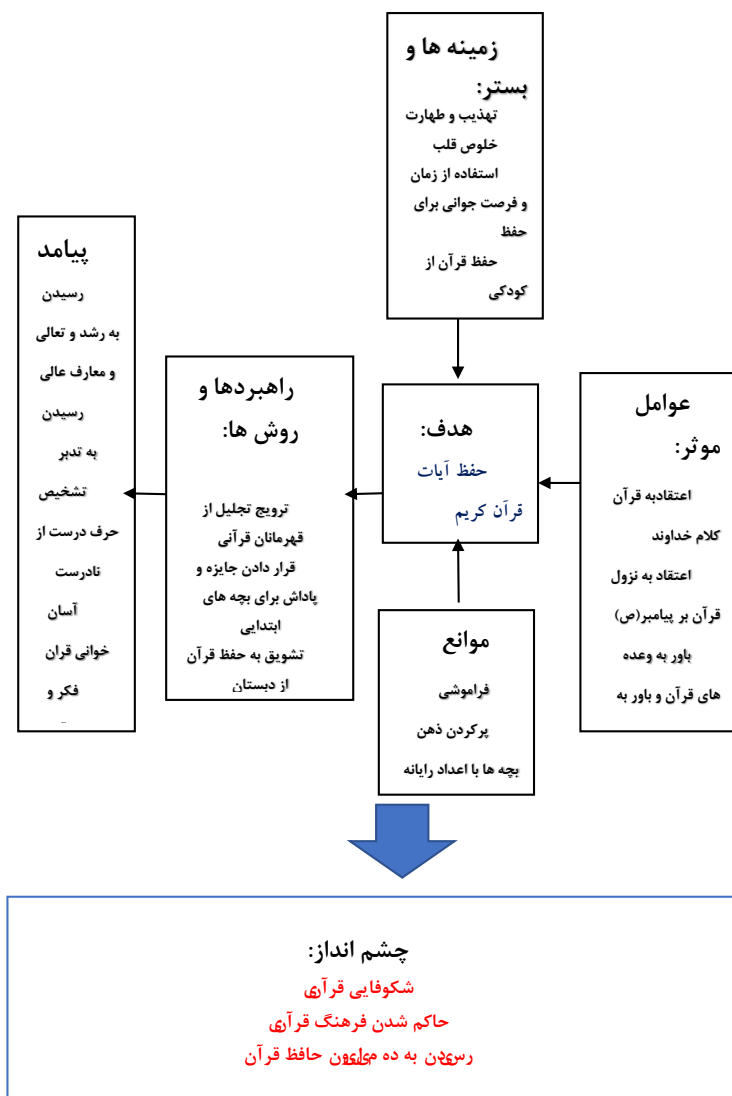
عوامل بستر ساز (شرایط زمینه ای)	تهذیب و طهارت خلوص قلب	صفای درون و پاکیزگی، لازمه حفظ، خلوص قلب، طهارت و پاکیزه بودن، آماده کردن دل برای دریافت حقایق ناب، پاکیزگی دل/فای درون
	استفاده از زمان و فرصت جوانی برای حفظ	پرداختن به حفظ قرآن در جوانی، استفاده از حافظه برای حفظ در سن جوانی، پرداختن به حفظ بزرگان در سن پیری
	حفظ قرآن از کودکی	شروع حفظ از بچگی، شروع حفظ از سن ۱۲، ۱۳ سالگی، حفظ قرآن، نعمت بزرگ، حفظ قرآن در نوجوانی، سرمایه و ذخیره ماندگار
	تشویق خانواده	یاددادن حفظ قرآن به کودکان از طریق خانواده ها، اهمیت خانواده در نقش حفظ کودک و فرزند
	تلاوت کننده مستمر	آشنایی با قرآن، مانوس بودن با آیات قرآنی، تلاوت زیاد نمودن، نگه داشتن حفظ، فراموش نکردن محفوظات، حافظ قرآن تلاوت کننده مستمر، تکرار کردن آیات برای نگه داشتن محفوظات
موانع (شرایط مداخله گر)	فراموشی	نگه داشتن حفظ، فراموش نکردن محفوظات
	پرکردن ذهن بچه‌ها با اعداد رایانه ای	حفظ تعداد حروف یک سوره، تعداد حروف یک کلمه، پرکردن ذهن بچه‌ها با اعداد رایانه ای
	سن پیری	حفظ قرآن در سن پیری کاری سخت و مشکل، ذهن جوان آماده تر برای حفظ، شروع به حفظ ولو در سن پیری، حفظ قرآن توسط آیت الله خویی درسین هفتاد و پنج و هشتاد
راهکارها و راهبردها	ترویج تجلیل از قهرمانان قرآنی	معرفی قهرمانان قرآنی، معرفی حاملان قرآن، عزیز داشتن حاملان قرآن
	قرار دادن جایزه و پاداش برای بچه‌های ابتدایی	تشویق بچه‌ها برای حفظ قرآن، تجلیل از پدر و مادر حافظ برای تشویق بچه ها، دادن جایزه

	تشویق به حفظ قرآن از دبستان	برنامه‌ریزی برای حفظ از طریق سازمان‌های اوقاف و دیگر جاها، حفظ بچه‌ها از کودکی، داشتن برنامه برای حفظ بچه‌ها از کودکی، تشویق بچه‌های دبستانی به حفظ با جایزه، تشویق دبیرستانی‌ها به حفظ قرآن
	اهمیت دادن به امر حفظ	صرف زمان برای حفظ، آشنابودن گوش به کلام الهی، شناختن صدر و ذیل و قبل و بعد آیه، حفظ قرآن نعمت الهی
	اعطای درجات خاص به حافظان قرآن	اهمیت ویژه به مسئله حفظ، گسترش حفظ در سطح کشور، معاف‌کردن سربازی برای حافظان قرآن، فرمانده‌کردن حافظان، امتیاز ویژه برای حافظان قرار دادن، دادن درجه به حافظان قرآن
	کاربردی کردن حفظ آیات	کاربردی کردن آیات قرآن، علت تکرار برخی کلمات و بررسی مفاهیم آن، یاددادن نکات لازم و مفید به بچه‌ها، برکت بودن قرآن در زندگی، یادگاری کودک در ذهن
پیامد	رسیدن به رشد و تعالی و معارف عالی	حفظ قرآن منجر به فهمیدن معانی قرآن، حفظ قرآن منجر به درست فهمیدن معانی قرآن، حفظ قرآن منجر به تدبرکردن، حفظ قرآن باعث رسیدن به رشد، حفظ قرآن همان حفظ معارف اهلی، توانایی پاسخگویی به مسائل شرعی
	رسیدن به تدبر	حفظ منجر به تکرار آیات، حفظ منجر به انس با آیات، حفظ منجر به تدبر در آیات اهلی، حفظ قرآن امکان تدبر، حافظ قرآن تدبر بیشتری نسبت به کسی که حافظ نیست، حفظ قرآن مقدمه خوبی برای تدبر، تکرارکردن آیات حافظ کمک برای تدبر، فرصت تدبر و تعمق در آیات برای حافظ، فرصت تأمل و تدبر، غوربینی در آیات



	تشخیص حرف درست یا نادرست براساس آیات الهی، پاسخ دادن به شبهات قرآنی	تشخیص حرف درست از نادرست
	حفظ قرآن وسیله است، وسیله آسان خوانی، وسیله آسان تکرار کردن، وسیله تدبیر کردن	آسان خوانی قرآن
	حفظ قرآن مقدمه فهم و عمل، موثرترین روش احیا و حفظ قرآن، عمل به آن، قدم گذاشتن در راه قرآن، قرآنی نمودن جامعه، فکر و عمل قرآنی داشتن	فکر و عمل قرآنی داشتن
	انس گرفتن به آیات قرآن، آشنابودن گوش به کلام الهی؛ شناختن صدر و ذیل و قبل و بعد آیه، حفظ منجر به انس با تفاسیر، مانوس بودن با آیات الهی	انس با قرآن
	هدایت شدن به سمت نور، تربیت صحیح، قدم گذاشتن در راه درست، قرارگرفتن در مسیر حفظ قرآن	هدایت به سوی نور
چشم انداز	حفظ منجر به انس با تفاسیر، حفظ منجر به تدبیر شکوفایی قرآنی	شکوفایی قرآنی
	سبک زندگی قرآنی، حاکم شدن فرهنگ قرآنی، رسیدن به فضای فرهنگی مطلوب، ایجاد جامعه‌ای الگو و نمونه	حاکم شدن فرهنگ قرآنی
	وجود هزاران نفر حافظ قرآن، داشتن حداقل یک میلیون حافظ قرآن در کشور، توسعه برنامه‌های حفظ، داشتن ده میلیون حافظ قرآن در کشور، برنامه‌ریزی برای حفظ از طریق سازمان‌های اوقاف و دیگر جاها، پشتیبانی ایشان در امر حفظ از لحاظ مادی	رسیدن به ده میلیون حافظ قرآن

نمودار شماره ۱: الگوی پارادایمی مدل حفظ قرآن در اندیشه‌های مقام معظم رهبری





ب. تبیین و تحلیل الگوی حفظ قرآن در اندیشه‌های مقام معظم رهبری

در این پژوهش به روش داده بنیاد از متن سخنان مقام معظم رهبری به دنبال ارائه الگوی پارادایم بوده که در این الگو بتوان عوامل مؤثر، بستر و زمینه، موانع، راهبرد و پیامد حفظ قرآن را در اندیشه ایشان مورد بررسی قرار داد که با توجه به کدگذاری این الگو در نمودار بالا نشان داده شد. از جمله عوامل مؤثر در کلام مقام معظم رهبری برای حفظ قرآن که مجموعه‌ای از وقایع و شرایطی است که بر مقوله محور بودن اثر می‌گذارد، عبارت است از اعتقاد به اینکه قرآن کتابی و حیانی از طرف خداوند و نازل شده بر رسولش است و به وعده‌ها و آیات قرآن باور و ایمان دارند که قرآن باعث نجات و هدایت انسان می‌گردد. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «قرآن کریم، نوری است که قندیل‌های آن خاموش نمی‌شود» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸). یا در جای دیگر امام می‌فرمایند: «همانا پرچم هدایتی برای شما بر افراشتند، با آن هدایت شوید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶) و در سخنی هم در توصیف پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بیان داشته اند: «خداوند او را با نوری فروزان، برهانی آشکار، راهی پیدا و کتابی راه‌نما، برانگیخت (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۱).

از جمله بسترها و زمینه‌ها در اندیشه مقام معظم رهبری عبارت است از: تهذیب و طهارت، خلوص قلب، حفظ قرآن از کودکی، استفاده از زمان و فرصت جوانی برای حفظ، تشویق خانواده، تلاوت‌کننده مستمر. مقام معظم رهبری بسیار توصیه دارند حفظ قرآن از کودکی آغاز گردد و از پدر و مادری که فرزند خود را به قرآن خواندن تشویق می‌کند تقدیر گردد، ایشان بیان داشته‌اند قدر جوانی را بدانید و در جوانی به امر حفظ قرآن مشغول شوید؛ نه اینکه در زمان پیری مقدور نباشد اما سخت است، آیت الله خویی را ایشان مثال می‌زنند که در سن پیری آیات قرآن را حفظ نمودند و حسرت می‌خورند چرا خود حفظ ننمودند. در خاطرات آیت الله حسن زاده آملی هم نوشته شده است که می‌گفتند کاشکی کسی به من گفته بود و در جوانی آیات قرآن را حفظ نموده بودم (بدیعی، ۱۳۹۲: ۸۰)

آیات قرآن در دلی می‌نشیند که پاک باشد و طهارت داشته باشد چون سخن خداوند است و در نهایت هم در روایت از امام علی (علیه السلام) آمده است: «قرآن را بخوانید و حفظ کنید زیرا خداوند متعال، دلی را که ظرف قرآن باشد، عذاب نمی‌کند» (شعیری، ۱۴۱۴: ۱۱۵). خانواده نقش بسیار زیادی می‌تواند در حفظ فرزند خود داشته باشد چون حفظ قرآن کار سختی است و نیاز به تربیت صحیح خانواده و تشویق خانواده دارد و انس با قرآن در کودکی بسیار اثر گذار است چنان که در روایت آمده است: «فرزندان خود را از کودکی با دین آشنا نمایید تا قبل از اینکه دشمنان بر شما سبقت بگیرند» (کلینی، ۱۳۶۵: ۹۲/۲).

از جمله بسترهای لازم برای حفظ، این است تلاوت کننده مستمر باشد که مقام معظم رهبری در سخنانشان به آن اشاره دارند، درواقع یکی از ویژگی‌های بارز حافظان این ویژگی است و شاید این صفت موجب برتری حافظ قرآن نسبت به دیگران باشد چون یک حافظ قرآن برای اینکه محفوظات خود را نگه دارد مستمرا باید آیات قرآن را تلاوت کند، چنان که در آیات قرآن هم اشاره شده است: «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَءَاخِرُونَ يَصْرُبُونَ فِي الْأَرْضِ يَتَتَّبِعُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَءَاخِرُونَ يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ» (مزمّل، ۲۰) آنچه برای شما میسر است آیات قرآن را تلاوت کنید، خداوند در این آیات بیان می‌کند درست است گروهی از شما مریض هستید، گروهی به سفر می‌روید و گروهی در راه خدا جهاد می‌کنید اما باز تکرار نموده است آنچه برای شما میسر است آیات قرآن را تلاوت کنید. به گونه‌ای خداوند در این آیات بیان می‌کند من خدا می‌دانم شما مشغله کاری دارید اما تلاوت قرآن فراموش نشود، حتما در برنامه‌ریزی روزانه خود زمانی را برای تلاوت قرآن تعریف نمایید. حُسن حافظ قرآن این است که برای تکرار محفوظات خود به صورت مستمر قرآن را تلاوت می‌نماید. و این تلاوت منجر به خودسازی و پرورش ایمان و تقوا می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱).

از جمله راهبردها و روش‌ها ترویج تجلیل از قهرمانان قرآنی، قرار دادن جایزه و پاداش برای بچه‌های ابتدایی، تشویق به حفظ قرآن از دبستان، اهمیت دادن به امر حفظ، کاربردی کردن حفظ آیات است. مقام معظم رهبری نظر دارند حفظ از کودکی آغاز شود حتی مدارس هم به این امر اهتمام بورزند اما تأکید دارند حفظ اجباری نباشد بلکه از راه تشویق و جایزه برای بچه‌ها انگیزه ایجاد گردد که آیات را حفظ کنند. در روایات شیوه و زمان یادگیری قرآن بیان شده است، روایات زیاد بر یادگیری از کودکی سفارش نموده و آثار و برکات زیادی برای آن ذکر شده است از جمله در روایتی از پیامبر ﷺ است: «هرکس پیش از آن که بالغ گردد، قرآن خوان شود، هر آینه در کودکی به او حکمت داده شده است» (بیهقی، ۱۴۱۰: ۳۳۰/۲) مورد دیگر اهمیت به تشویق و جایزه است که مقام معظم رهبری به آن اشاره داشته‌اند. در روایات تشویق و جایزه برای بچه‌ها و همچنان برای استاد و معلم قرآن هم بسیار دیده می‌شود روایات بسیار زیبای نوع برخورد امام حسین (علیه السلام) با معلم قرآن فرزندش، هنگامی که سوره‌ای از قرآن که یاد گرفته بود برای امام خواندند، امام هزار دینار و هزار خلعت به معلم او داد وقتی براین کار امام خُرده گرفتند، فرمود: «این کجا و عطای او (تعلیم دادن سوره حمد) کجا؟! (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶).



راهبرد دیگر اعطای درجات خاص به حافظان قرآن است. در روایت بیان شده است: «اهل قرآن پس از پیامبران و فرستادگان الهی، در بالاترین درجات انسانی‌اند. پس حقوق اهل قرآن را ناپیچشمارید که آنان نزد خدای جبار، منزلتی والا دارند (کلینی، ۱۳۶۵: ۶۰۳/۲). احترام و تکریم دیگران امری مهم در دین ماست و باتوجه به روایات احترام و جایگاه و درجات حافظان قرآن متفاوت است و حتی در روایات «حافظان قرآن» به عنوان «دوستان خدا» به حساب آمده‌اند، در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است: «حافظان قرآن، دوستان خدا هستند، پس هر که با آنان دشمنی ورزد، با خدا دشمنی ورزیده است و هر کسی با آنان دوستی ورزد، با خدا دوستی ورزیده است» (متقی، ۱۴۱۹: ۵۱۵/۱). در روایت دیگر پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «حافظان قرآنی را باید گرمی داشت که نه در آن غلو می‌کنند و نه از آن دوری می‌ورزند...» (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۳۵) بر اساس این روایت حافظ قرآن باید عمل‌کننده به آیات قرآن باشد و در آن غلو نکند.

از جمله موانع عبارت‌لند از پرکردن ذهن بچه‌ها با اعداد ریلنه‌ای، سن پیری و فراموشی است، نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، گاهی در حفظ قرآن به حواشی پرداخته می‌شود که فایده‌ای در بر ندارد مانند پرکردن ذهن بچه‌ها با اعداد رایانه‌ای است مانند اینکه این سوره چند حرف دارد این‌ها ضرورت ندارد، اما پرداختن به مباحثی مانند اینکه عبارت «هو السميع العليم» چندبار و چگونه آمده است می‌تواند نکته تدبیری و تاملی در پی داشته باشد و مفید است. نکته دیگر که از موانع به حساب می‌آید و بسیار مهم است که در حفظ آیات مقام معظم رهبری هم به آن اشاره داشتند نگه داشتن محفوظات و دوره‌کردن است که منجر به فراموشی نگردد، اگر آیات دوره نشود فراموش خواهند شد.

حفظ قرآن در صورتی به نتیجه اصلی و جاوید خود می‌رسد که شخص حافظ، آن را تا آن جا که می‌تواند، در خاطر خود نگاه دارد و از سر بی‌اعتنایی و سهل‌انگاری، آن را از یاد نبرد. در روایات فراموشی قرآن به عنوان یک حسرت در روز قیامت بیان شده است. امام صادق ﷺ می‌فرماید: «هرکسی سوره‌ای از قرآن را فراموش کند، آن سوره در بهشت به صورتی زیبا و درجه‌ای بلند برایش نمودار می‌شود و چون آن را ببیند می‌گوید: «تو کیستی؟ چه زیبایی. ای کاش از آن من بودی». آن سوره می‌گوید: «مرا نمی‌شناسی؟ من فلان سوره هستم. اگر فراموشم نکرده بودی، تو را تا این درجه بالا می‌آوردم» (کلینی، ۱۳۶۵: ۶۰۴/۲).

در برخی روایات پیامدهای سخت و دردناکی مانند واردشدن در آتش دوزخ برای فراموش کردن قرآن ذکر شده است (صدوق، ۱۴۱۳: ۱۲/۴) در برخی روایات هم راوی صریحا از امام پرسیده است اگر قرآن را حفظ بوده و فراموش کنیم آیا گناهی است و امام در جواب فرمودند: خیر (کلینی، ۱۳۶۵:

۶۳۳/۲). حاصل جمع این دو دسته روایات، این است که فراموش کردن آیات حفظ شده، نکوهیده است اما حرام نیست (مسعودی، ۱۳۹۶: ۱۵۸)؛ در واقع فراموشی آیات از موانع حفظ آیات قرآن است چنان که مقام معظم رهبری هم به آن اشاره نموده‌اند.

پیامدی که حفظ قرآن در بر دارد: رسیدن به رشد و تعالی و معارف عالی، رسیدن به تدبیر، تشخیص حرف درست از نادرست، آسان خوانی قرآن، فکر و عمل قرآنی داشتن، انس با قرآن، هدایت به سوی نور است. از آنجایی که قرآن نور است و باعث هدایت انسان می‌گردد مقام معظم رهبری تأکید دارند، قرآن از اول تا آخر خوانده شود چندین بار تا معارف قرآنی یکجا با ذهن انسان آشنا شود. تأکید ایشان بر حفظ است و اعتقاد دارند اگر آیات حفظ کنید مجبورید بارها آیات را تکرار کنید و این منجر به تدبیر و تأمل در آیات می‌گردد. کلید اصلی تدبیر و تأمل در آیات قرآن است. در واقع ایشان بیان می‌کنند اگر اعتقاد داریم باید به قرآن عمل کنیم، باید جامعه‌مان، فرمان، عملمان، باورمان را قرآنی کنیم. در روایت آمده است: «حافظان قرآن را رحمت خدا در میان گرفته است و جامعه‌ای از نور خدا، بر آنان پوشانده شده است (شعیری، ۱۵/۱۴۱۴).

مقام معظم رهبری بیان می‌کنند: «باید روزی برسد که جوانان این مملکت بتوانند براساس قرآن درستی یا غلط بودن یک حرف را تشخیص دهند». پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «إِذَا التَّبَسَّتَ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ، كَقَطْعِ أَلِيلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۵۹/۲) رسول خدا ﷺ فرمود: هنگامی که فتنه‌ها، هم چون پاره‌های شب تاریک، شما را در خود پیچید، بر شماست که به قرآن تمسک جوید. براساس روایات این قرآن است که می‌تواند در فتنه‌ها انسان را نجات دهد و معیار تشخیص درست یا غلط بودن حرف را براساس آیات قرآن می‌توان تبیین نمود. در روایت بسیار زیبایی حامل قرآن به انباری پُر از مُشک تشبیه شده است: «قرآن را بیاموزید، زیرا حکایت حامل قرآن، حکایت مردی است که انبانی پر از مُشک با خود دارد. اگر در آن را باز کند، در را بر بوی خوش گشوده است و اگر درش را ببندد، باز هم بوی خوش در انبان است (نوری، ۱۴۰۷: ۲۴۶/۴؛ ترمذی، ۱۳۵۷: ۱۵۶/۵) بر اساس این روایت آیات قرآن خود دارای فضیلت است؛ این انسان است که می‌تواند از این فضیلت بهره‌برد یا بهره‌نبرد، همانند خورشید که در آسمان نور از خود دارد می‌توان از این نور استفاده نموده و می‌توان خود را در فضای تاریکی قرار داد و بهره‌نبرد. در روایت دیگر، امام علی ﷺ قرآن را شفای بزرگ‌ترین دردها، مثل: کفر، نفاق، بیراهی و گمراهی شمرده است (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶).

چشم‌اندازی که در ذهن ایشان است شکوفایی قرآنی، حاکم شدن فرهنگ قرآنی، رسیدن به ده میلیون حافظ قرآن است؛ ایشان بیان می‌دارند اگر ما فرهنگ قرآنی داشته باشیم، کسی به راحتی نمی‌تواند به نام قرآن و اسلام شبهه‌افکنی کند، راهش این است که با آیات قرآن انس بگیریم، تدبیر کنیم که یکی از روش‌های انس گرفتن، حفظ آیات قرآن است.



نتیجه گیری

در زمینه حفظ قرآن پژوهش‌هایی انجام شده است لیکن پژوهشی که سخنان مقام معظم رهبری را در حفظ جمع‌آوری نموده باشد وجود ندارد و این مقاله کاری نو و بدیع است. مقام معظم رهبری در سخنان خود بسیار به حفظ آیات قرآن تأکید دارند، اصرار ایشان از آن نظر است که بیان می‌کنند یک حافظ قرآن، مکرر آیات قرآن را تکرار می‌کند و با کلام الهی همنشین است لذا هم انس ایجاد می‌گردد و هم منجر به تدبر و تفقه در آیات می‌گردد. در این پژوهش از طریق روش داده بنیاد متنی سخنان مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار گرفته و کدگذاری انجام گردید و مقوله‌ها تعیین و بعد از اتصال مقوله‌ها و پیوند متنی کدگذاری محوری و انتخابی تعیین گردید و در نهایت باتوجه به اندیشه ایشان الگویی برای حفظ طراحی گردید که در این الگو عوامل موثر عبارتند از اعتقاد به کلام الهی بودن و نازل شدن بر رسولش حضرت محمد ﷺ، باور به وعده‌های قرآن و باور به آیات قرآن، اعتقاد به نجات و هدایت از طریق قرآن، از جمله بسترهایی که درکلام مقام معظم رهبری کمک دهنده و یاری دهنده به حفظ قرآن است عبارت است از تهذیب و طهارت، خلوص قلب، حفظ قرآن از کودکی، استفاده از زمان و فرصت جوانی برای حفظ، تشویق خانواده، تلاوت کننده مستمر است که بیان شد از جمله ویژگی حافظ قرآن تلاوت مستمر آیات قرآن است و از جمله راهبردها و روش‌ها عبارتند از ترویج تجلیل از قهرمانان قرآنی، قرار دادن جایزه و پاداش برای بچه‌های ابتدایی، تشویق به حفظ قرآن از دبستان، اهمیت دادن به امر حفظ، اعطای درجات خاص به حافظان قرآن، کاربردی کردن حفظ آیات و از جمله نکاتی که باید رعایت شود یک حافظ باید محفوظات خود را تکرار نماید و همین تکرار است که انس ایجاد می‌کند، دیگر اینکه در سن پیری حافظه خیلی یاری نمی‌دهد و فرصت نیست، حفظ را در جوانی قدر بدانید و به جای پرکردن ذهن بچه‌ها از تعداد حروف یک سوره به مواردی مانند تکرار برخی کلمات مثل «و هو السميع العليم» و علت تدبری آن پرداخته شود. از جمله پیامدهایی که مقام معظم رهبری خیلی اصرار به حفظ دارند عبارت است از رسیدن به رشد و تعالی و معارف عالی، رسیدن به تدبر، تشخیص حرف درست از نادرست، آسان خوانی قرآن، فکر و عمل قرآنی داشتن، انس با قرآن، هدایت به سوی نور و چشم‌اندازی که ایشان ترسیم نمودند: شکوفایی قرآنی، حاکم شدن فرهنگ قرآنی و رسیدن به ده میلیون حافظ قرآن است.

پیشنهادهای برای حفظ قرآن

اگر کسی قصد حفظ آیات قرآن را دارد باید به چند نکته توجه کند:

۱. شرکت در کلاس‌های حفظ: بدون کلاس حفظ امکان پذیر است لیکن سخت است، شرکت در کلاس‌ها باعث می‌شود انسان انگیزه‌اش بیشتر باشد و پشتمانه‌ای داشته باشد و این برای حفظ خیلی مهم است.

۲. انتخاب قرآن بدون ترجمه، درستی: یک قرآن که بهتر است قرآن عثمان طه باشد انتخاب شود و سعی کنید بدون ترجمه باشد که تمرکز شما روی صفحات بیشتر باشد و ترجمه را از روی قرآن دیگر بخوانید.

۳. استفاده از ترتیل اساتید: برای حفظ یک استاد انتخاب شود و هنگام حفظ کردن آیه، تلاوت آن استاد برای حفظ گذاشته شود و بعد آیات را حفظ کنید.

دوره کردن آیات: دوره کردن، از خود حفظ کردن آیه مهم تر است، اگر آیات دوره نشوند، فراموش خواهند شد و این به یک حافظ آسیب می‌زند، روش‌های مختلفی برای دوره کردن است، نوشتن، تکرار با شماره، روش مباحثه.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ابوالفضل بهرامپور، قم: نشر سبحان و حر، ۱۳۸۵ش.
۲. نهج البلاغه، دشتی، محمد، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲ش.
۳. ابن شهر آشوب، ابوعبدالله محمد بن علی، المناقب، نجف: مکتب حیدریه، ۱۳۷۶ق.
۴. بحر العلوم، محمد مهدی، پهلوان، منصور، «جایگاه قرآن و مراتب حفظ آن در روایات با تأکید بر نهج البلاغه»، پژوهش‌های نهج البلاغه، شماره ۶۹، ۱۰۵-۱۱۸، ۱۴۰۰ش.
۵. بدیعی، مجتبی، بررسی تحلیلی روش‌های حفظ قرآن کریم، نشریه قرآنی کوثر، شماره ۶۹، ۱۴۰۰ش.
۶. بدیعی، محمد، گفتگو با علامه حسن حسن زاده آملی، قم: تشیع، ۱۳۹۲ش.
۷. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، شعب الایمان، تحقیق محمد سعید بسیونی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۸. پیشگر، امید، مسجدی، حیدر، معناشناسی حفظ قرآن در روایات، علوم حدیث، شماره ۶۷، ۱۵۱-۱۶۷، ۱۳۹۲ش.
۹. ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی، سنن ترمذی، تحقیق: عبدالوهاب عبداللطیف، احمد محمد شاکر، بیروت: دارالفکر، ۱۳۵۷ق.
۱۰. خنیفر، حسین، مسلمی، ناهید، اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی رویکردی نو و کاربردی، تهران: انتشارات نگاه دانش، ۱۴۰۱ش.
۱۱. رضوی، سید مجتبی، & جبرئیلی، عبدالله. (۱۴۰۰). تأثیرات فردی و اجتماعی حفظ قرآن در تمدن اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب. مطالعات قرائت قرآن، ۹(۱۷)، ۳۶-۶۳. doi: 10.22034/qer.2022.6508
۱۲. سمرقندی، ابوليث نصر بن محمد، تنبيه الغافلین، تحقیق یوسف علی بدیوی، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۱۳ش.
۱۳. شعیری سبزواری، محمد بن محمد: امع الاخبار او معارج الیقین فی اصول الدین، تحقیق موسسه آل البيت (ع)، قم: موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق.
۱۴. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

۱۶. طوسی، ابوجعفر محمدبن الحسن، امالی طوسی، قم: موسسه البعثة، ۱۴۱۴ق.
۱۷. عاملی: فخر مرتضی، پژوهشی نو درباره قرآن کریم، قم: شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
۱۸. عسکری، مرتضی، قرآن الکریم و روایات المدرستین، تهران: جمع علمی الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق.
۱۹. فراستخواه، مقصود، روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه برپایه (گرنند تنوری)، تهران: نشر آگاه، ۱۳۹۵ش.
۲۰. قاسمی شوب، محمد، & نبوی، سیدمجید. (۱۴۰۱). بررسی سبک زندگی از منظر آیت الله خامنه ای با تأکید بر رویکرد، مبنا و نحوه اجرا. فصلنامه قرآن و علوم اجتماعی، ۲(۱)، ۹-۲۷. doi: 1022064/arq.2022.346034.1097
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۶۵ش.
۲۲. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۲۳. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: دارالحديث، ۱۳۸۴ش.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار لجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت: داراحیاء التراث، ۱۴۱۲ق.
۲۵. مسعودی، عبدالهادی، قرآن در روایات، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، ۱۳۹۶ش.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ش.
۲۷. نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: موسسه آل البيت، ۱۴۰۷ق.



References

1. *Quran –e – Karim (The Holy Quran)*, Abolfazl Bahrampour, Qom: Nashr Sobhan va Hurr, 1385 SH (2006 CE).
2. *Nahj al-Balaghah (The Path of Eloquence)*, Mohammad Dashti, Qom: Entesharat Masjed-e Moqaddas-e Jamkaran, 1382 SH (2003 CE).
3. Ameli, Jafar Murtaza, *Pazhushi Nou darbarez Quran Karim (A New Research on the Holy Quran)*, Qom: Shoraye Hamahangi-ye Tablighat-e Eslami, 1374 SH (1995 CE).
4. Askari, Morteza, *Quran al-Karim va Ravayat-e Maddrastin (The Holy Quran and the Narratives of the Two Schools)*, Tehran: Jami al-Alami al-Islami, 2nd Edition, 1416 AH (1995 CE).
5. Badi'i, *Barrasi Tahqiqi Ravesh-haye Hifz-e Quran Karim (Analytical Study of Methods for Memorizing the Holy Quran)*, Mojtaba, Nashrieh Qorani Kowsar, No. 69, 1400 SH (2021 CE).
6. Badi'i, *Goftogu ba Allameh Hassan Hassanzadeh Amoli (Interview with Allameh Hassan Hassanzadeh Amoli)*, Mohammad, Qom: Tashieh, 1392 SH (2013 CE).
7. Bahral Ulum, Mohammad Mehdi Pahlavan, "*Jayegeyah-e Quran va Marateb-e Hifz An dar Rivayat ba Takid bar Nahj al-Balaghah (The Position of the Quran and Its Levels of Preservation in Narratives with Emphasis on Nahj al-Balaghah)*," *Pajooresh-haye Nahj al-Balaghah*, No. 69, 105-118, 1400 SH (2021 CE).
8. Baihaqi, Abu Bakr Ahmad Bin Husayn, *Shu'ab al-Iman (Branches of Faith)*, Edited by Mohammad Saeed Busayri, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1410 AH (1990 CE).
9. Farastakhvah, Maqsd, *Ravesh-e Tahqiqi dar Olum-e Ejtemaei ba Takhid bar Nazariyeh Berpae (Grounded Theory-Based Qualitative Research Methodology in Social Sciences)*, Tehran: Nashr-e Agah, 1395 SH (2016 CE).
10. Ghasemi Shub, M., & nabavi, S. M. (2022). Lifestyle from the perspective of Grand Ayatollah Khamenei (approach, basis, method of implementation). *Applied Research in the Field of Quran and Hadith*, 2(1), 9-27. doi: 1022064/arq.2022.346034.1097.
11. Ibn Shahra Ashub, *Al-Manaqib (The Virtues)*, Abu Abdullah Mohammad Bin Ali, Najaf: Maktab Haydariyyah, 1376 AH (1956 CE).
12. Khonifar, Hossein, Moslemi, Nahid, *Usul va Mabani Ravesh-haye Pazhuveshi Rowgari Rooznamehi Nou va Karbordi (Principles and Foundations of Qualitative Research Methods: A New and Practical Approach)*, Tehran: Negah-e Danesh, 1401 SH (2022 CE).
13. Kulayni, Mohammad Bin Ya'qub, *Al-Kafi*, Edited by Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah, 1365 SH (1986 CE).

14. Majlisi, Mohammad Baqir, *Bihar al-Anwar (The Seas of Lights) - Comprehensive Collection of Reports on the Pure Imams*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1412 AH (1991 CE).
15. Makarem Shirazi, Naser, *Tafsir Nemooneh (The Exemplary Interpretation)*, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah, 1371 SH (1992 CE).
16. Mas'oodi, Abdul Hadi, *Quran dar Ravayat (Quran in Narratives)*, Qom: Moasseseh-e Ilmi Farhangi Dar al-Hadith, 1396 SH (2017 CE).
17. Mohammadi Reyshahri, Mohammad, *Mizane al-Hikmah (The Scale of Wisdom)*, Qom: Dar al-Hadith, 1384 SH (2005 CE).
18. Motaghi, Ali Bin Husam al-Din, *Kunuz al-Amal fi Sunan al-Aqwal wa al-Afal (Treasure of Deeds in the Traditions of Sayings and Actions)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1419 AH (1998 CE).
19. Nouri, Hussein, *Mustadrak al-Wasail wa Mustanbat al-Masail (Supplement to Means and Derived Rulings)*, Qom: Moasseseh-e Al al-Bayt, 1407 AH (1987 CE).
20. Pishgar, Omid, Masjedi, Heydar, *Ma'navashenasi-e Hifz-e Quran dar Ravayat (Semantics of Memorization of the Quran in Narratives)*, Ilm-e Hadith, No. 67, 151-167, 1392 SH (2013 CE).
21. Rizvi, S. M., & Jebraeili Jolodar, A. (2022). The Individual and Social Effects of Memorizing the Quran and Its Role in Islamic Civilization with Emphasis on the Declaration of the Second Step of the Revolution. 5- QERA'T, 9(17), 36-63. doi: 10.22034/ger.2022.6508.
22. Saduq, Mohammad Bin Ali, *Man La Yahduruhu al-Faqih (He Who Has No Access to a Jurist)*, Qom: Daftar Entesharat-e Eslami, 1413 AH (1992 CE).
23. Samarqandi, Abul Lais Nasr Bin Mohammad, *Tanbih al-Ghafilin (Warning to the Heedless)*, Researched by Yousef Ali Badiwi, Damascus: Dar Ibn Kathir, 1413 AH (1993 CE).
24. Shayari Sabzevari, Mohammad Bin Mohammad, *Jame al-Akhbar va Ma'arej al-Yaqin fi Usul al-Din (Comprehensive Compilation of Reports and Ascensions of Certainty in the Principles of Religion)*, Researched by Al al-Bayt Institute, Qom: Moasseseh-e Al al-Bayt, 1414 AH (1993 CE).
25. Tabarsi, Fadl Bin Hassan, *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Compendium of Exposition in Quranic Interpretation)*, Tehran: Nashr-e Naser Khosrow, 1372 SH (1993 CE).
26. Tirmidhi, Abu Isa Mohammad Bin Isa, *Sunan Tirmidhi*, Edited by Abdul Wahhab Abdul Latif, Ahmad Mohammad Shakir, Beirut: Dar al-Fikr, 1357 AH (1938 CE).
27. Tusi, Abu Ja'far Mohammad Bin al-Hassan, *Amali Tusi (Dictations of Tusi)*, Qom: Moasseseh-e Al Be'thah, 1414 AH (1993 CE).

مطالعات قرائت قرآن

مزایای اشتراک

۱. دریافت به موقع و منظم فصلنامه
۲. رایگان بودن هزینه ارسال فصلنامه

نحوه اشتراک

۱. هزینه اشتراک یکساله (۲ شماره) ۸۰۰۰۰ تومان
 ۲. تماس با دفتر مجله مطالعات قرائت قرآن و اطمینان از موجود بودن نشریه: ۳۷۱۱۰۲۲۵
 ۳. واریز مبلغ مذکور به شماره ۳۲۷۲۹۴۱۱۳۰ بانک ملت، به نام مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره)
 ۴. تکمیل فرم درخواست اشتراک
 ۵. ارسال فرم درخواست اشتراک به همراه فیش بانکی به نشانی: قم، میدان جهاد، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۳۷۹۷
- تلفن: ۰۲۵-۳۷۱۱۰۵۳۵ دورنگار: ۰۲۵-۳۷۷۲۰۹۱۳
- مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، گروه علوم و فنون قرانات، www.quran.imam.miu.ac.ir
- دریافت مقالات از طریق www.qer.journals.miu.ac.ir
- دریافت نامه از طریق Email: Qeratpajohi@imam.miu.ac.ir

برگ درخواست اشتراک

نام و نام خانوادگی:

سازمان / نهاد / و...:

تلفن تماس: کدپستی:

آدرس دقیق پستی:

توضیحات:

شروع اشتراک از شماره: کد اشتراک قبلی:

In the name of Allah, the Most Beneficent, the Most Merciful

Studies of Quran Reading

A Scientific Bi-Quarterly

Year 11. No. 21. Autumn and Winter 2024

Concessioner: Al-Mustafa International University

Publication place: Quran and Hadith High Educational Complex

Editor-in-Chief: Muhammad Ali Rezaie Isfahani

Editor: Muhammad Fakir Maibudi

ISSN (Print): 2676-6906

ISSN (Online): 2676-6914

Editorial Board: (Based on Alphabetical Order)

Muhammad Reza Haj Ismaili	Professor of Quranic Sciences and Hadith, Isfahan University
Muhammad Ali Rezaei Isfahani	Professor of Quranic Sciences and Hadith, Al-Mustafa International University
Muhammad Fakir Maibudi	Professor of Quranic Sciences and Hadith, Al-Mustafa International University
Muhammad Mahdi Gorgian	Professor of Islamic mysticism, Al-Mustafa International University
Qasim Bustani	Associate Professor Quranic Sciences and Hadith of Chamran University, Ahwaz
Muhammad Jannatifar	Associate Professor of Arabic Literature and language, Islamic Azad University, Qom
Muhammad Reza Sotudah Niya	Associate Professor Quranic Sciences and Hadith, Isfahan University
Farajullah Al-Shazli	Professor of Al-Azhar Society - Egypt
Mohammad Amin Mashali	Associate Professor, Marmara University, Istanbul

Production Editor: Abbas Karimi

Internal Manager: Abbas Karimi

Editor: Ali Farhamandian

Page Designer: Akbar Jafari

English Translator and editor: Barakat Allah Sinavi

Circulation: 50 copies

Price: 400.000 Rials

Address: Quran and Hadith High Educational Complex, Jihad Square, Qom, Iran
Research Assistant.

Tele: 025-37110535

Fax: 025-37734094

Postal Box: 37185- 3797

Mail: Qeratpajohi@imam.miu.ac.ir

Site: www.qer.journals.miu.ac.ir